

## صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: محمد قاسمی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: سید محمد خونی

### اعضای هیئت تحریریه:

- محسن اسماعیلی (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)  
 حسین افشین (دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)  
 ابراهیم بیگ‌زاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)  
 فردین تقی‌زاده (دانشیار دانشکده علوم پایه دانشگاه یاسوج)  
 کاظم جلالی (صاحب‌نظر سیاسی و استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی)  
 کرم‌اله دانشفرد (استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه علوم و تحقیقات)  
 حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)  
 محمد حسن صادقی مقدم (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)  
 علیرضا صدرا (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)  
 محمد قاسمی (صاحب‌نظر اقتصادی و استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)  
 ایروان مسعودی اصل (دانشیار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)  
 الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

داوران این شماره: عادل آذر، علیرضا آرش‌پور، حسنعلی آقاجانی، سید داوود آقایی، علی احمدی، محمد مهدی اسماعیلی، اعظم امینی، عباس بازرگان هرندی، احمد رضا توحیدی، مرتضی جوانعلی آذر، علیرضا دبیرنیا، ناصر رحمدل، فرج‌اله رحیمی، عباس رضائی پندری، فرهاد رهبر، شجاعت زارع، حسن سبحانی، راحله سیدمرتضی حسینی، روح‌اله طالبی آرانی، میترا عزتی، وحید ماجد، منوچهر متکی، محسن مرادیان، محمد مظهری، سیدرضا موسوی نیا، وحید مهربانی، محمدقلی میناوند، سیدمرتضی نبوی، علی اشرف نظری، نورمحمد نوروزی، بیژن نهاوندی، محمد رضا نیله چی، سید عباس هاشمی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
- مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
- بانک اطلاعات نشریات کشور
- پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: ناهید عطاردی

مترجم و ویراستار انگلیسی: سارا قاسمی تراقی

صفحه‌آرا: اکرم جدیدی

www.isc.gov.ir (ISC)

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روپروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵

دفتر فصلنامه (زینب احمدی):

۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۴۹

دورنگان

امور مشترکین:

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

## ویژگی های یک مقاله راهبردی علمی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی حداقل یکی از ویژگی های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته های جدید علمی حاصل از طرح های پژوهشی، رساله های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش های بنیادی، کاربردی، توسعه ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش های کلان فراروی آن و همچنین آینده نگاری برای تصمیم سازان ذی ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین رشته ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه های مختلف داخلی و بین المللی حیات سیاسی کشور.

## فهرست مطالب

---

بحران آب و مهاجرت بین‌استانی در ایران: کاربرد مدل پانل پویای تصادفی فضایی گشتاورهای  
تعمیم‌یافته دوربین ..... ۵

یونس نادمی و سید پرویز جلیلی کامجو

اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران ..... ۳۳

سیدجمال جمالی اسگویی، احمد بخشایشی اردستانی و میرقاسم بنی‌هاشمی

بررسی نوسانات نرخ ارز بر صادرات و ارزش افزوده صنایع غذایی ایران (کاربرد الگوی  
خودرگرسیون برداری ساختاری) ..... ۵۹

محمد رضا کهنسال و مهدی محمودی

طراحی الگوی مفهومی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان ..... ۹۵

اسما سلطانی نژاد، علی مروتی شریف‌آبادی، حبیب زارع احمدآبادی و احمد جعفرنژاد

چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با هنجارهای حقوق بشری نظام  
بین‌الملل براساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها ..... ۱۲۳

یحیی فوزی و محمد محمودی‌کیا

نوواراسیاگرایی روسیه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه ..... ۱۴۵

حسین اطهری و محسن بختیاری جامی

رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی‌گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران: کاربست علم سودمند در  
جهت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ..... ۱۷۳

علی اصغر پورعزت و بهنام عبدی

حکمرانی خوب شهری به منزله مرجعیت سیاستگذاری شهری؛ تحلیل محتوای برنامه پنجم و  
ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۹۵

ابوالفضل قاسمی، محمدتقی قزلسفلی و یوسف مسلمی مهنی

طراحی چارچوب سیاستگذاری توسعه پایدار با رویکرد ترکیبی ISM-IPA ..... ۲۲۳

عباس رضائی پندری

تسری «محاربه» به «راهزنی دریایی» از منظر فقه شیعه و حقوق کیفری ایران ..... ۲۴۳

امیرمقامی و جواد رستمی

واکاوی استقلال اقلیم کردستان عراق با تأکید بر نقش هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای و  
فرامنطقه‌ای ..... ۲۷۱

علی شیاری و محمدحسین فرهنگی

بررسی تطبیقی جایگاه رویه قضایی در نظام حقوقی ایران و فرانسه ..... ۲۹۵

جعفر جمشیدپور، غفور خوئینی و فرهاد تجری

تبیین الگوی دانشگاه کارآفرین از طریق رهیافت مدل‌سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل  
فازی ..... ۳۱۷

حسین صمدی میارکلائی و حمزه صمدی میارکلائی

# بحران آب و مهاجرت بین‌استانی در ایران: کاربرد مدل پانل پویای تصادفی فضایی گشتاورهای تعمیم‌یافته دوربین

یونس نادمی\* و سید پرویز جلیلی کامجو\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۸	شماره صفحه: ۵-۳۲
------------------------	-------------------------	------------------------	------------------

هدف اصلی این پژوهش ارزیابی تأثیر تغییرات منابع آب سطحی و استخراج منابع آب زیرزمینی بر خالص مهاجرت در ۲۸ استان ایران در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۲ با استفاده از مدل پانل پویای تصادفی فضایی گشتاورهای تعمیم‌یافته دوربین با کاربرد ضرایب دومرحله‌ای آرلانو- باور/ بوندل - باند است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد استخراج منابع آب زیرزمینی تأثیر غیرخطی و آستانه‌ای بر مهاجرت بین‌استانی داشته است، بدین معنا که تا قبل از سطح آستانه سرانه ۳۳۴۳ مترمکعب، استخراج آب از طریق تقویت بخش کشاورزی تأثیر منفی بر مهاجرت داشته، اما پس از استخراج بی‌رویه منابع آب زیرزمینی و عبور از حد آستانه سرانه ۳۳۴۳ مترمکعب افزایش احتمال بروز خطر خشکسالی و قحطی منابع آب زیرزمینی، این متغیر تأثیری مثبت بر خالص مهاجرت داشته است. به این ترتیب حد آستانه استخراج منابع آب زیرزمینی سرانه به میزان ۳۳۴۳ مترمکعب، زنگ خطری برای مهاجرت‌های گسترده بین‌استانی محسوب می‌شود. با این حال متغیر منابع آب سطحی تأثیر معنادار بر مهاجرت نداشته است که دلیل آن سهم بسیار ناچیز منابع آب سطحی در تأمین آب در استان هاست که نمی‌تواند انگیزه کافی برای مهاجرت باشد.

**کلیدواژه:** مهاجرت؛ آب زیرزمینی؛ آب سطحی؛ مدل پانل پویای تصادفی فضایی گشتاورهای تعمیم‌یافته دوربین

\* استادیار اقتصاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (نویسنده مسئول)؛

Email: Younesnademi@abru.ac.ir

\*\* استادیار اقتصاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی؛

Email: parviz.jalili@abru.ac.ir

## مقدمه

بحران‌های محیط زیستی با سرعت فزاینده‌ای در ابعاد جهانی در حال افزایش است. از بحران تغییرات اقلیمی و گرم‌تر شدن کره زمین گرفته تا بحران خشکسالی و کمبود منابع آبی. در این میان کمبود منابع آبی و پدیده خشکسالی در ایران و منطقه خاورمیانه به مراحل خطرناکی نزدیک شده است. خشکسالی‌های پیاپی همراه با برداشت بیش از حد آب‌های سطحی و زیرزمینی از طریق شبکه بزرگی از زیرساخت‌های هیدرولیکی و چاه‌های عمیق، وضعیت آب کشور را به سطح بحرانی رسانده است (Madani, Aghakouchak and Mirchi, 2016). از نشانه‌های این وضعیت می‌توان به خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، پایین آمدن کیفیت آب، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و طوفان‌های گرد و غبار اشاره کرد (Ibid.).

بحران آب اثرات عمیقی بر نظام اقتصادی و اجتماعی نیز داشته است که یکی از مهمترین آنها مهاجرت از استان‌ها و مناطق خشک به شهرها بوده است. آمارها نشان می‌دهند جمعیت روستاهای کشور در بازه‌های زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۳/۱ و ۳/۳ درصد کاهش یافته است و در مقابل جمعیت نقاط شهری کشور در دو بازه مورد اشاره به ترتیب ۱۱/۱۶ و ۱۰/۳ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶-۱۳۷۵). در همین حال میزان استخراج منابع آب زیرزمینی نیز از اواسط دهه ۱۳۵۰ تا اواسط دهه ۱۳۸۰ روندی فزاینده داشته است، اما پس از آن این روند کاهش یافته است. علاوه بر بحث مهاجرت از روستا به شهرها، مهاجرت از شهرهای کم جمعیت به شهرهای پرجمعیت یا کلان شهرها مشکلی است که طی سه دهه گذشته روندی فزاینده داشته است، به طوری که رشد فزاینده جمعیت شهر تهران خود به تنهایی گویای این نکته است. به این ترتیب علاوه بر دلایلی همچون وجود فرصت‌های شغلی بیشتر و امکانات و خدمات فراوان آموزشی، بهداشتی، درمانی و تفریحی در کلان شهرها به خصوص در تهران و کمبود این امکانات در شهرهای کوچک، یکی از دلایل دیگر مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ، وجود خشکسالی و کم‌آبی در برخی از شهرستان‌های کم‌آب کشور نیز بوده است.

اگرچه مطالعات گسترده‌ای بر پدیده مهاجرت در کشور به خصوص از روستا به شهر و یا از شهرهای کوچک به کلان‌شهرها انجام شده است، اما ارتباط این پدیده با بحران کم‌آبی و تأثیر استخراج منابع آب زیرزمینی بر پدیده مهاجرت در بین استان‌های کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه این مسئله در ابعاد استان‌های کشور از نظر تجربی و اقتصادسنجی تاکنون مورد آزمون قرار نگرفته است و این مقاله برای اولین بار مطالعه‌ای تجربی در سطح استان‌های کشور انجام می‌دهد که از این منظر نوآوری دارد و لازم است مطالعات بیشتری نیز در این باره انجام شود تا بتوان آگاهی بیشتری نسبت به اثرات مهاجرتی پدیده خشکسالی در کشور پیدا کرد.

بنابراین در مقاله حاضر پس از مقدمه، پیشینه پژوهش در خصوص پدیده مهاجرت در کشور ارائه می‌شود. سپس ادبیات نظری پدیده مهاجرت با تأکید بر نقش کم‌آبی مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه مدل‌سازی اقتصادسنجی و برآورد و تحلیل نتایج ارائه و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

## ۱. پیشینه پژوهش

بیک محمدی و مغانی (۱۳۸۲) روند مهاجرت در استان فارس طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۳۵ را با روش‌های پژوهش تاریخی، توصیفی و تحلیلی بررسی کرده‌اند. آنها نشان دادند این استان در سال ۱۳۳۵ مهاجرفرست بوده است ولی در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ پذیرش مهاجرتی داشته اما مجدداً طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به دلایل مختلف از جمله پایین بودن تمرکز صنایع به‌ویژه صنایع بزرگ، خشکسالی، کمبود آب، نبود شغل و مهاجرت‌های شدید روستایی - عشایری به استانی مهاجرفرست تبدیل شده، به طوری که در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ موازنه مهاجرتی آن منفی بوده است. این مطالعه محدود به استان فارس بوده و از روش‌های اقتصادسنجی نیز استفاده نشده است.

میرزامصطفی و قاسمی (۱۳۹۲) به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ پرداخته‌اند. آنها نشان دادند که استان‌های البرز، تهران، اصفهان، گیلان و مازندران پنج استان عمده مهاجرپذیر و استان‌های خوزستان،

کرمانشاه، لرستان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری استان های مهاجر فرست در سال های مورد بررسی بوده اند. در مجموع آنها نشان دادند ۲۲ استان مهاجر پذیر و ۹ استان مهاجر فرست بوده اند. همچنین نتایج آنها نشان داده است که متغیرهای انتخابی شامل جمعیت، نرخ بیکاری، فاصله جغرافیایی، همسایگی، میزان شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت در منطقه مبدأ و مقصد به عنوان عوامل توضیح دهنده مهاجرت ارتباط منطقی با جریان مهاجرت دارند. در این مطالعه به عامل کم آبی توجه نشده است که با مطالعه حاضر می تواند تکمیل شود.

یارقلی، غلامی و اصغری (۱۳۹۳) به بررسی ارتباط خشکسالی و مهاجرت شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱ پرداخته اند. نتایج آنها نشان می دهد که یکی از دلایل کاهش جمعیت این ناحیه، مهاجرت است. عامل اصلی مهاجرت ساکنان سیستان کاهش نزولات جوی و خشک شدن چاه های موجود در منطقه است. خشک شدن دریاچه هامون نیز طی سال های مورد مطالعه در روند افزایش مهاجرت نقش بسزایی داشته است. این مطالعه اگرچه به بحث آب و مهاجرت پرداخته اما محدود به یک منطقه است و بنابراین مطالعه جامعی در مورد ارتباط آب و مهاجرت نیست.

متقی (۱۳۹۴) به بررسی عوامل اقتصادی مهاجرت در ایران با تأکید بر شاخص های درآمد و بیکاری در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۹ به روش خود توضیح برداری با وقفه های گسترده پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد شاخص های تولید ناخالص داخلی، بیکاری و شاخص حکمرانی خوب از عوامل اصلی بلندمدت تأثیرگذار بر میزان مهاجرت از ایران محسوب می شوند. در این میان کاهش بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و بهبود شاخص حکمرانی خوب به کاهش میزان مهاجرت از کشور منجر شده و این نتیجه مؤید نظریات مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه گرایان برای ایران است. این مطالعه نیز مهاجرت برون مرزی از ایران به سایر کشورها را مورد بررسی قرار داده و از شاخص های زیست محیطی و اجتماعی استفاده نکرده است.

نوبخت، قاسمی اردهائی و غلامی (۱۳۹۶) به بررسی و تحلیل پیامدهای اقتصادی - جمعیتی



خشکسالی در مناطق شرقی ایران شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی طی دو دوره سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که با کاهش بارندگی از سال ۱۳۷۵، میزان فقر با وقفه‌ای یک‌ساله در استان‌های مورد مطالعه افزایش یافته است. همچنین با بررسی میزان مهاجرت در شهرستان‌های سه استان مشخص شد که در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ مناطق مورد نظر مهاجرفرست بوده‌اند. آنها نتیجه گرفتند که خشکسالی در مناطق شرقی ایران به دلیل وابستگی عمیق جمعیت به دو مقوله آب و زمین، تأثیرات عمیق اقتصادی به جای گذاشته است؛ به طوری که مهاجرت‌های انجام شده همراه با تداوم خشکسالی‌های آینده می‌تواند زمینه را برای رهاسازی و خالی از سکنه شدن بسیاری از مناطق در شرق کشور فراهم کند. اگرچه این مطالعه به بررسی پدیده خشکسالی بر مهاجرت پرداخته، اما محدود به سه استان شرقی کشور است و سایر استان‌ها مناطق و را مورد بررسی قرار نداده است. همچنین آنان به اثرات فضایی پدیده مهاجرت نیز پرداخته‌اند.

صفایی‌پور و محلی (۱۳۹۶) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت از شهر اهواز با استفاده از مدل معادلات ساختاری و تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی فازی پرداختند. آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، اقدام به سنجش رابطه بین عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی با پدیده مهاجرت کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شاخص‌های زیست‌محیطی شامل اقلیم گرم و خشک، ریزگردها، کمبود منابع آب و خشکسالی بیشترین امتیاز را از جهت تأثیرگذاری بر مهاجرت از شهر اهواز دارد. پس از آن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این مطالعه نیز اگرچه عامل کمبود آب و خشکسالی را در مهاجرت مدنظر قرار داده اما محدود به شهر اهواز است و نگاه جامعی به پدیده مهاجرت در کل استان‌های کشور نداشته است.

مطالعات خارجی گسترده‌ای نیز بر روی عوامل مؤثر بر پدیده مهاجرت انجام شده است که البته مطالعات مرتبط با محیط زیست و تغییرات اقلیمی و ارتباط آنها با

مهاجرت نسبت به سایر عوامل کمتر مورد توجه بوده‌اند. در ادامه به برخی از مهمترین پژوهش‌های خارجی که رابطه آب و مهاجرت را بررسی کرده‌اند، اشاره می‌کنیم. بلک<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۱) به تأثیر تغییرات اقلیمی و محیط زیستی از جمله خشکسالی بر مهاجرت پرداخته‌اند. آنها نتیجه گرفتند که تغییرات اقلیمی و محیط زیستی از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم بر مهاجرت تأثیرگذار است؛ به طوری که تأثیر مستقیم آن به دلیل افزایش خطرات مکانی تفسیر شده است و تأثیر غیرمستقیم آن نیز از طریق تأثیرگذاری بر عوامل اقتصادی موجب تأثیرگذاری بر مهاجرت می‌شود. به عنوان مثال خشکسالی باعث کاهش بازدهی اقتصادی بخش کشاورزی و مهاجرت کشاورزان از مناطق کم‌آب می‌شود.

فیلدینگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر تغییرات زیست‌محیطی بر مهاجرت داخلی در بریتانیا پرداخته است. وی نتیجه گرفت که تغییرات زیست‌محیطی و اقلیمی در بریتانیا تأثیر چندانی بر بازتوزیع جمعیت این کشور نداشته باشد؛ اگرچه تأثیرات اندکی بر مناطق کنار رودخانه‌های بزرگ به دلیل ایجاد سیلاب‌ها خواهد گذاشت. او همچنین نقش دولت در سازگاری با تغییرات اقلیمی را عاملی کلیدی مطرح می‌داند.

نیومان<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۱۵) به بررسی عوامل زیست‌محیطی مؤثر بر مهاجرت در سرزمین‌های خشک جهان پرداخته‌اند. تمرکز این مطالعه بر عامل بارندگی، خشکسالی و فرسایش زمین است. آنها دو منطقه در آفریقا و آمریکای جنوبی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که عامل فرسایش زمین تأثیر بیشتری نسبت به عامل کمبود آب در افزایش مهاجرت داشته است.

مدنی، آفاکوچک و میرچی<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «خشکسالی اجتماعی - اقتصادی ایران: چالش‌های یک کشور ورشکسته آبی» به بررسی چالش‌های بحران آب در

1. Black and etal.

2. Fielding

3. Neumann

4. Madani, AghaKouchak and Mirchi

ایران پرداخته‌اند. آنها در این مقاله به پدیده مهاجرت از شهرها و مناطق کوچک به کلان‌شهر تهران اشاره و توزیع نامناسب جمعیت در کنار تقاضای ناهمگن آب در کشور را از چالش‌های مدیریت منابع آب معرفی کرده‌اند که البته تاکنون با روش‌هایی مانند سهمیه‌بندی و قطع موقتی منطقه‌ای آب این بحران مدیریت شده است.

برجین<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۷) تأثیر تغییرات اقلیمی بر مهاجرت را در سال‌های اخیر پدیده‌ای فزاینده مطرح کرده‌اند و اصطلاح پناه‌جویان تغییرات اقلیمی را مطرح کرده‌اند. این اصطلاح به افرادی اشاره دارد که به دلیل تغییرات اقلیمی همچون خشکسالی ناگزیر به مهاجرت می‌شوند.

بنابراین با توجه به کم بودن مطالعات در خصوص ارتباط آب و مهاجرت، مطالعه حاضر می‌تواند به سهم خود گام کوچکی در نشان دادن اهمیت تغییرات اقلیمی به خصوص خشکسالی در پدیده مهاجرت درون‌کشوری باشد. با این حال برای شناخت ابعاد بیشتر موضوع لازم است مطالعات بیشتری در این باره انجام شود.

## ۲. مبانی نظری

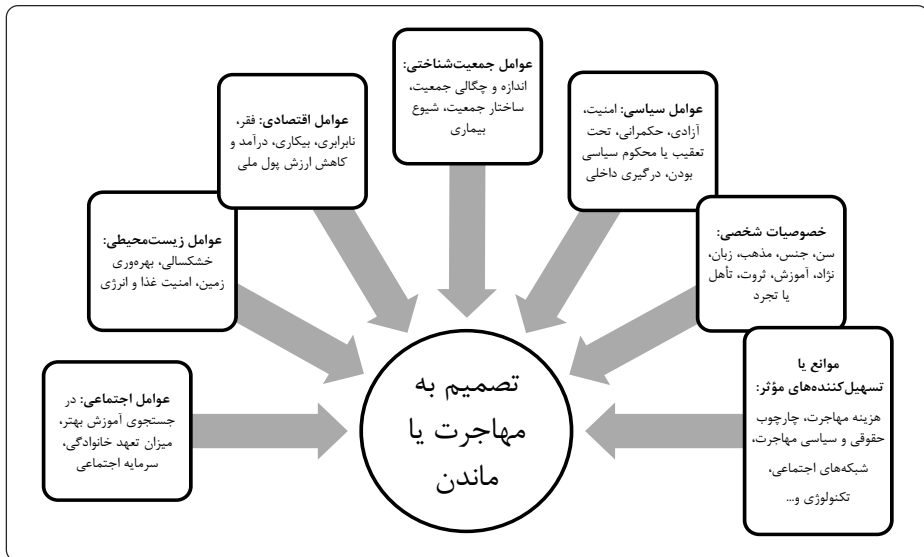
برای مهاجرت تعاریف متعددی ارائه شده است از جمله اینکه مهاجرت هرگونه حرکت و جابه‌جایی مکانی جمعیت به هر منظور، به هر هدف، به هر مدت و به هر فاصله است (صفایی‌پور و محلی، ۱۳۹۶). بیک‌محمدی و مغانی (۱۳۸۲) مهاجرت را جابه‌جایی افراد یا گروه‌ها دانسته‌اند که متضمن تغییر دائمی یا نیمه‌دائمی محل سکونت است. مهاجرت می‌تواند در کشور رخ دهد یا اینکه از کشور به سایر کشورها اتفاق بیفتد. مهاجرت نیز دسته‌بندی‌های مختلفی دارد از جمله مهاجرت دائمی و فصلی (Zhang and Shunfeng, 2003)، مهاجرت ابتدایی (به دنبال پیامدهای زیست‌محیطی)، اجباری (سیاسی یا اقتصادی)، تحریک شده (براساس تصمیم فرد

---

1. Berchin and etal.

مبتنی بر انگیزه‌های گوناگون)، اختیاری (مهاجرت به هر نحوی که مردم تمایل دارند) و توده‌ای (حرکت گروهی از یک نقطه به نقطه دیگر) (Petersen, 1958). عوامل گسترده‌ای بر مهاجرت تأثیرگذارند که می‌توان آنها را به چند دسته شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، خصوصیات شخصی، زیست محیطی، جمعیت شناختی و موانع یا تسهیل‌کنندگان مؤثر مهاجرت تقسیم‌بندی کرد (Black and etal., 2011). این دسته‌بندی در نمودار ۱ نشان داده شده است.

### نمودار ۱. عوامل مؤثر بر تصمیم به مهاجرت یا ماندن



Source: Black and etal., 2011

عوامل کلان مؤثر بر مهاجرت عبارتند از: عوامل سیاسی (شامل امنیت، آزادی، حکمرانی، محکومیت سیاسی و...)، اقتصادی (فقر، نابرابری، بیکاری، درآمد و کاهش ارزش پول ملی)، اجتماعی (سرمایه اجتماعی، میزان تعهد خانوادگی، پیگیری آموزش بهتر)، جمعیت‌شناختی (اندازه و چگالی جمعیت، ساختار جمعیت و شیوع بیماری) و

زیست‌محیطی (خشکسالی، بهره‌وری زمین، امنیت غذا و انرژی) و عوامل خرد نیز عبارتند از خصوصیات شخصی (سن، جنس، مذهب، زبان، نژاد، آموزش، ثروت و تأهل یا مجرد) و موانع یا تسهیل‌کننده‌های مؤثر (هزینه مهاجرت، چارچوب حقوقی و سیاسی مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی، تکنولوژی).

نظریه‌های مختلفی در خصوص پدیده مهاجرت ارائه شده است که به صورت مختصر برخی از مهمترین آنها را مرور می‌کنیم:

**الف) نظریه کارکردگرایی:**<sup>۱</sup> معتقد است ناهماهنگی‌های بین خصوصیات فرد با نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند فرد را تشویق به تغییر نظام اجتماعی پیرامون خود از طریق مهاجرت به منطقه‌ای دیگر می‌کند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸).

**ب) نظریه تضاد:** اعتقاد به چندبُعدی بودن این پدیده دارد. این نظریه نقش تضاد طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی را برجسته‌تر می‌داند و توسعه نابرابر نظام اجتماعی را که حاصل نظام سرمایه‌داری است از ریشه‌های پدیده مهاجرت معرفی می‌کند (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۳).

**ج) نظریه سیستمی:** به نقش ساختارها و تغییرات ساختاری در پدیده مهاجرت اشاره می‌کند. به عبارت دیگر نظام اجتماعی هر کشور یا منطقه تأثیر بسزایی در تصمیم به مهاجرت یا ماندن فرد ایفا می‌کند (ربانی، طاهری و روستا، ۱۳۹۰).

**د) نظریه وابستگی:** معتقد است مهاجرت از یک منظر معلول توسعه نابرابر بین مناطق مختلف است که این پدیده خود مجدداً نابرابری بین مناطق مختلف را تشدید می‌کند (ارشاد و حزباوی، ۱۳۸۴). به عنوان مثال تمرکز امکانات در پایتخت هر کشور به مهاجرت گسترده از سایر مناطق به مرکز منجر می‌شود و چون سایر مناطق از نیروهای متخصص و ماهر خالی می‌شود نابرابری بین مناطق تشدید می‌شود و در نتیجه افراد بیشتری از مناطق کمتر برخوردار به مهاجرت تشویق می‌شوند.

**ه) نظریه جاذبه و دافعه:** بر نقش عوامل جذاب نقطه‌های مهاجرپذیر و عوامل دفع‌کننده نقطه‌های مهاجرفرست تأکید دارد و این عوامل که مجموعه‌ای از علل و عوامل محیط

درون و برون مرزی هستند را عامل اصلی مهاجرت از نقاط دفع کننده به نقاط جذاب می داند (دعاگویان و دیگران، ۱۳۹۲).

(و نظریه عوامل میانی: همچون عوامل مرتبط با منطقه مبدأ مهاجرت، مرتبط با منطقه مقصد مهاجرت، عوامل شخصی همچون هوش، آگاهی اجتماعی، تماس های فردی و داشتن آشنا در مناطق دیگر را در پدیده مهاجرت مؤثر می داند (صفایی پور و محلی، ۱۳۹۶) در این مقاله تمرکز اصلی بر دو عامل اقتصادی و زیست محیطی است و هدف؛ بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت درون استانی است. عوامل زیست محیطی هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم بر مهاجرت تأثیرگذارند. این عوامل همچون خشکسالی و قحطی آب با به خطر انداختن امنیت غذایی و حیاتی افراد موجب مهاجرت از مناطق دچار بحران زیست محیطی می شوند. همچنین از خطرات مستقیم خشکسالی می توان به فرونشست خاک اشاره کرد که می تواند خطرات جدی برای زندگی در مناطق خشک ایجاد کند. از سوی دیگر عوامل زیست محیطی به طور غیرمستقیم و با اثرگذاری بر عوامل دیگر به خصوص عامل اقتصادی موجب مهاجرت می شوند. مثلاً خشکسالی و کمبود منابع آب باعث از بین رفتن اقتصاد کشاورزی و دامداری مناطق کم آب شده و انگیزه مهاجرت از این مناطق را افزایش می دهد. همچنین سایر پدیده های محیط زیستی مانند آلودگی هوا یا ریزگردها از طریق به خطر انداختن سلامت افراد و ایجاد بیماری، انگیزه مهاجرت را افزایش می هد.

تأکید دیگر مقاله بر عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت است. به عنوان مثال تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه یا درآمد سرانه می تواند باعث مهاجرت یا خروج از آن منطقه شود. به عنوان مثال کشف یک منبع نفتی در یک منطقه و سرمایه گذاری دولت و افزایش درآمد سرانه می تواند انگیزه های مهاجرت به چنین مناطقی را افزایش دهد. از طرف دیگر رکود و بیکاری بالا در یک منطقه انگیزه ای قوی برای خروج از آن و مهاجرت به مناطق دارای رونق اقتصادی است (میرزامصطفی و قاسمی، ۱۳۹۲؛ متقی، ۱۳۹۴).

نرخ بیکاری نیز از عوامل مؤثر بر پدیده مهاجرت است، زیرا یکی از اهداف مهم مهاجرت درون استانی نداشتن فرصت شغلی مناسب در محل زندگی فرد است که وی

را و ادار می‌کند برای دستیابی به اشتغالی پایدار و متناسب با مهارت‌های خود اقدام به مهاجرت کند (متقی، ۱۳۹۴).

بحث مهم دیگر در مهاجرت بین‌استانی اهمیت فاصله جغرافیایی است. در واقع هر چقدر فاصله از مرکز بیشتر باشد به دلیل تمرکز امکانات در مرکز، معمولاً انگیزه مهاجرت بیشتر است و در مقابل هر چقدر محل زندگی فرد به مناطق مرکزی نزدیک‌تر باشد، فرد به دلیل برخورداری از امکانات کافی برای زندگی از انگیزه کمتری برای مهاجرت دارد. بنابراین لازم است بحث فاصله جغرافیایی نیز در مهاجرت بین‌استانی مورد توجه قرار گیرد، از این رو استفاده از مدل‌های فضایی در این باره توجیه نظری دارد.

### ۳. مدل، برآورد ضرایب و تفسیر نتایج

در این پژوهش تعداد مقاطع ۲۸ و تعداد سال‌های سری زمانی ۱۴ (۱۳۸۲-۱۳۹۵) است. برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته<sup>۱</sup> برآوردگر پرتوانی است که برخلاف روش حداکثر درست‌نمایی<sup>۲</sup> نیاز به اطلاعات دقیق توزیع جملات اخلاص ندارد (مشکی، ۱۳۹۰). وجود وقفه متغیر وابسته در سمت راست مدل پانل منجر می‌شود که فرض عدم خودهمبستگی میان متغیرهای مستقل (توضیحی) و جملات اخلاص به‌عنوان یکی از فروض کلاسیک نقض شود. در نتیجه استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی (در مدل پانل اثرات ثابت و اثرات تصادفی) نتایج تورش‌دار و ناسازگاری ارائه خواهد کرد. استفاده از روش تعمیم‌یافته گشتاورها با به‌کارگیری متغیرهای ابزاری این ایراد، یعنی درون‌زایی متغیرهای توضیحی یا ساختار پویای مدل را برطرف می‌کند. این روش اجازه می‌دهد تمام متغیرهای رگرسیونی حتی با وقفه، اگر همبستگی با اجزای اخلاص ندارند به‌عنوان متغیر ابزاری وارد مدل شوند تا تورش ناشی از درون‌زایی متغیرهای توضیحی حذف شود (Green, 2012). روش آرلانو و باند (۱۹۹۱) به واسطه انتخاب ابزارهای صحیح و با اعمال یک ماتریس وزنی

1. Generalized Method of Moments (GMM)

2. Maximum Likelihood (ML)

می‌تواند برای شرایط ناهمسانی واریانس و نیز خودهمبستگی‌های ناشناخته برآوردگر پرتوانی محسوب شود (مشکی، ۱۳۹۰). همچنین کاربرد روش گشتاورهای تعمیم‌یافته با داده‌های پانل پویا<sup>۱</sup> مزیت‌هایی مانند لحاظ ناهمسانی انفرادی، حذف تورش‌ها در رگرسیون‌های مقطعی و در نتیجه برآوردگرهایی با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر خواهد بود (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰). در روش تفاضلی مرتبه اول آرلانو و باند (۱۹۹۱) ابتدا وقفه متغیر وابسته به سمت راست اضافه و آنگاه از متغیرها تفاضل مرتبه اول گرفته می‌شود و سپس مدل با قرار دادن گشتاورهای اولیه و مرکزی در نمونه و جامعه مورد برآورد قرار می‌گیرد (پارسیان، ۱۳۸۹). در این روش عرض از مبدأ حذف می‌شود (یاوری و اشرف‌زاده، ۱۳۸۴). آرلانو و باور (۱۹۹۵) و بوندل و باند (۱۹۹۸) با لحاظ تغییراتی در روش تفاضلی مرتبه اول گشتاورهای تعمیم‌یافته؛ روش گشتاورهای تعمیم‌یافته متعامد را پیشنهاد دادند. تفاوت این دو روش یعنی آرلانو - باند، آرلانو- باور و بوندل - باند براساس تأثیرات فردی است که در مدل لحاظ می‌شود (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰). از مزایای روش دوم؛ افزایش دقت و کاهش تورش محدودیت حجم نمونه و تخمین‌های کارآمدتر و دقیق‌تر است (Baltagi, 2008). در اقتصادسنجی فضایی با چهار روش مدل وقفه فضایی<sup>۲</sup>، مدل خطای فضایی<sup>۳</sup>، وقفه - خطای فضایی<sup>۴</sup> و مدل فضایی دوربین<sup>۵</sup> می‌توان وابستگی فضایی بین مشاهدات را مورد ارزیابی قرار داد. به‌منظور تصریح مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی، به‌صورت خلاصه تمام مدل‌های فوق در قالب یک معادله پانل پویای تصادفی فضایی به‌شرح زیر خواهد بود:

$$y_{it} = \alpha + \tau y_{it-1} + \rho \sum_{j=1}^n W_{ij} y_{it} + \sum_{k=1}^K \beta_k X_{itk} + \sum_{k=1}^K \sum_{j=1}^n D_{ij} Z_{itk} \theta_k + a_i + \gamma_t + v_{it} \quad (1)$$

1. Dynamic Panel Data (DPD)
2. Spatial Auto Regressive (SAR)
3. Spatial Error Model (SEM)
4. Spatial Auto Regressive Moving Average (SARMA)
5. Spatial Durbin Model (SDM)



در این معادله  $w$  ماتریس وزنی فضایی است که معمولاً ماتریس مجاورت مرتبه اول است، پارامتر  $\rho$  ضریب متغیر وابسته فضایی  $WY$  است که وابستگی فضایی و متوسط اثر مشاهدات همسایه یا مجاور بر مشاهدات بردار متغیر وابسته را اندازه‌گیری می‌کند.  $\tau$  ضریب وقفه اول متغیر وابسته است. جزء اخلاص مدل دارای سه بخش است: جزء اخلاص بین‌گروهی  $V_{it}$ ، جزء اخلاص درون‌گروهی  $\gamma_t$  و جزء اخلاص در طول زمان  $a_i$ ، به صورتی که جزء اخلاص کل مدل به سه بخش تجزیه شده است.

$$v_{it} = \lambda \sum_{j=1}^n E_{ij} v_{jt} + u_{it} \quad i = 1, \dots, n \quad t = 1, \dots, T \quad (2)$$

در معادله ۲،  $u_{it}$  جمله خطاست که به صورت نرمال توزیع شده است. اثرات ثابت انفرادی (مقطعی) یا اثرات تصادفی انفرادی (مقطعی) را نشان می‌دهد،  $\gamma_t$  نیز اثرات ثابت و تصادفی زمان را نشان می‌دهد. اگر  $\tau=0$  باشد مدل‌ها ایستا خواهند بود و اگر  $\tau \neq 0$  باشد مدل‌ها پویا خواهند بود یعنی متغیر وابسته تأخیری نیز وارد مدل خواهد شد که پانل پویای تصادفی فضایی یا همان مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی خواهد بود (Yu, Jong and Fei, 2008). مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته پانلی دوربین با فرض  $(\lambda=0)$  استخراج می‌شود:

$$y_{it} = \alpha + \tau y_{it-1} + \rho \sum_{j=1}^n W_{ij} y_{jt} + \sum_{k=1}^K \beta_k X_{itk} + \sum_{k=1}^K \sum_{j=1}^n D_{ij} Z_{itk} \theta_k + a_i + \gamma_t + v_{it} \quad (3)$$

$$v_{it} = u_{it} \quad i = 1, \dots, n \quad t = 1, \dots, T$$

مدل فضایی دوربین استاندارد نیز با لحاظ قید  $\tau=0$  به دست خواهد آمد. البته در مدل‌های متداول اقتصادسنجی فضایی بین دو ماتریس  $W$  برای وقفه فضایی متغیر وابسته و ماتریس  $D$  برای وقفه فضایی متغیرهای مستقل تفاوتی قائل نمی‌شوند و این به

می شود:  $Z_{it}=X_{it}$  و  $W_{ij}=D_{ij}$  منجر می شود. به این ترتیب ماتریس وزنی مکانی به این صورت تعریف

$$y_{it} = \begin{bmatrix} y_{1t} \\ y_{2t} \\ \vdots \\ y_{it} \end{bmatrix} \quad u_{it} = \begin{bmatrix} u_{1t} \\ u_{2t} \\ \vdots \\ u_{it} \end{bmatrix}$$

$$w = \begin{bmatrix} 0 & w_{12} & \dots & w_{1,n-1} & w_{1n} \\ w_{21} & 0 & \dots & w_{2,n-1} & w_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots & \vdots \\ w_{n-1,1} & w_{n-1,2} & \dots & 0 & w_{n-1,n} \\ w_{n1} & w_{n2} & \dots & w_{n,n-1} & 0 \end{bmatrix} \quad (4)$$

روش های متفاوتی به منظور تشکیل روش ماتریس مجاورت وجود دارد: مجاور رخ مانند، خطی، فیل مانند، خطی دوطرفه، رخ مانند دوطرفه و ملکه (Anselin and Griffith, 1988). دلیل اصلی در انتخاب تعریف مجاورت، مربوط به ماهیت مسئله ای است که می خواهد مدل سازی شود. در ماتریس مجاورت عناصر روی قطر اصلی برابر صفر هستند، یعنی مجاورت خود منطقه با خودش صفر در نظر گرفته می شود. براساس آخرین نقشه جغرافیایی مورد تأیید وزارت کشور، در ماتریس ۲۸ در ۲۸ استان هایی که به لحاظ جغرافیایی همجوار بودند، یک و در غیر این صورت صفر قرار داده شد. البته به دلیل نبود اطلاعات آماری، استان های خراسان شمالی و جنوبی با استان خراسان رضوی و استان البرز با استان تهران ادغام شد.

جدول ۱. معرفی متغیرهای پژوهش

نماد	نام متغیر	توضیحات
Pemig	متغیر وابسته خالص سرانه مهاجرت	مهاجرت سرانه به داخل منهای مهاجرت سرانه به خارج که از ماتریس مهاجرت استخراج شده است.
Pemig.L1	وقفه اول متغیر مهاجرت	به دلیل پویا بودن مدل وارد شده است.
Pgdp	تولید ناخالص داخلی سرانه	تولید ناخالص داخلی سرانه استان به قیمت بازار به میلیون ریال که از مرکز آمار ایران و سالنامه‌های آماری استخراج شده است. توجیه نظری این متغیر در مدل مهاجرت برگرفته از مطالعات میرزامصطفی و قاسمی (۱۳۹۲) و متقی (۱۳۹۴) بوده است.
Pwat	استخراج سرانه منابع آب زیرزمینی	شامل قنات، چشمه، چاه عمیق و نیمه عمیق به میلیون مترمکعب از سازمان مدیریت منابع آب ایران استخراج شد. توجیه نظری این متغیر در مدل مهاجرت برگرفته از مطالعات نیومان و همکاران (۲۰۱۵) و یارقلی، غلامی و اصغری (۱۳۹۳) بوده است.
Pwat2	توان دوم متغیر Pwat	به منظور ارزیابی اثر آستانه‌ای؛ توان دوم متغیر نیز وارد شده است.
Rain	منابع آب سطحی	حجم بارش سالیانه استان‌ها به میلیون مترمکعب از سالنامه‌های آماری استان‌ها استخراج شده است. توجیه نظری این متغیر در مدل مهاجرت برگرفته از مطالعات نیومان و همکاران (۲۰۱۵) و نوبخت، قاسمی اردهائی و غلامی (۱۳۹۶) بوده است.
Un	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری کلی مردان و زنان در شهرها و روستاها از سالنامه‌های آماری استان‌ها استخراج شده است. توجیه نظری این متغیر در مدل مهاجرت برگرفته از مطالعه متقی (۱۳۹۴) بوده است.
Wx1- Pgdp	همبستگی فضایی تولید ناخالص داخلی سرانه	ترکیب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه با ماتریس وزنی مکانی که تعیین‌کننده همبستگی فضایی تولید ناخالص داخلی سرانه است. با توجه به اهمیت فاصله جغرافیایی در پدیده مهاجرت، مبتنی بر مطالعه میرزامصطفی و قاسمی (۱۳۹۲)، از متغیرهای فضایی نیز در مدل استفاده شده است.
Wx1-Pwat	همبستگی فضایی استخراج منابع آب زیرزمینی	ترکیب متغیر استخراج منابع آب زیرزمینی با ماتریس وزنی مکانی که تعیین‌کننده همبستگی فضایی استخراج منابع آب زیرزمینی است.
Wx1-Pwat2	همبستگی فضایی درجه دوم استخراج منابع آب زیرزمینی	ترکیب متغیر درجه دوم استخراج منابع آب زیرزمینی با ماتریس وزنی مکانی که تعیین‌کننده همبستگی فضایی درجه دوم استخراج منابع آب زیرزمینی است.
Wx1-rain	همبستگی فضایی منابع آب سطحی	ترکیب متغیر منابع آب سطحی با ماتریس وزنی مکانی که تعیین‌کننده همبستگی فضایی منابع آب سطحی است.
Wx1-un	همبستگی فضایی بیکاری	ترکیب متغیر بیکاری با ماتریس وزنی مکانی که تعیین‌کننده همبستگی فضایی وقفه اول بیکاری است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳-۱. آزمون مانایی متغیرهای پانل

در این پژوهش از دو آزمون جدید هریس - تزاوالیس<sup>۱</sup> و آزمون بریتونگ<sup>۲</sup> برای آزمون ریشه واحد استفاده شده است. نتایج هر دو آزمون نشان می‌دهد که دو متغیر مهاجرت سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۲ مانا نیستند و با یک درجه تفاضل مانا می‌شوند. از این رو باید از آزمون‌های هم‌انباشتگی به منظور اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون استفاده شود.

جدول ۲. آزمون مانایی هریس - تزاوالیس و بریتونگ

درجه مانایی	آزمون بریتونگ		آزمون هریس - تزاوالیس			نوع آزمون
	احتمال	ضریب	احتمال	آماره t	ضریب	متغیر
I(1)	۱/۰۰۰	۶/۸۸۷	۱/۰۰۰	۶/۰۲۰	۱/۰۳۳	Pemig
I(1)	۱/۰۰۰	۷/۰۹۹	۰/۹۹۷	۲/۷۵۴	۰/۹۰۶	Pgdg
I(0)	۰/۰۰۰۱	-۳/۶۱۷	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۵	۰/۵۷۸	Pwat
I(0)	۰/۰۰۰۳	-۳/۴۳۸	۰/۰۰۰	-۴/۸۶۶	۰/۶۱۱	Pwat2
I(0)	۰/۰۰۰	-۷/۰۰	۰/۰۰۰	-۱۴/۳۲۲	۰/۲۴۵	Rain
I(0)	۰/۰۰۹۷	-۱/۲۹۴	۰/۰۰۰	-۵/۴۵۰	۰/۵۸۹	Un

مأخذ: همان.

### ۳-۲. آزمون هم‌انباشتگی پانل پدرونی

با توجه به ترکیب متغیرهای مانا و نامانا برای اطمینان از کاذب نبودن برآوردها از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی استفاده می‌شود. هفت آماره متفاوت توسط پدرونی (۱۹۹۹) برای بررسی هم‌مجمعی بین متغیرها مورد استفاده قرار گرفته که شامل چهار آماره درون‌گروهی<sup>۳</sup>

1. Harris-Tzavalis Unit-Root Test
2. Breitung Unit-Root Test
3. Within-Dimension

و سه آماره بین‌گروهی<sup>۱</sup> است. به آماره‌های حاصل شده از روش درون‌گروهی، آماره‌های همجمعی داده‌های ترکیبی گفته می‌شود که با پیشوند *Panel* نشان داده شده‌اند. آماره‌های به دست آمده از روش بین‌گروهی را آماره‌های همجمعی میانگین گروهی داده‌های ترکیبی<sup>۲</sup> نامیده و با پیشوند *group* نمایش داده شده‌اند. همان‌طور که پدرونی (۱۹۹۹) بیان کرده است آزمون‌های *adf* و *t* برای نمونه‌های کوچک‌تر مناسب‌ترند و تمایل بیشتری به رد فرضیه صفر مبنی بر عدم همجمعی دارند.

جدول ۳. آزمون هم‌انباشتگی پانلی پدرونی

آماره‌های آزمون	آماره‌های Panel	آماره‌های Group
V	۰/۵۸۱	-
rho	۵/۵۸۰	۷/۳۶۶
t	-۳/۲۴۶	-۸/۰۶۶
adf	۵/۰۶۵	۵/۲۵۱

مأخذ: همان.

توضیح: تمام آماره‌های آزمون پدرونی دارای توزیع نرمال  $N(0, 1)$  هستند.

۶ آماره دورن‌گروهی و بین‌گروهی پدرونی در جدول ۳ نشان می‌دهد که وجود حداقل یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل رد نمی‌شود.

### ۳-۳. برآورد ضرایب دو مرحله‌ای آرلانو - باور/ بوندل - باند گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی دوربین

طبق نتایج جدول ۴ در مدل برآورد شده؛ وقفه اول فضایی متغیر وابسته با ضریب  $۱/۰۲۱۵$  معنادار است که نشان‌دهنده تأیید پویایی مدل است. به این ترتیب معناداری این ضریب تأثیر مهاجرت بر تداوم مهاجرت در یک استان را تأیید می‌کند زیرا ممکن است

1. between-Dimension

2. Group Mean Panel Cointegration Statistics

در برخی استان‌ها فرهنگ مهاجرت شکل گرفته باشد به طوری که یکی از متغیرهای مؤثر بر مهاجرت، نرخ مهاجرت در سال‌های قبل است. متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه با ضریب  $0/000067$  بر نرخ مهاجرت تأثیر مثبت دارد که طبق تئوری و منطبق بر نتایج سایر مطالعات است. البته دلیل کوچک بودن ضریب این است که واحد Pgdp میلیون ریال است و واحد متغیر وابسته سرانه مهاجرت به نفر است، به این ترتیب همین ضریب کوچک بسیار تأثیرگذار است. استخراج منابع آب زیرزمینی دارای اثر آستانه‌ای است و ضریب متغیر سطح مثبت است، یعنی یک رابطه مثبت بین افزایش استخراج منابع آبی و کاهش مهاجرت به خارج استان و افزایش مهاجرت به داخل (افزایش خالص مهاجرت) وجود دارد. اما این رابطه دارای یک آستانه است و هنگامی که افزایش بی‌رویه استخراج به افزایش احتمال خشکسالی و انتظارات منفی آبی نسبت به آینده منجر می‌شود، افزایش استخراج منابع آب زیرزمینی به کاهش خالص مهاجرت یا افزایش مهاجرت به خارج از استان منجر می‌شود. به این ترتیب ضریب درجه دوم متغیر استخراج منابع آب زیرزمینی منفی است. با توجه به ضرایب برآورد شده که هر دو در سطح ۵ درصد معنادار است، میزان آستانه  $0/003343$  است. با توجه به اینکه ضریب درجه دوم استخراج  $414/471$ - است در صورت گذر استخراج آب از آستانه سرانه  $3343$  مترمکعب، مهاجرت‌های گسترده بین استانی رخ خواهد داد. منابع آب سطحی با ضریب  $0/0000345$  تأثیر مثبت بر مهاجرت دارد و کاهش نزولات آسمانی به افزایش مهاجرت بین استانی منجر می‌شود، اما این تأثیر به لحاظ آماری معنادار نیست. این عدم معناداری دارای پشتوانه آماری است، در دوره  $1382-1395$  میزان استخراج منابع آب زیرزمینی شامل (چشمه، قنات، چاه عمیق و نیمه عمیق)  $123/342$  برابر منابع آب سطحی بوده است، که نشان می‌دهد منابع آب سطحی سهمی بسیار اندکی در تأمین منابع آب استان‌ها داشته‌اند. نرخ بیکاری نیز دارای تأثیر منفی بر مهاجرت است و در صورت افزایش بیکاری، خالص مهاجرت کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه همبستگی شدیدی بین تولید ناخالص داخلی استان‌ها و نرخ بیکاری وجود نداشت، این متغیر به دلیل ورود تولید ناخالص داخلی به مدل بی‌معنی شد. البته همچنان آماره آزمون نزدیک به معناداری است.

جدول ۴. برآورد ضرایب دومرحله‌ای آرلانو - باور/ بوندل - باند

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال آزمون	برآورد فاصله‌ای ۹۵٪	
ضریب ثابت	-۰/۰۰۰۵۵	-۰/۱۵	۰/۸۷۹	۰/۰۰۶۵۸	-۰/۰۰۷۶۸
Pemig.L1	۱/۰۲۱۵	۶۰/۷۸	۰/۰۰۰	۱/۰۵۴۵	۰/۹۸۸۴
Pgdp	۰/۰۰۰۰۶۷	۷/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰۸۵۷	۰/۰۰۰۰۴۸۴
Pwat	۲/۷۷۲۸	۱/۸۷	۰/۰۶۲	۵/۶۸۷۶	-۰/۱۴۱۹
Pwat2	-۴۱۴/۴۷۱	-۲/۰۹	۰/۰۳۷	-۲۴/۱۸۶۵	-۸۰۴/۷۵۷۲
Rain	۰/۰۰۰۰۳۴۵	۰/۸۱	۰/۴۲۰	۰/۰۰۰۱۱۸۴	-۰/۰۰۰۰۴۹۵
Un	-۰/۰۰۰۲۲۷	-۱/۴۳	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰۰۸۵۳	-۰/۰۰۰۰۵۳۹۷
متغیرهای دوربین					
Wx1- pgdp	-۰/۰۰۰۰۱۸۴	-۲/۹۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۰۰۰۶۲	-۰/۰۰۰۰۳۰۶
Wx1-pwat	-۱۷/۹۰۳	-۵/۳۶	۰/۰۰۰	-۱۱/۳۳۱۲	-۲۴/۴۷۶۶
Wx1-pwat2	۶۵۱۵/۹۱۲	۴/۵۷	۰/۰۰۰	۹۳۲۰/۵۵۶	۳۷۱۱/۲۶۸
Wx1-rain	-۰/۰۰۰۰۳۴	-۱/۰۳	۰/۳۰۳	۰/۰۰۰۰۳۰۸	-۰/۰۰۰۰۹۸۹
Wx1-un	۰/۰۰۰۰۴۸۵	۲/۶۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰۰۸۴۵۳	۰/۰۰۰۱۲۶۲

مأخذ: همان.

در بین متغیرهای فضایی دوربین همه متغیرها به جز منابع آب سطحی معنادار هستند، که نشان دهنده وجود و تأیید اثر فضایی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. در روش گشتاورهای تعمیم یافته فضایی به منظور رفع خودهمبستگی به وجود آمده بین متغیر وابسته تأخیری فضایی و جملات خطا، وقفه متغیرهای مستقل به عنوان متغیر ابزاری در تخمین زن دومرحله‌ای آرلانو - باور/ بوندل - باند مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو سازگار بودن برآوردهای دومرحله‌ای آرلانو - باور/ بوندل - باند به معنی بودن ابزارهای مورد استفاده در تخمین بستگی دارد. اگرچه هیچ آزمونی برای اینکه آیا شرایط گشتاوری از یک مدل کاملاً مشخص<sup>۱</sup> معتبر است یا خیر؟ وجود ندارد، اما آزمون سارگان می‌تواند مشخص کند که شرایط گشتاوری بیش از حد مشخص<sup>۲</sup> معتبر هستند (Arellano and Bond, 1991). به این منظور

1. Exactly Identified Model
2. Overidentifying Moment Conditions

از آزمون سارگان برای ارزیابی صحت و اعتبار ابزارها و اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش از حد<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. فقط زمانی که جملات اخلاص دچار واریانس ناهمسانی نیستند آزمون سارگان به صورت مجانبی دارای توزیع کای مربع است. در واقع آرانو و باند (۱۹۹۱) نشان دادند که آزمون سارگان یک مرحله‌ای<sup>۲</sup> با وجود واریانس ناهمسانی بیش‌رد<sup>۳</sup> است و توزیع «آ» به صورت مجانبی به سمت توزیع کای مربع گرایش ندارد (Baltagi, 2008) (یعنی توان آزمون به نفع فرض مقابل است و توزیع به صورت مجانبی استاندارد نیست). آماره آزمون سارگان در جدول ۵ نشان از انتخاب درست متغیرهای ابزاری مورد استفاده، معتبر بودن ماتریس متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل و عدم وجود محدودیت بیش‌شناسایی<sup>۴</sup> در تخمین است. به این ترتیب هیچ‌گونه همبستگی معناداری بین متغیرهای ابزاری و اجزای جمله خطا وجود ندارد.

جدول ۵. آزمون‌های تصریح مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی

احتمال	ضریب	نوع آزمون
۰/۰۰۰	۴۲۷۰/۱۹۳۲	آزمون والد
۰/۰۰۰	۳۸۸/۱۹۹۴	آماره فیشر (11, 353) F
-	۰/۹۲۲۴	Raw Moments $R^2$
-	۰/۹۲۰۲	Raw Moments $\bar{R}^2$
-	۰/۹۲۳۶	(Buse, 1973) $R^2$
-	۰/۹۲۱۵	(Buse, 1973) $\bar{R}^2$
-	۰/۰۰۷۱	Root MSE (Sigma)
۰/۰۰۰	۳۵۳/۸۰۴	آزمون بیش‌شناسایی LM سارگان

مأخذ: همان.

1. Valid Over Identifying Restrictions
2. One-Step Sargan Test
3. Overrejects
4. Overidentifying Restrictions



ضرایب نیکوئی برازش گشتاوری و ضرایب نیکوئی برازش فضایی نشان می‌دهند که مدل به خوبی تصریح شده و نوسانات متغیرهای وابسته فضایی قادر به توضیح نوسانات متغیر وابسته فضایی است.

#### ۳-۴. آزمون وجود اثرات خودهمبستگی پانل فضایی

در مدل‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی از سه نوع آزمون به منظور وجود اثرات فضایی استفاده می‌شود. آزمون خودهمبستگی فضایی برای جملات اخلاص، آزمون خودهمبستگی فضایی برای وقفه اول فضایی متغیر وابسته و آزمون خودهمبستگی فضایی همزمان جملات اخلاص و وقفه متغیر وابسته. نتایج نشان می‌دهد که برآورد مدل فوق بدون در نظر گرفتن اثرات فضایی منجر به تورش ضرایب برآورد شده خواهد شد.

جدول ۶. آزمون وجود اثرات خودهمبستگی پانل فضایی

نام آزمون	نماد	آماره	احتمال آزمون	نتیجه آزمون
آزمون خودهمبستگی فضایی برای جملات اخلاص				
موران MI عمومی	GLOBAL Moran MI	۰/۰۹۷۶	۰/۰۴۸۲	پذیرش فرضیه صفر که نشان می‌دهد جملات اخلاص دارای خودهمبستگی فضایی هستند.
گری GC عمومی	GLOBAL Geary GC	۲/۱۳۰۲	۰/۰۰۰۴	
گتیس - اوردز G0 عمومی	GLOBAL Getis-Ords GO	-۰/۰۹۷۶	۰/۰۴۸۲	
موران MI جملات اخلاص	Moran MI Error Test	۱/۹۴۷۰	۰/۰۵۱۵	
LM (بوریدج)	LM Error (Burridge)	۳/۲۲۱۵	۰/۰۷۲۷	
LM (روبوست)	LM Error (Robust)	۴/۳۷۷۵	۰/۰۳۶۴	
آزمون خودهمبستگی فضایی برای وقفه اول فضایی متغیر وابسته				
وقفه LM (آنسلین)	LM Lag (Anselin)	۲/۷۱۶۵	۰/۰۹۹۳	وجود خودهمبستگی
وقفه LM (روبوست)	LM Lag (Robust)	۳/۸۷۲۵	۰/۰۴۹۱	فضایی وقفه متغیر وابسته
آزمون خودهمبستگی فضایی همزمان جملات اخلاص و وقفه متغیر وابسته				
LM SAC (LMErr + LMLag_R)		۷/۰۹۴۰	۰/۰۲۸۸	وجود خودهمبستگی فضایی همزمان

مأخذ: همان.

### ۵-۳. آزمون ناهمسانی واریانس فضایی

همان طور که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد از هشت آزمون واریانس ناهمسانی فضایی، دو آزمون عدم وجود و ۶ آزمون وجود واریانس ناهمسانی فضایی را نشان می‌دهد. از این رو برای جلوگیری از اربیب و ناسازگاری برآوردگرها، از برآوردگرهای وزنی برای برطرف کردن واریانس ناهمسانی فضایی استفاده شد. در مدل‌های فضایی از سه روش وزنی به منظور برطرف کردن واریانس ناهمسانی فضایی استفاده می‌شود: ماتریس فضایی، معکوس ماتریس فضایی و معکوس مربع ماتریس فضایی. در این پژوهش برای برطرف کردن نقض فرض واریانس ناهمسانی فضایی، از معکوس ماتریس فضایی استفاده شد.

### جدول ۷. آزمون واریانس ناهمسانی فضایی در مدل گشتاورهای تعمیم یافته فضایی

احتمال آزمون	آماره آزمون	نوع آزمون	نماد آزمون
۰/۰۰۰	۸۶/۳۹۱۰	انگل	Engle LM ARCH
۰/۳۸۰۰	۰/۷۷۰۶	هال - پاگان	Hall-Pagan LM
۰/۰۰۰	۳۹/۰۰۹۴	هاروی	Harvey LM Test
۰/۰۰۰	۹۶/۲۵۱۸	والد	Wald Test
۰/۰۰۰	۵۱/۴۶۱۸	گلچسر	Glejser LM Test
۰/۰۰۰	۹۴/۳۳۸۳	بروش - گادفری	Breusch-Godfrey Test
۰/۰۰۳۹	۲۵/۸۸۳۸	وایت	White Test - Koenker (R2)
۰/۲۰۱۳	۱/۶۳۳۲	کوک - ویسبرگ	Cook-Weisberg LM Test

مأخذ: همان.

### ۴. جمع بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

هدف این پژوهش ارزیابی آستانه‌ای تأثیر منابع آب سطحی، استخراج منابع آب زیرزمینی، تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ بیکاری بر خالص مهاجرت (مهاجرت به داخل منهای مهاجرت به خارج) در ۲۸ استان ایران در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۲ با استفاده از مدل پانل پویای

تصادفی فضایی گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی دوربین با کاربرد ضرایب دومرحله‌ای آرلانو- باور/ بوندل- باند بود. به چهار روش می‌توان وابستگی فضایی بین مشاهدات مورد ارزیابی قرار داد. مدل وقفه فضایی، مدل خطای فضایی، وقفه - خطای فضایی و مدل فضایی دوربین که در این پژوهش از روش مدل فضایی دوربین به منظور برآورد مدل پائل فضایی استفاده شده است. همچنین برای تعیین ماتریس مجاورت از روش مجاورت و همبستگی استفاده شد. در روش مجاورت و همبستگی با مشخص کردن اینکه کدام مشاهده‌ها یا مناطق با هم همبسته، همسایه یا مجاورند، ماتریس مجاورت تشکیل شد. براساس آخرین نقشه جغرافیایی مورد تأیید وزارت کشور، استان‌هایی که به لحاظ جغرافیایی همجوار بودند در ماتریس ۲۸ در ۲۸ یک قرار داده شد و در غیر این صورت صفر. فقط به دلیل نبود اطلاعات استان‌های خراسان شمالی و جنوبی طبقه نقشه قبلی با استان خراسان رضوی و استان البرز با استان تهران ادغام شد. برای آزمون تأثیر غیرخطی یا فرضیه U معکوس کوزنتس در رابطه بین استخراج منابع آب زیرزمینی و مهاجرت در استان‌ها از درجه دوم متغیر استخراج منابع آب زیرزمینی نیز استفاده شد. همچنین به تعداد متغیرهای مستقل به جز وقفه متغیر وابسته، متغیر دوربین ایجاد شد که نشان‌دهنده تأثیر فضایی متغیرهای مستقل بر مهاجرت خواهند بود. از دو آزمون هریس - تزاوالیس و آزمون بریتونگ به منظور آزمون ریشه واحد استفاده شده است. نتایج هر دو آزمون نشان می‌دهد دو متغیر مهاجرت سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها در دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۲ مانا نیستند. به این ترتیب با توجه به ترکیب متغیرهای مانا و نامانا برای اطمینان از کاذب نبودن برآوردها؛ از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی استفاده شد. ۶ آماره دورن‌گروهی و بین‌گروهی پدرونی در جدول ۳ نشان می‌دهد که وجود حداقل یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل رد نمی‌شود. وقفه اول فضایی متغیر مهاجرت، تولید ناخالص داخلی سرانه، درجه اول متغیر استخراج منابع آب زیرزمینی و منابع آب سطحی تأثیر مثبت بر خالص مهاجرت (مهاجرت به داخل منهای مهاجرت به خارج) در بین ۲۸ استان ایران دارند. البته متغیر منابع آب سطحی تأثیر معناداری ندارد که دلیل آن سهم بسیار ناچیز منابع آب سطحی در تأمین آب استان‌هاست که نمی‌تواند انگیزه کافی برای

مهاجرت باشد و یا به نوع تعریف متغیر منابع آب سطحی در این مقاله برمی‌گردد. این پژوهش از حجم بارش‌های سالیانه به‌عنوان نماینده منابع آب سطحی که شامل دریاچه، تالاب، رودخانه، رواناب و سیل است، استفاده کرده است. متغیرهای نرخ بیکاری و درجه دوم استخراج منابع آب زیرزمینی تأثیر منفی بر خالص مهاجرت دارند. نرخ بیکاری به دلیل نوسان کم متغیر بیکاری و همه‌گیر بودن بیکاری در بین استان‌های کشور و حتی نوسان کم نرخ بیکاری در طول زمان، تأثیر معنی‌داری بر خالص مهاجرت ندارد. اما درجه دوم استخراج منابع آب زیرزمینی تأثیر معنادار و منفی بر خالص مهاجرت دارد. به این ترتیب فرضیه U معکوس کوزنتس درباره رابطه میان آب و مهاجرت رد نمی‌شود. هنگامی که منابع آب زیرزمینی به اندازه کافی وجود دارد، رابطه بین استخراج منابع آب زیرزمینی و خالص مهاجرت مثبت است. اما با افزایش استخراج منابع آب زیرزمینی، روند نزولی منابع آب تجدیدپذیر، استخراج بی‌رویه و بی‌ضابطه منابع آب زیرزمینی و چشم‌انداز منفی نسبت به آینده آبی منطقه یا استان مورد نظر، رابطه بین آب و مهاجرت منفی می‌شود. این آستانه با توجه به ضرایب برآورد شده ۳۳۴۳ مترمکعب است. از این رو در صورت گذر استخراج آب از آستانه سرانه ۳۳۴۳ مترمکعب، مهاجرت‌های گسترده بین استانی رخ خواهد داد. در بین متغیرهای فضایی دوربین نیز همه متغیرها به جز منابع آب سطحی معنادار هستند، که نشان‌دهنده وجود و تأیید اثرات فضایی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. همچنین آماره آزمون سارگان نشان از انتخاب درست متغیرهای ابزاری مورد استفاده، معتبر بودن ماتریس متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل و عدم وجود محدودیت بیش‌شناسایی در تخمین است. بنابراین هیچ‌گونه همبستگی معناداری بین متغیرهای ابزاری و اجزای جمله خطا وجود ندارد. آزمون‌های مختلف نیز وجود اثرات خودهمبستگی فضایی پانلی را تأیید می‌کند. به منظور رفع واریانس ناهمسانی فضایی نیز از برآوردگرهای وزنی با وزن ماتریس فضایی استفاده شد.

به این ترتیب پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده بین‌استانی به خصوص از روستا به شهرها، سیاست‌های بلندمدت و متناسب با اقلیم به منظور حفظ و احیای منابع آب زیرزمینی اتخاذ شود. همچنین با توجه به اینکه حوزه‌های آب

زیرزمینی ممکن است در چند استان مشترک باشد، مصرف بی‌رویه منابع آب زیرزمینی منجر به تخلیه جمعیتی یک منطقه شود که آثار اقتصادی، سیاسی و امنیتی در پی خواهد داشت. به منظور مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود از شاخص‌های مختلف کمبود، بحران و آسیب‌پذیری منابع آب برای ارزیابی تأثیر متغیرهای محیط زیست بر نرخ مهاجرت و سایر متغیرهای اقتصادی در بین استان‌های ایران استفاده شود. همچنین به جای مدل‌های فضایی پیشنهاد می‌شود از مدل‌های خوشه‌بندی با در نظر گرفتن ضریب نفوذ منابع آب سطحی استفاده شود.

## منابع و مآخذ

۱. ارشاد، فرهنگ و عزیز جزبای (۱۳۸۴). «بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۲).
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷).
۳. بیک محمدی، حسن و بهنام مغانی (۱۳۸۲). «تحلیلی بر روند مهاجرت در استان فارس»، *فصلنامه جمعیت*، ۱۱ (۴۳ و ۴۴).
۴. پارسیان، احمد (۱۳۸۹). *مبانی آمار ریاضی*، چاپ نهم، اصفهان، مرکز نشر دانشگاه صنعتی اصفهان.
۵. دعاگویان، داود، محمدباقر بهشتی، کمال کوهی و شمسی محمدنژاد (۱۳۹۲). «تبیین مؤلفه‌های امنیتی مؤثر بر گرایش سرمایه‌گذاران به مهاجرت»، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۲ (۲).
۶. ربانی، رسول، زهرا طاهری و زهرا روستا (۱۳۹۰). «بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی - اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۲ (۵).
۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۳). «تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت نخبگان)»، *مجلس و راهبرد*، ۲۱ (۷۷).
۸. شرکت مدیریت منابع آب ایران (۱۳۹۷).
۹. صفایی‌پور، مسعود و یوسف محلی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت از شهر با استفاده از مدل معادلات ساختاری و تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۶ (۲۲).
۱۰. صمدی، سعید، رحمان خوش‌اخلاق، سیدپرویز جلیلی کامجو و هادی امیری (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر توسعه مالی و بانکی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نوظهور با رویکرد مدل‌های GMM»، *مجله علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد کاربردی ایران*، ۲ (۷).
۱۱. عسگری، علی و نعمت‌الله اکبری (۱۳۸۰). «روش‌شناسی اقتصادسنجی فضایی، تئوری و کاربرد»، *مجله پژوهشی علوم انسانی*، ش ۱۲.
۱۲. لهستانی‌راده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، چاپ اول، انتشارات نوید، شیراز.
۱۳. متقی، سمیرا (۱۳۹۴). «تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران؛ تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۱).

۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵-۱۳۹۶). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری استان‌های مختلف.

۱۵. مشکى، مهدى (۱۳۹۰)، «تعيين عوامل مؤثر بر عملکرد شرکت‌های بورسی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی»، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۳، ش ۱.

۱۶. میرزاصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های استانی با استفاده از مدل جاذبه»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱ (۳).

۱۷. ندیری محمد و تیمور محمدی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال ۵، ش ۳.

۱۸. نوبخت، رضا، علی قاسمی اردهائی و محمد غلامی (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل پیامدهای اقتصادی- جمعیتی خشکسالی در مناطق شرقی ایران (استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی)»، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۲۹ (۱).

۱۹. یارقلی، محمود، نرگس غلامی و حسن اصغری (۱۳۹۳). «خشکسالی و مهاجرت (مطالعه موردی شهرستان زابل شمال استان سیستان و بلوچستان)»، دومین همایش ملی بحران آب (تغییر اقلیم، آب و محیط زیست)، شهرکرد، دانشگاه شهرکرد.

[https://www.civilica.com/Paper-NCWC02-NCWC02\\_193.html](https://www.civilica.com/Paper-NCWC02-NCWC02_193.html)

۲۰. یآوری کاظم و حمید اشرف‌زاده (۱۳۸۴). «یکپارچگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه؛ کاربرد مدل جاذبه با داده‌های تلفیقی به روش GMM و همگرایی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۳۶.

21. Anselin, L. (1988). "Spatial Econometrics: Methods and Models", (Dordrecht: Kluwer Academic Publishers).

22. Arellano, M. and O. Bover (1995). "Another Look at The Instrumental Variable Estimation of Error-Components Models", Journal of Econometrics, 68.

23. Arellano, M. and S. Bond (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application To Employment", Review Econic Study, 58.

24. Baltagi, B. H. (2008). Econometric Analysis of Panel Data, John Wiely and Sons Ltd.

25. Berchin, I. I., I. B. Valduga, J. Garcia and J. B. S. O De Andrade (2017). "Climate

- Change and Forced Migrations: An Effort Towards Recognizing Climate Refugees”, *Geoforum*, 84.
26. Black, R., W. N. Adger, N. W. Arnell, S. Dercon, A. Geddes and D. Thomas (2011). “The Effect of Environmental Change on Human Migration”, *Global Environmental Change*, 21.
27. Blundell, R. and S. Bond (1998). “Initial Conditions and Moment Restrictions In Dynamic Panel Data Models”, *Journal of Econometrics*, 87.
28. Fielding, A. J. (2011). “The Impacts of Environmental Change on UK Internal Migration”, *Global Environmental Change*, 21.
29. Green, W. H. (2012). *Econometric Analysis*, 7th Ed, New Jersey, Upper Saddle River, Pearson International.
30. Lesage, J. (1999). *Spatial Econometrics*, Department of Economics University of Toledo.
31. Madani, K., A. Aghakouchak and A. Mirchi (2016). “Iran’s Socio-Economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation”, *Iranian Studies*, 49(6).
32. Neumann, K., D., Sietz, H, Hilderink, P, Janssen, M, Kok, and H. van Dijk (2015). “Environmental Drivers of Human Migration in Drylands—A Spatial Picture, *Applied Geography*”, 56.
33. Pedroni, P. (1999). Critical Values for Cointegration Tests in Heterogeneous Panels with Multiple Regressors, *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 61.
34. Petersen, W. (1958). “A General Typology of Migration”, *American Sociological Review*, 23(3).
35. Yu, J., R. Jong and L. L. Fei (2008). “Quasi-Maximum Likelihood Estimators For Spatial Dynamic Panel Data With Fixed Effects When Both N and T Are Large”, *Journal of Econometrics*, Vol. 146, Issue, 1.
36. Zhang, K. H. and S. Shunfeng (2003). “Rural–Urban Migration and Urbanization In China: Evidence From Time-Series and Cross-Section Analyses”, *China Economic Review*, 14(4).



# اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران

سیدجمال جمالی اسگویی\*، احمد بخشایشی اردستانی\*\* و میرقاسم بنی‌هاشمی\*\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۸	شماره صفحه: ۵۸-۳۳
------------------------	--------------------------	------------------------	-------------------

هدف پژوهش حاضر این است تا از رویکرد اقتصاد سیاسی، عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران را تبیین و تحلیل کند. پرسش اصلی این است که علل و عوامل پدیداری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران چه چیزهایی است و مهمترین مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی نهادی یا کارگزاری مؤثر بر فساد کدام‌اند؟ از این رو بعد از پرداختن به مبانی مفهومی و نظری و نظریه‌های فساد و نیز اشاره به مهمترین مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی فساد، پاسخ به پرسش یاد شده از طریق نظرخواهی از خبرگان که شامل صاحب‌نظران دانشگاهی، کارشناسان و متخصصان نهادی و نیز مدیران سازمان‌ها و نهادهای مربوطه انجام شد. از لحاظ روش و تجزیه و تحلیل داده‌ها آزمون دیلیو کندانال در این مقاله برای بررسی میزان اجماع نخبگان در خصوص علل فساد مبنا قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار و الگوی اقتصاد سیاسی حاکم بر اقتصاد ملی و جامعه ایران در ایجاد و تداوم فساد در جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فساد اقتصادی؛ اقتصاد سیاسی؛ اقتصاد سیاسی فساد؛ جمهوری اسلامی ایران

\* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران؛

Email: jjamali225@gmail.com

\*\* استاد دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: Ahm.Bakhshayeshi-Ardestani@iauctb.ac.ir

Email: banihashemi@risstudies.org

\*\*\* استادیار پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران؛

## مقدمه

گسترش روزافزون فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران و ناتوانایی مجموعه نهادهای تقنینی، قضایی، نظارتی و اجرایی برای جلوگیری و ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی موجب مطرح شدن سؤال‌های بنیادی و کاربردی در مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌شود. یکی از ضرورت‌های بسیار مهم، پی بردن به این مسئله اساسی است که آیا فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در حال تبدیل شدن از فساد مزمن به فساد سازمان‌یافته است که مجموعه نظام با رویکردها و رویه‌های فعلی توان جلوگیری از گسترش و فراگیر شدن آن را ندارد؟ این سؤال از این رو مهم است که بر مبنای مطالعات و تجارب جوامع مختلف، فساد اقتصادی عامل برهم زدن توازن و تعادل نظام اجتماعی - فرهنگی، نظام اقتصادی و حتی ثبات نظام‌های سیاسی است. فساد کارکردهای سیستمی بخش‌های مختلف جامعه را برهم می‌زند و شیوع آن در سطوح نهادی و یا رده‌های بالای سیاسی و مدیران عالی‌رتبه می‌تواند مهمترین زمینه تضعیف مشروعیت سیاسی محسوب شود. در واقع در عرصه امنیت داخلی تأثیرات و تهدیدات امنیتی این موضوع عمیق‌تر است و به نوعی تهدید استراتژیک برای نظام حقوقی و رژیم سیاسی محسوب می‌شود.

یکی از مهمترین دغدغه‌ها و چالش‌های ذهنی و مدیریتی پاسخ به این سؤال است که چرا مبارزه با فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به‌رغم سپری شدن نزدیک به چهار دهه از عمر انقلاب همچنان بی‌اثر بوده و تدابیر اعلانی و سیاست‌ها، تغییر جدی در پیشگیری و یا جلوگیری از وضعیت نامطلوب این پدیده به مثابه معضل بزرگ سیاسی - اقتصادی ایجاد نکرده است و برخلاف گفتمان انقلاب اسلامی ایران، فسادهای پدیدار شده و پرتکرار در نظام اداری، بانکی و برخی از بخش‌های اقتصادی به سمت سطحی از فساد مزمن حرکت کرده است. اهمیت موضوع به این دلیل است که اگر فساد اقتصادی ماهیت سازمان‌یافته و سیستمی پیدا کند برای مواجهه اصولی با این معضل ما به راهکارها و راهبردهای پیچیده و جامعی که برخاسته از یک نظام اندیشه‌ای و تفکر سازمان‌دهی شده باشد نیازمند هستیم که محصول تضارب و برابند اندیشه‌ها و تجربه‌ها باشد. بر این اساس برای درک مهمترین زمینه و علل شیوع فساد در سطح فردی و نهادی اقتصاد سیاسی

فساد در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حاضر به لحاظ روش شناختی به نظرخواهی از خبرگان مدیریتی و نخبگان فکری می‌پردازد.

## ۱. بررسی مفهومی

### ۱-۱. تعریف فساد

فساد موضوعی چندوجهی، چندسطحی و چندعاملی است؛ بنابراین هیچ‌گونه تعریف واحد، فراگیر و جهان‌شمولی از فساد وجود ندارد. برای اولین بار سن‌توریا (۱۹۳۱) تعریف فساد را این‌گونه تعریف کرد: «فساد عبارت است از سوءاستفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی» (دوگراف، ۱۳۹۴: ۳). آمولدسن نیز فساد را سوءاستفاده از کالاها و امکانات دولتی و عمومی توسط مأمورین دولتی برای بهره‌گیری شخصی تعریف کرده است (Amnuldson, 2000: 5).

### ۱-۲. اقتصاد سیاسی

در یک تعریف کلی می‌توان اقتصاد سیاسی را بررسی تأثیرات و تعامل متقابل مؤلفه‌های عرصه سیاست و قلمرو اقتصاد دانست. اقتصاد سیاسی با ماهیت سیاسی تصمیم‌گیری آغاز می‌شود و با چگونگی تأثیرگذاری امور سیاسی بر انتخاب‌های اقتصادی در یک جامعه ارتباط می‌یابد. در واقع رهیافت اقتصاد سیاسی بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن به پدیده‌های اجتماعی تأکید کرده و بر چگونگی تأثیرگذاری امور سیاسی در برون‌دادهای اقتصادی توجه می‌کند. آدام اسمیت اصطلاح اقتصاد سیاسی را چنین تعریف کرده است: «شاخه‌ای از علم دولتمردان یا قانونگذاران با اهداف دوگانه ایجاد درآمد یا معاش زیاد برای مردم و رفع نیاز دولت یا جامعه از طریق ایجاد درآمد کافی برای خدمات عمومی» (آگرونوین، ۱۳۷۷: ۲۲۵).

### ۱-۳. رانت و دولت رانتیر

برای پرداختن به تعریف اقتصاد سیاسی و تأثیر آن در ایجاد فساد در جمهوری اسلامی ایران باید به مفهوم رانت، دولت رانتی و اقتصاد رانتی پرداخته شود چرا که نوع اقتصاد سیاسی حاکم بر مناسبات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، مالی، تجاری و فعالیت‌های تخصیصی و بازتوزیعی منابع توسط دولت و کارگزاران آن از منظر دولت رانتی و اقتصاد رانتی قابل درک و فهم است. نفت و گاز در ایران باعث به وجود آمدن دولت رانتیر و جامعه‌ای رانت جو شده است. آدام اسمیت و ریکاردو رانت را درآمد و عواید حاصل از زمین و طبیعت می‌دانستند. درآمدی که بدون تلاش به دست می‌آیند و در برابر مفاهیمی چون سود و مزد به کار می‌روند که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است (طاهری، ۱۳۸۵: ۱۰۶). در اقتصاد سیاسی نیز رانت به معنای درآمدهای یک دولت از منابع خارجی (فروش مواد خام و منابع زیرزمینی و کمک سایر دولت‌هاست) که ربطی به فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد داخلی نداشته و اغلب از استخراج منابع و مواهب طبیعی به دست می‌آید (طیبیان، ۱۳۷۱: ۳).

### ۱-۴. گونه‌شناسی فساد

#### ۱-۴-۱. فساد تصادفی و فساد نظام‌مند

درجه شیوع فساد در جوامع مختلف متفاوت است و از درجه کم تا درجه بسیار رایج و قاعده‌مند تغییر می‌کند. اگر فساد کم باشد به آسانی قابل کشف و مجازات است. اما وقتی فساد در جامعه رایج شود و به شکل قاعده درآید، احتمال کشف و مجازات آن کاهش می‌یابد، زیرا برخلاف حالت اتفاقی، طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند. هر جا که فساد قاعده‌مند شده باشد نهادها، قوانین و ضوابط رفتاری با الگوهای غارتگری دیوان سالاران و کارگزاران دولتی تطابق می‌یابند و رشوه نیز می‌تواند باعث کند شدن رسیدگی به پرونده‌ها (و کاهش احتمال مجازات) شود (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۱).

#### ۱-۴-۲. فساد سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته

مبنای این طبقه‌بندی دو خصیصه کلی است که یکی ارتکاب فساد به صورت انفرادی

یا جمعی و دیگری سازمان‌دهی شده یا نشده نوع و نحوه ارتکاب جرم است. برای این اساس، فساد سازمان‌یافته تلقی می‌شود که دو ویژگی مهم داشته باشد؛ اول اینکه به صورت جمعی و شبکه‌ای انجام شود نه فردی. و دوم اینکه تمام مراحل ارتکاب فساد اعم از برنامه‌ریزی و اجرا یا بخشی از آن سازمان‌دهی شده باشد (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۴۱). در جرم سازمان‌یافته، بازیگران اقتصادی حوزه تجارت و فعالیت‌های غیرقانونی تلاش دارند با پرداخت رشوه به پلیس، سیاستمداران و قضات و همچنین با شریک کردن آنها در سود فعالیت‌های تجاری غیرقانونی با اطمینان خاطر فعالیت کنند. آنها در اغلب مواقع فعالانه می‌کوشند پلیس و نهادهای نظارتی را فاسد کنند (Akerman, 1999: 72).

## ۲. بررسی نظری

### ۲-۱. نظریه‌ها و رهیافت‌ها نسبت به فساد

#### ۲-۱-۱. نظریه نخبگان

فساد با هنجارها و ارزش‌های برخی گروه‌های نخبه فرصت‌طلب ارتباط دارد. اگر هنجارها و ارزش‌های نخبگان، موجب فساد نباشد شاهد بروز فساد در بین آنها نخواهیم بود. زمانی که ارزش‌های واحدی بین نخبگان حاکم بوده و برخی از آنها در پی دستیابی به فرصت‌های سیاسی مترتب بر تحقق خواسته‌های جامعه باشند، فساد بروز خواهد کرد (Jain, 2005: 64). نظریه نخبگان سه فرض اساسی دارد: ۱. میزان فساد در هر جامعه به رفتار سیاسی نخبگان بستگی دارد. ۲. رفتار سیاسی نخبگان تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌های آنان است. ۳. هرگونه تحول در این نوع از هنجارها و ارزش‌ها نشئت گرفته از فرهنگ نخبگان است، بنابراین فرهنگ نخبگان خاستگاه تحول در ارزش‌های نخبگان، رفتار آنان و در نهایت فساد سیاسی است (Ibid.,: 74).

#### ۲-۱-۲. رهیافت نظریه عقلانیت فردی نسبت به فساد

در رویکرد عقلانیت فردی، فساد سیاسی به‌عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه‌ها

و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می‌شود. در این رهیافت فرض بر آن است که سیاستمداران و بوروکرات‌ها در پی قدرت سیاسی و مالی هستند که اگر اهداف آنها صرفاً مبتنی بر سود و منطق هزینه - فایده باشد، این امر روند سالم رقابتی‌های سیاسی، فرایند تصمیم‌گیری و نظارت سیاسی را مختل کرده و منابع نظام سیاسی را به دنبال اهداف خود می‌کشد که دلیل این امر آن است که بقا و حمایت سیاسی از این افراد مستلزم توزیع و تخصیص غیرقانونی منابع عمومی است (هیوود، ۱۳۸۱: ۱۱).

### ۳-۱-۲. رهیافت الگوی نهادی نظام‌های سیاسی

پیروان این رهیافت بر این باورند که نهادها باعث شکل‌گیری رفتارها می‌شوند و در نتیجه برخی از نهادهای سیاسی مستعد فساد هستند. مطالعه رابطه بین نهادهای سیاسی و حاکمیت سیاسی و فساد و تأثیر متفاوت انواع نظام‌های سیاسی؛ بر افزایش و یا کاهش فساد تأکید دارد. مفهوم الگوی نهادی در فرض رقابت سیاسی واقع شده است که بر انتخابات ایدئال به‌عنوان ابزار کافی برای کنترل، پاسخگویی و کنترل فساد تأکید دارد و در پی کشف و تبیین تأثیر سازوکارهای علی کنترل همچون باز بودن و شفافیت نظام سیاسی و رقابت حزبی، قواعد تصمیم‌سازی یا مسائل کنش جمعی است (Degraaf, Wagenaar and Patrick Von, 2010: 18).

### ۲-۲. اقتصاد سیاسی و تأثیر انواع رانت بر فساد

علاوه بر ساختار سیاسی؛ میان نوع ساخت و مناسبات اقتصادی و فساد نیز ارتباط نزدیکی وجود دارد. تجارب چند دهه اخیر نشان می‌دهد که سطح فساد در اقتصادهای بسته با تصدیگری بالای دولت به مراتب بیشتر بوده است. علاوه بر این سطح فساد اقتصادی و رانت‌ها ارتباط مستقیمی با سطح گسترش بوروکراسی دارد. اقتصادهای رانتی به فریبهی و حجیم شدن دولت، انحصارهای دولت در اقتصاد و در نهایت به فساد و رانت‌جویی اقتصادی منجر می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۲). از انواع رانت می‌توان به رانت سیاسی، اقتصادی، قضایی و اطلاعاتی اشاره کرد. در مقاله حاضر با توجه به انتخاب رهیافت اقتصاد

سیاسی در بررسی علل فساد در جمهوری اسلامی ایران، رانت سیاسی و اقتصادی مورد توجه است.

### ۱-۲-۲. رانت سیاسی

فساد سیاسی یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری رانت سیاسی در هر جامعه‌ای است. هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع قدرت و ثروت را در اختیار دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل شوند و در واقع چنانچه اراده متنفذان سیاسی خارج کردن رقبا از میدان و دادن امتیاز به یک فرد یا گروه خاصی باشد یک رانت سیاسی برای فرد، گروه خاص و یا شبکه حامیان شکل می‌گیرد.

### ۲-۲-۲. رانت اقتصادی

رانت‌های اقتصادی ناشی از بهره‌مندی بدون زحمتِ طیفی از گروه‌های اجتماعی از برخی منابع و عوامل اقتصادی مانند منابع طبیعی، امتیازات و محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبارات دولتی است. چنین رانت‌هایی باعث تضعیف انگیزه تولید و کاهش درآمدها می‌شود و افراد بااستعداد و مولد به سوی جستجو و کسب رانت رفته و بنیان‌های اقتصاد یک کشور آسیب می‌بیند (پارچه‌فروش، ۱۳۹۲: ۱۵).

در جمهوری اسلامی ایران وابستگی شدید بودجه و برنامه‌های توسعه به رانت‌های ارزی حاصل از فروش نفت و گاز و وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی و ارز حاصل از آن باعث شکل‌گیری نوعی از ساختار اقتصاد سیاسی رانتهی پایدار شده که زمینه‌ساز فساد در ایران شده است. بر این مبنا استقلال نسبی مالی دولت از درآمدهای مالیاتی و قدرت انحصاری دولت در تخصیص و بازتوزیع منابع موجب شکل‌گیری رانت‌های بزرگ اقتصادی برای برخی اعضای بخش خصوصی، بخش عمومی ذی‌نفوذ و نیز شرکت‌ها و مدیران چندزیست خصولتی و شبه‌دولتی - شبه‌عمومی و در نهایت عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادی و فردی شده است.

مدل ۱. مدل مفهومی اقتصاد سیاسی فساد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. روش‌شناسی تحقیق

در این مقاله تلاش شده تا علل اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظرات خبرگی کشف و استنتاج شود. براین اساس جامعه نمونه پنجاه نفر از خبرگان که ۵۶ درصد مدرک دکترا و ۴۴ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد که شامل اساتید دانشکده‌های علوم سیاسی، نمایندگان مجلس و برخی از مسئولان و کارشناسان مربوطه و همچنین از برخی مراکز علمی - پژوهشی از جمله پژوهشکده مطالعات راهبردی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان مردم‌نهاد شفافیت و عدالت، مؤسسه افکارسنجی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز بودند انتخاب شدند. به لحاظ روشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمون دیلیو کندانال برای بررسی میزان اجماع نخبگان در خصوص علل فساد مبنا قرار گرفت. نمونه‌گیری مقصودی و هدفمند بود و پاسخگویان به صورت هدفمند و قضاوتی انتخاب و از سؤال‌های دست اول

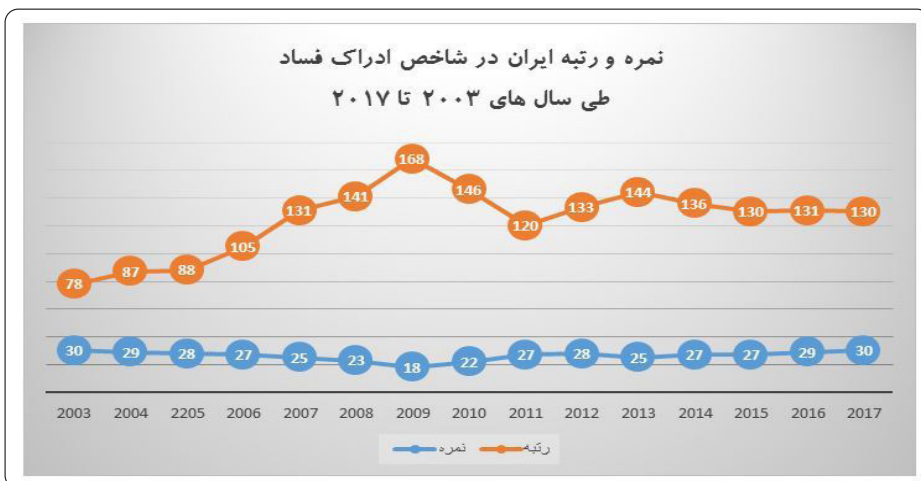


استفاده شده شد. قلمرو مکانی تحقیق شهر تهران و نوع تحقیق کاربردی بود. چنانکه اشاره شد سنجش روایی پرسشنامه تحقیق حاضر نیز نظرخواهی و تأیید گروهی از استادان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و حقوق بوده است.

#### ۴. وضعیت فساد در جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت وضعیت فساد در جمهوری اسلامی ایران از منظر شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل بررسی می‌شود. سازمان شفافیت بین‌الملل که سالانه وضعیت همه کشورها را از نظر سطح فساد بررسی می‌کند در گزارش‌های خود، شاخص ادراک فساد را برای اقتصاد ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون منتشر کرده است. براساس آخرین گزارش منتشر شده از سوی این سازمان در سال ۲۰۱۷ که وضعیت فساد را در ۱۸۰ کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهد، وضعیت جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۲۰۱۶ تفاوت چندانی نداشته و از رتبه ۱۳۱ به ۱۳۰ تقلیل یافته که بیانگر نزول یک‌پله‌ای در این رتبه‌بندی است. نمودار ۱ رتبه ایران طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ در شاخص ادراک فساد را به تصویر می‌کشد.

نمودار ۱. شاخص ادراک فساد ایران در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷



براساس داده‌های سازمان شفافیت در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۳ بهترین وضعیت سلامت اقتصادی ایران در دوازده سال اخیر مربوط به سال ۲۰۰۳ است که شاخص ادراک فساد عدد ۳۰ را نشان می‌دهد. پس از آن روند سلامت اقتصادی تا سال ۲۰۰۹ نزولی بوده است که در این سال بدترین وضعیت برای کشور نمایانگر می‌شود و رتبه ایران از نظر سلامت اقتصادی در سطح جهانی به رتبه ۱۶۸ تنزل می‌یابد. پس از آن مجدداً روند فسادگریزی یا بهبود نسبی در روندهای سلامت اداری مثبت شد و در آخرین آمار ارائه شده در سال ۲۰۱۷ شاخص ادراک فساد عدد ۳۰ را نشان می‌دهد و رتبه ایران به رتبه ۱۳۰ بهبود یافته است (جمالی، ۱۳۹۷: ۹۹).

## ۵. عوامل سیاسی - اقتصادی فساد در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه چارچوب تحلیلی این نوشتار برای فهم زمینه‌ها و علل فساد و تخلفات کلان و خرد اقتصادی و اداری در جمهوری اسلامی رویکرد اقتصاد سیاسی است، دو طیف مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود در هر یک از این عرصه‌ها، مهمترین زمینه‌ها مورد شناسایی و ارزیابی نسبی قرار گیرد.

### ۵-۱. علل سیاسی فساد

#### ۵-۱-۱. فساد سیاسی (نهادهای و کارگزاران)

رفتار فسادآلود بسیار متمایز از جرائم معمول است و این امر حاکی از منحصر به فرد بودن زمینه‌ها و اهداف فساد است. این زمینه‌ها و عوامل در فضایی شکل می‌گیرد که در آن الگوهای خاصی از روابط بین افراد، گروه‌ها و دولت آغاز می‌شود. ساختار کلان سیاسی (ویژگی نهادی نظام سیاسی، توازن قوا، رقابت‌پذیری انتخاباتی و...) انگیزه پاک‌دستی و یا ورود به تخلفات در ادارات و همچنین کیفیت پاداش و مجازات افراد در داخل یا بیرون سیستم اداری را مشخص می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که با دمکراسی، نظام‌های پارلمانی، ثبات دمکراتیک و آزادی بیان؛ فساد به صورت نظام‌مند کاهش می‌یابد (استفهارست، پلیزو و نیل، ۱۳۹۴: ۷۷). فساد سیاسی قاعدتاً در سطوح بالا و میانی مقام‌های سیاسی رخ می‌دهد. این نوع از فساد زمانی محقق می‌شود که سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی (رؤسای دولت، وزرا و

مقامات ارشد) که باید قانون را به نام مردم تنظیم، تأیید و اجرا کنند، خودشان فاسد باشند. در این نوع از فساد با افراد متنفدی سروکار داریم که از موقعیت‌های خود برای گرفتن رشوه‌های کلان از شرکت‌های دولتی استفاده می‌کنند، درآمدهای کلانی از راه تقلب در معاملات به دست می‌آورند و یا مقادیر هنگفتی از پول را که از خزانه دولت اختلاس کرده‌اند را به حساب‌های بانکی خود (که اغلب در خارج از کشور است) منتقل می‌کنند. به علاوه، فساد سیاسی زمانی به وقوع می‌پیوندد که سیاستگذاری و قانونگذاری به نحوی تغییر داده شده باشد تا سودی عاید سیاستمداران و قانونگذاران شود (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۸: ۲۳).

#### ۲-۱-۵. انسداد سیاسی (چرخش نخبگان به جای گردش واقعی نخبگان)

شاید دلیلی که بیش از دلایل سیاسی دیگر برای توضیح فساد مؤثر به نظر برسد «موانع ورود به بازار سیاسی» باشد. هرچه هزینه‌ها در بازار سیاسی پایین‌تر باشد، فعالیت و ورود برای یک حزب جدید و غیرفاسد، آسان‌تر خواهد بود تا سیاست‌های حزبی خود را بدون تغییر حفظ کند و آرای حزب فاسد کهنه‌کار را به خود اختصاص دهد. معمولاً کارگزاران در نظام‌های فاسد بعد از تثبیت موقعیت خود موانعی را برای ورود به صحنه سیاست پدید می‌آورند تا بتوانند حفظ و تداوم قدرت خود را تضمین کنند. این موانع عنصر ذاتی دموکراسی نیستند، بلکه انحراف از فرایندهای دموکراتیک هستند. در واقع بدکارکردی دموکراسی و جهت‌گیری آن به سمت نوعی الیگارش می‌مهندسی شده در فرایندهای دموکراتیک مانند انتخابات منجر به فساد می‌شود (کی جین، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

امانوئل والسترین می‌گوید: «نظامی که قدرت را به صورت غیردموکراتیک و نابرابر توزیع کند، بدین معناست که سایر چیزها را هم به صورت نابرابر توزیع می‌کند و چنین نظام‌هایی نمی‌توانند مردم سالار باشند». بنابراین فقدان دولت‌های مردم‌سالار، عامل اصلی بازتولید فساد در تمامی عرصه‌هاست. به بیان دیگر، توسعه نامتوازن و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های سیاسی، آموزشی، اقتصادی، علمی، مدیریتی و فاصله طبقاتی در دوره‌های تاریخی مانند پهلوی اول و دوم نشانگر این مطلب است که بدکارکردی نهادهای دموکراتیک مانند پارلمان و انتخابات در ایران موجب پایداری و تداوم فساد شبکه‌ای و سیاسی شده است. از طرفی، گسترده‌گی دولت و قرار داشتن عرصه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و عمده‌ترین

سرمایه‌های ملی مانند نفت و همچنین چرخش قدرت سیاسی و اقتصادی در دست عناصر محدود به صورت دائمی و تکراری، موضوعی بوده که فساد را در درون دولت و بعضی از نهادهای خصوصی و نیز در عرصه اقتصادی و برخورداری از رانت‌ها نهادینه و ریشه‌دار کرد (حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۸). در جمهوری اسلامی ایران شواهد عینی، مبین این حقیقت است که گردش نخبگان سیاسی، مدیریتی و اداری به معنای واقعی نیفتاده است و در طول عمر چهل ساله انقلاب نخبگان سیاسی، اجرایی و مدیریتی به‌رغم کاستی‌ها و نقص‌ها در انجام مسئولیت‌های محوله و نقص در مدیریت مسائل کلان حاکم بر کشور، به جای گردش واقعی نخبگان، آنان فقط جابه‌جا شدند و ازدواج‌های مصلحتی سیاسی این معضل را تشدید کرده است. این مسئله باعث تسلط عده‌ای قلیل بر منابع کشور شده و یک سیستم بسته مدیرتی، اقتصادی و سیاسی را به وجود آورده است.

### ۳-۱-۵. نبود شفافیت (نبود جریان آزاد اطلاعات در مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی)

از دیدگاه سیاسی، شفافیت به معنای روشن و آشکار بودن اساس فعالیت‌ها و تصمیم‌های سیاسی و سازوکارهای حاکم بر نحوه توزیع قدرت در جوامع است که باعث اعتماد و اطمینان متقابل در روابط میان افراد و گروه‌های مختلف می‌شود. امکان رقابت سالم بین احزاب و گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت و وجود رسانه‌های جمعی و مطبوعات آزاد جهت اطلاع‌رسانی صحیح و انتقاد از عملکرد مقامات حاکم، از شرایط لازم برای شکل‌گیری یک محیط شفاف سیاسی است. در این فضا از تمرکز قدرت در دست یک فرد یا گروه خاص، رانت‌جویی و اعطای امتیازات ویژه و انحصارات به افراد یا گروه‌های خاص جلوگیری می‌شود. نظام اقتصادی کشور در دهه‌های گذشته به علت‌های مختلف از جمله دخالت گسترده و روزافزون دولت در فعالیت‌های اقتصادی مانند در تعیین دستوری و اداری قیمت‌ها و اعطای یارانه‌های مختلف، دچار عدم شفافیت اقتصادی، تخصیص غیربهبینه و اتلاف وسیع منابع و امکانات و بروز رفتارهای اقتصادی غیرعقلانی در تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شده است (موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۵).

بی‌اطلاع مردم از شرایط و زمان تسهیلات اعطایی ارزی و ریالی دولت و همچنین

مجوزهای مختلف وارداتی و صادراتی و سهمیه‌ها یکی از تبعات جبران‌ناپذیر نبود شفافیت و ناآگاهی اکثریت مردم از تسهیلاتی است که بانک‌ها، وزارت‌خانه‌ها یا سازمان‌های تحت پوشش بخش عمومی غیردولتی، از منابع حاصل از بودجه سالانه یا منابع دیگر، با نرخ پایین‌تر از بازار در اختیار افرادی خاص قرار می‌دهند. نتیجه این وضعیت، ارتکاب جرائمی همچون «تبانی در معاملات دولتی، ارتشا و کسب درآمدهای نامشروع، توزیع ناعادلانه درآمدها و فرصت‌های اقتصادی، شکاف طبقاتی و پیدایش انحصارات اقتصادی است» (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۱۴۵). نبود شفافیت، احتمال علنی و محکوم شدن بابت کارهای خلاف را کاهش می‌دهد و تحلیل‌های هزینه - فایده را به نفع فساد سوق می‌دهد (استفهارست، پلیزو و نیل، ۱۳۹۴: ۴۷).

شفافیت و شفاف‌سازی نظام‌های اداری، اقتصادی، مالیاتی، بانکی و همچنین شفافیت در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در امر مبارزه با فساد و از بین بردن زمینه‌ها و بسترهای به وجودآورنده فساد است. چرا که شفافیت در حوزه‌های مختلف کشور، موجب جریان آزاد اطلاعات می‌شود و این جریان آزاد اطلاعاتی مانع و سد محکمی در برابر فساد است. در ضمن تکیه محض بر عوامل انسانی در ساختار اداری کشور در مقابل الکترونیکی و سیستمی کردن فرایندها و امور اداری موجبات شکل‌گیری فساد شده است. از این رو دولت یکپارچه الکترونیک و سیستمی کردن فرایندهای اداری و شفاف‌سازی، سازوکارهای مهمی برای پیشگیری از فساد است.

#### ۴-۱-۵. فساد در تأمین مالی احزاب یا گروه‌های سیاسی

ریکاردو پلیزو نشان می‌دهد که چگونه نهادینه شدن ضعیف احزاب سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، و سوسه برای تأمین نیازهای مالی با روش‌های غیرقانونی را افزایش داده است. این مشکل به خصوص در زمان رقابت انتخاباتی احزاب سیاسی برای کسب قدرت تشدید و به رقابت برای منابع مالی و مشکلات تأمین مالی احزاب سیاسی منجر می‌شود (همان: ۳۳). رسوایی‌های فساد در تأمین مالی مبارزات انتخاباتی بسیارند و اغلب شامل خود نمایندگان پارلمان است که می‌تواند اشکال بسیاری داشته باشند؛ مثل

خرید رأی، استفاده غیرقانونی از منابع دولتی و... نگرش رأی دهندگان موضوع دیگری است؛ اگرچه آنها به طور کلی فساد را محکوم می‌کنند، اما همچنان رأی خود را می‌فروشند. همچنین در برخی موارد، نامزدها معتقدند اگر هزینه مبارزات انتخاباتی را بدون یارانه دولتی بپردازند هیچ شانس برای مشارکت در افزایش غیرقانونی تأمین مالی ندارند (همان: ۳۴). فساد در تأمین مالی فعالیت‌های خود معمولاً شامل یکی از موارد ذیل می‌شود: ۱. کمک‌های سیاسی که قوانین موجود را در زمینه تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی نقض می‌کنند. ۲. استفاده از پولی که مقام سیاسی شاغل از مبادله فسادآمیز برای مبارزات انتخاباتی یا اهداف حزبی به دست آورده است. ۳. استفاده غیرمجاز از منابع دولتی برای مقاصد حزبی. ۴. پذیرش پول در ازای نفع غیرقانونی یا وعده دادن یک نفع در صورت انتخاب شدن برای یک پُست. ۵. کمک مالی از منابع بدنام. ۶. هزینه کردن برای اهداف ممنوع همانند خرید رأی (همان: ۳۰۴).

#### ۵-۱-۵. ضعف نظارتی و نهادهای مرتبط

ضعف نهادهای نظارتی و قضایی به دلیل نفوذ، محافظه‌کاری یا ترس، یکی دیگر از عوامل رشد فساد است. آلوده شدن بعضی از وزارت خانه‌ها که خود مسئول برخورد با این مفاسد هستند و روی آوردن برخی از نمایندگان مجلس به فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از هزینه‌های کلان میلیاردی برای تبلیغات، همه به ضعف این نهادها در نظارت کمک کرده است. برخوردهای جناحی و سیاسی در رسیدگی به تخلفات مقامات یا برخی نهادها و مؤسسات، وجود نهادها و سازمان‌های بازرسی موازی و وابسته به دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و فقدان اختیارات مستقل از دستگاه‌ها برای برخورد با سوءاستفاده‌ها و عناصر فساد، از مؤلفه‌هایی است که فساد را استمرار می‌بخشد. ترجیح مصلحت‌اندیشی‌های فردی بر مصالح نظام و حقوق اساسی مردم در برخورد با برخی از عناصر فساد، عدم قاطعیت مورد انتظار دستگاه‌های قضایی در برخورد با قاچاقچیان کالا، مواد مخدر، ارز و زمین‌خواران و نادیده گرفتن سوابق و تجربه‌های هزاران مدیر کارآمد در اداره کشور با ملاحظات سیاسی، حزبی و فقدان نظارت دولتی و مردمی زمینه مفاسد مالی را بیش از پیش فراهم می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). گفتنی است کارایی و اثربخشی نظارت، توسط دستگاه‌های نظارتی مستقل و پاک زمانی میسر

خواهد بود که مستمر و مداوم انجام شود و همچنین از یک ضمانت اجرایی قوی برخوردار باشد که بتواند به طور مستقل فساد را کشف و با آن برخورد کند.

### ۵-۱-۶. اراده مبارزه با فساد سیاسی

هر جایی که تعهد ضدفساد واقعی است، اراده سیاسی می‌تواند افشاکننده باشد. بی‌انگیزگی، ترس، استعفا و فرصت‌طلبی می‌تواند آن را تقلیل دهد و تعهد اصلاحگران و اراده سیاسی مبارزه با فساد را تضعیف کند. اولین شاخص اراده سیاسی، ورود به برخی طرح‌ها و ابتکارات است. طرح‌های داخلی شامل انگیزه‌بخشی به اصلاحگرانی است که خودشان درک کنند فساد یک موضوع برجسته است و به انجام اقدامات ضروری برای مبارزه با آن علاقمند باشند. شاخص دوم سطح بالای مشارکت در فرایندهای اصلاحی است. آیا نظام راهبردی را اتخاذ کرده است که مشارکتی باشد و منافع تعدادی از سهام‌داران را ادغام کند؟ شاخص سوم شامل راهبردهای اصلاحی برای پیشگیری، آموزش و مجازات برای مبارزه با فساد است. شاخص چهارم، تخصیص منابع کافی برای نهادهای ضدفساد است. شاخص پنجم، موضوع کنترل و ارزیابی تلاش‌های اصلاحی برای در نظر گرفتن اصلاحات دوره‌ای و تضمین درستی اهداف سیاسی است (استفهارست، پلینز و نیل، ۱۳۹۴: ۸۷).

اراده سیاسی برای تداوم بخشیدن به اقدام ضدفساد مؤثر، باید به طور گسترده ایجاد شود. اراده سیاسی زمانی کارآمد خواهد بود که همه چیز را شامل شود و منافع گسترده‌ای از حوزه‌ها را دربرگیرد. در این زمان وقتی اراده سیاسی نهادینه شود و به اشخاص و توجه افراد خاصی وابسته نباشد ماندگار خواهد بود. فضای لازم برای رشد این اراده سیاسی باید از درون نظام سیاسی به وجود آید و بخش جدایی‌ناپذیر از فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شود (همان: ۹۴).

### ۵-۲. علل اقتصادی فساد

#### ۵-۲-۱. اقتصاد دولتی

در کشورهایی که حکومت مجموعه‌های اقتصادی انحصاری تشکیل می‌دهند، فساد زمینه مناسب‌تری برای رشد دارد. قدرت به علاوه اطلاعات و اخبار داخلی برای مقامات

دولتی فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند تا منافع خودشان یا کسانی که در زمره حامیان شان محسوب می‌شوند را ارتقا بخشند (ابراهیم‌آبادی و مرشدی‌زاد، ۱۳۸۳: ۱۷).

حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و سیاست‌های قیمت‌گذاری عامل مهمی در جرائمی مانند ارتشا به حساب می‌آید. غالباً قیمت فروش یک محصول تولیدی از قیمت بازار آزاد آن به مراتب پایین‌تر است و این امر باعث افزایش تقاضا نسبت به عرضه خواهد شد، از این رو دولت ناچار است از بین متقاضیان براساس معیارهایی افراد واجد شرایط را انتخاب کند. ارزیابی شرایط متقاضیان و انتخاب افراد واجد شرایط برعهده دستگاه‌های اداری است و به کارکنان مسئول قدرت زیادی داده و زمینه برای ارتشا فراهم می‌شود. نتایج مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در اقتصاد ایران ارتباط قوی و مثبت بین بودجه دستگاه‌های دولتی و فساد اداری وجود دارد، به طوری که ۱ درصد افزایش در بودجه دولت به قیمت ثابت باعث ۸۲ درصد افزایش در پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل می‌شود. بنابراین کاهش حجم دستگاه‌های دولتی یا به عبارت دیگر کوچک کردن بخش دولتی می‌تواند نقش مهمی در کاهش بودجه دولت و در نتیجه کاهش جرائم فساد اداری داشته باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۷: ۱۳۰-۱۲۳).

## ۲-۲-۵. اقتصاد رانتی

اقتصاد ایران از دهه ۱۳۴۰ به بعد یک اقتصاد رانتی بوده و پس از انقلاب نیز همچنان ویژگی رانتی و وابستگی بالای خود به این درآمدها را حفظ کرده است. نتیجه استمرار اقتصاد رانتی در چند دهه اخیر، تصدیگری فزاینده دولت در اقتصاد، استمرار تعداد قابل توجهی از انحصارات در حوزه تجارت و تعداد قابل توجهی خدمات بوده است (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۷۸).

پس از انقلاب و به‌ویژه پس از پایان جنگ نیز مدیریت مطلوب و نظارت جدی بر نحوه هزینه‌کرد و توزیع منابع رانتی یا نفتی در فرایند سیاست‌گذاری‌های توسعه انجام نشد. کشور نتوانست از اقتصاد رانتی و نفتی نجات یابد و تصدیگری فزاینده و روزافزون دولت در اقتصاد، در عمل مانع از پیدایش فضای رقابتی جدی در عرصه اقتصاد شد. به دلیل عدم رقابت واقعی و برخورداری افراد و گروه‌های متنفذ از رانت‌های اطلاعاتی و نفوذ سیاسی؛ زمینه انحراف‌های اقتصادی، فساد اداری و اقتصادی یا رانت‌های غیرقانونی افزایش یافت.



تداوم انحصارات و تصدیگری فزاینده دولت و مقررات دست‌وپاگیر، عرصه را برای بخش خصوصی تنگ‌تر کرده و انگیزه آنها برای تبانی فساد و سرّی با کارگزاران حکومت برای فرار از قوانین و نظارت را قوی‌تر کرده است (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۱۲). براساس برخی گزارش‌ها، فساد از مشخصه‌های تجارت نفت است، وابستگی به نفت و گاز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر فساد تأثیرگذار باشد. در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت، وجود نفت و گاز باعث شکل‌گیری ساختارهای ضعیف نظارتی دولت شده که انجام اقدامات فسادانگیز را برای مقامات دولتی به‌شدت ساده کرده است. در عمل مخاطرات فساد در محیط‌هایی که دارای منابع غنی هستند بسیار بزرگ و متنوع است و هزینه‌های آن برای اقتصاد ملی بسیار سهمگین است (راغفر، ۱۳۸۷: ۲۸).

### ۳-۲-۵. تحلیل فساد در سطح خرد اقتصادی

یکی از مهمترین علت‌های شیوع و پایداری فساد در تمام جوامع مربوط به سطح اقتصاد خرد یا پایین بودن سطح دستمزدها و حقوق در بخش عمومی (دولتی) است که باعث می‌شود افراد راه‌های غیرقانونی را در تأمین معاش خود طی کنند. همچنین فقر یکی از مهمترین علل شکل‌گیری و زمینه‌ساز مفسد است. تورم روزافزون و روند دائمی نزول قدرت خرید و بیکاری، مردم را به کسب درآمدهای سهل‌الوصول و فعالیت‌های فاسد ترغیب می‌کند. نتایج یک مطالعه انجام شده در ایران نشان می‌دهد بودجه دولت و تورم از جمله متغیرهایی است که در افزایش فساد مالی مؤثر هستند. افزایش بودجه دولت، با توجه به دولتی بودن بخش بزرگی از فعالیت‌ها در کشور به‌طور چشمگیری باعث افزایش مفسد مالی و پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل شده است. تورم فزاینده جو نامطمئن را ایجاد و نرخ تنزیل را در رجحان یک کارمند افزایش می‌دهد. این مسئله باعث می‌شود که کارمندان برای حداکثر کردن مطلوبیت خود نهایت سوءاستفاده از امکانات و موقعیت‌های موجود را داشته باشند. کارمندان دولت نسبت به آینده با شک و تردید مواجه هستند و سعی خواهند کرد با ایجاد پشتوانه‌های محکم در دوران تصدی خود، نسبت به آینده اطمینان بیشتری کسب کنند (دادگرو و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۵).

## ۶. اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فساد از منظر خبرگان فکری و نهادی

در این پژوهش تلاش شده است علل اقتصاد سیاسی فساد در ایران با استفاده از نظرات خبرگی احصا شود. از این رو ۳۵ علت در ادبیات نظری شناسایی و سپس با استفاده از پرسشنامه، رابطه علل با اقتصاد سیاسی فساد از خبرگان سؤال شد. برای شناخت علل اقتصاد سیاسی فساد، علاوه بر نمرات زیاد و خیلی زیادی که خبرگان برای هر یک از علت‌ها در نظر گرفته‌اند، میزان توافق مجموع خبرگان نیز در خصوص علل اقتصاد سیاسی فساد نیز مهم است، بنابراین آزمون دبیلیو کندال برای بررسی میزان اجماع خبرگان در خصوص علل اقتصاد سیاسی فساد انتخاب شد.

با توجه به سخت‌گیری آزمون دبیلیو کندال و لزوم توافق حداقلی ۵۰ درصد، تلاش شد با کمک آماره انحراف استاندارد، عللی که خبرگان در خصوص آن توافق کمتری داشتند، از آزمون دبیلیو کندال حذف شده و مقدار توافق آنها حداقل تا ۵۰ درصد افزایش یابد. آمار توصیفی برای ۳۵ علت فساد در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. آمار توصیفی

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۱. نظام اداری کشور از شفافیت لازم برخوردار است.	۵۰	۱/۸۰	۰/۷۲۷	۱	۵
۲. عدم شفافیت نظام اداری در شکل‌گیری مفاسد اقتصادی کلان مؤثر است.	۵۰	۴/۶۸	۰/۴۷۱	۴	۵
۳. عدم شفافیت اقتصادی، نظیر شفاف نبودن در گردش پول و کالا، از عوامل مهم فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۶۰	۰/۴۹۵	۴	۵
۴. نظام اداری عریض و طویل و پیچیده از اصلی‌ترین عوامل فساد اقتصادی سازمان‌یافته است.	۵۰	۴/۲۸	۰/۶۷۱	۲	۵
۵. مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد ایران فوق‌العاده زیاد است و بخش قابل ملاحظه‌ای از فساد اقتصادی ناشی از مداخله این دستگاه‌ها در اقتصاد است.	۵۰	۴/۴۰	۰/۷۲۸	۱	۵
۶. به دلیل مداخله دستگاه‌های حاکمیتی در اقتصاد دایره فساد اقتصادی در ایران خیلی وسیع است.	۵۰	۴/۱۴	۰/۷۲۹	۲	۵
۷. نوسانات شدید قیمت‌ها باعث ثروت‌های بادآورده و موجب فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۶	۰/۷۴۹	۲	۵

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۸. مفسد اقتصادی عامل افزایش شکاف طبقاتی در جامعه است.	۵۰	۴/۵۲	۰/۶۴۶	۲	۵
۹. تکیه محض بر عوامل انسانی در ساختار اداری کشور در مقابل الکترونیکی و سیستمی کردن فرایندها و امور اداری موجب شکل‌گیری فساد اقتصادی شده است.	۵۰	۴/۰۰	۰/۷۸۲	۲	۵
۱۰. پیچیدگی، ابهام و نامتناسب بودن قوانین، عامل پرداخت و دریافت رشوه در نظام پیچیده اداری است.	۵۰	۳/۸۴	۱/۰۹۵	۱	۵
۱۱. ضعف نظارتی در شکل‌گیری فساد اقتصادی مؤثر است.	۵۰	۴/۵۴	۰/۶۴۶	۲	۵
۱۲. عدم شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به صورت منظم و ادواری باعث بروز فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۲۲	۰/۶۷۹	۲	۵
۱۳. عدم شفاف‌سازی دارایی‌ها و اموال مسئولان کشور و مدیران دولتی قبل و بعد از تصدی مسئولیت در بروز فساد اقتصادی مؤثر است.	۵۰	۴/۱۶	۰/۷۹۲	۲	۵
۱۴. عدم آگاهی مردم نسبت به اموال و دارایی مسئولان و مدیران دولتی قبل و بعد از تصدی مسئولیت عامل فساد اقتصادی است.	۵۰	۳/۷۸	۱/۰۱۶	۲	۵
۱۵. سبک بودن مجازات افرادی که از بیت‌المال سوء استفاده کرده‌اند از عوامل فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۱۴	۰/۹۰۴	۲	۵
۱۶. اطلاع دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی در قوه قضائیه از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری فسادهای اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۰	۰/۷۰۷	۲	۵
۱۷. نظارت ضعیف مجلس شورای اسلامی بر دستگاه‌های حکومتی باعث فساد اقتصادی می‌شود.	۵۰	۴/۰۸	۰/۸۷۷	۲	۵
۱۸. ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی مفسد اقتصادی دولتمردان از سوی قوه قضائیه موجبات گسترش فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۴۸	۰/۶۷۷	۲	۵
۱۹. فساد اقتصادی ناشی از فساد اداری در کشور است.	۵۰	۴/۱۰	۰/۸۶۳	۲	۵
۲۰. حساسیت مسئولان نسبت به فساد اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران کاسته شده که این امر موجب افزایش فساد اقتصادی می‌شود.	۵۰	۳/۹۶	۰/۹۶۸	۱	۵
۲۱. ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی جزء دغدغه‌ها و اولویت‌های قوه مقننه است.	۵۰	۲/۲۴	۰/۷۴۴	۱	۵
۲۲. قوه قضائیه در برخورد با مفسد اقتصادی فعال است.	۵۰	۲/۲۰	۰/۹۹۰	۱	۵
۲۳. نهادهای نظارتی خود به نوعی آلوده و درگیر فساد اقتصادی و مالی شده‌اند.	۵۰	۳/۹۶	۰/۷۸۱	۲	۵

گويه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف آماری	حداقل	حداکثر
۲۴. دولت (قوه مجریه) نسبت به فساد اقتصادی و مالی اطرافیان اعضای کابینه واکنشی متناسب با جرم را از خود نشان می‌دهد.	۵۰	۲/۴۸	۱/۱۴۷	۱	۵
۲۵. حکومت عزم جدی و همه‌جانبه‌ای برای مقابله با فساد اقتصادی دارد.	۵۰	۲/۴۸	۱/۰۷۴	۱	۵
۲۶. تعلل در رسیدگی قاطع به پرونده‌های فساد اقتصادی اشخاص منتسب به حاکمیت، انگیزه افراد را برای ارتکاب فساد بیشتر، افزایش می‌دهد.	۵۰	۴/۲۲	۰/۸۴۰	۱	۵
۲۷. انفعال مردم در برابر فساد اقتصادی عامل گسترش روزافزون فساد است.	۵۰	۳/۵۴	۱/۱۲۹	۱	۵
۲۸. عدم حساسیت جامعه نسبت به فساد اقتصادی، از مهمترین عوامل گسترش فساد است.	۵۰	۳/۲۸	۱/۲۷۸	۱	۵
۲۹. اراده سیاسی قانونگذاران برای مبارزه با فساد اقتصادی ضعیف است.	۵۰	۳/۹۸	۰/۸۶۹	۱	۵
۳۰. خلأهای قانونی زمینه را برای سوءاستفاده از قانون و فساد مهیا کرده است.	۵۰	۳/۹۲	۰/۹۰۰	۲	۵
۳۱. ابهام در قانون زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاسد اقتصادی است.	۵۰	۳/۸۲	۰/۹۶۲	۱	۵
۳۲. عدم ایفای نقش مستقل و آزادانه مطبوعات در فاش کردن به موقع فساد از عوامل گسترش فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۲۲	۰/۹۱۰	۲	۵
۳۳. در جریان رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی کلان، شفاف‌سازی انجام می‌شود.	۵۰	۲/۰۸	۰/۸۲۹	۱	۵
۳۴. مطبوعات و رسانه‌ها نقش مؤثری در راستای مبارزه با فساد اقتصادی در کشورمان دارند.	۵۰	۳/۶۲	۱/۱۹۳	۱	۵
۳۵. روحیه رانت‌جویی و کسب درآمدهای کلان و آسان، از عوامل گسترش دامنه فساد اقتصادی است.	۵۰	۴/۳۲	۰/۷۱۳	۲	۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به جدول فوق، علت‌هایی که بیشترین مقدار انحراف استاندارد را دارا بودند، یک به یک حذف شدند تا ضریب توافق ۵۰ درصدی حاصل شود. در مجموع از ۳۵ علت، ۲۲ علت حذف شد و سیزده علت که خبرگان توافق مناسبی در خصوص آن داشتند، پذیرفته شد. در جدول زیر نتایج دبلیو کندال برای سیزده علت اقتصادی سیاسی فساد نشان داده شده است.

جدول ۲. مهمترین علت‌های اقتصاد سیاسی فساد

رتبه متوسط	گویه‌ها
۱/۶۹	۱. نظام اداری کشور از شفافیت لازم برخوردار است.
۹/۲۱	۲. عدم شفافیت نظام اداری در شکل‌گیری مفساد اقتصادی کلان مؤثر است.
۸/۷۹	۳. عدم شفافیت اقتصادی، نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا، از عوامل مهم فساد اقتصادی است.
۷/۲۹	۴. نظام اداری عریض و طویل و پیچیده از اصلی‌ترین عوامل فساد اقتصادی سازمان یافته است.
۷/۹۴	۵. مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد ایران فوق‌العاده زیاد است و بخش قابل ملاحظه‌ای از فساد اقتصادی ناشی از مداخله این دستگاه‌ها در اقتصاد است.
۶/۷۶	۶. به دلیل مداخله دستگاه‌های حاکمیتی در اقتصاد، دایره فساد اقتصادی در ایران خیلی وسیع است.
۸/۵۲	۷. مفساد اقتصادی عامل افزایش شکاف طبقاتی در جامعه است.
۸/۵۳	۸. ضعف نظارتی در شکل‌گیری فساد اقتصادی مؤثر است.
۷/۵۱	۹. عدم شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به صورت منظم و ادواری باعث بروز فساد اقتصادی است.
۷/۵۲	۱۰. اطاله دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی در قوه قضائیه از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری فسادهای اقتصادی است.
۱/۹۹	۱۱. ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی جزء دغدغه‌ها و اولویت‌های قوه مقننه است.
۷/۴۶	۱۲. روحیه رانت‌جویی و کسب درآمدهای کلان و آسان، از عوامل گسترش دامنه فساد اقتصادی است.
۸/۲۹	۱۳. ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی مفساد اقتصادی دولتمردان از سوی قوه قضائیه موجبات گسترش فساد اقتصادی است.

مأخذ: همان.

با توجه به جدول فوق خبرگان در خصوص سیزده علت گفته شده برای اقتصاد سیاسی فساد توافق دارند. رتبه‌های میانگین نشان می‌دهد که علت شماره ۲ یعنی عدم شفافیت نظام اداری مؤثرترین علت برای فساد بوده و علت شماره ۳ یعنی عدم شفافیت اقتصادی، نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا در رتبه بعدی قرار دارد. میزان اهمیت هر یک از علل فساد در نمودار زیر نشان داده شده است.

### نمودار ۲. میزان اهمیت هریک از علل فساد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

گفتنی است که پرسش شوندگان از یک سو بیشترین نمره را (بیشترین جواب مثبت) به پرسش عدم شفافیت اداری داده و از سوی دیگر کمترین نمره و یا بیشترین جواب منفی را به شفافیت در نظام اداری کشور ارائه داده‌اند. بنابراین وضعیت شفافیت اداری متغیر مؤثر و تعیین‌کننده در علل بروز فساد است. پرسش شوندگان در خصوص عدم شفافیت اداری بیشترین اجماع را داشته و اکثریت قاطع آنها بر این اعتقاد بودند که نظام اداری کشور شفافیت لازم را ندارد.

### ۷. جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به لحاظ مفهومی و نظری ابتدا رویکرد اقتصاد سیاسی فساد تبیین شد و سپس در چارچوب این رویکرد، دیدگاه‌های نخبگان علمی - پژوهشی و همچنین نخبگان تقنینی، کارشناسان قضایی و بازرسی در خصوص مهمترین علل فساد در جمهوری

اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گرفت. از منظر مبانی مفهومی و نظری رهیافت اقتصاد سیاسی، یافته‌ها حاکی از آن است که زمینه و شرایط مناسبی برای پدیداری و رشد فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. به این معنا که علل ساختاری، نهادی و کارگزاری فساد با یک ارتباط درونی منسجم هم‌افزا، که منجر به شکل‌گیری و تداوم فساد اقتصادی در ایران می‌شود، وجود دارد. برمبنای تجربه چند دهه گذشته نتیجه مهمی که می‌توان گرفت این است که هرگونه اقدامات صرفاً پسینی برای مبارزه با فساد راهکار مناسبی برای این معضل تهدید امنیتی - حاکمیتی نخواهد بود چرا که برخورد و مبارزه با معلول فساد یعنی مصادیق فساد اقتصادی که بروز و ظهور یافته از مجموعه علل و عوامل سیاسی، اقتصادی، به‌ویژه عدم شفافیت در نظام اداری و نظام اقتصادی کشور (نبود جریان آزاد اطلاعات در مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی)، اقتصاد سیاسی رانتی و دولت رانتیر، مانع از گسترش دامنه فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران نخواهد شد، چون محیط و ساختار مناسب برای شکل‌گیری فساد وجود دارد و هم‌زمان با برخورد با یکی از مصادیق فساد اقتصادی که کشف یا آشکار شده است، مفاصد اقتصادی دیگری در حال به وقوع پیوستن است. همچنین یافته‌های بخش پیمایشی تحقیق بیانگر آن است که هر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در مبارزه با فساد؛ نقص‌ها و کاستی‌هایی داشتند و نمی‌توان در امر مبارزه با فساد اقتصادی، مسئولیت را متوجه یک قوه کرد بلکه بایستی نقش و عملکرد هر سه قوه را در کنار هم دید و ارزیابی کرد. در واقع چنانکه شکل‌گیری فساد به تنهایی نشئت گرفته از نهاد و سازمان منفکی نیست، مبارزه با آن هماهنگی بخش‌های مختلف سیاسی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظارتی و حتی فرهنگی جامعه را می‌طلبد و تا این واقعیت در مبارزه با فساد دیده نشود؛ با یکسری از اقدامات قضایی (اقدامات پسینی) نمی‌توان پاسخگوی این معضل تهدید امنیتی خزنده نظام جمهوری اسلامی ایران شد. آنچه این برداشت و استدلال را تقویت می‌کند به وضوح در نظرهای خبرگان قابل مشاهده است. با احصا و استنتاج از نظرات خبرگی بنیادی‌ترین مؤلفه شکل‌گیری فساد در جمهوری اسلامی ایران، نوع اقتصاد سیاسی حاکم بر آن است که از مهمترین معرف‌های آن می‌توان به نبود شفافیت‌های اداری و اقتصادی نظیر عدم شفافیت در گردش پول و کالا، عدم

شفافیت در گزارش فعالیت بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی، نظام اداری عریض و طویل و پیچیده، مداخله دستگاه‌های دولتی (حاکمیتی) در اقتصاد، ضعف نظارتی و از سوی دیگر اطلاع دادرسی و مشمول مرور زمان شدن رسیدگی به پرونده‌های قضایی، ملاحظه‌کاری و عدم برخورد قاطع با برخی از مفاسد اقتصادی دولتمردان، عدم اولویت و دغدغه مبارزه با فساد در قوه مقننه به همراه رشد روحیه رانت‌جویی در فعالیت‌های اقتصادی اشاره کرد که هر یک از این عوامل به صورت هم‌افزا از عوامل به وجودآورنده فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران هستند. اما با توجه به نظرات خبرگی اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین معرف علل بروز فساد در جمهوری اسلامی ایران عدم شفافیت در نظام اداری و اقتصادی است که پرسش‌شوندگان درخصوص عدم شفافیت اداری و اقتصادی بیشترین اجماع را دارند و اکثریت قاطع آنها بر این اعتقادند که نظام اداری و اقتصادی کشور از شفافیت لازم برخوردار نیست.



## منابع و مآخذ

۱. ابراهیم آبادی، غلام‌رضا و علی مرشدی‌زاد (۱۳۸۳). «تأملی چندجانبه در مقوله فساد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش دفتر مطالعات سیاسی.
۲. استفه‌ارست، جانستون، ریک پلیزو و ریکاردو نیل (۱۳۹۴). نقش پارلمان در مبارزه با فساد، مترجم رضا وفایی یگانه و مریم آقانسیری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. پارچه‌فروش، رضا (۱۳۹۲). «رانت‌پریشی و تأثیر آن بر روابط دولت و ملت در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۴. جمالی اسگویی، سیدجمال، (۱۳۹۷). «تأثیر فساد اقتصادی سیستمی بر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۵. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۹). فساد/داری؛ زمینه‌ها و راهبردها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶. دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳). فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان.
۷. دوگراف، خیال (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای نظری فساد، مترجم هانیه هژبرالساداتی، تهران، انتشارات آگاه.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷). «بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران»، مجلس و پژوهش، ش ۲۵.
۹. راغفر، حسین (۱۳۸۷). «اقتصاد سیاسی فساد»، مجلس و پژوهش، سال ۱۴، ش ۵۸.
۱۰. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۵). «ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر»، فصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، سال ۱، ش ۱.
۱۱. طاهری، ابولقاسم (۱۳۸۵). «رانت‌جویی سیاسی و پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۳، ش ۴۰.
۱۲. طبیبیان، محمد (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به‌عنوان مانع اقتصادی، تهران، برنامه و توسعه.
۱۳. کی‌جین، آرویند (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی فساد، مترجم علی بختیاری‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۴. گرونوین، پیتر (۱۳۷۷). «اقتصاد سیاسی و علم اقتصاد»، ترجمه علی دینی‌ترکمانی و محمد مالجو، فصلنامه سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
۱۵. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، تهران.

۱۶. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۸). مطالعه تجربه کشورها برای مبارزه با فساد اقتصادی (یک مطالعه مقایسه‌ای)، مترجم حمیدرضا درخشان، تهران.
۱۷. همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷). فساد مالی علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. هیوود، پل (۱۳۸۱). فساد سیاسی، مترجم محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
19. Annuldsen, Lnge (2000). Corruption: Definitions and Concepts, Chr. Michelseninstitute Development Studies and Human Rights.
20. Degraaf, Maravic, Gjalt Wagenaar and Pieter Patrick Von (2010). The Good Cause: Theoretical Perspectives on Corruption, Barbara Budrich Puplichers.
21. Jain, Arvind K. (2005). The Political Economy of Cruption, Routledge Press.
22. Rose-Akerman, Susan (1999). Corrupion and Government: Caues, Consequences, and Reform, Cambrige Unevercity Press.

# بررسی نوسانات نرخ ارز بر صادرات و ارزش افزوده صنایع غذایی ایران (کاربرد الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری)

محمد رضا کهنسال\* و مهدی محمودی\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۹۴-۵۹
------------------------	------------------------	------------------------	-------------------

زیرشاخه صنایع غذایی یکی از سودمندترین روش های ارتباطاتی بین دو بخش صنعت و کشاورزی و پیش نیاز استراتژی صنعتی شدن و همچنین تأمین کننده امنیت غذایی در کشور است. مقاله حاضر اثر نوسانات نرخ ارز را بر صادرات صنایع غذایی ایران در چارچوب الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری برای دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۰ مورد بررسی قرار می دهد. متغیرهای مورد بررسی شامل صادرات صنایع غذایی، نوسانات نرخ ارز، ارزش افزوده، نرخ تورم و رابطه مبادله ایران هستند. نتایج تحقیق نشان می دهد که آثار کوتاه مدت هم زمان متغیرهای رابطه مبادله و نرخ تورم به صورت منفی و متغیرهای ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز به صورت مثبت با صادرات صنایع غذایی در ارتباط هستند. از طرفی نتایج بلندمدت بین متغیرها نشان داد که تمامی متغیرها در بلندمدت روابط مثبتی با صادرات صنایع غذایی دارند. براساس نتایج حاصل پیشنهاد می شود دولت، کنترل تورم و به تبع بهبود رابطه مبادله در دوره های کوتاه مدت را در دستور کار خود قرار دهد. همچنین نتایج بیانگر این است که نوسانات نرخ ارز فقط در دوره های کوتاه مدت (آغاز دوره) حجم صادرات را افزایش می دهد و در دوره های بعدی باعث می شود تا فعالیت صادرکنندگان کمتر از واردکنندگان شود و از حجم صادرات صنایع غذایی کاسته شود. از طرفی در بلندمدت با توجه به تأثیر مستقیم و مثبت نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی و نقش این صنایع در توسعه و ایجاد ارزش افزوده؛ توسعه صادرات صنایع غذایی با تمرکز بر گسترش این صنایع و به کارگیری صنایع تبدیلی و تکمیلی با فرآورده های محصولات کشاورزی جهت افزایش ماندگاری محصولات را می توان پیشنهاد داد. همچنین آنجا که نوسانات نرخ ارز در کوتاه مدت فقط تا دوره اول، میزان صادرات صنایع غذایی را افزایش می دهد، کمبود پژوهش ها در زمینه ریسک فعالیت های مرتبط با صنایع غذایی و بی ثباتی قیمت ها و تنظیم بازار برای تحقیقات آتی احساس می شود.

**کلیدواژه ها: صنایع غذایی؛ نوسانات نرخ ارز؛ ارزش افزوده؛ نرخ تورم؛ خودرگرسیون برداری**

\* استاد گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: Kohansal@um.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: Mehdi.mahmoudi@mail.um.ac.ir

## مقدمه

امروزه با گسترش جهانی شدن و تشکیل سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup>، صادرات و واردات محصولات و کالاها به یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است (زمانی و بشرآبادی، ۱۳۹۱). این امر پذیرفته شده است که تجارت همواره در رشد اقتصادی کشورها نقش بسزایی ایفا می‌کند و از این رو آن را موتور رشد اقتصاد نامیده‌اند (Latif and et al., 2017; Zahonogo, 2016). به بیان دیگر، نقش مثبت تجارت در توسعه اقتصادی جهان و پیدایش و پیشرفت علوم مختلف، صنایع و... با انگیزه شتاب بخشی به سرمایه‌گذاری خارجی، اهمیت آن را مضاعف کرده است (متوسلی، ۱۳۷۹). در حالی که در ایران سهم عمده صادرات متعلق به صادرات نفتی بوده و توجه به صادرات غیرنفتی که به عنوان یک استراتژی رشد توسعه اقتصادی مطرح است؛ کم‌رنگ‌تر شده است. از طرفی عدم اطمینان به آینده بازار جهانی نفت و نوسانات شدید قیمت آن، ضرورت توجه به توسعه صادرات غیرنفتی را بیش از پیش نمایان می‌کند (مظهری، ۱۳۸۶؛ راسخی، شهرازی و عبداللهی، ۱۳۹۱). بنابراین به نظر می‌رسد که حمایت جدی از زیرساخت‌های مناسب تولید و صادرات برخی از محصولات و کالاهای غیرنفتی به ویژه محصولات کشاورزی، ضروری است (محمودزاده و زیبایی، ۱۳۸۳). همچنین با توجه به برخورداری ایران از درآمدهای بالای نفتی و تأثیرگذاری بر افزایش نقدینگی کشور و تشدید تورم؛ سیاست‌های مهم اقتصادی کشور نیز در راستای افزایش (طهماسبی، جعفری صمیمی و فرجادی، ۱۳۹۳) و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای توسعه صادرات غیرنفتی در نظر گرفته می‌شوند (کازرونی، رضازاده و محمدپور، ۱۳۹۰).

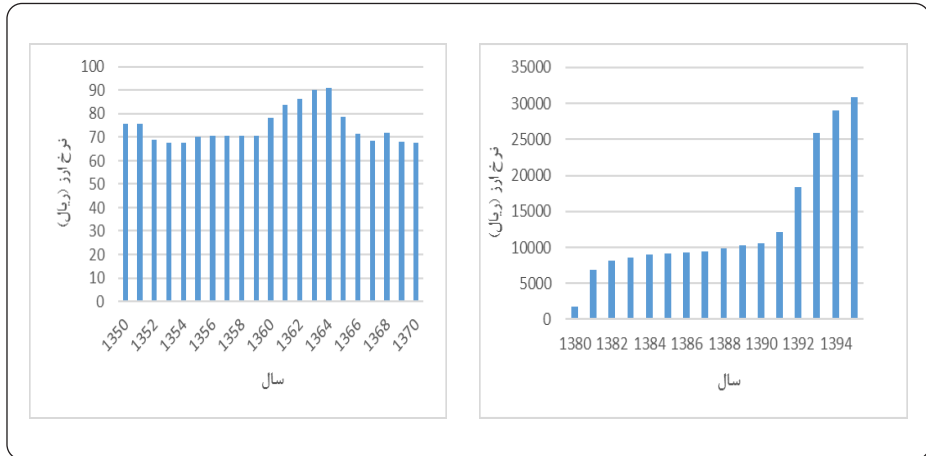
صنایع غذایی همواره در جهت ایجاد ارزش افزوده، افزایش سطح درآمد، بالا بردن بهره‌وری و افزایش سهم اشتغال صنعتی در مناطق مشغول به فعالیت و نیز به عنوان جزئی از فرایند توسعه اقتصادی ایفای نقش می‌کنند. همچنین این صنایع در فرایند توسعه کشور نقش کلیدی داشته و توجه بیشتر به آن، تسریع در رشد، توسعه کشاورزی و اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت (نوری و نیلی‌پور، ۱۳۸۶). درباره این صنایع

1. World Trade Organization (WTO)

می‌توان به صنایع تبدیلی مواد غذایی که یکی از مهمترین بخش‌های صنعت در تمام کشورهاست (Pfizer and Krishnaswamy; 2007) و مستقیماً با امنیت غذایی مرتبط است، اشاره کرد (کلانتری و خادم آدم، ۱۳۷۵). همچنین صنایع غذایی در میان صنایع مختلف به لحاظ ضرورت و تنوع تولید، سرمایه‌گذاری پایین، بازدهی سریع، افزایش بهره‌وری، کاهش ضایعات، اشتغال‌زایی، مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در درآمد ملی، ارزآوری، کاهش فقر و نیز توجه به مسائل بهداشتی از اهمیت بالایی برخوردار است (Trienekens and Zuurbier, 2008). این صنعت با توجه به ایجاد ارزش افزوده بالا یکی از صنایع دارای مزیت نسبی در اقتصاد کشور است و با توجه به تلاش ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی؛ حمایت از صنایع غذایی و حفظ رقابت‌پذیری آنها در بازارهای هدف صادراتی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و دولت نیز در برنامه‌های توسعه‌ای خود همواره توجه ویژه‌ای به آن داشته است (سازمان بازرگانی خراسان رضوی، ۱۳۸۷).

گفتنی است افزایش حجم صادرات با وارد کردن منابع ارزی به آن کشور، بستر مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های تولید فراهم می‌کند (پورا‌براهیم و اسماعیلی، ۱۳۸۹) و در این میان یکی از متغیرهای اثرگذار را با توجه به اینکه عوامل متعددی بر صادرات غیرنفتی تأثیر دارد، نوسانات نرخ ارز می‌دانند. نرخ ارز به‌عنوان قیمت یک واحد پول خارجی برحسب واحدهای پول داخلی، تأثیر مهمی بر متغیرهای کلان اقتصادی، تولید، صادرات و تراز پرداخت‌ها دارد (Khalighi and Fadaei, 2017; Sekkat, 2016) و به‌عنوان یکی از مهمترین متغیرها در تعیین قیمت واردات و صادرات هر کشور نقش ایفا می‌کند (Choudhri and Hakura, 2015). به بیان دیگر نرخ ارز با تأثیر گذاشتن بر قیمت نسبی کالاهای داخلی و وارداتی، می‌تواند بر بخش‌های دیگر اقتصادی کشور هم اثر گذارد. براین اساس، نرخ ارز و تکانه‌های آن همواره یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی هستند (Chen, Zeng and Lee, 2018) و می‌تواند بیان‌کننده وضعیت اقتصادی کنونی در مقایسه با شرایط سایر کشورها باشد (Kido, 2016). البته نوسانات و ناطمینانی‌های حاصل از آن بر تمام بخش‌های اقتصادی تأثیر مشابه و یکسان ندارد (کوچک‌زاده و جلایی اسفندآبادی، ۱۳۹۲)، اما برخی از محققان معتقدند با کاهش دامنه نوسانات ارزی، محیط مساعدتری را برای تولید تجارت و سرمایه‌گذاری می‌توان فراهم آورد (Sun and etal., 2002).

نمودار ۱. وضعیت نرخ ارز آزاد در ایران برای دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۵



مأخذ: همان.

مأخذ: بانک مرکزی.

نمودار ۱ وضعیت نرخ ارز در ایران را با توجه به نوسانات متفاوت در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۷۰ نرخ ارز (برحسب ریال) تقریباً روند ثابت و تغییرات کمی داشته است. همچنین در بازه زمانی (۱۳۸۱-۱۳۹۰) با وجود افزایش نرخ ارز؛ ثبات نسبی در آن قابل مشاهده است،<sup>۱</sup> اما از سال ۱۳۹۱ به بعد، ثبات قیمتی نرخ ارز متزلزل شده و همواره رو به افزایش بوده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱ از ۱۲۱۷۶ ریال به بیش از ۳۰ هزار ریال در سال ۱۳۹۵ رسیده است که بیانگر تغییر شدید آن در یک بازه زمانی کوتاه مدت است. در هر حال، نوسانات نرخ ارز از راه‌های مختلفی بر متغیرهای دیگر تأثیر می‌گذارد و بیش از سایر متغیرهای دیگر، با بخش خارجی ارتباط تنگاتنگ و مستقیم دارد. این امر سبب شده که امروزه ارزش پول کشورها نه تنها تحت تأثیر سیاست‌های اقتصاد داخلی و خارجی قرار گیرد بلکه نوسانات ارزی در بازارهای جهانی نیز بر ارزش پول و به تبع آن بر تجارت خارجی هم اثرگذار است (عسگری، ۱۳۸۷). بنابراین، همان‌طور که از نمودار ۱ مشخص است؛ می‌توان استنباط کرد که شدت تغییرات در سال‌های اخیر بیشتر بوده است.

۱. هرچند نسبت به دوره‌های گذشته یعنی ۱۳۷۰-۱۳۵۰ افزایش داشته است.

با توجه مطالب فوق و اهمیت نرخ ارز و نوسانات آن بر صادرات؛ مطالعه حاضر سعی دارد که در قسمت اول به بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری<sup>۱</sup> بپردازد. در قسمت دوم این مطالعه، مبانی نظری و پیشینه تحقیق و در قسمت سوم، روش پژوهش ذکر شده است. در قسمت های چهارم و پنجم نیز به ترتیب نتایج الگو و نتیجه گیری کلی و پیشنهادها ارائه شده است.

### ۱. مبانی نظری و مطالعات پیشین

در این قسمت ابتدا مبانی نظری در ارتباط با نرخ ارز و صادرات بیان می شود و سپس به تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه اشاره می شود.

#### ۱-۱. مبانی نظری

تقاضای ارز ناشی از تقاضای کشور برای کالاها، خدمات تولید شده و دارایی های کشورهای خارجی و عرضه ارز، منبعت از تقاضای کشورهای دیگر برای کالاها، خدمات تولید شده و دارایی های داخل کشور است. بدیهی است در صورتی که تقاضا برای کالاها، خدمات و دارایی های بیشتر از تقاضای کشورهای دیگر برای کالاها، خدمات و دارایی های داخلی باشد، در بازار ارز مازاد تقاضا وجود خواهد داشت که به مفهوم کسری تراز پرداخت هاست. البته این امر درباره کشورهایمانند ایران که دارای منابع فراوان نفت و گاز و یا منابع طبیعی هستند، می تواند با در نظر گرفتن درآمدهای نفتی و یا بدون در نظر گرفتن این درآمدها انجام شود (Grossmann, Paul and Simpson, 2017).

بدیهی است در نظر گرفتن درآمدهای نفتی به عنوان تقاضای سایر کشورها برای کالا و خدمات ایرانی، شرایط بسیار متفاوتی را در مورد مازاد تقاضا یا مازاد عرضه در بازار ارز در مقایسه با شرایطی که این درآمدها به عنوان تقاضای سایر کشورها برای کالا و خدمات ایرانی در نظر گرفته نشود، ایجاد خواهد کرد. البته این امر به گونه ای دیگر و در قالب تراز تجاری نفتی (که براساس آن

---

1. Structural Vector Autoregressive (SVAR)

صادرات نفت به عنوان جزئی از صادرات کشور در نظر گرفته می شود) و تراز تجاری غیرنفتی (که در آن صادرات نفت به عنوان یک سرمایه ملی بین نسلی منظور شده و به عنوان صادرات در نظر گرفته نمی شود) نیز قابل بیان است (گودرزی و صبوری دیلمی، ۳۹۳۱). به طور کلی با در نظر گرفتن مطالب فوق، نحوه برخورد با مازاد عرضه یا تقاضای ارز در کشورهای مختلف به طور مستقیم به شرایط سیاستگذاری ارزی کشورها بستگی دارد (Gehrke and Yao, 2017).

به طور کلی کاهش ارزش پول از سه طریق بر متغیرهای اقتصادی اثرگذار است (Prakash and Maiti, 2016):

۱. کاهش ارزش پول ملی معمولاً اثر کاهش مخارج را به دنبال دارد. به همان میزانی که تقلیل ارزش پول سبب افزایش قیمت های داخلی می شود بر کاهش ارزش واقعی دارایی ها نیز تأثیرگذار خواهد بود. البته این امر می تواند با استفاده از اثر ثروت خنثی شود (کاهش ارزش واقعی دارایی ها با افزایش ارزش ثروت جبران خواهد شد).

۲. کاهش ارزش پول ملی تمایل به تغییر هزینه خواهد داشت به نحوی که کاهش ارزش اسمی پول سبب تغییر قیمت نسبی کالاهای تجاری و غیرتجاری می شود. گفتنی است اگرچه تغییر هزینه ها سبب افزایش تقاضا برای کالاهای غیرتجاری خواهد شد، در عین حال ممکن است کاهش مخارج، موجب کاهش تقاضا شود. بنابراین با توجه به اینکه کدام یک از آثار فوق برتری دارد به افزایش یا کاهش تقاضا در کالاهای داخلی می انجامد.

۳. کاهش ارزش پول ملی موجب افزایش قیمت داخلی کالاهای وارداتی (سرمایه ای، واسطه ای و نهایی) خواهد شد. این امر با ثابت بودن سایر شرایط، قیمت کالاهای نهایی را افزایش می دهد. باید گفت هدف از اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی معمولاً کاهش یا حذف تنظیم نامناسب نرخ واقعی ارز بوده و پاسخ به اینکه آیا کاهش ارزش پول ملی سبب دستیابی به این هدف خواهد شد؛ تا حد زیادی به شرایط قبل از کاهش ارزش پول ملی و سیاست های کاهش ارزش پول بستگی دارد. برای مثال در صورتی که نرخ واقعی ارز با اضافه ارزش پول همراه باشد، اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی معمولاً موجب بازگشت تعادل در بخش خارجی خواهد شد. البته کاهش ارزش پول ملی در صورت همراه بودن با سیاست های مکمل اقتصادی، عموماً موجب آثار میان مدت و بلندمدت در نرخ واقعی ارز می شود.



بنابراین برای موفقیت سیاست کاهش ارزش پول ملی باید راهبردهایی اتخاذ کرد که باعث افزایش قیمت کالاهای غیرتجاری نشود. بدیهی است در صورت افزایش یکسان نرخ ارز و قیمت کالاهای غیرتجاری نرخ واقعی ارز ثابت می‌ماند. با توجه به این امر بهتر است در زمان اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی از اجرای تصمیم‌هایی همچون سیاست‌های انبساطی پولی (اعتباری) یا سیاست‌های انبساطی مالی و تعدیل دستمزد اجتناب شود. در مقابل اگر سیاست کاهش ارزش پول ملی با راهکارهایی همچون کنترل تقاضا اجرا شود، می‌توان انتظار داشت که کاهش ارزش واقعی پول و حفظ تعادل در نرخ ارز واقعی ایجاد شود. با توجه به نظریات اقتصاد کلان در مورد اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی می‌توان گفت اجرای آن موجب افزایش توان رقابتی صادرات در یک کشور خواهد شد، این امر افزایش صادرات را به دنبال دارد و در نتیجه از طریق تأثیرات تکاثری؛ افزایش تولید و اشتغال را در پی خواهد داشت. از طرف دیگر، با توجه به اینکه اجرای این سیاست موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی برحسب پول ملی خواهد شد، بنابراین می‌تواند واردات کالا را کاهش و در صورت وجود کالاهای جانشین داخلی، این‌گونه کالاها را جایگزین کالاهای وارداتی کند. البته باید توجه داشت که اجرای این روند به میزان کشش عرضه و تقاضای کل در یک اقتصاد بستگی دارد (گودرزی و صبوری دیلمی، ۱۳۹۳).

## ۱-۲. پیشینه داخلی

باید گفت که در مطالعات داخلی تاکنون اشاره‌ای به اثرات و نوسانات نرخ ارز بر صنایع غذایی نشده است. از این رو سعی می‌شود تا ادبیات مرتبط با صادرات (نفتی و غیرنفتی) بیان شوند تا بتوان به ارتباط بین صادرات و نوسانات نرخ ارز دست یافت. از جمله مطالعات داخلی می‌توان به بخشی، راحلی و قهرمانزاده (۱۳۹۵) اشاره کرد که اثر شوک‌های صادرات نفت و نااطمینانی ناشی از نوسان‌های نرخ ارز را در دوره زمانی ۱۳۹۱ - ۱۳۵۳ برای بخش کشاورزی ایران مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که شوک‌های منفی درآمد نفت، تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. از طرفی، نوسان‌های نرخ ارز نیز بر روی ارزش افزوده بخش کشاورزی دارای اثر منفی و معنادار است. کوچک‌زاده و جلائی اسفندآبادی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر

نااطمینانی نرخ ارز بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۰ با استفاده از الگوی پانل دیتا پرداختند. نتایج آنها نشان داد که نوسانات نرخ ارز اثر منفی و معناداری بر رشد بخش‌های اقتصادی دارد. صفری، رحمانی و احمدی (۱۳۹۳) نیز در مطالعه‌ای برای بازه زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۰ با به‌کارگیری الگوی خودتوضیح با وقفه‌های توزیع شده به رابطه معکوس بین نوسانات نرخ ارز و صادرات بخش کشاورزی دست یافتند. طهماسبی، جعفری صمیمی و فرجادی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثر صادرات غیرنفتی بر نرخ ارز حقیقی در ایران پرداختند. نتایج آنها نشان داد که در سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۵۰)، نرخ حقیقی ارز با متغیرهای صادرات غیرنفتی و کسری بودجه ارتباط معکوس و با متغیرهای رابطه مبادله و نقدینگی رابطه مثبت داشته است.

کریم‌زاده، امام‌وردی و شایسته (۱۳۹۳) نیز به بررسی تأثیر نرخ ارز واقعی بر صادرات غیرنفتی ایران با استفاده از روش VECM پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که اثر نرخ واقعی ارز، درآمد جهانی، تولید ناخالص داخلی، رابطه مبادله و بهره‌وری نیروی کار (در بخش غیرنفتی) بر صادرات غیرنفتی مثبت بوده است. نوری و نویدی (۱۳۹۱) نیز در مطالعه خود به بررسی تأثیر ریسک نرخ واقعی ارز بر صادرات غیرنفتی ایران برای سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۹ پرداختند. نتایج بررسی حاکی از این بود که ریسک نرخ ارز در کوتاه‌مدت تأثیری مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی در ایران دارد. راسخی، شهرازی و عبداللهی (۱۳۹۱) هم اثر نامتقارن نرخ ارز و نوسانات آن بر صادرات غیرنفتی ایران را برای دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۳۸ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنها نشان داد که اثر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی ایران مثبت و نامتقارن است و همچنین اثر نوسانات نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی ایران نیز تأیید می‌شود. مطالعات احسانی، خانعلی پور و عباسی (۱۳۸۷)، عسگری (۱۳۸۷) و کیانی و نیک‌اقبالی (۱۳۷۹) نیز به بررسی اثرات نرخ ارز بر اقتصاد ایران برای دوره‌های مختلفی پرداختند و در کل نتایج آنها تأییدکننده اثر نرخ ارز بر عملکرد صادرات نفتی و غیرنفتی بوده است.

### ۱-۳. پیشینه خارجی

محققان خارجی نیز در زمینه آثار نرخ ارز بر صادرات بخش‌های اقتصادی مطالعات فراوانی

انجام داده‌اند که به این شرح است. چن، زینگ و لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) به ارزیابی نرخ ارز در چین و همچنین صادرات سایر رقبا (۹ کشور دیگر) پرداختند. نتایج آنها نشان داد اکثر کشورهای مورد مطالعه در این بررسی تحت تأثیر نوسانات ناشی از نرخ ارز قرار گرفته‌اند. بهمنی اسکویی و گلان<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به بررسی نوسانات نرخ ارز و عملکرد تجارت بین‌المللی در دوازده کشور آفریقایی پرداختند. نتایج آنها نشان داد اثرات نوسانات بلندمدت نرخ ارز فقط به صادرات پنج کشور و واردات یک کشور منتقل می‌شود. آلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین قیمت نفت و نوسانات نرخ ارز در کشور نیجریه برای داده‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۸ با استفاده از مدل‌های خودرگرسیون برداری و *ARDL* پرداختند. نتایج تحقیق وی نشان داد که بین قیمت نفت و نرخ ارز رابطه مستقیمی وجود دارد. افزایش صادرات غیرنفتی نیز به افزایش ارزش پول ملی نیجریه در بلندمدت و کوتاه‌مدت منجر خواهد شد و واردات نیز باعث کاهش ارزش نرخ ارز در بلندمدت می‌شود. دلگادو، دلگادو و ساوسدو<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری به بررسی ارتباط بین قیمت نفت، بازار سهام و نرخ ارز در کشور مکزیک در بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۲ پرداختند. نتایج آنها نشان داد نرخ ارز تأثیر منفی بر شاخص سهام دارد و شاخص قیمت مصرف‌کننده تأثیرات مثبت از نوسانات نرخ ارز و تأثیرات منفی از شاخص سهام داشته است. همچنین افزایش قیمت باعث افزایش نرخ ارز خواهد شد. بوئت، ما و ون آسجه<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) نرخ‌های تعرفه و ارزش را بر کالاهای صادراتی چین برای دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که شرکت‌های صادراتی بزرگ، تمایل بیشتری به واردات کالا با نرخ ارز پایین‌تر نسبت به شرکت‌های تجاری کوچک دارند. چوی و چوی<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) به رابطه بین نرخ ارز و نرخ بیکاری در یک اقتصاد باز پرداختند. نتایج آنها نشان داد کاهش ارزش یوان چین، کاهش بیکاری را به همراه دارد و داشتن یک

1. Chen, Zeng and Lee

2. Bahmani-Oskooee and Gelan

3. Alley

4. Delgado, Delgado and Saucedo

5. Bouvet, Ma and Van Assche

6. Choi and Choi

نرخ ارز بهینه اشتغال کامل را تضمین می‌کند. یانگ، کای و هاموری<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) به بررسی تأثیرات قیمت نفت خام به نرخ ارز کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت پرداختند. نتایج آنها نشان داد که رابطه مستقیمی میان بازه قیمت نفت خام و نرخ ارز برای کشورهای صادرکننده وجود دارد؛ درحالی‌که برای کشورهای واردکننده رابطه مشخصی دیده نشده است. تانس و سولاکولو<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به بررسی واکنش‌های کشورهای صادراتی ترکیه و نوسانات نرخ ارز در بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۸۹ پرداختند. نتایج آنها نشان‌دهنده این بود که نوسانات نرخ ارز اثر مستقیمی بر سهم شرکت‌های خارجی دارد. از طرفی سوابق و بخش‌های شرکت‌های صادراتی نیز نقش مهمی در کاهش نوسانات نرخ ارز در فعالیت فروش خارجی شرکت‌ها داشته است.

کارپورال و دیگران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) رابطه بین اوراق بهادار بین‌المللی و نوسانات نرخ ارز در بازارهای در حال ظهور آسیا در طول دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۳ را بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد نوسانات زیاد (کم) نرخ ارز با درجه سهام (اوراق قرضه) برای کشورهای آسیایی در ارتباط است و کنترل سرمایه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ایجاد ثبات در بازار ارز مجموعه کشورهای مورد بررسی پیشنهاد شد. سنادزا و دیابا<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) به بررسی نوسانات نرخ ارز بر تجارت کشورهای منتخب آفریقای جنوبی در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۳ پرداختند. نتایج آنها نشان داد که نوسانات نرخ ارز بر روی واردات اثر قابل توجهی ندارد اما اثر منفی بر روی صادرات داشته است. منسا، اُبی و بوکپین<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بلندمدت قیمت نفت و نرخ ارز ایالات متحده برای برخی از کشورهای وابسته به نفت پرداختند. نتایج آنها نشان داد که رابطه تعادلی بلندمدتی بین قیمت نفت و نرخ ارز برای کشورهای صادرکننده نفت وجود دارد.

- 
1. Yang, Cai and Hamori
  2. Tunc and Solakoglu
  3. Caporale and etal.
  4. Senadza and Diaba
  5. Mensah, Obi and Bokpin

چی و چنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نوسانات نرخ ارز و درآمد بر جریان صادرات استرالیا به کشورهای آسیایی را برای داده‌های فصلی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که درآمد واقعی؛ عاملی مهم بر میزان صادرات دریایی در کوتاه مدت و درازمدت بوده، به این معنا که صادرات دریایی استرالیا عمدتاً به دلیل رشد اقتصادی شرکای تجاری آسیایی بوده است. همچنین نوسانات نرخ ارز در اکثر موارد اثرات طولانی مدت و قابل توجهی بر حجم صادرات دریایی استرالیا به کشورهای آسیایی داشته است. سکات<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) عدم تعادل نرخ ارز و تنوع صادرات در کشورهای در حال توسعه را مطالعه و نشان داد که عدم تعادل نرخ ارز و کاهش اعتماد در شفافیت‌های اطلاعاتی دولت، بر سهم تولیدکنندگان در کل صادرات تأثیری گذارد و بین تنوع صادرات در تولید نیز هیچ‌گونه ارتباطی با نرخ ارز وجود ندارد. سوناگلیو، کامپوس و براگا<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) اثرات سیاست‌های نرخ بهره و ارز را بر صادرات کشور برزیل مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشانگر کاهش رقابت بیرونی تولیدات برزیل بر اثر نوسانات نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل مهم در تجارت این کشور بود. براساس نتایج مطالعه به اهمیت بیشتر بخش تولید و نرخ ارز در یک محیط رقابتی در راستای ارتقای رشد اقتصادی تأکید شد. لی، ما و زو<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نیز به بررسی تحولات نرخ ارز بر صادرات کشور چین پرداختند و نشان دادند که واکنش صادرکننده‌ها به تغییرات نرخ ارز بسیار جزئی است. علاوه بر این، نشان دادند که صادرکنندگان با بیشترین میزان بهره‌وری نسبت به بازار، از سایر منابع ناهمگونی مانند شدت واردات، هزینه‌های توزیع، سطح درآمد کشورهای مقصد و همچنین مالکیت خارجی در امان هستند.

## ۲. روش تحقیق

مطالعه حاضر سعی دارد به بررسی نوسانات نرخ ارز و آثار آن بر صادرات و ارزش افزوده صنایع غذایی ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری در دوره زمانی

- 
1. Chi and Cheng
  2. Sekkat
  3. Sonaglio, Campos and Braga
  4. Li, Ma and Xu

۱۳۹۳-۱۳۵۰ پردازد. متغیرهای صادرات بخش صنایع غذایی ایران، نوسانات نرخ ارز، ارزش افزوده، نرخ تورم و رابطه مبادله با توجه به الگوی سرنیس و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) هستند. تمام متغیرها از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده‌اند.

با توجه به اینکه تحقیق مورد نظر سعی دارد تا نوسانات نرخ ارز (و نه خود آن) را به‌عنوان متغیر برای تخمین روابط کوتاه و بلندمدت به‌کار برد؛ از این رو سعی شد تا متغیر نوسانات نرخ ارز با استفاده از روش‌های موجود استخراج شود. در مطالعات مختلف از معیارهای متفاوتی برای محاسبه نوسان‌پذیری نرخ ارز استفاده شده است که به‌طور کلی می‌توان به حداقل خطای مطلق<sup>۲</sup>، الگوهای میانگین متحرک انباشته خودرگرسیون، GARCH<sup>۳</sup> و... اشاره کرد (کرباسی و احمدی، ۱۳۸۹). همچنین مطالعات اوزتورک<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، کلارک و وست<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) و ورگیل<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌دارند که هیچ‌گونه مبنای نظری مبنی بر ارجحیت یک شاخص بر دیگری وجود ندارد و شیوه محاسبه و فرمول‌سازی آن تا حدودی به سلیقه شخصی محققان منوط است. بر این اساس و به‌منظور کمی کردن بی‌ثباتی‌ها و نوسانات نرخ ارز، الگوی GARCH به‌کار برده شد تا اثر متغیر نوسانات نرخ ارز بر صنایع غذایی سنجیده شود.<sup>۷</sup> تخمین الگو نیز با استفاده از نرم‌افزار Stata14 برآورد شده و تمام متغیرها به جز متغیر رابطه مبادله<sup>۸</sup> به‌صورت لگاریتمی در مدل اقتصادسنجی معادله (۱) آورده شده‌اند. بر این اساس، مدل تحت بررسی با توجه به الگوی سرنیس و دیگران (۲۰۱۱) به‌صورت ذیل تشریح شده است:

1. Serenis and etal
2. Median Absolute Deviation (MAD)
3. Structural Vector Autoregressive (SVAR)
4. Ozturk
5. Clark and West
6. Vergil

۷. به‌منظور اطاله کلام از بیان معادله‌سازی آن خودداری شده است.

۸. چون مقادیر متغیر رابطه مبادله در برخی از سال‌ها منفی شده است، گرفتن لگاریتم طبیعی برای آن تعریف نمی‌شود. بنابراین از گرفتن لگاریتم از آن، خودداری شده است.

$$\text{Lexpfood} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Lexchangrate} + \alpha_2 \text{Lvalueadd} + \alpha_3 \text{Linflationrate} + \alpha_4 \text{tot} + \varepsilon_t \quad (1)$$

در این معادله متغیرهای  $\text{Lexpfood}$ ،  $\text{Lexchangrate}$ ،  $\text{Lvalueadd}$ ،  $\text{Linflationrate}$  و  $\text{tot}$  به ترتیب برابر با لگاریتم طبیعی صادرات صنایع غذایی، نوسانات نرخ ارز، ارزش افزوده بخش صنایع غذایی، نرخ تورم و رابطه مبادله کل در ایران برای دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۰ هستند.

یکی از ویژگی‌های رویکرد سیمز (۱۹۸۰) در مدل‌های خودرگرسیون برداری<sup>۱</sup> این است که تمام متغیرها به‌طور سیستماتیک مورد بررسی قرار می‌گیرند و کارشناسان اقتصادسنجی هیچ‌گونه قید تشخیص غیرقابل قبولی<sup>۲</sup> را در آن اعمال نمی‌کنند. در واقع، مدل‌های خودرگرسیون برداری به‌عنوان ابزاری برای بررسی اثرهای بین یک مجموعه از متغیرهای اقتصادی به‌شمار می‌آیند که در حالت کلی به‌صورت معادله زیر تعریف می‌شوند:

$$X_t = A_0 + A_1 X_{t-1} + e_t \quad (2)$$

در این معادله؛  $X_t$ ،  $X_{t-1}$ ،  $e_t$  و  $A_t$  به ترتیب متغیرهای الگو، وقفه‌های هر متغیر، جمله خطای هر معادله و ضرایب هر متغیر به‌شمار می‌آیند. در واقع، هر بار یکی از متغیرها به‌عنوان متغیر وابسته در سمت چپ معادله قرار می‌گیرد؛ متغیرهای دیگر به‌عنوان متغیرهای توضیحی نقش ایفا می‌کنند. این متغیرها به همراه وقفه‌های خود وارد الگو می‌شوند و عدد وقفه، برای وقفه سایر متغیرها نیز به‌کار برده می‌شود.

انتقادی که همواره به الگوی خودرگرسیون برداری وارد بوده این است که این رویکرد، مبنای اقتصادی ندارد و جملات اخلال در تجزیه چولسکی این الگو هیچ‌گونه تفسیر مستقیم اقتصادی ندارد (Boiciuc, 2015). البته تنها نقشی که اقتصاددانان در تخمین مدل خودرگرسیون برداری پیشنهاد می‌کنند؛ تعیین نوع متغیرهایی است که باید در مدل وارد شود. مدل خودرگرسیون برداری دومتغیره به‌صورت معادله‌های (۳ و ۴) آورده می‌شود:

$$y_t + b_{12} z_t = b_{10} + \gamma_{11} y_{t-1} + \gamma_{12} z_{t-1} + \omega_{y_t} \quad (3)$$

1. Vector Autoregressive (VAR)

2. Incredible Identification Restriction (IIR)

$$b_{21}y_t + z_t = b_{20} + \gamma_{21}y_{t-1} + \gamma_{22}z_{t-1} + \omega_{zt} \quad (۴)$$

که می‌توان آن را در قالب معادلات (۵ و ۶) به این شرح نوشت:

$$y_t = a_{10} + a_{11}y_{t-1} + a_{12}z_{t-1} + e_{1t} \quad (۵)$$

$$z_t = a_{20} + a_{21}y_{t-1} + a_{22}z_{t-1} + e_{2t} \quad (۶)$$

مقادیر  $\alpha_{ij}$  ضرایب تعریف شده در معادله و دو جزء خطای  $e_{1t}$  و  $e_{2t}$  ترکیبی از اجزای اخلال  $w_{zt}$  و  $w_{yt}$  هستند. این جملات اخلال و یا شوک‌های ترکیبی عبارت‌اند از خطای پیش‌بینی یک دوره‌ای  $y_t$  و  $z_t$  که فاقد هرگونه تفسیر ساختاری هستند. تفاوت مهمی در میان استفاده از مدل‌های خودرگرسیون برداری به منظور پیش‌بینی و یا استفاده از این مدل‌ها جهت تحلیل‌های اقتصادی وجود دارد و آن این است که در معادلات اصلی، جملات  $e_{1t}$  و  $e_{2t}$  خطاهای پیش‌بینی هستند و اگر هدف فقط پیش‌بینی متغیرها باشد؛ اجزای خطای پیش‌بینی چندان مهم نخواهد بود. از طرفی، اگر خواسته شود تا توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس تفسیر شوند؛ از خطاهای پیش‌بینی نمی‌توان استفاده کرد و فقط جملات اخلال و یا به عبارتی شوک‌های ساختاری یعنی  $w_{zt}$  و  $w_{yt}$  باید مورد استفاده قرار گیرند. برای حل این مشکل، رویکرد خودرگرسیون برداری ساختاری در جهت استفاده از نظریه اقتصادی به جای تجزیه چولسکی برای استخراج جملات اخلال ساختاری از جملات پسماند  $e_{1t}$  و  $e_{2t}$  پیشنهاد شد (Binning, 2013; Boiciuc, 2015). بنابراین می‌توان این اصل را پذیرفت که در مدل‌های خودرگرسیون برداری، به دلیل وجود همبستگی بین جملات اخلال در معادله‌های مختلف؛ بررسی پیامد یک شوک بر سایر متغیرها از اعتبار کافی برخوردار نیست. بر این اساس، استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری به دلیل عدم همبستگی بین جملات اخلال در معادلات مختلف، امکان بررسی اثر هر شوک را به صورت منفرد فراهم می‌کند. در این راستا گوانینی<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) روشی را برای مدل‌سازی جملات اخلال بر مبنای تحلیل‌های اقتصادی پیشنهاد کرد که مبتنی بر تخمین روابط بین



جملات اخلاص ساختاری براساس یک مدل اقتصادی است. برای توضیح این روش، در ابتدا به بررسی رابطه بین خطاهای پیش بینی و اخلاص ساختاری (در معادله (۷)) در یک مدل خودرگرسیون برداری با  $n$  متغیر پرداخته می شود. از آنجاکه در این معادله، طول وقفه ها وارد نمی شود؛ مدل مرتبه اول معادله (۷) با  $n$  متغیر در نظر گرفته شده است:

$$BX_t = \Gamma_0 + \Gamma_1 X_{t-1} + \omega_t \quad (۷)$$

اگر معادله (۷) از سمت چپ در  $B^{-1}$  ضرب شود؛ تعمیم چندمتغیره از معادله (۲) به صورت ذیل به دست خواهد آمد:

$$X_t = B^{-1}\Gamma_0 + B^{-1}\Gamma_1 X_{t-1} + B^{-1}\omega_t \quad (۸)$$

اگر  $A_0$ ،  $A_1$  و  $e_t$  به صورت  $A_0 = B^{-1}\Gamma_0$  و  $A_1 = B^{-1}\Gamma_1$  و  $e_t = B^{-1}\omega_t$  تعریف شود؛ معادله (۲) به دست خواهد آمد. آنچه اهمیت دارد؛ استفاده از مقادیر مشاهده شده  $e_t$  و اعمال قیودی بر معادلات به منظور استخراج  $w_t$  از معادله  $w_t = Be_t$  است. برای حل مسئله تشخیص، به تخمین معادلات و محاسبه مقادیر مجهول پرداخته می شود و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی<sup>۱</sup>، ماتریس واریانس کوواریانس  $\Sigma$  به صورت معادله (۹) به دست می آید:

$$\Sigma = \begin{bmatrix} \sigma_1^2 & \sigma_{12} & \dots & \sigma_{1n} \\ \sigma_{21} & \sigma_2^2 & \dots & \sigma_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ \sigma_{n1} & \sigma_{n2} & \dots & \sigma_n^2 \end{bmatrix} \quad (۹)$$

هریک از عناصر ماتریس در معادله (۹) براساس فرمول زیر تشکیل شده است:

$$\sigma_{ij} = \frac{1}{T} \sum_{t=1}^T e_{ij} e_{jt}$$

از آنجا که ماتریس  $\sum$  متقارن است؛ فقط دارای  $\left(\frac{n^2+n}{2}\right)$  عنصر متمایز است.

با این فرض که در معادله (۹) عناصر قطری ماتریس B، همه برابر با یک هستند؛ این ماتریس دارای  $n^2 - n$  مقدار مجهول خواهد بود. n مقدار مجهول  $\text{var}(\omega_{it})$  نیز در مدل ساختاری وجود دارد که در مجموع، مقادیر مجهول برابر با  $n^2 - n + n = n^2$  می شود. اکنون به منظور تعیین  $n^2$  مقدار مجهول می بایست تعداد  $\frac{(n^2-n)}{2}$  قید  $n^2 - \left[\frac{(n^2+n)}{2}\right] = \frac{(n^2-n)}{2}$  برای حل مشکل تشخیص، بر معادلات اعمال شود. تجزیه چولسکی در معادلات فوق، مستلزم آن است که تمامی عناصر بالای قطر اصلی ماتریس B برابر با صفر باشند به طوری که بتوان آن را به صورت معادله (۱۰) تعریف کرد:

$$\begin{aligned} b_{12} = b_{13} = b_{14} = \dots = b_{1n} &= 0 \\ b_{23} = b_{24} = \dots = b_{2n} &= 0 \\ b_{34} = \dots = b_{3n} &= 0 \\ \dots & \\ b_{n-1n} &= 0 \end{aligned} \tag{10}$$

تمامی عناصر بالای ماتریس برابر با صفر هستند و چنانچه تعداد قیود برابر با  $\left(\frac{n^2-n}{2}\right)$  باشد؛ معادله دقیق مشخص خواهد بود. البته اعمال  $\left(\frac{n^2-n}{2}\right)$  قید، شرط کافی برای دقیقاً مشخص بودن B و  $w_t$  نیست بلکه نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تجزیه چولسکی تنها یک نوع قید تشخیص به شمار می آید. برای به دست آوردن روابط کوتاه مدت بین متغیرها؛ به دو ماتریس A و B نیاز است که بایستی محدودیت روی پارامترهای هر ماتریس مشخص شود. محدودیت های چولسکی در سیستم برای هر کدام از ماتریس های A و B به شیوه زیر اعمال شده است.

$$A = \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ . & 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ . & . & 1 & 0 & 0 & 0 \\ . & . & . & 1 & 0 & 0 \\ . & . & . & . & 1 & 0 \\ . & . & . & . & . & 1 \end{bmatrix} \quad B = \begin{bmatrix} . & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & . & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & . & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & . & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & . & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & . \end{bmatrix}$$

در هر ماتریس نقطه‌ها (۰) بیانگر محدودیت‌هاست و با اعمال هر محدودیت، از تأثیرات هم‌زمان هر متغیر بر سایر متغیرها خودداری می‌شود.

### ۳. نتایج تحقیق

در این قسمت قبل از برآورد الگو و آزمون‌های مورد نظر سعی شده است تا در جدول ۱ آمارهای توصیفی هر یک از متغیرهای مورد بررسی در مطالعه بیان شوند.

جدول ۱. آمارهای توصیفی متغیرهای به‌کار برده شده در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۰

نام متغیر	واحد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
Expfood*	میلیارد ریال	۵۹۰۲۳/۱۲	۳۹۵۸۰/۹۷	۲۶۵۳۲/۴۸	۸۱۵۰۵/۶
Exchangrate**	ریال	۴۸۸۴/۲۷۷	۷۷۸۹/۳۶۹	۶۵/۵۷	۳۰۹۱۴/۸۵
Valueadd***	هزار میلیارد ریال	۱۸۸۳۰/۲۷	۱۱۱۱۵/۰۱	۷۳۰۳/۸۶	۵۰۸۶۸/۴
Inflationrate****	درصد	۱۸/۱۱۸	۸/۹۳۲	۴/۱۹۵	۴۹/۶۵۵
Tot*****	واحد	۰/۹۶	۱/۱۳	۰/۴۶	۰/۴۸

\* صادرات صنایع غذایی.

\*\* نرخ ارز.

\*\*\* ارزش افزوده؛ ارزشی است که در فرایند تولید به ارزش کالاهای واسطه‌ای افزوده می‌شود و به تولید مربوط است و نه یک کالای خاص (Gilchrist, 2018).

\*\*\*\* نرخ تورم؛ معیار سنجش تغییرات قیمت کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها را بیان می‌کند (بانک مرکزی، ۱۳۹۸).  
\*\*\*\*\* رابطه مبادله؛ مقایسه بهای کالاهای وارد شده به یک کشور به بهای کالاهای صادره از همان کشور را نشان می‌دهد. هر گاه شاخص بهای کالاهای صادره به شاخص بهای کالاهای وارد شده تقسیم شود و حاصل در ۱۰۰ ضرب شود (یا همان واحد در نظر گرفته شود)، چنانچه نتیجه بزرگتر از ۱۰۰ درصد (یا واحد) باشد رابطه مبادله به نفع آن کشور و چنانچه کمتر از ۱۰۰ درصد (یا واحد) شود به زیان آن کشور است (Adler, Magud and Werner, 2018).  
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد حداکثر و حداقل مقدار صادرات صنایع غذایی در طول دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۵۰ به ترتیب برابر با ۸۱۵۰۵/۶ و ۲۶۵۳۲/۴۸ میلیارد ریال در طول دوره بوده است. کمترین و بیشترین میزان نرخ ارز در کشور به ترتیب برابر با ۶۵/۵۷ ریال و ۳۰۹۱۴/۸۵ ریال در طول دوره مورد نظر بوده است. همچنین بیشترین ارزش افزوده برابر با ۵۰۸۶۸/۴ میلیارد ریال است. کمترین نرخ تورم نیز در دوره زمانی مورد نظر برابر با ۴/۲ و بیشترین مقدار برابر با ۴۹/۶ درصد بوده است. همچنین مقادیر حداکثر و حداقل برای رابطه مبادله به ترتیب برابر با ۰/۴۸ و ۰/۴۶ واحد است.

به تبع انجام هرگونه برآورد در روش‌های اقتصادسنجی، مشروط به حصول اطمینان از ایستایی متغیرهاست. چنانچه متغیرهای مورد بررسی نایستا باشند، می‌توان گفت که رگرسیون مورد نظر ساختگی و ضرایب و آماره‌های آن در داده‌های سری زمانی فاقد اعتبار است (Perron, 2017). در ادامه ابتدا ایستایی و نایستایی متغیرها بررسی و سپس به سایر آزمون‌های مرتبط با الگو پرداخته می‌شود.

### ۳-۱. ایستایی متغیرها

متغیرهای اقتصادی اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) هستند که با یک بار تفاضل‌گیری روند مذکور حذف می‌شود. متغیرهایی که غیرایستا بوده و بعد از یک بار تفاضل‌گیری تبدیل به متغیر ایستا می‌شوند؛ انباشته از درجه یک یا  $I(1)$  هستند که با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی - فولر می‌توان به خواص آماری متغیرها جهت ایستایی یا نایستایی پی برد. جدول ۲ شامل نتایج متغیرها با آماره دیکی - فولر در سطح و تفاضل مرتبه اول برای بررسی ایستایی (مانایی) است.

جدول ۲. نتایج حاصل از انجام آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته در سطح و تفاضل مرتبه اول

متغیرها	دیکی - فولر تعمیم یافته	آماره احتمال	وضعیت	درجه هم‌انباشتگی
lexpfood	-۲/۰۹۱	۰/۲۴۸	نایستا	I (1)
$\Delta$ lexpfood	-۶/۹۵۳	۰/۰۰۰	ایستا	I (0)
Lexchangrate	-۱/۸۰۱	۰/۳۷۹	نایستا	I (1)
$\Delta$ Lexchangrate	-۶/۵۳۹	۰/۰۰۰	ایستا	I (0)
Lvalueadd	۲/۴۷۶	۰/۹۹۸	نایستا	I (1)
$\Delta$ Lvalueadd	-۳/۹۵۰	۰/۰۰۱	ایستا	I (0)
Linflationrate	-۱/۷۷۳	۰/۵۶۴	نایستا	I (1)
$\Delta$ Linflationrate	-۴/۰۸۱	۰/۰۰۱	ایستا	I (0)
Tot	-۱/۰۸۹	۰/۴۲۲	نایستا	I (1)
$\Delta$ Tot	-۳/۰۸۹	۰/۰۲۷	ایستا	I (0)

مأخذ: همان.

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد تمامی متغیرها در سطح، نایستا و با یک بار تفاضل‌گیری (تفاضل‌گیری مرتبه اول) ایستا می‌شوند. بنابراین تمامی متغیرها، انباشته از مرحله اول هستند. البته در نمودار ۲ آزمون هم‌جمعی بین متغیرها آورده شده است که نشان می‌دهد متغیرها در بلندمدت با همدیگر هم جمع هستند و رابطه بلندمدت بین متغیرها تأیید می‌شود.

نمودار ۲. نتایج حاصل از آزمون هم‌جمعی<sup>۱</sup>



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

پس از ایستایی متغیرها، وقفه بهینه الگو تعیین می‌شود. جدول ۳ براساس معیارهای اطلاعاتی نسبت احتمال<sup>۲</sup>، آکائیک<sup>۳</sup>، هانان - کوئین<sup>۴</sup> و شوارتز - بی‌زین<sup>۵</sup> به تعیین مناسب‌ترین طول وقفه در الگو اشاره دارد. در ارتباط با تعیین طول وقفه نتایج ایوانو و کیلیان<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که در نمونه‌های با حجم کمتر از ۱۲۰، مناسب‌ترین معیار،

1. Co-integration Test
2. Likelihood- Ratio
3. Akaike Information Criterion (Aic)
4. Hannan- Quinn Information Criterion (Hqic)
5. Schwars- Bayesian Information Criterion (Sbic)
6. Ivanov and Kilian

معیار اطلاعاتی شوارتز - بیزین است. فیلیپس و پلورگر<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) نیز براساس یک مطالعه شبیه‌سازی نشان دادند که در گزینش وقفه‌های مختلف؛ معیار شوارتز - بیزین مناسب‌تر از معیار آکائیک است. به هر حال با توجه به نتایج جدول ذیل، وقفه ۱ به‌عنوان مناسب‌ترین وقفه برای الگو انتخاب شد.

جدول ۳. آزمون تعداد وقفه‌های بهینه

SBIC	HQIC	AIC	P	df	LR	LL	وقفه
۶۱/۵۶۹	۶۱/۴۲۸	۶۱/۳۵۲				-۱۱۳۰/۰۱	۰
۵۸/۳۰۰*	۵۷/۴۵۴*	۵۶/۹۹۴*	۰/۰۰۰	۲۵	۲۱۱/۲۳*	-۱۰۲۴/۴	۱
۵۹/۹۰۶	۵۸/۳۵۶	۵۷/۵۱۲	۰/۱۹۴	۲۵	۳۰/۸۵	-۱۰۰۰۸/۹۷	۲

\* انتخاب وقفه بهینه.  
مأخذ: همان.

در جدول ۴ سعی شده است به‌طور جداگانه برای هر کدام از متغیرها، رابطه علیت بین متغیرها ذکر شود. نتایج علیت به‌دست آمده به‌طور خلاصه در پایین جدول بیان شده است.

جدول ۴. رابطه علیت (گرنجر) میان متغیرها

Prob > chi <sup>2</sup>	df	chi <sup>2</sup>	سایر متغیرها	متغیر
۰/۰۰۶*	۲	۱۰/۲۴۶	Lexchangrate	Lexpfood
۰/۰۱۷*	۲	۸/۰۹۷	Lvalueadd	Lexpfood
۰/۱۵۲	۲	۳/۷۶۶	Linflationrate	Lexpfood
۰/۰۰۸*	۲	۹/۵۸۸	Tot	Lexpfood
۰/۰۰۰	۸	۳۲/۸۴۵	All	Lexpfood
۰/۷۹۵	۲	۰/۴۵۹	Lexpfood	Lexchangrate
۰/۰۶۱*	۲	۵/۴۵۹	Lvalueadd	Lexchangrate
۰/۴۹۹	۲	۱/۳۸۹	Linflationrate	Lexchangrate

متغیر	سایر متغیرها	chi <sup>2</sup>	df	Prob > chi <sup>2</sup>
Lexchangrate	Tot	۱/۳۵۹	۲	۰/۵۰۷
Lexchangrate	All	۱۱/۲۱۹	۸	۰/۱۹۰
Lvalueadd	Lexpfood	۰/۲۰۱	۲	۰/۹۰۴
Lvalueadd	Lexchangrate	۳/۴۳۰	۲	۰/۱۸۰
Lvalueadd	Linflationrate	۱/۹۴۵	۲	۰/۲۷۸
Lvalueadd	Tot	۱/۴۳۵	۲	۰/۴۸۸
Lvalueadd	All	۴/۹۸۲	۸	۰/۷۶۰
Linflationrate	Lexpfood	۰/۵۴۹	۲	۰/۷۶۰
Linflationrate	Lexchangerate	۰/۴۵۹	۲	۰/۷۹۵
Linflationrate	Lvaeadd	۰/۶۰۳	۲	۰/۷۴۰
Linflationrate	Tot	۰/۶۰۵	۲	۰/۷۳۹
Linflationrate	All	۱/۹۹۹	۸	۰/۹۸۱
Tot	Lexpfood	۱/۵۳۱	۲	۰/۴۶۵
Tot	Lexchangrate	۵/۹۵۴	۲	۰/۰۵۱*
Tot	Lvalueadd	۰/۸۰۰	۲	۰/۶۷۰
Tot	Linflationrate	۳/۸۸۵	۲	۰/۱۴۳
Tot	All	۱۰/۲۸۳	۸	۰/۲۴۶
خلاصه علیت‌های موجود بین متغیرها				
Lexpfood	→	Lexchangrate		
Lexpfood	→	Lvalueadd		
Lexpfood	→	Tot		
Lexchangrate	→	Lvalueadd		
Tot	→	Lexchangrate		
		* معناداری تا سطح ۱۰ درصد را نشان می‌دهد. →: علیت یک‌طرفه به متغیر مورد نظر		

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر صادرات صنایع غذایی با متغیرهای نوسانات نرخ ارز، ارزش افزوده و رابطه مبادله دارای روابط علی یک‌طرفه است. به عبارتی صادرات صنایع غذایی در ایران باعث بروز نوسانات ارزی، تغییر در ارزش افزوده و رابطه مبادله می‌شود. این نتیجه حاصل از این است که جهت افزایش صادرات صنایع غذایی؛ با توجه به ارتقای کیفیت و بسته‌بندی‌های متناسب با استانداردهای بین‌المللی و جهانی، ارزش

افزوده بیشتری ایجاد می‌کند و از طرفی موجب بهبود در رابطه مبادله می‌شود. همچنین متغیر نوسانات نرخ ارز با ارزش افزوده بخش صنایع غذایی رابطه علیت یک‌طرفه دارد. متغیر رابطه مبادله نیز با متغیر نوسانات نرخ ارز دارای علیت یک‌طرفه است و به این معناست که بر متغیر نوسانات نرخ ارز اثر می‌گذارد اما اثر نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر تغییر در رابطه مبادله، نوسانات نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب افزایش یا کاهش در آن می‌شود.

اکنون نتایج کوتاه‌مدت الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری بررسی می‌شوند. در این مطالعه محدودیت اعمال شده در ماتریس A، به این معناست که در سطر دوم؛ درصد تغییرات در نوسانات نرخ ارز به‌طور هم‌زمان باعث تغییر در ارزش افزوده، تولید ناخالص داخلی سرانه و رابطه مبادله نخواهد شد و فقط تغییر در صادرات غیرنفتی را در نظر می‌گیرد. خروجی حاصل از تخمین مدل خودرگرسیون برداری ساختاری، برای ماتریس‌های A و B با محدودیت عرضه شده به مدل؛ برابر با  $10 = \left(\frac{5^2 - 5}{2}\right) = \left(\frac{n^2 - n}{2}\right)$  می‌شود و بیانگر این است که معادله دقیقاً مشخص است. ماتریس مقادیر اثر کوتاه‌مدت متغیرها بر روی صادرات غیرنفتی را می‌توان به صورت ماتریس‌های A و B نشان داد.

$$A = \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ -0.099 & 1 & 0 & 0 & 0 \\ -208.017 & -44.989 & 1 & 0 & 0 \\ -0.012 & -0.009 & 0.000 & 1 & 0 \\ -26.495 & -91.557 & 3.493 & 36.734 & 1 \end{bmatrix}$$

$$B = \begin{bmatrix} 3.702 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 3.766 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 2007.391 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & -0.385 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & -53489.38 \end{bmatrix}$$



نتایج ماتریس A نشان می‌دهد که مقدار اثر کوتاه مدت متغیر نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی برابر با ۰/۰۹۹- است، بدین معنا که در کوتاه مدت؛ اثرگذاری متغیر نوسانات نرخ ارز (به غیر از متغیرهای دیگر) بر روی صادرات صنایع غذایی دارای رابطه‌ای منفی است. مقدار اثر کوتاه مدت هم‌زمان ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی برابر با ۴۴/۹۸۹- و ۲۰۸/۰۱۷- است و بیانگر این است که اثر کوتاه مدت هم‌زمان بر صادرات صنایع غذایی، در ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز ارتباطی منفی با صادرات صنایع غذایی دارد. همچنین مقدار اثرات کوتاه مدت هم‌زمان سه متغیر نرخ تورم، ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی، به ترتیب برابر با ۰/۰۰۹، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۱۲- است. به عبارتی با در نظر گرفتن اثرات نرخ تورم و ارزش افزوده؛ این ارتباط منفی بین نوسانات نرخ ارز و صادرات صنایع غذایی همچنان برقرار می‌ماند و متغیرهای نرخ تورم و ارزش افزوده نیز به ترتیب ارتباطی مثبت و منفی با صادرات صنایع غذایی ایجاد خواهند کرد.

در نهایت مقدار اثرات کوتاه مدت هم‌زمان چهار متغیر رابطه مبادله، نرخ تورم، ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر روی صادرات صنایع غذایی به ترتیب برابر است با ۳۶/۷۳۴، ۳/۴۹۳، ۹۱/۵۵۷- و ۲۶/۴۹۵- استخراج شده است. این مسئله نشان می‌دهد مادامی که اثرگذاری هر چهار متغیر مذکور بر صادرات صنایع غذایی مدنظر قرار گیرد؛ ارتباط بین دو متغیر رابطه مبادله و نرخ تورم با صادرات صنایع غذایی به صورت مثبت و رابطه دو متغیر ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز به صورت منفی (در دوره کوتاه مدت) خواهد بود. همچنین نتایج استخراج شده با تأثیر هم‌زمان چهار متغیر مستقل مذکور بر صادرات صنایع غذایی؛ تأییدی بر خروجی شکل ۲ است که در آن بر اثر شوک بر صادرات صنایع غذایی، متغیرهای نوسانات نرخ ارز و ارزش افزوده تا دوره دوم کاهش (رابطه منفی کوتاه مدت) و متغیرهای نرخ تورم و رابطه مبادله نیز به ترتیب تا دوره دوم و اواخر دوره اول افزایش (رابطه مثبت کوتاه مدت) می‌یابند.

اکنون به برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرها پرداخته می‌شود. دستیابی به نتایج فرم الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری بلندمدت، نیازمند تعریف معادله (۱۱) به شرح زیر است:

$$y_t = Ce_t \quad (11)$$

برای بررسی نتایج بلندمدت، محدودیت‌ها در عناصر ماتریس C قرار می‌گیرند و اغلب با عنوان محدودیت‌های حذفی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند. ماتریس C در این مطالعه، با توجه به متغیرهای مورد نظر به صورت زیر تعریف شده است:

$$C = \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ & 1 & 0 & 0 & 0 \\ & & 1 & 0 & 0 \\ & & & 1 & 0 \\ & & & & 1 \end{bmatrix}$$

که نتایج حاصل از آن به شیوه ماتریس C در معادله (۱۲) برآورد شده است:

$$C = \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 2.190 & 1 & 0 & 0 & 0 \\ 3.967 & 0.258 & 1 & 0 & 0 \\ 2.441 & 0.467 & 0.027 & 1 & 0 \\ 0.233 & 2.887 & 6.070 & 39.612 & 1 \end{bmatrix} \quad (12)$$

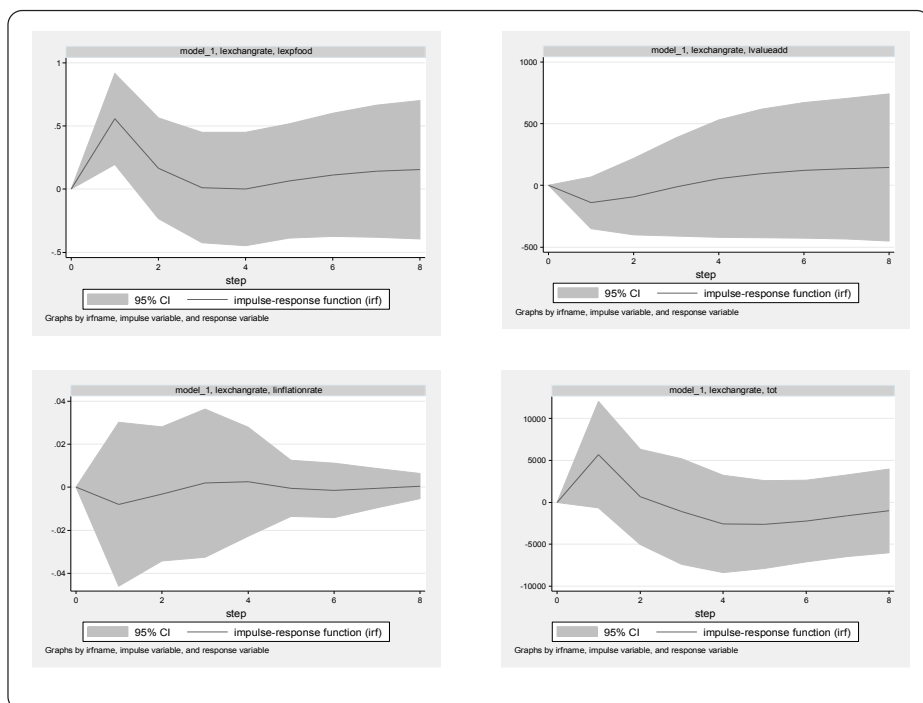
نتایج بلندمدت ماتریس فوق نشان می‌دهد مقدار اثر بلندمدت متغیر نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی برابر با ۲/۱۹۰ است. مقدار اثر بلندمدت هم‌زمان ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی برابر با ۰/۲۵۸ و ۳/۹۶۷ است و بیانگر این است که اثر بلندمدت هم‌زمان بر روی صادرات صنایع غذایی، در هر دو متغیر دارای رابطه مثبت با صادرات صنایع غذایی است. مقدار اثرات بلندمدت هم‌زمان سه متغیر نرخ تورم، ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی، به ترتیب برابر با ۰/۰۲۷، ۰/۴۶۷ و ۲/۴۴۱ است. در نهایت، مقدار اثرات بلندمدت هم‌زمان رابطه مبادله، نرخ تورم، ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر روی صادرات صنایع غذایی به ترتیب برابر با ۳۹/۶۱۲، ۰/۰۷۰، ۲/۸۸۷ و ۰/۲۳۳ است.

1. Exclusion

است. همان طور که نتایج بلندمدت برای اثر هم‌زمان چهار متغیر بر روی صادرات صنایع غذایی نشان می‌دهد؛ تمامی متغیرها در بلندمدت ارتباطی مثبت با صادرات صنایع غذایی پیدا خواهند کرد و اثری مثبت بر این متغیر بر جای می‌گذارند. صحت این نتایج را می‌توان در شکل ۲ با توجه به اینکه تمامی متغیرها در دوره‌های بیشتر با روند مثبتی رو به تعادل می‌روند مشاهده کرد. همچنین نتایج بلندمدت در ماتریس C گویای این است که صادرات صنایع غذایی به طور مستقیم با نوسانات نرخ ارز افزایش می‌یابد و از طرفی این نوسانات می‌توانند صادرات را محدود کنند. بنابراین با توجه نتایج بلندمدت می‌توان ادعان کرد که نوسانات نرخ ارز اثرات مستقیم و مثبتی بر صادرات صنایع غذایی (البته در یک دوره بلندمدت) خواهد داشت. باید گفت که نوسانات نرخ ارز با نرخ ارز متفاوت است و همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ نوسانات نرخ ارز فقط در دوره اول کوتاه‌مدت، حجم صادرات را افزایش و از آن به بعد حجم صادرات را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر فقط در دوره اول است که فعالیت صادرکنندگان بیشتر از واردکنندگان می‌شود اما بعد از گذشت دوره اول؛ مجدداً از فعالیت آنها کاسته می‌شود. بنابراین نوسانات نرخ ارز به‌ویژه بعد از دوره اول، حجم صادرات صنایع غذایی را کاهش می‌دهد. اما در بلندمدت با توجه به تشویق صادرکنندگان به ارتقای کیفیت و بسته‌بندی‌های محصولات صنایع غذایی؛ اثر نوسانات نرخ ارز بر صادرات آنها مثبت می‌شود و فضای رقابتی برای صادرکنندگان ایجاد می‌کند. در واقع نوسانات نرخ ارز در بلندمدت باعث می‌شود تا صادرکنندگانی که از ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند در این فضای رقابتی بمانند. در مطالعه حاضر علاوه بر بررسی روابط کوتاه و بلندمدت در الگوی ساختاری؛ سعی شده است تا توابع عکس‌العمل آنی متغیرها نیز برآورد شود. از جمله فواید توابع عکس‌العمل آنی، تجزیه و تحلیل اثرات متقابل پویا از شوک‌های ایجاد شده در الگو است که در شکل ۱ و ۲ ترسیم شده‌اند. همان طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، بر اثر ایجاد شوک در نوسانات نرخ ارز، صادرات صنایع غذایی در دوره اول افزایش و از دوره اول به بعد تا اواخر دوره سوم، کاهش می‌یابد. از دوره سوم مجدداً با شیب بسیار خفیفی شروع به افزایش می‌کند. به عبارت دیگر واکنش صادرات صنایع غذایی به نوسانات نرخ ارز را می‌توان در دوره اول بر حجم صادرات مشاهده کرد و نشان می‌دهد که در همین دوره، فعالیت صادرکنندگان به مراتب بیشتر از واردکنندگان

می‌شود اما از دوره‌های بعدی فعالیت آنها کاهش می‌یابد. همچنین شکل ۱ نشان می‌دهد که ارزش افزوده از دوره اول به بعد شروع به افزایش می‌کند و در ابتدای دوره با کاهش مواجه است و مشاهده می‌شود که شوک در نرخ ارز، نرخ تورم را در دوره اول کاهش و سپس تا دوره سوم افزایش و مجدداً از دوره سوم تا هشتم با شیبی بسیار کم، کاهش می‌دهد و به تعادل می‌رسد.

شکل ۱. توابع آنی متغیر نوسانات نرخ ارز و سایر متغیرهای مورد بررسی در مطالعه

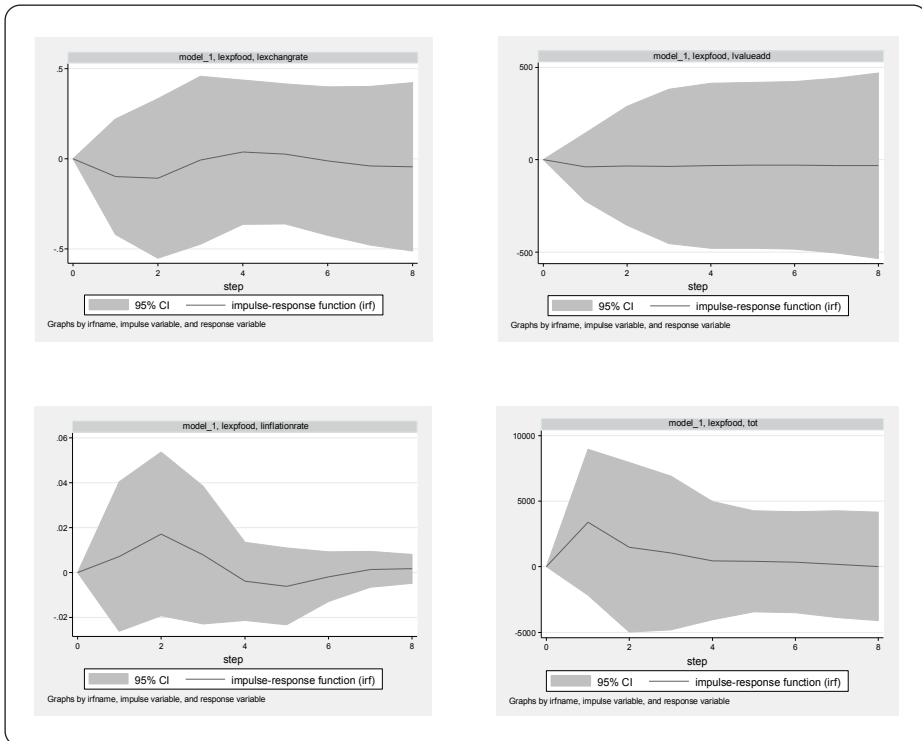


مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۲ نیز به بررسی توابع آنی متغیر صادرات صنایع غذایی و سایر متغیرهای مورد بررسی در مطالعه پرداخته است و نشان می‌دهد که با ایجاد شوک در متغیر صادرات صنایع غذایی، نوسانات نرخ ارز با شیب منفی تا اوایل دوره دوم کاهش و سپس تا دوره پنجم افزایش می‌یابد. از دوره پنجم به بعد با شیبی نزولی و ملایم کاهش می‌یابد و در آخر دوره به

تعادل می‌رسد. به عبارت دیگر چنانچه در صادرات صنایع غذایی شوکی وارد شود نوسانات نرخ ارز با حالتی سینوسی، ابتدا کاهش، سپس افزایش و مجدداً کاهش می‌یابد.

شکل ۲. توابع آنی متغیر صادرات صنایع غذایی و سایر متغیرهای مورد بررسی در مطالعه



مأخذ: همان.

شوکی در صادرات صنایع غذایی نیز متغیر ارزش افزوده را با شیبی بسیار اندک در همان دوره اول کاهش و سپس تا پایان دوره با شیبی مثبت و تقریباً ثابت به تعادل می‌رساند. همچنین با توجه به شکل ۲، شوکی در صادرات صنایع غذایی موجب می‌شود تا متغیر نرخ تورم تا دوره دوم افزایش و از دوره دوم تا دوره پنجم کاهش یابد. مجدداً از دوره پنجم با شیبی مثبت و ملایم افزایش و سرانجام در آخر دوره به تعادل می‌رسد. این علائم ممکن است به این دلیل باشد که شوکی در صادرات صنایع غذایی موجب کاهش مزیت رقابتی و عدم

افزایش صادرات در این صنعت شود و با توجه به وابستگی بعضی صنایع غذایی به واردات مواد و ترکیبات اولیه از خارج کشور؛ تورم داخلی را در اوایل دوره افزایش دهد. در نهایت شوک در صادرات صنایع غذایی نیز موجب می‌شود تا رابطه مبادله تا دوره اول افزایش و سپس با شیبی منفی تا آخر دوره کاهش و به تعادل برسد که البته واکنش رابطه مبادله به شوک در صادرات صنایع غذایی در طول دوره دوم با شیب تندتری کاهش می‌یابد.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت تجارت در رشد اقتصادی هر کشوری، به‌خوبی نمایان است و به‌عنوان موتور رشد اقتصاد به آن نگریسته می‌شود اما در بیشتر کشورهای متکی به نفت، بخش صادرات نفتی بر صادرات سایر بخش‌ها غلبه دارد. بدون تردید زیرشاخه صنایع غذایی یکی از سودمندترین روش‌های ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است و از میزان بیکاری‌های دائمی و فصلی در مناطق می‌کاهد. همچنین زمینه مناسبی را برای توسعه بخش کشاورزی فراهم آورده و به افزایش تولیدات، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی، پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر خواهند شد. بنابراین این‌گونه صنایع می‌توانند پیش‌نیاز استراتژی صنعتی شدن و تأمین‌کننده امنیت غذایی در کشور باشند. از طرفی باید اذعان کرد که در قرن حاضر هیچ شاخصی بیش از نوسانات نرخ ارز توجه و تفکر اقتصاددانان و سیاستگذاران کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به خود جلب نکرده است؛ زیرا نوسانات غیرعادی در سیستم ارزی یکی از معضلات اقتصادی هر کشوری است که ثبات اقتصاد را با چالش مواجه می‌کند و باعث بی‌اعتمادی مردم به پول می‌شود و کاهش نسبی قدرت خرید در مقایسه با موازنه‌های بین‌المللی را به همراه می‌آورد. در ایران با توجه به اینکه قسمت عمده درآمد دولت از محل عایدات ارزی تأمین می‌شود، بنابراین دولت؛ درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت را به درآمد برحسب پول داخلی تبدیل می‌کند و هنگامی که درآمد حاصل از صادرات نفت به مراتب بیشتر می‌شود، این نرخ به‌طور مستقیم بر کسری یا مازاد بودجه تأثیر می‌گذارد.

مطالعه حاضر نیز با توجه به اهمیت نوسانات نرخ ارز، سعی در بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر صادرات صنایع غذایی ایران در چارچوب الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری برای دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۰ داشت. متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق با توجه به الگوی سرنیس و دیگران (۲۰۱۱) شامل صادرات صنایع غذایی، نوسانات نرخ ارز، ارزش افزوده، نرخ تورم و رابطه مبادله ایران بودند. از آنجاکه در مدل‌های خودرگرسیون برداری، بررسی پیامد یک شوک بر سایر متغیرها به دلیل وجود همبستگی بین جملات اخلاص در معادله‌های مختلف؛ ممکن است از اعتبار نتایج برآورد شده بکاهد. بنابراین در این مطالعه استفاده از خودرگرسیون برداری ساختاری به عنوان ابزاری مناسب جهت بررسی اثر شوک‌های هر متغیر به کار برده شد. نتایج کلی تحقیق نشان داد که آثار کوتاه‌مدت هم‌زمان چهار متغیر رابطه مبادله، نرخ تورم و ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز بر روی صادرات صنایع غذایی به‌گونه‌ای است که رابطه بین دو متغیر رابطه مبادله و نرخ تورم با صادرات صنایع غذایی به صورت مثبت و رابطه دو متغیر ارزش افزوده و نوسانات نرخ ارز، منفی است. از طرفی نتایج بلندمدت بین متغیرها نشان داد که تمامی متغیرها در بلندمدت دارای روابط مثبت با صادرات صنایع غذایی هستند.

با توجه به هدف اصلی تحقیق سعی شد بیشتر بر اثرات بین نوسانات نرخ ارز و صادرات صنایع غذایی ایران پرداخته شود. از آنجاکه در اقتصاد ایران، دولت انحصار درآمدهای ارزی و در نتیجه قیمتگذاری هر واحد ارز را در اختیار دارد و از سوی دیگر وابستگی بالای اقتصاد به این درآمدها و میزان منابع ارزی؛ می‌توان انتظار داشت که نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی تأثیر بگذارد. گفتنی است که نوسانات گسترده و وسیع نرخ ارز می‌تواند نتایج مثبت و منفی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در پی داشته باشد. از این رو براساس نتایج بلندمدت در این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران و صاحب‌نظران اقتصادی در تعیین سطح نرخ ارز و نحوه تأثیرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی حساسیت بیشتری داشته باشند. با توجه به نتایج کوتاه‌مدت نوسانات، نرخ ارز فقط در دوره اول حجم صادرات را افزایش و از آن به بعد حجم صادرات را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعان کرد که پدیده نوسانات نرخ ارز در دوره‌های کوتاه‌مدت صادرات صنایع غذایی را با

کاهش مواجه می‌کند. از دلایل عمده‌ای که ممکن است باعث این کاهش در دوره‌های بعدی صادرات شود، ریسک در فعالیت‌های مرتبط با صنایع غذایی و عدم ثبات قیمت‌ها و تنظیم بازار است که این امر با انعقاد قراردادهای خرید یا فروش محصولات در ارتباط است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی بتوانند اثرات ریسک و ثبات قیمت‌ها را بر روی صادرات صنایع غذایی مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به اینکه در دوره‌های کوتاه مدت اثر نرخ تورم بر صادرات صنایع غذایی منفی است؛ لازم است که کنترل نرخ تورم نیز در اولویت قرار گیرد.



## منابع و مآخذ

۱. احسانی، محمدعلی، امیر خانعلی پور و جعفر عباسی (۱۳۸۷). «اثر بی ثباتی نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی در ایران»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، ۱(۹).
۲. بانک مرکزی (۱۳۹۸). «آمار و داده‌ها، نرخ تورم و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی». [https://www.cbi.ir/Inflation/Inflation\\_FA.aspx](https://www.cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx)
۳. بخشی، پرویز، حسین راحلی و محمد قهرمانزاده (۱۳۹۵). «تأثیر شوک‌های درآمدی نفتی و ناطمینانی ناشی از نوسانات نرخ ارز بر رشد بخش کشاورزی در ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۳(۸).
۴. پورابراهیم، فاطمه و عبدالکریم اسماعیلی (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر جوایز صادراتی بر توسعه صادرات در بخش کشاورزی در ایران»، اقتصاد کشاورزی، ۴(۱).
۵. راسخی، سعید، میلاد شهرازی و محمدرضا عبداللهی (۱۳۹۱). «اثر نامتقارن نرخ ارز و نوسان آن بر صادرات غیرنفتی ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۷(۲).
۶. زمانی، فهمیه و حسین مهرابی بشرآبادی (۱۳۹۱). «بررسی تقارن شوک‌های ارزی در ایران و تأثیر آن بر صادرات و واردات محصولات کشاورزی»، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲(۴۳).
۷. سازمان بازرگانی خراسان رضوی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت صادرات صنایع غذایی استان خراسان رضوی، معاونت توسعه تجارت خارجی.
۸. صفری، سکینه، مهدی رحمانی و حسن احمدی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر صادرات بخش کشاورزی در راستای بند دوم سیاست‌های کلی کشاورزی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲(۵).
۹. طهماسبی، بهمن، احمد جعفری صمیمی و غلامعلی فرجادی (۱۳۹۳). «بررسی اثر صادرات غیرنفتی بر نرخ ارز حقیقی در ایران»، فصلنامه علوم اقتصادی، ۲۶(۸).
۱۰. عسگری، منصور (۱۳۸۷). «اثر نوسانات واقعی ارز بر عملکرد صادرات صنایع منتخب ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۴۸.
۱۱. کازرونی، علیرضا، علی رضازاده و سیاوش محمدپور (۱۳۹۰). «اثرات نامتقارن نرخ واقعی ارز بر صادرات غیرنفتی ایران رویکرد غیرخطی مارکوف-سویچینگ»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۵.
۱۲. کرباسی، علیرضا و حسن احمدی (۱۳۸۹). «بررسی آثار نوسانات نرخ ارز بر صادرات بر حجم و قیمت صادراتی کشمش ایران»، مجله دانش و توسعه، ۱۷(۳۲).

۱۳. کریم‌زاده، سعید، قدرت‌اله امام‌وردی و افسانه شایسته (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نرخ واقعی ارز بر صادرات غیرنفتی ایران»، فصلنامه علوم اقتصادی، ۲۹(۸).
۱۴. کلانتری، عیسی و ناصر خادم آدم (۱۳۷۵). «سیاست اصلاح الگوی تغذیه با نگرش کلان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۱۴.
۱۵. کوچک‌زاده، اسما و سیدعبدالمجید جلایی اسفندآبادی (۱۳۹۲). «تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۳(۵).
۱۶. هژبرکیانی، کامبیز و سیروس نیک‌اقبالی (۱۳۷۹). «بررسی اثر عدم تعادل نرخ ارز بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۰(۵۶).
۱۷. گودرزی، آتوسا و محمدحسین صبوری دبلمی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بلندمدت میان نرخ ارز و صادرات غیرنفتی در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۱(۷۷).
۱۸. متوسلی، محمود (۱۳۷۹). «راهبردهای تجاری و توسعه اقتصادی (بررسی موارد خاص ایران)»، مجموعه مقالات دومین همایش سالانه سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌الملل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۹. محمودزاده، مجید و منصور زیبایی (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر بر صادرات بسته ایران: یک تحلیل همجمعی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳(۴۶).
۲۰. مظهری، محمد (۱۳۸۶). طرح تدوین استراتژی توسعه خارجی استان خراسان رضوی، گروه پژوهش‌های اقتصادی جهاد دانشگاهی واحد مشهد، سازمان بازرگانی استان خراسان رضوی.
۲۱. نوری، سیدهدایت‌اله و شهره نیلی‌پور (۱۳۸۶). «اولویت‌بندی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با استفاده از روش دلفی شهرستان فلاورجان - استان اصفهان»، پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۱.
۲۲. نوری، مهدی و حامد نویدی (۱۳۹۱). «ریسک نرخ ارز و صادرات غیرنفتی در ایران»، فصلنامه، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳).

23. Adler, G., N. E Magud and A. Werner (2018). Terms-of-trade Cycles and External Adjustment, *International Review of Economics and Finance*, 54.

24. Alley, I. (2018). Oil Price and USD-Naira Exchange Rate Crash: Can Economic Diversification Save the Naira?. *Energy Policy*, 118.

25. Bahmani-Oskooee, M., and A. Gelan (2018). Exchange-rate Volatility and International Trade Performance: Evidence from 12 African Countries, *Economic Analysis and Policy*.
26. Binning, A. (2013). Underidentified SVAR Models: A framework for Combining Short and Long-run Restrictions with Sign-restrictions, *Available at SSRN 2350094*.
27. Boiciuc, I. (2015). The Effects of Fiscal Policy Shocks in Romania. A SVAR Approach. *Procedia Economics and Finance*, 32.
28. Bouvet, F., A. C. Ma and A. Van Assche (2017). Tariff and Exchange Rate Pass-through for Chinese Exports: A firm-level Analysis Across Customs Regimes. *China Economic Review*, 46.
29. Caporale, G. M., F. M Ali, F. Spagnolo and N. Spagnolo (2017). International Portfolio Flows and Exchange Rate Volatility in Emerging Asian Markets. *Journal of International Money and Finance*, 76.
30. Chen, P. F., J. H. Zeng and C. C. Lee (2018). Renminbi Exchange Rate Assessment and Competitors' Exports: New Perspective. *China Economic Review*.
31. Choi, Y., and E. K. Choi (2017). Unemployment and Optimal Exchange Rate in an Open Economy, *Economic Modelling*.
32. Choudhri, E. U. and D. S. Hakura (2015). The Exchange Rate Pass-through to Import and Export Prices: The Role of Nominal Rigidities and Currency Choice, *Journal of International Money and Finance*, 51.
33. Clark, T. E. and K. D West (2006). Using out-of-sample Mean Squared Prediction Errors to Test the Martingale Difference Hypothesis. *Journal of Econometrics*, 135(1-2).
34. Delgado, N. A. B., E. B. Delgado and E. Saucedo (2018). The Relationship between Oil Prices, the Stock Market and the Exchange Rate: Evidence from Mexico, *The North American Journal of Economics and Finance*.

35. Gehrke, B., and F. Yao (2017). Are Supply Shocks Important for Real Exchange Rates? A Fresh View from the Frequency-domain, *Journal of International Money and Finance*, 79.
36. Giannini, C. (1992). Impulse Response Analysis and Forecast Error Variance Decomposition in SVAR Modeling, In *Topics in Structural VAR Econometrics* Berlin, Heidelberg.
37. Gilchrist, R. R. (2018). *Managing for Profit: The Added Value Concept*. Routledge.
38. Grossmann, A., C. Paul and M. W. Simpson (2017). The Impact of Exchange Rate Deviations from Relative PPP Equilibrium on the US Demand for Foreign Equities, *Journal of International Money and Finance*, 77.
39. Ivanov, V and L. Kilian (2005). A Practitioner's Guide to Lag Order Selection for VAR Impulse Response Analysis, *Studies in Nonlinear Dynamics and Econometrics*, 9(1).
40. Khalighi, L. and M. S.Fadaei (2017). A Study on the Effects of Exchange Rate and Foreign Policies on Iranians Dates Export, *Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences*, 16(2).
41. Kido, Y. (2016). On the Link between the US Economic Policy Uncertainty and Exchange Rates, *Economics Letters*, 144.
42. Latif, Z., S. Latif, L. Ximei, Z. H. Pathan, S. Salam, and Z. Jianqiu (2017). The Dynamics of ICT, Foreign Direct Investment, Globalization and Economic Growth: Panel Estimation Robust to Heterogeneity and Cross-sectional Dependence, *Telematics and Informatics*.
43. Li, H., H. Ma and Y. Xu (2015). How do Exchange Rate Movements Affect Chinese Exports? A Firm-level Investigation, *Journal of International Economics*, 97(1).
44. Mensah, L., P. Obi and G. Bokpin (2017). Cointegration Test of Oil Price and

us Dollar Exchange Rates for Some Oil Dependent Economies, *Research in International Business and Finance*, 42.

45. Ozturk, I. (2006). Exchange Rate Volatility and Trade: a Literature Survey.
46. Perron, P. (2017). Unit Roots and Structural Breaks.
47. Pfitzer, M., and R. Krishnaswamy (2007). The Role of the Food and Beverage Sector in Expanding Economic Opportunity, *CSR Initiative Report*, 20.
48. Phillips, P. C., and W. Ploberger (1994). Posterior Odds Testing for a Unit Root with Data-based Model Selection, *Econometric Theory*, 10(3-4).
49. Prakash, K. and D. Maiti (2016). Does Devaluation Improve Trade Balance in Small Island Economies? The Case of Fiji, *Economic Modelling*, 55.
50. Sekkat, K. (2016). Exchange Rate Misalignment and Export Diversification in Developing Countries, *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 59.
51. Senadza, B. and D. D. Diaba (2017). Effect of Exchange Rate Volatility on Trade in Sub-Saharan Africa, *Journal of African Trade*, 4(1-2).
52. Serenis. D., et al (2011). "Exchange Rate Volatility and Sectoral Exports Is There a Relationship? New Evidence From The E.U.", International Conference On Applied Economics.
53. Sims, C. A. (1980). Macroeconomics and Reality, *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 1-48.
54. Sonaglio, C. M., A. C. Campos and M. J. Braga (2016). Effects of Interest and Exchange Rate Policies on Brazilian Exports, *Economia*, 17(1).
55. Sun, C., M. Kim, , W. Koo , G. Cho and H. Jin (2002). The Effect of Exchange Rate Volatility on Wheat Trade Worldwide, Working Paper, Center for Agricultural Policy and Trade Studies.
56. Trienekens, J., and P. Zuurbier (2008). Quality and Safety Standards in the Food

- Industry, Developments and Challenges, *International Journal of Production Economics*, 113(1).
57. Tunc, C., and M. N. Solakoglu (2017). Not all Firms React the Same to Exchange Rate Volatility? A Firm Level Study, *International Review of Economics and Finance*, 51.
58. Vergil, H. (2002). Exchange Rate Volatility in Turkey and Its Effect on Trade Flows. *Journal of Economic and Social Research*, 4(1).
59. Yang, L., X. J. Cai and S. Hamori (2017). Does the Crude Oil Price Influence the Exchange Rates of Oil-importing and Oil-exporting Countries Differently? A Wavelet Coherence Analysis, *International Review of Economics and Finance*, 49.
60. Zahanogo, P. (2016). Trade and Economic Growth in Developing Countries: Evidence from Sub-Saharan Africa, *Journal of African Trade*, 3(1-2).

# طراحی الگوی مفهومی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش بنیان

اسما سلطانی نژاد<sup>\*</sup>، علی مروتی شریف‌آبادی<sup>\*\*</sup>، حبیب زارع احمدآبادی<sup>\*\*\*</sup> و احمد جعفرنژاد<sup>\*\*\*\*</sup>

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۹۵-۱۲۱
------------------------	--------------------------	------------------------	--------------------

با توجه به نقش شرکت‌های دانش بنیان در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، هدف تحقیق حاضر طراحی الگوی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش بنیان است تا بتواند شرکت‌ها را برای رویارویی با محیط به سرعت در حال تغییر؛ تجهیز و به عملکرد موفقیت آمیز آنها کمک کند. طراحی الگو با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه پردازی داده بنیاد انجام و برای انتخاب نمونه‌های پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد. پس از انجام مصاحبه با چهارده نفر از خبرگان و با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد، مدل پارادایمی الگوی چابکی راهبردی طراحی شد. در شرایط علمی مفاهیم؛ افزایش رقابت، افزایش پیچیدگی و پویایی محیط، شناسایی بازار و بقای سازمانی شناسایی شدند. در شرایط مداخله‌گر مفاهیم نیز شایستگی‌های فردی کارکنان، قدرت سازگاری با شرایط متغیر محیطی، وجود محدودیت منابع مالی و انسانی، اثرگذاری مدیریت شرکت، نقش ماهیت ذاتی شرکت و در شرایط زمینه‌ای مفاهیم در قالب دو مقوله عوامل محدود کننده مانند مساعد نبودن فضای کسب و کار و عوامل تشویق کننده مانند سیاست‌های حمایتی دولت قرار دارند. پدیده محوری فرایند چابکی راهبردی است که در آن سازمان با درک هوشیارانه و توجه به پیشرفت‌های راهبردی به شناسایی تغییرات محیط و درک آنها پرداخته و با اهرمی کردن نقاط قوت و روش‌های خلاقانه حل مسئله در پی فائق آمدن بر محدودیت‌های ذاتی برمی‌آید. همچنین با متقاعد کردن و انگیزش منابع انسانی امکان کاهش زمان تصمیم‌گیری در موضوعات راهبردی را فراهم می‌آورد و با هدایت مجدد منابع سازمانی منجر به عملیاتی کردن تغییرات برنامه راهبردی می‌شود. سازوکارهای چابکی راهبردی شامل دو مقوله اقدامات درون سازمانی و برون سازمانی بوده که در سطح کلان نتایجی مانند خلق ارزش اقتصادی و گسترش رفاه در سطح جامعه و در سطح سازمانی نتایجی مانند افزایش قدرت رقابت شرکت‌ها و بقای بلندمدت را موجب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** چابکی راهبردی؛ روش تحقیق کیفی؛ چابکی، نظریه داده بنیاد؛ شرکت دانش بنیان

\* دانشجوی دکتری مدیریت تولید و عملیات، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد؛

Email: a\_soltani1969@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)؛ Email: alimorovati@yazd.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد؛ Email: zarehabib@yazd.ac.ir

\*\*\*\* استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران؛ Email: jafarnjd@ut.ac.ir

## مقدمه

امروزه سازمان‌ها تحت شرایطی فعالیت می‌کنند که همراه با عدم اطمینان و آشفتگی بوده و به هیچ‌وجه ایمن و اطمینان‌بخش نیست (Bhamr, Dani and Burnard, 2011). برای رویارویی با این تغییرات سازمان‌ها به رویکردهایی نیاز دارند که قابلیت انعطاف‌پذیری و انطباق با محیط در حال تغییر را در آنها افزایش دهد که یکی از این رویکردهای مورد استفاده سازمان‌ها چابکی است (Perera, Soosay and Sandhu, 2014). ماهیت واکنشی چابکی در برابر تغییرات و قابلیت متمرکز آن بر فرایندها و سیاست‌های داخل شرکت (Ojha, 2008; Ganguly, Nilchiani and Farr, 2009) و همچنین تغییر نیازمندی‌های ذی‌نفعان، افزایش رقابت در سطح جهانی و نرخ رو به رشد تغییرات، شرایط را به‌گونه‌ای رقم زده است که روال‌های فعلی و در نتیجه ماهیت واکنشی چابکی به تنهایی کافی نیست (Long, 2000). از این‌رو به نوع جدیدی از چابکی احساس نیاز می‌شود که نه تنها فراتر از سازگاری با تغییر و پاسخگویی به آن باشد، بلکه سازمان‌ها را قادر کند زودتر از وقوع تغییر، تغییر را در مدل‌های کسب‌وکار خود ایجاد و از فرصت‌های بالقوه ناشی از آن استفاده کنند (Abu-Radi and Al-Hawajreh, 2013). این نوع جدید از چابکی که به نام چابکی راهبردی مطرح شده است، قابلیت پویا بوده و به‌عنوان کلید موفقیت در محیط متغیر امروز شناخته می‌شود (Al-Azzam, Irtaimah and Khaddam, 2017; Arbussa, 2017; Doz and Kosonen, 2006; Castiaux, 2012; Bikfalvi and Marquès, 2017).

در شرایطی که برخی از اوقات حتی سازمان‌های بزرگ نیز توان مقاومت در برابر چالش‌ها را ندارند، ضروری است تلاش‌هایی انجام شود تا سازمان‌های کوچک بتوانند در برابر این عدم قطعیت‌ها و چالش‌ها مقاومت کنند (Bhamr, Dani and Burnard, 2011). بنابراین چابکی راهبردی به‌عنوان مفهومی بسیار مهم در محیط کسب‌وکار متلاطم و به‌سرعت در حال تغییر، که در شرکت‌های بزرگ نیز مدت زیادی نیست که مورد مطالعه قرار گرفته است، برای شرکت‌های دانش‌بنیان اهمیت خاصی داشته و می‌تواند به آنها کمک کند تا یک گام از مشتریان خود و به‌ویژه رقبا جلوتر باشند و به موفقیت دست پیدا کنند (Doz and Kosonen, 2008; Santala, 2009). شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان منابع



مهم درآمد و اشتغال و نیروی تأثیرگذار در توسعه اقتصادی، در پیشرفت و توسعه کشورها نقشی حیاتی و غیرقابل انکار داشته و سبب گسترش رفاه اجتماعی، کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار می‌شوند. در کشور ما نیز اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی، برنامه‌های توسعه و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور همگی حوزه اقتصاد دانش‌بنیان را جزء صنایع مهم و تأثیرگذار در صنعت کشور دانسته و توسعه این بخش را در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای کشور قرار داده است (خیاطیان یزدی، ۱۳۹۴؛ ناظران و اسلامی فر، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به نقشی که شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه کشور دارند، توسعه و تقویت قابلیت‌های چابکی راهبردی بقا و موفقیت این شرکت‌ها در محیط‌های با تغییرات مستمر را به دنبال خواهد داشت. هدف تحقیق حاضر این است که با طراحی الگوی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان؛ این‌گونه شرکت‌ها را برای رویارویی با محیط به سرعت در حال تغییر تجهیز و به عملکرد موفقیت‌آمیز آنها و در نتیجه توسعه اقتصادی کشور کمک کند. از آنجا که پژوهش‌های قبلی چابکی راهبردی به ندرت در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان ورود پیدا کرده‌اند در این تحقیق سعی شده است با انجام پژوهش کیفی درک لازم از پدیده چابکی راهبردی به دست آید و الگویی جامع برای این پدیده ارائه شود.

## ۱. ادبیات چابکی راهبردی

چابکی راهبردی به‌عنوان الگوی غالب کسب‌وکار در هزاره سوم و به مثابه بهترین گزینه برای بقا مورد توجه اکثر سازمان‌های تولیدی و خدماتی قرار گرفته است (Doz and Kosonen, 2008; Long, 2000). چابکی راهبردی نتیجه ترکیبی از ثبات در پروسه‌ها و افراد، ارزش‌ها، بلندپروازی‌ها، حساسیت و انعطاف‌پذیری در دیدگاه‌ها، سیالی در گسترش منابع و وحدت رهبری در ایجاد تعهدات جمعی است (Doz and Kosonen, 2008) و با توانایی منطبق شدن با تغییرات ناخواسته و غیرقابل انتظار محیط کسب‌وکار؛ برای سازمان‌ها امکان استفاده از فرصت‌ها، ایجاد ارزش و راضی کردن مشتریان با انتظارات بالا را ایجاد می‌کند (Tallon and Pinsonneault, 2011; Qin and Nembhard, 2010; Arbussa, Bikfalvi and Marquès, 2017). چابکی راهبردی می‌تواند مزیت راهبردی پایدار سازمان را بر مبنای چیزهای ناشناخته برای رقبا

پایه‌ریزی کند (Santala, 2009). داز و کاسونن چابکی راهبردی را قابلیت پویا و نتیجه سه ویژگی در سازمان می‌دانند که از واژه فراقابلیت<sup>۱</sup> برای توصیف آنها استفاده می‌شود و عبارتند از: حساسیت راهبردی<sup>۲</sup>، سیالی منابع<sup>۳</sup> و وحدت رهبری<sup>۴</sup> هستند و به دقت با مفهوم قابلیت پویا<sup>۵</sup> تطبیق داده شده‌اند (Doz and Kosonen, 2008; 2010). سه فراقابلیت چابکی راهبردی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

**الف) حساسیت راهبردی:** درک هوشیارانه و شور و هیجان از آگاهی و توجه به پیشرفت‌های راهبردی است. حساسیت راهبردی به قابلیت سازمان برای شناسایی تغییرات در محیط و درک و فهم آنها اشاره دارد و ترکیبی از آینده‌نگری و دوراندیشی، بصیرت و شناخت، کندوکاو و جست‌وجوی ساده با تأکید بیشتر بر روی شناخت و بصیرت است.

**ب) سیالی منابع:** سیالی منابع به معنای قابلیت جایگزینی مجدد و سریع منابع همسو با فرصت‌های راهبردی حین توسعه آنهاست. سه اقدام را می‌توان در بهبود سیالی منابع مؤثر دانست: ۱. سازوکارهایی که تخصیص مجدد منابع کمیاب نظیر سرمایه و کارکنان را بهبود می‌بخشند، ۲. سازوکارهایی که جایگزینی مجدد منابع را از طریق تقسیم شدن بهبود می‌بخشند و ۳. سازوکارهایی که دسترسی به منابع را بهبود می‌بخشند.

**ج) وحدت رهبری:** وحدت رهبری قابلیت تیم ارشد سازمان برای گرفتن تصمیم‌های جسورانه سریع و بدون گیرافتادن در سیاست‌های بازنده - برنده است. چهار اقدام مؤثر برای بهبود وحدت رهبری عبارت‌اند از: ۱. وابستگی متقابل، ۲. کار کردن با یکدیگر، ۳. تغییرات تیم ارشد و ۴. سبک مدیریت مدیرعامل.

اوجها چابکی راهبردی را توانایی تغییر رویه، ارائه محصول مناسب با قیمت مناسب در هر جا و اهرمی کردن منابع زنجیره عرضه برای ایجاد کردن اقتصادهای دانشی تعریف می‌کند که در قالب چهار توانایی مکمل زیر بروز می‌کند (Ojha, 2008):

1. Meta-Capabilities
2. Strategic Sensitivity
3. Resource Fluidity
4. Leadership Unity
5. Dynamic Capability

- **وضوح چشم‌انداز:** ارائه یک چشم‌انداز واضح و روشن از پایانی که سازمان برای رسیدن به آن کار می‌کند و انواع نتایج و روابطی که انتظار می‌رود ایجاد کند.

- **درک قابلیت‌های اصلی:** بیانگر آگاهی سازمان از توانایی‌های خود است و اینکه چگونه این توانایی‌ها برای ایجاد ارزش برای مشتری می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

- **انتخاب اهداف راهبردی:** بیانگر آگاهی سازمان از چگونگی خلق ارزش و توانایی به‌کار بردن آن برای انتخاب مشتریانی که سازمان به بهترین شکل برای آنها ارائه می‌کند ارزش قائل باشند.

- **مسئولیت مشترک:** بیانگر درگیر شدن شرکای زنجیره عرضه در تصمیم‌گیری همراه با پاسخگویی مشترک در برابر نتایج است.

- **اقدام کردن:** بیانگر توانایی سازمان برای به‌کارگیری قابلیت‌های خود و شرکای زنجیره عرضه برای به‌دست آوردن نتایج است.

گروه مشاور اجرا یک تعریف چهاربُعدی از چابکی ارائه کردند که مشابه مفهوم چابکی راهبردی داز و کاسون است و شامل ابعاد حساسیت به فرصت، وحدت رهبری، روان بودن منابع و کشش سازمانی می‌شود (Asil, 2019). ماونجر نیز از هفت مشخصه برای ارزیابی چابکی راهبردی زنجیره تأمین، نام می‌برد که عبارتند از: قابلیت تشخیص بی‌درنگ تغییرات، قابلیت شرکا در اتخاذ سریع تصمیمات جمعی، قابلیت پاسخگویی سریع به تغییرات، استفاده از فناوری اطلاعات برای به اشتراک گذاشتن داده‌ها، یکپارچگی فرایند و هماهنگی شبکه، توسعه محصول با تشریک مساعی شرکا و در نهایت شبکه‌ای که به واسطه توانایی شرکا رونق می‌یابد (Mavengere, 2009). گلدمن، ناجل و پرسیس چهاربُعد راهبردی تولید چابک را به این شرح مشخص کردند (Goldman, Nagel and Preiss, 1995):

۱. ارزش قائل شدن برای مشتری با توانمند کردن سازمان به منظور رسیدگی به

مشتریان به‌عنوان یک سنجش مداوم در سازمان،

۲. همکاری برای ایجاد رقابت برای همگام کردن افراد و زیرمجموعه‌های سازمان

که در اقدامات توسعه‌ای برای برآورده کردن نیازهای مشتریان به‌طور مداوم نقش بازی می‌کنند،

۳. سازمان دهی برای شرایط عدم قطعیت و تغییرات عمده و همچنین کسب مزیت از تغییرات و در نظر گرفتن آنها به عنوان فرصت،

۴. استفاده از نقش افراد و اطلاعات با ترغیب و تشویق برای خلاقیت، جریان آزاد اطلاعات و مبادله ایده‌ها، همکاری درونی و بین‌سازمانی، ابتکار و پاسخگویی فردی است. لانگ نیز چابکی راهبردی را بر مبنای هفت بُعد سنجدیده است که عبارتند از: وضوح و روشنی چشم‌انداز، دانش مشتریان، درک و فهم قابلیت‌های اصلی، انتخاب اهداف راهبردی، مسئولیت مشترک، دانش رقبا و اقدام کردن (Long, 2000).

## ۲. ضرورت چابکی راهبردی شرکت‌های دانش بنیان

جهان امروز که همراه با تغییرات سریع در زمینه دیجیتالی شدن، جهانی‌سازی و مقررات‌زدایی روبه‌روست، چابکی راهبردی برای شرکت‌های دانش بنیان اهمیت خاصی دارد (Doz and Kosonen, 2008)، زیرا در نتیجه این عوامل زمین بازی بزرگ‌تر شده‌اند و شرکت‌های بیشتری به بازار دسترسی پیدا کرده‌اند که به ایجاد عدم اطمینان و آشفتگی بیشتر محیط کسب و کار منجر شده است (Long, 2000). شرکت‌های کوچک با ویژگی‌هایی مانند انعطاف‌پذیری بیشتر و ارتباط نزدیک‌تر با مشتریان می‌توانند به تغییرات پاسخ سریع‌تری بدهند و خود را در موقعیت خوبی نگه دارند، اما این شرکت‌ها بیشتر مالک محور بوده و به روش‌ها و رویه‌های غیررسمی متکی هستند و اغلب بر عملیات روزانه تمرکز دارند (Gray 2002, Woods and Joyce 2003, Smallbone, Bertotti and Ekanem, 2005) که باعث می‌شود از نظر راهبردی نسبت به تغییرات بازار بی‌توجه باشند (Jones and et al., 2011). چالش‌های حوزه جهانی و اقتصاد منطقه‌ای در کنار ویژگی‌های ساختاری خاص این شرکت‌ها، باعث می‌شود شرکت‌های کوچک در برابر تغییرات سریع محیط نسبت به همیشه شکننده‌تر بوده و نیاز داشته باشند برای انطباق با این تغییرات و کسب مزیت رقابتی، درکی هوشمندانه از محیط فعلی و محیط آینده خود داشته باشند. از بین شرکت‌های کوچک نیز شرکت‌های دانش بنیان در زمره شرکت‌هایی هستند که به منظور بقا و تضمین موفقیت به مطالعاتی از این دست بیشتر نیازمندند. در واقع امروزه چابکی راهبردی به ویژه برای

سازمان‌های دانش‌محور بیش از هر زمان دیگری الزامی است (Doz and Kosonen, 2008). در کشور ما نیز با توجه به فضای پرتلاطم اقتصادی لازم است شرکت‌های دانش‌بنیان برای مقابله با تغییرات و آشفتگی‌های محیطی و همچنین حفظ بقای خود و افزایش رقابت‌پذیری در زمینه چابکی راهبردی تقویت شوند. بر این اساس تحقیقاتی از این قبیل می‌تواند راه‌حل مناسبی برای تقویت این شرکت‌ها باشد.

### ۳. پیشینه چابکی راهبردی در شرکت‌های دانش‌بنیان

با بررسی ادبیات موضوع مشخص شد مطالعات موجود در زمینه چابکی راهبردی اغلب به تحلیل و شناسایی عوامل و ابزارهای رسیدن به چابکی راهبردی متمرکز شده و به برقراری ارتباط بین متغیرها و لحاظ آن به صورت فرایندی پرداخته نشده است. بنابراین می‌توان گفت چارچوبی جامع و فراگیر برای چابکی راهبردی به خصوص در شرکت‌های دانش‌بنیان وجود ندارد. مطالعات داخلی و خارجی چابکی راهبردی در شرکت‌های دانش‌بنیان به این شرح است:

نجفی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تأثیر هوش سازمانی بر چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان استان بوشهر پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان هوش سازمانی و چابکی راهبردی در جامعه آماری بالاتر از حد متوسط است. همچنین با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و تأثیر مثبت و معنادار هوش سازمانی بر چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توان بیان کرد که تقویت هوش سازمانی موجبات بهبود چابکی راهبردی این سازمان‌ها را در پاسخ به تغییرات محیطی فراهم می‌کند.

آربوسا، بیکفالوی و مارکوس در مقاله‌ای با عنوان «چابکی راهبردی - محرک نوسازی مدل کسب‌وکار: مطالعه موردی یک بنگاه کوچک و متوسط» به بررسی تناسب قابلیت‌های پویا تحت چابکی راهبردی در زمینه یک بنگاه کوچک و متوسط صنعت خدمات پرداخته‌اند که نوآوری مدل کسب‌وکار را پیاده‌سازی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد دو متاقابلیت پیشنهادی (وحدت رهبری و سیال بودن منابع) برای بنگاه‌های

کوچک و متوسط ذاتی هستند، اگرچه این نیاز وجود دارد که اندازه آنها کاهش یابد. یکی از متقابلیت‌ها (حساسیت راهبردی) نیز به نسبت در محیط بنگاه‌های کوچک و متوسط کمتر طبیعی بوده ولی از اهمیت بیشتری برخوردار است. یک متقابلیت دیگر به نام کاردانی<sup>۱</sup> نیز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ضروری است تا بتواند بر محدودیت‌های ناشی از اندازه فائق آید (Arbussa, Bikfalvi and Marquès, 2017).

شین و دیگران در مقاله‌ای با عنوان چابکی راهبردی بنگاه‌های کوچک و متوسط کره‌ای و تأثیر آن بر عملیات و عملکرد مالی آنها، به بررسی ماهیت و نقش چابکی راهبردی و تأثیر آن پرداختند. با ترکیب کردن مصاحبه‌های تخصصی با ادبیات موجود یک ارتباط نظری قوی بین چابکی راهبردی بنگاه‌های کوچک و متوسط کره‌ای و ابعاد زیرمجموعه آن (قابلیت فناوری، نوآوری مشارکتی، یادگیری سازمانی و تراز داخلی) ایجاد کرده و در نهایت یک مدل برای بررسی اثرات بین چابکی راهبردی، عملکرد عملیاتی و عملکرد شرکت پیشنهاد شد. عملکرد شرکت نیز از دو بُعد حفظ مشتری و عملکرد مالی اندازه‌گیری شده است. با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری برای انجام یک گروه از آنالیزهای تأییدی برای آزمون کردن فرضیات تجربی مرتبط در مدل‌های ساختاری، نتایج تحقیق مشخص می‌کند که چابکی راهبردی بنگاه‌های کوچک و متوسط کره‌ای بر عملکرد عملیاتی شرکت و ماندگاری مشتریان اثر مثبتی دارد (Shin and etal, 2015).

سانتالا در پژوهشی با عنوان چابکی راهبردی در شرکت‌های کوچک و متوسط خدماتی دانش‌محور<sup>۲</sup> به بررسی توجیه‌پذیر بودن چابکی راهبردی در این بنگاه‌ها و شناسایی عوامل مرتبط با آنها می‌پردازد و پیشنهادهایی در خصوص چگونگی دستیابی این بنگاه‌ها به چابکی راهبردی ارائه می‌کند. یافته‌های این پژوهش را می‌توان به این صورت بیان کرد: برای بحث کردن در خصوص چابکی راهبردی شرکت‌های خدماتی دانش‌محور کوچک در قیاس با شرکت‌های بزرگ، ابعاد ویژه دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرند که مهمترین بُعد نقش افراد است که در این شرکت‌ها نیز مورد تأکید زیادی قرار می‌گیرد. همچنین

1. Resourcefulness

2. Knowledge Intensive Business Services (KIBS)

چالش‌های مرتبط با مدیریت و انگیزش افراد در این شرکت‌ها که عمدتاً نیز افرادی با دانش و تخصص بالا هستند، باید مورد بررسی قرار گیرند (Santala, 2009).

#### ۴. روش‌شناسی راهبرد نظریه داده‌بنیاد

روش تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای، از نظر نحوه به دست آوردن داده‌ها کیفی و استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. استفاده از مطالعات کیفی به‌ویژه روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد زمانی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد یا اینکه در مطالعات و تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع مورد نظر فقدان یک چارچوب نظری، که به صورتی جامع به تبیین موضوع بپردازد، مشهود باشد. از آنجاکه در تحقیقات پیشین به صورت جامع به پدیده چابکی راهبردی در شرکت‌های دانش‌بنیان در قالب یک مدل توجه نشده است، بنابراین در این تحقیق برای رفع نواقص پژوهش‌های گذشته و به دست آوردن درک لازم از پدیده چابکی راهبردی روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انتخاب شد تا الگویی از پدیده چابکی راهبردی توسعه داده شود که چندوجهی و جامع باشد، علی - معلولی باشد و عوامل مرتبط با پیش‌زمینه‌ها و پیامدهای چابکی راهبردی را نیز شامل شود.

#### ۴-۱. رویه گردآوری و تفسیر داده‌ها

در این تحقیق با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی با چهارده نفر از خبرگان دانشگاهی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. خبرگان دانشگاهی از بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران، یزد، علامه طباطبائی، تربیت مدرس و خوارزمی در رشته‌های مدیریت صنعتی و مدیریت استراتژیک انتخاب شدند که دارای سوابق تحقیقاتی در زمینه چابکی، چابکی راهبردی یا شرکت‌های دانش‌بنیان بودند. نمایندگان مجلس نیز از بین اعضای کمیته اقتصاد دانش‌بنیان مجلس با سطح تحصیلی دکترا در یکی از گرایش‌های مدیریت صنعتی یا استراتژیک بودند. دو نفر از این افراد در زمینه چابکی راهبردی، هشت نفر در زمینه چابکی و چهار نفر نیز در زمینه شرکت‌های دانش‌بنیان دارای سوابق مرتبط بودند.

انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید جمع‌آوری شده با داده‌های قبلی تفاوتی نداشت. با توجه به زمان حدود شصت دقیقه‌ای اختصاص داده شده مصاحبه‌کننده با انجام ۱۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به نقطه اشباع رسید و برای افزایش مطلوبیت مفاهیم مصاحبه‌ها تا چهارده نفر ادامه یافت.

جدول ۱. اشباع نظری مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
افزایش رقابت	*			*				*				*		
افزایش پیچیدگی و بویایی محیط	*		*			*					*		*	
شناسایی بازار	*			*	*		*	*			*			
بقای سازمانی	*		*	*	*	*	*	*			*		*	
شایستگی‌های فردی کارکنان				*			*	*		*				
قدرت سازگاری با شرایط متغیر محیطی	*			*									*	
محدودیت منابع مالی و انسانی	*	*			*	*			*	*			*	
اثرگذاری مدیریت شرکت			*				*	*	*	*	*			
نقش ماهیت ذاتی شرکت	*	*	*	*	*	*				*				
تکیه بر اقتصاد دولتی					*	*	*	*			*			
تأثیرگذاری مسائل سیاسی				*	*		*	*						
ضعف در مسائل فرهنگی و آموزشی				*	*									
ضعف در تجارت خارجی		*	*	*	*									
مساعد نبودن فضای کسب‌وکار					*	*				*				
سیاست‌های حمایتی دولت		*			*	*	*	*						
دانش محور بودن					*	*	*	*	*					
قابلیت به‌کارگیری فناوری اطلاعات					*		*							
دوراندیشی راهبردی	*	*	*	*	*	*					*			
پاسخگویی سریع به تغییرات	*	*	*	*	*	*								
زیرکی بازار			*	*	*	*								
خرد جمعی در تصمیم‌گیری		*			*	*	*							
قابلیت‌های مدیران					*	*	*							
نوآوری در حل مسائل	*				*	*	*							



مصاحبه		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	مفاهیم
									*		*				*	اهرمی بودن کارکنان باکیفیت
					*		*					*			*	تحرک سرمایه و افراد
				*									*			پیمان‌های بودن تخصیص منابع
			*			*	*					*				همکاری میان سازمانی
					*		*				*					مدیریت تحولات کسب و کار
						*										فعال بودن دستگاه‌های حمایتی
			*					*						*	*	برنامه‌ریزی برای نفوذ در بازارهای جدید
									*						*	توسعه دانش بازاریابی
			*													متناسب کردن تخصیص منابع
			*	*		*	*	*	*		*				*	به‌کارگیری مدیران توانمند
			*			*					*					گسترش مشارکت و تعهد در سراسر سازمان
					*	*	*		*							خلق ارزش اقتصادی
					*	*	*		*							گسترش رفاه
			*	*	*	*	*	*	*		*				*	افزایش قدرت رقابت
			*		*	*	*	*	*		*				*	بقای بلندمدت

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## ۲-۴. روایی و پایایی

برای اطمینان از روایی مصاحبه در مرحله انتخاب موضوع، مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام شده در حوزه چابکی راهبردی بررسی شد. برای تضمین روایی نیز از راهبردهایی همچون جمع‌آوری داده‌ها از چندین منبع اطلاعاتی، بازبینی در زمان کدگذاری، مقایسه دائمی در تحلیل داده‌ها و تأیید همکاران پژوهشی استفاده شد. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک دانشجوی دکترای مدیریت صنعتی درخواست شد تا به‌عنوان همکار در پژوهش مشارکت کند و سه مصاحبه را کدگذاری کند. درصد توافق درون موضوعی به منزله شاخص ارزیابی پایایی تحلیل به کمک معادله ۱ به دست آمد.

$$\text{معادله ۱} = \frac{۲ \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times ۱۰۰ = \text{درصد توافق موضوعی}$$

جدول ۲. پایایی دو کدگذار

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	تعداد عدم توافق	پایایی دو کدگذار
۲	۳۹	۳۰	۹	٪۷۶
۸	۵۴	۲۲	۱۰	٪۸۱
۱۲	۶۵	۲۳	۱۹	٪۷۰
				٪۷۵

مأخذ: همان.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود با استفاده از معادله ۱، متوسط پایایی بین دو کدگذار ۷۵ درصد تعیین شد. با توجه به اینکه این میزان پایایی، بیش از ۶۰ درصد است (Plas, Kvale and Kvale, 1996)، قابلیت اعتماد کدگذاری ها به تأیید رسید و می توان ادعا کرد که مصاحبه، از پایایی خوبی برخوردار است.

## ۵. یافته های تحقیق

### ۵-۱. تحلیل کدگذاری نظریه برخاسته از داده ها

تحقیق حاضر براساس کدگذاری مدل نظری توسعه می یابد تا پدیده چابکی راهبردی را تشریح و تبیین کند. فرایند جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها در این روش به صورت زیگزاگی و هم زمان انجام می گیرد. جمع آوری داده ها تا جایی ادامه پیدا می کند که محقق در داده ها به مرز اشباع برسد. برای توسعه مدل نظری چابکی راهبردی، محقق به طور مداوم و هدفمند، در مسیر تحلیل داده ها بین کدگذاری باز و محوری حرکت کرده است. در ابتدای کدگذاری، تلاش می شود که مقوله ها از طریق کدگذاری باز مشخص شوند و طی کدگذاری محوری، مقوله ها به یکدیگر مرتبط می شوند. بعد از آنکه ارتباط بین مقوله ها طی کدگذاری باز و محوری شناسایی شد، با کدگذاری انتخابی؛ مقوله ها، مقوله های فرعی و ارتباط آنها یکپارچه می شوند تا مدل نظری توسعه یابد.

### ۱-۱-۵. کدگذاری باز

کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها انجام می‌شود. در این مرحله ۲۸۶ کد اولیه استخراج شده از نکات کلیدی مصاحبه‌ها به ۴۱ مفهوم انتزاعی‌تر تبدیل شدند و از مقایسه و طبقه‌بندی آنها ۱۴ مقوله تعیین شد که در کدگذاری محوری تبیین می‌شوند.

### ۱-۲-۵. کدگذاری محوری

در حالی که کدگذاری باز، داده‌ها را به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌کند؛ کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های آنها را با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط می‌کند. در این تحقیق پس از بررسی مفاهیم و مقوله‌ها ۶ دسته به شرح زیر شناسایی شدند:

**الف) شرایط علی:** در این تحقیق زیرمجموعه‌های «علل محیطی نیاز به چابکی راهبردی و علل سازمانی نیاز به چابکی راهبردی» به عنوان مقوله‌های علی، تشخیص داده شدند که بخشی از آنها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

مقوله کلی	مقوله فرعی	مفهوم	کد نهایی
شرایط علی	علل محیطی نیاز به چابکی راهبردی	افزایش رقابت	تشدید رقابت جهانی، گسترده شدن رقبا، افزایش قدرت چانه‌زنی مشتریان و تأمین‌کنندگان
		افزایش پیچیدگی و پویایی محیط	اجتناب ناپذیری تغییرات، تغییرات سریع محیط و بازار، تنوع و گوناگونی زیاد از یک کسب‌وکار
	علل سازمانی نیاز به چابکی راهبردی	شناسایی بازار	به روز شدن متناسب با نیاز بازار، شناسایی روندها و تغییرات بازار
		بقای سازمانی	باقی ماندن در محیط کسب‌وکار، تضمین بقا، وابسته بودن به محیط و تغییرات محیطی

مأخذ: همان.

ب) شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر در این تحقیق شامل مواردی است که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله کلی
شایستگی‌های فردی کارکنان	نقش تسهیل‌کننده ویژگی‌های ذاتی شرکت‌ها	شرایط مداخله‌گر
قدرت سازگاری با شرایط متغیر محیطی		
وجود محدودیت منابع مالی و انسانی	نقش بازدارنده ویژگی‌های ذاتی شرکت‌ها	
اثربخشی مدیریت شرکت		
نقش ماهیت ذاتی شرکت		

مأخذ: همان.

ج) شرایط زمینه‌ای: پس از بررسی مفاهیم و مقوله‌ها شرایط زمینه‌ای به این شرح شناسایی شدند.

جدول ۵. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله کلی
تکیه بر اقتصاد دولتی	عوامل محدودکننده	شرایط زمینه‌ای
تأثیرگذاری مسائل سیاسی		
ضعف در مسائل فرهنگی و آموزشی		
ضعف در تجارت خارجی		
مساعد نبودن فضای کسب و کار	عوامل تشویق‌کننده	
سیاست‌های حمایتی دولت		
دانش محور بودن		
قابلیت به‌کارگیری فناوری اطلاعات		

مأخذ: همان.

#### د) پدیده اصلی

با توجه به اینکه پدیده اصلی مورد مطالعه چابکی راهبردی در نظر گرفته شده است در جدول زیر مفاهیم و مقولات مرتبط با این بُعد ارائه شده است.

**جدول ۶. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پدیده اصلی**

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله کلی
دوراندیشی راهبردی	حساسیت راهبردی	پدیده چابکی راهبردی
پاسخگویی سریع به تغییرات		
زیرکی بازار		
خرد جمعی در تصمیم‌گیری	وحدت رهبری	
قابلیت‌های مدیران	کاردانی	
نوآوری در حل مسائل		
اهرمی بودن کارکنان با کیفیت		
تحرک سرمایه و افراد	سیال بودن منابع	
پیمانانه‌ای بودن تخصیص منابع		

مأخذ: همان.

۵) **راهبردها و اقدامات:** هدف از این قسمت تشریح راهبردها و اقدامات در الگوی چابکی راهبردی است. در جدول زیر مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با این بُعد ارائه شده است.

**جدول ۷. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با راهبردها و اقدامات**

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله کلی
همکاری میان‌سازمانی	اقدامات حوزه برون‌سازمانی	راهبردها
مدیریت تحولات کسب‌وکار		
فعال بودن دستگاه‌های حمایتی به منظور تقویت قدرت رقابت در شرکت‌ها		
برنامه‌ریزی برای نفوذ در بازارهای جدید		
توسعه دانش بازاریابی	اقدامات حوزه درون‌سازمانی	
متناسب کردن تخصیص منابع		
به‌کارگیری مدیران توانمند		
گسترش مشارکت و تعهد در سراسر سازمان		

مأخذ: همان.

۶) **پیامدها:** هدف این قسمت شناسایی پیامدهای ناشی از به‌کارگیری راهبردها و اقدامات چابکی راهبردی است. مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با این بُعد عبارتند از:

جدول ۸. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدها

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله کلی
خلق ارزش اقتصادی	نتایج در سطح کلان	پیامدها
گسترش رفاه		
افزایش قدرت رقابت	نتایج در سطح سازمانی	
بقای بلندمدت		

مأخذ: همان.

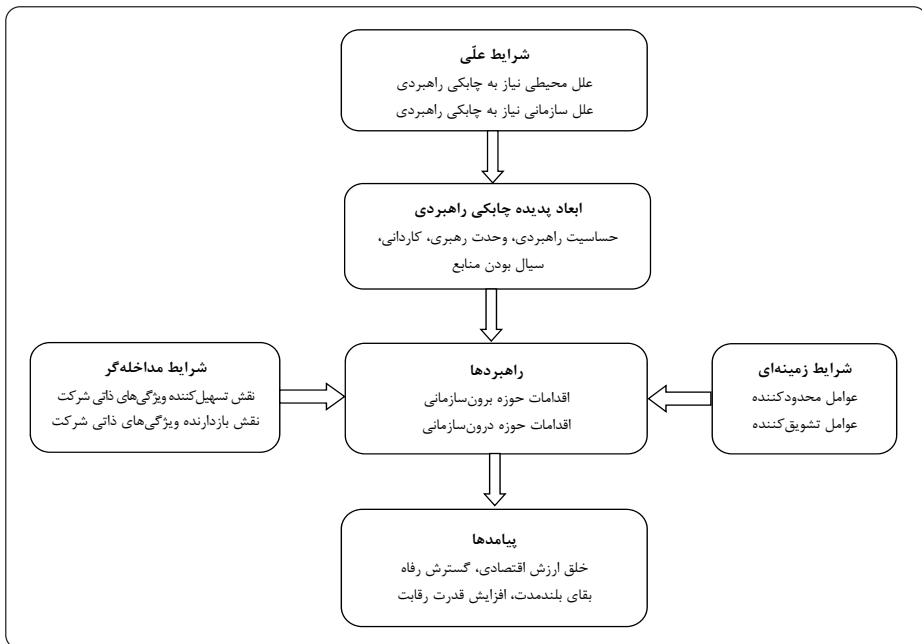
۳-۱-۵. کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز و محوری به پیدایش مجموعه‌ای از مقولات می‌انجامد. به پیوند دادن مقولات به یکدیگر کدگذاری انتخابی می‌گویند که نتایج گام‌های قبلی کدگذاری را به‌کار می‌برد، مقوله اصلی را انتخاب می‌کند و به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد. مقوله‌های زیر نتیجه کدگذاری انتخابی مربوط به پدیده چابکی راهبردی برای شرکت‌های دانش‌بنیان است: «چابکی راهبردی به‌عنوان یک پارادایم غالب کسب‌وکار در هزاره سوم و به مثابه بهترین گزینه برای بقا مورد توجه اکثر سازمان‌های تولیدی و خدماتی قرار گرفته است. ارزش کلیدی چابکی راهبردی از این واقعیت ناشی می‌شود که شرکت‌هایی که قابلیت چابکی راهبردی را دارند می‌توانند فعالیت‌های تولیدی خود را سریع‌تر از دیگرانی که این قابلیت را ندارند تغییر دهند و به مزایای پیش‌رو بودن دست پیدا کنند. چالش‌های زیاد در حوزه جهانی و اقتصاد منطقه‌ای و ویژگی‌های ساختاری خاص شرکت‌های کوچک باعث می‌شود، این شرکت‌ها در برابر تغییرات سریع محیط نسبت به همیشه شکننده‌تر باشند و در نتیجه چابکی راهبردی برای آنها و به‌ویژه برای سازمان‌های دانش‌محور بیش از هر زمان دیگری الزامی باشد. همکاری میان‌سازمانی، مدیریت تحولات کسب‌وکار، فعال شدن دستگاه‌های حمایتی، برنامه‌ریزی برای نفوذ در بازارهای جدید، متناسب کردن تخصیص منابع، به‌کارگیری مدیران توانمند، گسترش مشارکت و تعهد در سراسر سازمان و توسعه دانش بازاریابی؛ راهبردهایی هستند که از طریق اتکا بر ویژگی‌های ذاتی شرکت‌ها مانند شایستگی‌های فردی کارکنان و

قدرت این شرکت‌ها در سازگاری با شرایط متغیر محیطی، دستیابی به چابکی راهبردی را تسهیل و تسریع می‌کنند. زمینه‌های انجام این مهم با توجه به دانش محور بودن شرکت‌ها، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و سیاست‌های حمایتی دولت فراهم است که به اجرای راهبردها کمک می‌کند. خلق ارزش اقتصادی، گسترش رفاه، افزایش قدرت رقابت و بقای بلندمدت پیامدهای دستیابی شرکت‌های دانش‌بنیان به چابکی راهبردی هستند».

الگوی پارادایمی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان در شکل ۱ ارائه شده است. برای افزایش اعتبار، الگو در اختیار خبرگانی قرار گرفت که هم با چابکی راهبردی آشنایی داشته و هم درباره روش نظریه داده‌بنیاد شناخت داشتند و از آنان خواسته شد در مورد فرایند تدوین الگو و الگوی نهایی نظر دهند. بیشتر آنها الگو را تأیید کردند و برخی نیز نظرهای اصلاحی داشتند که در فرایند رفت و برگشتی اصلاحات اعمال و نظر نهایی لحاظ شد.

شکل ۱. الگوی چابکی راهبردی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## ۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق

در پژوهش حاضر برای طراحی الگوی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان از روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد (الگوی پارادایمی) استفاده شده است. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر برای پدیده چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان تبیین شده و راهبردها و پیامدها نیز در الگوی پارادایمی ارائه شده است. شرایط علی مانند افزایش رقابت، پیچیدگی و پویایی محیط باعث شده است تا شرکت‌ها با آشفتگی‌های محیطی فراوانی روبه‌رو شوند. این آشفتگی‌ها در سطوح بالا می‌توانند عملیات یک شرکت را از کار بیندازند. تحقیقات بسیاری بر لزوم توانایی سازمان‌ها برای مقابله با محیط خارجی مبهم که همراه با تغییرات پیچیده و تنوع در نیازهای مشتریان است، تأکید دارند (Doz and Kosonen, 2008; Ismail, Poolton, 2015; Lengenick-Hall and Beck, 2016; Shin and et al., 2015). شناسایی بازار نیز یکی از علل سازمانی نیاز به چابکی راهبردی است؛ درک خواسته‌های مشتریان، شناسایی مشتریان بالقوه و مطلوب، ایجاد تغییراتی در راهبردهای متناسب با واقعیت‌های جدید بازار، پیشنهادهای ارزش جدید برای بازارهای در حال ظهور از واقعیت‌های کسب‌وکار امروزی است (Ismail and et al., 2011; Lengenick-Hall and Beck, 2016; Long, 2000;). بقا یکی دیگر از علل سازمانی نیاز به چابکی راهبردی است. عملکرد طولانی مدت، داشتن عملکردی بهتر از رقبا، امکان تغییر در کسب‌وکار برای پاسخ به تغییرات بازار و انطباق با تغییرات محیطی در گرو پاسخ‌های منعطف و متفکرانه به محیطی است که پیوسته در حال تغییر است (Di Minin and et al., 2014; Huy, 2008;). Lengenick-Hall and Beck, 2016; Lewis, Andriopoulos and Smith, 2014; Shin (and et al., 2015; Wang and Ahmed, 2007).

ابعاد پدیده چابکی راهبردی در شرکت‌های دانش‌بنیان در چهار مقوله حساسیت راهبردی، وحدت رهبری، کاردانی و سیال بودن منابع تعریف می‌شوند. چابکی راهبردی فرایندی است که در آن سازمان با درک هوشیارانه و توجه به پیشرفت‌های راهبردی به شناسایی تغییرات محیط و درک و فهم آنها پرداخته (Shin and et al., 2015) و با اهرمی کردن نقاط قوت و به‌کار بستن روش‌های خلاقانه حل مسئله در پی فائق آمدن بر محدودیت‌های ذاتی برمی‌آید



(Arbussa, Bikfalvi and Marquès, 2017) و همچنین با متقاعد کردن، انگیزش و آماده‌سازی منابع انسانی امکان کاهش زمان تصمیم‌گیری در موضوعات راهبردی را فراهم می‌آورد و در نهایت با هدایت مجدد منابع سازمانی به عملیاتی کردن تغییرات ایجاد شده در برنامه راهبردی منجر می‌شود (Santala, 2009; Arbussa, Bikfalvi and Marquès, 2017).

در تحقیقات گذشته مفاهیمی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای الگوی چابکی راهبردی به این جامعیت مورد بررسی قرار نگرفته و کمتر به آن پرداخته شده است. یکی از مباحث مهم در این زمینه استفاده این شرکت‌ها از فناوری‌هاست. تجارب ناشی از فناوری‌های پیشرفته، یکپارچگی‌های ناشی از فناوری، ارتباطات شبکه‌ای و زیرساخت‌های یکپارچه نظام اطلاعاتی در حرکت سریع و مقیاس‌پذیر منابع به سوی بهترین فرصت‌ها نقشی مهم دارند (Doz and Kosonen, 2010; Idris and Al-Rubaie, 2013; Roth, 1996; Shin and et al., 2015). یکی دیگر از مباحث، دانش‌محور بودن شرکت‌های دانش‌بنیان است. تأکید بر دانش و شناسایی آن به شیوه‌ای مؤثرتر و کاراتر از رقبا به تسریع یادگیری در سطح سازمان منجر می‌شود (Doz and Kosonen, 2006; Doz and Kosonen, 2010; Shin and et al., 2015). از مهمترین عوامل زمینه‌ای، تأثیرگذاری عوامل سیاسی و مساعد نبودن فضای کسب و کار است. بازارهای چالشی کشورهای در حال توسعه مانع بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل هزینه بالا و محدودیت منابع مالی می‌شوند (Hemmati and et al., 2016; Ismail, Poolton and Sharifi, 2011). از طرفی حمایت‌های دولتی از شرکت‌های کوچک در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به تصمیم‌گیری سریع این شرکت‌ها و بالا رفتن توان سرمایه‌گذاری همراه با ریسک منجر شود (Shin and et al., 2015).

در مقوله شرایط مداخله‌گر، ویژگی‌های ذاتی این‌گونه شرکت‌ها می‌توانند هم نقش تسهیل‌کننده و هم نقش بازدارنده داشته باشند. مهارت، ظرفیت خلاقیت، نوآوری و توانایی‌های کارآفرینی کارکنان یک عنصر اصلی خلق ارزش و پایداری کسب و کاری است که در یک محیط جهانی و با پویایی روزافزون در حال فعالیت است (Ananthram and Nankervis, 2013; Roth, 1996). توانایی در برقراری ارتباط سریع با مشتریان و شرکا، جمع‌آوری اطلاعات و یادگیری از محیط خود و همچنین اشتراک اطلاعات، توانایی پاسخ به شرایط متغیر محیطی را بهبود می‌دهد (Ismail, Poolton and Sharifi, 2011; Shin and et al., 2015; Hemmati and et al., 2016).

طرفی فقدان تخصص مدیریتی و بیش فرض‌های مدیران در خصوص چگونگی سازمان‌دهی کار، چگونگی اشتراک کار و نحوه تعیین راهبرد در انحراف استعدادها و منابع ارزشمند و ناتوانی در اعمال تغییرات اثرگذار است (Ananthram and Nankervis, 2013; Shin and etal., 2015; Roth, 1996; Tikkanen, 2014). همچنین اندازه شرکت و منابع محدود آن، رویارویی اثربخش با استرس‌ها و مشکلات و فرایند پاسخگویی را با چالش روبه‌رو کرده و آنها را در موقعیت ضعف قرار می‌دهد (Ismail, Poolton and Sharifi, 2011).

برای دستیابی به نتایج حاصل از پیاده‌سازی چابکی راهبردی باید راهبردهایی اتخاذ شود. راهبردها و کنش‌های کمک‌کننده به شرکت‌ها را می‌توان در قالب دو دسته اقدامات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تعریف کرد. برای هر سازمانی که در بازارهای چالشی مانند کشورهای در حال توسعه کار می‌کند، ضروری است که از طریق تعامل زیاد با شرکا، تأمین‌کنندگان و مشتریان به جمع‌آوری اطلاعات و یادگیری از محیط خود بپردازد. یادگیری هرچه بیشتر از صنایع، مشتریان و رقبا، تعامل شدید با محیط خارجی، شرکا، تأمین‌کنندگان، مشتریان و... در دستیابی حداکثری به منابع دانشی و اهداف شرکت کمک‌کننده است (Hemmati and etal., 2016; Shin and etal., 2015). استفاده از روش‌هایی همچون ادغام یا مالکیت، استفاده از خدمات سایر شرکت‌ها برای افزایش خروجی شرکت و بزرگ کردن مقیاس اقتصادی شرکت از جمله راهکارها برای مدیریت تحولات کسب‌وکار است (Santala, 2009). انگیزش، توسعه شایستگی‌ها و به عبارتی اهرمی کردن نقاط قوت شرکت‌های کوچک راهی برای فائق آمدن بر برخی از محدودیت‌های ذاتی پیش روی این شرکت‌هاست (Arbussa, Bikfalvi and Marquès, 2017; Roth, 1996). مدیران ارشد شرکت‌ها نیز در ایجاد درک مشترک، دادن آزادی عمل به کارکنان، مشارکت دادن کارکنان در تصمیم‌گیری و در نظر گرفتن دیدگاه‌های متفاوت نقش مهمی دارند (Santala, 2009) از این رو آنها باید به تقویت یادگیری سازمانی و توانمندسازی کارکنان از طریق ایجاد شرایط کاری انعطاف‌پذیر بپردازند (Shin and etal., 2015; Roth, 1996).

در نهایت در بُعد پیامدها، نتایج مورد انتظار از الگوی چابکی راهبردی مورد توجه قرار گرفت. نتایج مورد انتظار که در اثر اجرای فرایندها، اقدامات و راهبردهای

الگوی چابکی راهبردی عاید شرکت‌های دانش‌بنیان می‌شوند در دو سطح کلان و سازمانی قرار می‌گیرند. خلق ارزش اقتصادی و گسترش رفاه مفاهیمی هستند که در مقوله نتایج سطح کلان قرار می‌گیرند. شرکت‌های مجهز به قابلیت چابکی راهبردی، بیشتر می‌توانند از فرصت‌های نوظهور استفاده کنند که در نهایت به ایجاد ثروت برای شرکت‌ها و رشد اقتصادی کشورها منجر خواهد شد (Hemmati and etal., 2016). چابکی راهبردی با پاسخ‌های راهبردی به نوسانات اقتصادی، ایجاد ارزش اقتصادی را تقویت می‌کند (Di Minin and etal., 2014; Ilan, Melih and Amir, 2017). یکی دیگر از پیامدهای اجرای الگوی چابکی راهبردی، دستیابی به نتایجی در سطح سازمانی است. رقابت‌پذیری و بقای بلندمدت مفاهیمی هستند که در این مقوله قرار می‌گیرند. افزایش کارایی عملیاتی و در نتیجه عملکرد بهتر، افزایش توان رویارویی با ریسک‌های قابل توجه و توان ارائه پاسخ‌های منعطف و متفکرانه به محیطی که پیوسته در حال تغییر است و به‌طور خلاصه، به حداکثر رساندن نقاط قوت و ارائه آنچه که برای بقای سازمان لازم است در گرو چابکی راهبردی است (Idris and AL-Rubaie, 2013; Lewis, Andriopoulos and Smith, 2014; Shin and etal., 2015; Ismail, Poolton and Sharifi, 2011). چابکی راهبردی در رقابت‌پذیری شرکت‌ها در سطح جهانی نیز نقش مهمی دارد و به موفقیت در بازارهای نوظهور و ایجاد دوباره مزیت رقابتی منجر می‌شود (Ananthram and Nankervis, 2013; Fourné, 2012).

مدل‌های چابکی راهبردی تحقیقات مختلف هر کدام دارای عوامل خاصی بوده و برای پاسخگویی به نیازهای مختلفی طراحی شده‌اند. الگوی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان با در نظر گرفتن نقش این شرکت‌ها و اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان طراحی شده‌اند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با مدل‌های چابکی راهبردی سایر تحقیقات دارند. یکی از تفاوت‌ها این است که اکثر تحقیقات چابکی راهبردی برای سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ هستند و در زمینه شرکت‌های کوچک و متوسط تحقیقات زیادی انجام نشده است، در نتیجه قابلیت‌هایی مانند کاردانی که راهی برای فائق آمدن بر مشکلات ناشی از اندازه این شرکت‌هاست در مدل‌های چابکی راهبردی با محوریت شرکت‌های بزرگ به چشم نمی‌خورد. الگوی چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان همچون سایر تحقیقات

حوزه چابکی راهبردی بر حساسیت راهبردی، سیالیتی منابع و تعهد جمعی اشاره دارد، اگرچه ممکن است در عمل این نیاز وجود داشته باشد که برای به کار بستن این قابلیت‌ها اقتضائات خاص این شرکت‌ها در نظر گرفته شود. علاوه بر این مباحث به طور کلی نیز می‌توان گفت در قیاس با تحقیقاتی که به صورت مجزا به چابکی یا راهبردی بودن می‌پردازند، الگوی چابکی راهبردی به این دو زمینه به صورت توأمان توجه دارد که این موضوع می‌تواند برای شرکت‌های کوچک کاربردی و کمک‌کننده باشد.

براساس مدل مفهومی توسعه‌یافته و ابعاد آن به شرکت‌های دانش‌بنیان پیشنهاد می‌شود: ۱. برای استفاده از الگوی چابکی راهبردی ابتدا شرایط علی آن را تقویت کنند. تقویت ارتباط با شرکا، تأمین‌کنندگان و مشتریان به منظور شناسایی رقبا، خواسته‌های مشتریان و رصد دائمی بازار از ضرورت‌های چابکی راهبردی است. ۲. از وجود بسترها و نیازمندی‌های مورد نیاز برای چابکی راهبردی در قالب شرایط زمینه‌ای در شرکت‌های خود اطمینان پیدا کنند. بهبود زیرساخت‌ها برای به‌کارگیری ارتباطات شبکه‌ای و سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی یکی از مهمترین نیازمندی‌هاست. ۳. تمامی اجزای الگوی چابکی راهبردی شامل حساسیت راهبردی، تعهد جمعی، کاردانی و سیالی منابع را همواره مدنظر داشته باشند. حساسیت راهبردی به دلیل شرایط خاص این شرکت‌ها نباید مورد غفلت واقع شود، زیرا نقش حیاتی در اجرای موفق الگوی چابکی راهبردی دارد. ۴. برای انتخاب راهبردها و اقدامات به شرایط مداخله‌گر آن مانند نقش مدیران و کارکنان، ماهیت ذاتی شرکت‌ها و محدودیت‌های منابع توجه داشته باشند. شبکه‌سازی و انسجام و توجه به مدیریت شرکت و توانمندسازی کارکنان از راهکارهای اثربخش هستند. ۵. در صورت اجرای الگوی چابکی راهبردی، در اجرای صحیح آن مداومت و اهتمام داشته باشند تا بتوانند از نتایجی همچون ایجاد مزیت رقابتی برای شرکت خود و همچنین توسعه اقتصاد کشور بهره‌مند شوند.

به سیاستگذاران و مدیران اجرایی حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان نیز توصیه می‌شود هدف سیاستگذاری‌ها و اقدامات خود را توسعه و حمایت از این شرکت‌ها در زمینه‌های مالی، توسعه زیرساخت‌ها، فناوری و بازاریابی قرار دهند.

به محققان آتی پیشنهاد می‌شود در این حوزه‌ها به تحقیق بپردازند:

۱. آزمون الگوی چابکی راهبردی تدوین شده در شرکت‌های دانش‌بنیان،
۲. توسعه معیارهایی برای اندازه‌گیری چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی،
۳. اندازه‌گیری میزان تأثیرگذاری عوامل و متغیرهای اثرگذار و متأثر از پدیده چابکی راهبردی،
۴. مطالعه فرایند چابکی راهبردی در سایر بنگاه‌های کوچک و متوسط.

## منابع و مآخذ

۱. خیاطیان یزدی، محمدصادق (۱۳۹۴). «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۲. ناظم‌ان، حمید و علیرضا اسلامی‌فر (۱۳۸۹). «اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی)»، *مجله دانش و توسعه*، سال ۱۷، ش ۳۳.
۳. نجفی، معصومه (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر هوش سازمانی بر چابکی راهبردی شرکت‌های دانش‌بنیان استان بوشهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر.
4. Abu-Radi, S., and K. M. Al-Hawajreh (2013). *Strategic Agility and its Impact on the Operations Competitive Capabilities in Jordanian Private Hospitals*, Middle East University.
5. Al-Azzam, Z. F., H. J. Irtaimah and A. A. H. Khaddam (2017). “Examining the Mediating Effect of Strategic Agility in the Relationship between Intellectual Capital and Organizational Excellence in Jordan Service Sector”, *Journal of Business*, 6(1).
6. Ananthram, S., and A. Nankervis (2013). “Strategic Agility and the Role of HR as a Strategic Business Partner: an Indian Perspective”, *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 51(4).
7. Arbussa, A., A. Bikfalviand P. Marquès (2017). “Strategic Agility-driven Business Model Renewal: the Case of an SME”, *Management Decision*, 55(2).
8. Asil, A. (2019). Design and Implementation of Strategic Agility Evaluation Model with Structural Equation Modelling Approach, *Academy of Strategic Management Journal*.
9. Bhamra, R., S. Dani and K. Burnard (2011). “Resilience: The Concept”, *A Literature Review and Future Directions*, Vol. 49.
10. Castiaux, A. (2012). Developing Dynamic Capabilities to Meet Sustainable Development Challenges, Vol. 16.
11. Di Minin, A., F. Frattini, M. Bianchi, G. Bortoluzzi and A. Piccaluga (2014).

- “Udinese Calcio Soccer Club as a Talents Factory: Strategic Agility, Diverging Objectives, and Resource Constraints”, *European Management Journal*, 32(2).
12. Doz, Y. L., and M. Kosonen (2006). Fostering Strategic Agility: In Search for Renewed Growth. CKIR workshop.
13. --- (2008). “How Agile is Your Strategy Process?”, *Strategy*, 15.
14. --- (2010). “Embedding Strategic Agility: A Leadership Agenda for Accelerating Business Model Renewal”, *Long Range Planning*, 43(2-3).
15. Fourné, S. (2012). Strategic agility: An Emerging Markets Perspective, Paper Presented at the Technology Management Conference (ITMC), 2012 IEEE International.
16. Ganguly, A., R. Nilchiani and J. V. Farr (2009). “Evaluating Agility in Corporate Enterprises”, *International Journal of Production Economics*, 118(2).
17. Goldman, S. L., R. N Nagel and K. Preiss (1995). «Agile Competitors and Virtual Organizations: Strategy for Enriching the Customer», *Van Nostrand, Reinhold*, New York and NY.
18. Gray, C. (2002). “Entrepreneurship, Resistance to Change and Growth in Small Firms”, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 9(1).
19. Hemmati, M., D. Feiz, M. R. Jalilvand and I. Kholghi (2016). “Development of Fuzzy Two-Stage DEA Model for Competitive Advantage Based on RBV and Strategic Agility As a Dynamic Capability”, *Journal of Modelling in Management*, 11(1).
20. Huy, Q. (2008). How Contrasting Emotions Can Enhance Strategic Agility.
21. Idris, W. M. S., and M. T. K. Al-Rubaie (2013). “Examining the Impact of Strategic Learning on Strategic Agility”, *Journal of Management and Strategy*, 4(2).
22. Ilan, A., M. Melih and S. Amir (2017). “Strategic Agility Explanations for Managing Franchising Expansion During Economic Cycles”, *Competitiveness Review*, 27(2).
23. Ismail, H. S., J. Poolton and H. Sharifi (2011). “The Role of Agile Strategic

- Capabilities in Achieving Resilience in Manufacturing-Based Small Companies”, *International Journal Of Production Research*, 49(18).
24. Jones, P., P. Beynon-Davies, M. Levy, P. Powell and P. Yetton (2011). Contingent Dynamics of iS Strategic Alignment in Small and Medium-Sized Enterprises, *Journal of Systems and Information Technology*.
25. Lengnick-Hall, C. A. and T. E. Beck (2016). *Resilience Capacity and Strategic Agility: Prerequisites for Thriving in a Dynamic Environment Resilience Engineering Perspectives*, Vol. 2, CRC Press.
26. Lewis, M. W., C. Andriopoulos and W. K. Smith (2014). “Paradoxical Leadership to Enable Strategic Agility”, *California Management Review*, 56(3).
27. Long, C. (2000). “Measuring Your Strategic Agility”, *Consulting to Management*, 11(3).
28. Mavengere, N. (2009). “Strategic Agility of Supply Chains”, *Network*, 6(3).
29. Ojha, D. (2008). *Impact of Strategic Agility on Competitive Capabilities and Financial Performance*, Clemson University.
30. Perera, S., C. Soosay and S. Sandhu (2014). Does Agility Foster Sustainability: Development of a Framework from a Supply Chain Perspective, 12th ANZAM Operations, Supply Chain and Services Management Symposium.
31. Plas, J. M., S. Kvale and S. A. KVALE (1996). *Interviews: An Introduction to Qualitative Research Interviewing*, Sage.
32. Qin, R., and D. A. Nembhard (2010). “Workforce Agility for Stochastically Diffused Conditions A Real Options Perspective”, *International Journal of Production Economics*, 125(2).
33. Roth, A. V. (1996). “Achieving Strategic Agility Through Economies Of Knowledge”, *Planning Review*, 24(2).
34. Santala, M. (Producer). (2009). *Strategic Agility in a Small Knowledge Intensive*



*Business Services Company*, Case Swot Consulting.

35. Shin, H., J.-N. Lee, D. Kim and H. Rhim (2015). "Strategic Agility of Korean Small and Medium Enterprises and its Influence on Operational and Firm Performance", *International Journal of Production Economics*, 168.
36. Smallbone, D., M. Bertotti and I. Ekanem (2005). "Diversification in Ethnic Minority Business: The Case of Asians in London's Creative Industries", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 12(1).
37. Tallon, P. P. and A. Pinsonneault (2011). Competing Perspectives on The Link between Strategic Information Technology Alignment and Organizational Agility: Insights from a Mediation Model, *Mis Quarterly*.
38. Tikkanen, J. (2014). Dynamic Capability Influence on Strategic Agility: A Case Study in Energy Conservation Industry. Master Science In Economics and Business Administration, Oulu Business School: University of Oulu.
39. Wang, C. L. and P. K. Ahmed (2007). "Dynamic Capabilities: A Review and Research Agenda", *International Journal of Management Reviews*, 9(1).
40. Woods, A. and P. Joyce (2003). "Owner-managers and the Practice of Strategic Management", *International Small Business Journal*, 21(2).



# چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل براساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

یحیی فوزی\* و محمد محمودی‌کیا\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۵	شماره صفحه: ۱۴۳-۱۲۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

چالش‌های حقوق بشری همواره به‌عنوان محملی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران در چهاردهه گذشته مطرح بوده است. این مقاله با بهره‌گیری از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها و با روش ترکیبی به بررسی علل این چالش‌ها در چهار سطح تحلیل لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای و نیز ارائه راهبردهای پیشنهادی برای مقابله با آنها در هر لایه پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش، در لایه اول علت‌ها یا همان سطح لیتانی، شاهد یک جنجال رسانه‌ای و نیز بزرگنمایی تبلیغاتی هستیم که بیشترین عوامل شناسایی شده در لایه اول به مسائلی همچون اعدام، حقوق زنان و پوشش آنها، حقوق اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و نیز فعالان سیاسی بازمی‌گردد. در لایه دوم مبتنی بر مطالعه آثار و پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده، علل مختلفی همچون سیاسی، حقوقی، فناورانه و فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفت. در لایه سوم نقش گفتمان غرب محور در نظام جهانی و همچنین گفتمان غرب‌باور در کشورهای پیرامون مطرح شد و در لایه چهارم به عواملی همچون اسطوره اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورالیسم اشاره شد. در نهایت با توجه به شناسایی علل مذکور در هر لایه، راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی مطرح شد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر؛ جمهوری اسلامی ایران؛ چالش سیاست خارجی؛ روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

---

\* استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران؛

Email: Fozi@ihcs.ac.ir

\*\* استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: Mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگری هنجارگرا و دین‌مدار در نظام بین‌الملل، همواره شاهد تحمیل چالش‌های مختلف و متنوعی از سوی نظام بین‌الملل بوده است که در این بین، چالش‌های حقوق بشری به‌عنوان محملی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران به‌عنوان یکی از مهمترین آنها مطرح بوده است. همین مسئله موجب شد تا طی چهار دهه اخیر از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص پذیرش و یا امتناع از پذیرش هنجارهای نظام بین‌المللی دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی وجود داشته و همواره این سؤال مطرح بوده است که چگونه باید با این فشارها مواجه شد و چه راهبردهایی برای کاهش این فشارها وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال سه رویکرد مختلف وجود دارد؛ برخی بر این اعتقاد بوده‌اند که برای بهره‌مندی از فرصت‌های نظام بین‌الملل و اجتناب از تحدیدات ساختاری آن، لازم است به استقبال و پذیرش این هنجارها و نرم‌های بین‌المللی حرکت کنیم. براساس این دیدگاه طی دهه‌های گذشته، حقوق بشر در بسیاری از پیمان‌های سیاسی، نظامی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مؤثر و در برخی از مقاطع نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. از سوی دیگر، در زمینه تأثیرات متقابل حوزه حقوق بشر و سیاست، می‌توان گفت که در بسیاری از مقاطع از جمله فعل و انفعالات مربوط به نظارت بین‌المللی، حقوق بشر همواره تابعی از مناسبات مبتنی بر قدرت بوده است (عباسی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). این مسئله گواهی بر اهمیت و جایگاه والای هنجارهای حقوق بشری در نظام بین‌المللی معاصر است. تلقی از هنجارهای بین‌المللی به مثابه یک تهدید قریب‌الوقوع علیه ارزش‌ها و هنجارهای نظام داخلی موجب می‌شود تا سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان سیاست خارجی در پذیرش هنجارهای بین‌المللی به‌صورت گزینشی و یا در مواردی با استفاده از حق شرط عمل کنند و خود را باید با آن انطباق دهند.

اما برخی دیگر، با رویکرد متفاوتی به حقوق بشر می‌نگرند و با استناد به تجربه تاریخی، همواره دیدگاهی تهدید‌پندارانه نسبت به این هنجارهای بین‌المللی داشته و بر اجتناب از پذیرش هنجارهای برون‌دینی تأکید و قبول آن را تهدیدی نسبت به ارزش‌های موجود تلقی

می‌کنند؛ که در برخی پژوهش‌ها از آن با عنوان «تهدید هنجاری» نام برده شده است. بر این اساس، تهدید هنجاری به مثابه یک آسیب حتمی نسبت به نهاد سیاسی، از طریق سرپیچی از اصول اساسی نظم و حقوقی که گروه مورد تعلق فرد را تشکیل می‌دهد، ادراک می‌شود (Creppell, 2011: 450).

جریان سومی نیز وجود دارد که راه میانه را در پیش گرفته و خواهان پذیرش مشروط هنجارهای حقوق بشری بین‌المللی ضمن تحفظ اصول و ارزش‌های اسلامی هستند. در واقع بر پایه این رویکرد به رغم اختلاف‌هایی که در مبانی هستی‌شناسانه رویکرد اسلامی و غربی در مسئله حقوق بشر وجود دارد، براساس مطالعه تطبیقی بین مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر با اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان اشتراکات مهمی را مشاهده کرد و در برخی موارد نیز بُعد حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران از وجوه متمایز و هنجاری قوی‌تری برخوردار است.

#### جدول ۱. بررسی تطبیقی اصول قانون اساسی ج.ا.ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل سوم: حقوق ملت)
مواد (۱، ۲ و ۶)	اصل (۱۹): برخورداری از حقوق مساوی بدون توجه به رنگ، نژاد و...
مواد (۲ و ۳)	اصل (۲۰): برخورداری یکسان از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
-	اصل (۲۱): توجه به حقوق زنان
ماده (۳)	اصل (۲۲): مصونیت از تعرض به جان، مال، حقوق، مسکن و شغل
ماده (۱۸)	اصل (۲۳): ممنوعیت تفتیش عقاید
-	اصل (۲۴): آزادی مطبوعات
-	اصل (۲۵): ممنوعیت تجسس
ماده (۲۶)	اصل (۲۶): آزادی احزاب، انجمن‌های صنفی، اقلیت‌های دینی و...

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل سوم: حقوق ملت)	اعلامیه جهانی حقوق بشر
اصل (۲۷): آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها	ماده (۲۰)
اصل (۲۸): آزادی انتخاب شغل	ماده (۲۳)
اصل (۲۹): برخورداری از تأمین اجتماعی	ماده (۲۵)
اصل (۳۰): آموزش و پرورش رایگان	ماده (۲۶)
اصل (۳۱): حق برخورداری از مسکن	ماده (۲۵)
اصل (۳۲): تأکید بر مرجعیت احکام قضایی برای اعمال قانون	ماده (۱۰)
اصل (۳۳): ممنوعیت تبعید	ماده (۹)
اصل (۳۴): حق دسترسی به دادگاه‌های صالح	مواد (۸ و ۱۰)
اصل (۳۵): حق برخورداری از وکیل در دعاوی قضایی	-
اصل (۳۶): شناسایی دادگاه صالح به‌عنوان تنها مرجع صدور حکم مجازات و اجرا	ماده (۱۰)
اصل (۳۷): اصل برائت	ماده (۱۱)
اصل (۳۸): ممنوعیت شکنجه	ماده (۵)
اصل (۳۹): ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت فرد بازداشتی یا زندانی	ماده (۱۲)
اصل (۴۰): منع تجاوز به منافع عمومی با ابزار قرارداد حق فردی	ماده (۲۹)
اصل (۴۱): عدم سلب تابعیت	ماده (۱۵)
اصل (۴۲): امکان درخواست تابعیت برای اتباع خارجه	ماده (۱۴)

مأخذ: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تاکنون دوازده مورد از این هنجارها و مقررات بین‌المللی به تأیید و تصویب ایران رسیده<sup>۱</sup> که شامل موارد زیر است.

۱. پذیرش تعدادی از کنوانسیون‌ها و دیگر نُرم‌های حقوق بشری به دوره قبل از استقرار جمهوری اسلامی مربوط می‌شود که حسب اصول موضوعه حقوق بین‌الملل، در دوره جمهوری اسلامی نیز معتبر شناخته شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۲. هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر (به ترتیب تاریخ تصویب)

ردیف	عنوان هنجار بین‌المللی	تاریخ تصویب
۱	اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه	۲۶ آگوست ۱۷۸۹
۲	کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن	۹ دسامبر ۱۹۴۸
۳	اعلامیه جهانی حقوق بشر	۱۰ دسامبر ۱۹۴۸
۴	کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان	۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱
۵	اعلامیه جهانی حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۵۹
۶	کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها	۷ نوامبر ۱۹۶۲
۷	کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی	۲۱ دسامبر ۱۹۶۵
۸	میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶
۹	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۶ دسامبر ۱۹۶۶
۱۰	پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۶ دسامبر ۱۹۶۶
۱۱	اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران	می ۱۹۶۸
۱۲	کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان	۱۸ دسامبر ۱۹۷۹
۱۳	اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد	۲۵ نوامبر ۱۹۸۱
۱۴	کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده	۱۱ دسامبر ۱۹۸۴
۱۵	پیمان‌نامه حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۸۹
۱۶	دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی	۱۵ دسامبر ۱۹۸۹
۱۷	اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی	۱۸ دسامبر ۱۹۹۲
۱۸	اعلامیه جهانی حقوق زبانی	ژوئن ۱۹۹۶
۱۹	پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	۱۵ اکتبر ۱۹۹۹
۲۰	پروتکل‌های اختیاری معاهده حقوق کودک	۲۵ می ۲۰۰۰
۲۱	پروتکل اختیاری حقوق کودک در مورد فروش کودکان، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودک (پورنوگرافی)	۲۵ می ۲۰۰۰
۲۲	مقاله‌نامه اختیاری میثاق حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ	۱۲ فوریه ۲۰۰۲
۲۳	کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

جدول ۳. اسناد بین‌المللی حقوق بشری که ایران به عضویت آن درآمده است (به ترتیب تاریخ تصویب)

ردیف	عنوان کنوانسیون / قرارداد	تاریخ تصویب / مکان تصویب	تاریخ و محل تصویب در ایران
۱	قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو درباره جلوگیری از رفتار جنایت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان	۳۰ سپتامبر ۱۹۴۱ - ژنو	۱۴ / ۱۰ / ۱۳۱۰ - مجلس شورای ملی
۲	قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله و اغوای نسوان کبیره	۱۱ اکتبر ۱۹۴۱ - ژنو	۲۰ / ۱۰ / ۱۳۱۳ - مجلس شورای ملی
۳	قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی	هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ - ژنو	۳ / ۳ / ۱۳۳۷ - مجلس شورای ملی
۴	قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی	۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ - مجمع عمومی سازمان ملل	۳۰ / ۴ / ۱۳۴۷ - مجلس شورای ملی
۵	میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱۷ / ۲ / ۱۳۵۴ - مجلس شورای ملی
۶	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۱۷ / ۲ / ۱۳۵۴ - مجلس شورای ملی
۷	کنوانسیون وضع پناهندگان	۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	۲۵ / ۳ / ۱۳۵۵ - مجلس شورای ملی
۸	کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید	۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۹	کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش	۱۴ دسامبر ۱۹۷۷ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۰	کنوانسیون حقوق کودک	۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۱	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان	۲۵ می ۲۰۰۰ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسید).
۱۲	کنوانسیون مربوط به حقوق معلولان	۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد	در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید).



مبتنی بر رویکرد سوم، در تحقیق حاضر سعی داریم تا با کاربست الگوی «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» به بررسی چیستی و علل چالش‌های سیاست خارجی ایران با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل و نیز راهبردهای ممکن در هر یک از لایه‌ها بپردازیم. بر این اساس، چالش‌های ناشی از هنجارهای حقوق بشری فراروی سیاست خارجی ایران و نیز سناریوها و راهبردهای قابل طرح در هر یک از چهار سطح لیتانی<sup>۱</sup>، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای بررسی می‌شود.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه هنجارهای حقوق بشری با چه چالش‌هایی مواجه است؟ برای پاسخ آن نیازمند پاسخ به سؤالات دیگری هستیم که عبارتند از:

- علل چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هنجارهای نظام بین‌الملل در سطوح چهارگانه لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای چیست؟
- با توجه به این سطوح چهارگانه چه راهبردهایی برای آینده چالش‌های حقوق بشری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متصور است؟

## ۱. چارچوب نظری

این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیلی لایه‌ای علت‌ها<sup>۲</sup> انجام می‌گیرد. این رویکرد که متعلق به سنت آینده‌پژوهی انتقادی است که توسط سهیل عنایت‌الله<sup>۳</sup> آینده‌پژوه پاکستانی - استرالیایی ابداع شد. هرچند تحلیل لایه‌ای علت‌ها، گاهاً به‌عنوان یک روش آینده‌پژوهی مطرح می‌شود؛ اما در واقع تفکری است که محصول پسا‌ساختارگرایی است. این رویکرد به‌عنوان رویکردی ساختارشکن از محقق می‌خواهد که برای تبیین و تحلیل واقعیات موجود هرچه می‌تواند به خارج از سطح اولیه علل نظام‌مند بیندیشد تا بتواند سناریوها و راهبردهای خلاقانه‌تر و ژرف‌تری را برای حل مسائل و چالش‌ها ارائه کند.

---

1. Litany

2. Causal Layered Analysis (CLA)

3. Sohail Inayatullah

در واقع در این رویکرد، تحلیل واقعیت اجتماعی و سیاسی نیازمند تحلیل لایه‌های مختلف مؤثر بر آن است. این لایه‌ها در چهار سطح تعریف می‌شوند که در مقایسه با تحلیل تک لایه‌ای یا دولایه‌ای، رهیافت ژرف‌تری به مسائل دارد و از سطحی‌نگری عبور کرده و به تحلیل علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری واقعیت‌ها می‌پردازد. در واقع تحلیل هر لایه می‌تواند ضمن تحلیل از واقعیت از منظر خاص و ارائه راهبردهای متناسب اقتضائات آن لایه، در نهایت یک بسته تحلیل سیاسی کامل را در خصوص واقعیت موجود ارائه دهد که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت است. بر این اساس تحلیل چهارلایه‌ای علت‌ها، صورت‌بندی جدیدی از واقعیت‌ها و روندهای موجود از واقعیت‌ها را ارائه می‌دهد که توجه به هر سطح می‌تواند راه‌حل‌ها و آینده‌های جدیدی را برای محققان ارائه کند.

تحلیل لایه‌ای، در چهار سطوح لیتانی، علل تجربی، گفتمان و جهان‌بینی و اسطوره به تحلیل واقعیت‌ها می‌پردازد.

در این سطوح تحلیلی، سطح اول واقعیت مورد مشاهده که عنایت‌الله آن را لیتانی می‌نامد توصیف می‌شود. در سطح دوم کشف علل نظام‌مند از طریق نظام‌های علمی، به تحلیل علت واقعیت موجود (از جمله علت‌های اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و تاریخی) می‌پردازیم که این سطح، معمولاً در پژوهش‌های دانشگاهی به خصوص در حوزه فنی و تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما عنایت‌الله معتقد است این سطح از تحلیل کافی نیست و به خصوص در پدیده‌های انسانی، علل وابسته به سطوح عمیق‌تر هستند و معتقد است برای تحلیل عمیق‌تر باید به لایه سوم یعنی لایه گفتمانی و جهان‌بینی رجوع کرد. هر جهان‌بینی در مجموعه‌ای از ارزش‌ها خلاصه می‌شود و هدف این لایه، کشف پارادایم‌ها و ارزش‌های بنیادینی است که لیتانی را خلق کرده و سعی در مشروع‌سازی آن دارند. از نظر عنایت‌الله در این سطح می‌توان به این امر پرداخت که چگونه گفتمان‌های مختلف (مثلاً ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های بیان شده از طریق تمدن‌ها و معرفت‌ها) واقعیت‌های اجتماعی را برمی‌سازند. در نهایت سطح اسطوره - استعاره به ریشه‌یابی عمیق‌تر علل می‌پردازد. باید گفت منظور از اسطوره ایدئال‌ها و

مطلوباتی است که در پشت هر واقعیت اجتماعی پنهان شده‌اند. سطح اسطوره - استعاره به ما می‌آموزد که برای ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت نیاز به سرایش داستان‌های جدید داریم.

مبنتی بر رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌توان علاوه بر رمزگشایی از حال و گذشته مسئله، آینده را با حرکت به سوی یک نظام، جهان بینی یا اسطوره بدیل بازسازی کرد. بر این اساس باید گفت تحلیل لایه‌ای علت‌ها یک روش موفق آینده‌پژوهی است که زمینه ژرف‌نگری به آینده را فراهم می‌کند. آینده‌پژوهانی که این روش را به کار می‌گیرند با غور در هر لایه؛ راهبردهایی را به تناسب نیازها، الزامات و اقتضائات آن لایه ابداع می‌کنند، به طوری که پس از تعمق در تمامی لایه‌ها چهار دسته راهبرد برای حل مسئله به دست می‌آید. هرچه از لایه‌های بالایی به سمت لایه‌هایی پایینی پیش می‌رویم راهبردها، بلندمرتبه‌تر و در نتیجه اثرگذارتر می‌شوند. با خلق این مجموعه سناریوها / راهبردها، آینده‌پژوهان در واقع یک بسته سیاسی کامل و متنوع را به سیاستگذاران پیشنهاد می‌کنند که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت است.

## ۲. روش‌شناسی

روش تحقیق این پژوهش روشی ترکیبی است. به این معنا که ضمن استفاده از روش‌های تجربی، تفسیری و انتقادی تلاش می‌کند با ترکیب این روش‌ها در تبیین لایه‌های مختلف علی پدیده‌ها و با رفت و برگشت عمودی در لایه‌های علی، با استفاده از نوعی ترکیب روشی، تصویر جامع‌تری را از واقعیت ارائه دهد و به نوعی هم‌افزایی دست زند. در این پژوهش داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی مقالات، کتاب‌ها، خاطرات و اسناد و همچنین برگزاری نشست‌های تخصصی استخراج می‌شود و علت‌ها در هر لایه شناسایی و توسط جمعی از نخبگان مورد بازبینی و تعدیل قرار گرفته و در نهایت علت‌های نهایی در هر لایه مشخص می‌شوند. در نهایت مقاله حاضر با استفاده از نظر خبرگان راهبردهایی را به تناسب نیازها، الزامات و اقتضائات آن لایه ارائه خواهد کرد.

### ۳. یافته‌های پژوهش: ابعاد چالش سیاست خارجی ایران با هنجارهای حقوق بشری نظام بین‌الملل بر اساس الگوی رویکرد تحلیلی لایه‌ای علت‌ها

#### ۳-۱. سطح اول: لیتانی

براساس یافته‌های پژوهش، در سطح لیتانی شاهد یک جنجال رسانه‌ای و نیز بزرگنمایی تبلیغاتی هستیم که غرب همواره علیه ایران مطرح می‌کند و سعی دارد تا عدم پایبندی ایران به اصول حقوق بشر مورد نظر خود را به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام بین‌الملل معرفی کند. از منظر تاریخی، در طول چهار دهه اخیر، اتحادیه اروپا همواره موتور محرکه تهیه پیش‌نویس، گردآوری امضا و بسیج همه امکانات برای تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر، کمیته سوم مجمع عمومی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بوده است. این اتحادیه همواره نگرانی خود را از وضعیت ادعایی نقض حقوق بشر در حوزه‌هایی چون زنان، وضعیت اقلیت‌های خاص و نیز مطبوعات و... ابراز داشته و این مسئله موجب شده است تا ادعای نقض حقوق بشر همواره بر روابط میان ایران و اتحادیه اروپا تأثیر منفی داشته باشد تا جایی که اتحادیه اروپایی گسترش روابط اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی ایران را به حل چالش‌های حقوق بشری منوط کرده است (بزرگمهری و عزیز، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷).

اتحادیه اروپا به‌منظور پیشبرد اهداف حقوق بشری و روند مردم‌سالاری در روابط خارجی تاکنون از ابزارهای مختلفی استفاده کرده است. برخی از این ابزارها همان ابزارهای دیپلماتیک مانند اعلامیه‌ها، اقدامات سیاسی و نیز قطعنامه‌ها و مداخلات در چارچوب سازمان ملل متحد است. علاوه بر این، اتحادیه اروپا از طریق همکاری، کمک و گفتگوهای سیاسی که در کشورهای ثالث اجرا می‌کند به پیشبرد حقوق بشر و روند دموکراسی می‌پردازد. برای این کار اتحادیه اروپا از مبنای حقوقی خاصی پیروی می‌کند که با نام «بند حقوق بشر» شناخته می‌شود و تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپا به کشورهای ثالث، به‌عنوان یکی از شروط و مؤلفه‌های اساسی گنجانده می‌شود (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷). همچنین پارلمان اروپا در یک دهه اخیر بیش از هجده قطعنامه علیه ایران

در حوزه‌های متنوعی چون فقدان آزادی مطبوعات، وضعیت زندانیان سیاسی و... صادر کرده است (عباسی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

در مجموع بر این اساس می‌توان به فهرستی طولانی از افراد، نهادها و سازمان‌های ایرانی اشاره کرد که به دلیل ادعایی نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌های غرب قرار گرفته‌اند. بیشترین عوامل شناسایی شده در لایه اول بر مسائلی چون اعدام، حقوق زنان و پوشش آنها، حقوق اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و نیز فعالان سیاسی بازمی‌گردد تا جایی که موضوع حقوق بشر یکی از شروط چهارگانه گسترش روابط از طرف آنها با ایران اعلام شد. ایالات متحده آمریکا نیز در شرایط فقدان روابط دیپلماتیک با ایران، موضوع حقوق بشر را در کنار اتهامات حمایت از تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده غیرصلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای مورد توجه قرار داده است (ستوده و ایبا، ۱۳۹۱: ۸۵). چالش‌های حقوق بشر بین ایران و غرب بیشتر به مسائلی نظیر تبعیض علیه اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های قومی و اقلیت‌های زبانی، آزادی‌های اساسی همچون آزادی مطبوعات، آزادی بیان، عقیده و اجتماعات، بالا بودن میزان اعدام‌ها، اصلاح مجازات‌ها و... معطوف بوده است (مهرپور، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

## ۲-۳. سطح دوم: علل تجربی

در لایه دوم که مبتنی بر آثار و پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده است؛ علل مختلفی از سوی محققان مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۱-۲-۳. علل سیاسی

یکی از چالش‌هایی که همواره کنش سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده، نوع روابط سیاسی ایران با کشورهای غربی به خصوص آمریکا است. به بیان دیگری از دلایل وجود چنین چالش‌هایی به موضوعیت یافتن مباحث حقوق بشری در حکمروایی جهانی بازمی‌گردد. امروزه در بسیاری از سنت‌ها به خصوص دیدگاه ایدئولوژیکی و فرهنگی، ایده و پدیده حقوق بشر طنین انداخته

است؛ به گونه‌ای که در نظام ملل متحد نیز از بسیاری از هنجارهای حقوق بشری و اعمال حمایت دموکراتیک، حمایت رسمی به عمل می‌آید. شاید بتوان این گونه گفت که حقوق بشر در قرن ۲۱ تبدیل به یک زبان بین‌المللی شده و دیگر آنکه در طول تاریخ، زمانه این چنین شاهد اهمیت‌گذاری به نیازهای حقوق بشری نبوده است (محمدی و سجادیور، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

### ۲-۲-۳. علل حقوقی

مسئله دیگری که در سطح دوم قابل بحث و بررسی است چالش‌های حقوقی مسئله حقوق بشر و اختلافات موجود در این حوزه است. از منظر حقوق بین‌الملل، یکی از مهمترین مباحث مطرح در حوزه رفتار حقوق بشری ایران به نحوه پذیرش این هنجارها از طرف جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد. چنانچه پیشتر نیز اشاره شد یکی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران استفاده از حق شرط برای پذیرش هنجارهای حقوق بشری بوده است. براساس برخی پژوهش‌ها، مسئله مشروعیت حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون‌ها همواره یکی از موارد چالش برانگیز ایران و جامعه بین‌المللی بوده است (آذری و طباطبایی حصار، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۲). الحاق بی‌قید و شرط ایران به برخی از کنوانسیون‌های حقوق بشری پیش از انقلاب اسلامی موجب شد که نظام حقوقی ایران پس از انقلاب با حساسیت و وسواس بیشتری به سایر اسناد حقوق بشری ملحق شود به‌گونه‌ای که با اتخاذ شروط کلی، حکم عدم الحاق را به اذعان جامعه بین‌المللی متبادر کند؛ چرا که براساس حقوق بین‌الملل، حق شرط باید جزئی، مشخص، معین و همسو با هدف و موضوع کنوانسیون باشد تا کشورهای دیگر به‌طور دقیق بدانند که یک کشور به کدام مقررہ متعهد نیست و سپس بتوانند در خصوص هر حق شرط مشخصی، موضع معینی داشته باشند. نکته قابل توجه آن است که حق شرطی که جامعه بین‌المللی را به قانون داخلی یا حقوق اسلام ارجاع می‌دهد از این ویژگی برخوردار نیست.

چالش دیگر در حوزه حق شرط‌ها، سکوت در مورد یک کنوانسیون است. برابر حقوق بین‌الملل حق شرط تنها زمانی پذیرفته است که در زمان اعلام رضایت دولت به

کنوانسیون مطرح شده باشد و وقتی حق شرطی در آن زمان اعلام نشود، به این معناست که دولت به تمام مفاد آن پایبند است. این چالش به طور مشخص به تعهدات ایران در قبال کنوانسیون حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود که ایران پیش از انقلاب بدون حق شرطی به آن ملحق شده است. مشکل هنگامی دوچندان می‌شود که برابر مفاد کنوانسیون و براساس نظر تفسیری شماره 26(61) کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ایران نه تنها در حال حاضر نمی‌تواند اشتراط کند، حتی نمی‌تواند از الحاق به این کنوانسیون انصراف دهد (همان: ۱۵-۱۴).

### ۳-۲-۳. علل فناورانه (پروژه رسانه‌ای اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی)

مسئله دیگر در این باره، به نقش ابزارهای ارتباطی و انقلاب در عرصه فناوری اطلاعات بازمی‌گردد. امروزه با بهره‌گیری از ظرفیت این رسانه‌های فراگیر می‌توان در کمترین زمان ممکن حجم قابل توجهی از اطلاعات را در گسترده وسیعی از زمان و فضا منتشر کرد. جهانی شدن استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نیز شبکه‌های اجتماعی موجب شده است تا اخبار و اطلاعات به سرعت به گوشه و کنار جهان منتقل شود. بنابراین برخی اقدامات در عرصه عمومی این امکان را دارد که به سرعت به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری مطرح شود و همین امر زمینه‌ساز چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها شده است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۸۳). از این رو رسانه‌ها یکی از عناصر تأثیرگذار در برجسته‌سازی مسئله حقوق بشر به‌شمار می‌روند. پروپاگاندا و وسیع رسانه‌های غربی مبنی بر نقض فاحش حقوق بشر در ایران همواره یکی از ارکان ثابت سیاست غرب نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده است. انتشار پرحجم اخبار مربوط به اعدام کودکان و زنان، محروم‌سازی و نقض حقوق اقلیت‌ها و... این تصویر را در اذهان عمومی جامعه جهانی متبادر می‌کند که ایران در صدر کشورهای ناقض حقوق بشر قرار دارد و این امر ضروری است تا اقدامات لازم برای تغییر رفتار ایران انجام شود. در واقع، رسانه عامل مشروعیت‌بخش سیاست‌های خصمانه حقوق بشری غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

#### ۴-۲-۳. علل فرهنگی

یکی دیگر از عناصر مؤثر در چالش‌های حقوق بشری ایران و غرب به منازعه اسلام و غرب مربوط می‌شود. بدیهی است هر یک از کلان حوزه‌های تمدنی اسلام و غرب با استناد بر ارزش‌ها، اصول، تجربیات تاریخی و نیز تمنیات خود تعریف متفاوتی از حقوق بشر ارائه می‌دهند. غرب مدرن با تکیه بر ارزش‌هایی چون لیبرالیسم، اومانیزم و پلورنالیسم نگاه و تعریف خاص خود از انسان و حقوق آن را ارائه می‌دهد در حالی که در سنت اسلامی شاهد حضور ارزش‌های متفاوت دیگری هستیم.

مبنای فکری غرب در زمینه حقوق بشر بر پایه اصالت انسان قرار دارد. در این تفکر انسان حاصل تکامل بوده و موجودی خودساخته است که می‌تواند در زندگی خود و جهان هستی هر تغییری ایجاد کند. در اندیشه سکولاریسم، انسان محور تمام چیزها قرار می‌گیرد و با نگاهی دئیستی به جهان هستی، غایت و هدف اصلی انسان را ارضای امیال و تحقق اراده این جهانی انسان می‌داند. بر این اساس، انسان یگانه مرجع تعیین و تشخیص غایات خویش و مستقل از هرگونه نیروی ماورای طبیعی و فراانسانی و تنها معیار ارزیابی هر غایت، حقیقت و ارزش به‌شمار می‌رود (عمار، ۱۳۹۰: ۱۶۵). حال آنکه در رویکرد اسلامی اصل، تفکر توحیدی است و همه چیز گرد وجود توحید شکل می‌گیرد. بنابراین مسئله تعالی انسان اهمیت می‌یابد و حقوق بشر نیز با نگاهی به ضرورت تعالی بشر تعریف می‌شود. بر این اساس، تعریف غرب از نوعی تقلیل‌گرایی انسان حکایت دارد.

تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم در زمان کنونی نمودی از تقابل دو تمدن اسلام و غرب است. این دو تمدن در دوره‌های مختلف زمانی بر اساس نیازهای استراتژیک خود به منازعه برخاسته‌اند. منازعات و تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم، در دوره معاصر مبتنی بر عناصر و نشانه‌های هویتی و تمدنی بوده و حاکی از آن است که این گزاره‌ها و عناصر فرهنگی و هویتی محورهای تقابل این دو گفتمان در ساحت عمل شکل می‌دهد و چرایی این تقابل را باید در عناصر استراتژیک هویتی و تمدنی جستجو کرد.



### ۳-۳. سطح سوم: گفتمانی

در این سطح با توجه به رویکرد فوکو به ارتباط گفتمان با قدرت، باید از نقش گفتمان غرب محور در نظام جهانی و همچنین گفتمان غرب باور در کشورهای پیرامون به عنوان یک عوامل مهم در این لایه نام برد.

یکی از عواملی که به تفوق گفتمان حقوق بشر غربی در جهان معاصر منجر شده است به ماهیت نظم بین‌المللی جدیدی بازمی‌گردد که پس از پایان جنگ جهانی دوم و به طور خاص نظامی که پس از فروپاشی جهان دو قطبی در عرصه سیاست بین‌الملل پدیدار شد. بر این اساس غرب به عنوان قدرت مسلط سیاسی، اقتصادی و نظامی در ساخت هنجارهای بین‌المللی نظم جدید؛ بیشترین نقش را ایفا کرد و طبیعی است هنجارهای جدید متناسب با دریافت این بازیگران از ترتیبات موجود و نیز منافع ملی خود باشد.

وقوع انقلاب اسلامی در یکی از مناطق راهبردی جهان و نیز اعلام بی‌طرفی آن نسبت به هر یک از بلوک‌های سیاسی - نظامی آن دوره موجب شد تا راه برای طرح گفتمانی جدید در عرصه بین‌المللی فراهم آید. در واقع انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و توحیدی خود به بازآفرینی هنجارهای نوینی پرداخت که در تضاد با ارزش‌های نظم مسلط بود.

بر این اساس با توجه به اینکه گفتمان توحیدی در تقابل با گفتمان مادی‌گرای سکولار غرب قرار دارد بدیهی است تا شاهد بروز تعارضات و چالش در این عرصه باشیم. یکی از مؤثرترین نقاط برخورد گفتمان اسلام و غرب در تعریف انسان و نیز حقوق و مسئولیت‌های اوست. موضوعی که هر یک از طرف‌های بحث نسخه‌ای متفاوت برای آن ارائه می‌کنند.

با توجه به اینکه انسان و حقوق آن در گفتمان‌های غربی و اسلامی از تعاریف مختلفی برخوردار است و براساس زاویه دید هر یک از این تعاریف، گفتمان‌های متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد، حال این سؤالات مطرح می‌شود که آیا بدیلی برای گفتمان حقوق بشری غربی وجود دارد؟ چگونه باید این گفتمان‌های بدیل را تقویت

کرد؟ چرا باید براساس حقوق بشر غربی عمل کرد؟ و راه‌های بدیل برای حقوق بشر غربی کدامند؟

#### ۳-۴. سطح چهارم: سطح اسطوره‌ای / استعاره‌ای

درونی‌ترین لایه تحلیل به سطح اسطوره‌ها بازمی‌گردد. خبرگان مشارکت‌کننده در این مورد به عواملی همچون اسطوره اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورالیسم اشاره می‌کنند. سؤال اصلی در این طرح این است که چه آینده‌ایی برای استعاره‌های اصلی حقوق بشر غربی یعنی اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورالیسم می‌توان متصور شد؟

در اصل غرب تمایل بسیاری دارد تا خود را به‌عنوان یگانه مدافع انسانیت در جهان مطرح و قرائت خود از انسان را به تنها قرائت موجود در جهان بدل کند. اسطوره ناجی بشریت بودن و تشکیک در قرائت واحد از این اسطوره‌ها یکی از مهمترین چالش‌های موجود در اختلافات مطرح میان غرب و ایران در مسئله حقوق بشر است. به این ترتیب در خصوص زبان استعاره‌ای حقوق بشر غربی و میزان کامیابی آن نقدهای فراوانی صورت پذیرفته و تردیدهای جدی در خصوص میزان پایایی‌ها آنها ابراز شده است. با این حال به نظر می‌رسد هرگونه تغییر در چالش‌های موجود را باید در ارائه ایدئال‌های جدید و سرایش داستان‌های تازه جستجو کرد.

#### ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

این مقاله با بهره‌گیری از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به بررسی چالش‌های حقوق بشری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار سطح تحلیل لیتانی، تجربی، گفتمانی و اسطوره‌ای پرداخته است. بر این اساس هرچه از لایه‌های بالاتر به سطوح پایین‌تر در این سلسله‌مراتب از علل حرکت می‌کنیم، شاهد درونی‌تر شدن بیشتر علت‌ها و عمیق‌تر شدن ریشه اختلافات موجود هستیم.

سطح اول نمایان‌ترین سطح تحلیل بوده و آسیب‌شناسی پدیده‌ها در این لایه، سطحی و برای همگان قابل لمس است راهبردهای موجود در این سطح عمدتاً بر این

مسئله متمرکز است که چه اقداماتی در این باره باید انجام شود تا شاهد کاهش فشارهای غرب علیه ایران باشیم؟ برخی اقدامات همچون تلاش برای اصلاح قانون مجازات اسلامی و تمهید مجازات جایگزین زندان، تدوین و اجرایی کردن قانون صیانت از حقوق شهروندی، ایجاد فضای باز رسانه‌ایی برای فعالیت روزنامه‌نگاران و... می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات به‌عنوان راهکارهای کوتاه‌مدت مطرح باشد. اما سؤال اصلی این است که آیا با انجام این دست از اقدامات شاهد اتمام چالش‌های حقوق بشری ایران با نظام بین‌الملل خواهیم بود؟ به نظر می‌رسد این چالش‌ها ریشه در سطوح دیگری از علل دارد که تا برطرف نکردن آنها همچنان شاهد تداوم این اختلافات خواهیم بود.

سطح دوم به علل سیاسی - اجتماعی، حقوقی و... تأکید می‌کند و راهبردهای موجود در این سطح از تحلیل بر چند حوزه اقدام تمرکز دارد. نخستین اقدام به تغییر در رابطه سیاسی با غرب بازمی‌گردد، چنانچه برخی معتقدند تا زمانی که نوع رابطه سیاسی میان ایران و غرب از حالت تقابل طلبانه به حالت تعامل‌گرایانه تغییر نیابد، امکان حل و فصل منازعات در سطوح پایین‌تر از جمله چالش‌های حقوق بشری وجود نخواهد داشت. در واقع نوع رابطه سیاسی بین ایران و غرب و به‌طور ویژه، ایالات متحده آمریکا سایه سنگینی بر دیگر مباحث و اختلافات فی‌مابین داشته و تا زمان تداوم وضعیت فعلی، چشم‌انداز روشنی برای برون‌رفت از چالش‌های سطوح پایین وجود ندارد.

راهبرد دیگر در این باره به ضرورت تغییر در فضای گفتمانی موجود بین اسلام و غرب از طریق سیاست‌هایی همچون گفت‌وگوی ادیان و تمدن بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد هرچه تعامل نزدیک‌تری بین مراکز علمی در حوزه موضوعات مورد اختلاف از جمله موضوع حقوق بشر صورت پذیرد، تقارب و همگرایی فکری بیشتری در این زمینه بین جامعه نخبگانی طرفین ایجاد می‌شود و به جای تصویرسازی‌های غالباً نادرست رسانه‌ایی از الگوی دینی حقوق بشر، رویکردی عقلایی در این رابطه حکمفرما می‌شود.

راهبرد قابل طرح دیگر در این رابطه به لزوم حضور هرچه فعالانه‌تر در مجامع بین‌المللی بازمی‌گردد. اتخاذ سیاست منفعلانه در قبال مسئله نقض حقوق بشر و حضور

در جایگاه متهم همواره موجب شده تا کفه ترازو در عرصه بین‌المللی به نفع غرب سنگینی کند. حال آنکه این فرصت برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تا اولاً به تبیین مبانی فکری و علمی خود در زمینه حقوق بشر در عرصه بین‌المللی مبادرت کند و ثانیاً در جایگاه مدعی‌العموم از نقض حقوق بشر در جوامع غربی اقامه دعوی کند تا از این طریق به نوعی تعادل و موازنه در عرصه بین‌المللی دست یابیم.

همچنین تقویت گفتمان حقوق بشر بدیل با طرح گسترده و مستمر در مجامع علمی و دانشگاهی جهانی نیز به‌عنوان راهبرد مهمی برای گفتمان‌سازی در این خصوص توسط خبرگان مطرح شد.

سطح سوم از علت امتناع ایران از پذیرش دسته‌ای از هنجارهای بین‌المللی و به‌طور خاص هنجارهای حقوق بشری به سطح گفتمانی بازمی‌گردد. این سطح که نسبت به سطح اول درونی‌تر شده است به ریشه‌های گفتمانی این موضوع می‌پردازد. در این سطح شاهد تباین عناصر و دقایق گفتمانی بین گفتمان رایج و حاکم بر فضای سیاسی ایران که از آن با عنوان اسلام سیاسی یاد می‌شود با عناصر و دقایق گفتمان سکولار غرب هستیم. در واقع این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان وضعیت بدیلی را برای رهایی از فشارهای غرب برای حفظ معیارهای حقوق بشری که مبتنی بر فرهنگ و تمدن غربی تدوین شده است طراحی کرد و به پیش برد که راهبردهای موجود در این سطح از تحلیل به صورت‌های ذیل قابل طرح و پیگیری باشد:

راهبرد اول به تقویت ائتلاف و گفت‌وگو با جهان اسلام برای طرح ارزش‌های مشترک حقوق بشری بازمی‌گردد. حضور ۵۷ کشور در سازمان همکاری اسلامی زمینه مناسبی برای طرح و پیگیری موضوعات و دستورکارهای بین‌المللی است. بلوک کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارند تا همانند اعلامیه حقوق بشر اسلامی در قاهره، با همگرایی و تعامل نسبت به بازتولید هنجارهای جدید مبتنی بر ارزش‌های اسلامی مشترک اقدام کنند تا بتوانند در میان مدت تسلط گفتمانی یکسویه حقوق بشر غربی را تعدیل کنند.

همچنین راهبردهای دیگر در این رابطه به ائتلاف و گفت‌وگو با شرق به‌منظور طرح

و اقامه حقوق بشر شرقی در مقابل الگوی حقوق بشر غربی بازمی‌گردد. شرق تمدنی از ظرفیت بالایی برای ارائه هنجارهای جدید در عرصه جهانی برخوردار بوده و قد برافراشتن قدرت‌های آسیایی در عرصه اقتصادی می‌تواند این فرصت را فراهم آورد تا شاهد بازتولید ارزش‌های جدیدی در عرصه بین‌المللی از جمله هنجارهای حقوق بشری باشیم همچنان که غرب از همین ابزار برای اعمال فشار بر کشورهای شرق همچون چین و روسیه بهره می‌برد.

راهبرد دیگر در این رابطه، افزایش تلاش‌ها برای کاستن از سیطره غرب بر مجامع حقوق بشری است. حضور فعالانه این ائتلاف اسلامی و شرقی می‌تواند نفوذ غرب بر مجامع حقوق بشری را کاهش دهد و زمینه را برای طرح و اقامه هنجارهای بدیل فراهم آورد.

سطح چهارم، سطح اسطوره‌ای یا استعاره‌ای است. در این سطح که درونی‌ترین سطح بررسی است به اسطوره‌ها و زبان استعاره‌ای اشاره می‌شود که ریشه در تاریخ اندیشه یک ملت دارد. در این سطح این‌گونه مطرح می‌شود که علت تهدیدپذیری هنجارهای نظام بین‌الملل ریشه در زبان استعاره‌ای دارد. هرگونه تغییر در این رابطه نیازمند شکل‌گیری نوعی زبان استعاره‌ای جدید و ارائه اسطوره‌های نوین است.

زبان استعاره‌ای حاکم بر حقوق بشر غربی از مفاهیمی چون اومانیسیم، لیبرالیسم و پلورنالیسم بهره می‌گیرد و طی سالیان اخیر نظریه‌پردازان و اندیشمندان غربی کوشیده‌اند تا با طرح ایده‌هایی چون پایان تاریخ، دست به نوعی اسطوره‌سازی از این مفاهیم بزنند که با برجسته‌سازی انتقادات وارده بر این اسطوره‌ها باید تأکید بر قرائت واحد و اروپامحور از این اسطوره‌ها را زیر سؤال برد و با قرائت‌های دیگری از این مفاهیم که بتواند تساهل بیشتری نسبت به ارزش‌های دینی و بومی داشته باشد (مانند تساهل‌گرایی اسلامی، رویکردهای دین‌مدار به آزادی، لیبرالیسم و...)، زمینه را برای تضعیف نگاه غرب‌مدارانه به این اسطوره‌ها را ایجاد کند.

درمجموع مبتنی بر این سطوح مختلف تحلیلی و راهبردی؛ می‌توان یک بسته سیاستی کامل و متنوع را به سیاستگذاران پیشنهاد داد که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

جدول ۴. علل و راهبردهای قابل طرح در حوزه چالش‌های حقوق بشری ایران و غرب

سطح تحلیل	علل و مسائل	راهبردهای پیشنهادی
لیتانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأکید بر ادعای عدم رعایت حقوق زنان، اقلیت‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و محکوم کردن مجازات اعدام و اجرای برخی حدود شرعی و...</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصلاح قانون مجازات و تمهید مجازات بدل از زندان، تصویب و اجرای قانون صیانت از حقوق شهروندی، گشایش در فضای مطبوعاتی و سیاسی، حمایت از حقوق قانونی اقلیت‌ها.</li> </ul>
تجربی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- علل سیاسی: مانند وضعیت رابطه با کشورهای غربی</li> <li>- علل تمدنی و فرهنگی: منازعه اسلام و غرب و تفاوت‌های فرهنگی</li> <li>- علل رسانه‌ای: اسلام‌ستیزی در رسانه‌ها</li> <li>- علل حقوقی: محدودیت‌های حقوقی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بهبود روابط با غرب و تغییر از وضعیت منازعه به تعامل و همکاری،</li> <li>- فعالیت در عرصه سازمان‌های بین‌المللی،</li> <li>- تقویت ایده گفت‌وگوی بین‌ادیانی و تمدنی،</li> <li>- تقویت پاسخگویی به اتهامات از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، مجازی و رسانه‌ای مختلف،</li> <li>- استفاده از ظرفیت حقوقی حق شرط در پذیرش کنوانسیون‌های مرتبط.</li> </ul>
گفتمانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گفتمان جهانی غرب محور</li> <li>- گفتمان بومی غرب‌باور</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ائتلاف و گفت‌وگو با جهان اسلام و کشورهای شرقی برای تدوین حقوق بشر بدیل،</li> <li>- حضور پررنگ و عالمانه در مجامع بین‌المللی و مخالفت با سیطره غرب بر مجامع حقوق بشری بین‌المللی،</li> <li>- تقویت گفتمان حقوق بشر بدیل با طرح گسترده و مستمر در مجامع علمی و دانشگاهی جهانی.</li> </ul>
اسطوره‌ای	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اومانیسیم</li> <li>- لیبرالیسم</li> <li>- پلورالیسم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طرح زبان استعاره‌ای جدید در مقابل زبان استعاره‌ای غربی،</li> <li>- تضعیف قرائت واحد و اروپامحور از این اسطوره‌ها با تقویت نقدهای وارده به آنها،</li> <li>- ارائه بدیل‌های نظری برای اسطوره‌های غربی مبتنی بر قرائت‌های مختلف از آنها.</li> </ul>

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## منابع و مأخذ

۱. آذری، هاجرو نسرین طباطبایی حصاری (۱۳۹۶). «چالش‌های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱.
۲. بزرگمهری، مجید و علی‌عزیزی (۱۳۹۲). «چالش حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران از نگاه اسناد اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۳، ش ۷.
۳. ستوده، محمد و حمید ابیا (۱۳۹۱). «مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران»، مطالعات حقوقی دولت اسلامی، سال اول، ش ۲.
۴. عباسی، مجید (۱۳۹۲). «نقش حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۲، ش ۵.
۵. عباسی، مجید و احمد عزیزی (۱۳۹۷). «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا؛ مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، ش ۲.
۶. عمار، محمد اسماعیل (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم»، معرفت، سال ۲۰، ش ۱۶۸.
۷. فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۱). «بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۱، ش ۱.
۸. محمدی، فاطمه و سیدمحمدکاظم سجادیپور (۱۳۹۱). «حقوق بشر و سیاست خارجی: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، راهبرد، سال ۲۱، ش ۶۳.
۹. مهرپور، حسین (۱۳۷۲). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات.
10. Creppell, I., (2011). "The Concept of Normative Threat", *International Theory*, Vol. 3, Issue 3.
11. Inayatullah, S. (2004). *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*, Tamkang University Press.
12. Inayatullah, S. (2007). *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Tamkang University Press.
13. [www.saamad.ir](http://www.saamad.ir)
14. [www.rc.majlis.ir/fa](http://www.rc.majlis.ir/fa)
15. [www.ohchr.org](http://www.ohchr.org)





# نواوراسیاگرایی روسیه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه

حسین اطهری\* و محسن بختیاری جامی\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۶	شماره صفحه: ۱۷۲-۱۴۵
------------------------	------------------------	------------------------	---------------------

سیاست خارجی دوره ریاست جمهوری یلتسین با آرمان ملی‌گرایان روسیه که خواهان احیای جایگاه قدرت برتر در جهان بودند تضاد داشت. ایده نواوراسیاگرایی و بازسازی جایگاه ازدست‌رفته در مناطق تحت نفوذ شوروی سابق باعث از بین رفتن روابط همگراییه با آمریکا شد. اولویت بازبانی قدرت در ژئوپلیتیک تحت کنترل شوروی سابق، روسیه را به سوی تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و نظامی برای دستیابی به موازنه قدرت و احیای نظام چندقطبی سوق داد. سیاست‌های نواوراسیاگرایی با سازوکار موازنه قدرت نظامی و مشارکت‌های راهبردی گذار به سوی نظام تک - چندقطبی در آغاز قرن ۲۱ را تسریع کرده است. گرایش به نظم منطقه‌ای مطلوب با وقوع بحران در روابط روسیه و آمریکا در اروپای شرقی و دریای سیاه شکل گرفت که دامنه آن به ژئوپلیتیک شرق مدیترانه و مرزهای جنوبی اعضای ناتو کشیده شد. براساس یافته‌های پژوهش رویکرد موازنه‌ای روسیه در برابر هژمونی آمریکا در مدیترانه با تجاوز به سوریه و مبارزه با تروریسم آغاز شد که به تدریج شکافی راهبردی میان آمریکا و ترکیه ایجاد کرد. استقرار تسلیحات راهبردی در شرق مدیترانه به شکل‌گیری زنجیره‌ای از ائتلاف‌های نظامی استراتژیک با کشورهای ساحلی انجامید که در چارچوب نظریه نومنطقه‌گرایی جای می‌گیرد. اهمیت دستیابی به موازنه قدرت برای روسیه در جنگ سرد جدید، دامنه جنوبی ناتو در مدیترانه را عرصه رویارویی نظامی روسیه و آمریکا قرار داده است. مبارزه همه‌جانبه روسیه با تروریسم برگ برنده‌ای برای همگرایی نظامی و شکل‌دهی به نظم جدید منطقه‌ای بر ضد هژمونی آمریکا و گسترش نفوذ ژئوپلیتیک در سواحل جنوب مدیترانه است. در این پژوهش با روش تحلیلی - کیفی درصد تأثیر رویکرد نواوراسیاگرایی بر شکل‌گیری مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا هستیم که نویدبخش شکل‌گیری نظام تک - چندقطبی از طریق سازمان‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای و نظامی در برابر هژمونی آمریکاست.

**کلیدواژه‌ها:** استراتژی؛ ژئوپلیتیک؛ موازنه قدرت؛ نواوراسیاگرایی؛ هژمونی

\* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: athari@um.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛

Email: m\_ba1363@yahoo.com

## مقدمه

اوج‌گیری تمایلات نوآوراسیاگرایی<sup>۱</sup> در روسیه پس از دوران کوتاه غرب‌گرایی بوریس یلتسین<sup>۲</sup> نویدبخش ایفای نقش قدرت بزرگ و بازیابی جایگاه از دست رفته به واسطه شکل دهی به نظام چندقطبی‌گرایی با سازوکار موازنه قدرت است. رویارویی روسیه با هژمونی<sup>۳</sup> آمریکا در دامنه جنوبی کشورهای ناتو، ضرورت ایفای نقش رهبری در ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک<sup>۴</sup> شرق مدیترانه برای حراست از حیاط خلوت روسیه در دریای سیاه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در این راستا بحران سوریه فرصتی کم‌نظیر برای توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک و پیشروی به سوی پایگاه‌های نظامی سابق در کشورهای ساحلی شرق و جنوب شرق مدیترانه برای دستیابی به موازنه قدرت در جنگ سرد جدید است. رویکرد تهاجمی روسیه در دفاع از تنها متحد سنتی (سوریه) در شرق مدیترانه گام مهمی برای تغییر موازنه قدرت به نفع منافع راهبردی بلندمدت در حوزه مدیترانه است. حمایت همه‌جانبه از حکومت سوریه در برابر مخالفان مسلح؛ چرخش راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه به سوی روسیه ایجاد کرد. چراغ سبز روسیه به ترکیه برای اجرای عملیات بر ضد شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه شکافی عمیق میان ائتلاف به رهبری آمریکا در شرق مدیترانه ایجاد کرد. همچنین کنترل بر کانون قدرت تهاجمی ناتو<sup>۵</sup> در مجاورت حیاط خلوت روسیه با اجرای گسترده استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای<sup>۶</sup> با کاربرد انواع تسلیحات متعارف و نامتعارف چشم‌انداز همگرایی نظامی روسیه با ترکیه را تقویت کرده است که به افزایش قدرت مانور نظامی روسیه در دریای سیاه و مدیترانه یاری می‌رساند.

هژمونی نظامی روسیه در شرق مدیترانه به تدریج با راهبرد مشارکت توأم با موازنه نسبت

1. Neo-Eurasianism
2. Boris Yeltsin
3. Hegemony
4. Geopolitics
5. North Atlantic Treaty Organization

۶. این استراتژی مبتنی بر یک سیستم یکپارچه موشک‌های زمین به هوا، موشک‌های کروز ضدکشتی، زیردریایی، کشتی‌های جنگی و هواپیماست که برای عقب راندن دشمن تا دورترین فاصله ممکن طراحی شده‌اند و فضای امنی برای نیروهای تحت پوشش ایجاد می‌کند.

به قدرت‌های نظامی منطقه پیگیری شد. همکاری نظامی روسیه با رژیم صهیونیستی پس از وقوع تنش به دلیل سقوط هواپیمای شناسایی روسیه دیری نپایید و منجر به واگذاری سامانه‌های پیشرفته دفاعی به حکومت سوریه برای حراست از سنگر جنوبی روسیه و تضعیف قدرت مانور آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تجاوز هوایی به خاک سوریه شد.

گسیل همه‌جانبه نیروی دریایی روسیه به مدیترانه شرقی گستره قدرت‌سازی روسیه را به فراسوی سواحل سوریه و به آب‌های مدیترانه کشاند. گرایش قبرس<sup>۱</sup> به همکاری نظامی با روسیه؛ حاصل رویکرد واقع‌گرایی برای مقابله با خطر تجاوز ترکیه و دستیابی به نیروی موازنه‌بخش در مجاورت پایگاه دریایی انگلستان در سواحل جنوبی است.

جهش روسیه به سوی ژئوپلیتیک شمال آفریقا را دستاورد موفقیت‌آمیز در زمینه مبارزه با تروریسم در سوریه تسهیل کرد و در گام اول باعث پیوند نظامی با مصر برای دغدغه‌های امنیتی شد. به تدریج مشارکت راهبردی - نظامی مصر و روسیه به هدف اصلی روسیه که حضور پررنگ در پایگاه‌های سابق شوروی در سواحل جنوب مدیترانه بود جامه عمل پوشاند که جلوه‌ای بارز از سیاست‌های توسعه‌طلبانه نوآراسیاگرایی بلندمدت روسیه است. با این مقدمات سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست‌های نوآراسیاگرایی روسیه چگونه موازنه قدرت در شرق مدیترانه را به نفع روسیه تغییر داده است؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که روسیه با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای سدی در برابر یکجانبه‌گرایی و توسعه‌طلبی آمریکا و متحدان ایجاد کرده است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی، تبیینی و تحلیلی است که در گردآوری داده‌ها از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای، منابع لاتین و اینترنت استفاده شده است. هدف کلی تحقیق مشخص کردن تأثیر رویکرد نوآراسیاگرایی روسیه بر موازنه قدرت با آمریکا در محیط ژئوپلیتیک شرق مدیترانه است.

### ۱. چارچوب نظری: نومنطقه‌گرایی

ممنوعه‌گرایی در ادبیات روابط بین‌الملل به تشکیلات و اجتماعاتی اطلاق می‌شود که

1. Cyprus

حداقل مرکب از سه واحد سیاسی باشند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۰۳). به عبارت دیگر منظور از منطقه‌گرایی همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی است که دارای اهداف مشترک هستند و در سه وجه متفاوت خود را ظاهر می‌کند: الف) سیستم‌های اتحاد نظامی، ب) سیستم‌های اقتصادی و ج) گروه‌بندی‌های سیاسی (آقابخشی، ۱۳۶۴: ۲۰۵). نومنطقه‌گرایی<sup>۱</sup> به عنوان شکل چندوجهی از همگرایی تعریف شده است که وجوه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را در بر می‌گیرد. نویسندگان متعددی تعاریف متفاوتی از منطقه‌گرایی ارائه داده‌اند، ولی معمولاً این امر به موج دوم همکاری‌های منطقه‌ای که از سال ۱۹۸۰ شکل گرفت اشاره دارد. در این نظریه بر مناطق به عنوان خرده‌نظام‌های بین‌المللی که پایه سرزمینی دارند تأکید شده است و از طرفی این باور وجود دارد که انواع فراوانی از خرده‌نظام‌های منطقه‌ای وجود دارند که تا حدودی از جهات مختلف یک واحد منسجم را شکل می‌دهند (هتته، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱ الف: ۱۴).

در دنیای امروز دو فرایند جهانی شدن و تشکیل مناطق سیاسی، اقتصادی و نظامی هم‌زمان در جریان هستند که بر ثبات و نظم نظام دولت‌های وستفالیایی<sup>۲</sup> اثر گذاشته‌اند. در این نظریه مناطق، پدیده‌های بالنده‌ای هستند که به صورت مبهم هم بخشی از روند جهانی شدن را تشکیل می‌دهند و هم بر ضد آن عمل می‌کنند.

برای شناخت بهتر می‌توان سیاستگذاران منطقه‌گرا را به دو دسته تقسیم کرد، کسانی که نفوذشان از منطقه‌ای خاص برمی‌آید یعنی قدرت‌های جهانی و کسانی که نفوذشان محدود به منطقه‌ای خاص است یا همان قدرت‌های منطقه‌ای (همان: ۲۶). در منطقه‌گرایی نوین بر برخی مسائل تأکید می‌شود که آن را از منطقه‌گرایی سنتی متمایز می‌کند. در حالی که منطقه‌گرایی سنتی در بستر نظام دوقطبی شکل گرفت؛ نومنطقه‌گرایی در نظم جهانی چندقطبی به وجود می‌آید. در حالی که منطقه‌گرایی سنتی از بیرون و بالا توسط ابرقدرت ایجاد می‌شود؛ نومنطقه‌گرایی بیشتر فرایندی خودجوش و از درون و پایین است که دولت‌های منطقه‌ای خودشان بازیگران اصلی هستند و در ایجاد آن دخیل‌اند.

1. New-Regionalism

2. Westphalian

در نومنطقه‌گرایی تفکیکی بین نظامی‌گری و اقتصادگری وجود ندارد و چندبُعدی است، درحالی‌که منطقه‌گرایی سنتی بر یک بُعد صرفاً سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. در نهایت در نومنطقه‌گرایی علاوه بر دولت‌ها بازیگران غیردولتی نیز حضور دارند و بخشی از فزاینده‌گرایی ساختاری نظام جهانی هستند. از این رو نومنطقه‌گرایی تأکید قوی‌تری بر ابعاد سیاسی داشت. سازمان‌های منطقه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند با اهداف اقتصادی و امنیتی معمولاً از بالا و بیرون از منطقه‌ها سازمان‌دهی می‌شوند (Hettne, 1994: 2).

## ۲. ابعاد نومنطقه‌گرایی

نومنطقه‌گرایی دارای ابعاد مختلفی است که عبارتند از:

### ۲-۱. فرهنگ

روند تشکیل منطقه حکایت از شکل‌گیری همگونی جدید در مقابل ناهمگونی است که دارای ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی است. در بُعد فرهنگی همگونی بسیار آرام حاصل می‌شود و مسئله مهم میزان قرابت فرهنگی اولیه دولت‌هایی است که به همکاری منطقه‌ای روی می‌آورند. درحالی‌که نومنطقه‌گرایی سنتی به واسطه توجه بیش از حد به فاکتور اقتصادی این بُعد فرهنگی را کامل کنار گذاشته بود. اگر شکل‌گیری منطقه‌ای را پروژه‌ای سیاسی در نظر بگیریم اهمیت فرهنگ بیشتر نمایان می‌شود (هتنه، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱ الف: ۶۴). هرچند قرابت فرهنگی مانع درگیری بین کشورها نمی‌شود و سایر عوامل اقتصادی، امنیتی و... را هم باید در نظر گرفت.

### ۲-۲. امنیت

بُعد مهم و تعیین‌کننده در منطقه‌گرایی مربوط به امنیت است و حتی شکل‌گیری و تعریف نظام‌های منطقه‌ای به این عامل بستگی دارد. شکاف‌های امنیتی در سرتاسر جهان وجود دارد به طوری‌که در دوران جنگ سرد به وضوح نمایان بود. دولت‌ها اگر بخواهند راه‌های همکاری اقتصادی و سیاسی را بگشایند نیازمند تعریف جدیدی از امنیت در سطح جهان

خواهند بود. فروپاشی نظم جنگ سرد پیش شرط‌های امنیت و همکاری امنیتی را تغییر داده از این رو نیازمند بازطراحی امنیت منطقه‌ای است. بنابراین شرط لازم برای همگرایی منطقه‌ای وجود نظم امنیتی است.

### ۲-۳. سیاست‌های اقتصادی

همگرایی منطقه‌ای در حالت عادی مبتنی بر نظم بازار است و دولت‌ها تلاش دارند از طریق همکاری‌های منطقه‌ای نیازهای خود را برآورده کنند. شکل‌گیری مناطق خاص به‌گونه‌ای اتفاق می‌افتد که منافع جمع حاصل شود. هماهنگی و همگرایی سیاست‌های اقتصادی می‌توانند به‌طور خودجوش راه را برای منطقه‌گرایی هموار کنند. در شرایط جهانی شدن منطقه‌گرایی فرصت‌هایی برای جلوگیری از به حاشیه رفتن کشورها در نظم نوین جهانی فراهم می‌کند. در منطقه‌گرایی نوین تلاش‌ها در راستای حفظ منافع جمعی مناطق است و در نتیجه از مبادله صرف کالا فراتر می‌رود (هتته، اینوتای و اوزوالدو، ۱۳۹۱: ب: ۲۰۶).

### ۲-۴. رژیم سیاسی

همگرایی منطقه‌ای به نظام سیاسی و نیز جایگاه مردم در این نظام ارتباط پیدا می‌کند. این روند در سطوح مختلفی شامل ساختار جهانی، مناسبات میان منطقه‌ای و فروملی ظاهر می‌شود.

آنچه از نومنطقه‌گرایی برمی‌آید این است که این مسائل جزئی از شکل بخشیدن به نظم نوین جهانی محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که سمیرامین نومنطقه‌گرایی را حکم جایگزینی می‌داند که در چارچوب آن منطقه‌گرایی عامل اصلاح روند جهانی شدن می‌شود (هتته، اینوتای و اوزوالدو، ۱۳۹۱: ب: ۱۲۹).

### ۳. چارچوب مفهومی: نوآراسیاگرایی

سیاست خارجی روسیه در دوران حکومت بوریس یتسین با دو گرایش متضاد با هم در دهه نخست دوران پسادوقطبی دنبال شد. رویکرد غرب‌گرا که ایالات متحده را به‌عنوان

متحد سیاسی، اقتصادی و یک منبع بالقوه کمک مالی برای اصلاحات اقتصادی، توسط اندری کوزیرف<sup>۱</sup> پیگیری شد. رویکرد ملایم و انعطاف‌پذیر کوزیرف با پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه آمریکا نظیر گسترش ناتو به شرق و حمله به یوگسلاوی<sup>۲</sup> باعث چرخشی راهبردی و حرکت به سوی استقلال و خودیاری در روابط خارجی حکومت یلتسین شد. انتخاب یوگنی پریماکوف<sup>۳</sup> به‌عنوان وزیر خارجه ایده چندقطبی‌گرایی و موازنه قدرت در برابر ایالات متحده و ناتورا پررنگ کرد. بنابراین نظم نوین جهانی مورد نظر پریماکوف نشانه‌ای از چندجانبه‌گرایی در قالب چندقطبی‌گرایی در برابر هژمونی آمریکا بود (Fedorov, 2006: 42). در این زمان بازیابی جایگاه قدرت بزرگ روسیه و تشکیل محوری بر ضد یکجانبه‌گرایی آمریکا در سیاست‌های جهان نقش محوری در سیاست خارجی روسیه داشت. از این رو چندقطبی‌گرایی تضاد شدیدی با رهبری آمریکا در ایجاد جهان تک‌قطبی و یکجانبه‌گرا داشت که هدف آن انکار، انحلال و منع ساختار تک‌قطبی و یکجانبه‌گرایانه بود. مفهوم موازنه قدرت حتی در دوران تلاطم سیاست خارجی بوریس یلتسین به‌عنوان اصل راهنمای سیاست خارجی بود. اصول حکومت مشترک دوقطبی، چندجانبه‌گرایی، مشارکت و ثبات استراتژیک؛ ایده‌های مبتنی بر مفهوم موازنه قدرت بودند (Lo, 2002: 106).

گرایش به سیاست خارجی توسعه طلبانه ژئوپلیتیک به تدریج ایده نوآواراسیاه‌گرایی را به گفتمان غالب در سیاست خارجی روسیه از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۰ تبدیل کرد. الکساندر دوگین<sup>۵</sup> نظریه پرداز نوآواراسیاه‌گرایی متأثر از نظریه‌های هالفورد مکیندر<sup>۶</sup> و کارل هوشفر<sup>۷</sup> تاریخ را کشمکش میان نوآواراسیاه‌گرایان و قدرت‌های سرزمینی به رهبری روسیه و آتلانتیک‌گرایان<sup>۸</sup> برخوردار از متحدان دریایی به رهبری آمریکا می‌داند.

1. Andrey Kozirev
2. Yugoslavia
3. Yevgeny Primakov
4. Vladimir Putin
5. Alexander Dugin
6. Halford Macinder
7. Karl Haushofer
8. Atlanticism

در نواوراسیاگرایی دوگین تقابل اجتناب‌ناپذیری میان قدرت دریایی و سلطه نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا و قدرت زمینی نظم اوراسیایی نوین روسی وجود دارد، که به لحاظ جغرافیایی سرزمین‌های اتحاد شوروی و مناطق دریایی اوراسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد. الکساندر دوگین تحت تأثیر نظریه ریملند<sup>۱</sup> (سرزمین پیرامونی) جان اسپایکمن<sup>۲</sup> جهان را به مناطق دارای اهمیت ژئواستراتژیک<sup>۳</sup> تقسیم می‌کند. اهمیت سرزمین‌های پیرامونی در نظریه نواوراسیاگرایی به دلیل وجود متحدان بالقوه روسیه یا سرزمین‌های مستقل است. از این رو کامیابی و موفقیت قطب اوراسیا به رهبری روسیه با تشکیل بلوک نظامی و همکاری شرکای استراتژیک ضد آتلانتیک در پیرامون مرزهای جنوبی و غربی روسیه به دست می‌آید. از نظر دوگین برخورد میان سلطه سرزمینی و سلطه دریایی نیروی محرک اصلی پشتیبان همه تضادهای جهانی به‌ویژه تنش بین روسیه و آمریکا است (Kaliniy, 2018: 7).

نواوراسیاگرایی دوگین بر پایه گسترش ایده احیای روسیه به‌عنوان امپراتوری اوراسیاست. بنابراین وظیفه اصلی رویکرد نواوراسیاگرایی گسترش فضای اوراسیای متحد تحت رهبری روسیه است و روسیه باید به‌عنوان یک قدرت هژمون با نقش قابل مقایسه در امور منطقه‌ای و جهانی اوراسیا درک شود (Rangsimaprn, 2006: 380). از نظر دوگین رسالت روسیه سازمان‌دهی بلوک اوراسیایی قدرت در برابر قدرت‌های آتلانتیک با بهره‌گیری از قابلیت‌های استراتژیک و رهبری کشورهای در معرض خطر سلطه آمریکا است. هدف نواوراسیاگرایی ارتقای جایگاه روسیه در نظام جهانی و تشکیل جهان چندقطبی برآمده از اراده دولت - ملت‌ها از مسیر همگرایی منطقه‌ای در فضای ژئوپلیتیک وسیع‌تر به واسطه اتحاد استراتژیک با دولت - ملت‌های دارای خصوصیات تاریخی و تمدنی مشابه با روسیه است (Dugin, 2014: 61).

نظریه نواوراسیاگرایی ضمن اشتراک با واقع‌گرایی<sup>۴</sup> در مقوله‌های قدرت و جنگ

- 
1. Rimland
  2. John Spykman
  3. Geo Strarategic
  4. Realism



به عنوان راه حل های نهایی منازعه، اختلافات عمیقی دارد. نواوراسیاگرایان برخلاف واقع گرایان که دولت - ملت ها را واحدهای اصلی در نظام بین الملل می دانند برامپراتوری<sup>۱</sup> به عنوان واحد تحلیل تأکید دارند. به عبارتی واقع گرایان راه دستیابی به صلح را از مسیر موازنه قدرت در برابر قبا تعقیب می کنند. نواوراسیاگرایان بر اجتناب ناپذیر بودن جنگ میان امپراتوری آتلانتیک به رهبری آمریکا و امپراتوری اوراسیا به رهبری روسیه تأکید دارند (Ersen, 2004: 137). با روی کار آمدن مجدد ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲ طرح ارتقای جایگاه روسیه به عنوان یک قطب بزرگ قدرت در جهان چندقطبی، پیگیری نقش محوری در عرصه جهانی و به رسمیت شناخته شدن به عنوان ابرقدرت بین المللی در دستور کار قرار گرفت (Harzvi, 2016: 3).

سند جدید سیاست خارجی روسیه بارزترین جلوه گراییش به موازنه قدرت و پیشبرد سیاست های جاه طلبانه نواوراسیاگرایی است. سند دسامبر سال ۲۰۱۶ با توجه به تحولات جدید منطقه ای و بین المللی، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی را تحکیم جایگاه به عنوان مرکز نفوذ در جهان قرار داده است. در واقع توسعه طلبی ژئوپلیتیک روسیه حاصل گذار به نگاه واقع گرایانه و تهاجمی برای دفاع از منافع استراتژیک با کاربرد پیشرفته ترین تسلیحات راهبردی است. در این راستا تشکیل زنجیره ای از سیستم های دفاع هوایی از پایگاه سواستوپل<sup>۲</sup> کریمه تا گیومری<sup>۳</sup> ارمنستان در دریای سیاه و امتداد آن تا پایگاه لاذقیه<sup>۴</sup> برگ برنده روسیه برای همگرایی و اتحاد نظامی با کشورهای منطقه در گرماگرم جنگ سرد جدید در شرق مدیترانه است (Bodansky, 2016: 6).

#### ۴. بحران سوریه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه

پایان جنگ سرد و تغییر نظم جهانی از دوقطبی به تک - چندقطبی موجب احیای رویکرد

1. Empire

2. Sevastopol

3. Gyumri

4. Latakia

موازنه قدرت در نظریه واقع‌گرایی شد. زیرا نظم جهانی تک‌قطبی به دلیل سیاست‌های رقابتی بازیگران مختلف برای برقراری موازنه قدرت با ابرقدرت بی‌ثبات و متزلزل است. در نظام تک - چندقطبی بازی قدرت بین یک ابرقدرت و تعدادی از قدرت‌های بزرگ در جریان است. در این نظام برتری ابرقدرت در حوزه نظامی و فناوری قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای را به سوی تشکیل ائتلاف ضد هژمونیک سوق می‌دهد که نشانه‌ای از تلاش برای تشکیل هژمونی جهانی و دفاع از منافع قدرت‌های منطقه‌ای است (Holsti, 1992: 8). در نظام تک - چندقطبی ابرقدرت برتری فزاینده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک<sup>۱</sup>، ایدئولوژیک<sup>۲</sup>، فناوری و فرهنگ دارد و در طرف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ بازیگرانی مسلط در مناطق راهبردی هستند که منافع و قابلیت‌های آنها به اندازه ابرقدرت نیست. در این نظام روابط محوری میان ابرقدرت و قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ در جریان است و عدم رضایت از این نظام، ابرقدرت را به تلاش برای تداوم نظام تک‌قطبی و سایر قدرت‌ها را به سوی تشکیل نظام چندقطبی با ابزار ائتلاف اقتصادی و نظامی سوق می‌دهد. در واقع ویژگی بارز این نظام وجود رقابت، منازعه و انسجام در حوزه‌های مختلف است، اما هیچ‌گونه تنش و منازعه جدی میان ابرقدرت و قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ شکل نمی‌گیرد (Huntington, 1999: 42).

در واقع‌گرایی کلاسیک، هانس جی مورگنتا<sup>۳</sup> اتحاد استراتژیک قدرت‌ها با متحدان را ضرورت کارکردی نظام موازنه قدرت در نظام چندقطبی می‌داند. در واقع دولت‌هایی که قدرت کافی برای مقابله با همه تهدیدها را ندارند با ادغام در اتحادها قدرت یکدیگر را برای ارتقای قابلیت‌های تهاجمی افزایش می‌دهند (Nexon, 2009: 48). در واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر<sup>۴</sup>؛ موازنه قدرت برای ثبات و نظام بین‌الملل صلح‌آمیز حیاتی است. فرضیه اصلی در واقع‌گرایی تهاجمی این است که دولت‌ها جویای موازنه قدرت در نظام آنارشیک<sup>۵</sup> نیستند، بلکه به دنبال موازنه تهدیدات هستند. در نهایت در نظریه توسعه‌یافته

---

1. Diplomatic

2. Ideological

3. Hans J Morgenthau

4. John Mearsheimer

5. Anarchic

نوواقع‌گرایی رابرت گیلپین<sup>۱</sup> و کنت والتز<sup>۲</sup>؛ سلطه قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل به قدرت و تکنولوژی<sup>۳</sup> نظامی وابسته است که قابلیت‌هایی از جنگ و تغییر موازنه قدرت بین‌المللی از طریق تأثیرگذاری بر قدرت ملی را دارد (Waltz, 1979: 23).

گرایش روسیه به اتخاذ رویکردهای موازنه‌ای و تهاجمی در برابر ایالات متحده از بحران اوکراین<sup>۴</sup> و الحاق کریمه<sup>۵</sup> به خاک روسیه آغاز و دامنه آن به رویارویی نظامی دو قدرت در سراسر شرق مدیترانه کشانده شد. تصویب دکترین جدید دریایی روسیه در جولای ۲۰۱۶ پشتوانه‌ای برای پیشبرد سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه در پیرامون حیات خلوت روسیه است. در این سند نیروی دریایی روسیه ملزم به حضور نظامی در دریای مدیترانه با سلطه بر پایگاه‌های دائم برای مقابله با آرایش دریایی ناتو در مدیترانه و دامنه جنوبی ناتو است (Persson, 2016: 113).

## ۵. مبارزه روسیه با تروریسم و شکاف در ائتلاف ترکیه و آمریکا

تهاجم روسیه به مواضع اسلام‌گرایان افراطی صرف‌نظر از حذف تهدید امنیت ملی روسیه در جمهوری‌های خودمختار قفقاز<sup>۶</sup> شمالی زمینه پیشروی نیروهای دولتی سوریه و سلطه بر فضای هوایی برای مقابله با یکجانبه‌گرایی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا را فراهم کرد. گسترش دامنه حملات هوایی روسیه بر ضد مخالفان حکومت سوریه که مورد حمایت ترکیه و آمریکا بودند به تدریج به تضعیف گروه‌های شورشی قدرتمند و تشدید اختلاف و واگرایی میان ائتلاف متحدان ناتو برای حمایت از شورشیان شد. حمایت همه‌جانبه آمریکا از شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه و مبارزه ترکیه با این گروه‌ها در مرزهای جنوبی فرصتی استثنایی برای تشدید تنش در ائتلاف آمریکا با ترکیه بر ضد روسیه در دریای سیاه و شرق

- 
1. Robert Gilpin
  2. Kenneth N Waltz
  3. Technology
  4. Ukraine
  5. Crimea
  6. Caucasus

مدیترانه فراهم کرد. پشتیبانی نظامی ایالات متحده از گروه‌های وابسته به حزب کارگران کردستان<sup>۱</sup> در شمال سوریه به تدریج باعث چرخش راهبردی ترکیه به سوی روسیه برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی شد. حمایت همه‌جانبه آمریکا از حزب اتحاد دمکراتیک کرد<sup>۲</sup> و شاخه نظامی یگان‌های مدافع خلق<sup>۳</sup> در شمال سوریه کابوس امنیتی در مجاورت مرزهای جنوبی ترکیه از کوبانی<sup>۴</sup> تاعفرین<sup>۵</sup> را گسترانده است. از طرف دیگر کنترل روسیه بر فضای هوایی شمال غرب سوریه برگ برنده‌ای برای همکاری‌های استراتژیک با ترکیه و عقب راندن نیروهای وابسته به آمریکا به بخش شرقی رود فرات شده است (Gurcan, 2017: 23). با این حال نقطه عطف در همگرایی روسیه با مهم‌ترین متحد آمریکا در مدیترانه شرقی موافقت روسیه با ترکیه برای اجرای عملیات سپر فرات<sup>۶</sup> در اگوست ۲۰۱۶ چراغ سبز به اعزام نیروی نظامی ترکیه و اجرای عملیات مشترک با روسیه در حلب<sup>۷</sup>، اجازه پیشروی نیروهای ارتش آزاد سوریه<sup>۸</sup> و اجرای عملیات نیروی هوایی ترکیه برای مبارزه با داعش و حفظ امنیت مرزهای ترکیه ثمره زودرس مشارکت دوجانبه برای ترکیه بود. اجرای اولین عملیات مشترک هوایی با ترکیه در دسامبر ۲۰۱۶ برای محاصره شهر شمالی الباب<sup>۹</sup> تحت کنترل داعش پیروزی بزرگ و راهبردی در همگرایی نظامی با بزرگترین عضو ناتو در مرزهای جنوبی دریای سیاه است. از طرف دیگر هم‌زمان با همکاری‌های راهبردی در حال رشد روسیه با ترکیه افشای طرح آموزش ۳۰۰۰۰ شبه‌نظامی یگان‌های مدافع خلق در سراسر مرزهای ترکیه بر دامنه اختلافات و تنش میان ترکیه و آمریکا افزود که در عمل جدیت ترکیه برای مبارزه با نیروهای کرد در همکاری با روسیه را تقویت کرد (Peery and Coskun, 2018: 56).

- 
1. Kurdistan Workers Party (PKK)
  2. Kurdish Democratic Union Party (PYD)
  3. People Protection Units (YPG)
  4. Kobane
  5. Afrin
  6. Euphrates Shield
  7. Allopo
  8. Free Syrian Army (FSA)
  9. Al-Bab

اجرای عملیات شاخه زیتون<sup>۱</sup> ترکیه در ژانویه ۲۰۱۸ با عقب‌نشینی نظامیان روسیه از شهر عفرین پایگاه یگان‌های مدافع خلق در شمال غرب سوریه انجام شد. اهداف مشترک این عملیات حراست از مرزهای ترکیه در برابر حمایت آمریکا از سازمان تروریستی، انسداد دستیابی یگان‌های مدافع خلق به سواحل شرقی مدیترانه و تضمین کنترل مخالفان مورد حمایت ترکیه در مناطق مرزی با سوریه بود. حمایت کامل روسیه از اجرای قدرتمندانه عملیات شاخه زیتون در شمال غرب سوریه در درجه اول برای حفظ نقش بازیگر کلیدی ترکیه در مذاکرات سه‌جانبه و استمرار طرح تنش‌زدایی در منطقه ادلب در همسایگی لاذقیه<sup>۲</sup> صورت گرفت. اتخاذ رویکرد انعطاف‌پذیر روسیه نسبت به تجاوز ترکیه به مواضع نیروهای وابسته به آمریکا به لحاظ راهبردی به گسترش واگرایی ترکیه با آمریکا در حوزه همکاری‌های نظامی در دریای سیاه و حداکثرسازی اولویت‌های استراتژیک روسیه در منطقه شرق مدیترانه است. اهمیت راهبردی جدید روسیه تضمین‌کننده حفظ یکپارچگی سرزمینی و شکست طرح آمریکا برای ایجاد منطقه خودمختار در شمال سوریه خواهد داشت (Yesiltas, 2018: 4).

اهمیت حیاتی عملیات شاخه زیتون برای روسیه عقب‌راندن حوزه نفوذ شبه‌نظامیان تحت حمایت آمریکا به کرانه شرقی رود فرات و ایجاد سدی در برابر پیشروی آنها به مناطق مجاور پایگاه‌های روسیه در غرب سوریه است. در عرصه دیپلماتیک، تشدید مناقشه بین آمریکا و ترکیه در حوزه شمال سوریه به نقش‌آفرینی پررنگ‌تر ترکیه در راستای گسترش مناطق کم‌تنش در غرب سوریه در قالب اجلاس سه‌جانبه به ابتکار روسیه یاری رساند که نشان از اراده جدی برای حل بحران‌های منطقه‌ای بدون حضور آمریکا و گامی به سوی احیای سیاست چندقطبی‌گرایی با تشکیل ائتلاف جدید منطقه‌ای است.

## ۶. نظامی‌گری و توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک

ابعاد استراتژیک حضور روسیه در شرق مدیترانه بر پایه توسعه پیوندهای نظامی و

1. Olive Branch

2. Latakia

ائتلاف‌های منطقه‌ای با هدف پیشبرد سیاست‌های نومنطقه‌گرایی و نفوذ ژئوپلیتیک برای پیروزی در جنگ سرد جدید است. قدرت‌نمایی روسیه در سنگر جنوبی به دلیل اتصال با مرزهای جغرافیایی اعضای ناتو چالشی بزرگ برای قدرت تهاجمی متحدان ناتو در مجاورت حیات خلوت روسیه است. بنابراین پیشبرد سیاست نواوراسیاگرایی روسیه بر پایه رویکرد تهاجمی و کاربرد پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و جنگ افزارهای جنگ سخت و نرم در راستای توازن قدرت و تداوم نظام تک - چندقطبی است. استمرار جنگ فرسایشی سوریه عرصه‌ای برای توسعه قابلیت‌های تهاجمی و تدافعی با اجرای جامع استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای<sup>۱</sup> به منظور کسب هژمونی در شرق مدیترانه است. استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای متکی بر کاربرد قابلیت‌های پیشرفته نظامی شامل سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته، نیروی هوایی تهاجمی، ناوگان‌های ساحلی و زیردریایی، موشک‌های کروژ<sup>۲</sup> و بالیستیک<sup>۳</sup> و تجهیزات جنگ سایبری<sup>۴</sup> است (Long and Gompert, 2017: 12).

در واقع محرک اصلی اجرای این استراتژی در شرق مدیترانه تدوین سند دکترین دریایی روسیه است که تا سال ۲۰۳۰ را دربرمی‌گیرد. در سند سال ۲۰۱۶ مسیر کلی نیازمند ارتقای قابلیت‌های عملیاتی و توانایی حفظ حضور بلندمدت نیروهای دریایی در مناطق دریایی استراتژیک مهم به خصوص دریای سیاه و مدیترانه است. در این سند تهدید اصلی در قلمرو دریایی روسیه پیشروی نیروهای آمریکا و ناتو برای دستیابی به جایگاه مسلط در اقیانوس‌ها و برتری مطلق بر دریاهاست. در مقابل نیروی دریایی روسیه باید آمادگی واکنش با پیشروی رزم‌ناوهای پیشرفته مجهز به تسلیحات دقیق برای مقابله به مثل با توجه به قابلیت‌های جنگاوری را داشته باشد (www.kremlin.ru, 2016).

در همین راستا بزرگترین دستاورد استراتژیک بحران سوریه برای روسیه توافق ژانویه ۲۰۱۷ برای مالکیت ۴۹ ساله پایگاه‌های ساحلی سوریه که جلوه‌ای از بُعد امنیتی سیاست

- 
1. Anti-Access and Area- Denial (A2/Ad)
  2. Cruise Missiles
  3. Ballistic
  4. Cyber

نومنطقه‌گرایی روسیه در شرق مدیترانه است. در این توافق اختیار به‌کارگیری یازده کشتی بزرگ جنگی و آماده‌سازی پایگاه طرطوس<sup>۱</sup> به‌منظور اسقرار زیردریایی‌های اتمی روسیه داده شده است. این مالکیت و کنترل کامل پایگاه ساحلی شرق مدیترانه رویکرد تهاجمی روسیه را با کاربرد سیستم‌های دفاع هوایی اس-۲۲<sup>۲</sup> پنتسیر<sup>۳</sup> و اس-۳۰۰<sup>۴</sup> پیشرفته، سکوه‌های دریایی با قابلیت پرتاب موشک‌های کروزر ضد کشتی مافوق صوت آنیکس پی-۸۰۰<sup>۴</sup> و سیستم‌های موشکی ضد کشتی زمین به دریا یا کونت<sup>۵</sup> تقویت کرد و این پایگاه را تکیه‌گاه اصلی برای دفاع از منافع راهبردی روسیه در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا و متحدان قرار داد (Pinko, 2017: 4). همچنین استقرار هفت سامانه موشکی اس-۳۰۰ در این پایگاه ضمن تضمین افزایش قدرت مانور هوایی و حراست از تسلیحات تهاجمی؛ چالشی عمیق برای پیشبرد طرح‌های نظامی آمریکا در شرق مدیترانه است. علاوه بر این کانون قدرت هوایی روسیه در پایگاه هوایی لاذقیه (حمیمیم)<sup>۶</sup> در شمال غرب سوریه شکل گرفته که مجهز به چتر دفاعی چندلایه و کاربرد سامانه موشکی میان‌برد پنتسیر اس ۱ و اس ۲ برای ردیابی و حراست از پایگاه، سیستم‌های موشکی پیشرفته دوربرد زمین به هوا، هواپیماهای استراتژیک جنگی و ترابری است (Holmboe, 2017: 2).

اهمیت راهبردی این پایگاه در قدرت‌یابی روسیه در شرق مدیترانه با وقوع تنش بین روسیه و ترکیه در اثر سقوط یک فروند جنگنده روسیه شدت گرفت. کاربرد سیستم‌های دفاع هوایی دوربرد اس-۴۰۰ در پایگاه حمیمیم با قابلیت رهگیری و نابودی هواپیماهای شناسایی، جاسوسی، راهبردی، بمب‌افکن، موشک‌های بالستیک - تاکتیکی، تاکتیکی - عملیاتی و موشک‌های بالستیک میان‌برد امکان کنترل بر فضای هوایی شرق مدیترانه تا شمال آنکارا را برای روسیه فراهم کرد. ابتکار هدفمند روسیه در تأمین محیط امن و

---

1. Tartus

2. Air Defense (SA-22)

3. Pantsir

4. Onyx (P-800)

5. Yakhont

6. Khmeimim

نفوذناپذیر مهمترین مؤلفه تأثیرگذار بر جنگ سرد میان روسیه و متحدان ناتو در بُعد امنیتی نومنطقه‌گرایی است. ضرورت تأمین امنیت تسلیحات استراتژیک با هدف بازدارندگی و موازنه هسته‌ای در پیرامون دریای سیاه از سال ۲۰۱۳ با استقرار موشک‌های اسکندر اس اس-۲۶ با برد ۴۰۰ کیلومتر در پایگاه گیومری<sup>۲</sup> ارمنستان افزایش یافت. پوشش وسیع استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای روسیه در پایگاه‌های سوریه؛ راه‌اندازی مخفیانه موشک‌های بالستیک اسکندر در پایگاه حمیمیم و موشک‌های اسکراب اس اس-۲۱<sup>۳</sup> در پایگاه طرطوس در فوریه ۲۰۱۷ را به دنبال داشت که راهبردی موازنه‌ای در برابر حفظ نود بمب اتم بی-۶۱ آمریکا در پایگاه هوایی اینجرلیک<sup>۴</sup> ترکیه از دوران جنگ سرد است (Binnie, 2017: 12).

نظامی‌گری صرف روسیه در قالب صف‌آرایی تسلیحات متعارف و نامتعارف با هدف ارتقای قابلیت‌های دفاعی و تهاجمی کانون قدرت متحدان ناتو در دامنه جنوبی را لرزاند که در نهایت به ارائه بسته دفاعی در حمایت از امنیت ملی ترکیه انجامید. ارتقای حضور دریایی و هوایی ائتلاف شامل سکوی هواپیماهای گشت دریایی و سیستم کنترل و هشدار هواپیمایی آواکس<sup>۵</sup> با پشتیبانی کشتی‌های جنگی آلمان و دانمارک، طراحی دفاع ضد موشکی جدید با موشک‌های زمین به هوای ایتالیا در خاک ترکیه و اعزام ناوشکن آرلای بورک کلاس آمریکا در دریای سیاه و جنگنده‌های پیشرفته در پایگاه اینجرلیک بالاترین سطح حمایت نظامی از ترکیه بود (Emmott, 2015: 6). در عمل با وجود حمایت‌های اعضای ناتو از ترکیه تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع روسیه و قدرت‌یابی شبه‌نظامیان جنوب سوریه چرخشی راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه ایجاد کرد. نگرانی ترکیه نسبت به شکنندگی امنیت ملی در بازی جدید بین قدرت‌های بزرگ در مجاورت مرزهای جنوب ترکیه و گسترش نفوذ روسیه در شرق مدیترانه همگرایی نظامی ترکیه با روسیه را تقویت کرد. توافق خرید سامانه دفاعی

1. Iskander (SS-26)

2. Gyumeri

3. Scarab (SS-21)

4. Incirlik

5. Airborne Warning and Control System (AWACS)

6. Arleigh Burke-Class



اس - ۴۰۰ بین ترکیه و روسیه پیروزی بزرگ برای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع روسیه و مؤلفه‌ای تأثیرگذار به منظور گسترش همکاری‌های راهبردی برای مقابله با تهدیدات مشترک است. پیامد کوتاه‌مدت این معامله امتناع آمریکا از واگذاری سامانه دفاع موشکی زمین به هوای پاتریوت<sup>۱</sup> و مهم‌تر از آن جنگنده‌های پیشرفته اف - ۳۵ به ترکیه است که قدرت مانور روسیه در شرق مدیترانه را افزایش خواهد داد (Roblin, 2018: 1).

در واقع نفوذ روسیه به سیستم نظامی ناتو عنصر غیرهمگرایانه‌ای میان ترکیه و سایر اعضای آن برای هماهنگی عملیاتی در بحران‌های منطقه‌ای و چالشی در همکاری‌های استراتژیک نظامی ایجاد می‌کند. همچنین پیرنگ شدن ائتلاف راهبردی - نظامی روسیه با ترکیه به آزادی نامحدود تردد ناوگان نظامی روسیه از گذرگاه بسفر و داردانل<sup>۲</sup> ترکیه به مدیترانه می‌انجامد که عنصر کلیدی برای تجدید قوا و تحکیم موقعیت ناوگان روسیه در پایگاه‌های شرق مدیترانه خواهد بود (Bekdil, 2017: 6).

راهبرد بلندمدت روسیه برای گسترش هژمونی در شرق مدیترانه همزیستی توأم با تنش با مهم‌ترین متحد آمریکا در شرق مدیترانه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. روسیه با استقرار سیستم‌های دفاع هوایی دوربرد، اجرای عملیات و قدرت مانور جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بر فراز سوریه را کاهش داده است (Magen and Pekel, 2016: 6). مشارکت استراتژیک روسیه با رژیم صهیونیستی به دلیل گستردگی تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به پایگاه‌های سوریه به وقوع تنش نظامی بر فراز پایگاه هوایی لاذقیه انجامید. پرواز جنگنده رژیم صهیونیستی در پوشش یک فرود هواپیمای شناسایی ایلوشین ام - ۲۰۳ روسیه سقوط هواپیمای این کشور با پانزده خلبان در سپتامبر سال ۲۰۱۸ شد. این حادثه موجب تحویل سامانه دفاعی اس - ۳۰۰ به ارتش سوریه شد. واگذاری چنین تجهیزات پیشرفته‌ای به سوریه سپری مستحکم در برابر تجاوز جنگنده‌های رژیم صهیونیستی و نیروهای ائتلاف در سراسر سوریه ایجاد کرد (<https://www.warsawinstitute.org>).

1. Patriot

2. Bosphorous and Dardanelles

3. Ilyushin (M-20)

در حوزه جبهه‌گیری دریایی دو قدرت در مدیترانه، روسیه در سپتامبر ۲۰۱۸، ۲۵ ناو جنگی مجهز به موشک‌های کروزر کالیبر<sup>۱</sup> از شمالگان، دریای بالتیک<sup>۲</sup>، دریای خزر و دریای سیاه و سی هوایما و بالگرد در قالب برگزاری رزمایشی با عنوان مانور مدیترانه به شرق مدیترانه اعزام کرد (https://navaltoday.com). بزرگترین مانور دریایی روسیه در مدیترانه با اطمینان از گسترش شکاف‌ها میان متحدان ناتو و ترکیه و مهار قدرت تهاجمی رژیم صهیونیستی با پشتیبانی سیستم‌های پیشرفته دفاعی اجرا شد. بنابراین نمایش قدرت تهاجمی روسیه در قالب رزمایش ضد تروریسم دورنمایی از سیاست‌های نونطقه‌گرایی برای مقابله با پیشروی ناتو و آمریکا در حوزه نفوذ روسیه در مدیترانه است.

موفقیت سیاست‌های نوآراسیاگرایی روسیه با هدف نظم منطقه‌ای چندجانبه‌گرا، به حضور نظامی در مناطق ژئوپلیتیک خارج از بحران‌های منطقه‌ای و رقابت‌های پایاپای به چالشی برای نظام تک‌قطبی سلطه‌گرایانه منجر شده است. درگیری کشورهای ساحلی با بحران‌های ناشی از رشد تروریسم؛ پیشروی به مناطق امن راهبردی برای تجدید قوا و شکل‌دهی به ائتلاف‌های جدید را ضروری کرده است. موقعیت محوری قبرس برای کنترل بر کشورهای ساحلی شرق مدیترانه عرصه‌ای فارغ از تنش نظامی برای شکل‌دهی به نظم چندقطبی‌گرای مورد نظر روسیه است. گسیل یگان‌هایی از نیروی دریایی روسیه به قبرس در سال ۲۰۱۵ با اختیار کنترل بندر لیماسول<sup>۳</sup> و پایگاه هوایی پافوس<sup>۴</sup> در درجه اول واکنش به حضور پررنگ ناوگان دریایی انگلستان در پایگاه اکروتیری<sup>۵</sup> از دوران جنگ سرد است. از طرفی حضور نظامی روسیه برای قبرس نیروی بازدارنده‌ای برای تعادل در برابر جاه‌طلبی ترکیه در قبرس شمالی است (Wentworth, 2015: 7). قبرس دروازه ورود به کشورهای شرق مدیترانه به دلیل فاصله اندک از مرزهای ترکیه و رژیم صهیونیستی ضلع دوم قدرت دریایی روسیه محسوب می‌شود که برای پشتیبانی عملیات‌های نظامی

1. Kalibr
2. Baltic
3. Limassol
4. Paphos
5. Akrotiri

روسیه جایگاه راهبردی دارد. حضور پررنگ روسیه در پایگاه‌های قبرس ضمن تکمیل حلقه محاصره ناوگان ائتلاف در شرق مدیترانه کنترل سراسری بر شرق مدیترانه را تسهیل می‌کند.

## ۷. جاه‌طلبی ژئوپلیتیک روسیه در مصر و لیبی و کاهش فشار غرب بر شرق مدیترانه

وقوع تحولات موسوم به بهار عربی در کشورهای ساحلی شمال آفریقا زمینه ورود روسیه به بازی قدرت با هدف احیای جایگاه از دست رفته را تسریع کرد. در این راستا بازگشت روسیه به پایگاه‌های سابق شوروی با هدف کنترل مرزهای جنوبی متحدان ناتو و پشتوانه تدارکاتی برای تداوم حضور نظامی در شرق مدیترانه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد مصر در جنوب شرق مدیترانه حلقه اتصال خاورمیانه به قاره آفریقا و خط مقدم سازمان‌دهی تحرکات نظامی و نفوذ به مناطق پیرامونی در حوزه جنوبی مدیترانه است. وقوع کودتای سال ۲۰۱۳ مصر به رهبری عبدالفتاح السیسی نقطه تحول در سیاست خارجی و همگرایی نظامی با روسیه برای مقابله با جاه‌طلبی یکجانبه آمریکا بود. این سیاست که به دلیل کاهش حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا به مصر صورت گرفت، میدان را برای توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک روسیه در شمال آفریقا مناسب کرد (Shay, 2016: 3).

گام نخست برای تحکیم و گسترش توسعه‌طلبی تا مرزهای غرب مصر با پیمان نظامی به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار و واگذاری سامانه دفاعی اس - ۳۰۰، جنگنده‌های میگ<sup>۱</sup> هلیکوپترهای ام - ۳۵ و زیردریایی برداشته شد. هم‌زمان با رشد روزافزون تهدید تروریسم، اجرای سیاست‌های نوآوراسیایگرایی روسیه با هدف چالش نظم منطقه‌ای آمریکامحور در جنوب مدیترانه تشدید شده است. برگزاری تمرین مشترک دریایی روسیه و قبرس با عنوان پل دوستی در بندر الکساندریا<sup>۲</sup> در ژوئن ۲۰۱۵ پاسخی آشکار به مانور دریایی ستاره تابان مصر با آمریکا و نمایش قابلیت‌های نظامی برای همکاری بلندمدت با روسیه بود. دستاورد

1. Mig

2. Alexandria

راهبردی روسیه در این مانور سلطه مجدد بر پایگاه شوروی سابق و تداوم برگزاری مانورهای سالیانه چتربازان مشترک با عنوان مدافعان دوستی که مؤلفه‌ای کلیدی برای موازنه قدرت با آمریکا در جهان تک - چندقطبی در ژئوپلیتیک جنوب مدیترانه است. برگزاری سالیانه مانور دریایی در سواحل غربی مصر زمینه کنترل بر پایگاه‌های اتحاد شوروی سابق در شهرهای مارسا ماترا<sup>۱</sup> و سیدی برانی<sup>۲</sup> را فراهم کرد که مکانی برای اجرای سیاست‌های جاه‌طلبانه ژئوپلیتیک روسیه فراتر از مرزهای مصر است (Stewart and Noueihed, 2017: 23).

مصر با واگذاری اختیار استفاده از پایگاه‌ها و فضای هوایی برای جنگنده‌های روسیه، نخستین سامانه دفاع هوایی دوربرد اس - ۳۰۰ را در ژوئن ۲۰۱۷ تحویل گرفت که این معامله اهرمی برای کنار زدن هژمونی آمریکا از نقش آفرینی در تحولات داخلی مصر است. اعزام نیروهای عملیات ویژه و هواپیماهای بدون سرنشین روسی به پایگاه سیدی برانی مصر در نوامبر ۲۰۱۷ حمایت از ارتش ملی شرق لیبی را آشکار کرد که گامی به سوی سیاست نومنطقه‌گرایی روسیه و بازبانی قدرت در دیگر پایگاه‌های سابق است (Iddon, 2017: 3). تجاوز ناتو به لیبی در سال ۲۰۱۱ و حذف معمر قذافی از قدرت؛ آرمان روسیه برای تأسیس پایگاه دریایی بنغازی را برای مدتی به تعویق انداخت. برخلاف مصر، ژئوپلیتیک لیبی به دلیل مجاورت با مرزهای جنوبی متحدان ناتو سنگر راهبردی و نقش پشتیبان را برای تداوم حضور بلندمدت روسیه در شرق مدیترانه و خط مقدم مقابله با تهدیدات ناتو از جناح غرب مدیترانه دارد. هدف اصلی روسیه پر کردن خلأ ژئوپلیتیک در دوره پساقذافی است. راهبرد کلیدی روسیه در لیبی برقراری ثبات و با حکومتی دارای پشتوانه نظامی است (Mikhelidze, 2019: 4). پشتیبانی تسلیحاتی روسیه از ارتش ملی شرق لیبی به رهبری ژنرال<sup>۳</sup> خلیفه حفتر از افسران ارشد معمر قذافی و آموزش یافته ارتش سرخ شوروی اجرای سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه در برابر رقبای فرامنطقه‌ای را تشدید کرده است ژنرال خلیفه حفتر بهترین تضمین‌کننده منافع ژئوپلیتیک و راهبردی روسیه در

1. Mersa Matruh

2. Sidi Barrani

3. General

شمال آفریقا خواهد بود. اولین گام با ابتکار روسیه در ائتلاف ضد تروریسم با مشارکت مصر و ژنرال حفتر زمینه عقد معاهده‌ای دوجانبه برای دریافت کمک‌های آموزشی و نظامی در ازای بازگشت ناوگان روسیه به پایگاه دریایی بنغازی برداشته شد.

با این حال نقطه عطف در جاه‌طلبی نظامی روسیه و شکل دهی به نظم امنیتی روسیه محور در سواحل جنوب مدیترانه اعزام ناو هواپیمابر آدمیرال کوزنتسوف<sup>۱</sup> به ساحل بنغازی در مسیر بازگشت از سواحل سوریه بود. کنفرانس مشترک خلیفه حفتر با سرگی شایگو<sup>۲</sup> وزیر دفاع روسیه در ژانویه سال ۲۰۱۷ حول محور مقابله با سازمان‌های تروریستی، تدارک تسلیحات شامل تانک، جنگنده و سیستم‌های دفاعی زمین به هوا، سازمان‌دهی ارتش لیبی و احیای تسلیحات روسیه برای ارتش ملی لیبی نشانه‌ای آشکار از تلاش برای نگه داشتن قطب قدرت ارتش ملی لیبی در اردوگاه روسیه و جلوگیری از همکاری متحدان ناتو با ژنرال خلیفه حفتر است. در حوزه راهبردی عمق همکاری‌های دوجانبه با انعقاد پیمانی برای ساخت دو پایگاه نظامی در سواحل بنغازی<sup>۳</sup> و توبروک<sup>۴</sup> نمایان شد. این کار قابلیت‌های لجستیک<sup>۵</sup> روسیه برای مانور نظامی در مرکز مدیترانه را ارتقا می‌دهد و چالشی بزرگ برای قدرت‌نمایی اعضای ناتو در شرق و جنوب مدیترانه ایجاد خواهد کرد (Mezran and Beccaro, 2017: 81). با تعمیق روابط روسیه با حفتر و پیشروی‌های میدانی ارتش ملی در مارس ۲۰۱۹ حدود سیصد سرباز روسی از گروه واگنر<sup>۶</sup> به نیروهای خلیفه حفتر در بنغازی پیوستند تا امنیت بنادر توبروک و درنا<sup>۷</sup> را برای ناوگان روسیه تأمین کنند (Luhn and Dominic, 2019: 23). در همین زمان پرواز دو هواپیمای شناسایی ایلوشین ۷۶ روسیه از پایگاه نظامی حفتر در شرق لیبی در آوریل ۲۰۱۹ و انجام مأموریت شناسایی در مرزهای هوایی مصر، اردن و رژیم صهیونیستی حاکی از

1. Admiral Kuznetsov

2. Sergei Shoigu

3. Benghazi

4. Tobruk

5. Logistic

6. Wagner

7. Derna

گسترش هژمونی نظامی روسیه در سراسر شرق مدیترانه و پشتیبانی اطلاعاتی از پایگاه‌های نظامی در جنوب مدیترانه است (<https://aje.io>).

نبرد داخلی لیبی، تداوم حملات نیروهای حفتر به طرابلس<sup>۱</sup> و نبودن استراتژی جامعه از سوی حکومت وفاق ملی و متحدان اروپایی برای مقابله با آن به تحکیم فزاینده جایگاه روسیه در لیبی بیشتر از سال‌های قبل از ۲۰۱۱ و سقوط معمر قذافی انجامیده است.

## ۸. جمع بندی و نتیجه‌گیری

روسیه بعد از روی کار آمدن یلتسین سیاست‌های غرب‌گرایانه‌ای در پیش گرفت و عملاً گرایش به سوی آمریکا با اهداف توسعه داخلی را داشت. با توجه به قدرت ناسیونالیسم روسی این مسئله به زودی موجب ایجاد شکاف و جبهه‌گیری ناسیونالیست<sup>۲</sup>‌های روسی شد. ایده نوآراسیاگرایی در حقیقت هدف اولیه خود را احیای عظمت و شکوه گذشته نظامی و اقتصادی روسیه می‌داند و از سوی دیگر درصدد غلبه بر نظم نوین و یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح نظام بین‌المللی است. این سیاست‌ها بعد از روی کار آمدن پوتین خود را به شکل منطقه‌گرایی نشان داد. اشغال کریمه و بخش‌هایی از گرجستان در واقع نشان داد که هویت روسی به دنبال احیا و مکان‌یابی نوین در نظم جهانی است.

روسیه برای رسیدن به هدف بازیابی قدرت جهانی و تأثیرگذاری بر نظم بین‌المللی نوین، با ارائه ایده نوآراسیاگرایی عملاً هژمونی و سلطه آمریکا را به چالش کشید و با ایجاد مناطق مختلف سیاسی و امنیتی یکجانبه‌گرایی آمریکا را با بحرانی بزرگ مواجه کرد.

آمریکا که بعد از فروپاشی شوروی سابق خواب نظام تک‌قطبی را می‌دید با حرکت نوین روسیه و همراهی برخی قدرت‌های جهانی الگویی از نظام تک - چندقطبی را احیا کرد. نوآراسیاگرایی عملاً موجب شکل‌گیری نظم نوینی در منطقه شرق مدیترانه و خاورمیانه شده است و آمریکا دیگر قادر نیست در منطقه فعال مایشاء باشد. ایجاد شکاف در بین متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله ترکیه و مصر و... باعث شده است تا روسیه در مجاورت

1. Tripoli

2. Nationalist

حیات خلوت آمریکا حضور نظامی پیدا کند. روسیه با حضور در شرق مدیترانه عملاً درگیری را از داخل کشور به مناطق پیرامون منتقل کرده و گروه‌های افراطی را در سوریه به دام انداخته است.

غلبه‌گرایی نواوراسیاگرایی پیامد اوج‌گیری تنش و رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیک با آمریکا و متحدان ناتو در مناطق راهبردی جنوب روسیه است. هسته سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه بر پایه چالش نظام تک‌قطبی تحت رهبری آمریکا از مسیر سازمان‌دهی به ائتلاف‌های نظامی در منطقه‌ای به ابتکار روسیه است. تجاوز ائتلاف به رهبری آمریکا برای سلطه بر آخرین پایگاه روسیه در شرق مدیترانه منجر به صف‌آرایی گسترده نظامی روسیه برای برقراری موازنه قدرت داخلی به نفع حکومت سوریه و موازنه منطقه‌ای در ائتلاف با کشورهای ساحلی شرق مدیترانه بر ضد هژمونی آمریکا و ناتو است. سیاست گسترش شکاف در ائتلاف به رهبری آمریکا با حمایت روسیه از تجاوز ترکیه به مناطق شمال غرب سوریه شکل گرفت. این استراتژی روسیه پیروزی راهبردی چندبُعدی برای همگرایی بیشتر نظامی با ترکیه بزرگترین متحد ناتو در دامنه جنوبی و در مجاورت مرزهای دریای سیاه است. همچنین به تأمین اهداف راهبردی و دیپلماتیک روسیه در مذاکرات صلح سوریه به رهبری روسیه یاری رساند. دستیابی روسیه به موازنه قدرت نظامی با کاربرد تسلیحات متعارف و نامتعارف و استراتژی‌های دفاعی بازدارنده، کانون قدرت‌نمایی نیروهای ناتو در منطقه را نشانه گرفت که محرکی برای مشارکت راهبردی در حیات خلوت روسیه با کشورهای متحد آمریکا شد. دستاوردهای موفقیت‌آمیز روسیه در مبارزه با تروریسم در سوریه سنگ‌بنای گسترش همکاری با کشورهای قربانی تروریسم در شمال آفریقا و دسترسی مجدد به پایگاه‌های نظامی سابق برای ایفای نقش کلیدی در نظام تک - چندقطبی است. ورود روسیه به بازی قدرت در شمال آفریقا از جهت سلطه بر آب‌های جنوبی مدیترانه اهمیت زیادی برای حراست از جایگاه در شرق مدیترانه دارد. راهبرد احیای جایگاه سابق در پایگاه‌های نظامی شمال آفریقا روسیه را به سوی همکاری‌های نظامی بلندمدت با مصر برای عقب راندن آمریکا از مهمترین گذرگاه مدیترانه به سوی اقیانوس هند کرد. همگرایی روسیه با مصر باعث پیوند نزدیک و حمایت تسلیحاتی و راهبردی از ارتش ملی شرق لیبی و عقب نماندن

از بازی قدرت با رقبای غربی در سواحل مهمترین متحد سنتی در شمال آفریقا شد. این مقاله روشن کرد که مبارزه روسیه با تروریسم در سوریه و گسیل گسترده ناوگان دریایی و تجهیزات تهاجمی و تسلیحات راهبردی ابزاری برای تحمیل نظم مطلوب روسیه در سراسر دامنه جنوبی اعضای ناتو و مقابله با تهدیدات آنها در اروپای شرقی و حیات خلوت روسیه در دریای سیاه است که تنها در سایه برقراری موازنه قدرت با آمریکا و متحدان در شرق مدیترانه حاصل شده است.



## منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی (۱۳۶۴). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، تندر.
۲. امیدی، علی (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های اکو و آسه آن و سارک، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. هتنه، بجورن، آندراش اینوتای و اوزالدو سونکل (۱۳۹۱ الف). جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی، مترجم علیرضا طیب، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۵. ---- (۱۳۹۱ ب). دیدگاه‌های کشورهای جنوب درباره منطقه‌گرایی نو، مترجم علیرضا طیب، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
6. Bodansky, Yossef (2016). "Russia Looks South", *ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security*, Issue, No. 439, Available at: <http://www.ispsw.de>.
7. Binnie, Jeremy (2017). "Iskander Missile Launcher Spotted in Syria", *IHS Jane's Defence Weekly*, Available at <http://www.janes.com/article/59182/iskander-missilelauncher-spotted-in-syria>.
8. Bekdil, Burak E. (2017). "It Is Done Deal: Turkey Plans to Deploy Russian Air Defense System in 2019", *Defense News*, Accessed at: 28/11/2107.
9. Dugin, Alexander (2014). "Eurasian Mission an Introduction to Neo-Eurasianism", *UK: Arktos Media Ltd.*
10. Emmott, Robin (2015). "NATO Agrees Turkey Air Defense Package: Seeks Predictability", *Reuters*, Available at: <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-turkey-nato-exclusive-idUSKBN0U123520151218>.
11. Ersen, Emre (2004). "Neo-Eurasianism and Putin's Multipolarism in Russia Foreign Policy", *Turkish Review of Eurasian Studies*, Annual 4.
12. Fedorov, Yury (2006). "Beffins and Buffoons: Different Strain of Thought in Russia's of Strategic Thinking", *Chatham House*, FEPBP 06/01.

13. Gurcan, Metin (2017). "What's The Hold Up in Turkey's Battle for Al-Bab? ", *Al Monitor*, Available at [http:// www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/01/turkey-syria-euphrates-shield-al-bab-offensive-stalls.html/ixzz4wupjllay](http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/01/turkey-syria-euphrates-shield-al-bab-offensive-stalls.html/ixzz4wupjllay).
14. Holsti, K.J (1992). "International Politics", *A Framework of Analysis*, Prentice-Hall, Newjersey.
15. Harzvi, Shay (2016). "The Return of The Russian Bear To The Middle East", *Sadat Center for Strategic Studies Middle East Security Studies*, Barilan University Begin No.
16. Hettne, Bjorn (1994). "The New Regionalism: Implications for Global Development and International Security", *WIDER, World Institute for Development Economics Research*.
17. Holmboe, Rolf (2017). "Nato's Soft Southern Flank", *Canadian Global Affairs Institute*, Nato SERIES, CGAI Fellow ISBN: 978-1-988493-65-7, Available at: [www.cgai.ca](http://www.cgai.ca).
18. Huntington, Samuel P. (1999). "The Lonely Superpower, Bully of The Free World", *Foreign Affairs*.
19. Iddon, Paul (2017). "Russia Expanding Middle East Footprint with Egypt Bases", *The New Arab*, Available at: <https://www.alaraby.co.uk/english/indepth /2017/12 /15/Russia Expanding-Middle-East-Footprint-With-Egypt-Bases>.
20. Kalininy, Kirill (2018). "Russian Elites and Dugin's Neo-Eurasianism: Empirical nalysis of 2012 and 2016 Sources of Conflict Between Russia and West", *Hamilton college*, Clinton, NY, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3160401>.
21. Lo, Bobo (2002). "Russia Foreign Policy in The Post-Soviet Era, Reality, Ilusion and Mythmaking", *Palgrave Macmillan*, ISBN. 333.77593-700.
22. Long, Duncan and David C Gompert (2017). "Smarter Power, Stronger Partners, Volume II", *Trends in Force Projection Against Potential Adversaries, RAND Corporation*, Santa Monica, Calif, Available at: [http://: www.rand.org/t/RR 1359z1](http://www.rand.org/t/RR 1359z1).

23. Luhn, Alice and Nicholls Dominic (2019). "Russian Mercenaries Back Libyan Rebel Leader as Moscow Seeks Influence in Affrica", *in The Telegraph*.
24. Magen, Zvi and Udi Pekel (2016). "Does Russia's Intervention in Syria Hold Opportunities For Israel? ", Available at: [http://: www.inss.org.il/StrategicSurvey](http://www.inss.org.il/StrategicSurvey).
25. Mezran, Karim and Andrea Beccaro (2017). "Foreign Actors in Libya's Crisis: Russia Looking For A Warm Sea", *Atlantic Council (ISPI)*, ISBN 9788867056453.
26. Mikhelidze, Nona (2019). "Italy Sidlined as Russia Consolidates Position in Libya", *IAI institute Affair International*, Issn 2532-657.
27. Nexon, Daniel H (2009). "Realism, Alliances, Balance of Power A Theoretical Perspective", *A Study in Alliance Formation and Balance of Power*.
28. Persson, Gudrun (2016). "Russian Military Capability in A Ten-Year Perspective 2016", *Stockholm FOI-R-4326-SE*, Available at: [https://www.foi.se/report-search/pdf? File name=D%3A%5CReportSearch%5CFiles%5C5fa9f](https://www.foi.se/report-search/pdf?File%5Cname%3D%D%3A%5CReportSearch%5CFiles%5C5fa9f).
29. Perry, Tom and Orhan Coskun (2018). "U.S. Led Coalition Helps To Build New Syrian Force, Angering Turkey", *Reuters*, Available at: <https://ww.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-sdf/us-led-coalition-helps-to-turkey-idUSKBN1F300A>.
30. Pinko, Eyal (2017). "Russian Anti-Access/Area-Denial(A2/AD) in The Mediterranean Arena", *Haifa Research for Maritime Policy and Strategy*, University of Haifa. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/321026249>.
31. Rangsimaporn, Paradorn (2006). "Interpretations of Eurasianism: Justifying Russia's Role in East Asia", *Europe-Asia Studies*, 58, No. 3.
32. Roblin, Sebastien (2018). "America's Big Fear: Turkey Mixing F-35s and Russia's S-400 Air Defense System What Could Go Wrong?", *The National Interest*, available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/f-35s-and-russias-s-400-air-defense-system-25152>.

33. Stewart, Phil and Lin Noueihed (2017). "Russia Appears to Deploy Forces in Egypt, Eyes on Libya Role - Sources", *Reuters*, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-russia-libya-appears-to-deploy-forces-in-egypt-eyes-on-libya-idUSKBN16K2RY>.
34. Shay, Shaul (2016), "Exercise "Defenders of Friendship 2016" and Egypt-Russia Strategic", *Institute For Policy And Strategy (IPS) Lauder School of Government*, Herzlia.
35. Tsygankov, Andrei P. (1998). "Hard Line Eurasianism and Russia's Contending Geopolitical Perspectives", *East European Quarterly*, 32.
36. Waltz, Kenneth N (1979). "*Theory of International Politics*", New York, McGrawHill.
37. Wentworth, Travis (2015). "Russia's Other War – Cyprus Naval Ports", *NVC Review*, Available at: <http://www.nvcreview.com/russias-other-war-cyprus-naval-ports>.
38. Yesiltas, Murat (2018). "Turkey's Strategic Reasoning Behind Operation Olive Branch", *SETA Perspective* no:34, Available at: [www.setav.org/nenehatum.cd.no.ankara/turkey](http://www.setav.org/nenehatum.cd.no.ankara/turkey).
39. <http://www.warsawinstitute.org/about-us/warsawinstitute.russia's-s-300-in-syria-shoigu-versus-israel>. <https://navaltoday.com/2018/08/30/russia-announces-25-ship-mediterranean-sea-drill>.
40. <http://www.kremlin.ru> (2016). Russia's Maritime Policy for The Period Up to 2030 Chapter 2, Paragraph 24a.
41. <https://aje.io/4gml9>. Libya: Flight Data Places Mysterious Planes in Haftar Territory", *aljazeera*, 28 may 2019.

# رهنمودهای ناظر بر خط مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران: کاربست علم سودمند در جهت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

علی اصغر پورعزت\* و بهنام عبدی\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۱۹۴-۱۷۳
------------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

اقتصاد دانش بنیان، تولید و کاربرد دانش را منشأ اصلی ایجاد ثروت می‌داند. کارایی این نظام اقتصادی، در گرو تعریف سازوکارها و شناخت عوامل مؤثر بر تولید و به‌کارگیری دانش است، به طوری که از ارتباط این عوامل با یکدیگر، زمینه افزایش عملکرد سایر بخش‌ها نیز فراهم شود. بی‌تردید دسترسی به اهدافی همچون جایگاه برتر اقتصادی، رقابت‌مند شدن اقتصاد، رشد و توسعه پایدار و پرشتاب که در اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های کلان کشور مورد تأکید قرار گرفته است، مستلزم درک شرایط محیطی اقتصاد نوین و توجه به ملزومات آن است. ازسوی دیگر، با توجه به نارسایی‌های موجود در مدل‌ها و الگوهای توسعه و اصولی چون اصل وابستگی به مسیر، پسینی بودن مطالعات و عقلانیت محدود مطرح در اقتصاد تکاملی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منزله اصلی‌ترین و کلان‌ترین سند راهبردی کشور، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. براین اساس، پژوهش حاضر، ضمن بررسی عوامل قابل توجه و ارائه ملاحظات ناظر بر خط‌مشی، گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران را با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مدنظر قرار می‌دهد. رویکرد پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن، کیفی بوده و براساس نظریه پردازی داده بنیاد، ابعاد قابل توجه در این رابطه استخراج و ملاحظات مربوط به خط‌مشی ارائه شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این رویکرد باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد دانش بنیان؛ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ملاحظات ناظر بر خط‌مشی؛ دوران گذار؛ توسعه پایدار

\*استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران؛

Email: pourezzat@ut.ac.ir

\*\*استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه افسری امام علی (ع) (نویسنده مسئول)؛

Email: babdi@modares.ac.ir

## مقدمه

با گسترش نقش علم، فناوری و نوآوری در عصر حاضر، الگوها<sup>۱</sup> و نظریه‌های گوناگونی مطرح شده‌اند که بر نحوه تبدیل علم به ثروت و رشد و توسعه اقتصادی تأکید داشته‌اند (خداداد حسینی و دیگران، ۱۳۹۲/الف: ۱۵۹ و ب: ۱۴۳)، زیرا عرصه اقتصادی، عرصه‌ای است مملو از بازیگران کوچک و بزرگ که هر یک برنامه‌ای برای فعالیت خود دارند و مجموعه‌ای از قواعد و واژگان را بر این عرصه تحمیل کرده‌اند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۸۹). از اوایل دهه ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و با مطرح شدن تئوری رشد درون‌زا<sup>۲</sup> (Romer, 1998: 99)، اقتصاددانان به اهمیت دانش به منزله عامل اصلی در توسعه پایدار<sup>۳</sup> اشاره کرده‌اند و مفاهیمی همچون اقتصاد دانش‌بنیان<sup>۴</sup> مطرح شده است (Trzcielinski, 2015: 19) که به منزله الگوی غالب توسعه اقتصادی در هزاره سوم، مدنظر قرار گرفته است (Verwaal, 2017: 22). براساس گزارش بانک جهانی ارکان اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، شامل نیروی کار تحصیل‌کرده، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و ساختار اطلاعاتی<sup>۵</sup>، تحقیق و توسعه و رژیم نهادی<sup>۶</sup> است (World Bank, 2002: 117). در اقتصاد دانش‌بنیان نظام علم<sup>۷</sup>، اهمیتی فزاینده دارد و عملیات اصلی تولید دانش، معطوف به توسعه و زمینه‌سازی دانش جدید، ارسال دانش<sup>۸</sup> (به معنای تحصیل و توسعه منابع انسانی دانشگر) و انتقال دانش<sup>۹</sup> (در قالب توزیع دانش و فراهم نمودن ورودی‌ها برای حل مسئله) فراهم کرده است (OECD, 1996a: 11). بنابراین در یک سامانه اقتصادی دانش‌بنیان، مباحث مرتبط با چالش‌ها و تطبیق خط‌مشی رقابتی نیازمند بحث و توجه عمیق است (Hsu, Yi-Hsing and Zheng-Yi, 2008: 829) و گذار

- 
1. Paradigms
  2. Endogenous Growth Theory
  3. Sustainable Development
  4. Knowledge-based Economy
  5. Info-structure
  6. Institutional Regime
  7. Science System
  8. Knowledge Transmission
  9. Knowledge Transfer

به اقتصاد دانش بنیان نیز مستلزم تعریف و تدقیق مفهوم گذار است. گذار به فراگردی اشاره دارد که طی آن، تغییری در یک شی، مفهوم یا سیستم از یک حالت به حالت دیگر اتفاق می افتد و در این مسیر مجموعه‌ای از نهادها به مجموعه‌ای دیگر تبدیل می‌شوند (Lundvall, Intarakumnerd, and Vang., 2006: 43). منظور از نهادها؛ هنجارها، قوانین و مقرراتی هستند که به صورت رسمی و صریح یا غیررسمی و ضمنی مطرح می‌شوند. نهادها در قالب سازمان‌ها و ذهن افراد قرار می‌گیرند و به کندی تغییر می‌کنند. در حوزه اقتصاد دانش بنیان، نهاد به چیزی اشاره دارد که تولید، توزیع و استفاده از دانش را برعهده می‌گیرد. درعین حال، نهادها ممکن است بازتاب تغییرات در روابط تولیدکنندگان دانش و استفاده‌کنندگان از آن یا ظهور حالت جدیدی از نوآوری باشند. رویکرد گذار در رابطه با کشورهای آسیایی، ایده در نظر گرفتن بعضی از کشورها به منزله نمونه و الگوبرداری<sup>۱</sup> و تقلید از آنها توسط سایر کشورهای در حال توسعه را به چالش می‌کشد؛ چرا که اگر این‌گونه باشد، آنها اهدافی متحرک<sup>۲</sup> هستند و آنچه که عملکرد آینده آنها را مشخص می‌کند ویژگی‌های کنونی آنها نیست، بلکه توانمندی آنها برای گذار به وضعیتی جدید<sup>۴</sup> است (Ibid.: 17). بنابراین چالش گذار برای کشورهای گوناگون کاملاً متفاوت است. شناسایی و تبیین عوامل قابل توجه در رابطه با گذار به اقتصاد دانش بنیان برای کشورهای در حال توسعه و به طور خاص برای جمهوری اسلامی ایران و براساس رهنمودهای خط مشی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بسیار مهم و قابل توجه است.

با وجود اهمیت و نقش اقتصاد دانش بنیان، کشورهای در حال توسعه در مسیر حرکت خود به سمت اقتصاد دانش بنیان موفق نبوده‌اند. عدم موفقیت جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف اقتصادی تعیین شده در برنامه چهارم و پنجم توسعه و رتبه ۹۶ ایران در رتبه‌بندی اقتصادهای دانش بنیان به این واقعیت اذعان دارد (World Bank, 2012: 112).

1. Transition

2. Benchmark

3. Moving Targets

4. Transition to a New State

از این رو جایگاه برتر پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله ایران از منظر علم و فناوری در خاورمیانه، در صورتی قابل دستیابی خواهد بود که به ابعاد گوناگون این مهم توجه شده و با توجه به شرایط خاصی که کشور با آن مواجه است؛ خط‌مشی مناسب برای بخش‌های متفاوت کشور در نظر گرفته شود (عبدی و خداداد‌حسینی، ۱۳۹۴: ۴۵).  
 در مقاله حاضر، پس از بررسی مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان و ویژگی‌های آن، روش‌شناسی پژوهش ارائه خواهد شد و پس از تحلیل یافته‌ها در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## ۱. اقتصاد دانش‌بنیان

دانش کلیدی‌ترین منبع راهبردی برای توسعه اقتصادی در دنیاست (OECD, 1996b: 56). توسعه پایگاه‌های دانش به تغییر شکل اساسی ساختار رشد اقتصادی منجر شده است. خلق، توزیع و استفاده از دانش برای توسعه در سطوح فردی، سازمانی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بسیار مهم است. یکی از مفاهیم مطرح شده در نتیجه این تغییرات، اقتصاد دانش‌بنیان است که به منزله نقطه ثقل سامانه اصلی جامعه بین‌المللی، در قرن بیست‌ویکم، توسعه می‌یابد (Nunes, 2016: 341). در سال ۱۹۹۵ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی<sup>۱</sup> گزارشی به نام «ملاحظات اقتصاد دانش‌بنیان برای خط‌مشی‌های آینده علم و فناوری» منتشر کرد که به معرفی مفهوم جدیدی از «اقتصاد دانش‌بنیان» پرداخته بود. در سال ۱۹۹۶ این سازمان گزارش جامع‌تری در مورد مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان، اثرات آن بر خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری و شاخص‌های اندازه‌گیری آن منتشر کرد (OECD, 1996b: 76). در این گزارش اقتصاد دانش‌بنیان به منزله اقتصادی است که به‌طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد. از آن زمان این مفهوم به سرعت در میان خط‌مشی‌گذاران مطرح شد و کشورهای مختلف برنامه‌های خود را برای ورود به اقتصاد دانش‌بنیان اعلام کردند. تعریف مشخص و پذیرفته شده‌ای برای اقتصاد دانش‌بنیان وجود ندارد و موارد متعددی

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)



برای آن ذکر شده است. اقتصاد دانش بنیان اقتصادی تعریف می شود که مستقیماً براساس تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات بنا می شود (Ibid., 1996a: 34). به عبارت دیگر، اقتصاد دانش بنیان به جای توانمندسازی فیزیکی، انتقال مواد خام یا شناسایی نیروی کار ارزان قیمت؛ عمدتاً بر به کارگیری ایده ها و فناوری تأکید دارد (World Bank, 2002: 14). به هر حال مفهوم اقتصاد دانش بنیان به تغییرات اساسی در ساختار اقتصاد اشاره می کند (Foray and Lundvall, 1996: 22) که ساخت های جدیدی همچون شرکت های کوچک و متوسط<sup>۱</sup>، انکوباتورهای کسب و کار<sup>۲</sup> و خوشه های فناوری<sup>۳</sup> و فناوری اطلاعات و ارتباطات در گستره جامعه و اقتصاد دانش بنیان مطرح می شوند (Carayannis and et al., 2006: 432). موفقیت در گذار به اقتصاد دانش بنیان نیازمند اتخاذ خط مشی های مناسب است. بنابراین چالش های جدیدی برای خط مشی گذاران، مدیران، پژوهشگران و سایر افراد مطرح شده است (OECD, 1996b: 76). خط مشی های علم و فناوری باید به منظور پیشینه سازی عملکرد و رفاه در اقتصاد دانش بنیان تدوین شوند. در اقتصاد دانش بنیان، نوآوری با مراد تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در تبادل دانش کدبندی شده و دانش ضمنی اتفاق می افتد. شکل گیری نظام های ملی نوآوری که دربرگیرنده جریان ها و روابط بین صنعت، دولت و دانشگاه ها در توسعه علم و فناوری است یکی از عوامل مهم تعیین کننده این نوع از اقتصاد است.

### ۱-۱. ویژگی های اقتصاد دانش بنیان

مفهوم اقتصاد دانش بنیان از تشخیص نقش دانش و فناوری در رشد اقتصادی شکل گرفته است. یکی از ویژگی های متمایزکننده اقتصاد دانش بنیان، توسعه فناوری های جدید برای امکان به کارگیری بیشتر سامان مند دانش است (Brinkly, 2006: 49). به طور کلی در اقتصاد دانش بنیان برویگی های زیر تأکید می شود:

- 
1. Small and Medium-sized Enterprises (SMEs)
  2. Business Incubators
  3. Technology Clusters

۱. تحصیلات و سرمایه انسانی ماهر، با ارزش ترین دارایی در اقتصاد است؛
  ۲. سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی از صنایع دانش بنیان مانند صنایع با فناوری برتر و متوسط حاصل می شود؛
  ۳. میزان سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه بالاست؛
  ۴. ارتباط با سایر بخش های دنیا به خوبی برقرار است؛
  ۵. ظرفیت فناوری، مهارت ها و قدرت نوآوری بالاست؛
  ۶. ضریب نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از اینترنت بالاست؛
  ۷. اقتصاد دانش بنیان؛ چابک، شبکه ای، تطبیق پذیر و قابل انکاست (Ersheid and Jabarín, 2007: 145).
- تجربه کشورهای موفق و پیشرو نشان می دهد به منظور موفقیت در گذار به اقتصاد دانش بنیان؛ نظام ملی نوآوری، توسعه انسانی، فناوری اطلاعات و فضای کسب و کار باید به موازات هم و در مرادده مؤثر با یکدیگر در نظر گرفته شوند. چالش دولت ها، معطوف به تعیین این روابط متقابل و همکاری های بین این حوزه ها است، نه صرفاً پرداختن به تعیین خط مشی های بخشی جداگانه. گذار به اقتصاد دانش بنیان یک فراگرد ادامه دار است که نیازمند نگاهی راهبردی به جرح و تعدیل مناسب، با توجه به شرایط متغیر در طی زمان است. در این رابطه توجه به شکاف های منطقه ای، اجتماعی و اطلاعاتی و تلاش در جهت رفع آنها ضروری است؛ ضمن اینکه تقویت جامعه مدنی نیز باید مدنظر قرار گیرد (World Bank, 2004: 55).
- از طرف دیگر بانک جهانی برنامه ای درباره «دانش برای توسعه» ارائه داده که هدف از آن ایجاد قابلیت در کشورها برای کسب مزیت از فرصت های ایجاد شده در اثر انقلاب دانش بوده است. علاوه بر این، برنامه توسعه چارچوبی را برای کمک به کشورها ارائه کرد تا در گذار به اقتصاد دانش بنیان، بتوانند راهبردهای خود را تدوین کنند. این چارچوب از ۶۶ متغیر ساختاری و کیفی تشکیل می شود که براساس آن می توان اقتصادها را مقایسه کرد. این متغیرها در پنج گروه طبقه بندی می شوند:
۱. عملکرد کلی اقتصاد؛

۲. مشوق های اقتصادی و رژیم نهادی؛

۳. تحصیل و منابع انسانی؛

۴. نظام های نوآوری؛

۵. زیرساخت های اطلاعات.

در این بین بانک جهانی تابلوی امتیازی که مشتمل بر ۱۴ متغیر کلیدی از بین ۶۹ متغیر است را ارائه کرده است (World Bank, 2012: 91).

### ۱-۲. رتبه اقتصاد دانش بنیان در ایران براساس گزارش بانک جهانی

براساس رتبه بندی اقتصادهای دنیا و شاخص های اعلام شده توسط بانک جهانی، ایران در رتبه ۱۹۸ام قرار دارد. جدول ۱ وضعیت اقتصاد دانش بنیان در ایران در مقایسه با کشورهای کره (رتبه ۲۷)، ترکیه (رتبه ۵۳) و دانمارک که در صدر رتبه بندی اقتصادهای دانش بنیان دنیا قرار دارد را نشان می دهد.

جدول ۱. وضعیت اقتصاد دانش بنیان در ایران در مقایسه با سایر کشورها

شاخص	ایران	ترکیه	کره جنوبی	دانمارک
شاخص اقتصاد دانش بنیان <sup>۱</sup>	۳/۷۵	۵/۵۵	۷/۸۲	۹/۵۲
شاخص دانش <sup>۲</sup>	۴/۶۷	۵/۰۷	۸/۴۳	۹/۴۹
مشوق های اقتصادی و رژیم نهادی	۰/۹۹	۶/۹۸	۶	۹/۶۱
تحصیل	۳/۸	۴/۴۶	۸/۰۹	۹/۷۸
نوآوری	۴/۵۶	۵/۸۳	۸/۶	۹/۴۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۵/۶۵	۴/۹۲	۸/۶	۹/۲۱

Source: World Bank, 2012: 91.

1. Knowledge Economy Index

2. Knowledge Index

## ۲. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الگو؛ مدل، طرح، معرفی یا تشریحی است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته می‌شود. تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از ابعاد گوناگون یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در امر برنامه‌ریزی توسعه در کشور محسوب می‌شود (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۲). الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به دنبال تبیین اهداف و راهبردهای پیشرفت براساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران است (ساعد، ۱۳۹۰: ۶۴). از طرف دیگر، مفهوم پیشرفت عبارت است از فراگرد حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۱). از این رو الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: الف) تحلیل وضعیت موجود، ب) تبیین وضعیت مطلوب، ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. همچنین پیشرفت در بخش دفاع باید رویکرد دفاع همه‌جانبه داشته باشد (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰: ۶). الگوی اسلامی پیشرفت؛ مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. همراهی الگوی اسلامی پیشرفت و ایرانی بودن، بر این نکته تأکید دارد که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را به دست آورده است. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یعنی شکل‌گیری جریان مسلط فکری که یک الگوی نظری با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازد زیرا فرهنگ و تمدن در هر جامعه رو به پیشرفت و حرکت، از مواضع و موضوعات اصلی تغییر هستند (امامی، ۱۳۹۲: ۹۱).

با توجه به این موارد، قبل از طراحی و تدوین الگوی پیشرفت لازم است خصوصیات که انتظار می‌رود این الگو از آنها برخوردار باشد؛ مشخص، تعریف و احصا شود و بنا به تعریف و ویژگی‌های مورد انتظار و رویکرد منتخب، طراحی الگو انجام شود. علاوه بر اینها برای الگوسازی نیاز به ایجاد چارچوب مشخص در قالب مدل و نقشه‌هایی برای طراحی الگو است. در نهایت برخورداری از روش کار و ابزار مورد نیاز از ضروریات لازم برای الگو است، بنابراین جایگاه و نقش مبانی فکری در طراحی الگوی پیشرفت، واضح و درعین حال اساسی است زیرا الگوهای پیشرفت ملی که در قالب سندهایی ارائه می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان اسناد بالادستی مطرح شوند (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

براین اساس پژوهش‌های انجام شده قبلی به بررسی مبحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند (خلوصی، ۱۳۹۱: ۴۷؛ عبدی و خدادادحسینی، ۱۳۹۴: ۳۲) اما پژوهش حاضر به تبیین رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران می‌پردازد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، اکتشافی و درصدد ایجاد دانش و درک بهتر از پدیده اقتصاد دانش بنیان است. بر این اساس پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سؤال انجام می‌شود که «عوامل قابل توجه و رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران، با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کدام‌اند؟». بنابراین با بررسی اسناد و مدارک موجود به شناسایی و تبیین این مهم پرداخته شده است. رویکرد این پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن کیفی است و ماهیت بین‌رشته‌ای دارد. پژوهش‌های کیفی برای کمک به پژوهشگر، به منظور درک انسان‌ها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که آنها در آن زندگی می‌کنند، شکل گرفته‌اند (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۶). با توجه به ماهیت پژوهش از راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد<sup>۱</sup> استفاده شده که هدف عمده آن تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی است و در پنج مرحله طراحی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها و مقایسه با متون انجام می‌شود (Strauss and Corbin, 1998: 76). ابعاد و مفاهیم مرتبط، از طریق بررسی منابع مرتبط استخراج شده‌ند. براساس اصل حداکثرسازی منابع داده‌ای به منظور ارتقای هرچه بیشتر روایی درونی در نظریه‌پردازی داده بنیاد، از منابع گوناگونی شامل اسناد و مدارک (تدابیر رهبری؛ اسناد فرادستی (سند چشم‌انداز توسعه، نقشه جامع علمی کشور، برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه))؛ انتشارات و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با ایران (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی)؛ انتشارات بین‌المللی شامل کتاب و

---

1. Grounded Theory

مقالات با محوریت کشورهای در حال توسعه و ایران؛ انتشارات داخلی شامل کتاب، مقالات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها؛ رساله‌ها و پایان‌نامه‌های داخلی مرتبط؛ اخبار مندرج در خبرگزاری‌های رسمی شامل مصاحبه با مسئولان، استادان و متخصصان گوناگون استفاده شده است. برای جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها نیز تلاش شده است. جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به پژوهشگر این فرصت را می‌دهد که بیندیشد چه نوع داده‌هایی را و از کجا جمع‌آوری کند. این روند را که نمونه‌گیری قضاوتی یا نظری می‌گویند، حاکی از آن می‌دانند که موردها به گونه‌ای انتخاب شوند که از سویی کیفیت مفاهیم و مقوله‌ها را افزایش داده و از سوی دیگر، نمونه بعدی و مسیر حرکت را مشخص کنند. این روش نمونه‌برداری ادامه و با کفایت نظری پایان می‌یابد. کفایت نظری زمانی حاصل می‌شود که جمع‌آوری هر نوع داده‌ای، کمکی به افزایش مفاهیم در یک مقوله یا تولید مقوله‌ای جدید نکند (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

#### ۴. تحلیل و یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها براساس روش پژوهش و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۲ انجام شد. دو سطح اصلی این نرم‌افزار سطح متنی<sup>۱</sup> و سطح مفهومی<sup>۲</sup> است. در سطح متنی؛ مواردی همچون تقسیم‌بندی فایل داده‌ها، کدگذاری متن، تصویرها، صداها و... انجام و بر آنها یادداشت نوشته می‌شود. در سطح مفهومی روی مدل‌سازی تمرکز می‌شود. در رابطه با عوامل قابل توجه و رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ایجاد ۱۱۲۹ خط‌کد در مرحله کدگذاری باز، تولید حدود ۷۹ یادداشت در مراحل کدگذاری و استفاده از آنها در مراحل بعد و تولید ۷۱۱ جزء مرتبط و ۴۰ بُعد انجام شد. خروجی نهایی نیز در قالب «عوامل قابل توجه درباره گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» به صورت خلاصه در جدول ۲ ذکر شد.

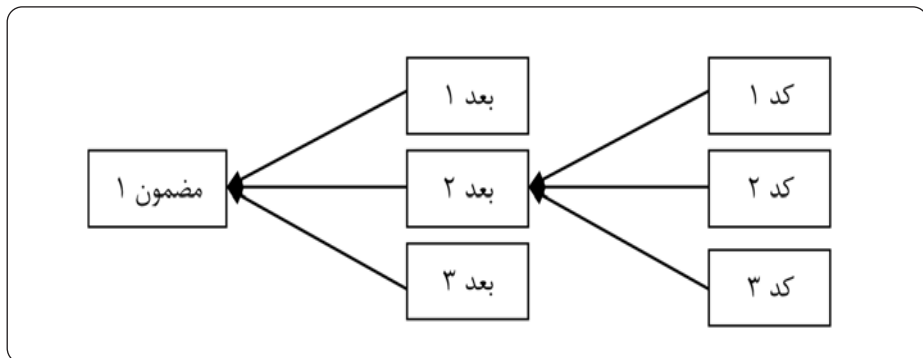
**- گام اول، کدگذاری باز:** کدگذاری باز اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان‌گذاری

1. Contextual

2. Conceptual

و مقوله‌بندی پدیده، آن طور که داده‌ها نشان داده‌اند سروکار دارد و نیازمند پرسیدن سؤالات و انجام مقایسه‌هاست. محصول عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی که «مفاهیم» هستند، رکن اصلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تلقی می‌شوند. کدگذاری باز شامل تحلیل و کدگذاری داده‌ها، مشخص کردن طبقات و تفسیر آنها براساس ویژگی‌های هر طبقه است. همچنین کدگذاری باز داده‌ها، به بخش‌های مجزا خرد شده که برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی این است که به هر کدام از حوادث، رخدادها و ایده‌هایی که در داده‌ها موجود است برچسبی بدهیم. این نام برچسب یا نشانه‌ای است که به جای حادثه، رخداد یا ایده می‌نشیند. در مرحله بعد، خود مفاهیم براساس شباهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. عنوانی که به مقوله‌ها (ابعاد) اختصاص داده می‌شود، انتزاعی‌تر از مفاهیمی (اجزایی) است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده‌مقولات را بر محور خود جمع کنند. عنوان یا نامی که برای مقولات انتخاب می‌شوند باید بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله‌نمایانگر آن است، داشته و آنقدر با آن همخوان باشد که بتوان آنچه که بیان می‌کند را به سرعت به یاد آورد و درباره‌اش فکر کرد. مضامین نیز از کنار هم قرارگرفتن مقولات مرتبط ایجاد می‌شوند. نحوه کدگذاری و تعیین ابعاد و مضامین گوناگون، به زبان ساده در شکل ۱ نشان داده شده است:

شکل ۱. نحوه کدگذاری و شناسایی ابعاد و مضامین مرتبط با پدیده مورد بررسی، در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد



نتایج فراگرد کدگذاری باز در این تحقیق، در قالب مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم در جدول ۲ ذکر شده‌اند. به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن حجم مقاله از ارائه موارد تکراری و تعاریف تفصیلی مقولات ذکر شده خودداری شد.

جدول ۲. نتایج کدگذاری باز (عوامل قابل توجه در رابطه با استقرار اقتصاد دانش بنیان در ایران با

رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)

ردیف	ابعاد	تعداد اجزا
۱	ایجاد هم‌افزایی از طریق توسعه نظام ملی نوآوری در کشور	۴۱
۲	خودکفایی و اعتقاد به اقتصاد درون‌زا	۵۲
۳	ایجاد سازمان‌های یادگیرنده	۷۳
۴	توسعه مرزهای دانشی با تحقیق و توسعه	۴۵
۵	جذب سرمایه‌های خارجی براساس انتقال فناوری	۶۱
۶	ارتقای ظرفیت تاب‌آوری اقتصاد در شرایط خاص	۵۴
۷	توسعه شبکه‌ها و سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز به صورت یکپارچه	۴۹
۸	اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز	۴۷
۹	تسهیل فضای کسب‌وکار	۶۴
۱۰	نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت	۶۹
۱۱	تبدیل پیشرفت به گفت‌وگو عمومی جامعه	۵۸
۱۲	تحول و هوشمندسازی نظام آموزشی و پرورشی کشور	۴۱
۱۳	عزم و اراده ملی به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز	۶۲
۱۴	توانمندسازی سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی	۴۶
۱۵	نهادینه‌سازی فرهنگ پرهیز از مصرف‌گرایی	۳۹
۱۶	تأکید بر نظام توسعه منطقه‌ای در کشور	۴۸
۱۷	امیدواری به رحمت خداوند و توکل بر قدرت لایزال الهی	۵۱
۱۸	اشاعه فرهنگ و ساختار اقتصاد مقاومتی	۶۳
۱۹	توسعه سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد، انسجام و مشارکت عمومی	۵۲
۲۰	اتخاذ رویکرد سیستمی و نگاه جامع در پیشرفت	۶۳
۲۱	جان‌شین‌پروری و پرورش مدیران مورد نیاز در سطوح و مقاطع زمانی گوناگون	۴۷



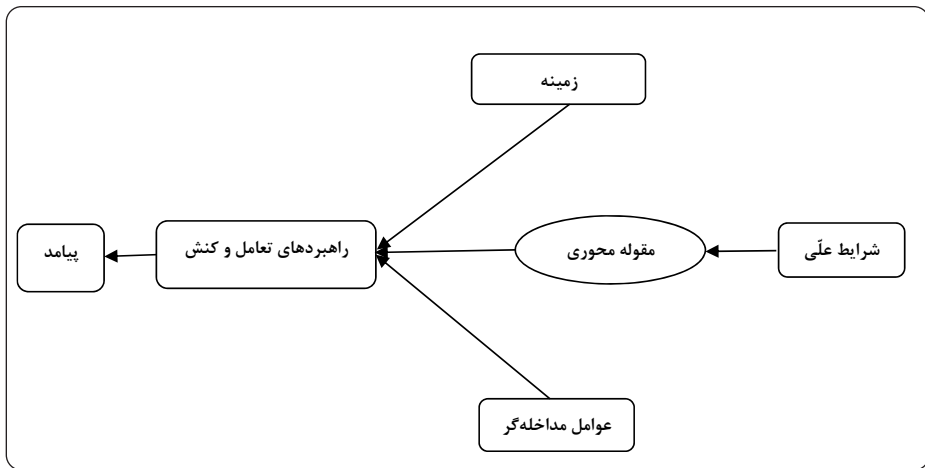
ردیف	ابعاد	تعداد اجزا
۲۲	اشاعه عدالت اجتماعی	۶۴
۲۳	بهبود مستمر	۶۹
۲۴	بازیابی و تحول علوم انسانی	۴۱
۲۵	توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور	۶۲
۲۶	توجه به حفظ و اعتلای نظام خانواده	۴۶
۲۷	توسعه نقش بخش خصوصی در کشور	۳۹
۲۸	گسترش رابطه دولت، صنعت و دانشگاه	۴۸
۲۹	پیشرفت براساس عدالت و تلاش و نه ظلم و استعمار	۵۱
۳۰	طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام	۶۳
۳۱	افزایش روحیه جهادی و اخلاص	۵۲
۳۲	افزایش عزت ملی و اعتماد به نفس ملی	۶۳
۳۳	امید به خداوند و ایمان الهی، مایوس نشدن در برابر مشکلات و نگاه بلندمدت و تاریخی	۴۷
۳۴	ایستادگی و ثبات قدم	۴۱
۳۵	تحول نظام اداری	۶۲
۳۶	حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی	۴۶
۳۷	پرهیز از شتاب‌زدگی	۳۹
۳۸	اولویت‌بندی اهداف، برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری مناسب	۴۸
۳۹	محور بودن انسان	۵۱
۴۰	تضمین استقلال همه‌جانبه کشور	۶۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

**گام دوم، کدگذاری محوری:** کدگذاری محوری، گام دوم نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به روایت استراوس و کوربین است (Strauss and Corbin, 1998: 122). هدف این گام برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کار براساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی موسوم به مدل پارادا<sup>۱</sup> انجام می‌شود و به نظریه‌پردازی کمک می‌کند تا نظریه فراگرد اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد (شکل ۲). برقراری ارتباط بین مقوله‌ها در کدگذاری محوری،

بر تعیین یک مقوله به منزله مقوله محوری یا اصلی قرار دارد. پس از آن، سایر مقولات به مثابه مقولات فرعی، ذیل عناوین گوناگون مدل پارادایم (شرایط علی، زمینه، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای تعامل و کنش و پیامد)، به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند.

شکل ۲. مدل پارادایم



Source: Strauss and Corbin, 1998: 124.

مطابق شکل فوق بخش‌های گوناگون مدل پارادایم عبارتند از:

- **شرایط علی<sup>۱</sup>**: باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از مقوله‌ها به همراه ویژگی‌هایشان تشکیل می‌دهند که بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری مقوله محوری دارند.

- **مقوله محوری<sup>۲</sup>**: عبارت است از پدیده‌ای که اساس و محور فراگرد است. این مقوله باید به قدر کافی انتزاعی باشد تا بتوان سایر مقولات اصلی را به آن ربط داد.

1. Causal Conditions
2. Central Category

- **زمینه<sup>۱</sup>**: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند گفته می‌شود. تشخیص و تفکیک شرایط زمینه‌ای از شرایط علی مشکل است. در برابر شرایط علی که مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است، شرایط زمینه‌ای را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند.

- **راهبردهای تعامل و کنش<sup>۲</sup>**: کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و مراودات هدف‌داری‌اند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گرا اتخاذ می‌شوند. به این مقولات راهبرد نیز گفته می‌شود. از آنها با عنوان فراگردها نیز یاد می‌شود.

- **عوامل مداخله‌گر<sup>۳</sup>**: شرایط عمومی و ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.

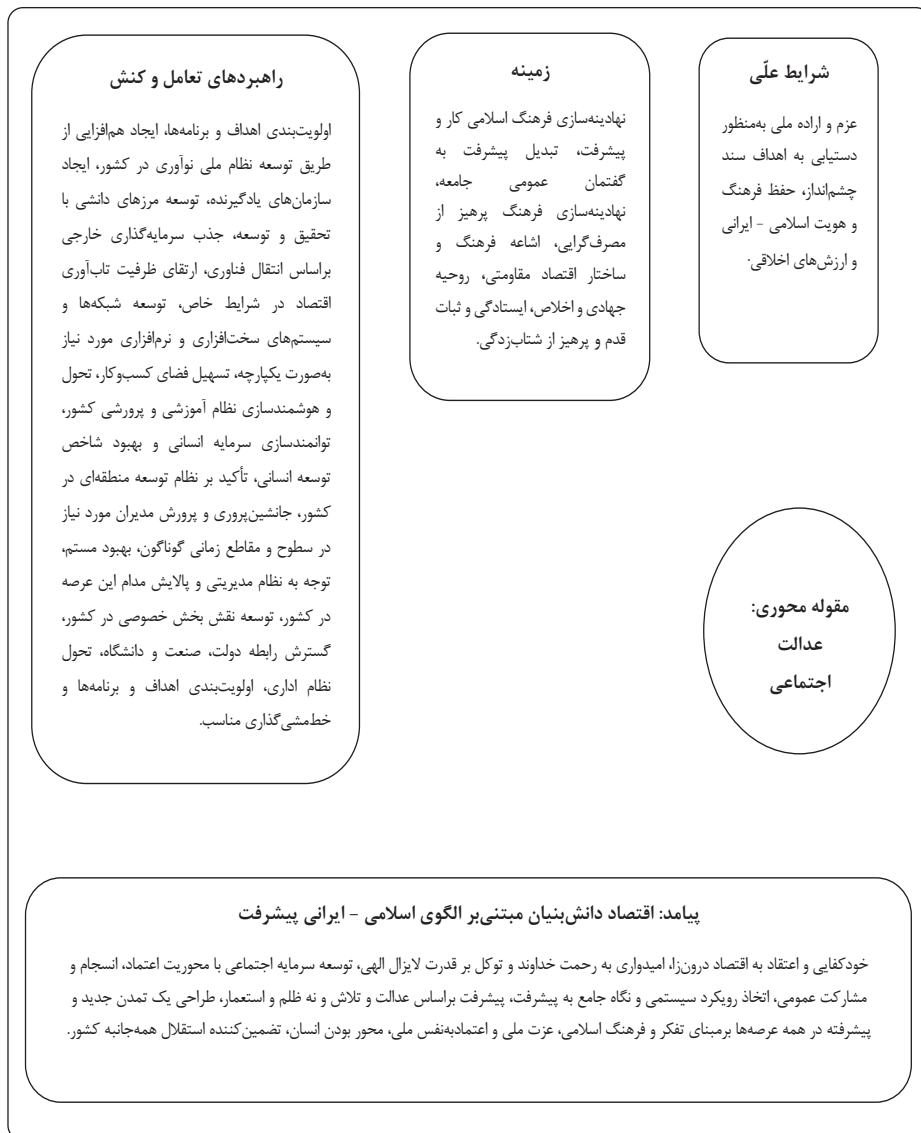
- **پیامد<sup>۴</sup>**: مقوله‌ای که در رابطه با آن نظریه ارائه می‌شود و نتیجه راهبردهای تعامل و کنش است، پیامد خوانده می‌شود. این مقوله دارای همان عنوانی (نام یا برچسب مفهومی) است که برای چارچوب یا طرح پدیدار شده، در نظر گرفته می‌شود.

بعد از تعریف مقوله محوری با کدگذاری مجدد داده‌ها؛ انواع شرایط تأثیرگذار بر مقوله محوری (زمینه و شرایط مداخله‌گر)، کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی که برای اداره، کنترل یا پاسخ به مقوله محوری به وجود می‌آیند (به آنها راهبرد نیز گفته می‌شود) و پیامدهای ناشی از آنها نیز تعریف می‌شوند. شکل ۳ که حاصل تجزیه و تحلیل مجدد داده‌ها براساس مدل پارادایم است، بیانگر نتایج کدگذاری محوری در این تحقیق است. همان‌طور که در شکل آمده است، در مرحله کدگذاری محوری سعی شد تا ضمن انتخاب یک مقوله به منزله مقوله محوری، داده‌ها براساس ساختار مدل پارادایم مجدداً پردازش شوند. بر این اساس با توجه به ویژگی‌های فوق که به وسیله استراوس درباره مقوله محوری مطرح شده، مقوله «عدالت اجتماعی» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شد. با استفاده از مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز

- 
1. Context
  2. Action and Interaction Strategies
  3. Intervening Conditions
  4. Outcome

و همچنین داده‌های جمع‌آوری شده، تلاش شد تا شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه و پیامد برای مقوله محوری تعریف شوند.

### شکل ۳. نظریه گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت



**گام سوم، کدگذاری انتخابی:** هدف نظریه پردازی داده بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به طور منظم به یکدیگر ربط یابند. این گام، مرحله اصلی نظریه پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری (که به منزله مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای نظریه پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را به‌عنوان سازه‌ها و اصول اصلی نظریه در اختیار می‌گذارند) به تولید نظریه می‌پردازد. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکلی سامانمند به دیگر مقوله‌ها ربط داده، روابط را در چارچوب یک روایت مشخص کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در این گام، سعی می‌شود پس از تعیین مقوله محوری به منزله مضمون اصلی یک روایت نظری برای پدیده ارائه شده، سایر مقولات به نحوی کنار هم قرار گیرند که بین مفاهیم و مقوله‌ها ارتباطی سامانمند ایجاد شود (Ibid.,:131). بنابراین کدگذاری انتخابی فراگرد یکپارچه‌سازی و بهبود (پالایش) مقوله‌هاست؛ به این ترتیب که محقق با ایجاد آهنگ و چیدمان خاصی بین مقوله‌ها آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه (تصویر) تنظیم می‌کند. تئوری حاصل شامل ایده‌ها و نمونه‌هایی است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه می‌تواند در قالب مجموعه‌ای از فرضیه‌ها (اصلی و فرعی) بیان شود (Creswell, 2004: 19). همان‌طور که اشاره شد در مقاله حاضر گذار به اقتصاد دانش بنیان بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه این پدیده، مقوله‌های جدیدی به وجود آمدند که براساس آنها جداول کدگذاری باز تنظیم شد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، براساس مدل پارادایم و با محوریت مقوله «عدالت اجتماعی» به‌عنوان یک مضمون اصلی، مقوله‌ها توسعه بیشتری پیدا کرده و بین آنها و مقوله محوری روابطی ایجاد شد.

## ۵. قضایای نظریه مبنای<sup>۱</sup> پیشنهادی و رهنمودهای ناظر بر خط مشی گذار به اقتصاد

### دانش بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

قضایای نظریه مبنای روابط کلی بین طبقه محوری و سایر طبقات را نشان می‌دهند؛ به طوری که

در نهایت به نتیجه و پیامد نهایی منجر خواهند شد. قضایا شامل روابط و ساختار مفهومی هستند که در نظریه مطرح مورد نظر در شکل ۳ بیان شده است. در قسمت ۶ قضیه مطرح می شوند. از آنجاکه نظریه پردازی داده بنیاد به تولید روابط مفهومی منجر می شود، هر یک از قضایای زیر در قالب فرضیه برای پژوهش های بعدی قابل بررسی و سنجش است.

**قضیه اول:** عزم و اراده ملی به منظور دستیابی به اهداف سند چشم انداز و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش های اخلاقی به منزله شرایط علی، بر طبقه محوری (بهبود مستمر) تأثیرگذار است.

**قضیه دوم:** عدالت اجتماعی به مثابه طبقه محوری بر راهبردهای تعامل و کنش (مطرح در قضیه پنجم) مؤثر است.

**قضیه سوم:** عواملی چون زمینه قانونی مناسب (اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز)؛ بازبینی و تحول علوم انسانی؛ توجه به حفظ و اعتلای نظام خانواده؛ امید به خداوند و ایمان الهی، مایوس نشدن در برابر مشکلات و نگاه بلندمدت و تاریخی به مثابه عوامل مداخله گر بر راهبردهای تعامل و کنش مؤثرند.

**قضیه چهارم:** نهادینه سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت؛ تبدیل پیشرفت به گفتمان عمومی جامعه؛ نهادینه سازی فرهنگ پرهیز از مصرف گرایی؛ اشاعه فرهنگ و ساختار اقتصاد مقاومتی؛ روحیه جهادی و اخلاص؛ ایستادگی و ثبات قدم و پرهیز از شتاب زدگی به عنوان بستر و زمینه ساز بر راهبردهای تعامل و کنش مؤثر خواهند بود.

**قضیه پنجم:** گذار به اقتصاد دانش بنیان با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پیامد و نتیجه عوامل ذیل است: اولویت بندی اهداف و برنامه ها؛ ایجاد هم افزایی از طریق توسعه نظام ملی نوآوری در کشور؛ ایجاد سازمان های یادگیرنده؛ توسعه مرزهای دانشی با تحقیق و توسعه؛ جذب سرمایه های خارجی بر اساس انتقال فناوری؛ ارتقای ظرفیت تاب آوری اقتصاد در شرایط خاص؛ توسعه شبکه ها و سیستم های سخت افزاری و نرم افزاری مورد نیاز به صورت یکپارچه؛ تسهیل فضای کسب و کار؛ تحول و هوشمندسازی نظام آموزشی و پرورشی کشور؛ توانمندسازی سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی؛ تأکید بر نظام توسعه منطقه ای در کشور؛ جانشین پروری و پرورش مدیران مورد نیاز در سطوح و مقاطع

زمانی متفاوت؛ بهبود مستمر؛ توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور؛ توسعه نقش بخش خصوصی در کشور؛ گسترش رابطه دولت، صنعت و دانشگاه؛ تحول نظام اداری و اولویت بندی اهداف و برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری مناسب.

**قضیه ششم:** اقتصاد دانش بنیان با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با این مشخصه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد؛ با خودکفایی و اعتقاد به اقتصاد درون‌زا؛ امیدواری به رحمت خداوند و توکل بر قدرت لایزال الهی؛ توسعه سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد، انسجام و مشارکت عمومی؛ اتخاذ رویکرد سیستمی و نگاه جامع در پیشرفت؛ پیشرفت براساس عدالت و تلاش، نه ظلم و استعمار؛ طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام؛ عزت ملی و اعتماد به نفس ملی و محور بودن انسان به طوری که تضمین‌کننده استقلال همه جانبه کشور باشد.

## ۶. جمع بندی و نتیجه‌گیری

پیشرفت مستلزم نگاهی جامع و سامان‌مند به حوزه‌ها و ابعاد گوناگون قابل توجه و روابط متقابل بین آنها با توجه به سابقه و تاریخچه علم و فناوری کشور است. چالش دولت تعیین روابط متقابل و همکاری بین این حوزه‌هاست، نه صرفاً تعیین خط‌مشی‌های بخشی جداگانه. گذار به اقتصاد دانش بنیان یک فراگرد ادامه‌دار است که نیازمند نگاهی راهبردی و انطباق‌پذیر، با توجه به شرایط متغیر در طی زمان است. در این باره توجه به شکاف‌های منطقه‌ای، اجتماعی و اطلاعاتی و تلاش در جهت رفع آنها ضروری است؛ ضمن اینکه تقویت جامعه مدنی نیز باید مدنظر قرار گیرد. همان‌طور که در این مقاله مطرح شد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به‌عنوان مبنا و اساس همه اسناد و تلاش‌های کشور خواهد بود. از این رو گذار به اقتصاد دانش بنیان نیز مستلزم ملاحظه و درک این رویکرد است. بر این اساس عزم و اراده ملی به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی از ضرورت‌های هر اقدامی در این زمینه است. از طرف دیگر باید محور همه حرکت‌ها و فعالیت‌ها، عدالت اجتماعی باشد؛ ضمن اینکه نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت و تبدیل پیشرفت به گفتمان عمومی جامعه به اقتصادی منجر خواهد شد که تضمین‌کننده استقلال همه جانبه کشور خواهد بود.

## منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، احمد و محمود عسگری (۱۳۸۹). «الزام‌های نظری طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی»، فصلنامه رهبر دفاعی، سال ۸، ش ۳۱.
۲. امامی، سیدمجید (۱۳۹۲). «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۴، ش ۴.
۳. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). مبانی دانش/اداره دولت و حکومت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران، نشر صفار.
۵. عبدی، بهنام و سیدحمید خدادادحسینی (۱۳۹۴). «گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران: تبیین نقش آموزش عالی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم/انتظامی، سال ۳، ش ۲.
۶. خدادادحسینی، سیدحمید، بهنام عبدی، علیرضا حسن‌زاده و علی محمد احمدی (۱۳۹۲/الف). «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران»، فصلنامه رهبر/اقتصادی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، ش ۵.
۷. --- (۱۳۹۲/ب). «مفهوم‌پردازی گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران با رویکرد سیاست علم و فناوری»، فصلنامه مجلس و رهبر، مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۲۰، ش ۷۶.
۸. خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۱). «شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، معرفت سیاسی، سال ۴، ش ۲.
۹. خوش‌چهره، مجید و نیک‌بخش حبیبی (۱۳۹۱). «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران»، فصلنامه رهبر، دوره ۲۱، ش ۶۲.
۱۰. ساعد، نادر (۱۳۹۰). «چارچوب تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و جنبه‌های دفاعی آن: رهیافتی حقوقی»، فصلنامه رهبر دفاعی، سال ۹، ش ۳۲.
۱۱. کیوان‌حسینی، سیداصغر و راحله جمعه‌زاده (۱۳۹۰). «پیوندبخشی میان رویکرد دفاع همه جانبه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: چارچوب پیشنهادی»، رهبر دفاعی، دوره ۹، ش ۳۴.



۱۲. قاضی زاده، سیدضیال‌الدین (۱۳۸۹). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح»، راهبرد دفاعی، دوره ۸، ش ۳۱.
۱۳. عبدی، بهنام و سیدحمید خدادادحسینی (۱۳۹۴). «گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران: تبیین نقش آموزش عالی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، سال ۳، ش ۲.
14. Brinkly, Jan (2006). *Defining the Knowledge Economy*, London, The Work Foundation.
15. BIBLIOGRAPHY Carayannis, E. G., D. Popescu, C. Sipp and M. Stewart (2006). *Technological Learning for Entrepreneurial Development (TL4ED) in the Knowledge Economy (KE)*, Case Studies and Lessons Learned. 26.
16. Creswell, JW. (2004). *Research Design: Qualitative and Quantitative Approachs*, California, SAGE Publications.
17. Ersheid, Fause and Amer Jabarin (2007). *Policies to Promote an Enabling Environment for a Knowledge-based Economy in Palestine and Jordan*, Palestine Economic Policy Research Institute.
18. Foray, D. and B.-A. Lundvall (1996). The Knowledge-based Economy: from the Economics of Knowledge to the Learning Economy, In: Employment and Growth in the Knowledge-Based Economy, OECD.
19. Hsu, George J.Y., Lin Yi-Hsing and Wei Zheng-Yi (2008). "Competition Policy for Technological Innovation in an Era of Knowledge-based Economy", *Knowledge-Based Systems*, 21.
20. Lundvall, B.A., P. Intarakumnerd and J.Vang (2006). *Asia's Innovation Systems in Transition*. Northampton, Edward Elgar Publishing, Inc.
21. Nunes, Ashley (2016). "HYPERLINK "http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0965856416303020" Increased Productivity Efforts Yield Few Rewards In The Knowledge Economy", *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, Vol 94.

22. OECD (1996a). *The Knowledge-Based Economy*, Paris, OECD.
23. --- (1996b). *Employment and Growth in the Knowledge-based Economy*, Paris, OECD.
24. Romer, P. M. (1998). "Endogenous Technological Change", *Journal of Political Economy*.
25. Strauss, A. and J. Corbin (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, California: Sage Publications, Inc.
26. Trzcielinski, Stefan (2015). " HYPERLINK "<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2351978915011178>" The Influence of Knowledge Based Economy on Agility of Enterprise ", *Procedia Manufacturing*, Vol 3.
27. Verwaal, Ernst (2017). " HYPERLINK "<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1090951616301341>" Global Outsourcing, Explorative Innovation and Firm Financial Performance: A Knowledge-Exchange Based Perspective ", *Journal of World Business*, Vol. 52, Issue 1
28. World Bank (2002). "Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education", Washington D.C.
29. --- (2004). *Turkey Knowledge Economy Asswssment Study*, Washington D.C., Private and Financial Sector Unit, Europe and Central Asia Region.
30. --- (2012). *Knowledge Appraisal Measurement*, Washington D.C., World Bank Publications.

# حکمرانی خوب شهری به منزله مرجعیت سیاستگذاری شهری؛ تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران

ابوالفضل قاسمی\*، محمدتقی قزلسفلی\*\* و یوسف مسلمی مهنی\*\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۴	شماره صفحه: ۱۹۵-۲۲۱
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

در سال‌های اخیر، مقوله حکمرانی شهری به مسئله‌ای بنیادین در سیاستگذاری شهری تبدیل شده است. با توجه به ظرفیت‌های قانون اساسی ایران، هنوز چنان‌که باید به امر سیاستگذاری تبدیل نشده است. در پژوهش حاضر از منظر سیاستگذاری عمومی و با تأکید بر مرجعیت‌ها به انطباق برنامه‌های پنجم و ششم توسعه با حکمرانی خوب شهری پرداخته می‌شود. سؤال اصلی تحقیق عبارت است از مرجعیت سیاستگذاری شهری در برنامه توسعه (پنجم و ششم) در ایران امروز چگونه است؟ چارچوب نظری تحقیق استفاده از نظریه حکمرانی خوب شهری مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد است. روش تحقیق تحلیل محتوای مضمونی و گردآوری اطلاعات اسنادی - کتابخانه‌ای است. براساس یافته‌ها، چهار مضمون فراگیر کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد مرجعیت سیاست‌های شهری؛ تعریف روشنی از جایگاه بخش حکمرانی شهری در ایران ارائه نمی‌کند، خواست و انتظار مسئولان از حکمرانی شهری به خوبی تبیین نشده و نگاه تمرکزگرایانه هنوز وجود دارد. در نتیجه ابهام مرجعیت بخش حکمرانی شهری، بر فرایند تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها تأثیر گذاشته و موجب محقق نشدن اهداف توسعه حکمرانی خوب شهری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه پنجم و ششم توسعه؛ سیاستگذاری شهری؛ حکمرانی خوب شهری؛ مرجعیت

---

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛  
Email: a.ghasemi2017@stu.umz.ac.ir

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران؛  
Email: m.ghezel@umz.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛  
Email: moslemi@uk.ac.ir

## مقدمه

برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری یکی از وظایف و ابزارهای مهم مدیریت درست است که براساس آن روش‌های دستیابی به هدف‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... شناسایی می‌شود (Moore-Chery and Tomaney, 2018: 2-3). برای نیل به هر هدف و انجام هر فعالیتی نیازمند برنامه‌های مناسب هستیم که در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت تدوین می‌شوند. با ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به نیازهای گوناگون شهری و منطبق نبودن نیازها و خواسته‌های شهروندان با طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده و ضرورت مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور شهری، امروزه الگویی از اداره شهرها بر پایه نگرش نوینی از حکمروایی شهری مطرح شده است که همسو با دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به مشارکت جدی در اداره امور شهرها فراخوانده می‌شوند (Brunetta and etal, 2019: 17-19). بنابراین، برای برنامه‌ریزی اداره امور عمومی شهری دو پارادایم وجود دارد. در پارادایم اول که حکومت نام دارد، شهرداری مسئولیت تمام امور را برعهده دارد. این نهاد موظف است تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از شروط توسعه انسانی به‌شمار می‌روند. این نهادها ضمن آنکه در تعامل با یکدیگر قرار دارند؛ ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش، امکان به‌ترزیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهند کرد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹).

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نظام مدیریت شهری بیانگر جوه ارتباط بین نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی در سازمان‌های محلی و سازمان‌دهی امور در این نهادهاست. هرچند شکل‌گیری شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۸، نخستین گام جدی دولت برای تمرکززدایی و ایجاد نظام محلی در اداره امور بود (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۶)؛ اما برای اتخاذ یک سیاستگذاری صحیح نیازمند فهم مرجعیت آن بخش نیز هستیم. زیرا مرجعیت بخش به مثابه محور توسعه و نظام تصمیم‌گیری و ایجاد اجماع بین نخبگان و برنامه‌ریزان است. از این رو بخش حکمرانی شهری در برنامه‌های توسعه ایران باعث شناخت محدودیت‌ها

و موانع بخش حکمرانی شهری می‌شود. فقدان این بخش در حکمرانی شهری سبب عدم شکل‌گیری نظام تصمیم‌گیری منسجم می‌شود و به تبع آن منابع که به‌عنوان ابزار توسعه هستند رو به زوال و نابودی می‌روند. وجود مرجعیت حکمرانی شهری زمینه سیاستگذاری منسجم شهری و تعیین اهداف مشخص را فراهم و سازوکارهای دستیابی به آنها را تعیین می‌کند. با توجه به اهمیت مرجعیت‌ها در سیاستگذاری، بررسی سایر مسائل و موانع موجود در سیاستگذاری نیز با مرجعیت سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود. از این رو گام اول در سیاستگذاری شهری تعیین مرجعیت آن، یعنی حکمرانی خوب شهری است. مهمترین عنصر در حکمرانی شهری، شهروند است که نیازها و خواسته‌های او باید با نگاهی همه‌جانبه تأمین شود. سیاستگذاری شهری در صورتی موفق خواهد بود که این نگاه همه‌جانبه وجود داشته باشد و مرجعیت سیاست‌های شهری باید تصویری روشن از خواسته‌ها، نیازها و ارزش‌های حکمرانی شهری ارائه دهد. از این رو سؤال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه مرجعیت سیاستگذاری شهری در برنامه توسعه (پنجم و ششم) در ایران امروز ما چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال باید به این سؤالات نیز پاسخ داده شود: حکمرانی خوب شهری و شاخص‌های آن چیست؟ مرجعیت حکمرانی خوب شهری در برنامه‌های توسعه کدام است؟ وجود شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه چگونه می‌باشد؟ سازمان دهی پژوهش حاضر نیز بر همین اساس طراحی شده است.

## ۱. پیشینه پژوهش

### ۱-۱. پیشینه نظری پژوهش

واژه حکمرانی از لغت یونانی *Kybernan* و *Keybernentes* ناشی می‌شود که به معنای رهبری و هدایت یا سکان‌داری و اداره امور است. برنامه توسعه سازمان ملل؛ حکمرانی را اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و مدیریتی برای کنترل امور کشور در تمام سطوح می‌داند (Abdellatif, 2003: 4). بُعد اقتصادی شامل فرایندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بُعد سیاسی نیز اشاره به فرایندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌هاست و جنبه مدیریتی آن هم به سیستم اجرای خط‌مشی‌ها دلالت دارد (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۲۴).

حکمرانی بر اثر تعامل هر سه بخش حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در اداره سیاسی و اقتصادی یک شهر به وجود می‌آید و در مجموع معیارهای چگونه زیستن را برای شهروندان ایجاد می‌کند. حکمرانی شهری، مفهومی گسترده‌تر و فراگیرتر از حکومت شهری است، حکومت شهری، مجموعه سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر است. حال آنکه حکمرانی شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است. حکمرانی شهری هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در برمی‌گیرد. تحقق حکمرانی شهری مستلزم کنش متقابل بین نهادهای رسمی و دولتی و نهادهای جامعه مدنی است و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید می‌کند و به دلیل شرکت نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارض‌ها منجر شود (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۳). حکمرانی خوب شهری بر مبنای تجربه عملی، دستور کار و یادداشت تفاهم مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد است. مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد تعریفی را از حکمرانی خوب شهری به این شرح ارائه می‌کند: «حکمرانی شهری به طرز تفکیک‌ناپذیری با رفاه شهروندان در ارتباط است. حکمرانی خوب شهری می‌بایستی زنان و مردان را قادر کند تا به مزایا و منافع حقوق شهروندی شهری دست یابند. از طریق حکمرانی خوب شهری، شهروندان برنامه‌ای آماده می‌کنند که به واسطه آن می‌توانند از استعداد و هوششان برای اصلاح و بهبود موقعیت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی نهایت بهره را ببرند» (UN-HABITAT, 2004).

ژان پیراز منظر تنوع نگاه به بحث انواع حکمرانی شهری را به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

**الف) مدیریتی:** حکومت محلی سازمانی عمومی است که نیازها و منافع عمومی را از طریق تولید و توزیع خدمات برآورده می‌کند. بازیگران اصلی این مدل مدیران سازمان‌های تولیدکننده و خدمات عمومی هستند. حکمرانی مدیریتی دو هدف اصلی یعنی افزایش کارایی تولید و توزیع خدمات عمومی و فراهم کردن شرایطی که در آن مشتریان بتوانند تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان خدمات را انتخاب کنند، دنبال می‌کند.

**ب) طرفدار رشد:** نخبگان سیاسی و اقتصادی شهر تا چه اندازه به تصمیمات سیاسی ملی و کلان اجازه مداخله می‌دهند و از آنها برای رشد شهر استفاده می‌کنند. در این مدل که

نخبه‌گراست مشارکت محدود است و رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی تلقی می‌شود. نخبگان تجاری شهری و مقامات منتخب ارشد نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

(ج) **رفاهی**: اختصاص به آن دسته از شهرهایی دارد که روزگاری دارای رونق اقتصادی ناشی از صنعتی شدن بودند، اما در حال حاضر دچار رکود اقتصادی شده‌اند. این مدل تنها راه برون‌رفت از رکود را اتکا به دولت می‌داند.

(د) **مشارکتی**: خاص دموکراسی‌های کوچک، پیشرفته و صنعتی اروپای غربی نظیر سوئیس، هلند و اتریش است که سه بازیگر اصلی یعنی اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان و دولت به چانه‌زنی و تصمیم‌گیری می‌پردازند (Pierre, 1999: 378) - (385).

به‌طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های چهار مدل حکمرانی شهری ژان پیر را در جدول زیر ترسیم کرد.

جدول ۱. ویژگی‌های حکمرانی شهری ژان پیر

مدل‌های حکمرانی شهری				ویژگی‌های تعریف‌کننده
رفاهی	طرفدار رشد	مشارکتی	مدیریتی	
توزیع مجدد	رشد	توزیعی	کارایی	اهداف سیاستگذاری
ایدئولوژیک	عمل‌گرا	ایدئولوژیک	عمل‌گرا	سبک سیاستگذاری
محدودکننده	تعاملی	هماهنگ	رقابتی	ماهیت مبادلات سیاسی
محدودکننده	تعاملی	هماهنگ	رقابتی	ماهیت مبادلات عمومی - خصوصی
عمومی	اختصاصی	عمومی	اختصاصی	روابط دولت محلی - شهروندان
دولت	کاسب‌کاران	رهبران مدنی	کارشناسان	وابستگی اصلی
شبکه‌ها	شراکت	مذاکره	قراردادها	ابزارهای اصلی
برابری	رشد	مشارکت	اثربخشی	معیار اصلی ارزیابی

Source: Pierre, 1999: 388.

### ۱-۱-۱. اصول حکمرانی خوب شهری

برای سنجش حکمرانی خوب شهری، برنامه سکونتگاه بشری سازمان ملل متحد از پنج

نشانگر اصلی: برابری<sup>۱</sup>، کارآمدی<sup>۲</sup>، پاسخگویی<sup>۳</sup>، مشارکت<sup>۴</sup> و امنیت<sup>۵</sup> بهره می‌گیرد که هر یک از آنها سنجه‌های متعددی دارند.

جدول ۲. سنجه‌های حکمرانی خوب شهری

نشانگرها	سنجه‌های با اهمیت بالا	سنجه‌های با اهمیت بالا و متوسط
کارآمدی	درآمد سرانه حکومت محلی درآمد انتقالی حکومت محلی نسبت مالیات اخذ شده به مالیات تکلیفی استانداردهای عملکردی منتشر شده	درآمد سرانه حکومت محلی نسبت بودجه جاری و سرمایه‌ای واقعی درآمد انتقالی حکومت محلی نسبت مالیات اخذ شده به مالیات تکلیفی پیش‌بینی‌پذیری درآمدهای انتقالی استانداردهای عملکردی منتشر شده بررسی رضایت ارباب رجوع بیانیه چشم‌انداز
برابری	بیانیه شهروندی نسبت نمایندگان زن در شورا نسبت زنان در مناصب کلیدی دسترسی به اتصال آب برای ساکنان آب ارزان‌تر برای مناطق فقیرنشین سیاست‌های حمایت از فقرا	بیانیه شهروندی برای خدمات اصلی نسبت نمایندگان زن در شورا نسبت زنان در مناصب کلیدی دسترسی به اتصال آب برای ساکنان سیاست‌های حمایت از فقرا آب ارزان‌تر برای مناطق فقیرنشین بازار غیررسمی
مشارکت	شورای انتخابی انتخاب شهردار نسبت رأی‌دهندگان خانه مردم انجمن‌های شهری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	شورای انتخابی انتخاب شهردار نسبت رأی‌دهندگان خانه مردم انجمن‌های شهری

1. Equity
2. Effectiveness
3. Accountability
4. Participation
5. Security



نشانه‌ها	سنجه‌های با اهمیت بالا	سنجه‌های با اهمیت بالا و متوسط
پاسخگویی	انتشار رسمی قراردادها، مناقصه‌ها، بودجه و محاسبات کنترل به وسیله سطوح بالاتر حکومت کمیسیون ضدفساد افشای درآمد و دارایی فردی بازرسی مستقل مرتب	انتشار رسمی قراردادها، مناقصه‌ها، بودجه و محاسبات کنترل به وسیله سطوح بالاتر حکومت قوانین مدیریتی سهولت در دریافت شکایات کمیسیون ضدفساد افشای درآمد و دارایی فردی بازرسی مستقل مرتب
امنیت	سیاست‌های جلوگیری از جرم خدمات پلیس به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر حل اختلاف خشونت بر علیه سیاست‌های زنان سیاست‌های آیدز	سیاست‌های جلوگیری از جرم خدمات پلیس به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر حل اختلاف خشونت بر علیه سیاست‌های زنان سیاست‌های آیدز

Source: UN-HABITAT, 2004.

کارآمدی شامل اصول اثربخشی و حق تصمیم‌گیری<sup>۱</sup>؛ برابری شامل تداوم‌پذیری<sup>۲</sup> و تساوی جنسیت؛ پاسخگویی شامل اصول شفافیت، حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری؛ مشارکت شامل اصول شهروندی<sup>۳</sup>، اجماع‌محوری و مشارکت مدنی و امنیت نیز شامل اصول حل منازعه، امنیت انسانی و سلامت محیطی است (Lange, 2010: 45).

## ۲-۱-۱. مرجعیت حکمرانی خوب شهری

به اعتقاد پیر مولر مفهوم مرجعیت در سیاستگذاری، مجموعه بازنمایی‌ها و تصاویری از واقعیت است که زمینه‌ساز سیاستگذاری عمومی است و کارکرد آن فهم‌پذیر کردن واقعیت با محدود کردن پیچیدگی‌های آن است (مولر، ۱۳۸۳: ۵۱). مرجعیت سیاستگذاری عمومی به

1. Subsidiarity
2. Sustainability
3. Citizenship

معنای ارائه تصویری از واقعیت است که براساس آن عمل می‌شود. واقعیت‌ها خودساخته‌هایی اجتماعی هستند و حاصل ذهنیت جمعی خاص. بازیگران با رجوع به این تصویرشناختی به سازمان‌دهی دریافت‌های خویش از نظام می‌پردازند، با راه‌حل مواجه می‌شوند و پیشنهادهای مختلفی برای عمل خویش بیان می‌کنند. این مجموعه از تصاویر را مرجع سیاستگذاری می‌نامند (کمالی، ۱۳۹۳: ۶). مرجعیت سیاست‌ها به سه دسته مرجعیت کلی، بخشی و جهانی تقسیم می‌شود. درباره مرجعیت جهانی ظاهراً کشورهای مختلف به نحوی فعال، مرجعیت کلی و بخشی خود را به سطح منطقه‌ای ارتقا داده‌اند و به دنبال تثبیت مرجعیت‌ها در سطح جهانی هستند. مرجعیت بخشی، تصویری از یک بخش یا حوزه خاص است. اولین اثر شکل‌گیری مرجعیت بخشی تعیین مرزهای آن بخش است. در واقع توصیف ویژگی‌های یک بخش رابطه‌ای تنگاتنگ با قرآنتی دارد که از جایگاه آن بخش در جامعه ارائه می‌شود. جایگاه هر بخش در حوزه عمومی و حدود و مرزهای آن تحت تأثیر مرجعیت کلی است. مرجعیت کلی تعریفی از تصویری به‌دست می‌دهد که جامعه از خود در میان دیگران ترسیم می‌کند (وحید، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

## ۱-۲. پیشینه تجربی پژوهش

در چارچوب پرسش مطرح شده در این مقاله می‌توان ادبیات تحقیق را به دو بخش تحقیقات داخلی و خارجی تقسیم کرد.

### ۱-۲-۱. تحقیقات داخلی

رضایی و توحیدفام (۱۳۹۷) در مقاله «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)» به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که «چه رابطه‌ای بین حکمرانی خوب با تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران وجود دارد؟». فرضیه اصلی این مقاله بیان می‌کند «بین حکمرانی خوب و تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران، رابطه مستقیمی وجود دارد». این مقاله می‌کوشد نشان دهد که حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی برای کشورهای در حال توسعه، بستر مناسبی برای تقویت مردم‌سالاری دینی است.

مسلمی مهنی (۱۳۹۷) در مقاله «سیاستگذاری شهری در ایران: ارائه یک مدل کاربردی» با محور قرار دادن دولت، موضوع قدرت در شهر در شیوه اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی شهری را برجسته کرده است. تکثر قدرت و اعمال نظام فدرالی در سیاستگذاری شهری به منظور بهبود کارایی و اثربخشی این‌گونه سیاست‌ها مطرح می‌شود. نویسنده این مقاله به ارائه مدل پلورالیستی سیاستگذاری شهری جمهوری اسلامی در کلان‌شهرها و معرفی مدل کاربردی سیاستگذاری شهری در شهر کرمان می‌پردازد.

آدینه‌وند و علیان (۱۳۹۵) نیز در مقاله «حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها» ابتدا به تفسیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری در دیگر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌پردازند و برای درک اهمیت مؤلفه‌ها از الگوی تحلیلی تاپسیس استفاده می‌کنند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد مؤلفه‌های حاکمیت قانون، مشارکت و برابری در مدل حکمرانی خوب شهری ایران دارای اولویت هستند.

## ۲-۲-۱. تحقیقات خارجی

رحمان، واحد و نعیم<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در مقاله «ارزیابی حکمرانی شهری استفاده از شاخص حکمرانی شهری هاینات: مورد مطالعه مدیریت شهری تحصیل پنجاب، پاکستان»؛ براساس شاخص حکمرانی شهری<sup>۲</sup> که توسط مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ مطرح شده بود به بررسی مدیریت شهری تحصیل در پنجاب می‌پردازند. شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق شامل کارآمدی، برابری، مشارکت و پاسخگویی است. هندریکس (۲۰۱۴) در مقاله «فهم حکمرانی خوب شهری: ضرورت‌ها، تغییرات و ارزش‌ها» به پنج ارزش مرکزی حکمرانی خوب اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، برابری رویه‌ای، انعطاف‌پذیری و تعادل. همچنین وی به شناسایی تغییراتی که در حکمرانی شهری رخ داده که شامل تصمیم‌گیران واقعی یا شهروندان معمولی، با توجه فزاینده به انتخاب‌گزینشی یا مشورت یکپارچه می‌پردازد.

1. Rehman, Waheed and Naeem

2. *Urban Governance Index* (UGI)

الیگوییچ و دی ویلا (۲۰۰۸) در مقاله «نقش شاخص‌های شهری در مدیریت شهر» به شاخص‌های شهری یعنی شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، حکمرانی و مدیریتی می‌پردازند. این شاخص‌ها باید به مثابه ابزاری برای کمک به سیاستگذاران در صورت‌بندی سیاستگذاری شهری باشد که باعث پایداری شهر و کمک به تأمین توسعه و عملکرد شهری می‌کند.

با بررسی مقالات می‌توان به وجوه اشتراک در ویژگی‌های حکمرانی شهری توسط سازمان‌های بین‌المللی اشاره کرد. از جمله آنها می‌توان به سازمان ملل متحد که ویژگی‌های مورد نظر خود را از حاکمیت شهری خوب ارائه کرده اشاره کرد که شامل این موارد هستند: مشارکتی، پایدار، مشروع و مقبول، شفاف، توانا در برخورد با موضوعات و بحران‌های موردی، خدمت‌گرا، توانا در توسعه منابع و روش‌های حاکمیتی، اعتلادهنده برابری و برابری و رافع تبعیضات به‌ویژه برابری جنسیتی، اصل تساهل و مداراگرو پذیرش‌گر رویکردهای متنوع، توانا در بسیج منابع برای اهداف اجتماعی، عمل به حکم قانون، تقویت سازوکارهای بومی و محلی، کارایی و کارآمدی در استفاده از منابع تسهیل‌گر و توانمندساز تنظیم‌کننده و کنترل‌کننده. همچنین در دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد سکونتگاه‌های بشری، معیارهایی چون: پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانون‌مدار بودن و شفافیت داشتن به‌عنوان ویژگی‌های حکمروایی خوب مطرح شد. هشت ویژگی از طرف سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد همچون یونسکو<sup>۱</sup> برای حکمرانی خوب عنوان شده است که عبارت‌اند از: مشارکت قانون‌مداری، شفاف‌سازی، انعطاف‌پذیری، وفاق‌محوری، برابری، کارآمدی و پاسخگویی.

## ۲. روش پژوهش

### ۲-۱. تحلیل محتوای مضمونی

تحلیل محتوا به منزله روشی علمی بیشتر به صورت کمی برای اندازه‌گیری متغیرها استفاده می‌شد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان نوعی روش‌شناسی تحقیق در خدمت تفسیر

1. United Nation Educational, Scientific, Cultural Organization

محتوایی داده‌ها دانست. تحلیل محتوای کیفی در شکل کنونی خود در سال ۱۹۸۳ توسط میرینگ در تحقیقی درخصوص پیامدهای روانی - اجتماعی بیکاری استفاده شد. این تحلیل محتوا برای تحلیل نظام‌مند داده‌های متنی؛ کاربرد فراوانی دارد. تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم؛ سعی در ارتباط و آشکار کردن الگوهای نهان در مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد مکتوب دارد. در پژوهش‌های کیفی نگاه به پدیده‌ها، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگراست و دنبال کردن این روش راهی است برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵). به عبارت دیگر می‌توان تحلیل محتوای کیفی را تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوای مضمونی براساس معرفت‌شناسی عینیت‌گرا به کار می‌رود و در شناخت مضامین مشترک داده‌ها با تحلیل مضمون شباهت دارد. در تحلیل محتوای مضمونی از تفسیر به کمترین حد ممکن استفاده و از آن برای نام‌گذاری و گروه‌بندی مضامین استفاده می‌شود. به طور کلی تحلیل محتوای مضمونی بیشتر تحلیلی توصیفی است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

## ۲-۲. جامعه و حجم نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، متن برنامه‌های توسعه پنجم و ششم است. حجم نمونه براساس الگوی هدفمند انتخاب کردن است؛ یعنی انتخاب ماده‌ها، بندها و تبصره‌هایی که با متغیرهای اصلی تحقیق انطباق دارند و بازتابنده پرسش‌های تحقیق است.

## ۲-۳. واحد تحلیل

واحد تحلیل عبارت از مضمون (تم) قانون برنامه‌های توسعه پنجم و ششم است.

## ۲-۴. تحلیل مضامین

تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌شوند. این روش در سه سطح مضامین پایه (کدها و

نکات کلیدی موجود در متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام مند می‌کند (Attride - Stirling, 2001: 389-390). مراحل انجام دادن تحلیل مضمون عبارت است از:

#### ۱-۴-۲. مرحله اول: تجزیه و توصیف متن

- **آشنایی با داده‌ها:** پژوهشگر با خواندن مکرر داده‌ها با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا می‌شود.

- **ایجاد کدهای اولیه:** کدها اجزای اصلی تحلیل مضمون هستند و نام و برچسبی است که پژوهشگر به قسمتی از داده‌ها (یک جمله یا پاراگراف) نسبت می‌دهد و با سؤال‌های پژوهش ارتباط زیادی دارند. در این مرحله داده‌ها به گروه‌های معنادار تبدیل می‌شوند.

- **جستجوی مضمون:** شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضمون‌های بالقوه و مرتب کردن همه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضمون‌های مشخص است.

#### ۲-۴-۲. مرحله دوم: تشریح و تفسیر متن

- **بازبینی مضمون‌ها:** این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه مضمون‌هاست. مرحله نخست شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است و در مرحله دوم اعتبار مضمون‌ها، در رابطه با مجموعه داده‌ها بررسی می‌شوند.

- **تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها:** به وسیله تعریف و نام‌گذاری، ماهیت آن چیزی که یک مضمون در مورد آن بحث می‌کند مشخص شده و تعیین می‌شود که هر مضمون کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد.

#### ۳-۴-۲. مرحله سوم: ترکیب و ادغام متن

- **تهیه گزارش:** گزارش پژوهش نباید صرفاً توصیفی باشد؛ بلکه باید روایتی تحلیلی از داده‌ها ارائه دهد و در واقع بحثی را درباره سؤال پژوهش شکل دهد (کمالی، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۱۹۷).

در این تحقیق از الگوی شبکه مضامین استفاده می‌شود. این مدل، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

در تحقیق از کدگذاری باز استفاده می‌شود؛ یعنی هیچ‌گونه اولویتی بین داده‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. برای این کار ابتدا قانون برنامه‌های توسعه پنجم و ششم مورد مطالعه قرار گرفت. ماده‌ها و تبصره‌هایی که با مقوله‌های تحقیق ارتباط داشتند کدگذاری و مستخرج شدند. کدگذاری با مطالعه سطر به سطر اسناد برنامه پنجم و ششم توسعه و به صورت دستی انجام شد. برای شناخت مضامین از هر دو مضمون مشهود و مکنون در برنامه‌های توسعه استفاده می‌شود.

مضامین پایه ۲۱ مقوله دارد که شامل: ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی، ترویج و ارتقای تکنولوژی، بهبود جمع‌آوری مالیات محلی، درآمد سرانه حکومت محلی، تفویض مسئولیت‌ها به شهرها و منطقه‌ها، قدرت دادن به جامعه مدنی، مشورت با سهامداران اجتماعات مختلف، استراتژی‌های کاهش فقر شهری، حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی، دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین، دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی، بیان درآمد/دارایی‌های مقامات محلی، حسابرسی مستقل، سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات، ترویج اخلاق خدمت به مردم، رعایت حقوق شهروندی، وساطت دولت در میان منافع متضاد، آموزش مناسب سیاسی و مدنی، ارتباط مناسب با شهروندان، ارتباط مناسب با بخش خصوصی و مشارکت مؤثر جامعه مدنی.

مضامین سازمان‌دهنده نیز ۱۰ مؤلفه دارد که عبارت‌اند از: اثربخشی، حق تصمیم‌گیری، تداوم‌پذیری، تساوی جنسیت، شفافیت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اصول شهروندی، اجماع محوری و مشارکت مدنی.

مضمون فراگیر شامل چهار مفهوم کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت است.

مفهوم اصلی تحقیق مرجعیت حکمرانی خوب شهری است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱. برنامه توسعه پنجم و ششم

قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) در زمان دولت دهم مشتمل بر ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره در ۹ فصل در دی ماه ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) نیز در زمان دولت یازدهم مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره در ۲۰ بخش در اسفند ماه ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

#### ۳-۲. تحلیل مضامین برنامه‌های توسعه پنجم و ششم

محقق در تحلیل مضامین به روش قیاسی برای شناخت مضامین، کدها را براساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌هایی که با این نظریه حمایت می‌شوند را شناسایی و کدگذاری می‌کند. کدهای مرتبط با هر مضمون نیز از فرضیات و مؤلفه‌های نظریه مورد نظر استخراج می‌شود. برنامه‌های سند توسعه بالاترین سند فرابخشی توسعه در کشور محسوب می‌شود که بازگوکننده اندیشه‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور است. از این رو در این سند به بررسی چهار مضمون کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت پرداخته می‌شود تا با منظومه فکری کنشگران اصلی کشور در زمینه مرجعیت بخشی سیاستگذاری شهری آشنا شویم.

#### ۳-۲-۱. مضامین مرجعیت حکمرانی خوب شهری در برنامه‌های توسعه پنجم و ششم

##### ۳-۲-۱-۱. تحویل متن

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است مضمون‌های پایه از متن اصلی مستخرج شود. در اینجا متن اصلی، ماده‌ها و تبصره‌های اسناد برنامه پنجم و ششم توسعه هستند که قبلاً انتخاب شده و در قالب کدهایی سازمان‌دهی شده‌اند. هر کدام از این ماده‌ها و تبصره‌ها حاوی مضامینی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضمون‌ها که از متن اصلی استخراج شده است، مضمون‌ها پایه‌ای نامیده می‌شود.



جدول ۳. مضامین پایه حکمرانی خوب شهری

ردیف	متن قانون برنامه پنجم	متن قانون برنامه ششم	مضمون پایه‌ای
۱	ماده (۴۶): بسط خدمات دولت الکترونیک، فناوری اطلاعات و سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. شماره ۳ بند «ج» ماده (۴۶): تدوین نقشه دولت الکترونیک. ماده (۷۹): تأسیس سازمان ملی بهره‌وری به منظور برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، راهبری و پایش کلیه عوامل تولید. بند «۴» ماده (۲۱۱): قوه قضائیه مکلف است آرای صادره از سوی محاکم را به صورت آنلاین در معرض تحلیل و نقد قرار دهد.	-	ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی.
۲	بند «الف» ماده (۱۹۳): شهرداری شهرهای بالای دویست هزار نفر جمعیت موظف‌اند پسماندهای خود را با روش‌های نوین و فناوری‌های جدید با اولویت روش‌های آلی (ارگانیک) بازیافت کنند.	-	ترویج و ارتقای تکنولوژی.
۳	ماده (۱۲۱): استفاده از سامانه‌های صندوق فروش (مکانیزه فروش) توسط صاحبان مشاغل.	-	بهبود جمع‌آوری مالیات محلی.
۴	ماده (۱۷۴): تدوین نظام درآمدهای پایدار شهرداری‌ها توسط شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها. ماده (۱۷۵): ایجاد درآمد پایدار برای شهرداری‌ها.	بند «ب» ماده (۳۶): عوارض حاصل از چشمه‌های آب معدنی و درمانی با طی مراحل قانونی در اختیار شهرداری‌ها یا دهیاری‌های همان منطقه قرار می‌گیرد.	درآمد سرانه حکومت محلی.
۵	بند «الف» ماده (۴۱): سامان‌دهی امور جوانان از طریق ستادهای ملی و استانی. ماده (۱۷۳): تهیه برنامه جامع مدیریت شهری به منظور دستیابی به ساختار مناسب و مدیریت هماهنگ و یکپارچه شهری با هدف تحقق توسعه پایدار شهرها. ماده (۱۷۸): تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه هر استان به منظور تصمیم‌گیری، تصویب، هدایت، هماهنگی و نظارت در امور برنامه‌ریزی و بودجه استان‌ها. بند «ب» ماده (۱۷۸): تشکیل کمیته برنامه‌ریزی در هر شهرستان. ماده (۱۷۹): نظام درآمد هزینه استانی به منظور تمرکززدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران. ماده (۱۸۲): تشکیل شورای آمایش سرزمین. ماده (۱۸۴): تشکیل نظام ارزیابی راهبردی محیطی در سطوح ملی، منطقه‌ای. ماده (۱۸۶): تدوین برنامه جامع تقسیمات کشوری با جهت‌گیری عدم تمرکز و تفویض اختیار به مدیران محلی. بند «ه» ماده (۲۲۴): در راستای انجام امور و تسریع در خدمت‌رسانی به مردم و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌ها، مسئولیت‌ها و وظایف به مدیران واحدهای ذی‌ربط استانی و ستادی قابل تفویض است.	بند «ح» ماده (۷): اختصاص ۳۰ درصد از اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای کشور به شورای برنامه‌ریزی استان‌ها جهت تمرکززدایی و اثربخشی مدیریت اجرایی. جز «۱» بند «الف» ماده (۲۶): تهیه سند آمایش سرزمین ملی و استانی توسط دولت. بند «الف» ماده (۲۸): واگذاری برخی از وظایف دستگاه‌های اجرایی به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به منظور کاهش حجم، اندازه و ساختار. بند «ث» ماده (۱۰۰): سازمان میراث فرهنگی بخشی از امور تصدیگری و اجرایی خود را به تشکل‌های حرفه‌ای و تخصصی گردشگری واگذار کند.	تفویض مسئولیت‌ها به شهرها و منطقه‌ها.

ردیف	متن قانون پنجم	متن قانون برنامه ششم	مضمون پایه‌ای
۶	ماده (۱۰۲): واگذاری امور اجرایی تنظیم بازار به تشکلهای صنفی، اتحادیه‌ها و تشکلهای مردم‌نهاد حمایت از مصرف‌کننده.	-	قدرت دادن به جامعه مدنی.
۷	ماده (۲۵): مشارکت تشکلهای کارفرمایی و کارگری در تدوین سند ملی کار شایسته	-	مشورت با سهامداران اجتماعات مختلف.
۸	ماده (۳۹): توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان متناسب با شرایط بومی و منطقه‌ای. ماده (۴۲): تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار دادن سرپرست خانواده‌های فاقد هیچ‌گونه بیمه توسط دولت.	بند «ت» ماده (۲): موضوعات خاص کلان فرابخشی: نظام عادلانه پرداخت و رفع تبعیض، توانمندسازی محرومان و فقرا. بند «ب» ماده (۵۹): دولت موظف است به‌منظور تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد شهری منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز را تأمین کند. ماده (۷۸): حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بسط پوشش‌های امدادی، حمایتی، بیمه‌ای و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی. بند «ت» ماده (۸۰): تهیه و اجرای طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. جز «۱» بند «ج» ماده (۸۰): تأمین مسکن اجتماعی و حمایتی.	استراتژی‌های کاهش فقر شهری.
۹	جز «۱» بند «ه» ماده (۱۰۴): صدور کلیه اشیا و خدمات عتیقه ممنوع است.	ماده (۱۰۰): تدوین سند راهبردی توسعه گردشگری.	حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی.
۱۰	بند «الف» ماده (۲): موضوعات خاص راهبردی در مورد آب و محیط زیست. بند «ب» ماده (۱۲۵): تهیه سند ملی راهبرد انرژی کشور.	ماده (۴۵): طرح جامع انرژی کشور.	دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین.
۱۱	بند «ج» ماده (۱۹): تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به‌تناسب جنسیت توسط وزارت آموزش و پرورش. ماده (۲۲۷): تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی.	ماده (۱۰۱): استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و برابری جنسیتی.	دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی.
۱۲	-	ماده (۲۹): راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا و امکان تجمیع کلیه پرداخت‌ها توسط دولت.	بیان درآمد/دارایی‌های مقامات محلی.
۱۳	-	تبصره «۲» ماده (۲۹): حساب‌برسان و بازرسان قانونی مکلف‌اند تخلفات صورت گرفته را در اسرع وقت به مراجع ذی صلاح اعلام کنند.	حسابرسی مستقل.
۱۴	-	بند «ب» ماده (۱۱۶): سامانه بازرسی کارآمد جهت کشف تخلفات قضات و کارکنان قضایی.	سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات.

ردیف	متن قانون برنامه پنجم	متن قانون برنامه ششم	مضمون پایه‌ای
۱۵	-	جز «۳» بند «ث» ماده (۸۰): سازمان بهزیستی با همکاری شهرداری هانسبت به بهره‌برداری مراکز درمان و کاهش آسیب معتادان متجاهر و راه‌اندازی مراکز جامع توانمندسازی و صیانت اجتماعی برای معتادان بهبودیافته.	ترویج اخلاق خدمت به مردم.
۱۶	بند «الف» ماده (۱۸۹): آیین‌نامه ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط‌زیست. جز «۱» بند «د» ماده (۲۱۱): آموزش همگانی به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری	-	آموزش مناسب سیاسی و مدنی.
۱۷	بند «ج» ماده (۱۹): تقویت گویش‌های محلی و ادبیات بومی در مدارس توسط آموزش و پرورش. شماره ۲ بند «د» ماده (۲۱۱): آموزش همگانی حقوق شهروندی. ماده (۲۲۷): تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی.	-	رعایت حقوق شهروندی.
۱۸	بند «الف» ماده (۷۲): ایجاد انعطاف برای حل اختلاف کارگران و کارفرمایان.	-	وساطت دولت در میان منافع متضاد.
۱۹	-	بند «پ» ماده (۷۷): افزایش آگاهی‌های عمومی به ویژه آموزش‌های همگانی جهت کاهش خطرپذیری و افزایش تاب‌آوری جامعه در مقابل حوادث و سوانح. ماده (۸۰): تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی.	ارتباط مناسب با شهروندان.
۲۰	ماده (۷۵): تشکیل شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی برای بررسی و رفع موانع کسب‌وکار. بند «ج» ماده (۱۴۳): حمایت دولت از تولید برق توسط بخش خصوصی و تعاونی.	بند «الف» ماده (۵۲): سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در احداث و بهره‌برداری از حمل‌ونقل ریلی درون‌شهری و برون‌شهری. بند «پ» ماده (۶۷): استفاده از مشارکت بخش خصوصی به منظور الکترونیکی کردن فرایندها و خدمات.	ارتباط مناسب با بخش خصوصی.
۲۱	-	بند «الف» ماده (۷۷): کمک به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی با استفاده از توان و ظرفیت‌های مردمی و افزایش مشارکت‌های اجتماعی مردم توسط جمعیت هلال‌احمر. شماره ۴ بند «ب» ماده (۸۰): بسط و توسعه نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مشارکت‌های گروهی و تأمین مالی مبتنی بر رویکرد خیراجتماعی.	مشارکت مؤثر جامعه مدنی.

### ۲-۱-۳. تبدیل مضامین

در این مرحله، مضمون‌های پایه‌ای استخراج شده از متون برنامه پنجم و ششم را به مضامین سازمان دهنده و فراگیر تبدیل می‌کنیم تا از این طریق، کشف مفاهیم و مضامین کلیدی تر فراهم شود.

جدول ۴. تبدیل مضامین پایه‌ای مرجعیت حکمرانی خوب شهری به مضامین فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	ردیف
کارآمدی	اثربخشی	ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی	۱
		ترویج و ارتقای تکنولوژی	۲
		بهبود جمع‌آوری مالیات محلی	۳
		درآمد سرانه حکومت محلی	۴
	حق تصمیم‌گیری	تفویض مسئولیت‌ها به شهرها و منطقه‌ها	۵
		قدرت دادن به جامعه مدنی	۶
برابری	تداوم‌پذیری	مشورت با سهامداران اجتماعات مختلف	۷
		استراتژی‌های کاهش فقر شهری	۸
		حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی	۹
		دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین	۱۰
	تساوی جنسیت	دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی	۱۱
پاسخگویی	شفافیت	بیان درآمد/ دارایی‌های مقامات محلی	۱۲
		حسابرسی مستقل	۱۳
	حاکمیت قانون	سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات	۱۴
	مسئولیت‌پذیری	ترویج اخلاق خدمت به مردم	۱۵
مشارکت	حقوق شهروندی	رعایت حقوق شهروندی	۱۶
		آموزش مناسب سیاسی و مدنی	۱۷
	اجماع‌محوری	وساطت دولت در میان منافع متضاد	۱۸
		ارتباط مناسب با شهروندان	۱۹
		ارتباط مناسب با بخش خصوصی	۲۰
		مشارکت مؤثر جامعه مدنی	۲۱

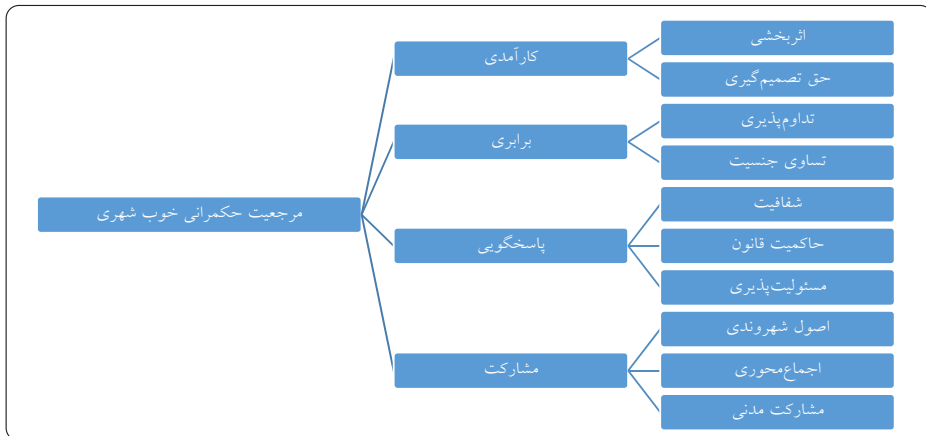
مأخذ: همان.

### ۳-۱-۲-۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

با بررسی مضامین پایه‌ای و تبدیل آنها به مضامین فراگیر، چهار مضمون فراگیر در خصوص مرجعیت حکمرانی خوب شهری به دست آمد که عبارت است کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت.

در نمودار زیر می‌توان چهار مضمون فراگیر مرجعیت حکمرانی خوب شهری را ترسیم کرد.

#### نمودار ۱. چهار مضمون فراگیر مرجعیت حکمرانی خوب شهری در برنامه پنجم و ششم توسعه



### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجاکه این تحقیق درصدد نشان دادن نوع نگاه سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان به مفهوم مرجعیت سیاستگذاری شهری یعنی حکمرانی خوب شهری هستند، بعد از نشان دادن فرایند تحلیل محتوای ضمنی می‌توان به بررسی نقاط قوت و ضعف چهار مؤلفه حکمرانی خوب شهری در برنامه‌های پنجم و ششم به صورت جدول ۵ اقدام کرد. قبل از نشان دادن جدول مقایسه‌ای به تعاریف مضامین فراگیر پرداخته می‌شود.

**الف) کارآمدی:** در فرایند حکمروایی خوب باید به بهترین نحو از منابع بهره‌برداری و نیازهای جامعه برآورده شود. حاکمیت خوب به این معناست که فرایندها و نهادها نتایجی

را به بار آورند که نیازهای جامعه را تأمین و درعین حال از منابع در اختیار خود به بهترین وجه استفاده کنند. تأمین نیازهای جامعه بحث اثربخشی را هدف قرار می‌دهد و بهترین استفاده از منابع، کارایی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

**ب) برابری:** رفاه و بهروزی یک جامعه وابسته به اطمینان از این موضوع است که همه اعضای آن احساس کنند که سهمی در آن دارند و احساس طردشدگی از روند کلی جامعه نداشته باشند. این امر ایجاب می‌کند که همه گروه‌ها و به خصوص آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، فرصت‌هایی برای بهبود و حفظ رفاه خود داشته باشند. حکمروایی خوب قابلیت ایجاد رفاه و تضمین برخورداری از آن برای همه اعضای جامعه را داراست.

**ج) پاسخگویی:** پاسخگویی و حساب‌دهی از ویژگی‌های حکمروایی خوب است. سازمان‌ها و مؤسسات باید به کسانی که از تصمیمات آن اثر می‌پذیرند پاسخ شفاف دهند. پاسخگویی را نمی‌توان بدون شفافیت و حاکمیت قانون اعمال کرد. سه مؤلفه پاسخگویی عبارت‌اند از: شفافیت، حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری.

**د) مشارکت:** مشارکت اجتماعی، سنگ‌بنای حاکمیت خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم و یا از طریق مؤسسات قانونی یا نمایندگان انجام شود. مشارکت نیازمند تشکل یافتن و سازمان‌دهی است. مشارکت دارای مقوله‌های شهروندی، اجماع‌محوری و مشارکت مدنی است (UN-HABITAT, 2006: 6-10).

جدول ۵. نقاط ضعف برنامه‌های توسعه

ششم	پنجم	نقاط ضعف برنامه
<p><b>کارآمدی:</b> عدم طراحی و به‌کارگیری و توجه به ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی، عدم توجه جدی بر برداشتن موانع غیرضروری برای امنیت شغلی و ایجاد سرمایه‌گذاری، عدم انتشار عملکرد خدمات اصلی (تأمین آب، برق، بهداشت عمومی، سلامت، آموزش و...) .</p> <p><b>برابری:</b> اولویت پایین کاهش فقر شهری و عدم به‌کارگیری منشور شهروندان: حق دسترسی به خدمات پایه و فقدان استفاده سهمیه نمایندگان زن در نهادهای محلی.</p> <p><b>پاسخگویی:</b> بی‌توجهی به حق دسترسی شهروندان به اطلاعات شهر (قراردادها، بودجه و گزارش‌ها)، عدم به‌کارگیری کمیته‌های ضدفساد محلی، بیان درآمد/دارایی‌های مقامات محلی، نبود حسابرسی مستقل، عدم طراحی و به‌کارگیری سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات، ضعف قانون‌گرایی مسئولین و مردم، ضعف تفکیک قوا و تمرکززدایی قدرت و عدم اهتمام ترویج اخلاق خدمت به مردم.</p> <p><b>مشارکت:</b> آگاهی نداشتن از روند تصویب طرح، ضعف مشارکت در اداره امور شهر، ارتباط ضعیف با شهروندان و ضعف ارتقای دموکراسی‌های محلی، عدم و ضعف مشارکت مؤثر جامعه مدنی، عدم به‌کارگیری و ضعف استفاده انجمن عمومی (شورای مردم، شورای شهر و...) .</p>	<p><b>کارآمدی:</b> عدم توجه جدی بر برداشتن موانع غیرضروری برای امنیت شغلی و ایجاد سرمایه‌گذاری و عدم انتشار عملکرد خدمات اصلی (تأمین آب، برق، بهداشت عمومی، سلامت، آموزش و...) .</p> <p><b>برابری:</b> اولویت پایین کاهش فقر شهری و عدم به‌کارگیری منشور شهروندان: حق دسترسی به خدمات پایه و فقدان استفاده سهمیه نمایندگان زن در نهادهای محلی.</p> <p><b>پاسخگویی:</b> بی‌توجهی به حق دسترسی شهروندان به اطلاعات شهر (قراردادها، بودجه و گزارش‌ها)، عدم به‌کارگیری کمیته‌های ضدفساد محلی، بیان درآمد/دارایی‌های مقامات محلی، نبود حسابرسی مستقل، عدم طراحی و به‌کارگیری سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات، ضعف قانون‌گرایی مسئولین و مردم، ضعف تفکیک قوا و تمرکززدایی قدرت و عدم اهتمام ترویج اخلاق خدمت به مردم.</p> <p><b>مشارکت:</b> آگاهی نداشتن از روند تصویب طرح، ضعف مشارکت در اداره امور شهر، ارتباط ضعیف با شهروندان و ضعف ارتقای دموکراسی‌های محلی، عدم و ضعف مشارکت مؤثر جامعه مدنی، عدم به‌کارگیری و ضعف استفاده انجمن عمومی (شورای مردم، شورای شهر و...) .</p>	

مأخذ: همان.

از سوی دیگر می‌توان نقاط قوت هر یک از دو برنامه توسعه پنجم و ششم را به صورت زیر بیان کرد.

### جدول ۶. نقاط قوت برنامه‌های توسعه

ششم	پنجم	
<p><b>کارآمدی:</b> اهمیت کاهش فقر شهری و درآمد سرانه حکومت محلی</p> <p><b>برابری:</b> حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی، دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین و دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی.</p> <p><b>پاسخگویی:</b> بیان درآمد/داری‌های مقامات محلی، حسابرسی مستقل، سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات و ترویج اخلاق خدمت به مردم</p> <p><b>مشارکت:</b> ارتباط مناسب با شهروندان، ارتباط مناسب با بخش خصوصی و مشارکت مؤثر جامعه مدنی.</p>	<p><b>کارآمدی:</b> ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی، بهبود جمع‌آوری مالیات محلی، درآمد سرانه حکومت محلی، تفویض مسئولیت‌ها، قدرت دادن به جامعه مدنی، ترویج و ارتقای تکنولوژی.</p> <p><b>برابری:</b> مشورت با سهامداران اجتماعات مختلف، حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی، دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین و دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی</p> <p><b>پاسخگویی:</b> ---.</p> <p><b>مشارکت:</b> آموزش مناسب سیاسی و مدنی، رعایت حقوق شهروندی، وساطت دولت در میان منافع متضاد و ارتباط مناسب با بخش خصوصی.</p>	<p>نقاط قوت برنامه</p>

مأخذ: همان.

روند شهرنشینی در ایران رو به افزایش است، این در حالی است که توسعه شهرنشینی با افزایش روزافزون تقاضاهای شهروندان همراه بوده و عموماً دولت‌ها از عهده انجام بهینه وظایف بر نمی‌آیند. طرح بحث تمرکززدایی و واگذاری بخشی از اختیارات و وظایف دستگاه‌های دولتی به نهادهای محلی و شهرداری‌ها نیز در راستای بهبود اداره امور شهروندان و برآورده کردن خواسته‌ها و نیازهای آنان انجام شده است. ارزیابی تجربیات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران حاکی از تمرکزگرا بودن آن است و هدایت و مدیریت توسعه شهرها از طریق سازمان‌های عمومی و دولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی انجام می‌گیرد. نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران دارای سیستمی جوان و متمرکز با نوع ارتباطات از بالا به پایین است. دو مشخصه آن یکی بخشی بودن و دیگری کم‌رنگ بودن مردم و سازمان‌های محلی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه شهری است. در فرایند



سیاستگذاری در یک بخش، اهداف سیاست‌ها باید به صورت سلسله‌مراتبی (کلان، میانی و خرد)، کوتاه‌مدت (یک‌ساله) و بلندمدت (پنج‌ساله) و به صورت اهداف کلان، عملیاتی و جزئی تعریف شود و ابزارها و سازوکارها برای تحقق اهداف مورد نظر مشخص شود. با تعیین دقیق سلسله‌مراتب ارزش، هدف و سیاست می‌توان مرجعیت یک بخش را به خوبی تعیین کرد. تحلیل مؤلفان نشان می‌دهد از تعداد ۲۶ سنجه‌هایی که توسط مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد بیان شده تعداد ۲۱ سنجه آن به نوعی در برنامه‌های توسعه وجود دارد که عبارت‌اند از: ابزارهای نو برای واگذاری خدمات و کالاهای عمومی، ترویج و ارتقای تکنولوژی، بهبود جمع‌آوری مالیات محلی، درآمد سرانه حکومت محلی، تفویض مسئولیت‌ها به شهرها و منطقه‌ها، قدرت دادن به جامعه مدنی، مشورت با سهامداران اجتماعات مختلف، استراتژی‌های کاهش فقر شهری، حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی، دسترسی به آب ارزان برای مناطق فقیرنشین، دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و خدمات اساسی، بیان درآمد/دارایی‌های مقامات محلی، حسابرسی مستقل، سازوکارهای بررسی و واکنش مردم و دادخواست‌ها و شکایات، ترویج اخلاق خدمت به مردم، رعایت حقوق شهروندی، وساطت دولت در میان منافع متضاد، آموزش مناسب سیاسی و مدنی، ارتباط مناسب با شهروندان، ارتباط مناسب با بخش خصوصی و مشارکت مؤثر جامعه مدنی. این ۲۱ مضمون پایه باعث شکل دادن به مضامین سازمان‌دهنده ه‌آگانه‌ای شد که عبارت‌اند از: اثربخشی، حق تصمیم‌گیری، تداوم‌پذیری، تساوی جنسیت، شفافیت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اصول شهروندی، اجماع‌محوری و مشارکت مدنی. در نهایت این امر باعث شکل‌گیری مضامین فراگیر چهارگانه کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت شد. مضمون‌های پایه‌ای در برنامه‌های توسعه هیچ‌گونه ماده و تبصره‌ای بودند شامل: برداشتن موانع غیرضروری برای امنیت شغلی و ایجاد سرمایه‌گذاری، انتشار عملکرد خدمات اصلی (تأمین آب، برق، بهداشت عمومی، سلامت، آموزش و...)، منشور شهروندان: حق دسترسی به خدمات پایه، سهمیه نمایندگان زن در نهادهای محلی، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات شهر (قراردادها، بودجه و گزارش‌ها)، کمیته‌های ضدفساد محلی، قانون‌گرایی مسئولان و مردم، تفکیک قوا و تمرکززدایی قدرت، آگاهی از روند تصویب طرح،

مشارکت در اداره امور شهر، ارتقای دمکراسی‌های محلی و انجمن عمومی (شورای مردم، شورای شهر و...) .

در مقایسه بین دو برنامه پنجم و ششم توسعه همان‌گونه هم در جداول نشان داده شد می‌توان گفت به‌طور کلی برنامه ششم در سطح کلان دارای رویه‌های حکمرانی خوب شهری نسبت به برنامه پنجم است. ولی به دلیل نداشتن مرجعیت و تصویر خاصی از حکمرانی شهری، بخشی‌نگرانه و تمرکزگراست. براساس یافته‌های پژوهش، مرجعیت سیاستگذاری شهری (برنامه‌های پنجم و ششم) تعریف روشنی از جایگاه بخش حکمرانی شهری در کشور عرضه نمی‌کند. خواست و انتظار مسئولان از حکمرانی شهری مشخص نیست. مرجعیت بخش حکمرانی شهری در برنامه‌های توسعه در ایران نتوانسته محدودیت‌ها و موانع بخش حکمرانی شهری را نمایان کند، از این‌رو به دلیل فقدان صریح مرجعیت حکمرانی شهری و محدودیت‌های آن و فقدان اجماع بر روی آنها نمی‌توان نسخه مناسبی برای ایران تجویز کرد. نظام تصمیم‌گیری، محور توسعه پویا و همه‌جانبه است و فقدان مرجعیت در بخش سیاستگذاری شهری سبب شکل‌گیری نظام تصمیم‌گیری منسجم نمی‌شود و از این‌رو منابع که به‌عنوان ابزار توسعه هستند رو به زوال می‌روند. یکی از اصلی‌ترین دلایل توسعه نیافتن ایران با سابقه برنامه‌ریزی طولانی آن، نوع نگاه به توسعه است که نگاهی تک‌بعدی بوده و سایر ابعاد آن مورد توجه جدی و عملی قرار نگرفته‌اند. شاخص‌های حکمرانی شهری برای ارزیابی در برنامه‌های توسعه به مثابه یک برنامه استراتژیک بالادستی که شامل شاخص‌های کارآمدی، برابری، پاسخگویی و مشارکت هستند در افق برنامه‌های سیاستی و عملیاتی متصور و اعمال شده است. بر همین اساس پس از بررسی مفاد قانون و مقایسه هر دو برنامه می‌توان چنین بیان داشت در برنامه پنجم توسعه بیشتر بر مقوله کارآمدی و تفویض مسئولیت‌ها تأکید شده، اما در برنامه ششم بیشتر بر برابری و شاخص استراتژی کاهش فقر شهری، پاسخگویی و مشارکت تأکید شده است. هرچند این تأکیدات به‌صورت تمرکزگرایانه است و اختیارات زیادی به استان‌ها و شهرها جهت تصمیم‌گیری براساس محیط فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی خود نداده است.

در قرن بیست و یکم شهرها و کلان‌شهرها توجه ویژه‌ای به حکمرانی خوب شهری دارند

و درحقیقت یکی از دغدغه‌های مهم مدیریت شهری، راهبردهای رسیدن به حکمرانی خوب شهری به‌عنوان مرجعیت سیاستگذاری شهری است که این امر باعث به حداقل رسانیدن چالش‌های شهری می‌شود. به این ترتیب شهرها به وضعیت پایداری خود در جهت رقابت اقتصادی، همبستگی اجتماعی و پاسخگویی سیاسی می‌رسند. الگوی حکومت خوب مدت‌ها در عرصه نظام‌های حکومتی حاکم بود و دولت‌ها خود را مکلف به برآوردن خواسته‌های مردم و شهروندان می‌دانستند؛ ولی به واسطه افزایش جمعیت و بروز خواسته‌های جدید و ضرورت پاسخگویی به این نیازهای روزافزون، دولت‌ها با چالش‌های جدی از قبیل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و مدیریتی مواجه شدند. با توجه به دستاوردهای پژوهش حاضر برخی مشکلات موجود مستلزم کاربست حکمرانی خوب شهری و ارتقای آن به شرح ذیل است:

۱. جایگاه و شأن زنان از لحاظ اشتغال و آموزش با آنچه شایسته و بایسته جایگاه این قشر است فاصله دارد،
۲. تقویت مقتدرسازی شهروندان برای مشارکت در ابعاد ذهنی و عینی امور شهری خود،
۳. تأکید بر نگرش بخشی در تصمیمات به جای نگرش همه‌جانبه و سیستمی،
۴. مدیریت و برنامه‌ریزی از بالا به پایین (اقتدارآمیز) به جای مدیریت و برنامه‌ریزی پایین به بالا (دمکراتیک و مردمی)،
۵. ضعف قانون‌گرایی مسئولین و مردم، ضعف تفکیک قوا و تمرکززدایی قدرت،
۶. عدم تفویض مسئولیت و قدرت ندادن به جامعه مدنی،
۷. عدم آگاهی از روند تصویب طرح، ضعف مشارکت در اداره امور شهر.

## منابع و مأخذ

۱. آخوندی، عباس و دیگران (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی مدل اداره امور شهر در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۴۰، ش ۶۳.
۲. آدینه‌وند، علی‌اصغر و مهدی علیان (۱۳۹۵). «حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها»، راهبرد، سال ۲۵، ش ۸۱.
۳. ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال ۳، ش ۲.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران (۱۳۸۱). مدیریت شهری پایدار؛ بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۵. برک‌پور، ناصر (۱۳۸۱). «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری»، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۶. رضایی، حسن و محمد توحید فام (۱۳۹۷). «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۷، ش ۸۹.
۷. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، دوره ۱، ش ۲.
۸. عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، ش ۲.
۹. مسلمی مهنی، یوسف (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری شهری در ایران: ارائه یک مدل کاربردی (مطالعه موردی: کلان‌شهر کرمان)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، ش ۱.
۱۰. معاونت حقوقی ریاست جمهوری، قانون برنامه پنجم و ششم توسعه.
۱۱. مولر، پیر (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، دادگستر.
۱۲. کمالی، یحیی (۱۳۹۳). «مرجعیت سیاست‌ها و توسعه صنعت گردشگری ایران با تأکید بر برنامه سوم و چهارم توسعه»، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۷، ش ۱.
۱۳. --- (۱۳۹۷). «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، ش ۲.
۱۴. وحید، مجید (۱۳۸۴). «نگاهی به مشکل سیاست‌گذاری عمومی در ایران در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و با بهره‌گیری از مفهوم مرجعیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۹.

15. Abdellatif, Adel (2003). "Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development", Governance Programme Advisor Regional Bureau for Arab States, UNDP.
16. Alibegovic, Dubravka Jurlina and Zeljka Kordej De Villa (2008). "The Role of Urban Indicators in City Management: A Proposal For Croatian Cities", *Transition Studies Review*, 15.
17. Attride-Stirling, Jenifer (2001). "Thematic Network: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1(3).
18. Brunetta, Grazia and et al.(2019). *Urban Resilience for Risk and Adaptation Governance Theory and Practice*. Springer International Publishing AG.
19. Hendriks, Frank (2014). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review*, Vol. 50(4).
20. Lang, Frederik (2010). *Urban Governance An Essential Determination of City Development*, World Vision Institute.
21. Moore-Cherry, Niamh and John Tomaney (2018). "Spatial Planning, Metropolitan Governance and Territorial Politics in Europe: Dublin as a Case of Metro-Phobia?", *European Urban and Regional Studies*, 00(0).
22. Pierre, Jon (1999). "Models of Urban Governance The Institutional Dimension of Urban Politics", *Urban Affairs Review*, Vol. 34(3).
23. Rizwan Ur Rehman, Abdul Waheed and Malik Asghar Naeem (2017). "Assessment of Urban Governance Using UN-Habitat Urban Governance Index: A Case Study of Tehsil Municipal Administrations of Punjab, Pakistan", *Urban and Regional Planning*, Vol. 2(4).
24. UN-HABITAT (2004). *Global Campaign on Urban Governance Global Urban Observatory*.
25. --- (2006). *The Urban Governance Index: a Tool of the Quality of Urban Governance*, Beirut.



# طراحی چارچوب سیاستگذاری توسعه پایدار با رویکرد ترکیبی ISM-IPA

عباس رضائی پندری\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۲۴۲-۲۴۳
------------------------	--------------------------	------------------------	---------------------

بخشی از دستور کار سند ۲۰۳۰ را اهداف توسعه پایدار تشکیل می‌دهد که در نشست توسعه پایدار در سپتامبر سال ۲۰۱۵ مورد توافق اعضای سازمان ملل قرار گرفته است. این اهداف، به عنوان یک چارچوب توسعه، شامل هفده هدف در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی ایده‌های مهمی هستند که می‌توانند به جهان در حال حرکت در مسیر توسعه پایدار کمک کنند. در حالی که توجه رو به رشدی به مباحث مرتبط با دستور کار سند ۲۰۳۰ وجود دارد، اما تحقیق پیرامون روابط بین اهداف توسعه پایدار و اولویت آنها به تعداد کمی مقاله و گزارش محدود شده است. در این مقاله با هدف ارائه مدلی برای سیاستگذاری در زمینه اهداف توسعه پایدار در ایران، از روش‌های تحقیق در عملیات نرم، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد استفاده شده است. به منظور تعیین روابط بین اهداف توسعه پایدار و اهمیت آنها، مصاحبه‌هایی با ۱۰ نفر از خبرگان و مدیران آشنا با مفاهیم توسعه پایدار انجام شد. سپس بر مبنای تحلیل هم‌زمان اهمیت (قدرت نفوذ و وابستگی اهداف) و عملکرد گزارش شده برای ایران در مورد اهداف، یک چارچوب جدید ارائه شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد اهداف اولویت‌دار در ایران با آنچه در اسناد اهداف توسعه پایدار بیان شده متفاوت است. اهداف «آب سالم و بهداشتی»، «صنعت، زیرساخت و نوآوری»، «صلح، عدالت و نهادهای توانمند» و «مشارکت برای اجرای اهداف» به عنوان اولویت‌دارترین اهداف جهت پیگیری در ایران شناخته شده است که باید سیاستگذاران توجه بیشتری به این اهداف در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های خود داشته باشند. استفاده از رویکرد ترکیبی ISM-IPA در سیاستگذاری توسعه جدید و نوآورانه است و در این پژوهش قابلیت‌های مدل‌سازی و اولویت‌بندی اهداف توسعه پایدار با این رویکرد به خوبی نشان داده شده است.

**کلیدواژه‌ها: اهداف توسعه پایدار؛ دستور کار سند ۲۰۳۰؛ مدل‌سازی ساختاری - تفسیری؛ تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد؛ سیاستگذاری توسعه**

\* دانش‌آموخته دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛  
Email: a.razi.p@modares.ac.ir

## مقدمه

توسعه امری پویا، فراگیر و چندبعدی است که ذهن بسیاری از برنامه‌ریزان، دولتمردان، سیاستگذاران و سایر محققان و متخصصان را به خود مشغول ساخته است و هدف آن بهبود شرایط زندگی، توانمندی‌های انسانی، گسترش امکانات، بهره‌مندسازی انسان و... است (رضائی پندری، محمدی‌نژاد و بخشی، ۱۳۹۶). توسعه صنعتی نامتوازن جهان را با مشکلات، تهدیدها و چالش‌های گوناگونی از قبیل؛ فقر و گرسنگی، افزایش نابرابری درون و بین کشورها، حاشیه‌نشینی، بیکاری جوانان، مشکلات بهداشتی، افزایش خشونت و تروریسم، غارت منابع طبیعی و تخریب گسترده محیط زیست روبه‌رو کرده است. چالش‌های موجود گویای این واقعیت‌اند که بدون توجه به توسعه پایدار، کشورها نمی‌توانند به حیات سالم و بهینه خود ادامه دهند (Mazmanian and Kraft, 2009). بنابراین در دهه‌های اخیر شاهد این هستیم که با هدف دستیابی به توسعه پایدار و مقابله با مشکلات پیش رو، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح ملی و بین‌المللی انجام شده است.

توسعه پایدار یک چشم‌انداز جدید و بااهمیت در سیاستگذاری عمومی است که سعی دارد تا به‌طور واضح نتایج رفتارهای فعلی را مورد توجه قرار دهد. این پارادایم جدید توسعه، به‌عنوان یک اصل و هدف عمومی مورد پذیرش قرار گرفته و حوزه گسترده‌ای را برای فعالیت سیاستگذاران ایجاد کرده است و فرصتی را برای ادغام اصولی مانند برابری بین‌نسلی، حفاظت محیط زیستی و کارایی اقتصادی که پیش از این مغایر و متضاد در نظر گرفته می‌شدند فراهم کرده است (Bartle and Leuenberger, 2006).

در سند نهایی اهداف توسعه پایدار بر وجود تفاوت‌های رویکردی، منظری، مدل‌ها و ابزارهای در دسترس هر کشور، مطابق با شرایط ملی و اولویت‌ها در مسیر توسعه پایدار تأکید شده است (DiSano, 2007). بر این اساس چون در کشورهای در حال توسعه با توجه به محدودیت‌های موجود امکان پیگیری همه اهداف وجود ندارد؛ به‌منظور برنامه‌ریزی مؤثر در راستای دستیابی به توسعه پایدار، ضروری است هر کشور با توجه به شرایط و وضعیت خود، در راستای اجرایی کردن اهداف توسعه پایدار، اولویت‌ها و برنامه‌های خود را مشخص کند (Barclay and etal, 2015).



با توجه به پذیرش توسعه پایدار در بین کشورهای جهان و تحولات مرتبط با آن در کشورهای مختلف، در پژوهش حاضر این پرسش مطرح است که شکل‌گیری پارادایم توسعه پایدار که تأثیرات قابل توجهی بر فرایند توسعه در سطح بین‌المللی داشته است، ایران در راستای سیاستگذاری توسعه پایدار باید چه مدلی و با چه ویژگی‌هایی را دنبال کند؟ با توجه به اینکه سؤال پژوهش معطوف به تدوین سیاست در زمینه ابعاد مختلف توسعه پایدار است، از این رو ابتدا باید روابط بین اهداف توسعه پایدار با نگاه بومی و ملی مشخص شود و سپس با تعریف یک چارچوب و دسته‌بندی مناسب برای این اهداف متناسب با وضعیت عملکردی فعلی، اولویت هر یک از اهداف مشخص شود.

### ۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون تحلیل رفتن منابعی که سیستم به آن وابسته است و یا به دلیل تحمیل بار بیش از حد بر روی آنها تضعیف شود. به این ترتیب می‌توان گفت توسعه پایدار بر پایه هوشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همه انسان‌هاست و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است (زاهدی، ۱۳۸۶). توسعه پایدار همچنین بر چشم‌اندازهای بلندمدت در مورد نتیجه فعالیت‌های امروز و همکاری جهانی در بین کشورها برای رسیدن به راه‌حل‌های مؤثر تأکید دارد. این عناصر، توسعه پایدار را به صورت یک هدف کلیدی برای صورت‌بندی سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قرن ۲۱ درآورده است (Kirkpatrick, George and Curran, 2001).

کمیسیون جهانی محیط زیست<sup>۱</sup>، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: «توسعه پایدار فرایند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه فناوری و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد» (WCED, 1987).

1. World Commission on Environment and Development (WCED)

همچنین در تعریفی دیگر توسعه پایدار به عنوان فرایندی تعریف می شود که اساس بهبود وضعیت و از میان برنده کاستی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد (عباسپور، ۱۳۸۶).

در اولین اقدام بین المللی در جهت توسعه پایدار در کنفرانس انسان و محیط زیست سازمان ملل بر مشارکت جهانی و دستور کار مشترک، منسجم و مورد توافق جامعه جهانی برای مقابله با توسعه نامتوازن و پیامدهای آن تأکید شد (WCED, 1987). در سال ۱۹۹۲، به دنبال پیامدهای نامطلوب توسعه صنعتی و بهره برداری گسترده از منابع طبیعی و تخریب فزاینده محیط زیست، سران کشورهای دنیا برای ارائه راه حل مناسب جهت حرکت به سمت توسعه پایدار در ریودوژانیروی برزیل گرد هم آمدند که حاصل هم اندیشی های «اجلاس زمین» تدوین «الگوی توسعه محیط زیست در قرن بیست و یکم؛ برنامه ای پویا و مدون برای دستیابی به توسعه پایدار» با عنوان «دستور کار ۲۱» بود (UNCED, 1992).

در سال ۲۰۰۲ و در «نشست توسعه پایدار» در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، هشت هدف اصلی با عنوان «اهداف توسعه هزاره» مورد توافق سران کشورها قرار گرفت. این اهداف در دستور کار کشورهای عضو سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی قرار داشت (Sachs, 2012). با بروز موضوعات نوظهور و تحت الشعاع قرار گرفتن مباحث توسعه ای، جامعه جهانی بار دیگر بعد از بیست سال از اجلاس ۱۹۹۲، مجدداً در سال ۲۰۱۲ در ریودوژانیروی گرد هم آمدند و با آسیب شناسی برنامه قبلی، برنامه پانزده ساله جدیدی با عنوان «اهداف توسعه پایدار ۲» را تدوین و تصویب کردند که نه تنها شامل برنامه ای برای حل مشکلات کشورهای در حال توسعه باشد، بلکه با اتخاذ رویکرد توسعه پایدار نسبتاً متوازن نسبت به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی به شکلی یکپارچه و درهم آمیخته همه کشورهای جهان فارغ از میزان توسعه یافتگی، باید در این مسیر و در راه دستیابی به این اهداف تلاش کنند (Grigges and etal., 2013).

1. Millennium Development Goals (MDGs)

2. Sustainable Development Goals (SDGs)

این سند با مشورت، گفتمان و هم‌اندیشی ذی‌نفعان با تعیین پنج محور اصلی (مردم، سیاره، رفاه، مشارکت و صلح)؛ هفده هدف کلان و ۱۶۹ هدف خرد با شعار «تبدیل جهان ما» به تصویب رسید. ریشه‌کن کردن فقر به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش جهانی و پیش‌نیاز ضروری توسعه پایدار یکی از اهداف اصلی این سند است. در سند نهایی نیز بر تعهد برای رهایی انسان از فقر و گرسنگی به‌عنوان یک موضوع مهم تأکید زیادی شده است. حذف فقر، تغییر الگوی ناپایدار و تشویق الگوی پایدار تولید و مصرف، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی، پیش‌نیازهای اساسی توسعه پایدار هستند. مردم در توسعه پایدار نقش محوری دارند و بر همین اساس در سند نهایی تأکید شده است که برای جهانی تلاش شود که عدالت و برابری را برای همگان تضمین کند. به‌خصوص منافع کودکان، جوانان و نسل‌های آینده، بدون تبعیض در هر شکلی از آن، اعم از؛ جنسیت، سن، معلولیت، فرهنگ، نژاد، قومیت، مبدأ، وضعیت مهاجرت، مذهب، اقتصاد و... تضمین شود (United Nations, 2015).

اهداف توسعه پایدار همراه با اهداف خرد معینی معرفی می‌شوند که با شاخص‌ها قابل‌اندازه‌گیری، تعدیل و تصحیح خواهند شد. این اهداف، اقدام‌محور، ماهیتاً جهانی و با قابلیت پیاده‌سازی فراگیر هستند که برواقعیت‌های ملی متفاوت و ظرفیت‌های مختلف اذعان و بر سیاستگذاری‌ها و اولویت‌های ملی تأکید دارند. این اهداف بر مبنای اهداف توسعه هزاره استوار هستند و بر پیشبرد توسعه هزاره تأکید دارند و هم‌زمان چالش‌های جدید را نیز پوشش می‌دهند. اهداف در سطح الهام‌بخش برای همه کشورها تعیین شده‌اند که هر دولتی می‌تواند اهداف ملی خود را با توجه به سطح توسعه و دیگر ویژگی‌ها تعیین کند (Sachs, 2012).

در زمینه سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های ملی توسعه پایدار مطالعات و اقدامات متعددی انجام شده است. بسیاری از کشورها از جمله انگلستان، نروژ، سوئیس، ایرلند، آلمان، بلژیک، آفریقای جنوبی، برزیل، فیلیپین، فنلاند، چین، اسلواکی، چک، پرتغال، فرانسه، سوئد، ایتالیا، مکزیک و کانادا استراتژی‌های ملی توسعه پایدار را تدوین و اجرا کرده‌اند و در حال ارزیابی این سیاست‌ها هستند (Bass and Dalal-Clayton, 2012). گریکس و دیگران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «اهداف توسعه پایدار برای انسان و سیاره» تأکید می‌کنند که دو اولویت اصلی در اهداف توسعه پایدار، محافظت از زمین و کاهش

فقر است. کشور ژاپن با توجه به وضعیت فعلی در زمینه اهداف توسعه پایدار و در راستای برنامه‌های ملی، اهداف توسعه پایدار را در هشت اولویت در برنامه‌های کاری خود قرار داده است که اولویت اول، توانمندسازی تمام افراد، آرمان‌های نبود فقر، آموزش با کیفیت، برابری جنسیتی، اشتغال کامل و رشد اقتصادی پایدار، کاهش فقر و تولید مسئولانه را در برمی‌گیرد و اولویت هشتم، تقویت ابزارها و چارچوب‌های اجرایی توسعه پایدار، تنها دربرگیرنده آرمان مشارکت برای اجرای اهداف است (MOFA, 2017). همچنین سوزوکی و دیگران (۲۰۱۵) در پیمایشی که روی ساکنین ۲۵ شهر ژاپن انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اهداف با اولویت بیشتر از نظر مردم ژاپن با اولویت‌های تعریف شده در توسعه پایدار متفاوت است و توجه به محیط زیست و پایداری اجتماعی از نبود فقر و ارائه خدمات اولیه بهداشتی برای مردم ژاپن اولویت به مراتب بالاتری دارد.

نیلسون، گریکس و ویسبک (۲۰۱۶) با پیشنهاد رویکردی برای نگاشت روابط بین اهداف توسعه پایدار بر این موضوع تأکید می‌کنند که با توجه به اینکه کشورها از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، ساختار سیاسی، منابع در دسترس و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت هستند، نگاشت اهداف در هر کشور با کشور دیگر متفاوت خواهد بود. همچنین آنها طراحی نقشه‌ای از روابط بین اهداف را به‌عنوان چارچوب اولیه برای سیاستگذاری توسعه برای هر کشور ضروری می‌دانند.

ملک‌محمدی و کمالی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «تحلیل نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران: بررسی موانع و ارائه مدلی برای آن» به این نتیجه رسیدند که مجموعه‌ای از عوامل شناختی، نهادی - قانونی، سیاستی و اجتماعی، مانع نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران است. در نتیجه نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران نیازمند کاربست مدلی است که مبتنی بر این موانع و با استفاده از اسناد بین‌المللی باشد تا با استفاده از تجربه سایر کشورها و نظرهای متخصصان داخلی، انجام اقدامات و تغییراتی را در هر زمینه پیشنهاد دهد.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه تدوین سیاست توسعه پایدار نشان می‌دهد که به مدلی نیاز است که با در نظر گرفتن روابط بین اهداف و وضعیت عملکرد کشور، اولویت

اهداف توسعه پایدار را مشخص کند. با توجه به این خلأ نظری، در این تحقیق قصد داریم با استفاده از یک رویکرد ترکیبی اولویت اهداف توسعه پایدار را در ایران مشخص کنیم.

## ۲. روش شناسی

هدف اصلی این پژوهش طراحی و تبیین چارچوب اولویت بندی اهداف توسعه پایدار است که با استفاده از آن بتوان نتایج واقع‌گرایانه‌ای از روابط بین اهداف توسعه پایدار ارائه و زمینه انتخاب سیاستی مناسب برای آن را طرح‌ریزی کرد. با توجه به این هدف، سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

- نگاهت اهداف توسعه پایدار چگونه است؟

- چارچوب مناسب برای اولویت بندی اهداف توسعه پایدار کدام است؟

- اولویت بندی اهداف توسعه پایدار به چه نحو است؟

با توجه به سؤالات فوق، پژوهش حاضر از نظر روش اکتشافی - پیمایشی و از حیث هدف کاربردی است. قلمرو پژوهش اولویت بندی اهداف توسعه پایدار در ایران است. داده‌های این پژوهش به دو شیوه اسنادی و پیمایش جمع‌آوری شده‌اند. این مقاله شامل سه قسمت است: در ابتدا برای بیان مسئله، ضرورت و پیشینه پژوهش و شناسایی اهداف توسعه پایدار، منابع مختلف شامل؛ کتب، مقالات و سایر منابع در دسترس در زمینه مسئله پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در قسمت دوم به منظور طراحی مدل روابط بین اهداف توسعه پایدار از روش مدل سازی ساختاری - تفسیری<sup>۱</sup> استفاده شده است. مدل سازی ساختاری - تفسیری روشی مناسب برای تحلیل تأثیر یک عنصر بر عناصر دیگر است. این روش ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند. به بیان دیگر ابزاری است که پیچیدگی روابط بین عناصر شکل دهنده یک سیستم قابل تحلیل است (آذر و بیات، ۱۳۸۷). برای اجرای رویکرد مدل سازی ساختاری - تفسیری و تعیین رابطه و ترتیب اهمیت بین عناصر مسئله لازم است هفت مرحله زیر طی شود (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲):

۱. شناسایی عوامل مرتبط با مسئله،
۲. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری<sup>۱</sup>،
۳. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه<sup>۲</sup>،
۴. ایجاد ماتریس دسترسی نهایی،
۵. بخش بندی سطح،
۶. رسم مدل اولیه و نهایی ساختاری تفسیری،
۷. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی.

داده‌های مورد نیاز در این مرحله مبتنی بر نظرات صاحب نظران توسعه پایدار با استفاده از پرسشنامه مدل سازی ساختاری - تفسیری گردآوری شده است. افراد شرکت کننده در این مرحله از بین اعضای کمیته‌های تخصصی کمیسیون توسعه پایدار انتخاب شدند که شامل ۱۰ نفر از خبرگان و مدیران آشنا با مفاهیم توسعه پایدار بودند. این افراد همچنین دارای سابقه ای بیش از پنج سال در امر برنامه ریزی بودند و حدود ۹۰ درصد آنها علاوه بر تجربه و تخصص، مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند.

با توجه به اینکه اولویت بندی اهداف اگر صرفاً مبتنی بر اهمیت آنها و بدون در نظر گرفتن عملکرد انجام گیرد ممکن است بی معنا و گمراه کننده باشد و منجر به اتلاف منابع شود، بنابراین در مرحله سوم پژوهش از روش تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد<sup>۳</sup> که یکی از روش های نرم جهت تحلیل شکاف است (Martilla and James, 1977) برای تحلیل هم زمان اهمیت و عملکرد اهداف توسعه پایدار استفاده شده است. در این تحقیق، براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی به عنوان دو بُعد اهمیت اهداف توسعه پایدار و عملکرد گزارش شده اهداف توسعه پایدار برای ایران در گزارش های بین المللی (Sachs and etal., 2018)، چارچوب اولویت بندی اهداف توسعه پایدار طراحی و اولویت های اهداف توسعه پایدار برای ایران مشخص شد.

- 
1. Structural Self-Interaction Matrix (SSIM)
  2. Reachability Matrix
  3. Importance-Performance Analysis

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

#### ۳-۱. شناسایی و تعریف اهداف توسعه پایدار

رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری با شناسایی متغیرهایی شروع می‌شود که مربوط به مسئله یا موضوع مورد بحث هستند. این متغیرها از مطالعه ادبیات موضوع و یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می‌آید. این تحقیق به دنبال پیدا کردن روابط بین اهداف توسعه پایدار است، بنابراین لازم است تا اهداف توسعه پایدار شناسایی و تعریف شود. با بررسی پیشینه پژوهش، آخرین نسخه از اهداف توسعه پایدار که توسط کشورهای جهان مورد توافق گرفته است، به عنوان عوامل مؤثر بر مسئله شناسایی و تعریف شد. این اهداف شامل هفده هدف کلان به صورت جدول ۱ است.

جدول ۱. اهداف توسعه پایدار

ردیف	هدف	شرح هدف
۱	نبود فقر	پایان دادن به فقر در همه اشکال و در هرکجا (ریشه‌کن کردن فقر تا سال ۲۰۳۰ برای مردم)
۲	نبود گرسنگی	پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
۳	سلامتی و رفاه	اطمینان از زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه و در همه رده‌های سنی
۴	آموزش باکیفیت	اطمینان از آموزش باکیفیت فراگیر و عادلانه و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
۵	برابری جنسیتی	دستیابی به برابری‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران
۶	آب سالم و بهداشتی	تضمین در دسترس بودن و مدیریت پایدار آب و سیستم آب و فاضلاب برای همه
۷	دسترسی به انرژی پاک	اطمینان از دسترسی منصفانه، قابل اطمینان، پایدار و مدرن به انرژی برای همه
۸	اشتغال کامل و رشد اقتصادی پایدار	ارتقای پایدار، رشد اقتصادی پایدار و محاسبه شده، اشتغال مؤثر و کامل و کار مناسب برای همه
۹	صنعت، زیرساخت و نوآوری	ساخت زیرساخت‌های مقاوم، تقویت صنعتی‌سازی پایدار و سراسری و پرورش نوآوری

شرح هدف	هدف	ردیف
کاهش نابرابری در میان و درون کشورها	کاهش نابرابری	۱۰
ایجاد شهرها و محل سکونت، امن، منعطف، پایدار و سراسری	شهرها و جوامع پایدار	۱۱
اطمینان از مصارف پایدار و الگوهای تولیدی	مصرف و تولید مسئولانه	۱۲
اقدام برای مقابله با تغییرات آب و هوا و اثرات آن	اقدام برای اقلیم	۱۳
حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس ها، دریاها و منابع دریایی برای رسیدن به توسعه پایدار	زیستن پایدار در آب	۱۴
محافظت، احیا و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم های زمین، مدیریت پایدار جنگل ها، مبارزه با بیابان زایی، متوقف سازی و معکوس کردن تخریب اراضی و متوقف کردن انهدام تنوع زیستی	زیستن پایدار در خشکی	۱۵
ارتقای نهادهای فراگیر و صلح جو برای توسعه پایدار، فراهم کردن دستیابی به عدالت برای همگان و ساخت مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در تمام سطوح	صلح، عدالت و نهادهای توانمند	۱۶
تقویت و گسترش ابزارهای پیاده سازی و احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار	مشارکت برای اجرای اهداف	۱۷

Source: United Nations, 2015

### ۲-۳. طراحی مدل ساختاری - تفسیری اهداف توسعه پایدار

پس از شناسایی اهداف توسعه پایدار و به منظور تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری اهداف توسعه پایدار به صورت دوجه دو و زوجی با هم بررسی می شوند و پاسخ دهنده با استفاده از نمادهای زیر به تعیین روابط بین اهداف می پردازد:

V: هدف سطر (i) می تواند زمینه ساز رسیدن به هدف ستون (j) باشد.

A: هدف ستون (j) می تواند زمینه ساز رسیدن به هدف سطر (i) باشد.

X: بین هدف سطر (i) و ستون (j) ارتباط دوطرفه وجود دارد. به عبارتی هر دو می توانند

زمینه ساز رسیدن به همدیگر شوند.

O: هیچ نوع ارتباطی بین این دو نوع هدف (i,j) وجود ندارد.

به این منظور پرسشنامه ای براساس اهداف توسعه پایدار تعریف شده در جدول ۱



طراحی شد، به این صورت که هفده هدف در سطر و ستون اول ذکر و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که با توجه به نمادهای معرفی شده (V,A,X,O) نوع ارتباطات دوجه‌دوی اهداف را مشخص کنند. این پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران توسعه پایدار که عضو کمیته‌های تخصصی توسعه پایدار بودند قرار داده شد و از آنها خواسته شد تا رابطه بین اهداف را مشخص کنند. سپس با توجه به فراوانی رابطه مشخص شده بین هر دو هدف، ماتریس نهایی خودتعاملی ساختاری تهیه شد. از طریق تبدیل نمادهای A,V,X,O به صفر و یک برای هر هدف، ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می‌شود که به اصطلاح ماتریس دسترسی اولیه خوانده می‌شود.

پس از اینکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن برقرار شود. به عنوان نمونه اگر هدف A منجر به هدف B شود و هدف B هم منجر به هدف C شود، باید هدف A نیز منجر به هدف C شود و اگر در ماتریس دسترسی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. برای سازگار کردن ماتریس روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در این تحقیق از روش به توان رساندن ماتریس دسترسی اولیه طبق قاعده بولن<sup>۱</sup> (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲) برای ایجاد سازگاری در ماتریس دسترسی استفاده شده است.

در این گام تمام روابط ثانویه بین اهداف بررسی شد و ماتریس دسترسی نهایی براساس جدول ۲ به دست آمد. در این جدول، قدرت نفوذ<sup>۲</sup> و میزان وابستگی<sup>۳</sup> هر هدف نیز نشان داده شده است. قدرت نفوذ یک هدف از جمع تعداد اهداف متأثر از آن و خود هدف به دست می‌آید. میزان وابستگی یک هدف نیز از جمع اهدافی که از آنها تأثیر می‌پذیرد و خود هدف به دست می‌آید.

- 
1. Bolin Rule
  2. Driving Power
  3. Dependence

جدول ۲. ماتریس دسترسی نهایی

هدف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	قدرت نفوذ
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۲	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
۳	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲
۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۵	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۶	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۱۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
۱۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۲	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۱۳	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۵	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۶
۱۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۶
میزان وابستگی	۶	۷	۷۱	۴۱	۴۱	۱	۵	۵	۵	۷۱	۴۱	۶	۴۱	۴۱	۲	۲	۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

به منظور بخش بندی سطح با استفاده از ماتریس دسترسی نهایی؛ مجموعه خروجی، ورودی و مشترک برای هر هدف مشخص شد. از این رو اهدافی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشند، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرند. برای یافتن اجزای تشکیل دهنده سطح بعدی سیستم، اجزای سطوح قبل در محاسبات ریاضی جدول حذف می‌شود و عملیات مربوط به تعیین اجزای سطح بعدی مانند روش تعیین اجزای بالاترین سطح انجام می‌شود. این عملیات تا آنجا تکرار می‌شود که اجزای تشکیل دهنده کلیه سطوح سیستم مشخص شوند. در این پژوهش، اهداف توسعه پایدار در پنج سطح قرار گرفتند. اطلاعات مربوط به مجموعه خروجی، مجموعه ورودی، مجموعه مشترک و سطح هر هدف در جدول ۳ ارائه شده است.

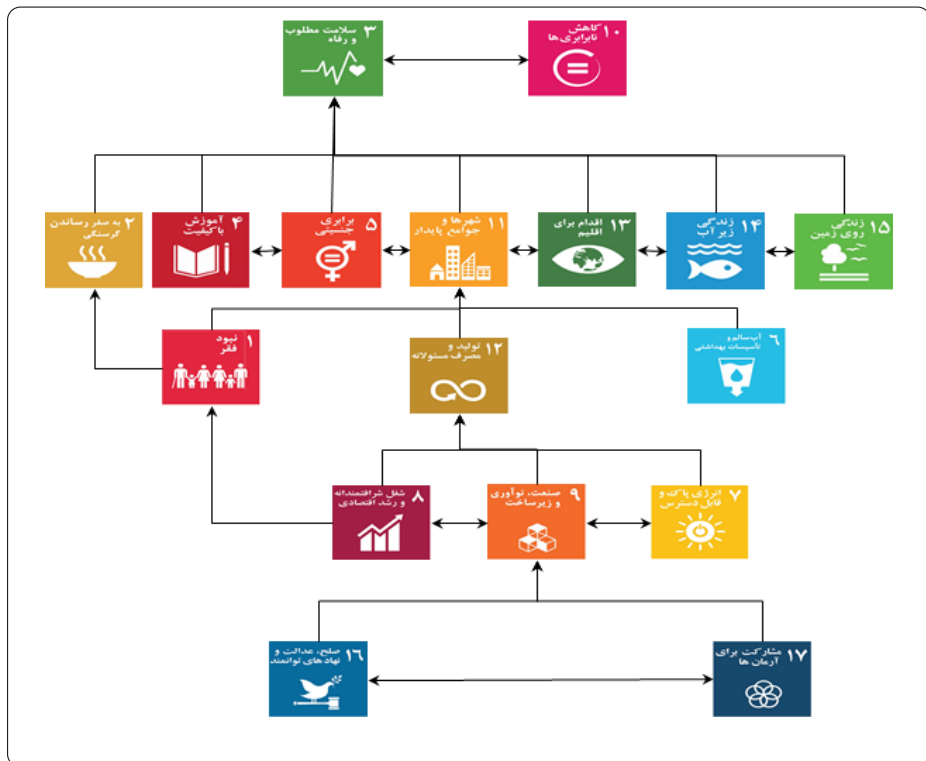
جدول ۳. بخش بندی سطوح ماتریس دسترسی

هدف	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳،۲،۱	۱۷،۱۶،۹،۸،۷،۱	۱	۳
۲	۱۰،۴،۳،۲	۱۷،۱۶،۹،۸،۷،۲،۱	۲	۲
۳	۱۰،۳	۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵،۱۳	۱۰،۳	۱
۴	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۶	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۶،۵،۴،۳	۶	۶	۳
۷	۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۴،۱۵	۱۷،۱۶،۹،۸،۷	۹،۸،۷	۴
۸	۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۴،۱۵	۱۷،۱۶،۹،۸،۷	۹،۸،۷	۴
۹	۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۴،۱۵	۱۷،۱۶،۹،۸،۷	۹،۸،۷	۴
۱۰	۱۰،۳	۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵،۱۳	۱۰،۳	۱
۱۱	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۱۲	۱۵،۱۴،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۷،۱۶،۱۲،۹،۸،۷	۱۲	۳
۱۳	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۱۴	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۵،۴،۳	۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۱ ۱۷،۱۶،۱۴،۱۵	۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۵،۴	۲
۱۶	۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۷،۱۶،۱۵،۱۴	۱۷،۱۶	۱۷،۱۶	۵
۱۷	۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ ۱۷،۱۶،۱۵،۱۴	۱۷،۱۶	۱۷،۱۶	۵

مأخذ: همان.

به‌منظور رسم مدل ساختاری - تفسیری ابتدا براساس سطوح متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی، یک مدل اولیه رسم و از طریق حذف انتقال پذیری‌ها مدل نهایی به‌دست آمد (مدل ۱). در بالاترین سطح اهداف «سلامت مطلوب و رفاه» و «کاهش نابرابری‌ها» قرار گرفته است. باید توجه داشت اهدافی که در سطح بالاتر هستند از تأثیرگذاری کمتری برخوردارند و بیشتر تحت تأثیر اهداف سطوح پایین‌تر هستند. در پایین‌ترین سطح مدل، اهداف «صلح، عدالت و نهادهای توانمند» و «مشارکت برای آرمان‌ها» قرار دارد که این دو هدف به‌عنوان اهداف پایه‌ای و اساسی عمل می‌کنند و فرایند توسعه پایدار باید از این اهداف شروع و به سایر اهداف سرایت کند. سایر ارتباطات نیز در مدل ۱ مشخص شده است.

مدل ۱. مدل ساختاری - تفسیری - اهداف توسعه پایدار



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳-۳. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ، میزان وابستگی و عملکرد

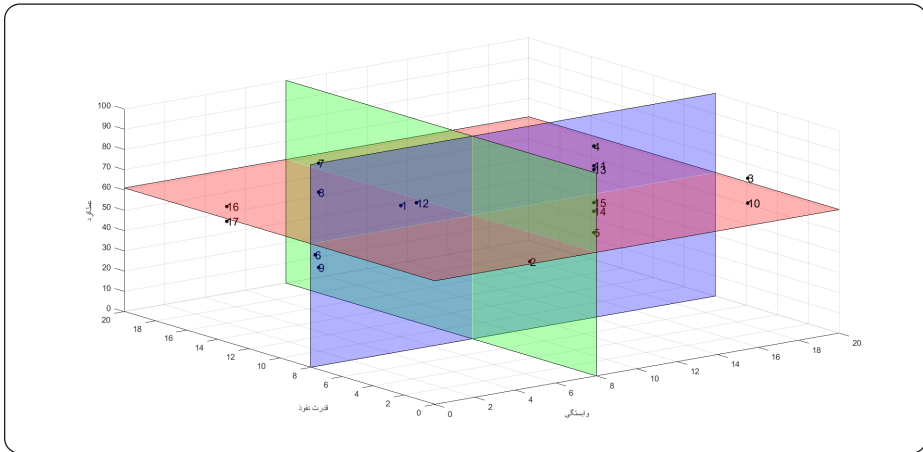
از آنجاکه تحلیل جداگانه داده‌های قدرت نفوذ، وابستگی و عملکرد ممکن است معنادار نباشد، بنابراین در این پژوهش داده‌های مربوط به قدرت نفوذ، وابستگی و عملکرد اهداف به صورت هم‌زمان روی شبکه‌ای سه بعدی مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین براساس اینکه قدرت نفوذ و وابستگی هر هدف به چه میزانی است و عملکرد کشور در زمینه آن هدف در چه حدی است (وضع موجود) هشت وضعیت قابل تشخیص است.

- وضعیت ضعیف شدید: قدرت نفوذ بالا، وابستگی ضعیف و عملکرد ضعیف،
- وضعیت ضعیف نسبتاً شدید: قدرت نفوذ بالا، وابستگی بالا و عملکرد ضعیف،
- وضعیت ضعیف: قدرت نفوذ ضعیف، وابستگی بالا و عملکرد ضعیف،
- وضعیت قابل قبول: قدرت نفوذ بالا، وابستگی بالا و عملکرد بالا،
- وضعیت قابل قبول: قدرت نفوذ بالا، وابستگی ضعیف و عملکرد بالا،
- وضعیت قابل قبول: قدرت نفوذ ضعیف، وابستگی بالا و عملکرد بالا،
- وضعیت بی تفاوتی: قدرت نفوذ ضعیف، وابستگی ضعیف و عملکرد ضعیف،
- وضعیت اتلاف: قدرت نفوذ ضعیف، وابستگی ضعیف و عملکرد بالا.

شکاف عمده‌ای در وضعیت ضعیف نسبتاً شدید و اتلاف وجود دارد؛ بنابراین اهداف موجود در این وضعیت دارای اولویت بالاتری هستند و وضعیت بی تفاوتی با توجه به اینکه اهداف مرتبط با آنها از سایر اهداف مجزا هستند و ارتباطات کمی با دیگر اهداف دارند در پایین‌ترین اولویت قرار خواهد گرفت. در نمودار ۱ وضعیت هر یک از اهداف توسعه پایدار در ایران نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اهداف «آب سالم و بهداشتی»، «صنعت، زیرساخت و نوآوری»، «صلح، عدالت و نهادهای توانمند» و «مشارکت برای اجرای اهداف» در وضعیت ضعیف شدید؛ هدف «برابری جنسیتی» در وضعیت ضعیف نسبتاً شدید؛ اهداف «زیستن پایدار در آب» و «زیستن پایدار در خشکی» در وضعیت ضعیف؛ اهداف «بدون فقر»، «سلامتی و رفاه»، «آموزش باکیفیت»، «دسترسی به انرژی پاک»، «اشتغال کامل و رشد اقتصادی پایدار»، «کاهش نابرابری»، «شهرها و جوامع پایدار»، «مصرف و تولید مسئولانه»

و «اقدام برای اقلیم» در وضعیت قابل قبول و هدف «بدون گرسنگی» در وضعیت بی تفاوتی قرار دارد.

#### نمودار ۱. چارچوب قدرت نفوذ، وابستگی و عملکرد اهداف توسعه پایدار



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش در ادامه تحقیقات دانشگاهی در زمینه سیاستگذاری توسعه پایدار است و با هدف ارائه نداشت روابط بین اهداف توسعه پایدار و طراحی چارچوبی برای اولویت‌بندی آن انجام شده است. در این پژوهش به منظور شناسایی و تحلیل روابط بین اهداف توسعه پایدار از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده شده که خروجی این مرحله نداشت روابط بین اهداف توسعه پایدار است. اگرچه در بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه توسعه پایدار، پژوهشی که روابط بین اهداف را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشد، اما نیلسون، گریکس و ویسبک (۲۰۱۶) در رویکرد پیشنهادی خود اذعان داشتند که نداشت اهداف توسعه پایدار برای هر کشور، خاص آن کشور است و هر کشوری باید متناسب با شرایط خود روابط بین اهداف را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش با

توجه به ابعاد قدرت نفوذ و وابستگی اهداف و همچنین عملکرد ایران در زمینه هرکدام از این اهداف یک چارچوب جدید جهت اولویت‌بندی اهداف طراحی شد و براساس این چارچوب اهداف با اولویت بالاتر شناسایی شد. مقایسه اولویت‌های به دست آمده در این تحقیق و گزارش دولت ژاپن در مورد اولویت‌های این کشور نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین این دو وجود دارد، به نحوی که برای کشور ایران بحث‌های مرتبط با تأمین زیرساخت‌ها در اولویت است، اما در ژاپن این مباحث محقق شده است و اهداف مرتبط با توانمندسازی افراد از اولویت بیشتری برخوردار هستند (MOFA, 2017). این تفاوت را می‌توان متأثر از اختلاف سطح توسعه‌یافتگی دو کشور دانست.

نتایج این پژوهش مشخص کرد که اهداف توسعه پایدار در مدل ساختاری - تفسیری در پنج سطح قرار می‌گیرد به نحوی که دو هدف «مشارکت برای آرمان‌ها» و «صلح، امنیت و نهادهای توانمند» در پایین‌ترین سطح از مدل ساختاری - تفسیری قرار گرفتند. این به آن معناست که این عوامل زیربنای توسعه پایدار در ایران هستند و انجام اقدامات لازم در راستای اجرای این اهداف می‌تواند به نتایج قابل توجهی منجر شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت و نهادهای متصدی توسعه در ایران برای سرعت بخشیدن به توسعه و دستیابی به توسعه پایدار سیاست‌های خود را حول این اهداف متمرکز کنند. با بازنگری در قوانین مرتبط با اهداف و همچنین بررسی عضویت ایران در سازمان‌های جهانی مرتبط می‌توان مشارکت ایران برای آرمان‌ها را افزایش داد. همچنین پیشنهاد می‌شود با بازنگری در قوانین و رویه‌ها، مشکلات نهادی و ساختاری موجود برای استفاده از نهادهای مردمی توانمند کاهش یابد تا بتوان از ظرفیت این بخش برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار به شکل بهتری بهره‌برداری کرد. همچنین براساس یافته‌های حاصل از چارچوب قدرت نفوذ - وابستگی - عملکرد معرفی شده در این پژوهش، «آب سالم و بهداشتی»، «صنعت، زیرساخت و نوآوری»، «صلح، عدالت و نهادهای توانمند» و «مشارکت برای اجرای آرمان‌ها» در وضعیت ضعف شدید و هدف «برابری جنسیتی» در وضعیت ضعف نسبتاً شدید قرار دارد و برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار لازم است سیاست‌های تهاجمی به منظور بهبود هرچه بیشتر عملکرد در زمینه این اهداف اتخاذ شود زیرا بهبود این اهداف با توجه به تأثیراتی که

بر سایر اهداف دارد، دستیابی به توسعه‌ای پایدار را تسریع خواهد کرد. مقاله حاضر در راستای نگاشت روابط اهداف توسعه پایدار، بر اهداف سطح کلان متمرکز شده است و اهداف خُرد و رابطه آنها را مورد توجه قرار نداده است، همچنین در این مقاله رابطه اهداف توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن برنامه‌های توسعه ملی مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی علاوه بر رابطه اهداف کلان رابطه اهداف سطح خُرد نیز مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر می‌توان در پژوهش‌های آتی رابطه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار را با اهداف برنامه‌های توسعه ملی نیز مورد بررسی قرار داد. با توجه به نبود گزارش رسمی در داخل کشور برای وضعیت عملکرد اهداف، در این تحقیق از عملکرد گزارش شده برای ایران در گزارش‌های بین‌المللی استفاده شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی چگونگی بررسی عملکرد کشور در زمینه اهداف توسعه پایدار مورد بررسی قرار گیرد.



## منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM)»، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، ش ۱.
۲. آذر، عادل، فرزانه خسروانی و رضا جلالی (۱۳۹۲). تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی مسئله، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۳. رضائی پندری، عباس، الهام محمودی نژاد و پریسا بخشی (۱۳۹۶). «اندازه‌گیری کارایی نسبی استان‌های کشور از نظر توسعه انسانی با رویکرد تحلیل پوششی داده‌های شبکه‌ای»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸(۲۹).
۴. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶). توسعه پایدار، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۵. عباسپور، مجید (۱۳۸۶). انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
۶. ملک محمدی، حمیدرضا و یحیی کمالی (۱۳۹۲). «تحلیل نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران: بررسی موانع و ارائه مدلی برای آن» فصلنامه علمی - پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، ش ۲.
7. Barclay, H., R. Dattler, K. Lau, S. Abdelrhim, A. Marshall and L. Feeney (2015). *Sustainable Development Goals: A SRHR CSO Guide for National Implementation*, International Planned Parenthood Federation, United Kingdom.
8. Bartle, J. R. and D. Leuenberger (2006). "The Idea of Sustainable Development in Public Administration", *Public Works Management and Policy*, 10(3).
9. Bass, S. and B Dalal-Clayton (2012). *Sustainable Development Strategies: a Resource Book*, Routledge.
10. DiSano, J. (2007). Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies, United Nations Department of Economic and Social Affairs, New York.
11. Griggs, D., M. Stafford-Smith, O. Gaffney, J. Rockström, M. C. Öhman, P. Shyamsundar and I. Noble (2013). "Policy: Sustainable Development Goals for People and Planet", *Nature*, 495(7441).
12. Kirkpatrick, C., C. George and J. Curran (2001). Development of Criteria to Assess the Effectiveness of National Strategies for Sustainable Development, Manchester: Institute for Development Policy and Management, University of Manchester.

13. Mazmanian, D. A. and M. E. Kraft (Eds.) (2009). *Toward Sustainable Communities: Transition and Transformations in Environmental Policy*, MIT Press.
14. Martilla, J. A. and J. C. James (1977). "Importance-performance Analysis", *The Journal of Marketing*.
15. Ministry of Foreign Affairs (MOFA) (2017). *Japan's Voluntary National Review Report on the Implementation of the Sustainable Development Goals*, Ministry of Foreign Affairs (MOFA).
16. Nilsson, M., D. Griggs and M. Visbeck (2016). "Policy: Map the Interactions between Sustainable Development Goals", *Nature News*, 534(7607).
17. Robert, K. W., T. M. Parris and A. A. Leiserowitz (2005). "What is Sustainable Development? Goals, Indicators, Values and Practice", *Environment: Science and Policy for Sustainable Development*, 47(3).
18. Sachs, J. D. (2012). "From Millennium Development Goals to Sustainable Development Goals", *The Lancet*, 379(9832).
19. Sachs, J., G. Schmidt-Traub, C. Kroll, D. Durand-Delacore, and K. Teksoz (2018). *SDG Index and Dashboards Report 2018*, *New York: Bertelsmann Stiftung and Sustainable Development Solutions Network (SDSN)*.
20. Suzuki, M., K. Ikeda, , T. Kusago, K. Hara, M. Uwasu and O. Tyunina (2015). *Analysis of Citizens' Priorities Over Sustainable Development Goals in Japan, Evidence from a Questionnaire Survey*.
21. United Nations. (2015). *Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development*, Resolution Adopted by the General Assembly.
22. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED) (1992). *Agenda 21*, Rio de Janeiro.
23. World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). *Our Common Future*, Oxford University Press, Oxford, NewYork.

# تسری «محاربه» به «راهزنی دریایی» از منظر فقه شیعه و حقوق کیفری ایران

امیرمقامی\* و جواد رستمی\*\*

شماره صفحه: ۲۶۹-۲۴۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۵	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۴	نوع مقاله: علمی پژوهشی
---------------------	------------------------	------------------------	------------------------

راهزنی دریایی یا دزدی دریایی که سابقه‌ای بسیار قدیمی و قدمتی به اندازه تاریخ تسلط بشر بر دریاها دارد، در سال‌های اخیر به دلایلی نظیر تغییر الگوی رفتاری راهزنان دریایی که اغلب به صورت گروگان‌گیری و در نهایت باج‌خواهی رواج پیدا کرده است، تهدیدی جدی برای مبادلات تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود. این جرم که از نخستین جرائم بین‌المللی موجد صلاحیت جهانی است، تاکنون به صورت مجزا و در قالب قانونی خاص با «توصیف» به‌عنوان «راهزنی دریایی» از سوی قانونگذار کشورمان، مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است. پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر نشان می‌دهد به دلیل این نقیصه و از آنجا که اعمال و اقداماتی که از سوی راهزنان دریایی سر می‌زند، در بسیاری از موارد تشابهات فراوانی با عنوان محاربه در قانون مجازات اسلامی ایران دارد، می‌توان رفتارها و اقدامات آنها را که غالباً موجب سلب امنیت دریاها می‌شود، مصداقی از محاربه دانست و در مواردی که مرتکبان توسط نیروهای ایرانی در آب‌های آزاد دستگیر می‌شوند، آنها را با همین عنوان مورد محاکمه و مجازات قرار داد.

کلیدواژه‌ها: راهزنی دریایی؛ دریای آزاد؛ محاربه؛ فقه شیعه؛ حقوق کیفری ایران؛ صلاحیت

---

\*استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)؛

Email: maghami@yazd.ac.ir

\*\*دانش‌آموخته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان؛

Email: rostamyjavad9@gmail.com

## مقدمه

تصور بر این بود که راهزنی دریایی که از قدیمی‌ترین جرائم بین‌المللی است و در گذشته به صورت فراوان اتفاق می‌افتاد، دیگر نتواند برای کشورها و جامعه بین‌المللی خطرآفرینی کند. اما برخلاف تصورات، چند سالی است که راهزنی دریایی نوین از جمله در سواحل سومالی و خلیج عدن شدت و فزونی گرفته و در این میان کشتی‌های ایرانی نیز به کرات مورد حمله، تجاوز و چپاول راهزنان دریایی قرار گرفته‌اند که در بعضی از موارد، نیروهای نظامی ایران در گشتزنی خود در دریای آزاد به مقابله و دستگیری راهزنان پرداخته‌اند. براساس گزارش سالیانه سازمان بین‌المللی دریانوردی مربوط به سال ۲۰۱۷، در این سال پنجاه مورد راهزنی در آب‌های بین‌المللی، ۸۷ مورد در آب‌های سرزمینی و ۸۶ مورد در مناطق بندری روی داده است (IMO, 2018). دریای چین جنوبی و غرب آفریقا بیشترین فراوانی در راهزنی دریایی را داشته‌اند که از این تعداد ۲۱ مورد مربوط به سواحل سومالی بوده است. این آمار نسبت به سال ۲۰۱۶ نشان‌دهنده افزایش راهزنی دریایی در آب‌های سرزمینی است (Ibid., 2017).

راهزنان دریایی با اقدامات خود در دریاها که از تجارت اموال قاچاق تا ضرب و جرح، قتل، گروگان‌گیری و باج‌خواهی متفاوت است باعث ایجاد رعب، وحشت و برهم خوردن امنیت دریاها می‌شوند. این اعمال از مصادیق بارز جنایت گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد و ورود خسارت عمده به اموال عمومی یا خصوصی است که در ماده (۲۸۶) ق. م. ا مصوب سال ۱۳۹۲، که در مورد مفسدین فی الارض است، بیان شده است. همچنین نقض آزادی دریانوردی، نقض یکی از تعهدات عام‌الشمول<sup>۱</sup> حقوق بین‌الملل (Aust, 2007: 258)، موضوع ماده (۴۸) طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی است (ILC, 2001). از آنجاکه «جامعه بین‌المللی در کل» از چنین اقداماتی متضرر می‌شود، مطابق حقوق عرفی بین‌المللی، صلاحیت جهانی همه دولت‌ها نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان ثابت است (Bassiouni, 1996: 63). از این رو شورای امنیت ضمن تأکید بر مسئولیت اولیه

دولت ذی ربط (به ویژه سومالی) از رسیدگی های کیفری کشورهای چون هند و بلژیک استقبال کرده است (UNSC/Res/2383).

صلاحیت جهانی دادگاه های داخلی در رسیدگی به این جرم و فقدان دادگاهی بین المللی برای تعقیب و اعمال مجازات بر راهزنان دریایی از یک سو و عدم جرم انگاری راهزنی دریایی در قانونی خاص از سوی قانونگذار کشورمان از سوی دیگر، و از همه مهمتر، نتیجه اقدامات راهزنان دریایی که در اغلب موارد به سلب امنیت بخشی از دریا منجر می شوند، نگارندگان را بر آن داشت تا با تحلیل راهزنی دریایی، این فعل مجرمانه را با نزدیک ترین عنوان مجرمانه ای که در فقه شیعه و قانون ایران بیان شده است، تطبیق دهند. از این رو پرسش اساسی این است که آیا مفهوم «محاربه» را می توان به جرم «دزدی دریایی» که در حقوق بین الملل، از جمله جرائم موجد صلاحیت جهانی است، تسری داد؟ برای پاسخ به این سؤال در مقاله حاضر، ابتدا تحلیلی در مورد محاربه و شرایط لازم برای تحقق این عنوان مجرمانه بیان خواهد شد و پس از آن راهزنی دریایی و به ویژه قلمرو ممکن برای ارتکاب آن از منظر حقوق بین الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در انتها تشابهات این دو عنوان مجرمانه ذکر خواهد شد. واضح است در صورت عدم وقوع هر یک از شرایطی که برای تحقق محاربه لازم است و در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، می توان اقدامات راهزنان دریایی را با عناوین مجرمانه دیگری (از جمله سرقت حدی یا تعزیری) مورد بررسی و مؤاخذه قرار داد.

## ۱. محاربه

«در لغت عرب، محاربه مصدر باب مفاعله که مجرد آن حازَبَ بر وزن فاعَلَ از ریشه ثلاثی مجرد به معنای جنگ و مقاتله و غارت است» (حبیب زاده، ۱۳۷۰: ۲۵). محاربین کسانی هستند که علیه خدا و رسولش به مقابله و ستیز مسلحانه برمی خیزند. این مفهوم، در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه برای ذکر تعریفی از محاربین و تعیین مجازات برای محاربان است اشاره شده است. قریب به اتفاق فقها تعاریف نسبتاً مشابهی را برای محاربان بیان کرده اند، به این مضمون که محارب به کسی گویند که اسلحه خود را به منظور تهدید و

ترساندن مردم از غلاف درآورد و یا آن را مجهز کند و قصد افساد در زمین را داشته باشد، چه در خشکی و چه در دریا، چه در شهر و چه در روستا، چه در شب و چه در روز، چه محارب مرد باشد یا زن، قوی باشد یا ضعیف (نجفی، ۱۳۶۳: ۵۶۵-۵۶۴؛ خمینی، ۱۳۸۳: ۲۳۹؛ مکی‌العاملی، ۱۳۷۰: ۲۶۳؛ یزدی، ۱۳۷۴: ۱۸۸۸؛ عوده، ۱۳۹۰: ۳۱۸). بنابراین همان‌گونه که مشخص است، در کتب فقهی نیز، مانند قانون کشورمان، بخش ویژه‌ای را در ارتباط با راهزنی دریایی نمی‌توان استنباط کرد (خوش‌نویس، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، در ماده (۱۸۳) که برگرفته از نظر امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بود، محارب و مفسد فی الارض را کسی می‌دانست که برای ایجاد رعب، هراس، سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد. اما در ماده (۲۷۹) ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲، با تفکیک عنوان محارب از مفسد فی الارض، محارب را شخصی عنوان کرده که به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها سلاح بکشد به نحوی که باعث ناامنی در محیط شود. درباره اینکه محارب و مفسد فی الارض مترادف و به یک معنا هستند و یا اینکه به دنبال ذکر دو عنوان مجرمانه مجزا و جدا از یکدیگر هستند، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان محارب و مفسد فی الارض را دو واژه مترادف می‌دانند که بر موضوع واحدی که همان قیام مسلحانه علیه تشکیلات حکومت اسلامی است، صدق می‌کند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۶۰؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۸ - ۲۴۷) و برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که محارب و مفسد فی الارض دو عنوان جداگانه هستند و محاربه در واقع مصداقی از مصادیق افساد فی الارض است، ولی چون اقدامات محاربین باعث بیشترین مفسده می‌شود، در آیه ۳۳ سوره مائده، به طور اخص از آن نام برده شده و مجازاتش تعیین شده است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۰: ۳۶). به نظر می‌رسد از بین نظرهای مذکور، قول دوم صحیح‌تر باشد و براساس آن بتوان بین افساد فی الارض و محاربه رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق را به شرح زیر برقرار دانست:

- هر محاربه‌ای افساد فی الارض است.

- بعضی افساد فی الارض‌ها، محاربه هستند، همچون ماده (۲۷۹) ق.م.ا.

- بعضی افساد فی الارض‌ها، محاربه نیستند، همچون ماده (۲۸۶) ق.م.ا.

بارزترین اشخاصی که می‌توانند محارب محسوب شوند، قطاع‌الطریق هستند که با اسلحه راهزنی می‌کنند. در این باره ماده (۲۸۱) ق.م.ا.بیان می‌دارد: «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند». در تعریف راهزنی نیز بیان شده است که: «راهزنی عبارت است از گرفتن اموال مسافران و عابران در راه‌ها و شوارع ضمن غافلگیری و تهاجم مسلحانه» (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۷). همچنین براساس نظر فقها و حقوقدانان، برای تحقق عنوان محاربه برداشتن نصاب معینی از مال - که از شروط لازم برای تحقق سرقت حدی است - شرط نیست (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳؛ عوده، ۱۳۹۰: ۳۲۲).

### ۱-۱. مقید بودن جرم محاربه

در حقوق عرفی، جرائم را از لحاظ اینکه تحقق آنها به وقوع نتیجه مشخص شده از سوی مقنن نیاز دارد یا خیر، به جرائم مقید و مطلق تقسیم می‌کنند. جرائم مقید جرائمی هستند که وقوع آنها، نیاز به تحقق نتیجه دارد و به عبارت دیگر به نتیجه‌ای خاص و البته مجرمانه مقید هستند. در مقابل جرائم مطلق، جرائمی هستند که وقوع آنها، نیاز به تحقق نتیجه ندارد. در مورد مقید یا مطلق بودن جرم محاربه میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از حقوقدانان بر این اعتقادند که محاربه از جرائمی است که نیاز به تحقق نتیجه‌ای خاص نداشته و در زمره جرائم مطلق محسوب می‌شود. این عده از حقوقدانان در دفاع از موضع اتخاذ شده خویش چنین استدلال می‌کنند: «موضوع جرم محاربه عملی است که قابلیت سلب آسایش و ایجاد رعب و وحشت برای مردم را داشته باشد» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۹-۹۸) بدون اینکه نیازی به سلب امنیت وجود داشته باشد. در مقابل عده‌ای دیگر از حقوقدانان محاربه را جرمی مقید می‌دانند که برای تحقق آن، وجود نتیجه‌ای خاص که همان سلب امنیت است، ضرورت دارد (زراعت، ۱۳۸۰: ۳۷؛ گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۶؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۴۹).

به نظر می‌رسد، از بین دو موضع اتخاذ شده توسط حقوقدانان، نظر اخیر که محاربه را جرمی مقید می‌داند، درست‌تر و قابل قبول‌تر باشد. این برداشت زمانی تقویت می‌شود که از متن ماده (۲۷۹) ق.م.ا.، درمی‌یابیم که قانونگذار نیز تحقق محاربه را به تحقق نتیجه‌ای مجرمانه یعنی «سلب امنیت» منوط می‌داند. بنابراین هرگاه مرتکب یا مرتکبین دست

به سلاح برده و در اثر این رفتار موجب سلب امنیت شوند، با وجود سایر شرایط با عنوان محارب، قابل تعقیب و مجازات خواهند بود.

## ۲-۱. عمومیت در جرم محاربه

برای صدق تحقق عنوان محاربه نوعی عمومیت در جرم لازم است و درگیری‌های شخصی حتی با وجود سایر شرایط نمی‌تواند موجب تحقق این جرم شوند. در تأیید این نظریه، از یک سو به ذکر واژه «مردم» در ماده (۲۷۹) ق. م. ا، و از سوی دیگر به قسمت دوم ماده ذکر شده که بیان می‌دارد «... هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد... محارب محسوب نمی‌شود» می‌توان اشاره کرد. بنابراین هرگاه شخصی برای انتقام‌گیری از دیگری که به درخواست ازدواج او جواب منفی داده است به روی او سلاح بکشد یا مردی که به دلیل گران‌فروشی مغازه‌دار سرکوجه، بخواهد به ابتکار خودش او را ادب کرده و از سلاح استفاده کند، حتی با وجود سایر شرایط هم با عنوان محارب قابل کیفر نخواهند بود. تبصره «۲» ماده (۱۸۳) ق. م. ا سابق در این مورد بیان می‌داشت: «اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود». در این رابطه نیز بیان شده است: «ملاک مردم هم کمیت آنها نیست بلکه مقصود آن است که به نحوی موجب اغتشاش و سلب امنیت عمومی شود هرچند اینکه از طریق ترساندن یک نفر باشد» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۷). در تأیید این نظر، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه ۷/۱۲۷۵-۷۱/۶/۳-۷۱/۶/۳ اعلام داشته است: «اسلحه کشیدن به روی مردم اگر جنبه عمومی داشته باشد و باعث رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم باشد طبق ماده (۱۸۳) ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ [ماده (۲۷۹) ق. م. ا فعلی] حکم محاربه را دارد، ولی اگر جنبه عمومی نداشته باشد، طبق تبصره «۲» ماده گفته شده محاربه نیست». در مورد عنصر «مکان» و ارتباط آن با حاکمیت قانون ایران در جرم محاربه، در قسمت‌های بعدی بحث خواهد شد.



## ۲. راهزنی دریایی و واکنش حقوق بین الملل

«راهزنی دریایی از جمله جرائمی است که به صورت سازمان یافته<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد و تهدیدی علیه صلح و امنیت جوامع محسوب می‌شود» (ساطوری، ۱۳۹۳: ۵۷). گمان می‌رفت این جرم با توجه به پیشرفت‌های نوین علم و فناوری در دنیای امروزی، فرصتی برای ظهور و حیات دوباره نداشته و همچون افسانه‌ها به تاریخ پیوسته باشد، به‌گونه‌ای که فقط از طریق تلویزیون و این قاب جادویی بتوان راهزنی دریایی را دریادها و خاطره‌ها زنده نگاه داشت. اما در سال‌های اخیر این جرم بین‌المللی افزایش چشمگیری داشته، در حدی که توجه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی را برای مهار و پیشگیری از وقوع آن به خود جلب کرده است. کشتی‌های ایرانی نیز بارها طعمه فزونی طلبی راهزنان دریایی قرار گرفته‌اند به طوری که «در چند سال گذشته نزدیک به صد و پنجاه بار مورد حمله یا تهدید به حمله راهزنان دریایی واقع شده‌اند که در چند مورد، این حملات موفقیت‌آمیز بوده و به گروگان گرفته شدن خدمه کشتی‌ها و غارت اموال و کالاهای آنها منجر شده است و در دیگر موارد نیز با دخالت کشتی‌های جنگی نیروی دریایی ارتش که برای حمایت و حفاظت از کشتی‌های نفت‌کش و تجاری به خلیج عدن اعزام شده بودند، راهزنان دریایی از تصرف کشتی و رسیدن به اهداف خود بازمانده‌اند» (خالقی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۳). این جرم که از جمله استثنائات وارد بر اصل آزادی دریانوردی است، جرمی علیه ارزش‌های جامعه بین‌المللی محسوب نمی‌شود، بلکه بیشتر باعث به خطر افتادن منافع مادی و ایمنی تجارت و دریانوردی می‌شود و از این حیث «دشمن بشریت» خوانده شده است (جدلی، ۱۳۸۵: ۷۷۹). تعاریف متعددی در رابطه با راهزنی دریایی از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف بین‌المللی عنوان شده است؛ اما تعریف رسمی راهزنی دریایی که برگرفته از حقوق بین‌الملل عرفی است، در حال حاضر در ماده (۱۰۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (متناظر ماده (۱۵) عهدنامه دریای آزاد ۱۹۵۸ ژنو) بدین مضمون است: «راهزنی عبارت است از هر یک از اعمال زیر:

---

۱. در ق. م. ا، به جای جرم سازمان یافته از «گروه مجرمانه سازمان یافته» سخن گفته شده است و آن گروهی است: «نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود» (تبصره «۱» ماده (۱۳۰)).

۱. هر عمل قهرآمیز غیرقانونی، توقیف و یا دستبردی که به نفع شخصی و توسط خدمه یا مسافران یک کشتی خصوصی یا ناو هوایی خصوصی ارتکاب یافته باشد:
  - الف) علیه یک کشتی خصوصی یا ناو هوایی خصوصی دیگر و یا علیه اشخاص یا اموال واقع در کشتی یا ناو هوایی مذکور در دریای آزاد؛
  - ب) علیه یک کشتی یا ناو هوایی، اشخاص یا اموال، در مکانی که در حوزه صلاحیت هیچ کشوری نباشد؛
۲. هرگونه مشارکت ارادی در بهره‌برداری از یک کشتی یا ناو هوایی با علم به اینکه آن کشتی یا ناو هوایی که به این طریق مورد استفاده قرار می‌گیرد، کشتی یا ناو هوایی راهزنی دریایی است.
۳. هر عملی که موجب تحریک در انجام یکی از اعمال مشروحه در بندهای «۱ و ۲» یا به قصد تسهیل اعمال مذکور انجام پذیرد».
 

به این ترتیب به موجب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، چهار عنصر مهم برای تحقق جرم راهزنی وجود دارد که عبارتند از:

  ۱. اقدام انجام شده باید خشونت‌آمیز باشد. خشونت ممکن است علیه اشخاص یا اموال در عرشه کشتی ارتکاب یابد. می‌توان گفت که یک قتل به تنهایی برای قلمداد کردن یک عمل به عنوان راهزنی دریایی کافی خواهد بود» (تاناکا، ۱۳۹۵: ۵۵۰).
  ۲. اقدام انجام شده حداقل باید مشتمل بر دو کشتی باشد (کشتی متجاوز و کشتی قربانی حملات). به همین دلیل ربودن کشتی توسط مسافران یا خدمه و کارکنان آن با وجود سایر شرایط را به عنوان راهزنی دریایی نمی‌توان محسوب کرد.
  ۳. این اقدامات می‌بایست در دریای آزاد انجام شود. به همین دلیل است که اعمال غیرقانونی و خشونت‌آمیز ارتکابی در آب‌های داخلی یا دریای سرزمینی یک دولت ساحلی را نمی‌توان با عنوان راهزنی دریایی محاکمه کرد اعمالی که در این منطقه رخ می‌دهند، غالباً به عنوان «سرقت مسلحانه» قلمداد می‌شوند (همان: ۵۵۳).

در گذشته دریای آزاد، مکان هجوم و جولان دهی دزدان دریایی و غارت کشتی‌های تجاری بوده است از این رو «تمام قواعد موجود در زمینه راهزنی دریایی و مقابله با آن؛ این مسئله را

در دریای آزاد مورد بحث قرار داده‌اند» (موسوی، موسوی و جدیدی، ۱۳۹۰: ۳۸۲). دریای آزاد<sup>۱</sup> در ماده (۱) کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو درباره دریای آزاد به این صورت تعریف شده است: «اصطلاح دریای آزاد به معنای تمامی قسمت‌هایی از دریاست که در چارچوب دریای سرزمینی و آب‌های داخلی یک دولت قرار نمی‌گیرد». اما این تعریف امروزه به دلیل پیدایش مفاهیم جدیدی همچون منطقه انحصاری اقتصادی با انتقاداتی روبه‌رو شده است. در این راستا و در جهت رفع نواقص و تعریفی جامع‌تر از آب‌های آزاد، ماده (۸۶) کنوانسیون ۱۹۸۲، آب‌های آزاد را این‌گونه معرفی می‌کند: «تمام آب‌هایی که در زمره آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، یا منطقه انحصاری اقتصادی دولت‌های ساحلی و مجمع‌الجزایری قرار نمی‌گیرند، آب‌های دریاها را آزاد هستند».

«گرچه برخی دولت‌ها، مثل انگلیس، منطقه انحصاری اقتصادی را نیز بخشی از کل دریای آزاد می‌داند که در آن برخی صلاحیت‌ها به دولت ساحلی داده شده است ولی به‌رحال آزادی‌های دریای آزاد فقط تا حدود معینی در منطقه انحصاری اقتصادی به چشم می‌خورند و تعریف جدید دریای آزاد قانع‌کننده‌تر است» (چرچیل و لو، ۱۳۸۳: ۲۵۲).

در حقوق بین‌الملل دریاها اصلی وجود دارد که به «اصل صلاحیت انحصاری دولت‌های صاحب پرچم کشتی در دریای آزاد» معروف است. مطابق این اصل در دریای آزاد، کشتی‌ها فقط تابع صلاحیت دولت متبوع خود که همان دولت صاحب پرچم کشتی است، هستند. به عبارت دیگر «کشتی در دریای آزاد تابعیت دولتی را دارد که پرچم آن دولت را به اهتزاز درمی‌آورد» (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). اما بر این اصل که در کنوانسیون ۱۹۸۶ راجع به ثبت کشتی‌ها<sup>۲</sup> نیز مورد اشاره قرار گرفته (نجفی اسفاد، ۱۳۸۷: ۵۷)، به موجب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چهار استثنا وارد شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

«الف) کشتی‌هایی که در دریای آزاد به حمل برده مشغول باشند.

ب) کشتی‌هایی که در دریای آزاد به راهزنی دریایی مشغول باشند.

ج) کشتی‌هایی که در دریای آزاد به حمل و نقل و دادوستد غیرقانونی مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان مشغول باشند.

1. The High Seas

2. U.N Convention on Conditions for Registration of Ships, Article 5.

د) کشتی‌هایی که در دریای آزاد به پخش غیرمجاز برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مشغول باشند» (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۶۷).

به دنبال خسارات اقتصادی فراوانی که در نتیجه اقدامات دزدان دریایی، گریبان‌گیر دولت‌ها و در رأس آنها جامعه بین‌المللی می‌شد، انگلستان به‌عنوان اولین کشور، در سال ۱۶۹۸، اقدامات آنان را جرم‌انگاری کرد (Birnie, 1987: 163) و پس از آن نیز، سایر کشورها و جامعه بین‌المللی اقدام به جرم‌انگاری جرم مزبور کردند. نتیجه این جرم‌انگاری در سطح بین‌المللی، ماده (۱۷) عهدنامه دریای آزاد (ماده (۱۰۳) عهدنامه حقوق دریاها) است که به موجب آن: «راهزن دریایی به کشتی یا ناو هوایی اطلاق می‌شود که اشخاصی که کنترل کامل آن را در دست دارند، قصد ارتکاب عملی را داشته باشند که راهزنی دریایی محسوب می‌شود. تا زمانی که آن کشتی یا ناو هوایی در اختیار افرادی است که مجرم به حساب می‌آیند، عنوان مزبور صدق می‌کند». البته نباید از نظر دور داشت که «مجازات راهزنی دریایی به دلیل حمایت از ارزش‌های جامعه نبوده و نیست. همه دولت‌ها مجاز بودند (و اکنون هم هستند) که برای حفظ منفعت مشترک خودشان یعنی مبارزه با یک خطر مشترک و خسارت (بالفعل یا بالقوه) حاصله، راهزنان را توقیف، دستگیر و آنان را محاکمه کنند.» (کسسه، ۱۳۸۷: ۲۹) به همین دلیل است که «عرف بین‌المللی همواره اقدامات قهری را توسط همه کشورها علیه راهزنان دریایی اجازه داده است» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۳۲۰).

آمارهای کمیته بین‌المللی دریایی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد اغلب خشونت‌هایی که توسط راهزنان دریایی در دهه‌های اخیر اتفاق می‌افتد، گروگان‌گیری است و در موارد معدودی هم راهزنان دریایی به ضرب و جرح خدمه کشتی قربانی و یا قتل خدمه آن اقدام می‌کنند. همچنین براساس کنوانسیون‌های حقوق دریاها اشخاصی که در ارتکاب جرم راهزنی دریایی معاونت یا مشارکت کنند به مجازات مباشر محکوم خواهند شد.<sup>۲</sup>

1. International Maritime Bureau (IMB)

۲. برای اطلاع بیشتر از نظر مقنن ایران در مورد شرکت و معاونت در جرم، به مواد (۱۲۵ و ۱۲۶) ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ رجوع شود.

«ازآنجاکه با راهزنان دریایی به عنوان قانون شکنان رفتار می شود، ازاین رو آنها از حمایت دولت صاحب پرچم محروم هستند. بنابراین هر دولتی می تواند آنها را دستگیر و مجازات کند» (تاناکا، ۱۳۹۵: ۵۵۴). به عبارت دیگر راهزنی دریایی از جمله جرائمی است که تحت صلاحیت جهانی<sup>۱</sup> قرار دارد و هر کشوری می تواند مرتکبان این جرم را اعم از اینکه مرتکب (ماده (۷) ق. م. ا. ۱)<sup>۲</sup> یا بزه دیده (ماده (۸) ق. م. ا. ۱)<sup>۳</sup> از اتباع آن کشور باشد یا نباشد و یا اینکه جرم در مرزهای آن کشور (ماده (۳) ق. م. ا. ۱)<sup>۴</sup> واقع شده باشد یا خیر را تحت تعقیب قرار دهد. ازاین رو ماده (۱۰۵) کنوانسیون حقوق دریاها (ماده (۱۹) کنوانسیون دریای آزاد) مقرر می دارد: «راهزنان دریایی را در دادگاه هر دولتی که قضیه به آنان ارجاع شود می توان محاکمه کرد و آن دولت براساس قوانین خود کیفر آنان را تعیین می کند». «بالین حال اکثر دولت هایی که در منطقه به گشت زنی می پردازند تمایلی به اعمال این اختیار قانونی ندارند و راهزنان دریایی را برای محاکمه به کشور دیگری می فرستند» (موسوی، موسوی و جدیدی، ۱۳۹۰: ۳۸۸). دلیل این عدم تمایل دولت ها به مجازات راهزنان دریایی

---

۱. ماده (۹) ق. م. ا. در این زمینه بیان می دارد: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود». عبارت «مقررات بین المللی» در این ماده، به تعهدات و هنجارهای حقوق بین الملل عرفی از جمله جواز محاکمه و مجازات راهزنان دریایی قابل تسری است.

۲. ماده (۷) ق. م. ا.؛ «علاوه بر موارد مذکور در موارد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده شود، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود مشروط بر اینکه:

الف) رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب) در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ) طبق قوانین ایران موجهی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد».

۳. ماده (۸) ق. م. ا.؛ «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جزء جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می شود، مشروط بر اینکه:

الف) متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب) رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد».

۴. ماده (۳) ق. م. ا.؛ «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

را می‌توان در مواردی همچون عدم جرم‌انگاری این جرم در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، مشکلات و پیچیدگی‌های حقوقی در رسیدگی‌های قضایی به اعمال این مجرمان و در نهایت هزینه‌هایی که در حین رسیدگی بر دوش دولت‌ها تحمیل می‌شود، دانست. ۴. این اقدامات باید به دلیل دستیابی به اهداف خصوصی انجام شود (Henize, 2011: 10). از این روست که چنانچه راهزنی کشتی به مقاصد دیگری مثلاً مقاصد سیاسی و غیراقتصادی ارتکاب یابد، به خودی خود از تعریف راهزنی دریایی خارج خواهد بود و وجه تمایز اساسی این جرم با جرائم تروریستی در همین نکته است (Joubert, 2013: 131).

### ۳. راهزنی دریایی به مثابه محاربه

«راهزنی دریایی یک موضوع مورد توجه جهانی است که در عرصه دریاها موجب بی‌نظمی و اختلالاتی نظیر اشاعه سلاح، تروریسم و ارتکاب جرائمی مانند مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق سلاح شده است» (موسوی، موسوی و جدیدی، ۱۳۹۰: ۳۷۹). بر این اساس قانونگذار ایران برای اولین بار در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب سال ۱۳۹۴ که در سال ۱۳۹۷ نیز، اصلاحاتی بر آن وارد شده، از راهزنی دریایی سخن به میان آورده است. ماده (۱) اصلاحی این قانون بیان می‌دارد: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول... یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری... جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود...». یکی از اعمالی که در بند «۶» از شق (ب) ماده (۱)، از آن یاد شده، راهزنی دریایی است، با این مضمون که: «دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتی‌رانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن» چنانچه به قصد «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد،

توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی<sup>۱</sup> باشد» تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود. همچنین در ماده (۲) اصلاحی این قانون که با موضوع مقاله حاضر مرتبط است، آمده: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود». بنابراین و با توجه به ذکر برخی از مواد قانون مورد اشاره، می‌توان دریافت که قانونگذار، اعمال و اقداماتی از جمله «دزدی دریایی» را که در بند «۶» از شق (ب) ماده (۱) به آن اشاره شده، چنانچه در جهت کمک مالی به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی صورت گیرد در حکم محاربه یا افساد فی الارض دانسته و محاکم قضایی<sup>۲</sup> را موظف کرده است، فقط در صورت منطبق نبودن اعمال مرتکب با عناوین مجرمانه مذکور، به مصادره عین اموال و یا معادل ارزش آن به نفع دولت، حبس و جزای نقدی حکم دهند.

در گذشته کشورهای مختلفی در رابطه با مجازات محکومان به راهزنی دریایی، راه ارفاقی در پیش گرفته بودند و در بسیاری از موارد، راهزنان دریایی دستگیر شده را بدون مجازات به ساحل متبوع کشور خود بازمی‌گرداندند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده، چنانکه «متأسفانه گاه محاکم ایرانی با انفعال تمام از محاکمه ایشان [راهزنان دریایی] خودداری کرده و این افراد دوباره

۱. شق (الف) ماده (۱) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، اصلاحی ۱۳۹۷.

۲. نکته‌ای که ذکر آن جالب به نظر می‌رسد، این است که هرچند با توجه به بند «الف» ماده (۳۰۳) ق.ا.د.ک، رسیدگی به جرائم محاربه یا افساد فی الارض (و طبیعتاً جرائم در حکم محاربه یا افساد فی الارض) در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب است، ولی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، برخلاف این اصل عمل کرده و رسیدگی به جرائم موضوع قانون مذکور را چنانچه در ایران ارتکاب یابند، مطلقاً در صلاحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان (ماده ۹) و چنانچه در خارج از کشور و علیه جمهوری اسلامی ایران یا سازمان‌های بین‌المللی مستقر در قلمرو ایران ارتکاب یابند، مطلقاً در صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک تهران (ماده ۱۲) دانسته است.

در سواحل دولت‌های متبوعشان آزاد شده‌اند» (خالقی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۵). اما در سال‌های اخیر که شدت و دفعات ارتکاب این جرم در مناطق مختلف دنیا و از جمله در سواحل سومالی و خلیج عدن شدت و فزونی یافته، رویه بسیاری از کشورها تغییر کرده و گرایش به جرم‌انگاری راهزنی دریایی یا روزآمد کردن قوانین مربوط به این جرم برای محاکمه آنان بیشتر شده است. ولی متأسفانه قانونگذار ایران با رویکردی غیرقابل توجیه و با توجه به آگاهی از پیامدهایی که ارتکاب این جرم می‌تواند علیه اقتصاد کشور به بار آورد، همچنان از جرم‌انگاری این عمل تحت عنوان قانون مجازات راهزنی دریایی سرباز زده است. به‌عنوان مثال می‌توان به «حمله به کشتی نفت‌کش هراز با نزدیک به دو میلیون تن نفت خام در پنجم بهمن ماه ۱۳۸۹ [اشاره کرد] که تصرف آن از سوی راهزنان دریایی، می‌توانست ضررهای اقتصادی هنگفتی را برای کشور داشته باشد» (همان: ۷۲).

حال، با توجه به اینکه قانونگذار ایران تاکنون به جرم‌انگاری راهزنی دریایی در قوانین کیفری داخلی نپرداخته است، این سؤال مطرح می‌شود که، آیا دادگاه‌های ایران فقط زمانی قادر خواهند بود به جرم راهزنی دریایی رسیدگی کنند که عنوان مجرمانه مزبور، در قوانین داخلی کیفری ایران وجود داشته باشد؟ پاسخ منفی خواهد بود و چنین امری لازم نیست، زیرا در قوانین جزایی ایران عناوین مجرمانه دیگری وجود دارند که انطباق آنها با اعمال ارتكابی توسط راهزنان دریایی، محاکمه این افراد را، با رعایت موازین حقوقی و به‌خصوص اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها مقدور می‌کند که از آن جمله‌اند: راهزنی در راه‌ها و شوارع (ماده ۶۵۳) قانون تعزیرات (۱۳۷۵)، محاربه (ماده ۲۸۱) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، نهب و غارت اموال (ماده ۶۸۳) قانون تعزیرات (۱۳۷۵) و... (شاه، ۱۳۹۴: ۱۸۴). بنابراین محاکم ایرانی می‌توانند تحت عناوین مجرمانه دیگری که در قوانین کیفری داخلی وجود دارد از جمله عنوان مجرمانه محاربه، اعمال ارتكابی از سوی راهزنان دریایی را مورد محاکمه و مجازات قرار دهند. نکته حائز اهمیت آن است که از منظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز، آنچه موضوعیت دارد، محاکمه و مجازات «رفتار»ی است که در حقوق



بین‌الملل جرم‌انگاری شده است و وصف یا عنوان مجرمانه خاص آن موضوعیت ندارد. این قاعده را می‌توان از بند «۳» ماده (۲۰) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی استنباط کرد (www.case matrix network).

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد در کتب فقهی، نمی‌توان مبحث و بخش ویژه‌ای را در ارتباط با راهزنی دریایی در اسلام استنباط کرد. اما می‌توان با استفاده از عنوان فقهی محاربه، احکام راهزنی دریایی را مورد بررسی و تبیین قرار داد (خوش‌نویس، ۱۳۹۱: ۱۲۱). برای اینکه راهزنی دریایی از نظر فقه و حقوق ایران محاربه محسوب شود؛ علاوه بر شرایط کلی مربوط به سارقین مانند عقل، بلوغ، اختیار، قصد، عدم اضطرار و... بایستی آن سرقت و به‌طور اخص راهزنی دریایی، شرایط ذیل را هم که در بندهای مختلف مورد بررسی قرار خواهند گرفت، داشته باشد. این شرایط عبارتند از: مسلحانه بودن راهزنی دریایی؛ همراه بودن با قهر و غلبه و اعمال زور یا تهدید؛ همراه بودن با رعب، وحشت و ایجاد خوف بین خدمه، کارکنان و مسافران احتمالی (سلب امنیت فرد)؛ و در نهایت همراه بودن با برهم زدن امنیت دریا (سلب امنیت دریا). به‌طور قطع در صورت تحقق نیافتن هر یک از شرایط عنوان شده، اقدامات دزدان دریایی را تحت عنوان محاربه نمی‌توان مورد بررسی قرار داد و باید به عناوین مجرمانه دیگری برای تطبیق با اعمال آنها تمسک جست.

### ۳-۱. مسلحانه بودن راهزنی دریایی

به موجب ماده (۲۷۹) ق. م. ا مصوب سال ۱۳۹۲، محاربه عبارت است از کشیدن (تشهیر) سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها. همچنین به موجب ماده (۲۸۱) ق. م. ا «راهزنان، سارقان و قاچاقچینی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند». معنی سلاح چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی قابل تغییر است. برخی از حقوق‌دانان در تعریفی از سلاح بیان داشته‌اند: «منظور از سلاح آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن ساخته شده است یا به‌کار می‌رود، و معنی آن از لحاظ زمان و مکان متغیر است. به این ترتیب باید دید که برداشت عُرف از واژه «سلاح» یا «اسلحه» چیست» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۳).

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۴۰۹۹/۷-۵/۵-۱۳۷۹/اسلحه رألی دانسته

است که برای جنگ یا دفاع ساخته می‌شود و در هر زمانی به مناسبت پیشرفت‌های حاصل بشری نوع آن متفاوت است ولی به هر حال کلمه اسلحه عام است و شامل سلاح‌های گرم و سرد می‌شود و سلاح‌های سرد نیز دو نوع است، یکی کاربرد جنگی دارد و نوع دیگر کاربرد جنگی ندارد. آیین‌نامه قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیرمجاز، مصوب سال ۱۳۹۰ سلاح گرم را شامل سلاح سبک خودکار و غیرخودکار و سلاح گرم سنگین و نیمه‌سنگین و سلاح سرد را شامل سلاح سرد جنگی، سلاح شکاری، مهمات، سلاح لیزری، شبه‌سلاح و... دانسته است. بند «۳» تبصره ماده (۸۷۷) ق. ت مصوب سال ۱۳۷۵ نیز مصادیق سلاح را تبیین کرده است.

با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان سلاح را این‌گونه تعریف کرد: سلاح عبارت است از هر نوع وسیله‌ای که نوعاً موجب ترس است و در خصم اعم از جنگ و دفاع استفاده می‌شود. همچنین برای اینکه بتوان شخصی را محارب دانست، قطعاً وی باید از سلاح واقعی (اعم از گرم یا سرد) استفاده کرده باشد؛ بنابراین ترساندن مردم با سلاح غیرواقعی هرچند آن اسلحه کاملاً شبیه اصل باشد، باعث تحقق صدق عنوان محاربه نمی‌شود. این نکته را نباید از نظر دور داشت که کشیدن سلاح مستلزم استفاده عملی و در واقع شلیک کردن نیست و صرف آشکار کردن اسلحه با وجود سایر شرایط موجب تحقق جرم محاربه می‌شود.

در مجموع می‌توان این چنین نتیجه گرفت وسایل و آلاتی که راهزنان دریایی برای تصرف کشتی قربانی مورد استفاده قرار می‌دهند، آنان را مشمول شرط اول - استفاده از اسلحه جهت راهزنی دریایی - قرار خواهد داد. بنابراین، این سرقت مسلحانه (به‌طور اخص راهزنی دریایی) چه در شهرها یا روستاها صورت پذیرد، چه در راه‌ها و جاده‌های خارج از شهرها و چه در راه‌های آبی و دریاها انجام شود که نوعی راهزنی است، با وجود سایر شرایط که در ادامه بیان خواهد شد، تحت عنوان محاربه قابل کیفر خواهد بود.

شورای امنیت؛ طراحی، سازماندهی، تأمین مالی یا انتفاع از راهزنی را نیز مستوجب تعقیب و محاکمه می‌داند (UNSC/Res/2383, para 5) و تصمیمات خود در زمینه مقابله با راهزنی دریایی را با دیگر تصمیمات مرتبط با نقض حقوق بشردوستانه پیوند زده است (Ibid., para 11). در خصوص محاربه نیز قانونگذار ایران، در صورتی که این جرم طراحی یا

سازماندهی شده باشد (تبصره «۲» ماده (۱۳۰)) و با همکاری گروه مجرمانه (تبصره «۱» ماده (۱۳۰)) ارتکاب یابد و عنوان محارب بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند، او را با همین عنوان قابل محاکمه و مجازات می‌داند.

### ۲-۳. همراه بودن با قهر و غلبه و اِعمال زور یا تهدید

راهزنی دریایی در زمان‌های گذشته به این صورت بوده که کشتی را در همان مکانی که به آن دسترسی پیدا می‌کردند غارت کرده و خدمه، کارکنان آن و مسافران احتمالی آن را یا به قتل می‌رساندند یا در دریا غرق می‌کردند یا مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند و یا به صورت‌های مختلف از آنان سوءاستفاده می‌کردند. اما امروزه چنین اقداماتی از سوی راهزنان دریایی کمتر رخ می‌دهد به عبارت دیگر آنان کشتی قربانی حملات را تصرف کرده و آن را به منطقه تحت سلطه خود می‌برند و طی تماسی با دولت کشور متبوع صاحب پرچم و یا شخص یا اشخاصی که کشتی یا محموله موجود در آن کشتی به آنان تعلق دارد، مبالغ هنگفتی را برای آزادی کشتی درخواست می‌کنند. به این ترتیب شاید میل به خشونت‌هایی در حد قتل، نزد راهزنان دریایی در مقایسه با گذشته کمتر شده باشد ولی همچنان در ارتکاب این عمل مجرمانه، راهزنان دریایی به زور و تهدید و اِعمال خشونت متوسل می‌شوند تا بتوانند به هدف خود که همان ربودن کشتی و به تبع آن اموال یا منافع موجود در آن کشتی است دست یابند. از طرفی، با توجه به تعاریفی هم که در مورد راهزنی دریایی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی عنوان شده است که به برخی از آنها اشاره کردیم، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر جامعه بین‌المللی نیز توسل به زور یا احتمال توسل به زور، یکی از ارکان تشکیل‌دهنده راهزنی دریایی است. برای مثال، سازمان دریایی بین‌المللی، راهزنی دریایی را عمل سوار شدن به هرگونه کشتی - اعم از تجاری، مسافری و ... - با هدف انجام راهزنی یا هرگونه جرم دیگر، و با هدف یا احتمال به‌کار بردن زور برای پیشبرد عمل مجرمانه بیان کرده است. به این ترتیب برای تحقق این بند، راهزنان دریایی باید به اجبار و با توسل به زور یا تهدید و یا حداقل با اِعمال فشار از هر طریقی، مثل اعلام این پیام که یا کشتی را متوقف کنید یا آن را مورد هدف خمپاره قرار خواهیم داد، وارد شناور قربانی شوند و کشتی را از

مقصد و هدف معمول خود بازدارند. در چنین حالتی و با وجود سایر شرایط، اعمال و رفتار راهزنان دریایی را می‌توان با عنوان محاربه پیگیری کرد.

در این باره ذکر نکته‌ای برای مشخص‌تر شدن بیشتر موضوع و پی بردن به پیشرفت‌های راهزنان دریایی جالب به نظر می‌رسد و آن این است که راهزنان دریایی امروزی، در شناورهای خود از سلاح‌های سنگین و نیمه‌سنگین، تلفن‌های متصل به ماهواره، سامانه‌های دفاع هوایی حامل خمپاره‌های موشکی و سیستم‌های مشخص‌کننده موضع نیز سود می‌برند.

### ۳-۳. همراه بودن با رعب و وحشت و ایجاد خوف بین خدمه و کارکنان و مسافران احتمالی (سلب امنیت فرد)

این نکته را باید مدنظر داشت که چنانچه سرقت مسلحانه یا راهزنی دریایی به نحوی باشد که موجب رعب و وحشت و برهم خوردن امنیت مردم نشود، مجازات آن تعزیر خواهد بود و جایی برای تطبیق آن با عنوان محاربه وجود نخواهد داشت. در این باره ماده (۲۸۱) ق. م. ا که پیش از این ذکر آن گذشت، علاوه بر ضابطه استفاده از سلاح، ضابطه سلب امنیت مردم را هم مورد توجه قرار داده است. حال شاید سؤالی پیش بیاید که چرا با توجه به ذکر واژه مردم در مواد (۲۷۹ و ۲۸۱) ق. م. ا که نشانگر وجود نوعی عمومیت در جرم است تا عنوان محاربه با وجود سایر شرایط بر محارب یا محاربین صدق کند، نگارندگان از عنوان (سلب امنیت فرد) استفاده کرده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال احتمالی باید گفت هرچند قانونگذار و به تبع آن برخی از حقوقدانان وجود نوعی عمومیت در جرم را برای تحقق محاربه لازم دانسته‌اند، ولی حتماً لازم نیست که در اثر اقدامات محاربین و از آن جمله راهزنان دریایی تعداد زیادی بترسند بلکه با ترساندن حتی یک نفر هم (حبیب‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۷؛ نجفی، ۱۳۶۳: ۵۶۴) در صورت وجود سایر شرایط، می‌توان عمل آنان را برای تطبیق با عمل محاربه مورد بررسی قرار داد. در این باره علاوه بر مقنن، برخی فقها و حقوقدانان نیز در تعاریفی که برای محاربه ذکر کرده‌اند، تهدید و ترساندن مردم و سلب امنیت را از ارکان تشکیل‌دهنده برای تحقق این عنوان مجرمانه دانسته‌اند، مگر فقها و حقوقدانانی

که محاربه را جرمی مطلق می‌دانند و معتقدند که «موضوع جرم محاربه عملی است که قابلیت سلب آسایش و ایجاد رعب و وحشت برای مردم را داشته باشد» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۸) هرچند عملاً باعث ترسیدن و ایجاد خوف بین مردم و سلب امنیت نشود. در این زمینه امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی که برهنه کردن سلاح به قصد ترساندن مردم از فردی ضعیف و ناتوان که هیچ کس از او نمی‌ترسد، او را محارب می‌کند یا خیر بیان کرده‌اند: «مشکل است بلکه می‌توان گفت چنین عملی از چنین کسی او را محارب نمی‌کند، بلکه اگر ناتوانی او به حدی نباشد که هیچ کس از او نترسد بلکه در پاره‌ای از مواقع و در بعضی از افراد ایجاد ترس می‌کند ظاهر این است که او داخل در عنوان محارب است» (خمینی، ۱۳۸۳: ۲۳۹).

بنابراین با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، برای تطبیق این شرط، برای محاربه محسوب شدن عمل راهزنان دریایی، باید امنیت کشتی و عرشه آن برای خدمه و کارکنان و مسافران احتمالی به هم بخورد و به نوعی آنان را دچار رعب و وحشت و خوف کند که به نظر می‌رسد تحقق آن، اگر نگوئیم همیشه، ولی در اکثر قریب به اتفاق موارد راهزنی دریایی، جزء لاینفک نتیجه‌ای است که از اقدامات راهزنان دریایی به وقوع می‌پیوندد. برای تحقق این بند حتماً لازم نیست که راهزنان دریایی از سلاح‌های خود به صورت عملی استفاده کرده یا وارد کشتی قربانی شوند بلکه حتی اگر سلاح‌های خود را به سمت شناور قربانی نشانه روند و به آنها اخطار برای توقف دهند، و این عمل باعث ترس خدمه و کارکنان موجود در کشتی شود، نتیجه مورد نظر برای تحقق این بند محقق خواهد شد و راهزنان دریایی با وجود سایر شرایط، با عنوان محاربه قابل مجازات خواهند بود.

#### ۳-۴. همراه بودن با برهم زدن امنیت دریا (سلب امنیت دریا)

نقاط خاصی در میان آب‌های جهان هستند که با توجه به وضعیت جغرافیایی و موقعیت‌های مکانی و خشکی‌های اطراف یا حتی نوع سیستم حکومتی کشورها، مناطق محبوب و دلخواه راهزنان دریایی به‌شمار می‌آیند. به‌عنوان نمونه می‌توان به تنگه مالاکا و منطقه (بی) بین سه کشور اندونزی، مالزی و سنگاپور که دارای جزایر متعدد

و فراوان است و در سال‌های اخیر بهترین منطقه برای راهزنان دریایی و ناامن‌ترین منطقه برای کشتی‌ها محسوب می‌شود یا به خلیج عدن که یکی از مهم‌ترین مناطق مربوط به حمل‌ونقل دریایی است و کشتی‌های فراوانی از آن عبور می‌کنند و یا به سواحل سومالی که به دلیل ضعف و عدم توانایی نیروی نظامی داخلی در کشور سومالی، به یکی از ناامن‌ترین مناطق برای کشتی‌های تجاری که از این سواحل عبور می‌کنند، تبدیل شده است، اشاره کرد (IMO, ۲۰۱۷). تصمیمات فصل هفتمی شورای امنیت در خصوص مقابله با راهزنی دریایی در سومالی، ارتباط میان این جرم و صلح و امنیت بین‌المللی را نمایان می‌کند (UNSC/Res/1844, 2093, etc).

همان‌گونه که پیشتر نیز بیان شد؛ محاربه از جرائم مقید است یعنی برخلاف جرائم مطلق که برای تحقق آنها هیچ نتیجه‌ای لازم نیست، برای تحقق محاربه به وقوع نتیجه‌ای مجرمانه نیاز داریم و آن نتیجه مجرمانه «سلب امنیت» است. در این باره ماده (۲۷۹) ق. م. ا «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود» را ضروری دانسته است. این سلب امنیت می‌تواند در خشکی، دریا، شهر، روستا، راه، جاده و... باشد و در تمام تعاریفی هم که توسط فقها از محاربه بیان شده به آن اشاره شده است. راهزنان دریایی با اقدامات خود و به‌ویژه با سلاح‌های مختلف و پیشرفته‌ای که از آنها استفاده می‌کنند، کشتی قربانی را در هر حالتی مجبور به تسلیم کرده و اموال موجود در کشتی را غارت می‌کنند و یا کشتی و خدمه آن را برای باج‌گیری به گروگان می‌برند. بدون شک با همین‌گونه اقدامات نیز، به موجب ماده (۱۷) عهدنامه دریای آزاد (ماده (۱۰۳) عهدنامه حقوق دریاها) راهزنی دریایی به وقوع پیوسته است، اما برای اینکه بتوان اقدامات راهزنان دریایی را با عنوان فقهی محاربه (و نه مثلاً سرقت حدی یا تعزیری) بررسی و در نهایت مورد حکم قرار داد، باید اقدامات آنان به سلب امنیت آن منطقه از دریا منجر شود؛ به‌گونه‌ای که سایر کشتی‌ها، یا مسیر دیگری را انتخاب کرده و سعی کنند از آن منطقه پرخطر و فاقد امنیت عبور نکنند (حتی اگر این تغییر مسیر باعث افزایش هزینه آنها شود) یا با تمام تجهیزات جنگی و از هر نظر آماده، برای دفاع و مقابله با راهزنان دریایی احتمالی وارد آن منطقه فاقد امنیت شوند و یا در مواردی که راهی جز عبور از آن منطقه بدون

امنیت وجود نداشته باشد، کشتی‌های جنگی از کشتی‌های تجاری و اقتصادی مختلف و از آن جمله کشتی‌های تحت پرچم متبوع کشور خویش در برابر تجاوزهای راهزنان دریایی محافظت کنند. به منظور برقراری نظم و امنیت سلب شده دریاها، بسیاری از دولت‌ها و از جمله ایران برای حمایت و تأمین امنیت کشتی‌های تجاری و نفت‌کش، نیروهای دریایی خود را به مناطق پرخطر روانه کرده‌اند تا بتوانند امنیت کشتی‌ها و اموال موجود در آنها را تضمین و به نوعی تأمین کنند. با تحقق این بند که نتیجه عمل مجرمانه‌ای است که از آن به محاربه یاد می‌شود، و با وجود سایر شرایطی که پیش از این بیان شد، می‌توان راهزنان دریایی را با عنوان محارب مورد پیگرد و تعقیب قرار داد. نکته مهم اینکه ق.م.ا در تحقق جرم محاربه قیدی از جهت مکان وقوع جرم، مقرر نکرده است؛ که این خود می‌تواند قرینه‌ای باشد بر تعمیم دادن مفهوم محاربه به اقدامات صورت گرفته در دریاها از سوی دزدان دریایی، با وجود تمام شرایط ذکر شده. در نتیجه تحقق جرم در دریای آزاد و وصف بین‌المللی آن مانعی برای اعمال صلاحیت محاکم ایران و اجرای قانون جزای ایران نسبت به مرتکبان نخواهد بود.

#### ۴. دادگاه رسیدگی‌کننده به اقدامات راهزنان دریایی

برای تشخیص دادگاهی که در ایران می‌تواند به محاربه و اعمال در حکم محاربه رسیدگی و رأی صادر کند، باید به دور رأی وحدت رویه و همچنین مواد (۹) ق.م.ا و (۳۱۶) ق.آ.د. ک مصوب سال ۱۳۹۲، اشاره کرد. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۲۱، مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ دیوان عالی کشور: «جرائمی که اعلام شده عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، موضوع بند «۱» ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، است که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرای انقلاب است...». همچنین به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۴۱، مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۴ دیوان مذکور: «ورود دسته جمعی و مسلح به عنف در موقع شب به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارباب و وحشت از جرائمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌کند و رسیدگی آن بر طبق بند «۱» ماده واحده قانون مصوب اردیبهشت ماه

۱۳۶۲ در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است» (کارخیران، ۱۳۹۲: ۱۸۵).

در این باره ماده (۹) ق. م. ا، بیان می‌دارد: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود». این ماده که دربرگیرنده اصل صلاحیت «جهانی» یا «بین‌المللی» قوانین کیفری است، حالت موردی را مشخص می‌کند که به صرف یافت شدن متهم در ایران (و نه دستگیری وی)، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به اتهام او را دارند. اما ماده (۳۱۶) ق. آ. د. ک مصوب سال ۱۳۹۲، فرض دیگری را بررسی کرده و آن زمانی است که مرتکب دستگیر شده باشد. مطابق ماده (۳۱۶) ق. آ. د. ک: «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود». «این ماده ناظر بر تعیین صلاحیت محلی دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در خارج از کشور است» (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۸۶). بنابراین، با توجه به دو رأی وحدت رویه و مواد مورد اشاره و همچنین با توجه به بند «الف» ماده (۳۰۳) ق. آ. د. ک، از آنجاکه می‌توان اقدامات راهزنان دریایی را (با وجود تمام شرایطی که ذکر آنها گذشت) با عنوان محاربه مورد رسیدگی قرار داد، چنانچه راهزنی دریایی در خارج از مرزهای مورد حفاظت جمهوری اسلامی ایران از آن جمله در دریای آزاد واقع شود و مرتکب به دلایلی مانند تبعه ایران بودن و یا مخفی شدن در ایران، در ایران یافت شود، به موجب ماده (۹) ق. م. ا، می‌توان دادگاه انقلاب «محل اقامت و یا محل حضور» (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶) او را صالح به رسیدگی شناخت، لیکن، زمانی که راهزن دریایی توسط نیروهای جمهوری اسلامی ایران دستگیر و به ایران منتقل شود و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی داشته باشند، چنانچه راهزن دریایی از اتباع ایران باشد دادگاه انقلاب بندری که مرتکب به آنجا



انتقال داده می‌شود را می‌توان در حکم محل دستگیری وی فرض کرد و صالح به رسیدگی دانست و چنانچه راهزن دریایی از اتباع بیگانه باشد، نظر به صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب که طبق ماده (۳۰۳) ق.آ.د.ک (مصوب ۱۳۹۲) شامل عنوان «محرابه» نیز می‌شود، دادگاه انقلاب تهران صالح به رسیدگی خواهد بود.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

راهزنی دریایی از جمله جرائمی است که با وجود مشکلات فراوانی که برای تجارت کشورها و جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کند، تاکنون مورد مقابله منسجم جامعه بین‌المللی قرار نگرفته و مجموعه تلاش‌های نهادهایی نظیر شورای امنیت نیز نتوانسته تأثیر جدی در کاهش فراوانی ارتکاب این جرم داشته باشد. شاید مهمترین دلیل فزونی گرفتن راهزنی دریایی، آن باشد که در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، تا چندی پیش این جنایت بین‌المللی به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده بود تا بتوان با حتمیت و قطعیت با مرتکبان این جرم برخورد کرد.

اما در سال‌های اخیر و در پی افزایش چشمگیر ارتکاب راهزنی دریایی در مناطق مختلف دنیا، کشورهایی که از مدت‌ها قبل این عمل مجرمانه را جرم‌انگاری کرده‌اند، به روزآمد کردن آن پرداخته و برخی از کشورها نیز به تازگی و در چند سال اخیر، به صورت مستقل به جرم‌انگاری این عمل مجرمانه در قالب قانونی خاص همت گماشته‌اند. ولی متأسفانه قانونگذار ایران با وجود احساس چنین خلئی تاکنون قانون مستقلی در این زمینه تدوین نکرده است. به همین دلیل و با درک اهمیت این موضوع، مقاله حاضر تلاشی بود در جهت اینکه بتوان راهزنان دریایی را از یک سو با استناد به اینکه باعث ایجاد مفسده‌ای شده‌اند (ماده (۲۸۶) ق.م.ا) و از سوی دیگر با استناد به اینکه به قصد جان، مال یا ناموس مردم به شناور قربانی یورش برده و باعث سلب امنیت شده‌اند (ماده (۲۷۹) ق.م.ا) محارب دانست و یکی از چهار مجازاتی را که برای محاربین به حکم آیه ۳۴ سوره مائده مشخص شده و در ماده (۲۸۲) ق.م.ا انعکاس یافته است و قاضی نیز به استناد ماده (۲۸۳) ق.م.ا در انتخاب هر کدام از آنها تخییر دارد را در مورد آنها اجرا کرد. البته باید به

خاطر داشت که در صورت عدم تحقق حتی یکی از شرایطی که برای تحقق عنوان محاربه لازم است، نمی‌توان راهزنان دریایی را محارب دانست و مجازات محاربه را در مورد آنها اجرا کرد. در این‌گونه موارد می‌توان اقدامات راهزنان دریایی را با عناوین مجرمانه موجود دیگری همچون سرقت حدّی مقرر در ماده (۲۶۸) ق. م. ا، که بر لزوم تحقق چهارده شرط را برای صدق عنوان سرقت حدّی بر اقدامات مرتکبان لازم دانسته، اشاره کرد. مگر آنکه نتوانیم کشتی مورد تجاوز را حرز بدانیم و به تبع آن، راهزنان دریایی را هاتک حرز محسوب کنیم و یا آن شی یا کالایی را که کشتی مورد تجاوز در حال انتقال و جابه‌جایی آن است، از نظر حقوق ایران، شرعاً مالیت نداشته باشد (مانند مشروبات الکلی). در این صورت، مورد از شمول عنوان سرقت حدّی خارج خواهد شد و باید به دنبال تطبیق عمل راهزنان دریایی با عناوین مجرمانه دیگری باشیم که از آن جمله است، سرقت تعزیری مقرر در ماده (۶۵۳) ق. ت مصوب سال ۱۳۷۵ که بیان می‌دارد: «هر کس در راه‌ها و شوارع مرتکب راهزنی شود، در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود». حتی می‌توان اعمال راهزنان دریایی را تحت عنوان فقهی و جزایی افساد فی الارض که در ماده (۲۸۶) ق. م. ا به آن اشاره شده ارزیابی کرد و در نهایت آنان را به موجب یکی از عناوین مجرمانه مذکور مورد مؤاخذة و مجازات قرار داد. نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد، این است که نباید تصور کرد که کلمه «ارض» در عنوان مجرمانه افساد فی الارض، تنها مفسدات روی زمین و خشکی را شامل می‌شود، بلکه باید قائل به این نظر بود که چون در بسیاری از موارد جرائمی که ممکن است مرتکب یا مرتکبان را مشمول عنوان مجرمانه گفته شده کند، روی زمین و خشکی اتفاق می‌افتد، کلمه «ارض» از باب غالب آمده و نه به قصد محدود کردن «مکان» ارتکاب این‌گونه جرائم. در تأیید این نظر می‌توان به تعاریف فقها از جرم محاربه (پیش از این ذکر آنها گذشت) اشاره کرد که هیچ‌یک محدودیتی از نظر مکان ارتکاب جرم محاربه ایجاد نکرده‌اند. در مجموع از لحاظ نظری می‌توان گفت که عنوان مجرمانه «محاربه» که اکنون در نظام حقوقی کشور وجود دارد، در خلأ قانونی مبارزه با راهزنی دریایی می‌توان از آن استفاده کرد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آیین‌نامه قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیرمجاز (۱۳۹۰).
۳. بطحائی گلپایگانی، سیدهاشم (۱۳۹۳). ترجمه تلفیقی تکمله المنهاج، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۴. تاناکا، یوشیفومی (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه طلعت آرمین، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۵. جدلی، صفی‌ناز (۱۳۸۵). «صلاحیت جهانی و لزوم بررسی دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، سیاست خارجی، سال ۲۰، ش ۴.
۶. چرچیل، رابین و لو آلن (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۰). بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه کیهان.
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳). تحریرالوسیله، جلد چهارم، چاپ بیست‌ویکم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۹. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۰. --- (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سی‌ویکم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۱. خالقی، علی و سیدسجاد کاظمی (۱۳۹۴). «تحلیلی بر صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرم راهزنی دریایی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲، ش ۲.
۱۲. خوش‌نویس، عباس (۱۳۹۱). «بهره‌برداری از دریا براساس قواعد فقه اسلامی با نگاهی به کنوانسیون‌های حقوق دریاها»، مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
۱۳. زراعت، عباس (۱۳۸۰). شرح قانون مجازات اسلامی، بخش حدود، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۴. ساطوری، مونا (۱۳۹۳). «مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی از طریق دریاها در حقوق بین‌الملل»، دانشگاه غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.
۱۵. شاو، ملکم. ان. (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل دریاها با نگاهی به مسائل ایران، ترجمه و تألیف علیرضا ابراهیم‌گل، و حسن خسروشاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۱۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ چهل و سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۷. طلایی، فرهاد (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل دریاها*، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۸. عوده، عبدالقادر (۱۳۹۰). *التشريع الجنائي الاسلامي مقارناً بالقانون الوضعي*، ترجمه حسن فرهودی نیا، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات یادآوران.
۱۹. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).
۲۰. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) (۱۳۷۵).
۲۱. قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰).
۲۲. --- (۱۳۹۲).
۲۳. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴) و اصلاحی (۱۳۹۷).
۲۴. کارخیران، محمدحسین (۱۳۹۲). *کامل‌ترین مجموعه محشی قانون مجازات اسلامی*، ج دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات راه نوین.
۲۵. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل کیفری*، ترجمه حسن پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۲۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳). *محشای قانون مجازات اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
۲۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر میزان.
۲۸. موسوی، سیدفضل‌الله، سیدمهدی موسوی و انسیه جدیدی (۱۳۹۰). «چالش‌های کنونی حقوق بین‌الملل در مورد اعمال صلاحیت نسبت به راهزنی دریایی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، ش ۳۲.
۲۹. مکی‌العاملی، محمدبن جمال‌الدین (۱۳۷۰). *اللمعه دمشقیه*، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالفکر.
۳۰. نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۸۷). *حقوق دریایی*، تهران، سمت.
۳۱. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸). *بایسته‌های فقه جزا*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۳۳. یزدی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۷۴). *ترجمه فارسی شرایع الاسلام*، جلد چهارم، چاپ ششم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

34. Aust, Anthony. (2007). *Modern Treaty Law and Practice*, New York, Cambridge University Press.

35. Bassiouni, M. Cherif. (1996). "International Crimes: Jus Cogens and Obligatio

Erga Omnes", *Lae and Contemporary Problems*, Vol. 59, No. 4.

36. Birnie, P. W. (1987). "Piracy, Past, Present and Future", *Marine Policy*, 2.
37. Convention on the High Seas, 1958.
38. Henize, Erica (2011). *A Global War on Piracy? International Law and the Use of Force Against Sea Pirates*, American Political Science Association. Available at: [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1900413](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1900413).
39. <https://www.casematrixnetwork.org/cmn-knowledge-hub/icc-commentary-clicc/rome-statute/#c1193>.
40. ILC (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts.
41. IMO (2017). Reports on Acts of Piracy and Armed Robbery Against Ships, Annual Report – 2016. Available at: <http://www.imo.org/en/OurWork/Security/PiracyArmedRobbery/Reports/Documents/245%20Annual%202016.pdf>.
42. --- (2018). <http://www.imo.org/en/OurWork/Security/PiracyArmedRobbery/Reports/Documents/271%20MSC.4-Circ.263%20Annual%202018.pdf>.
43. Joubert, Lydelle (2013). "The Extent of Maritime Terrorism and Piracy: A Comparative Analysis, *Scientia Militaria*", *South African Journal of Military Studies*, Vol. 41, No. 1.
44. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.
45. United Nations Convention on Conditions for Registration of Ships, 1986.
46. UNSC/Res/1844
47. UNSC/Res/2093
48. UNSC/Res/2383
49. UNSC/Res/2442



# واکاوی استقلال اقلیم کردستان عراق با تأکید بر نقش هریک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

علی شیاری\* و محمدحسین فرهنگی\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۰	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۸	شماره صفحه: ۲۹۴-۲۷۱
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

با توجه به سکونت کردها در نوار مرزی چهار کشور عراق، سوریه، ترکیه و ایران هرگونه تغییری می‌تواند ضمن برهم زدن موازنه قدرت در خاورمیانه، حساسیت و تنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به وجود آورد. در این میان سقوط صدام و پیدایش داعش، سبب تضعیف دولت مرکزی عراق و قدرت گرفتن اقلیم کردستان این کشور شد. رهبران اقلیم عراق با توجه به درگیری و اختلافات شدید میان کشورهای منطقه و به امید استفاده از برگ طلایی رژیم صهیونیستی جهت تشویق آمریکا به حمایت از اقلیم، استقلال کردستان عراق را اعلام کردند. اعلام استقلال کردستان عراق بدون رجوع به آرای مردم عراق، سبب برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه و به دنبال آن تهدیدات امنیتی برای سایر کشورها شد. اعلام استقلال، کردستان عراق را به عرصه رقابت و نزاع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. این مقاله با هدف بازکاوی فرایند استقلال اقلیم کردستان عراق به رهبری بارزانی بوده و درصدد است تا به موانع و علل ناکامی اقلیم کردستان در اعلان استقلال آن بپردازد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش بوده که چالش‌های پیش روی استقلال کردستان عراق در منطقه خاورمیانه کدام‌اند؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه رئالیسم به دنبال این فرضیه بوده که استقلال اقلیم کردستان عراق با چالش‌های متعددی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو بوده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که با توجه به شرایط داخلی (مخالفت دولت، گروه‌ها و احزاب عراقی و درگیری احزاب کردی با یکدیگر)، شرایط منطقه‌ای (مخالفت ایران، ترکیه، سوریه و اعراب) و شرایط فرامنطقه‌ای (عدم حمایت جدی آمریکا، اروپا و حتی روسیه) تحقق استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد امکان‌پذیر نیست.

**کلیدواژه‌ها: استقلال اقلیم کردستان عراق؛ تحولات عراق؛ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ ایران**

\* استادیار دانشکده الهیات، گروه معارف اسلامی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)؛

Email: a.shiyari@tabrizu.ac.ir

\*\* استادیار دانشکده حقوق و الهیات، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز؛

Email: farhangi@iaut.ac.ir

## مقدمه

در میان حوادث متعدد منطقه خاورمیانه در سده معاصر، تحولات انجام شده در کردستان برای پیگیری حقوق کردها به ویژه در عراق دارای اهمیت است. در این مدت با پیشامدهای گوناگون که هرکدام به ایجاد خلأ قدرت در منطقه و عراق منجر شده است، انگیزه کردها را برای به دست آوردن حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود در قالب‌های مختلف خودمختاری، فدرالیسم و در نهایت استقلال‌شان افزایش داده است. تلاش کردها برای رسیدن به مطالبات خود تاریخ پرفراز و نشیبی را مانند قیام شیخ عبداله در سال ۱۸۸۰، شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، قاضی محمد در سال ۱۹۴۷، عبداله اوجالان در سال ۱۹۸۴ و اعلام همه‌پرسی استقلال توسط حکومت اقلیم به رهبری بارزانی سپری کرده است (نصری مشکینی، ۱۳۷۸، ۱۶۴).

اشغال عراق و سرنگونی رژیم صدام، تدوین قانون اساسی جدید عراق، روی کار آمدن دولت جدید، تشکیل دولت خودمختار و سپس فدرال در عراق، شروع بحران داعش در منطقه به ویژه در عراق، اقدامات حکومت اقلیم در کردستان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و به خصوص ضعف دولت مرکزی عراق و عامل دیگر حمایت برخی قدرت‌های منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و دولت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین سکوت و چراغ سبز برخی دیگر از دولت‌های عرب منطقه سبب شد برخی از رهبران اقلیم عراق برای اعلام استقلال در منطقه کردستان ترغیب شوند. البته از بحث جهانی شدن نیز نباید غفلت کرد. جهانی شدن به رغم تهدیدهای قومیتی، فرصت‌های مهمی در اختیار دولت اقلیم عراق قرار داده تا تصور کند می‌تواند افکار عمومی جهان را در راستای اهداف خود بسیج کند.

اهمیت و جایگاه عراق در منطقه و تحولات انجام شده در این کشور ایجاب می‌کند شناخت مناسبی از وضعیت اقلیم کردستان عراق فراهم شود تا براساس آن بتوان به درک درستی از چرایی و نحوه تصمیم‌گیری سران اقلیم عراق دست پیدا کرده و موانع و علل ناکامی آن را بررسی و براساس آن آینده ت عراق و منطقه و پیامدهای احتمالی آن را تحلیل کنیم. محمدیان و ترابی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین تأثیرات تحولات عراق بر اقلیم



کردستان» به بررسی تأثیرات تحولات عراق بر وضعیت سیاسی اقلیم کردستان عراق پرداخته و بر افزایش وزن سیاسی اقلیم تأکید کرده‌اند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). نصری مشکینی در مقاله‌ای با عنوان «جمعیت و امنیت: امکانات و موانع پیدایش دولت مرکزی در منطقه خاورمیانه» به میزان مطابقت تأسیس دولت مستقل کرد با امکانات و شرایط منطقه‌ای پرداخته است (نصری مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۵۷). روزبه و کیانی در مقاله‌ای با عنوان «تحولات کردستان عراق و تأثیرات آن بر خاورمیانه» معتقدند مدیریت در اقلیم و موقعیت خاص آن منطقه سبب شده برای عراق فرصت و تهدید ایجاد شود که این تهدیدات قابل سرایت به کشورهای منطقه است (روزبه و کیانی، ۱۳۹۵: ۶۷). مقاله حاضر سعی دارد از منطری متفاوت به موضوع کردستان عراق بپردازد. چرا که با توجه به جایگاه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک کردستان عراق، می‌تواند تأثیرات متعددی را در عراق، کشورهای پیرامونی و سیاست خاورمیانه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای داشته باشد. این مقاله با بررسی شرایط داخلی و منطقه‌ای عراق و با هدف بازکاوی اعلام فرایند استقلال اقلیم کردستان عراق از سوی بارزانی و بررسی علل و موانع ناکامی اقلیم در اعلام استقلال، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چالش‌های پیش روی اعلام استقلال در منطقه خاورمیانه کدام‌اند؟ نویسندگان به دنبال این فرضیه بودند که استقلال اقلیم کردستان عراق با چالش‌های متعددی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبرو بوده است. از این‌رو پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه رئالیسم به چرایی اقدام سران اقلیم موانع آن و واکنش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌پردازد.

### ۱. رویکرد نظری پژوهش: مکتب رئالیسم

رئالیسم یکی از مهمترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است که نقش مهمی در تحلیل و تبیین نظام بین‌المللی داشته است. این نظریه ضمن اشاره به مفهوم دولت به‌عنوان عنصر اصلی و محوری، بر کنشگری عقلانی دولت‌ها به‌عنوان بازیگرانی امنیت‌جو و قدرت‌طلب اشاره کرده و بر توازن قدرت، بازدارندگی و همچنین عناصر مادی قدرت تأکید می‌کند. در واقع از نگاه واقع‌گرایان، قدرت زیربنای مفاهیم سیاست را تشکیل می‌دهد (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۲).

براساس این دیدگاه برای جلوگیری از هرگونه درگیری احتمالی بین دولت‌ها باید به توازن قدرت تأکید کرد. مورگنتا از نظریه پردازان مهم این مکتب معتقد است باید قدرت به گونه‌ای بین دولت‌ها تقسیم شود که هیچ‌کدام از آنها توانایی سلطه و غلبه بر دیگر دولت‌ها را نداشته باشند؛ زیرا هرگونه نابرابری قدرت در بین دولت‌ها، سبب بروز تنش و درگیری خواهد شد. از نظر وی وقتی کشورها با خطر جدیدی روبه‌رو شدند به منظور جبران خلأ قدرت به توسعه و تقویت نیروهای خود یا مذاکره برای کاهش نیروهای مقابل اقدام می‌کنند از جمله ایجاد اتحاد بین گروه‌های دوست و جلوگیری از اتحاد گروه کشورهای متخاصم. از این رو مورگنتا با توجه به گرایشی که کشورها نسبت به ایجاد موازنه قدرت دارند آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. کشورهای طرفدار وضع موجود، ۲. کشورهای مخالف وضع موجود. به اعتقاد وی اگر دولتی در مسیر تبدیل شدن به قدرت خاص قرار گیرد دیگر دولت‌ها به تنهایی و یا با تشکیل ائتلاف علیه آن قدرت جدید، از تهدیدهایی که ممکن است در آینده متوجه آنها بشود، جلوگیری خواهند کرد. البته باید گفت که احساس تهدید صرفاً منوط به تشکیل دولت مقتدر و رقیب نیست بلکه درک بازیگران و دولت‌مردان از میزان تهدیدی که ممکن است در آینده علیه موجودیت و یا منافع آنها صورت پذیرد مهم تلقی شده، سبب همگرایی و اتحاد پیرامون تهدید بالقوه خواهد شد. به اعتقاد مورگنتا کشورها برای برقراری توازن قوا ممکن است به دو شکل عمل کنند: ۱. کوشش برای کاهش توان قدرت برتر (از طریق ایجاد شکاف و اختلاف و...)، ۲. تقویت قدرت‌های ضعیف از طریق کمک به رفع کمبودهای کشور ضعیف و یا اعطای امتیازات محدود (همان: ۵۲).

## ۲. منطقه کردستان عراق

کردستان عراق شامل پنج استان سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل و دهوک است و در حال حاضر ۲۰-۱۵ درصد جمعیت این کشور را کردها تشکیل می‌دهند (برنکاتی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). منطقه‌ای که امروزه اقلیم کردستان عراق نامیده می‌شود از جمله نواحی اصلی، پرجمعیت و سوق الجیشی است که براساس توافقنامه سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ و به دنبال توافق کشورهای فرانسه و انگلیس برای تقسیم امپراتوری عثمانی و تشکیل کشوری جدید به نام

عراق صورت گرفت (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). اما موضوع کردستان عراق و الحاق آن به عراق در پیمان لوزان توسط انگلستان به صورت دیگری رقم خورد. به دنبال درخواست ملک فیصل برای الحاق کردستان به عراق و موفقیت‌های کمال آتاتورک، انگلیسی‌ها به این نتیجه رسیدند تا برای جلوگیری از درگیری احتمالی با ترکیه بر سر موصل و کرکوک با الحاق کردستان به عراق موافقت کنند. کردهای عراق که از مدت‌ها پیش در راستای خودمختاری و استقلال مبارزه خود را با امپراطوری عثمانی آغاز کرده بودند، با پیمان لوزان و الحاق کردستان به عراق با دولت مرکزی عراق درگیر شدند و در همین راستا قیام‌های متعددی از طرف کردهای عراق برای به دست آوردن حقوق خود انجام شد؛ مانند قیام شیخ محمود (۱۹۲۳)، شورش شیخ احمد بارزانی (۱۹۳۱) و شورش ملامصطفی بارزانی (۱۹۳۲) که بعد از فوت وی مسعود بارزانی عهده‌دار رهبری این حرکت‌ها شد. آنچه در تمام این حوادث نقش کلیدی را ایفا می‌کرد نقش دولت‌های خارجی، قوت و ضعف دولت مرکزی عراق و اختلاف کردها با یکدیگر بوده است. همین سه عامل علت اصلی موفقیت و یا عدم موفقیت کردها در تحولات عراق به شمار می‌رود.

آنچه در این میان حائز اهمیت است حمله عراق به کویت و تغییر معادلات منطقه بعد از آن بوده است. بعد از حمله عراق به کویت، آمریکا مواضع خود را نسبت به دولت مرکزی عراق تغییر داد و با حمایت آشکار خود از نیروهای مخالف صدام؛ منطقه امن تحت حاکمیت کردها با نام مدار ۳۶۰ درجه را تشکیل داد. در این منطقه حزب دمکرات براریل و حزب اتحادیه میهنی بر سلیمانیه تسلط پیدا کردند و مناطق نفتی (کرکوک و موصل) در اختیار دولت بغداد باقی ماند. اختلاف میان دو حزب عمده کردی ادامه داشت تا اینکه با وساطت آمریکا دو حزب به توافق رسیده و ریاست جمهوری عراق به طالبانی و ریاست اقلیم عراق به بارزانی رسید (ملا عمر، ۱۳۸۰: ۱۱۰). سقوط دولت بعث عراق و خلأ قدرت ایجاد شده به دلیل ضعف دولت مرکزی، سبب شکل‌گیری حکومت خودگردان کرد در شمال عراق شد (پیشگاهی فرد و نصراللهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۰). کردها که در طول چند دهه گذشته در انزوای ژئوپلیتیکی بودند از شرایط به وجود آمده نهایت استفاده را کردند و به عنوان یکی از ارکان سه‌گانه قدرت در کنار شیعیان و اهل سنت قرار گرفتند. موقعیت جدید تا جایی پیش رفت

که برخی معتقدند بدون همراهی کردها امکان تصمیمات اساسی وجود ندارد. همین عامل هم باعث شد آمریکا اراده جدی برای حمایت از کردها جهت تشکیل دولت مستقل نداشته و از وجود آنان به عنوان آلترناتیو علیه دولت مرکزی عراق و نفوذ ایران استفاده کند. در ادامه تحولات آنچه تأثیر زیادی بر اقلیم کردستان عراق گذاشت قدرت یابی داعش و تصرف موصل از طرف آنان بود. پس از تصرف موصل توسط داعش نیروهای دولت مرکزی به دلیل ضعف بنیه نظامی مجبور به عقب نشینی از برخی مناطق شد این امر سبب گردید تا اقلیم کردستان عراق با حمایت دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای از فرصت به وجود آمده استفاده کرده و نیروهای خود را در اکثر مناطق مورد مناقشه (مانند کرکوک) با دولت مرکزی مستقر کند. بعد از این قضیه رئیس اقلیم کردستان عراق اعلام کرد موضوع ماده (۱۴۰) دیگر مطرح نیست چرا که کرکوک بخشی از منطقه کردستان است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). بنابراین به راحتی می توان ادعا کرد که موضوع داعش و به تبع آن حمایت آمریکا از آن نقطه عطفی در تاریخ تحولات عراق به شمار می رود زیرا باعث شده اقلیم کردستان عراق مورد حمایت سیاسی و نظامی قرار گیرد و افکار عمومی جهان را به عنوان نیروی مبارز با تروریسم داعش به خود جلب کند، به عبارت دیگر برآمدن کردستان کنونی نتیجه وجود جنبش های دیرپا و نیرومند ناحیه گرای کردی و راهبرد ژئوپلیتیک آمریکا در منطقه است (کاویانی راد ۱۳۸۷: ۹۱). اقلیم کردستان عراق پس از تحولات فوق و موفقیت های اولیه سعی کرد در فضای استثنایی به وجود آمده ناشی از «ضعف دولت مرکزی و درگیری آن با داعش، عدم حساسیت بازیگران منطقه ای و حمایت بازیگران فرامنطقه ای» در سطح ملی، منطقه ای و ناحیه ای اقدامات خود را سامان دهی کرده و مقدمات تشکیل دولت مستقل را فراهم کند. حکومت ناحیه ای کردستان عراق با استفاده از امکانات خود و نیز فرصت های منطقه ای و جهانی به سرعت در حال ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی، اداری و قانونی خود و پیدا کردن شکل کامل یک سازمان حکومتی است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۰). اقلیم کردستان عراق توانست برای اولین بار در سطح ملی در شکل گیری و تصویب قانون اساسی عراق جدید به عنوان بازیگر فعال وارد

۱. ماده (۱۴۰) قانون اساسی عراق بر عادی سازی اوضاع کرکوک، اجرای سرشماری و برگزاری همه پرسی در این شهر و سایر اراضی مورد نزاع تأکید کرده است تا ساکنان این مناطق، نظر خود را درباره وضعیت این شهر اعلام کنند.

عمل شده و امتیازات خاصی از دولت مرکزی کسب کند. پست‌های کلیدی ریاست جمهوری و معاونت دو قوه پارلمان و نخست‌وزیری، وزارت خارجه، ریاست ستاد کل ارتش و... از جمله موفقیت‌های کردها در قانون اساسی است. همچنین براساس قانون اساسی جدید کردها از حقوق و مزایای خاصی مانند نظام جمهوری فدرال (ماده ۱)، پذیرفتن هویت متمایز کردها از اعراب (ماده ۳)، معرفی زبان‌های عربی و کردی به‌عنوان زبان‌های رسمی عراق (ماده ۴)، برابری تمام عراقی‌ها بدون هرگونه تبعیض در برابر قانون (ماده ۱۴)، دادن اختیارات به ایالت‌ها منوط به اینکه در انحصار دولت فدرال قید نشده باشد (ماده ۱۱۱)، به رسمیت شناختن ایالت کردستان و قوای آن (ماده ۱۱۳)، به رسمیت شناختن منطقه اقلیم کردستان و مقامات آن و مصوبات پارلمان کردستان از سال ۱۹۹۲ به بعد (ماده ۱۱۴ و ۱۳۷) و... برخوردار شدند. حکومت اقلیم عراق در سطح ناحیه‌ای نیز با انجام اقدامات متعددی سعی کرده ضمن پیدا کردن شکل و سازمان حکومتی و جبهه مردمی را کسب و رضایت نسبی فراهم کند. حکومت اقلیم عراق همچنین سعی در حل اختلافات فی‌مابین اقلیم و دولت مرکزی به‌خصوص در مورد نفت، سرنوشت کرکوک، نیروهای پیش‌مرگ و... داشته است. اقدامات فوق توسط اقلیم عراق در دو دهه اخیر سبب احیای مجدد ناسیونالیسم قومی کرد و تقویت هویت و فرهنگ آن شده است تا جایی که آرمان استقلال کردستان عراق و تأسیس دولت مستقل کردی در اذهان رشد پیدا کرده است. تثبیت حکومت منطقه‌ای کردستان در پی تحولات سال ۲۰۰۳ به بعد و دستاورد آنها در قانون اساسی عراق باعث شده است که اعتماد به نفس کردها بالا رود (همان: ۲۳). به اعتقاد برخی، کردها شرایط موجود (فدرالیسم) را اجباراً قبول کرده‌اند زیرا معتقدند مخالفت همسایگان و... اجازه استقلال را به آنها نخواهد داد، بنابراین فدرالیسم دومین انتخاب برتر کردهاست (برنکاتی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). اما اینکه چرا تا به حال اقدامی انجام نداده بودند به دلیل برخی ملاحظات از جمله مخالفت همسایگان، مخالفت دولت مرکزی، عدم حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نبود تأسیسات زیربنایی و... بوده است. به نظر می‌رسد حکومت اقلیم عراق با ایجاد بسترها و زمینه‌های لازم درصدد فرصت مناسبی بوده است تا اهداف آرمانی خود را عملیاتی کند. آنچه در این میان سبب تسریع در اعلان همه‌پرسی شد ترس از دست دادن فرصت تاریخی ایجاد شده

ناشی از ضعف دولت مرکزی عراق و اختلافات دولت‌های منطقه‌ای با یکدیگر بوده است. از طرف دیگر اشتباه محاسبات استراتژیک سران اقلیم عراق در تحلیل شرایط منطقه‌ای، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب شد که اعلام استقلال کردستان در دستور کار اقلیم عراق قرار گیرد که در این راستا می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

- رهبران حکومت اقلیم عراق درک درست و مناسبی از شرایط داخلی و منطقه‌ای نداشتند و سرنوشت خود و معادلات پیچیده منطقه‌ای را صرفاً به حمایت آمریکا و برخی کشورهای منطقه‌ای گره زده بودند.

- حکومت اقلیم عراق بر این باور بود که جنگ دولت مرکزی با داعش سبب تضعیف قدرت و توان نظامی آن شده و با پایان حیات داعش در عراق، توان و قدرت دولت مرکزی عراق افزایش پیدا خواهد کرد.

- سران اقلیم عراق با توجه به اختلافات دولت‌های عراق، ترکیه و ایران بر موضوعات مختلف به‌ویژه داعش، امکان هماهنگی بین دولت‌های فوق را پیش‌بینی نمی‌کردند.

- حکومت اقلیم عراق به این نتیجه رسیده است که پایان داعش و تحولات داخلی عراق به‌گونه‌ای است که احتمال حضور ایالات متحده آمریکا در تحولات آینده عراق؛ کم‌رنگ خواهد شد.

- حکومت منطقه‌ای کردستان عراق بر این باور است که اختلافات ایران با اعراب، به‌خصوص عربستان، باعث حمایت این کشور و اعراب از کردها خواهد شد.

- حکومت اقلیم عراق معتقد است اعلان استقلال کردها، باعث افزایش تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی خواهد شد. این امر فرصت مناسبی است تا از توان رژیم صهیونیستی در وادار کردن آمریکا و اروپا برای حمایت از استقلال و همه‌پرسی استفاده شود.

- حکومت اقلیم عراق به رهبری بارزانی تصور نمی‌کرد یک‌تازی آنها حساسیت دیگر احزاب و گروه‌های کردی به‌ویژه حزب اتحاد میهنی کردستان را برانگیزاند و باعث احیای اختلافات گذشته شود.

- بارزانی تصور می‌کرد اعلان همه‌پرسی با همراهی اهل سنت عراق مواجه خواهد شد.

این در حالی است که اهل سنت بنا به دلایلی از جمله نبود منابع مالی و معادن، حاضر به انجام چنین کاری نیستند.

- آمریکا برخلاف تصور سران اقلیم عراق با همه‌پرسی استقلال کردستان همراهی نکرد، چراکه حاضر نبوده تا متحدی استراتژیک مثل ترکیه را از دست بدهد و باعث آزدگی خاطر اعراب منطقه به دلیل تجزیه عراق شود. همچنین استقلال اقلیم عراق به مفهوم تشکیل دولت کاملاً شیعی شبیه جمهوری اسلامی ایران در عراق خواهد بود درحالی‌که آمریکا از توان کردها در مقابل شیعیان عراق به‌عنوان بازدارنده استفاده کرده و می‌کند.

مشکل دیگر در مسیر استقلال کردستان عراق، ترکیب جمعیتی این کشور است. عراق ترکیبی از قومیت‌ها و مذاهب مختلف است. براساس آخرین آمارهای سال ۲۰۱۴ از نظر قومی اعراب در حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این کشور از سه گروه عمده و اصلی شیعیان، اهل سنت و کردها تشکیل شده است. در کنار آنها مسیحیان، یهودیان و... نیز وجود دارند (۵ درصد). شیعیان با اکثریت (۶۵ - ۶۰ درصد) خواهان اجرای قانون اساسی هستند؛ زیرا تسلط شیعیان بر امور را ممکن می‌کند. اهل سنت (۳۷ - ۳۲ درصد) که از دیرباز در رأس قدرت عراق بودند در قانون اساسی جدید جایگاه خود را از دست رفته می‌بینند. کردها نیز که عمدتاً از اهل سنت هستند (۲۰ - ۱۵ درصد) به دنبال افزایش قدرت خودمختاری و حرکت به سمت آرمان‌های خود هستند (www. iraq demographics profile, 2014). عمده مشکلی که گروه‌های سه‌گانه فوق دارند این است که هرکدام از آنان برای تقویت خود در برابر دیگران، به دنبال منابع هویتی و بازیگران منطقه‌ای و حتی جهانی حرکت می‌کنند که این امر شکاف هویتی را در این کشور تقویت می‌کند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). از این رو جهت‌گیری شیعیان، اهل سنت و کردها نسبت به همدیگر و ارتباطات هرکدام از آنان با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحولات عراق را بیش از پیش بحرانی کرده است (ترابی، ۱۳۹۰). در این میان رویکرد کردها تا حدودی متفاوت و سیال نسبت به دو گروه دیگر بوده است. کردها در تحولات بعد از سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ بعد از اعلام منطقه پرواز ممنوع در کنار نیروهای ائتلافی در تقابل با دولت مرکزی قرار داشتند؛ اما از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷

پس از سرنگونی رژیم صدام این تقابل به همکاری و سازش با دولت مرکزی تبدیل شد. در همین سال‌ها بود که کردها به متحدان اطلاعاتی آمریکا در عراق تبدیل شدند (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۴۷). همکاری کردها با دولت مرکزی پس از تصویب قانون اساسی جدید با چالش و بحران روبه‌رو شد. کردها که در قالب فدرالیسم به امتیازات مهمی دست یافته بودند درصدد افزایش قدرت خود برآمدند مواردی نظیر انعقاد قراردادهای نفتی با خارج، تأکید بر اجرای ماده (۱۴۰) و... که اختلافات فی‌مابین را تشدید کرد. آنچه در این میان اختلافات را دامنه‌دارتر و قدرت کردها را افزایش داد موضوع پیدایش داعش و ضعف دولت مرکزی عراق بود که باعث شد کردها با حمایت از بعضی دولت‌های خارجی، اراضی اشغال شده توسط داعش را پس گرفته و تحت کنترل خود درآوردند. در چنین شرایطی بود که کردها به رهبری حزب دمکرات وضعیت را مساعد دیده و اعلان همه‌پرسی استقلال را مطرح و اجرا کردند. به نظر می‌رسد موارد زیر در تصمیم حکومت اقلیم عراق به رهبری بارزانی تأثیرگذار بوده است:

- به باور کردها در هیچ مقطع تاریخی، دولت مرکزی عراق دچار چنین وضعی نبوده است و اگر اقدامی نشود قدرت عراق مجدداً افزایش پیدا خواهد کرد که در آن صورت کفه ترازو به نفع دولت مرکزی خواهد بود.

- کردها در روند تاریخی مبارزات خود، هیچ موقع از قدرت کنونی لازم برخوردار نبوده‌اند. اتحاد و انسجام بین کردها به تبع اقدامات حکومت اقلیم عراق افزایش پیدا کرده و ناسیونالیسم قومی تقویت شده است.

- حمایت آمریکا به عنوان حامی اصلی کردها به این شدت نبوده است.

- بحران‌های منطقه‌ای به‌ویژه بحران سوریه، باعث عدم حساسیت بازیگران منطقه‌ای به خصوص ترکیه، ایران و عربستان نسبت به موضوع کردستان عراق خواهد شد. - اختلاف میان ترکیه، رژیم صهیونیستی، اعراب و ایران در هیچ مقطعی به این اندازه شدید نبوده و این اختلافات مانع اتخاذ تصمیم واحد در خصوص کردستان عراق خواهد شد. از این رو حکومت اقلیم کردستان عراق ضمن مساعد دیدن فضا و با ارائه استناداتی از

قبیل موارد ذیل فرایند استقلال کردستان را آغاز کرد:



### الف) عهدنامه سور<sup>۱</sup>

- ماده (۶۲): در این ماده مقرر شده که در مدت ۶ ماه از تاریخ اجرای این پیمان، مقدمات تأسیس حکومت خودمختار کردی فراهم شود.

- ماده (۶۴): در این ماده نیز در صورت تشخیص شورای جامعه ملل مبنی بر استقلال کردها، ترکیه نیز ادعایی نخواهد داشت. هرچند پیمان لوزان در عمل، لغو پیمان سور را به دنبال داشت.

### ب) حق تعیین سرنوشت

- ماده (۱): این ماده تأکید دارد که تمامی ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت خود هستند. ملت‌ها می‌توانند وضعیت سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تأمین کنند.

- ماده (۵۵): در این ماده بر احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل تأکید شده است.

### ج) قانون اساسی عراق و قواعد موجود

- ماده (۱۴۰): به استناد این ماده برای تعیین تکلیف کرکوک باید همه‌پرسی انجام می‌شد، اما دولت مرکزی از انجام آن خودداری کرده است.

- واریز ۱۷ درصد از بودجه کل عراق به حساب حکومت اقلیم عراق: دولت مرکزی مبالغ مذکور را در اختیار اقلیم عراق قرار نداده است.

- عدم اجرای تفاهم‌نامه بین اقلیم عراق و دولت عراق (در زمان نخست‌وزیری نورالمالکی): البته براساس برخی استنادات حکومت اقلیم (از جمله قانون اساسی)، همه‌پرسی و جاهت قانونی نمی‌تواند داشته باشد زیرا براساس آن بر تمامیت ارضی عراق در قالب جمهوری

---

۱. عهدنامه سور در ۱۱ اوت ۱۹۲۰ با شرکت متفقین و نمایندگان خلیفه عثمانی با هدف تعیین تکلیف آینده امپراتوری برگزار شد که مهمترین تصمیمات آن عبارت بودند از: واگذاری سوریه به فرانسه، واگذاری بین‌النهرین به بریتانیا، ایجاد کشور مستقل ارمنستان و در مواد (۶۲ و ۶۴) و هم به مسئله کردستان می‌پرداخت. در ماده (۶۲) بر ایجاد زمینه‌های خودمختاری محلی برای کردهای عثمانی در مناطقی که غلبه جمعیت با کردها بود و در ماده (۶۴) بر امکان کسب استقلال مناطق خودمختار بعد از یک سال در صورت صلاحدید جامعه ملل به وسیله کمیسیونی که مقرر آن در قسطنطنیه بود، تأکید شده بود.

فدرال تأکید شده است. در صورت وقوع چنین عملی باید همه‌پرسی از تمام مردم عراق انجام شود.

### ۳. دلایل ناکامی حکومت اقلیم عراق

#### ۳-۱. اختلافات داخلی عراق

از جمله موانع اصلی تشکیل دولت مستقل کرد می‌توان به اختلافات داخلی عراق اشاره کرد. این اختلافات در سطوح مختلفی مانند اختلاف میان احزاب کرد، اختلاف میان کردها با دولت مرکزی و عدم همراهی گروه‌های شیعه و سنی عراق قابل مشاهده است.

#### ۳-۱-۱. اختلاف احزاب کرد

از دیرباز بین احزاب و گروه‌های مختلف کردی اختلافات عدیده‌ای بر روی مسائل مختلف نظیر اختلافات فکری و ایدئولوژیکی، اختلاف بر نحوه تصمیم‌گیری درباره مسائل ملی و مهم در کردستان عراق و به‌ویژه رهبری کردها وجود داشته است (نوری اصل، ۱۳۹۵). این اختلافات در برخی مقاطع بنا به دلایلی تشدید شده و اوج آن از سال‌های ۱۹۹۴ به بعد است. این امر به تجزیه دو منطقه کردی بین حزب دمکرات به رهبری بارزانی (اربیل) و حزب اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی (سلیمانیه) منجر شد. هرچند موضوع به واسطه حضور آمریکا و میانجیگری آن فروکش کرد، اما سابقه اختلافات گذشته و پیدایش احزاب جدید کردی چون جنبش تغییر، حزب اتحاد اسلامی کردستان و حزب حمایت اسلامی کردستان و از طرف دیگر انحصارگرایی برخی احزاب کردی و دخالت نکردن بقیه احزاب مانع اتحاد استراتژیک کردها در حال حاضر و آینده خواهد بود موضوعی که در اعلان استقلال کردستان عراق توسط بارزانی خود را نشان داد. گروه‌های سیاسی در اقلیم به‌ویژه احزاب رقیب حزب دمکرات کردستان، سیاست‌های بارزانی و حزب دمکرات را مورد انتقاد قرار می‌دهند. شاید به دلیل انحصارگرایی حزب دمکرات بود که حزب اتحادیه میهنی ضمن عدم همراهی از اعلان استقلال کردستان از مواضع خود در سلیمانیه نیز عقب‌نشینی کرد و همین عامل سبب تقویت مواضع دولت مرکزی عراق شد. از این رو می‌توان گفت تضادهای موجود جریان‌های کردی فعلاً در پرتو

استراتژی استقلال طلبی پنهان شده و فرصت خودنمایی نمی‌یابد و در صورت فراهم شدن شرایط و بسترهای مناسب ظهور پیدا خواهد کرد (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱). به موازات اختلافات در بین احزاب داخلی کردستان عراق؛ شاهد اختلافات گسترده احزاب کرد کردستان با احزاب کرد کشورهای همسایه نیز هستیم که پیچیدگی موضوع را افزایش داده است که به مواردی مانند اختلاف حزب کارگران کردستان p.k.k با حزب دمکرات کردستان عراق، حزب دمکرات کردستان عراق با حزب دمکرات کردستان ایران و... می‌توان اشاره کرد. این اختلافات از عواملی نظیر نقش و تأثیر قدرت‌های خارجی، اختلافات دیرینه قبلی میان کردها و منافع شخصی رهبران کرد نشئت می‌گیرد (نصری مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۷۱).

### ۲-۱-۳. اختلاف کردها با دولت مرکزی عراق

باید پذیرفت که دولت عراق حاضر به پذیرش خودمختاری اقلیم کردستان عراق نبوده است و اگر شرایط خاص در عراق حاکم نمی‌شد- حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام و ظهور داعش- شاید روند تحولات به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. بنابراین پذیرش وضعیت فدرالیسم براساس الزامات بوده است، اما به رغم آن حکومت اقلیم عراق و دولت عراق دارای مشکلات جدی و اساسی هستند مثل حفظ موجودیت نیروهای نظامی پیش‌مرگه، مرزها و حوزه جغرافیایی ناحیه کردستان و به‌طور مشخص منطقه کرکوک، روابط خارجی، بودجه، سهم داشتن در دولت و استخراج و فروش نفت و... هرچند که الگوی رفتاری کردها پس از سال‌های ۲۰۰۳ بر همگرایی و همکاری تاکتیکی با گروه‌های گوناگون در جهت رسیدن به اهداف عمده خود یعنی افزایش وسعت ناحیه اقلیم کردستان عراق، خودگردانی بیشتر و کنترل شهر کرکوک بوده است (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۲). از نگاه دولت عراق استقلال کردستان به معنای تجزیه عراق است و این موضوع نه تنها از نظر سیاسی برای این کشور قابل قبول و خوشایند نیست، بلکه از نظر اقتصادی نیز سبب از دست رفتن منابع و ذخایر نفت و گاز و... خواهد شد.

### ۳-۱-۳. همراهی نکردن شیعیان و اهل سنت با استقلال کردستان عراق

ترکیب جمعیتی عراق از سه گروه عمده شیعیان، کردها و اهل سنت شکل گرفته است. بعد از

تحولات اخیر در عراق شیعیان و کردها از فدرالیسم حمایت کردند اما اهل سنت با آن مخالف بودند. پس از تدوین قانون اساسی جدید عراق، شیعیان که در اکثریت قرار دارند خواهان اجرای قانون اساسی هستند اما اهل سنت نگرانند در صورت ایجاد منطقه فدرال و یا استقلال مناطق در منطقه مرکزی که فاقد نفت است محاصره شده و گرفتار شوند و یا جایگاه خود را از دست رفته می‌بینند (ازغندی و کرمی، ۱۳۸۶: ۱۷). اما کردها نه تنها خواهان فدرالیسم هستند، بلکه با اجرایی کردن آن به دنبال منافع خود و کسب اختیارات بیشتری هستند. در این میان آنچه مشکلات را بیشتر می‌کند این است که هرکدام از گروه‌های موجود در عراق برای تقویت خود در برابر دیگر گروه‌ها به دنبال پیدا کردن متحدی در خارج هستند و با توجه به اینکه منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متفاوت و گاهی متضادند حل مشکل را پیچیده کرده است. کردها برخلاف دیگر اقوام در عراق که از حمایت نسبی کشورهای منطقه برخوردارند فاقد حمایت منطقه‌ای هستند. از این رو گروه‌های کردی به سوی همکاری و کسب حمایت هرچه بیشتر از آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای فرامنطقه‌ای سوق پیدا می‌کنند. با این حال وضعیت عراق به گونه‌ای است که هیچ گروهی به تنهایی قادر به حکومت کردن بر این کشور نیست. از طرف دیگر تلاش هرکدام از گروه‌ها برای در اختیار گرفتن قدرت در عراق به معنای تجزیه این کشور و بروز جنگ داخلی است بنابراین وضعیت داخلی و مخالفت سایر گروه‌های داخلی این کشور یعنی شیعه و سنی با جدایی و یا استقلال کردها مانعی برای ایجاد دولت مستقل کرد در شمال عراق است (سنبللی، ۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۲۸).

## ۳-۲. نقش قدرت‌های منطقه‌ای در تحولات عراق

### ۳-۲-۱. ایران

ایران پس از جنگ جهانی دوم، تجربه‌های ناخوشایندی از مسئله کردستان را در حافظه دارد و همواره از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه نگران بوده است حجم و عمق این تأثیر ناشی از نیات متفاوت و بعضاً متعارض است که قدرت‌های خارجی پیگیری می‌کنند (سریع‌القلم، ۱۳۷۶: ۱۵۸). هرچند مناطق کردنشین ایران در قیاس با سایر نقاط کشور و میانگین سطح توسعه ملی جزء مناطق محروم و کمتر توسعه یافته محسوب می‌شود (کاوایانی راد، ۱۳۸۹: ۲۱۰). به رغم چنین

شرایطی در مقام مقایسه با کردهای ترکیه و عراق، گرایش‌های مرکزگریزی کردها در ایران چندان قوی نبوده است. بسیاری از کارشناسان علت این واقعیت را ایرانی بودن کردها و همانندی فرهنگ آنها با دیگر ایرانیان دانسته‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۹). از این رو مسئله کردهای ایران بیش از آنکه دارای چالش‌های داخلی باشد متأثر از تحولات خارجی و نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای است. البته تلاش قدرت‌های خارجی زمانی مؤثر واقع خواهد شد که گفتمان مرکز نسبت به مطالبات قومیتی کردها (اقتصادی، مذهبی و سیاسی) بی‌توجه باشد. با توجه به چنین شرایطی هرگونه تحرکات قومیتی در آن سوی مرزهای ایران مورد توجه جدی کشور قرار می‌گیرد. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که همه احزاب و گروه‌های مخالف کرد ایرانی در قلمرو حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق مستقر شده باشند و آزادانه به فعالیت سیاسی و به‌ویژه رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازند. برخی از این گروه‌ها مانند پژاک به اقدامات مسلحانه علیه ایران نیز دست می‌زنند (براندون، ۱۳۸۸: ۶۰). با توجه به چنین واقعیت‌هایی حکومت اقلیم عراق نمی‌تواند انتظار خاصی از ایران داشته باشد مگر آنکه اقدامات مثبتی در جهت برداشتن سوءتفاهمات بردارد. بنابراین اگر کردهای عراقی مانع استفاده از خاک خود توسط دشمنان ایران شوند می‌توانند روابط سازنده‌تر و مناسبات سیاسی بهتری داشته باشند ولی بی‌توجهی آنان به این موضوع نتیجه عکس خواهد داشت (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۷). دولت ایران با توجه به چنین شرایط حاکم بر اقلیم کردستان عراق و سیاست قدرت‌های منطقه‌ای چون رژیم صهیونیستی و عربستان و فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا که درصدد استفاده از عنصر کردستان عراق برای گرفتن امتیاز و تهدید جدید علیه ایران هستند خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق است. بنابراین مهمترین راهبرد ایران در قبال تحولات دو دهه اخیر عراق حفظ تمامیت ارضی و مخالفت با هرگونه استقلال خواهی منطقه کردستان بوده است و برگزاری رفراندوم در کردستان عراق را خطایی استراتژیک خوانده است (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۶: ۸۷). باید گفت که هرچند تهدید مسئله دولت اقلیم کرد برای ایران به مثابه دولت‌های دیگر نیست چرا که از نظر جغرافیایی کردها وسعت کمتری داشته و از منابع چندان بر خوردار نیستند آنچه برای ایران اهمیت دارد آن است که جدایی کردها؛ دیگر اقوام ایرانی را نیز

تحریک کرده و براساس نظریه پخش آنان را نیز دچار واگرایی خواهد کرد. از این رو ایران با تشکیل ائتلاف دولت‌های عراق، ترکیه و سوریه سعی در مهار بحران و حفظ تمامیت ارضی عراق کرده است که نمونه چنین سیاستی در هماهنگی کامل این دولت‌ها در بستن تمام مرزهای زمینی و هوایی خود پس از برگزاری referendum همه‌پرسی استقلال کردستان عراق می‌توان به خوبی مشاهده کرد. البته ناگفته نماند که همین سیاست‌ها سبب شده دولت اقلیم عراق گرایش بیشتری به سمت رژیم صهیونیستی داشته باشد.

### ۲-۲-۳. ترکیه

جمعیت زیاد کردها، وسعت مناطق کردنشین، مرز مشترک طولانی با کردستان عراق، تشابهات فرهنگی و مذهبی با کردستان عراق، وجود محدودیت‌های فرهنگی و سیاسی کردها در ترکیه و عدم توسعه مناطق کردنشین ترکیه سبب شده است مناطق این کشور تحت تأثیر بیشتری از تحولات کردستان عراق باشد. کردها بزرگ‌ترین اقلیت نژادی ترکیه هستند که ۱۱ درصد جمعیت و از نظر وسعت جغرافیایی ۳۰ درصد از خاک ترکیه را تشکیل می‌دهند (مرادیان، ۱۳۸۴). کردها در ترکیه به دلیل تمایزات نژادی و زبانی واگرا هستند. تشکیل دولت کرد به معنای از دست دادن شرق و جنوب شرق ترکیه خواهد بود. از این رو ترکیه نه تنها مخالف شکل‌گیری دولت مستقل کردی بوده، بلکه با هرگونه منطقه خودمختار کرد در شمال عراق به نام کردستان نیز مخالف است و آن را موجب تجزیه کشور خود و بحران در منطقه می‌داند. بنابراین سیاست اصلی ترکیه در قبال کردهای عراق، ترکانیزه کردن شمال عراق به دنبال شرایط پیش آمده ناشی از اختلاف کشورهای عربی، ضعف دولت مرکزی عراق و همراهی دولت آمریکا با ترکیه است (رئوف، ۱۳۷۷: ۲۱۹). هرچند سیاست دولت ترکیه از بدو تأسیس مبتنی بر انکار هویت کردی بوده است، اما بعد از تشکیل دولت جدید عراق و نفوذ کردها رویکرد خود را تغییر داده و سیاست ملایم‌تری را اتخاذ کرده است. ترکیه از یک طرف نمی‌خواهد از سود سرشار اقتصادی که از روابط با اقلیم عراق عاید ترکیه می‌شود چشم‌پوشی کند و از طرف دیگر به دلیل ترس از تهدیدات امنیتی کردها با توجه به جمعیت زیادشان در ترکیه و تأثیر استقلال کردستان عراق در مناطق کردنشین این کشور به شدت

مخالف استقلال آن است. از این جهت ترکیه همه‌پرسی استقلال کردستان عراق را اشتباهی بزرگ توصیف کرده است. از دیگر موارد نگرانی ترکیه علاوه بر p.k.k بحث کرکوک است. ترکیه معتقد است حکومت اقلیم با کوچ دادن کردها به کرکوک درصدد تغییر ترکیب جمعیتی به نفع کردها و به ضرر ترکمن‌ها و اعراب است چرا که ترکیه اعتقاد دارد تسلط کردها بر منابع نفتی کرکوک سبب تقویت اقتصادی اقلیم عراق شده و سبب تسری اقدامات استقلال طلبانه برای کردهای ترکیه خواهد شد. با تمام این اوصاف ترکیه با یک دیدگاه متناقض با دولت عراق مواجه است زیرا از یک سو خواهان استقرار دولتی ضعیف در بغداد است که حاکمیتی نیرومند در شمال عراق نداشته باشد و از سوی دیگر استقرار دولت ضعیف در بغداد را عاملی برای تقویت کردهای شمال عراق می‌داند (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۶۶). عامل مهم دیگری که در اتخاذ سیاست ترکیه مؤثر است حساسیت آن کشور به حضور رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن سوی مرزهای خود است چرا که حضور قدرت‌ها قابلیت استفاده آنان از عنصر کردها برای تضعیف ترکیه را خواهند داشت (محبی، ۱۳۹۲: ۷۳).

### ۳-۲-۳. سوریه

کردهای سوریه بیشتر در حلب و دمشق زندگی می‌کنند و حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (خالوزاده، ۱۳۹۱). کردها در سوریه به دلیل تمایزات نژادی و زبانی واگرا هستند و همچنین از حقوق فرهنگی، هویتی و سیاسی خود محروم‌اند. پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ زبان کردی ممنوع و هویت کرد انکار شد و دولت سوریه تابعیت شمار کثیری از آنها را سلب کرد (الیس، ۱۳۸۶: ۲۱۳). بنابراین سیاست سوریه نفی هویت کردها و عریزه کردن سرزمین آنها بوده و از دادن حقوق شهروندی و مالکیت به آنان امتناع ورزیده است. اما با شروع بحران در آن کشور دولت سعی کرد سیاست ملایم‌تری در قبال کردها اتخاذ کند و برخی حقوق شهروندی را به آنان بدهد. همچنین براساس توافق انجام شده بین کردهای سوریه و دولت، اداره مناطق کردنشین به خود آنان واگذار شده است و در مقابل کردها قول داده‌اند علیه دولت اقدامی انجام ندهند. از منظر دولت سوریه سرنگونی صدام، استقرار نیروهای آمریکایی در مرزهای مشترک عراق و سوریه و تحولات جدید عراق از جمله

طرح فدرالیسم با توجه به اقلیت کرد در سوریه امنیت این کشور را با خطر جدی مواجه کرده است. از این رو سوریه نه تنها مخالف استقلال بلکه با فدرالیسم در عراق نیز مخالف است؛ زیرا آن را تشویقی برای کردهای سوریه در جهت خودمختاری و تجزیه این کشور می‌داند.

#### ۴-۲-۳. سایر اعراب

کشورهای عربی منطقه همواره در صدد حفظ تمامیت ارضی عراق و حمایت از هویت عربی آن بوده‌اند. اعراب از تحولات صورت گرفته در عراق نگران هستند و دلیل آن کاهش نقش اعراب سنی در سیاست و حکومت عراق است. از نظر آنان خودمختاری کردها و استقلال آنها باعث انزوای اعراب سنی و از بین رفتن هویت عربی عراق می‌شود و این امر زمینه را برای افزایش منازعات قومی و مذهبی در منطقه فراهم می‌کند (واعظی، ۱۳۸۷). از طرف دیگر استقلال کردستان عراق، باعث شکل‌گیری حکومتی شیعه شبیه جمهوری اسلامی در مناطق نفت خیز و مهم عراق شده و قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش خواهد داد. همچنین سبب افزایش قدرت لابی و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه خواهد شد. بنابراین سیاست کشورهای عربی به تأسی از آمریکا، حفظ تمامیت ارضی و استفاده از قدرت و توان کردها و اهل سنت در کنترل قدرت شیعیان عراق است.

#### ۵-۲-۳. رژیم صهیونیستی

سیاست اصلی رژیم صهیونیستی در راستای اتحاد پیرامونی در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است. سیاست این رژیم به دنبال استفاده ابزاری از کردهای عراق در داخل کشور و کشورهای مجاور است تا از طریق آنان به عنوان آلترناتیو و اهرم فشار علیه دولت‌های مرکزی استفاده کند. بر اساس دکترین اتحاد پیرامونی اگر رژیم صهیونیستی بخواهد با منطقه پیوند برقرار کند، باید از فرصت‌های موجود استفاده کند و مناسبات خود را با کشورهای غیرعرب منطقه نظیر ترکیه و ایران و اقلیت‌های قومی - مذهبی خاورمیانه که از سوی اعراب تحت فشارند، افزایش دهد (شیفر، ۱۳۸۶). بر این اساس رژیم صهیونیستی برای فرار از انزوای محیطی در نیم‌قرن گذشته سعی در ایجاد روابط راهبردی با کشورهای غیرعرب منطقه داشته



است (خطیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۰۷). از این رو تمایل رژیم صهیونیستی به برقراری مناسبات با اکراد شمال عراق و حمایت گسترده مالی و تسلیحاتی از آنها مبتنی بر آموزه اتحاد پیرامونی «بن‌گورین» نخستین رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی است (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۷۵). در سال ۲۰۰۴ «سیمون هرش» روزنامه‌نگار آمریکایی در مقاله‌ای تأکید کرد صهیونیست‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکایی‌ها در پروژه دمکراسی و ایجاد ثبات در عراق ناموفق بوده‌اند و باید از نتایج چنین ناکامی نگران بود، بنابراین باید از تجزیه عراق حمایت کرد و کردهای عراق را به این سمت حرکت داد. این همان طرح B «شارون»، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی، است که در حال حاضر محور اصلی رویکرد صهیونیسم به کردستان عراق است. بررسی‌های تاریخی و جامعه‌شناختی رژیم صهیونیستی و اکراد نشانگر وجود حداقل دو وجه اشتراک میان آنهاست که عبارتند از: الف) غیرعرب بودن و ب) دشمن مشترک (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). از طرف دیگر عامل توجه رژیم صهیونیستی به کردهای عراق تمایل این کشور به نزدیکی با ملت‌های بدون دولت است. به باور یهودیان ملت‌هایی نظیر کرد که فاقد دولت‌اند دارای مشترکات تاریخی زیادی با یهودیان هستند و می‌توانند متحدان خوبی برای هم باشند. به‌طورکلی سیاست رژیم صهیونیستی در قبال کردها بر پایه منافع استراتژیک این رژیم استوار است نه بر پایه به‌اصطلاح دفاع از حقوق اقلیت‌ها. هدف اصلی رژیم صهیونیستی از تعقیب این سیاست پیدایش کانون جدید بحران در منطقه است. رژیم صهیونیستی معتقد است با حمایت و ایجاد کشوری مستقل برای کردها در شمال عراق، تعادل ژئوپلیتیکی بهتری به نفع این رژیم در شمال خاورمیانه برقرار خواهد شد. از طرف دیگر قدرت چانه‌زنی اعراب با رژیم صهیونیستی به علت تشکیل کشوری غیرعرب در خاورمیانه که مشکلات تاریخی با اعراب داشته و از پتانسیل رابطه خوب با رژیم صهیونیستی برخوردار است، کم خواهد شد. رژیم صهیونیستی می‌تواند با تجزیه عراق سبب کاهش تهدیدات علیه خود شده و به برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع خویش عمل کند. همچنین رژیم صهیونیستی درصدد است با تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی در میان کردها، اهرم فشاری در منطقه ایران ایجاد کند. به موازات آن رژیم صهیونیستی در تلاش است با تشکیل حکومت مستقل کرد زنجیره میان شیعیان که از پاکستان تا لبنان امتداد دارد را قطع کند. باید توجه

داشت که ایجاد اختلافات فرقه‌ای و قومی در منطقه ضمن آنکه باعث افزایش قدرت چانه‌زنی رژیم صهیونیستی در منطقه می‌شود؛ می‌تواند اهرم فشاری بر علیه کشورهای باشد که دشمن رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند (معین‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). با توجه به آنچه گفته شد چنین به نظر می‌رسد که رژیم صهیونیستی به دلیل عدم حمایت جدی آمریکا و اروپا از تشکیل دولت مستقل کرد و همچنین اولویت اول رژیم صهیونیستی در روابط با ترکیه، این کشور خواهان ادامه وضعیت کنونی در ارتباط با کردها و تداوم تنش در بین گروه‌های فرقه‌ای و قومی و کشورهای حامی آنان در منطقه و استفاده از عنصر کردها در معادلات آن باشد.

### ۳-۳. نقش قدرت‌های فرمانطقه‌ای در تحولات عراق

#### ۳-۳-۱. آمریکا

آمریکا بنا به دلایلی نتوانسته است سیاست واحد و منسجمی در قبال کردهای عراق به دلیل تضاد منافع خود در منطقه اتخاذ کند. از طرفی آمریکا با کمک به استقلال کردها در عراق، می‌تواند موقعیت رژیم صهیونیستی در منطقه را بهبود بخشیده و با استفاده از توان کردها و ایجاد ناامنی در منطقه حضور خود را تحکیم و منافعش را تأمین کند. اما از طرف دیگر حفظ توازن قوا در عراق میان گروه‌های سه‌گانه (کرد، شیعه و سنی)، نگرانی در خصوص قدرت‌گیری شیعیان در عراق و حضور و نفوذ برای مهار بازیگران رقیب و متعارض منطقه‌ای از دیگر منافع راهبردی اقلیم کردستان برای آمریکا هستند (حاتمی و سانیار، ۱۳۹۵: ۲۷۹). همچنین حمایت آمریکا از کردهای عراق سبب نارضایتی و شکاف میان آمریکا و متحد اصلی خود یعنی ترکیه خواهد شد. آمریکا در دو مقطع خاص سقوط صدام و ظهور داعش به کردستان عراق کمک ویژه کرده است. زیرا با حمایت آمریکا بود که کردها توانستند خودمختاری را کسب و در قدرت ملی عراق سهیم شوند و در قانون اساسی اختیارات ویژه کسب کنند. به نظر می‌رسد اگر قدرت‌گیری شیعیان عراق و به تبع آن نفوذ ایران در این کشور پس از صدام صورت نمی‌گرفت؛ سیاست‌های آمریکا به سمت دولت مرکزی قدرتمند پیش می‌رفت اما روند تحولات، آمریکا را به اتخاذ سیاست فدرالیسم در عراق مجبور کرد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت اساساً آمریکا موافق استقلال کردها نیست، زیرا پس از سقوط

صدام سیاست مبهم آمریکا در مقابل کردها به‌ویژه مقاومت آنها در برابر درخواست کردها برای الحاق منطقه نفت‌خیز کرکوک به کردستان، این گرایش را در میان کردها تقویت کرد که آمریکا هر جا مصلحت ببیند کردها را فدا می‌کند.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تلاش کردها در جهت کسب استقلال و تشکیل دولت مستقل کردی در دهه‌های گذشته در راستای آرمان کردی انجام شده است. شرایط این امر بعد از تحولات اخیر خاورمیانه در عراق فراهم شد. سقوط رژیم صدام و ظهور داعش در عراق، بسترهای لازم برای کردهای عراق فراهم کرد تا با استفاده از اختلاف‌های ایجاد شده در بین قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، ترکیه، سوریه و عربستان و ضعف دولت مرکزی در راستای کسب امتیازات ویژه در قالب خودمختاری و فدرالیسم گام بردارند. به‌موازات این شرایط، حمایت خاص آمریکا و اروپا از حکومت اقلیم عراق در مهار قدرت داعش و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای، سران اقلیم عراق را به سمت اعلام استقلال پیش برد. تحقیق حاضر تلاشی برای فهم چرایی اعلام استقلال و بررسی موانع و علل ناکامی فرایند استقلال صورت گرفته در اقلیم کردستان است.

حکومت اقلیم عراق در اعلام استقلال با چالش‌های متعددی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو بوده است. شرایط داخلی (مخالفت دولت، گروه‌ها و احزاب عراقی و درگیری احزاب کردی با همدیگر) شرایط منطقه‌ای (مخالفت ایران، ترکیه، سوریه و اعراب) شرایط فرامنطقه‌ای (عدم حمایت جدی آمریکا، اروپا و حتی روسیه) امکان تحقق استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد را در مقطع کنونی منتفی کرده است. همچنین باید توجه داشت با توجه به پذیرش قانون اساسی عراق از سوی اقلیم کردستان عراق و بهره‌مندی از مزایای آن توسط کردها، امکان جدایی و استقلال منتفی بوده و در صورت طرح چنین درخواستی از طرف سران اقلیم کردستان عراق، این امر باید در یک همه‌پرسی عمومی در کشور عراق مورد پذیرش تمام ساکنان آن قرار گیرد. تحولات پس از انتخابات اخیر عراق نیز اقلیم کردستان را مجموعه‌ای واقع در انسجام درونی و پایدار عراق معرفی می‌کند و نقش جمهوری اسلامی ایران را در این انسجام به رسمیت می‌شناسد.

## منابع و مآخذ

۱. ازغندی، علیرضا و صابر کرمی (۱۳۸۶). «خودگردانی و ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک در عراق»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، سال چهارم، ش ۷.
۲. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۵). «تشکیل دولت عراق»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۳۵.
۳. الیس، هادی (۱۳۸۶). «خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی، وزارت امور خارجه، تهران.
۴. براندون، جیمز (۱۳۸۸). «قنديل: پناهگاه شورشیان کرد»، ترجمه سیدموسی پورموسوی و جهانبخش رهنما، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۳.
۵. برنکاتی، داوود (۱۳۸۶). «آیا فدرالیسم به سامان سیاسی در عراق می‌انجامد؟»، ترجمه عبدالرضا همدانی، مجموعه مقالات سامان سیاسی در عراق جدید، به کوشش امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا و بهرام نصراللهی زاده (۱۳۹۱). «پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، ش ۲.
۷. ترابی، قاسم (۱۳۹۰). عراق در مسیر ثبات یا بی‌ثباتی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۸. حاتمی، محمدرضا و میکائیل سانیار (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی استقلال کردستان عراق و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور مرکز، تهران غرب.
۹. --- (۱۳۹۶). «همه‌پرسی اقلیم کردستان: منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۶.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۳.
۱۱. جنتی‌محب، فائزه (۱۳۹۱). «معادلات سیاسی اقلیم کردستان: با تمرکز بر نقش اسرائیل در تطویل معمای کرکوک»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال ۱۴، ش ۱.
۱۲. خالوزاده، سعید (۱۳۹۱). «حرکت کردهای سوریه به سوی خودمختاری»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.
۱۳. خسروی، علیرضا (۱۳۸۷). «افزایش حضور اسرائیل در عراق: استراتژی گسترش و نفوذ»، فصلنامه راهبرد، سال ۱۶، ش ۴۸.

۱۴. خطیب‌زاده، سعید (۱۳۸۱). «ترکیه و اسرائیل در تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی - سیاسی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، ش ۲.
۱۵. رفیع، حسین (۱۳۹۱). «موانع همگرایی ایران و ترکیه در آسیای میانه و قفقاز»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۵، ش ۱۰.
۱۶. روزبه، عبدالله و جواد کیانی (۱۳۹۵). «تحولات کردستان عراق و تأثیرات آن بر خاورمیانه»، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۷، ش ۲.
۱۷. رئوف، عادل (۱۳۷۷). «سیاست ترکیه در قبال شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس»، فصلنامه خاورمیانه، سال ۵، ش ۱.
۱۸. زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله‌پور (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۴.
۱۹. درویشی، فرهاد و علی محمدیان (۱۳۹۲). «بررسی سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بر منافع جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۳-۱۹۹۱»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۸۵.
۲۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶). *نظام بین‌الملل و مسئله صحرای عربی*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۱. سنبلی، نبی (۱۳۸۱). «سناریوهای پس از صدام»، نگاه، ش ۳۰.
۲۲. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸). *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، تهران، نشر سفیر.
۲۳. شیفر، شیمون (۱۳۸۶). *توپ برفی*، ترجمه محمود شمس، تهران، نشر رسا.
۲۴. عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰). «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۸، ش ۲.
۲۵. قزاز، رمزی (۱۳۸۱). *تحلیلی تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد (از اواخر سده ۱۹ تا میانه سده ۲۰)*، ترجمه مسعود ایزدی، آزاداندیشان تهران.
۲۶. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۷). «تحلیل ژئوپلیتیک تحولات کردستان عراق»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۲۰.
۲۷. --- (۱۳۸۹). *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)*، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.

۲۹. کوچرا، کریس (۱۳۷۲). جنبش ملی کرد، مترجم ابراهیم یونسی، تهران، نشر نگاه.
۳۰. محبی، اعظم (۱۳۹۲). «سیاست تعادلی اقلیم»، فصلنامه همشهری دیپلماتیک، ش ۷۵.
۳۱. محمدی، آیت (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی کرد، نشر پرسمان.
۳۲. محمدی، حمیدرضا، حسین خالدی و ندیمه سلیم نژاد (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، ش ۱.
۳۳. محمدی، علی اصغر (۱۳۸۷). «مسئله عراق»، همشهری دیپلماتیک، ش ۲۴.
۳۴. محمدیان، علی و قاسم ترابی (۱۳۹۴). «تبیین تأثیرات تحولات عراق بر اقلیم کردستان»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۷۲.
۳۵. مرادیان، محسن (۱۳۸۴). آشنایی با کشور ترکیه، ارتش جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران.
۳۶. معین‌الدینی، جواد (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۶ و ۲۵.
۳۷. ملاعمر، صالح (۱۳۸۰). بحران آفرینی/بر قدرت‌ها در کردستان عراق، تهران، نشر توکلی.
۳۸. مهری پور، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). «تحولات شمال عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۳۹. نصری، قدیر (۱۳۸۴). الگوی روش شناختی برای مطالعه جامعه‌شناسی قدرت (مورد: جمهوری عراق)، فصلنامه مطالعات راهبرد دفاعی، سال ۳، ش ۹.
۴۰. نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸). «جمعیت و امنیت: امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶.
۴۱. نوری‌اصل، احد (۱۳۹۵). اقلیم کردستان عراق در رویایی استقلال؛ موانع داخلی، تهران، اندیشکده راهبردی تبیین.
۴۲. واعظی، محمود (۱۳۸۷). «امنیت‌سازی در عراق بازیگران و رویکردها»، همشهری دیپلماتیک، ش ۲۴.
43. www.iraq-demographics-profile (2014).
44. <http://www.indexmundi.com/iraq/demographics-profile.html>.

# بررسی تطبیقی جایگاه رویه قضایی در نظام حقوقی ایران و فرانسه

جعفر جمشیدپور\*، غفور خونینی\*\* و فرهاد تجری\*\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۶	شماره صفحه: ۳۱۶-۲۹۵
------------------------	------------------------	------------------------	---------------------

اعتبار رویه قضایی در دو نظام حقوقی کامن لا و حقوق مدون متفاوت است. برخلاف نظام حقوقی کامن لا، جایگاه ممتاز قانون موضوعه در نظام حقوقی رومی - ژرمنی همواره سایر منابع را به حاشیه رانده است. مدت ها این تفکر در کشورهای گروه رومی - ژرمنی حاکم بود که فقط قانون می تواند در عالم حقوق؛ منشأ اثر باشد و به ایجاد قواعد حقوقی بپردازد و قانون را لازمه دموکراسی و حفظ حقوق آزادی های فردی در جامعه می دانستند، چرا که نمایندگان ملت حق وضع قوانین و مقررات را داشتند و در این میان دستگاه قضایی تنها، مجری این مقررات بود. اما گروهی از حقوق دانان تأثیر و نفوذ معنوی و سهم رویه قضایی را در تحول حقوق را چنان می شمارند که رویه را قاعده ساز می دانند، اما همچنان به دلایل گوناگون عده ای آن را از منابع حقوق نمی شمارند. در این مقاله ضمن بررسی ادله معتقدین به هر یک از نظرات فوق، در حقوق ایران، نظر برگزیده آن است که رویه قضایی در مفهوم عام، قاعده ای نوعی را ایجاد می کند که رعایت آن برای دادگاه الزامی نانوشته به همراه دارد و باید آن را جزئی از منابع حقوق دانست.

**کلیدواژه ها:** رویه قضایی؛ منابع حقوق؛ تفکیک قوا؛ اعتبار امر مختومه

---

\* دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛

Email: jafarpour@khu.ac.ir

\*\* دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی؛

Email: ghkhoeini@khu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی؛

Email: farhadtajary@yahoo.com

## مقدمه

رویه قضایی<sup>۱</sup> به مفهوم عام عبارت از است سیاست و روشی کلی که دادگاه‌ها به‌عنوان مرجع رسمی تظلمات در مقام حل و فصل اختلاف‌ها و رسیدگی به دعاوی در پیش می‌گیرند و به معنای خاص مجموعه‌ای همسان از قواعد الزام‌آوری است که مراجع قضایی در موارد مشابه اعمال می‌کنند. این قواعد اغلب مورد استفاده و استناد قضات، وکلا و علمای حقوق واقع می‌شود (اعتدال، ۱۳۷۹: ۱۰). اصطلاح رویه قضایی اگر بدون قید و به‌طور مطلق استعمال شود، مجموعه‌ای از آرای قضایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۴۹) که در معنای خاص همان آرای وحدت رویه است. به تعبیر یکی از جامعه‌شناسان حقوق، اقدام دادگاه‌ها در صدور آرای عادی، «حقوق یابی»<sup>۲</sup> و در صدور آرای وحدت رویه، «حقوق سازی»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود (Weber, 1978: 44).

اما آنچه در این مقاله مدنظر است مفهوم عام رویه قضایی است که در مطالعه حاضر از آن با عنوان رسم متداول دادگاه‌ها یاد شده است و منظور شکل کلی تصمیم مکرر قضایی است که در موارد مشابه به لحاظ الزام معنوی، مبنای حکم مرجع قضایی قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup> هم در نظام‌های حقوقی نوشته همچون فرانسه که تکیه عمده‌ای بر مقررات نوشته دارند (Carbonnier, 1991: 194)، و هم در نظام‌های حقوقی کامن‌لا مانند انگلستان که رویه قضایی جایگاهی برتر در ایجاد قواعد حقوقی دارد، آرای محاکم و رویه قضایی محمل اصلی شناخت نظام‌های

۱. در زبان انگلیسی، «رویه قضایی» با کلمه «Case Law» مشخص می‌شود که به معنای حقوق موارد است (Ghestin, 1997: 783). رویه قضایی در زبان فرانسه با کلمه «la Jurisprudence» بیان شده است. و در عربی به رویه «السابقه القضائیه» گفته می‌شود (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۳۱).

2. Law-Finding

3. Law-Making

۴. در میان حقوقدانان تعاریف مختلفی از رویه قضایی ارائه شده است که به نمونه‌هایی از آن در ذیل اشاره می‌شود: - «به مفهوم فنی کلمه، رویه قضایی راه‌حلی است که به‌طور معمول دادگاه‌ها در برخورد با یک مسئله حقوقی ارائه می‌کنند» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۴۴).

- «رویه قضایی در کشور عبارت از روش و طریقه‌ای است که قضات و دادگاه‌ها در حل و فصل دعاوی و اختلافات مردم به‌خصوص در مواردی که قوانین کشور مبهم، مجمل یا ساکت و ناقص باشد اتخاذ می‌کنند» (جوان، ۱۳۳۶: ۳۶). - «در نظام حقوقی ایران رویه قضایی به نوعی از تصمیمات دیوان عالی کشور اطلاق می‌شود که برای دادگاه‌های مادون لازم‌الاتباع باشند و عدم رعایت آنها از طرف محاکم دادگستری موجب نقض حکم شود» (پورسرتیپ، ۱۳۵۷: ۴۰).



حقوق محسوب می‌شود. استخراج و انتشار آرای محاکم و رویه قضایی در انگلستان سابقه‌ای طولانی مدت دارد و در فرانسه، به‌رغم آنکه همچون ایران قانون منبع اصلی حقوق محسوب می‌شود، این امر از حدود دو‌یست سال پیش به‌طور منسجم انجام شده است (Jestaz, 2005: 47). مطالعه این نظام‌های حقوقی بیانگر آن است که انتشار و شناخت رویه قضایی و مباحث علمی که در این نظام‌ها صورت گرفته است، منشأ اصلی تحولات حقوق در چند قرن اخیر بوده است (بابایی، ۱۳۹۲: ۹).

حقوق در همه کشورها دارای منابع متعددی است که این منابع سرچشمه نظام حقوقی آن کشور محسوب می‌شود. در ایران قانون، عرف و دکترین به‌عنوان منابع حقوق شناخته شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۸۱؛ جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۳۵) اما رتبه و جایگاه هر یک متفاوت است. پرسشی که در زمینه منابع حقوق مطرح می‌شود این است که رویه قضایی از منابع حقوق محسوب می‌شود یا خیر؟<sup>۱</sup> در پاسخ به این پرسش اتفاق نظر وجود ندارد، برخی مؤلفین به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند و نظر خود را با توجه به اصل تفکیک قوا و نیز قاعده‌ای که مطابق آن قاضی از صدور حکم کلی ممنوع است، توجیه می‌کنند (ژی، ۱۳۷۸: ۶۹). برخلاف این گروه دسته دیگری از حقوق دانان معتقدند که نه تنها هیچ‌یک از اصول حقوق موضوعه مانعی برای محسوب شدن رویه قضایی به‌عنوان یک منبع حقوق نیست، بلکه با دقت نظر در برخی قوانین به خوبی مشاهده می‌شود که قواعد رویه‌ای امری شناخته شده‌اند (Maury, 1950: 30) با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران متأثر از حقوق فرانسه شکل گرفته است برای تعیین این قضیه که رویه قضایی جزئی از منابع علم حقوق است یا خیر به تبیین نظرات مطروح شده به نحو تطبیقی می‌پردازیم و در ابتدا نیز دلایل مخالفان را بررسی خواهیم کرد.

### ۱. دلایل مخالفت با منبع حقوق بودن رویه قضایی

برخی از حقوق دانان تأثیر رویه قضایی را در تحول حقوق انکار نمی‌کنند، اما آن را در عداد منابع حقوق نمی‌دانند (خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۱۸۱؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۲؛ Geny, 1919: 146). دلایل و توجیهاات آنها را به دو دسته قانونی و سیاسی می‌توان تقسیم کرد.

۱. بخش استدلالی و نه بخش استنادی رویه مدنظر این مقاله است.

## ۱-۱. توجیه قانونی

دلایل قانونی گروه مخالف با منبع بودن رویه قضایی به قرار ذیل است:

### ۱-۱-۱. اصل تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا که در حقوق ایران و فرانسه (Hondius, 2007: 9) وجود دارد بیانگر جدایی نهاد قانونگذار و مجری قانون است. در اصل (۵۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین مقرر شده است:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون، اعمال می‌شود. این قوا مستقل از یکدیگرند».

اصل تفکیک قوا که از اصل فوق استنباط می‌شود از جمله دلایلی است که گروه مخالف به آن استناد می‌کنند. در فرانسه نیز طبق اصل تفکیک قوا «قوه قضائیه مجاز به دخالت در زمینه قانونگذاری» نیست (Jestaz, 2005: 47; Geny, 1919: 146; Fierro, 2003: 117). این اصل در ماده (۱) اعلامیه «حقوق بشر و شهروند» فرانسه که در ۲۶ اوت سال ۱۷۸۹ به تصویب مجمع ملی رسیده است آمده است<sup>۲</sup> (Tainsne and Précité, 2000: 59 - 60). اگر بخواهیم توضیح مختصری درباره این اصل بدهیم بهتر است که به عقیده ارسطو در این باره اشاره کنیم. «وی معتقد است افرادی که قدرت سیاسی جامعه را در اختیار دارند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. قوه مقننه که قوانین و مقررات کلی مربوط به نیازهای جامعه را وضع می‌کند و افراد جامعه مکلف‌اند اعمال خود را با قواعد مزبور وفق دهند.
۲. قوه مجریه انطباق قوانین را با موارد خاص و اجرای آنها را به عهده دارد.

۱. اصل (۳۴) قانون اساسی فرانسه.

2. Sensibles à la théorie de Montesquieu dite de la séparation des pouvoirs, les révolutionnaires ont voulu cantonner le pouvoir judiciaire dont ils se méfiaient par expérience (Jean-Jaques Tainsne, Institutions judiciaires, 7 édition, Dalloz, 2000).

۰۳. قوه قضائیه وظیفه دارد اولاً، هر روشی را که قوه مجریه برای انجام مسئولیت‌های خود در پیش گرفته است مورد رسیدگی و اظهارنظر قرار دهد و ثانیاً اختلاف میان افراد و همین‌طور دعاوی میان افراد و دولت را دادرسی و اختلاف آنها را حل و فصل کند» (بوشهری، ۱۳۸۹: ۹۸).

به عقیده مخالفان با توجه به اصل استقلال قوا، قوه قضائیه مأمور «اجرای قانون» است و نباید در «ایجاد قواعد حقوقی» شرکت کند و در نتیجه روبه قضایی ساخته شده از طریق آرای قضات در سیستم قضایی نمی‌تواند جزء منابع حقوق به‌عنوان منبع ایجادکننده قواعد حقوقی قرار گیرد (خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۸۳).

#### ۲-۱-۱. لزوم صدور حکم به‌طور خاص و اجتناب از صدور قاعده عام

از دلائل دیگری که از سوی مخالفان مورد استناد قرار گرفته قاعده‌ای است که در ماده (۴) قانون آیین دادرسی مدنی ایران به آن اشاره شده است: «دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به‌طور خاص تعیین تکلیف کنند و نباید به‌صورت عام و کلی حکم صادر کنند».

همان‌طور که از اصطلاح کلی بودن مذکور در این ماده برداشت می‌شود، حکم دادگاه باید ناظر به فرد خاص باشد نه اینکه هر کسی و هر موردی را که دارای آن وصف خاص است، دربرگیرد (همان: ۸۲). حکم دارای کلیت نمی‌تواند باشد چرا که کلیت، وصف و ویژگی قاعده حقوقی است، یعنی این قاعده حقوقی است که بر تعداد نامعینی از اعمال و وقایع مشابه خارجی حکومت می‌کند. درست مثل قاعده فقهی درعین حال که مقید به فرد یا اشخاص معین نیست، شامل چندین موضوع نیز می‌شود. برعکس مسئله فقهی یا حقوقی که ناظر به رابطه خاص، افراد معین و مقید به اشخاص است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۵۷ به بعد).

گروه مخالفان همچنین استدلال می‌کنند که با استناد به رأی صادره از یک دادگاه نمی‌توان همه مشکلات مشابه را به نحو مشابهی حل و فصل کرد. اصل (۵۷ ق.ا) نیز در راستای اصل تفکیک قوا وضع شده است که مطابق آن، دخالت هر یک از قوا در وظایف یکدیگر ممنوع است. بنابراین براساس اصل مزبور دادگاه حق صدور رأی که اعتبار قانونی داشته باشد را ندارد و نمی‌تواند رقیب قانونگذار محسوب شود. درست مانند ماده (۵) قانون مدنی فرانسه که

دادرس را از صدور حکم کلی یا نظامنامه‌ای برحذر می‌دارد که بیانگر تعبیر خاصی از اصل تفکیک قواست (Maury, 1950: 29; Geny, 1919: 149; Rotolo, 2005: 174).

### ۳-۱-۱. قاعده اعتبار امر قضاوت شده

مخالفان در اثبات نظر خود درباره منبع نبودن رویه قضایی به بند «۶» ماده (۸۴) قانون آیین دادرسی مدنی نیز توسل جسته‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۴). در این ماده چنین مقرر شده است: «در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوی ایراد کند... بند «۶» دعوای طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آن هستند رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد».

از این ماده قاعده اعتبار امر قضاوت شده یا اعتبار امر مختومه استنباط می‌شود. این قاعده یکی از مهمترین آثار حکم و شاید بتوان گفت خصوصیت اصلی حکم قضایی است. مطابق این قاعده، رأی صادره در یک پرونده فقط در خصوص طرفین دعوا و در موضوع رسیدگی شده و با همان سبب اعتبار دارد (نیازی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

در واقع شرایط شمول اعتبار امر قضاوت شده عبارتند از وحدت موضوع، وحدت سبب و وحدت اصحاب دعوا. البته باید در نظر داشت که اعتبار امر قضاوت شده و نسبی بودن اثر رأی منحصر به اصحاب دعواست، اما رأی قابل استناد علیه ثالث نیز هست. یعنی شخص ثالثی که حکم بدون مشارکت او صادر شده نمی‌تواند حکم را نادیده بگیرد (شمس، ۱۳۸۱: ۲۸۹-۲۸۰؛ کانونزبان، ۱۳۷۶: ۲۰۲؛ خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۸۴).

گروه مخالفین با توجه به این قاعده؛ به نسبی بودن اعتبار رأی دادگاه اعتقاد دارند. به این صورت که رأی فقط در همان دعوا و بین همان اشخاصی که در دادرسی شرکت داشته‌اند ایجاد الزام می‌کند، بنابراین از طریق تصمیمات قضایی، قاعده کلی به وجود نمی‌آید (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۳۷).

در واقع قواعدی هم که از این آرا استخراج می‌شود صفات قواعد حقوقی را ندارد، زیرا در برابر عموم ضمانت اجرایی ندارد و جز دو طرف دعوا شخص دیگری ناگزیر به اطاعت از آن نیست. اصحاب این گروه معتقدند رویه قضایی نیز از حکم تشکیل می‌شود، چون اعتبار حکم

نسبی و محدود به دعوی خاص است پس روش‌های مرسوم بین محاکم را نیز نمی‌توان موجود قواعد حقوق شمرد (تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۷-۵۲).  
ماده مشابهی در این باره در حقوق فرانسه وجود دارد. مطابق ماده (۱۳۵۱) قانون مدنی فرانسه رأی صادره در یک پرونده فقط در رابطه با طرفین دعوا و موضوع رسیدگی شده و به همان سبب اعتبار دارد (Hadfield, 2006: 1) که مستند معتقدین به این نظر در فرانسه است (Aubry and Rau, 1949: 39).

#### ۴-۱-۱. وظیفه دادرسی در انطباق هر مورد خاص با قانون

اصل (۱۷۰) قانون اساسی ایران مقرر داشته است: «قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی با خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».

با توجه به اینکه اصل فوق، دادرسی را به هنگام برخورد با تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های معارض با شرع و قانون مکلف به خودداری از اجرا دانسته، در واقع دادرسی را به نوعی مکلف به دفاع از حریم قانون و نگهبانی از اجرای آن در برابر تجاوز قوه مجریه دانسته است.

در حقیقت قاضی به موجب قانون مکلف به انطباق هر مورد خاص و جزئی با روح و مفاد قوانین است و در مرحله بالاتر نیز قضات دیوان عالی کشور این هدف را تأمین می‌کنند که اگر قضات بدوی رأی مخالف قانون صادر کردند آن را نقض می‌کنند. به گفته یکی از حقوق‌دانان قانون ایجاد شده به وسیله قضات نوعی ایجاد قاعده از پایین به بالا و قانونگذاری قوه مقننه از بالا به پایین است (Rachlinski, 2006: 3).

به عبارت دیگر در اصل (۱۶۱ ق.ا) نیز به رسالت اصلی دیوان عالی کشور در رابطه با نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم اشاره شده است که دیوان با نقض رأی دادگاه تالی عملاً اعمال نظارت می‌کند (شمس، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

بنابراین گروه مخالف چنین استدلال کرده‌اند که دیوان عالی هیچ‌گاه حکمی را به دلیل

تجاوز از رویه قضایی نقض نکرده است و به این ترتیب رویه قضایی نمی‌تواند به عنوان موجد قاعده حقوقی و در ردیف قانون قرار گیرد (خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۸۴).

## ۱-۲. مصالح عملی و توجیه سیاسی

دلیل دیگر مخالفان، مصالح عملی است. دلایل و مصالح عملی که مخالفان در رابطه با منبع نبودن رویه قضایی به آن استناد کرده‌اند به شرح ذیل است.

### ۱-۲-۱. گند بودن رویه قضایی

یکی دیگر از استدلال‌های مخالفان آن است که روند تکوین رویه قضایی بسیار کند و مستلزم گذشت زمان و نیازمند دو عامل تکرار و طول زمان است (تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۶). به طوری که تکرار از بارزترین عناصر تشکیل دهنده آن برشمرده شد و از این جهت شکل‌گیری رویه قضایی درست همانند عرف است اما اعتبار عرف را ندارد زیرا رویه قضایی زاده اندیشه‌های متخصصان قضایی و عادات آنهاست و ریشه عامیانه ندارد در حالی که عرف به قواعد حقوقی گفته می‌شود که بدون دخالت قانونگذار به وسیله استخراج از وقایع اجتماعی شکل گرفته و در حقیقت عبارت از «مصادیق اصول بنیادی حقوقی جامعه است که توسط اشخاص برای تنظیم بخشی از روابط اجتماعی بنا به نیاز اجتماعی و ضرورت برگزیده شده است» (سلجوقی، ۱۳۴۷: ۵۲). بنابراین رویه قضایی نمی‌تواند همتراز با این منبع رسمی حقوق قرار گیرد.

### ۱-۲-۲. عدم قطعیت رویه قضایی

توجیه دیگری که در این راستا مخالفان به آن تمسک جسته‌اند، قطعی نبودن رویه قضایی است. به این معنا که با گذشت زمان و تغییر و تحولات اجتماعی همواره تغییر رویه قضایی امکان پذیر است زیرا همواره رویه قضایی ممکن است در معرض تغییر و اصلاح قرار گیرد و این امکان نیز وجود دارد که در مورد یک مسئله خاص رویه واحدی شکل نگیرد. از طرفی گاهی قانونی در مورد موضوع مربوط به رویه قضایی وضع می‌شود و این امر باعث می‌شود اثری از آن رویه باقی نماند (محمدزاده و ادقانی، ۱۳۷۶: ۴۷: ۷۲۳، Stark, 1988).

در نهایت مخالفان، همین عدم قطعیت را موجب ناامنی در روابط حقوقی مردم دانسته‌اند و آن را به‌عنوان یکی از دلایل مهم مخالفت خود بیان کرده‌اند. شاید بتوان علت نامگذاری مصالح عملی و توجیه سیاسی به‌عنوان دسته دوم دلایل مخالفان را همین عامل دانست (Sales, 2012: 278).

### ۳-۲-۱. اثر قهقرایی رویه قضایی

دلیل آخری که مخالفان به آن استناد کرده‌اند، اثر قهقرایی رویه قضایی است. به این معنا که رویه قضایی در خصوص واقعه قبلی مقدم بر زمان وضع قاعده رویه‌ای نیز اعمال می‌شود در حالی که قانون به‌عنوان منبع موجد قاعده حقوقی، اثرش نسبت به آتیه و عدم تأثیر آن نسبت به گذشته پذیرفته شده است که این اصل در ماده (۴) قانون مدنی به صراحت بیان شده است ولی رویه قضایی با توجه به اینکه تفسیری از قانون است و عامل «ضرورت تفسیر» جزء عوامل اصلی شکل‌گیری آن است؛ به‌دلیل همین خصوصیت اثر آن به گذشته نیز سرایت می‌کند. بنابراین مخالفان با توجه به همین خصوصیت رویه قضایی آن را به‌عنوان منبع حقوقی موجد قواعد حقوقی نپذیرفته‌اند (Stark, 1988: 723؛ محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۴۷؛ خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۸۷).

بنابراین به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان چنین اذعان داشت که مخالفان در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، رویه قضایی را به‌عنوان منبع موجد قاعده حقوقی به معنای مرسوم خود که پیش از این توضیح داده شد، محسوب نمی‌کنند و معتقدند برای آنکه رویه قضایی دارای اعتبار قاعده حقوقی شود نیاز به قانون الزام‌آوری در این زمینه دارد در حالی که برای قضاات الزامی در تبعیت از آرای صادره قبلی وجود ندارد همچنان که هیچ قاعده‌ای نیست که مطابق آن قاضی ملزم به تبعیت از رویه قضایی شود، به جز موارد استثنا که در حقوق ایران رأی وحدت رویه است و در حقوق فرانسه، رسیدگی دادگاه ماهوی پس از ارجاع هیئت عمومی دیوان به آن دادگاه مطابق قانون شماره ۵۲۳-۶۷ مورخ سوم ژوئیه ۱۹۶۷ (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۶۴؛ خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۸۷).

### ۲. رد نظر مخالفان

برخی از حقوق دانان با قرار دادن رویه قضایی در میان منابع موجد قواعد حقوقی موافقت

کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۸۹؛ ۲۸: 1950: Maury) در این باره نظر عده‌ای از حقوق دانان فرانسوی که موافق با این مسئله هستند خالی از فایده نیست.

به‌عنوان نمونه بارتن<sup>۱</sup> فرانسوی در سال ۱۹۸۲ نوشته است: «نقش قاضی فقط به یک مفسر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به‌طور واقعی در شکل‌گیری و تحول قانون مدنی شرکت دارد»<sup>۲</sup>.

رئیس دیوان تمییز فرانسه نیز به این مسئله معتقد است، زمانی که متن قانون مبهم است قاضی دارای گسترده‌ترین اختیارات برای تفسیر است و نباید در جستجوی اینکه فکر نویسندگان قانون در صد سال پیش به هنگام نوشتن فلان ماده چه بوده است، مصر باشد، بلکه باید خود بگوید که با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی چگونه متن قانون را با مقتضیات زندگی جدید هماهنگ کند (دیوید، ۱۳۷۵: ۱۱۲؛ 39: Ibid.).

موافقان تلقی رویه قضایی به‌عنوان منبعی از حقوق، در موضع‌گیری خود ابتدا به رد توجیهات و استدلال‌های مخالفین پرداخته‌اند و بعد دلایل خود را ارائه می‌دهند. بنابراین در ادامه ابتدا دلایل ارائه شده از سوی آنها در رد استدلال مخالفان بررسی می‌شود و سپس به مطالعه استدلال این گروه در خصوص منبع بودن رویه قضایی پرداخته شده است.

## ۱-۲. اصل تفکیک قوا اصلی مطلق نیست

در جوامعی که این اصل پذیرفته شده است، تعیین مرز مشخصی برای هر یک از این سه قوه دشوار است. حتی در قانون اساسی ایران نیز به‌رغم پذیرش اصل تفکیک قوا بر ضرورت همکاری و ارتباط متقابل میان آنها برای تأمین اهداف کلی نظام تأکید شده است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۵). به‌عنوان مثال اصل (۱۶۱) چنین مقرر داشته است:

«دیوان عالی به‌منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌شود».

شناسایی اختیار ایجاد رأی وحدت رویه برای دیوان عالی نوعی دخالت قوه

1. Bartn

2. Encyclopedie Dalloz, Jurisprudence, No. 27



قضائیه در اختیارات قوه مقننه است و با اصل (۱۳۸) قانون اساسی، برای هیئت دولت علاوه بر اجرای قوانین، حق وضع مقرراتی در قالب تصویب نامه و آیین نامه را قائل شده است.

موافقان با توجه به نسبی بودن اصل تفکیک قوا، دادرس را از قانونگذاری به صورت وضع قانون و آیین نامه ممنوع دانسته اند و معتقدند این مسئله ربطی به وضع قاعده از طریق رویه قضایی پایدار ندارد.

## ۲-۲. استقلال رویه قضایی از دادنامه ای واحد

درست است که ماده (۴) قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه ها را مکلف کرده که در مورد هر دعوا به صورت خاص تعیین تکلیف و به صورت عام و کلی حکم صادر کنند و براساس اصل (۱۶۷) قانون اساسی که قاضی را مکلف کرده حکم هر دعوا را به صورت موردی با استفاده از قانون یا منابع دیگر بیابد ولی باید گفت که رویه قضایی دارای موجودیتی مستقل از رأی است و ممنوعیت های رأی را نمی توان برای آن هم قائل شد (Hadfield, 2006: 3).

در واقع قضات اختیار وضع قاعده به شکل کلی از طریق رویه قضایی را دارند و فقط حق صدور رأی کلی را ندارند همچنان که در ماده (۵) قانون مدنی فرانسه نیز قاضی از صدور آرای که جنبه کلی و نظام نامه ای دارند منع شده ولی نکته مهم اینکه این امر از قواعد رویه ای که دارای کلیت هستند کاملاً متمایز است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۷۰).

## ۲-۳. پویایی رویه قضایی نسبت به قانون

بی شک رأی قضایی، پویاتر از قانون است. اگرچه تغییر قانون در برخورد با پدیده های نو در هر نظام حقوقی اتفاق می افتد؛ اما حقوق دانان به طور محسوس و تدریجی در نظام حقوقی تحولاتی جدی را شاهدند، امری که بی گمان باید به تغییر در دیگر منابع حقوقی غیر از قانون تفسیر شود (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

به عبارت دیگر قضایای جدید که علی الدوام در حقوق ساخته می شود اتفاقاً گزاره های قانونی نیستند، بلکه آرای قضایی و نظریه های جدیدند که به رغم ثبات ظاهری قانون،

هر روز عرضه و عوض می‌شوند و در اصطلاح نیکلاس لومان<sup>۱</sup>، به تحول نظام «خودایجادگر» حقوق که مستغنا از دیگر نظام‌هاست یاری می‌رسانند. پس تغییر در رویه قضایی به ضرورت، سریع‌تر از تغییر در قانون اتفاق می‌افتد (Luhmann, 1988: 324-325). اصل (۳) قانون اساسی، حاکمیت را موظف به تلاش برای رسیدن به اموری همچون آزادی و آموزش می‌داند، که رسیدن به آنها در گرو داشتن قانونی درست است. اما اگر مجلس نگران تصویب چنین قانونی نباشد، آنگاه چگونه می‌توان با او مواجه کرد؟ (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۴۴).

### ۳. دلایل موافقان منبع حقوق بودن رویه قضایی

با توجه به رد نظر مخالفان، به بررسی استدلال‌های گروه موافق در رابطه با تلقی رویه قضایی به عنوان منبع موجد قواعد حقوقی می‌پردازیم.

#### ۳-۱. ادله قانونی

اولین دلیلی که با تکیه بر قانون موافقان به آن استناد کرده‌اند و هم در میان حقوق دانان ایران و هم در فرانسه پذیرفته شده بدین شرح است: «به‌رغم اینکه در مواد قانون صراحتاً به قضات اختیار وضع قاعده حقوقی داده نشده است ولی وجود ابهامات و نواقص در قانون در واقع به نوعی، اعطای نمایندگی به قاضی از سوی قانونگذار است که به تکمیل قواعد حقوقی از طریق رویه قضایی بپردازد. در حقیقت این نمایندگی اقتضای ایجاد قاعده حقوقی توسط قضات را می‌کند» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۵؛ جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۴۱).

اما عده‌ای دیگر از حقوق دانان در ایران و در فرانسه به مخالفت با این دلیل پرداخته‌اند و اعطای نمایندگی ضمنی را به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرند و آن را با اصول حقوق سازگار نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۶۰). از سویی برخی از حقوق دانان فرانسه از جمله والین<sup>۲</sup> معتقد است که اقتدار رویه قضایی را نمی‌توان با توسل به قانون توجیه کرد و تا زمانی که خود قانونگذار صراحتاً از طریق قانون، قاعده ناشی از رویه قضایی

1. Niklas Luhmann

2. Waline

را دارای ارزش رسمی قلمداد نکند، باید آن را فقط در حد یک قاعده رویه‌ای ساده پذیرفت (ژی، ۱۳۷۸: ۷۷).

در حقوق ایران منتقدان به این نظریه به اصل (۸۵) قانون اساسی استناد کرده‌اند که چنین مقرر داشته است: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست و مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع برخی از قوانین را به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند...». اما وقتی قانونگذار درباره موضوعی سکوت دارد و محاکم قاعده‌ای ایجاد می‌کنند و قانونگذار واکنشی ندارد این سکوت را می‌توان به منزله تأیید آن قاعده دانست (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۴۱). به همین دلیل ماده (۴) قانون مدنی فرانسه، قاضی‌ها را مکلف می‌کند که به بهانه سکوت و ابهام از اعمال قانون نگریزند، و آن را هر بار به قانونگذار حواله نکنند. امری که در ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز دیده شده است (همان: ۵۴).

### ۲-۳. توجیه خارج از قانون

گروهی که با قرار دادن رویه قضایی در میان منابع حقوق موافقت می‌کنند استدلال دوم خود را بر دلایلی خارج از قانون استوار کرده‌اند، به این معنا که برخلاف دلیل اول که اقتدار رویه قضایی را ناشی از اعطای نمایندگی قانونگذار به قضات می‌دانستند و آن را با تکیه بر قانون به عنوان یک منبع حقوق توجیه می‌کردند، در استدلال دوم تکیه بر دلایلی خارج از قانون دارند.

اولین دلیل این گروه در توجیه کردن رویه قضایی «عرف» است. با این استدلال که عرف دارای اساس و مبنایی عملی است و نه قانونی؛ زیرا بر اثر تکرار یک سلسله اعمال تا حدی که موجب ایجاد رویه مداوم در روابط اجتماعی شود، شکل می‌گیرد و تکرار این عمل معین ایجاد قاعده حقوقی می‌کند (علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۷).

بنابراین عرف که قاعده‌ای حقوقی است، مبنا و ریشه‌ای خارج از قانون دارد. این گروه با توجه به اهمیت انکارناپذیر وجود عرف به دلیل اینکه قانونگذار قادر به پیش‌بینی تمامی مسائل و واقعیت‌های اجتماعی در قانون نیست، دلیل خود را معتبر می‌دانند. عرف

به‌عنوان یک دلیل خارج از قانون در توجیه رویه قضایی هم در حقوق فرانسه و هم در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۵۳).

نظر اُبرن<sup>۱</sup> یکی از نویسندگان فرانسوی این است که رویه قضایی پایدار که در کنار عرف و عادت قرار می‌گیرد عبارت است از صدور تصمیمات متعدد موافق و همسو؛ یعنی نظری متحدالشکل از طرف تمام قضاتی که در مسئله مطروح شده اظهار نظر کرده باشند (ژی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۶؛ Maury, 1950: 35).

در حقوق ایران نیز عده‌ای از حقوق دانان نظر خود را چنین توجیه می‌کنند: وقتی رسم مشترک و متداول دادگاه‌ها از طرف همه حقوق دانان مورد قبول واقع شود، آن آرا و احکام به‌صورت عرف و عادت مسلم درمی‌آید. به همین دلیل گفته‌اند رویه قضایی قواعدی است که از سازمان‌های حقوقی و از اجتماع برگرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۴۸؛ جعفری‌تبار، ۱۳۹۶: ۴۵).

البته انتقاد وارد بر توجیه این گروه این است که در صورتی که اعتبار قواعد و رویه‌ای را براساس عرف بدانیم آرای نوعی هیئت عمومی دیوان عالی کشور چگونه قابل توجیه است زیرا که قواعد حقوقی مندرج در این‌گونه آرا از طریق رأی واحد دیوان عالی ایجاد می‌شود. دلایل دیگر این گروه تفسیر قانون است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

در حقوق ایران اصل (۱۶۷) قانون اساسی قضات را موظف به صدور حکم در مورد هر پرونده‌ای حتی در موارد ابهام و اجمال و نقص قانون دانسته و اصل (۷۳) قانون اساسی برای وصول به این هدف حق تفسیر را برای قضات قائل شده است.

استدلال این گروه چنین است که با توجه به اصل تساوی حقوقی افراد در برابر قانون در مواردی که قانون مبهم است و آن قسمت از قانون محل رجوع دعاوی افراد مختلف است و با توجه به پیش‌بینی که افراد برای تأمین امنیت روابط حقوقی در نظر داشته‌اند و اصل تساوی آنها در برابر قانون چنین انتظار دارند که در صورت طرح دعاوی مشابه، با راه‌حل‌های مشابه نیز مواجه شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۸۹).

با تکرار راه حل‌های مشابه به تدریج نوعی امنیت حقوقی در آن زمینه به وجود می‌آید

و به تدریج قاعده حقوقی شکل می‌گیرد و سوابق، با تکرار، حالت عمومیت و کلیت پیدا می‌کنند تا حدی که اصطلاحاً گفته می‌شود رویه قضایی پایدار شکل گرفته است (خسروی دهقی، ۱۳۸۶: ۹۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۸).

در نظر گرفتن چنین حقی برای قضات در نظام حقوقی ما آن هم توسط عالی‌ترین قانون و همین‌طور پیش‌بینی یک دادگاه عالی ناظر بر تمامی محاکم تالی به‌منظور ایجاد وحدت تمامی این تفاسیر، دلیل محکمی برای گروه موافق محسوب می‌شود. حقوق دانان نیز در نظام قضایی فرانسه که از جمله آنها گستن<sup>۱</sup> است، اقتدار رویه قضایی را ناشی از اختیار قضات در تفسیر قانون دانسته‌اند و همین‌طور ناشی از اختیار یا تکلیفی که دیوان عالی در وحدت این تفاسیر دارد (Ghestin, 1997).

در فرانسه یکی از دلایل تشکیل دیوان عالی در دسامبر ۱۷۹۰ را ایجاد وحدت رویه دانسته‌اند اما این وحدت رویه به شکلی ساختاری ایجاد می‌شود نه به طریق تحمیلی. به‌عبارت‌دیگر از آنجاکه بسیاری از پرونده‌ها در فرانسه به ضرورت به مرحله فرجام می‌رسند؛ دیوان عالی می‌تواند شیوه تفسیری دادرسان دادگاه‌های بدوی را از قانون نپسندد و در آن اعمال نظر کند. اما دیوان عالی فرانسه همچون دیوان عالی ایران هرگز رأی وحدت رویه‌ای صادر نمی‌کند که تمام دادگاه‌ها ملزم به پیروی از آن باشند. فقط براساس قانون ۱۵ مه ۱۹۹۱ دادرسان فرانسوی می‌توانند در مسائل غامض، نظر مشورتی دیوان عالی را بخواهند اما آنان می‌توانند خودشان برخلاف نظر مشورتی رأی دهند. البته رشته‌های مسئولیت مدنی و حقوق بین‌المللی خصوصی در حقوق این کشور اساساً رویه‌ای است (Fierro, 2003: 117).

اما در ایران، اثر رأی وحدت رویه دیوان عالی لزوم تبعیت دیگر دادگاه‌ها از آن است؛ امری که در دیگر نظام‌های حقوقی شاید بی‌سابقه باشد و حتی ممکن است بتوان گفت که این اثر، به بالاترین دادگاه ایران شأنی نظیر شأن قانونگذاری بخشیده است. آرای وحدت رویه از آنجاکه کلی و نوعی‌اند می‌توانند به خوبی قسیم قانون قرار گیرند و به این ترتیب یکی از

---

1. Ghestin

ارکان قوه قضائیه یعنی دیوان عالی کشور، به نظر می‌رسد که بتواند به این طریق قانونگذاری کند. آرای وحدت رویه هرگز رویه شکل گرفته دیگر دادگاه‌ها را بیان نمی‌کنند، بلکه خود برای آینده دادگاه‌ها می‌توانند رویه‌ای مشخص را تکلیف کنند. از این رو رأی وحدت رویه قضایی را در ایران باید گونه‌ای از قانونگذاری قضایی رایج در کامن‌لا دانست. (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۵۱) دلیل منزلت پایین رویه قضایی در نظام حقوقی ایران بیش از آنکه در عوامل اداری و اجرایی مانند عدم انتشار منظم آرای قضایی یا نقص در نظام آموزشی باشد ناشی از نوع نگاه ارزشی به این منبع مهم حقوق است (علیزاده، ۱۳۹۳: ۷۸).

#### ۴. نظر برگزیده

امروزه اکثریت حقوق دانان کم‌وبیش پذیرفته‌اند که رویه قضایی منبعی حقوقی است اما در توجیه رویه قضایی به عنوان منبعی رسمی از حقوق، نظری که مورد اتفاق حقوق دانان ایرانی باشد، ارائه نشده است. نکته مهمی که باید در نظر داشت اینکه این نظریات بیشتر حول رویه قضایی در عالم تئوری می‌چرخد و کمتر فضای واقعی و جایگاه عملی رویه قضایی را مدنظر قرار داده است.

در نظام حقوق فرانسه با توجه به نظرهای حقوق دانان بدون تردید چنین منبعی پذیرفته شده است البته در رابطه با رسمی بودن این منبع در فرانسه نظر واحدی وجود ندارد. با توجه به اینکه در حقوق فرانسه همچون ایران قانون در درجه اول اهمیت قرار دارد.

در حقوق فرانسه قانون و رویه قضایی را موجد قواعد حقوقی معرفی کرده‌اند و آن‌ها را زاینده حقوق می‌دانند. البته قلمرو رویه قضایی را محدودتر از قلمرو قانون دانسته‌اند و تفاوت این دو را در ماهیت ندانسته، بلکه در محدوده و قلمرو برشمرده‌اند. البته در حقوق فرانسه دست‌اندرکاران امر قضا هرگز رویه قضایی را موجد قاعده حقوقی ندانسته‌اند، بلکه چنین استدلال کرده‌اند که چون رویه قضایی تفسیری سازنده از قانون است به نوعی می‌تواند اعتبار قاعده قانونی را نیز به خود بگیرد (ژی، ۱۳۷۸: ۸۷) در نظام حقوقی فرانسه، رویه قضایی همواره نقش منبع تکمیلی حقوق را ایفا کرده و در غیاب قانون مؤثر بوده است (Mazeaud and Lecons, 1991: 60). حقوق دانان

فرانسوی رویه قضایی به معنای آرای محاکم عادی را منبعی خام و فاقد صلاحیت برای منبع حقوق می‌دانند، ولی رویه قضایی به معنای آرای صادره از دیوان عالی کشور را که از تبحر و صلابت برخوردارند، برای منبع حقوق بودن مناسب می‌دانند (Philippe, 2005: 47).

به عقیده حقوق دانان فرانسوی، قواعد ناشی از رویه قضایی گرچه همانند قانون الزام‌آورند، ولی قدرت الزام‌آور این قواعد ذاتی نیست، بلکه اعتبار رویه قضایی ناشی از یک متن قانونی است (Hadfield, 2006: 1; Ripert, 1955).

از نظر تئوری در حقوق ایران، رویه قضایی به معنای عام در شمار منابع رسمی موجد قاعده حقوقی قرار نمی‌گیرد. پذیرش این امر که رویه قضایی به‌عنوان رسم متداول در محاکم بتواند قاعده‌ساز باشد بسیار مشکل است. اکثر حقوق دانان معتقدند که با مبانی حقوقی ما یعنی استقلال قوه مقننه و قضائیه و نظریه پذیرش قانون به‌عنوان تنها منبع حقوق، سازگار نیست زیرا قسمت اصلی رویه قضایی را رای یا حکم محاکم تشکیل می‌دهد و این حکم اثر نسبی دارد و خاص همان دعواست و قابل تسری به سایر دعاوی مشابه نیست بنابراین قاعده‌ساز نیست و در شمار منابع رسمی قرار نمی‌گیرد ولی این مسئله فقط از لحاظ تئوری است. از بُعد عملی با توجه به اینکه رویه قضایی و قواعد ناشی از آن امروزه در محاکم مورد استناد واقع می‌شود این مسئله می‌تواند خود بهترین دلیل بر پذیرش رویه قضایی به‌عنوان منبع موجد قاعده حقوقی باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۵۴).

لازمه منطقی توسعه سابقه، توسعه کاربرد قیاس بود. زیرا هنگام استناد به سابقه، قضات تصمیم می‌گیرند که دعوای مطروحه را مطابق با سابقه‌های موجود حل و فصل کنند. آنها سابقه‌های ذی‌ربط را پایه (و به اصطلاح فقهی مقیس‌علیه) پیش‌بینی، تبیین و توجیه حکم دعوای جدید قرار می‌دهند. مشاوران حقوقی و وکلای هر طرف دعوا نیز ناگزیرند به سابقه استناد کنند تا زمینه لازم برای تصمیم قضایی مبتنی بر سابقه را تمهید کرده و قضات را به نتیجه مورد نظر خود متقاعد کنند. از این روست که به حق گفته شده است نخستین و برترین مصداق استدلال قیاسی، استناد به سابقه است (سیمایی صراف، ۱۳۹۲: ۲۵۵). در واقع هرچند رویه قضایی به صورت مکتوب و رسمی و به شکل نظری توسط حقوق دانان در بین منابع رسمی حقوق معرفی نشده است ولی با توجه به مشاهده آثار

عملی رویه قضایی در ایجاد قواعد حقوقی در دادگاه‌ها و نقش انکارناپذیری که در نظم حقوقی دارد نباید قرار دادن رویه قضایی در شمار منابع رسمی را امری دور از واقعیت دانست. رویه دادگاه‌ها بر رویکرد مراجعین (مردم و وکلا) مؤثر است چرا که به پیش‌بینی پذیری نتیجه دعاوی کمک می‌کند و حتی باعث تصحیح و تعدیل قوانین می‌شود.

البته چنان که می‌دانیم در حقوق ایران رویه قضایی خاص، ارزش رسمی دارد یعنی آرای هیئت عمومی دیوان کشور که براساس ماده (۴۷۱) قانون آیین دادرسی کیفری صادر شده باشد در حکم قانون است و دادگاه‌ها مکلف به رعایت آن هستند. بنابراین باید به آن استناد کنند و در مورد اینکه این قسمت از آرا در شمار منابع رسمی هستند هیچ شک و تردیدی نیست.

اما نباید از نظر دور داشت که آرای وحدت رویه فقط بیان قصد مقنن است و نمی‌تواند قاعده حقوقی ایجاد کند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۰۰) در واقع آرای وحدت رویه منبع تکمیلی حقوق محسوب می‌شوند (اعتدال، ۱۳۷۹: ۴۸).

می‌توان رویه قضایی را نه «قاعده حقوقی»<sup>۱</sup> بلکه «قاعده عمل»<sup>۲</sup> دانست، و همین را در منبع حقوق بودن آن کافی شمرد. درباره فرق میان قاعده حقوقی و قاعده عمل، لنویل ویلیامز<sup>۳</sup> حقوق دان انگلیسی عقیده دارد که قاعده عمل نسبت به گذشته توصیفی است و نسبت به آینده الزاماً توصیه‌ای نیست؛ سابقه‌ای که الزامی حقوقی برای آیندگان ندارد، ولی آیندگان شاید امیدوارانه به اصلاح حاصل از آن چشم دوخته باشند. به نظر می‌رسد مقصود از ایجاد قاعده حقوقی با منبع حقوق در کامن‌لا نیز همین باشد؛ یعنی آنچه برای منبع شدن، شرط لازم و کافی است اقبال دادرسان و حقوق دانان به آن است نه چیزی که آن را همچون قانون لازم‌الاتباع کرده باشد. آنان میان منبع حقوق و ادبیات حقوقی فرق می‌نهند، و منبع حقوق را چیزی می‌دانند که از دیدگاه علی سبب تحقق حقوق شده است (جعفری‌تبار، ۱۳۹۶: ۴۳)

- 
1. Rule of Law
  2. Rule of Practice
  3. Glanwill Willims



## ۵. جمع بندی و نتیجه گیری

قوانین تنها بخشی از واقعیت های حقوقی است و تمام شرایطی که در جامعه رخ می دهد در قوانین پیش بینی نمی شود. رویه قضایی عاملی برای تفسیر داده های نو، رفع نیازها، سکوت و نقص و اجمال قوانین است از این رو با بررسی نقش و جایگاه رویه قضایی در این مقاله سعی در ابهام زدایی از اعتبار آن شد.

البته رویه قضایی به «معنای عام» که به عنوان رویه قضایی در مفهوم کلی یا رویه قضایی جاری به کار می رود، به معنای وسیع کلمه عبارت است از روش واحدی که قضات در موارد سکوت، تناقض، اجمال یا نقص قانون جهت تفسیر قانون اتخاذ می کنند. اما اعتبار این نوع رویه قضایی نسبی است و جنبه الزامی ندارد. این نوع رویه، مفهوم گسترده تری از رویه قضایی به معنای خاص، یعنی آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، دارد که می تواند رویه قضایی را به عنوان یکی از منابع حقوق به شمار آورد و آن را با خواست افراد جامعه منطبق می کند و می تواند نقاط ضعف قانون را برطرف کند.

## منابع و مأخذ

۱. اعتدال، محمد (۱۳۷۹). *اعتبار بر اهمیت رویه قضایی*، تهران، انتشارات نوید شیراز.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر میزان، چاپ دوازدهم.
۳. بابایی، ایرج (۱۳۹۲). «استخراج و انتشار رویه قضایی دادگاه‌های کشور»، فصلنامه *مطالعات آرای قضایی*، رأی ش ۱.
۴. بوشهری، جعفر (۱۳۸۹). *حقوق اساسی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. پورسرتیپ، فرج‌الله (۱۳۵۷). «ماهیت و اهمیت رویه قضایی»، *مجله حقوقی وزارت دادگستری*، فروردین، سال ۲۰، ش ۱.
۶. تقی‌زاده، تورج (۱۳۸۱). «نقش رویه قضایی در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
۷. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۶). *دیو در شیشه فلسفه رویه قضایی*، نشر نگاه معاصر.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. --- (۱۳۹۳). *مقدمه عمومی علم حقوق*، گنج دانش، چاپ دوازدهم.
۱۰. خسروی دهقی، اسما (۱۳۸۶). «نقش رویه قضایی در حقوق ایران و انگلیس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۱۱. زنه دیوید (۱۳۷۵). *نظام‌های حقوقی معاصر*، ترجمه دکتر صفائی، دکتر عراقی و دکتر آشوری، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۲. زی، مری (۱۳۷۸). «ملاحظات پیرامون رویه قضایی به‌عنوان منبع حقوق»، ترجمه محمدزاده وادقانی، *مجله حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۴۵ ش ۸۳۶.
۱۳. سلجوقی، محمد (۱۳۴۷). *رساله نقش عرف در حقوق مدنی ایران*، دانشگاه تهران.
۱۴. سیمایی صراف، حسین (۱۳۹۲). *قیاس در استدلال حقوقی؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و کامن‌لا*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته*، تهران، نشر میزان، ج ۱.
۱۶. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۹۳). «تحلیلی اجتماعی - قضایی رویه قضایی»، *نشریه حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، ش ۱.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *اعتبار امر قضاوت شده*، تهران، نشر دادگستر.
۱۸. --- (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ج ۲.

۱۹. --- (۱۳۸۰). مقدمه علم حقوق، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار.
۲۰. --- (۱۳۷۹). کلیات حقوق (نظریه عمومی)، شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۲۱. موسی، جوان (۱۳۳۶). مبانی حقوق تهران، نشر چاپ رنگین.
۲۲. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۷۶). «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۸.
۲۳. نیازی، عباس (۱۳۹۰). «اعتبار امر قضاوت شده در رأی داور»، دیدگاه‌های حقوقی، ش ۵۵.
۲۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، ج ۷، ج ۲.
25. Aubry et Rau. (1949). *Droit Civil Français Aubry, Supplément Permanent*.
26. Carbonnier, Jean, (1991). *Droit Civil, Introduction*, PUF, 20 Ed.
27. Fierro, Hector (2003). *Courts Justice and Efficiency Justice and Efficiency*, Hart Publishing.
28. Geny, Francois (1919). *Method D'interpretaion Et Source En Droit Prive Positif*, T2, 2ed, Paris.
29. Ghestin, J. (1997). *Droit Civil*, Introduction Generale (4e Edition, L.G.D.J.).
30. Hadfield, Gillan. K. (2006). The Quality Of Law In Civil Code and Common Law Regimes, Judicial Incentives, Legal Human Capital and Evolution of Law.
31. Hondius, Ewoud (2007). Precedent and Law, Electronic Journal of Comparative Law, Vol. 60.
32. Luhmann, Niklas (1988). *The Unity Of Legal System*, Printed In: Gunther Reuner (Ed.), Autopoietic Law, A New Approach To Law and Society, New York, Walter De Gruyter.
33. Maury, J. (1950). *Observations Sur La Jurisprudence En Tant Que Source Du Droit*, In Études Offertes Au Professeur Ripert, Paris, L. G. D. J, Tome I.
34. Mazeaud H., L. Et J., *Lecons* (1991). *de Droit Civil, Introduction A L'Etude Dudoit*, Montchrestien, Paris, 2 Ed.
35. Philippe, Jestaz (2005). *Les Sources Du Droit*, Dalloz.

36. Rachlinski, Jefry (2006). Bottom-Up Versus Top-Down Lawmaking, University Of Chicago Law Review, Vol. 73.
37. Répertoire (1955). de Droit Civil Encyclopédie Juridique, Dalloz.
38. Ripert Georges (1955). *Les Forces Creatrices Du Droit*, Paris.
39. Rotolo, Antonion (2005). Source of Law In Civil Law, In Shiner, R. Legal Institutions and The Sources of Law, Vol. 3.
40. Sales, Philip (2012). Judges and Legislatures: Values Into Law, Cambridge Law Journal, No. 2, Vol. 71.
41. Stark, Borise (1988). *Intrduction Au Droit* (2 Ed.).
42. Tainsne, Jean-Jaques (2000). Sensibles à la théorie de Montesquieu dite de la séparation des pouvoirs, les révolutionnaires ont voulu cantonner le pouvoir judiciaire dont ils se méfiaient par expérience *Institutions Judiciaires*, 7<sup>É</sup>dition, Dalloz.
43. Weber, Max (1978). *Economy and Society*, Vol. 2, Edited by Gnether Roth and Claus Wittich, University of Coalifonia Press.

# تبیین الگوی دانشگاه کارآفرین از طریق رهیافت مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی

حسین صمدی میارکلائی\* و حمزه صمدی میارکلائی\*\*

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۵	شماره صفحه: ۳۵۲-۳۱۷
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

هدف از پژوهش حاضر تبیین الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از منظر گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان و اساتید حوزه کارآفرین در دانشگاه مازندران بوده که به روش هدفمند انتخاب شدند. برای طراحی الگوی ساختاری و روابط علی تحقیق از رهیافت مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد از میان متغیرهای مورد بررسی چهار متغیر نقش علی و هفت متغیر نقش معلولی داشتند. یافته‌های روش وزن دهی فازی نشان داد از میان شاخص‌های مورد بررسی، شاخص قدرت نفوذ در دانشگاه دارای بیشترین وزن و اهمیت است. همچنین براساس رهیافت مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی متغیرها در چهار سطح طبقه بندی شدند که در این بین متغیر چشم انداز و مأموریت به عنوان عامل زیربنایی و دارای قدرت نفوذ قوی معرفی شد.

**کلیدواژه‌ها:** دانشگاه کارآفرین؛ آموزش عالی؛ اقتصاد دانش بنیان؛ مدل سازی ساختاری تفسیری

---

\* دانش‌آموخته مدیریت دولتی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: hossein\_samadi\_m@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران؛

Email: hamzeh.samadi@srbiau.ac.ir

## مقدمه

در طول تاریخ اقتصادی، نهادها قوانینی را ایجاد کرده‌اند که تعامل انسان را شکل می‌دهند. به این معنا که در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به نیروهای خاصی مانند اقتصاد مدیریت شده یا اقتصاد کارآفرینی پاسخ می‌دهند. در اقتصاد کارآفرینی عامل اصلی تولید سرمایه، سرمایه دانشی است که منبع مزیت رقابتی بوده که توسط سرمایه کارآفرینی افزوده می‌شود و نشان‌دهنده توانایی سازمان در فعالیتهای کارآفرینی است. بنابراین اقتصاد کارآفرینی سناریوهایی را ایجاد می‌کند که اعضای آن می‌توانند فرصت‌ها و دانش‌های اقتصادی را به منظور پیشبرد پدیده‌های جدید کارآفرینی که قبلاً تجسم نشده‌اند، کشف و بهره‌برداری کنند. در این راستا، دانشگاه کارآفرین از طریق تدریس، تحقیق و فعالیتهای کارآفرینی به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. به طور خاص، نتایج مأموریت‌های آن با عوامل تعیین‌کننده توابع تولید ارتباط دارد (مثلاً سرمایه‌های انسانی، دانش، اجتماعی و کارآفرینی) (Guerrero, Cunningham and Urbano, 2015).

در واقع این انقلاب دانشگاهی؛ یکپارچه‌سازی مأموریت‌ها برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و تبدیل دانشگاه سنتی آموزش و پژوهش محور به یک دانشگاه کارآفرین است. در مدل پیچش‌های سه‌گانه (روابط و نقش نهادهای اصلی حامی کارآفرینی و توسعه پایدار (دانشگاه، صنعت و جامعه)) اعتقاد بر این است که تعامل میان دانشگاه و صنعت کلید بهبود شرایط نوآوری در جامعه مبتنی بر دانش است. نوآوری بیش از توسعه محصولات جدید در شرکت‌ها، ایجاد توافق جدید میان حوزه‌های سازمانی است که شرایط را برای نوآوری افزایش می‌دهد (Etzkowitz, 2004).

دانشگاه کارآفرین، یک پردیس علم و فناوری است که تلاش می‌کند محیط حمایتی را فراهم کند تا دانشگاه بتواند ایده‌هایی را که می‌شود به ابتکارات کارآفرینی اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود، مورد بررسی، ارزیابی و بهره‌برداری قرار دهد. دانشگاه‌های کارآفرین در مشارکت، شبکه‌ها و دیگر روابط شرکت می‌کنند تا چتری برای تعامل و همکاری ایجاد شود. تحولات سریع در علم، ماهیت چندرشته‌ای تحقیقات، تغییرات قانونی مانند قانون بای-دال و مطالبات کسب‌وکار و جامعه؛ کارآفرینی مبتنی بر دانش را در دانشگاه‌ها

شکل داده‌اند. علیرغم به اشتراک گذاشتن زمینه‌های تاریخی مشابه، شرایط اقتصادی و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی؛ دانشگاه‌های کارآفرین در اکثر کشورها با تسهیلات سازمانی، سنت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر سازمان با یکدیگر متفاوت هستند (Guerrero, Cunningham and Urbano, 2015).

در اقتصاد دانشی، کارآفرینی دانشگاهی در مرزهای علمی و حرفه‌ای مختلف رخ می‌دهد، و نیاز به سازوکارهای حمایت برای جلوگیری از محدودیت‌ها ایجاد می‌کند (Urbano and Guerrero, 2013). از دهه ۱۹۸۰ روش‌های تجربی برای بررسی تأثیرات اقتصادی دانشگاه‌ها پیشرفت بسیار زیادی داشته است. امروزه نیز برای سنجش این تأثیرات، روش‌های قوی و تحلیلی پیچیده‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند. براین اساس واحد تجزیه و تحلیل از مطالعه در سطح محدود، به یک سطح تجزیه و تحلیل گسترده در دانشگاه توسعه پیدا کرده است. تمرکز اصلی این مطالعات بیشتر بر روابط ورودی / خروجی به جای تأثیر اقتصادی است. آنها خروجی‌ها را از لحاظ مشارکت از طریق نیروی کار، درآمد حاصل از اختراعات، همکاری‌های تحقیق و توسعه، اثرات ناگهانی یا کل درآمد دانشگاه اندازه‌گیری می‌کنند. از سویی، ورودی‌های اصلی با هزینه‌های مستقر شده برای توسعه ورودی‌ها و بهره‌وری کل عوامل همراه است (Guerrero, Cunningham and Urbano, 2015).

این تحقیق نیز با استفاده از یک مطالعه موردی به تبیین الگوی دانشگاه کارآفرین در آموزش عالی می‌پردازد. بنابراین مطالعه حاضر در ادامه به این شرح است: بررسی ماهیت و پیشینه تجربی دانشگاه کارآفرین؛ توصیف روش طراحی شده برای ارائه الگوی دانشگاه کارآفرین؛ تشریح نتایج و بحث و ارائه نتیجه‌گیری و برخی از پیشنهادها.

## ۱. پیشینه پژوهش

### ۱-۱. ادبیات و پیشینه نظری پژوهش

اقتصاد دانش و اقتصاد دانش بنیان اصطلاحات عمومی هستند که این روزها مترادف هم به کار می‌روند. از میان این دو مفهوم، اقتصاد دانش قدمت بیشتری داشته و بیشتر بر ترکیب نیروی کار متمرکز است. اصطلاح «اقتصاد دانش بنیان» از دیدگاه سیستم‌ها به جنبه‌های

ساختاری گذرگاه‌ها و الگوهای فناورانه افزوده می‌شود (Cooke and Leydesdorff, 2006). بدون شک دانشگاه به‌عنوان پایگاه اصلی تولید علم و دانش علاوه بر مأموریت‌های ذاتی خود، نقش اساسی و محوری در تحقق اهداف اقتصاد دانش بنیان خواهد داشت و در این برهه دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین با هدف تجاری‌سازی دانش و تربیت دانشجویان خلاق و کارآفرین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

طی بیست سال گذشته دانشگاه‌ها در کشمکش با موضوعات متفاوتی از قبیل جهانی‌سازی و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، افزایش تعداد جمعیت دانشجو، محدودیت‌های مالی و بحران‌های مالی و اقتصادی اخیر بوده‌اند. امروزه سؤال اصلی دانشگاه‌ها این است که چگونه با محیط پویا و مدام در حال تغییر وفق پیدا کنند؟ سهم واقعی و بالقوه دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی بسیار مورد بحث قرار گرفته و در دهه گذشته بسیار زیاد در مورد مفهوم دانشگاه کارآفرین نوشته شده است (صمدی میارکلائی، آفاجانی و صمدی میارکلائی، ۱۳۹۴ الف). نیاز دانشگاه برای تغییر نتیجه عوامل متعددی از قبیل فشارهای دولتی و تأمین مالی، تغییرات جامعه، انبوه‌سازی آموزش عالی، جهانی‌سازی، افزایش تعداد مؤسسات آموزش عالی خصوصی و... است. خلق یک دانشگاه کارآفرین حاصل تأثیرات مذکور و توسعه درونی دانشگاه‌هاست. دولت‌ها در همه جای دنیا به‌صورت بالقوه بر پتانسیل دانشگاه به‌عنوان منبعی برای ارتقای محیط‌های نوآوری و ایجاد توسعه اقتصادی دانش بنیان متمرکز هستند (Etzkowitz and Leydesdorff, 2000).

بدیهی است دانشگاه‌ها و نظام آموزشی عالی نیز به‌منظور همسویی هرچه بیشتر با فرایند توسعه اقتصادی بومی، منطقه‌ای و بین‌المللی به تغییر نقش سنتی خود که صرفاً تولید دانش بوده، به سوی دانشگاه کارآفرین که علاوه بر تولید دانش و خلق ایده‌ها، آنها را به عمل هم تبدیل کنند، حرکت می‌کنند. در واقع ایده توسعه دانش محور و برنامه‌های توسعه‌ای کشورها، مأموریت کارآفرینی را به دانشگاه‌ها تحمیل کرده است (صمدی میارکلائی و صمدی میارکلائی، ۱۳۹۲).

با آنکه مطالعات مختلف تلاش کرده‌اند از مفهوم دانشگاه کارآفرین تعریفی را ارائه کنند، اما اجماعی برای استفاده از یک تعریف مشترک وجود نداشته است (Urbano and Guerrero, 2013).



ولی در مجموع این اصطلاح به مفهوم کنش کارآفرینانه در ساختارها و دیدگاه‌های یک دانشگاه است. اگرچه نمی‌توان گفت دانشگاه کارآفرین همیشه در جهت سودجویی است، باینکه یک دانشگاه سنتی هیچ وقت سودجویی نمی‌کند، ولی باید گفت که ویژگی اساسی دانشگاه کارآفرین جنبه‌های اقتصادی، کارایی و رقابت‌پذیری آن نسبت به سایر مدل‌های دانشگاهی است. در واقع دانشگاه کارآفرین در مورد نیازهای اقتصادی - اجتماعی پاسخگوتر از دانشگاه سنتی است و نقش آن ایجاد ثروت (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در جامعه است. در جوامع دانش‌بنیان انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در جهت ایفای نقش خود در پیشرفت اجتماعی، نسبت به سابق انعطاف بیشتر و سریع‌تری داشته باشند و در جهت افزایش رفاه و رقابت‌پذیری اقتصادی و اجتماعی به تعامل بیشتر با جامعه، نوآوری، انتقال دانش و بهره‌برداری از تحقیقات علمی بپردازند (فکور، ۱۳۸۸).

محققان معتقدند دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که باید دو وظیفه را انجام دهد: الف) باید کارآفرینان آینده را آموزش دهد تا کسب‌وکارهایی را ایجاد کنند و همچنین روحیه کارآفرینانه را در دانشجویان و تمام حوزه‌ها توسعه دهد. ب) باید خود کارآفرینانه عمل کند، مراکز رشد و کسب‌وکارها را سازمان‌دهی کند، پارک فناوری و مواردی نظیر آن را ایجاد کند، دانشجویان را در این سازمان‌ها درگیر کند و به کمک آنها دانشجویان و فارغ‌التحصیلان را در ایجاد کسب‌وکار یاری کرده و بتواند از نظر مالی استقلال پیدا کند (صمدی میارکلانی، آقاجانی و صمدی میارکلانی، ۱۳۹۴ ب).

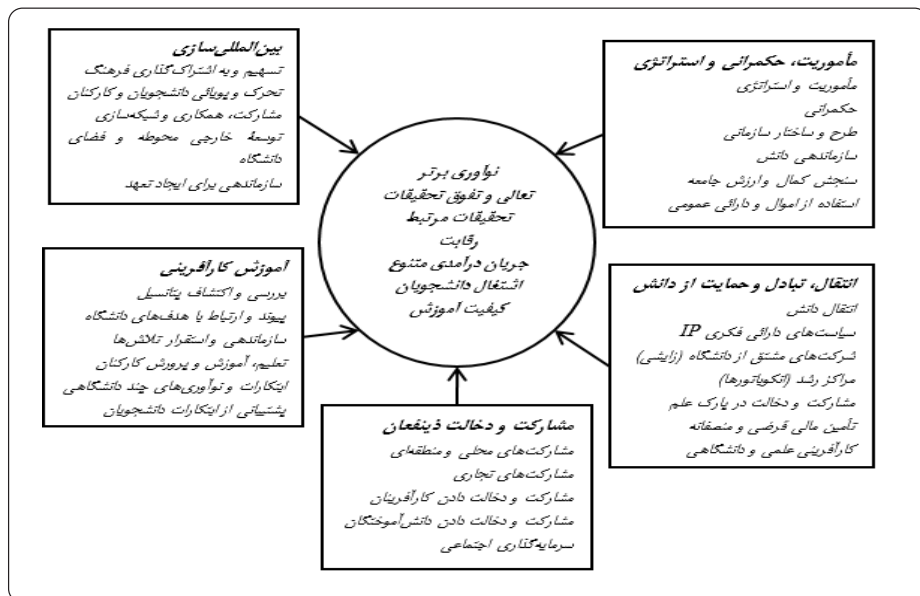
برتون کلارک پنج مؤلفه یک دانشگاه کارآفرین را این‌گونه بیان می‌کند: هسته رهبری قوی، محیط توسعه‌ای، تنوع در مبنای تأمین مالی، مرکز علمی قوی، و فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه (Shattock, 2005).

به اعتقاد رابرتسون، یک دانشگاه کارآفرین به وسیله تعدادی از عوامل کلیدی به این شرح توصیف می‌شود: ۱. رهبری قوی که ظرفیت‌های کارآفرینی را برای همه دانشجویان و کارکنان در سرتاسر محیط دانشگاهی اش توسعه می‌بخشد؛ ۲. رابطه قوی با ذی‌نفعان خارجی که ارزش‌افزوده ایجاد می‌کنند؛ ۳. ارائه دستاوردهای کارآفرینانه که ممکن است بر افراد و سازمان‌ها اثر گذارد؛ ۴. فنون یادگیری نوآورانه‌ای که اقدام کارآفرینانه را القا

می‌کند؛ ۵. مرزهای بازی که جریان‌های اثربخش دانش میان سازمان‌ها را ترغیب می‌کند؛ ۶. رویکردهای چندرشته‌ای به آموزش که تجربه دنیای واقعی را مورد سؤال قرار داده و بر حل چالش‌های پیچیده دنیا تمرکز می‌کند و ۷. تحریک به منظور ارتقای کاربرد تفکر و رهبری کارآفرینانه (Robertson, 2008).

گیب براساس بررسی ادبیات و تجربیات اروپایی و آمریکایی خود معتقد است، دانشگاه‌ها هنگامی کارآفرین هستند که از حداکثرسازی پتانسیل خود برای تجاری‌سازی ایده‌ها و ایجاد ارزش در جامعه نترسند و آن را تهدید مهمی برای ارزش‌های جامعه تلقی نکنند و نیاز بودجه‌ای آنها نیز از منابع متنوع‌تری تأمین شود. فعالیت‌هایی که دانشگاه‌ها در این باره می‌توانند داشته باشند، شامل موارد مختلفی از قبیل مشاوره، آموزش، تحقیق و توسعه، انتقال فناوری، مالکیت یا شرکت در مراکز رشد و پارک‌های علمی می‌شود (Gibb, 2005). گیب زمینه‌های اصلی توسعه دانشگاه کارآفرین را به صورت ذیل می‌داند.

شکل ۱. زمینه‌های اصلی توسعه دانشگاه کارآفرین



Source: Gibb, 2012.

برای درک چگونگی کارکرد اقتصاد جوامع توسعه یافته، شناخت عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به پویایی سازمان های خود منجر می شوند ضروری است. یک راه، مطالعه سیستم باورها و فرایندهای تصمیم گیری آنهاست. به عنوان مثال، در ایالات متحده محققان به بررسی و تأیید تأثیر تحصیلات عالی عمومی در اقتصاد منطقه ای پرداخته اند. در ادامه تأثیر هر یک از عوامل دانشگاه های کارآفرین بر کارآفرینی دانشگاهی، دانشگاه کارآفرین قادر است به تولید نتایج مستقیم مختلف حاصل از تدریس، تحقیق و فعالیت های کارآفرینی بپردازد. در درازمدت این نتایج می توانند تبدیل به یک عامل تعیین کننده رشد اقتصادی براساس نظریه رشد درون زا شوند و می توانند اثرات مثبتی را برای اقتصاد و اجتماع یک منطقه خاص تولید کنند. دانشگاه کارآفرین می تواند از طریق تولید، جذب و حفظ جویندگان کار و کارآفرینان در اثرگذاری های اجتماعی و اقتصادی مؤثر باشد (Urbano and Guerrero, 2013).

امروزه دانشگاه ها در کشورهای توسعه یافته به طور فزاینده ای به دانشگاه کارآفرین تبدیل شده اند. در ایالات متحده عوامل متعددی شرایط انتقال از یک «سیستم نوآوری بسته» به «سیستم نوآوری باز» را تسهیل کرده است. این عوامل عبارتند از: افزایش سرمایه گذاری، ارائه مشوق هایی برای دانشگاه جهت ثبت پیشرفت های علمی با بودجه فدرال و در نتیجه تحرک دانشمندان و مهندسان و پیشرفت های فناورانه مهم در محاسبه (ریزپردازنده)، بیوتکنولوژی (مهندسی ژنتیک)، و... و به تازگی هم فناوری نانو (Rothaermel, Agung and Jiang, 2007). همچنین در کشورهای توسعه یافته افزایش قابل توجه حمایت مالی تحقیقات در حوزه های صنعت، اختراعات و صدور مجوز فناوری در دانشگاه ها دیده می شود. شاید مهمتر از آن، بخش های بیشتری از این تعامل در حال وقوع با شرکت های جوان و کوچک تر است (صمدی میارکلانی و صمدی میارکلانی، ۱۳۹۴). در واقع طی چند دهه گذشته، جهانی شدن و تقاضای روزافزون اقتصاد مبتنی بر دانش باعث ایجاد آموزش عالی در بسیاری از کشورهای جهان شده است، تا تحولات چشمگیری را تجربه کنند. به رغم این تغییرات گسترده در آموزش عالی، باینکه مدل آمریکایی در اروپا و یا حتی در سراسر جهان بر آموزش عالی متمرکز شده است اما به وضوح آشکار شده که

تأثیر مدل‌های آموزش عالی اروپایی هنوز هم وجود دارد. این تغییرات در نقش تکاملی دانشگاه‌ها نیز دیده می‌شود که روند مشترک از مأموریت‌های سنتی آموزش و پژوهش را به مأموریت سوم توسعه اقتصادی متبادر می‌کند. با وجود دیدگاه‌های مختلف در مورد مأموریت سوم، یکی از موارد رایج نقش کارآفرینی دانشگاه در توسعه اقتصادی - اجتماعی است که مفهوم دانشگاه کارآفرین را دربرمی‌گیرد و بر همکاری بین دانشگاه و ذی‌نفعان خارجی تأکید می‌شود (Sam and Van Der Sijde, 2014).

شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه در دانشگاه‌ها نیاز به جو حمایتی جهت ترویج محرک‌ها برای نوآوری و کارآفرینی در میان همه افراد دارد. باید به این موضوع توجه داشت که اساتید دانشگاه با وجود شناسایی فرصت‌ها ممکن است قادر به بهره‌برداری از آنها نباشند، چرا که آنان نیازی به مهارت‌ها، شبکه‌ها، و یا توانایی‌ها ندارند (Venkataraman, 2004)، از سویی دانشگاه‌ها به‌عنوان سازمان‌هایی بزرگ، تمایلی ندارند که سازمان‌هایی کارآفرینانه‌تر باشند (Kirby, 2002). با این حال الحاق جهت‌گیری کارآفرینانه در مأموریت‌های دانشگاهی می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد (Urbano and Guerrero, 2013).

بحثی که اخیراً در مورد دانشگاه کارآفرین مطرح شده این است که چه چیزی دانشمندان دانشگاهی را به مشارکت با صنعت سوق می‌دهد. در این زمینه محققان دریافته‌اند که اکثر دانشگاهیان به دلیل انجام تحقیقات بیشتر و نه تجربی و تجاری کردن دانش خود با صنعت در ارتباط هستند اما از نظر کانال‌های تعاملی با هم تفاوت دارند. شکل‌گیری شرکت‌های ثبت اختراع و تولید مجدد منحصراً تجاری‌سازی می‌شود. بر این اساس، سیاست باید از تمرکز بیش از اندازه بر انگیزه‌های پولی برای تعامل با صنعت جلوگیری کند و محدوده گسترده‌ای از انگیزه‌ها برای ارتقای تعامل بین دانشگاه‌ها و صنعت را در نظر بگیرد (D'este and Perkmann, 2011).

## ۱-۲. پیشینه تجربی پژوهش

با توجه به اهمیت نقش دانشگاه کارآفرین بر توسعه جوامع باید اشاره کرد که به‌رغم انجام پژوهش‌های بسیار در حوزه کارآفرینی، تاکنون پژوهش‌های اندکی در کشور به تبیین الگوی

دانشگاه کارآفرین پرداخته‌اند که البته اخیراً این آمار رو به افزایش است. در این مجال به ارائه نتایج برخی از این تحقیقات پرداخته می‌شود.

برادران و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با موضوع «تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه مدیریت آموزش کشاورزی» انجام دادند. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد «ارتباطات سازمانی»، «تدریس-یادگیری»، «برنامه‌ریزی درسی»، «تمایزات دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی با یک دانشگاه کارآفرین در سایر رشته‌ها» و «فعالیت‌های فرایندی» برخی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده یک دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی است. علاوه بر این، مؤلفه‌های مورد مطالعه در دو بخش راهبردی و فرایندی با یکدیگر رابطه آماری معناداری داشتند.

ضیاء و تاج‌پور (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «طراحی و تبیین مدل جامع کارآفرینی دانشگاهی در پارک علم و فناوری دانشگاه تهران» و با استفاده از الگوی مدل سازی معادلات ساختاری دریافتند که رابطه مثبت و معناداری بین عوامل سازمانی، فردی و نهادی و کارآفرینی دانشگاهی در پارک علم و فناوری دانشگاه تهران وجود دارد.

نوروزی و دیگران (۱۳۹۳) نیز با استفاده از روش تحلیل شبکه به رتبه‌بندی مؤلفه‌های ساختاری دانشگاه کارآفرین پرداخته‌اند. ابعاد ساختاری شناسایی شده پس از اجرای دلفی و رتبه‌بندی تحلیل شبکه‌ای به ترتیب عبارت بودند از: استقلال، ترکیب، حرفه‌ای‌گرایی، پیچیدگی، تمرکز و رسمیت. محققان بیان کردند که به‌منظور تحقق دانشگاه کارآفرین، می‌بایست تغییرات ساختاری گسترده‌ای در نظام آموزش عالی به‌ویژه در ابعاد استقلال، ترکیب و حرفه‌ای‌گرایی انجام شود؛ زیرا محیط ساختاری دانشگاه کارآفرین باید مشوق فضای خلاقیت و هم‌افزایی باشد.

وانگ، هو و سینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) به تحقیق در حوزه دانشگاه کارآفرین در سنگاپور پرداختند. آنها دریافتند که سنگاپور به‌طور مشترک با دیگر اقتصادهای نوپای صنعتی در آسیا به‌سوی یک راهبرد مبتنی بر دانش جهت رشد حرکت می‌کند. نقش برجسته دانشگاه‌های سنگاپور

در تحریک رشد اقتصادی از طریق تحقیقات مرتبط با صنعت، تجاری سازی، فناوری های پیشرفته، جذب استعداد های خارجی و ایجاد ذهنیت کارآفرینی بسیار روشن است. دانشگاه ملی سنگاپور به عنوان یک مطالعه موردی درباره اینکه دانشگاه های آسیای شرقی چگونه به جهانی شدن اقتصاد دانش پاسخ می دهند، مورد بررسی قرار گرفت. تغییرات انجام شده در دانشگاه در جهت حرکت به سمت کارآفرینی است. در این بین سیاست های تحقیقاتی، برای دانشگاه ملی سنگاپور بسیار مهم است تا به طور مؤثر به این کشور در راستای اقتصاد مبتنی بر دانش کمک کند. محققان در این تحقیق به بررسی شاخصه هایی چون وضعیت دانشمندان و مهندسان پژوهشی، رتبه دانشگاه میان دانشگاه های دنیا، انتشارات پژوهشی دانشگاه، تعداد اختراعات، اختراعات ثبت شده توسط دانشگاه، سازمان های برتر با ثبت اختراع سنگاپور، موافقت نامه های صدور مجوز و حق امتیاز، تعداد محصول مشترک دانشگاهی و شروع به کار کسب و کار نوپا، اعضای هیئت علمی و کارکنان پژوهشی و وضعیت مالی دانشگاه پرداختند.

گوئررو و اوربانو<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود بیان داشتند یک جامعه کارآفرین به مکان هایی اشاره دارد که کارآفرینی مبتنی بر دانش به عنوان یک نیروی محرکه برای رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رقابت پذیری در آن شکل گرفته است. در این باره دانشگاه های کارآفرین نقش مهمی در تولید دانش و مؤسسه انتشاراتی بازی می کنند. در این تحقیق شاخص های دانشگاه کارآفرین در غالب چهار دسته بررسی شدند: عوامل رسمی، عوامل غیررسمی، منابع دانشگاه و ظرفیت دانشگاه. در نهایت این مدل توسط تکنیک تحلیل مسیر و با شاخص های برازش مناسب مدل مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

اودریش<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، در مقاله ای به بررسی چگونگی و چرایی دگرگونی نقش دانشگاه در جامعه در طول زمان پرداخته است. او معتقد است نیروهایی که رشد اقتصادی و عملکرد را شکل می دهند نیز نقش متناظری را نسبت به دانشگاه ایفا می کنند. همان طور که اقتصاد از سرمایه فیزیکی محوری به دانش محوری متحول می شود و سپس دوباره تحت

1. Guerrero and Urbano

2. Audretsch

تأثیر کارآفرینی قرار می‌گیرد، نقش دانشگاه نیز در طول زمان دگرگون می‌شود. ضمن اینکه دانشگاه کارآفرین پاسخی به ایجاد شرکت‌های نوپای دانش بنیان و انتقال فناوری بود، نقش دانشگاه در جامعه کارآفرین برای تمرکز بر ارتقای سرمایه کارآفرینی و رفتار تسهیل کننده گسترش یافته است تا موفقیت در یک جامعه کارآفرین را موجب شود.

## ۲. سؤالات پژوهش

همان‌گونه که بیان شد هدف از پژوهش حاضر، تبیین الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین است. بر این اساس، مدل دانشگاه کارآفرین گیب (۲۰۱۲) به دلیل جامعیت و همه جانبه بودن مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. از این رو سؤال‌های زیر برای تحقیق حاضر مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

- روابط علی میان شاخص‌های الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین چگونه است؟
- رتبه بندی و وزن نفوذ شاخص‌های الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین چگونه است؟
- سطح بندی شاخص‌های الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین چگونه است؟

## ۳. روش پژوهش

### ۳-۱. جامعه، نمونه و ابزار

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی - پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از مطالعات کتابخانه‌ای و برای تعیین شاخص‌های مورد بررسی نیز از مدل آلان گیب (۲۰۱۲) استفاده شده است. در واقع برای این پژوهش از یک مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی و با استفاده از رهیافت مدل سازی مبتنی بر دیمتل فازی<sup>۱</sup>، سیستم وزن دهی مبتنی بر دیمتل در محیط فازی و بررسی سطح بندی شاخص‌ها و ارتباطات داخلی میان عوامل مؤثر بر توسعه دانشگاه کارآفرین در دانشگاه مازندران به عنوان شاهد تجربی از دانشگاه‌های هزاره سوم و رتبه بندی اهمیت (تأثیرگذاری و تأثیرپذیری) هر عامل استفاده شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه تکنیک دیمتل فازی استفاده شد. از طرفی در تکنیک دیمتل فازی برای ارزیابی روابط، مانند تحقیقات خبره محور بیشتر از نظرات پنج تا بیست خبره استفاده می‌شود. بر این اساس تعداد پاسخگویان به پرسشنامه‌های دیمتل فازی از ۱۰ نفر تا حتی پنج نفر نیز در حد مناسب است (Chen, Hsu and Tzeng, 2011). پاسخگویان به پرسشنامه دوازده نفر از خبرگان و اساتید مطلع دانشگاه کارآفرین و کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه مازندران بوده‌اند که داده‌های حاصل از آن با استفاده از تکنیک دیمتل فازی و مدل سازی ساختاری مبتنی بر دیمتل فازی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. باید اشاره کرد که جامعه آماری تحقیق حاضر، اساتید و خبرگان دانشگاه مازندران در امر کارآفرینی دانشگاهی بودند، که از معیارهای اصلی انتخاب این خبرگان می‌توان به داشتن تجربه کاری بیش از پنج سال در دانشگاه، قرار داشتن در پست‌های مدیریتی، داشتن تحصیلات در ارتباط با مدیریت، صنعت و تجاری سازی دستاوردهای آن و در نهایت ابراز علاقه‌مندی آنان به در اختیار قرار دادن این اطلاعات نام برد.

### ۲-۳. تکنیک دیمتل فازی

تکنیک دیمتل روشی جامع برای ساخت و تجزیه و تحلیل یک مدل ساختاری، شامل روابط علت و معلولی بین عوامل پیچیده است (Jeng and Tzeng, 2012). تکنیک دیمتل یک ابزار علمی و بسیار مفید است که روابط علت و معلولی پیچیده را با ماتریس یا نمودار بیان می‌کند. ماتریس و نمودار ارتباط درونی میان عناصر یک سیستم که نشان‌دهنده قدرت نفوذ و نفوذپذیری هر عنصر است را بیان می‌کند. بنابراین روش دیمتل قادر به تبدیل ارتباط بین علل و اثرات معیارها به یک مدل ساختاری معقول است (Wei and et al., 2010).

با توجه به اینکه در استفاده از روش دیمتل از نظر خبرگان استفاده می‌شود و این نظر اغلب غیرشفاف و به صورت توصیفات زبانی است. از این رو برای یکپارچه کردن و از حالت مبهم درآوردن آنها بهتر است که واژگان زبانی خبرگان را به عدد فازی درآوریم. برای این کار وو و لی مدلی را پیشنهاد کردند که از دیمتل در شرایط فازی استفاده می‌شود (Wu and Lee, 2007).



جدول ۱. عبارات کلامی به کار رفته در تحقیق و مقادیر معادلشان

عبارت کلامی	مقدار عددی	معادل فازی
بدون تأثیر	۰	(۰,۲۵), (۰,۵۰), (۰,۷۵)
تأثیر خیلی کم	۱	(۰,۲۵), (۰,۵۰), (۰,۷۵)
تأثیر کم	۲	(۰,۲۵), (۰,۵۰), (۰,۷۵)
تأثیر زیاد	۳	(۰,۲۵), (۰,۵۰), (۰,۷۵)
تأثیر خیلی زیاد	۴	(۰,۲۵), (۰,۵۰), (۰,۷۵)

Source: Wu and Lee, 2007.

در ماتریس اولیه (پرسشنامه) ۰ به معنای عدم تأثیرگذاری، ۱ به معنای تأثیر خیلی پایین، ۲ به معنای تأثیر متوسط، ۳ به معنای تأثیر نسبتاً زیاد و ۴ به معنای تأثیر بسیار زیاد است. برای تعیین روابط میان عوامل  $C = \{C_i \mid i = 1, 2, \dots, n\}$ ، تعدادی خبره به اندازه P نفر بایستی مورد پرسش قرار بگیرند و درباره روابط زوجی میان معیارها یا عوامل اظهارات زبانی شان را مطرح کنند. سپس P ماتریس فازی،  $\tilde{Z}^1, \tilde{Z}^2, \dots, \tilde{Z}^P$  تولید می شوند.

$$\tilde{Z}^{(k)} = \begin{bmatrix} 0 & \tilde{Z}_{12}^{(k)} & \dots & \tilde{Z}_{1n}^{(k)} \\ \tilde{Z}_{21}^{(k)} & 0 & \dots & \tilde{Z}_{2n}^{(k)} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{Z}_{n1}^{(k)} & \tilde{Z}_{n2}^{(k)} & \dots & 0 \end{bmatrix} = k = 1, 2, \dots, P$$

در مرحله بعدی میانگین نظرات خبرگان با استفاده از معادله زیر محاسبه می شود.

$$\tilde{z} = \frac{(\tilde{x}^1 \oplus \tilde{x}^2 \oplus \tilde{x}^3 \oplus \dots \oplus \tilde{x}^p)}{p}$$

و سپس ماتریس تجمیع نظرات افراد به صورت فازی به دست می آید.

$$\tilde{Z} = \begin{bmatrix} 0 & \tilde{Z}_{12} & \dots & \tilde{Z}_{1n} \\ \tilde{Z}_{21} & 0 & \dots & \tilde{Z}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{Z}_{n1} & \tilde{Z}_{n2} & \dots & 0 \end{bmatrix}$$

که ماتریس اولیه روابط فازی نامیده می‌شود. در این ماتریس  $\tilde{z}_{ij} = (l'_{ij}, m'_{ij}, u'_{ij})$  اعداد فازی مثلثی هستند و  $\tilde{z}_{ij}$  ( $i=1,2,\dots,n$ ) به عنوان یک عدد فازی مثلثی  $(0,0,0)$  مورد نظر قرار می‌گیرد.

سپس با نرمال‌سازی ماتریس اولیه روابط مستقیم فازی، ماتریس روابط مستقیم فازی نرمال شده  $(\tilde{X})$  به دست می‌آید.

$$\tilde{X} = \begin{bmatrix} 0 & \tilde{X}_{12} & \dots & \tilde{X}_{1n} \\ \tilde{X}_{21} & 0 & \dots & \tilde{X}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{X}_{n1} & \tilde{X}_{n2} & \dots & 0 \end{bmatrix}, \tilde{X}_{ij} = \frac{\tilde{z}_{ij}}{r} = \left( \frac{l'_{ij}}{r}, \frac{m'_{ij}}{r}, \frac{u'_{ij}}{r} \right) = (l''_{ij}, m''_{ij}, u''_{ij})$$

که در آن  $r$  به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$r = \max_{1 \leq i \leq n} \left( \sum_{j=1}^n u_{ij} \right)$$

پس از محاسبه، ماتریس روابط کلی فازی  $(\tilde{T})$  به دست می‌آید. این ماتریس به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$\tilde{T} = \lim_{k \rightarrow +\infty} (\tilde{X}^1 \oplus \tilde{X}^2 \oplus \dots \oplus \tilde{X}^k)$$

$$\tilde{T} = \begin{bmatrix} 0 & \tilde{t}_{12} & \dots & \tilde{t}_{1n} \\ \tilde{t}_{21} & 0 & \dots & \tilde{t}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{t}_{n1} & \tilde{t}_{n2} & \dots & 0 \end{bmatrix},$$

که هر درایه آن عدد فازی به صورت  $\tilde{t}_{ij} = (l'_{ij}, m'_{ij}, u'_{ij})$  است و به صورت زیر محاسبه می شود.

$$[l'_{ij}] = X_1 \times (I - X_1)^{-1}$$

$$[m'_{ij}] = X_m \times (I - X_m)^{-1}$$

$$[u'_{ij}] = X_u \times (I - X_u)^{-1}$$

گام بعدی به دست آوردن ماتریس دی فازی  $T$  است. این ماتریس را با توجه به فرمول های زیر به دست می آوریم.

$$df_{ij} = \frac{[(u_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

آنگاه مجموع سطرها و ستون های ماتریس  $T$  را با توجه به فرمول های زیر به دست می آوریم.

$$D = (D_i)_{n \times 1} = \left[ \sum_{j=1}^n T_{ij} \right]_{n \times 1}$$

پس از به دست آوردن مجموع سطرها و ستون های ماتریس  $T$ ،  $(d_i - r_i)$  و  $(d_i + r_i)$  محاسبه می شوند. که در آن  $d_i$  و  $r_i$  به ترتیب جمع سطر و ستون ماتریس های  $T$  است.

همان‌گونه که بیان شد در نهایت دو دسته اعداد باقی می‌ماند:  $(d_i + r_i)$  که نشان‌دهنده اهمیت معیارها و  $(d_i - r_i)$  نشان‌دهنده آن است که معیارها از نوع علی و یا وابسته‌اند. برای تعیین نقشه روابط شبکه باید ارزش آستانه پذیرش محاسبه شود. تنها روابطی که مقادیر آنها در ماتریس  $T$  از مقدار آستانه بزرگ‌تر باشد در نقشه روابط شبکه نمایش داده خواهد شد. مقدار آستانه را می‌توان با نظر تصمیم‌گیرنده و یا از طریق بحث با کارشناسان انتخاب کرد (Li and Tzeng, 2009). در این تحقیق مقدار ارزش آستانه براساس نظر تصمیم‌گیرنده و یا از طریق بحث با کارشناسان انتخاب شد.

### ۳-۳. تعیین وزن نفوذ معیارها

بعد از انجام مراحل دیمتل فازی و تعیین روابط بین ابعاد و معیارها، برای محاسبه وزن نفوذ معیارها از نمودار علی در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده می‌کنیم. براین اساس، نسبت اهمیت معیارها با استفاده از فرمول زیر محاسبه خواهد شد (Liu and etal., 2015).

$$w_j = \left[ (d_j + r_j)^2 + (d_j - r_j)^2 \right]^{\frac{1}{2}}$$

براساس فرمول بالا نسبت اهمیت هر معیار مشخص می‌شود. در نهایت وزن نرمال شده برای هر معیار نیز براساس معادله زیر محاسبه می‌شود (Quader and etal., 2016).

$$\bar{w}_j = \frac{w_j}{\sum_{j=1}^n w_j}$$

در اینجا مقدار  $\bar{w}_j$  وزن نهایی برای استفاده در فرآیند تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توانیم وزن نهایی تأثیرات برای هر معیار را مشخص کنیم.

### ۳-۴. مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی

مدل سازی ساختاری تفسیری<sup>۱</sup> روشی برای تحلیل و توصیف روابط میان عناصر

یک سیستم پیچیده است که توسط وارفیلد در سال ۱۹۷۴ پیشنهاد شده است (Wu and etal., 2015: 516; Warfield, 1974). مدل سازی ساختاری تفسیری روشی است که اعضای یک گروه می توانند بر پیچیدگی های سیستمی موجود میان عناصر غلبه کنند. مدل سازی ساختاری تفسیری یک مدل تفسیری است، زیرا این قضاوت گروه است که تعیین می کند میان کدام عوامل ارتباط وجود دارد و این رابطه چگونه است (حاجی پور، حسنی و زارع، ۱۳۹۵: ۱۴۳). به طور کلی مدل سازی ساختاری تفسیری دارای مزایای خاصی به این شرح است: ۱. اجازه می دهد تا نظریات کارشناسان براساس یک روش نظام مند به ثبت برسد، ۲. فرصت های کافی برای اصلاح نظرها فراهم می کند، ۳. به عملیات زیادی برای پردازش داده ها نیاز ندارد و ۴. برای سیستم هایی با ۱۵-۱۰ عامل به راحتی قابل استفاده و کاربرد است (Thakkar, Kanda and Deshmukh, 2007).

در این قسمت مراحل مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی ارائه می شود. - **تشکیل ماتریس وقوع:** مطابق با گام های روش مدل سازی ساختاری تفسیری، ابتدا باید ارتباطات درونی مستقیم بین مؤلفه های سیستم در ماتریس دسترسی اولیه وارد شود تا ماتریس ارتباط مفهومی بین متغیرها (Dij) تشکیل شود. در اینجا خروجی ماتریس ارتباط کامل دیمتل فازی را مبنای تحلیل خود در مدل سازی ساختاری تفسیری قرار می دهیم (Xiong, Li and Hao, 2010).

- **تشکیل ماتریس دسترسی اولیه:** برای تشکیل ماتریس دسترسی اولیه باید ماتریس وقوع را با ماتریس واحد جمع کنیم. این عملیات براساس معادله زیر قابل دستیابی است.

$$M = R + I$$

در این معادله، R ماتریس وقوع است که با I ماتریس واحد جمع می شود تا ماتریس M دسترسی اولیه به دست آید.

- **تشکیل ماتریس دسترسی نهایی:** پس از اینکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن هم برقرار باشد، به عنوان مثال اگر عامل A منجر به عامل B شود، و عامل B هم منجر به عامل C شود، باید عامل A نیز منجر به عامل C شود و اگر این رابطه

در ماتریس دسترسی اولیه برقرار نباشد، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. در ماتریس دسترسی نهایی، خانه‌هایی که با علامت \* مشخص شده است، نشانگر عدم ارتباط غیرمستقیم میان دو مؤلفه متناظرشان بوده است. این قاعده با استفاده از معادله زیر قابل دستیابی است.

$$M^* = M^k = M^{k+1}, k > 1$$

- تشکیل مجموعه ورودی، خروجی، مشترک و سطح بندی سیستم: برای تعیین روابط و سطح بندی ابعاد و شاخص‌های سیستم، باید مجموعه‌های ورودی و خروجی برای هر عامل آشکار شود. مجموعه خروجی‌ها را می‌توان شامل خود عامل / شاخص و ابعاد / شاخص‌هایی که از آن تأثیر می‌پذیرد دانست. مجموعه ورودی‌ها را نیز می‌توان شامل خود عامل / شاخص و مجموعه ابعاد / شاخص‌هایی که بر آن تأثیر می‌گذارد دانست.

ترسیم مدل ساختاری سیستم: پس از تعیین سطوح عناصر، از روی ماتریس دسترسی نهایی با حذف انتقال پذیری‌ها، یک گراف جهت دار ترسیم می‌شود.

- تجزیه و تحلیل میک مک<sup>۱</sup>: جمع سطری مقادیر در ماتریس دستیابی نهایی برای هر عنصر بیانگر میزان نفوذ و جمع ستونی نشانگر میزان وابستگی خواهد بود. عواملی که در سطوح پایین تر مدل قرار دارند به دلیل دارا بودن قدرت پیش برندگی بیشتر به عنوان عوامل هادی و عواملی که در سطوح بالاتر قرار دارند به دلیل وابستگی به عوامل هادی، پیرو محسوب می‌شوند. در تجزیه و تحلیل میک مک متغیرها بر حسب قدرت هدایت و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. متغیرهای خودمختار: عواملی که دارای قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف هستند.
۲. متغیرهای وابسته: عواملی که دارای قدرت نفوذ کم ولی وابستگی شدید هستند.
۳. متغیرهای متصل (پیوندی): عواملی که دارای قدرت نفوذ و وابستگی زیاد هستند.

۴. متغیرهای مستقل: عواملی که دارای قدرت نفوذ قوی، ولی وابستگی ضعیف هستند.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. یافته‌های روش دیمتل فازی

در مورد یافته‌های تحلیلی تحقیق حاضر باید اشاره کرد، پس از طی مراحل چندگانه تکنیک دیمتل فازی براساس داده‌های حاصل از پرسشنامه مقایسات زوجی و تحلیل نظر دوازده خبره منتخب در دانشگاه مازندران، نتایج به دست آمده در غالب جداول و شکل نمایش داده شده است. در واقع در جدول ۲، ماتریس اولیه روابط مستقیم فازی و در جدول ۳ ماتریس روابط مستقیم نرمال فازی قابل مشاهده است. پس از محاسبه ماتریس روابط کل (T) توسط فرمول  $T = D(I - D)^{-1}$ ، این ماتریس در جدول ۴ نشان داده شده است. در جدول ۵ ماتریس روابط کل (T) به دست آمده فازی به اعداد غیرفازی تبدیل و ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس فازی ارتباطات مستقیم میان معیارهای مورد بررسی

(C <sub>11</sub> )	(C <sub>10</sub> )	(C <sub>9</sub> )	(C <sub>8</sub> )	(C <sub>7</sub> )	(C <sub>6</sub> )	(C <sub>5</sub> )	(C <sub>4</sub> )	(C <sub>3</sub> )	(C <sub>2</sub> )	(C <sub>1</sub> )	
(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(C <sub>1</sub> )
(۰,۵۸,۰,۸۳,۰,۹۶)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۲۱,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>2</sub> )
(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۶۳,۰,۸۸,۰,۹۲)	(۰,۵,۰,۷۵)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>3</sub> )
(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۸,۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۲۸,۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۰)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(۰,۴,۰,۱۳,۰,۲۸)	(۰,۰)	(۰,۲۵,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>4</sub> )
(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۱,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(C <sub>5</sub> )
(۰,۸,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۲,۰,۴۶)	(۰,۲۲,۰,۴۶)	(۰,۰)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(C <sub>6</sub> )
(۰,۵,۰,۷۵,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۸,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(C <sub>7</sub> )
(۰,۵۴,۰,۷۹,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(C <sub>8</sub> )
(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۱۳,۰,۳۸,۰,۶۳)	(۰,۰)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲۳,۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(C <sub>9</sub> )
(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۳۳,۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲,۰,۲۱)	(۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(C <sub>10</sub> )
(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۵,۰,۷۵,۰,۹۶)	(۰,۲,۰,۲۱)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(C <sub>11</sub> )

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۳. ماتریس نرمال فازی ارتباطات مستقیم میان معیارهای مورد بررسی

(C <sub>11</sub> )	(C <sub>10</sub> )	(C <sub>9</sub> )	(C <sub>8</sub> )	(C <sub>7</sub> )	(C <sub>6</sub> )	(C <sub>5</sub> )	(C <sub>4</sub> )	(C <sub>3</sub> )	(C <sub>2</sub> )	(C <sub>1</sub> )	
(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(C <sub>1</sub> )
(۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۲۱,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>2</sub> )
(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۶۳,۰,۸۸,۰,۹۲)	(۰,۵,۰,۷۵)	(۰,۲۳,۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>3</sub> )
(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۸,۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۲۸,۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۰)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(۰,۴,۰,۱۳,۰,۲۸)	(۰,۰)	(۰,۲۵,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(C <sub>4</sub> )
(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۱,۰,۴۶,۰,۷۱)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(C <sub>5</sub> )
(۰,۸,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۲,۰,۴۶)	(۰,۲۲,۰,۴۶)	(۰,۰)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(C <sub>6</sub> )
(۰,۵,۰,۷۵,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۸,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(C <sub>7</sub> )
(۰,۵۴,۰,۷۹,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۰)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۲۵,۰,۵۰,۷۵)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(C <sub>8</sub> )
(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۱۳,۰,۳۸,۰,۶۳)	(۰,۰)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲۳,۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۴,۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(C <sub>9</sub> )
(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۴۶,۰,۷۱,۰,۹۶)	(۰,۳۳,۰,۵۸,۰,۸۳)	(۰,۶۳,۰,۸۸)	(۰,۲۹,۰,۵۴,۰,۷۹)	(۰,۲,۰,۲۱)	(۰,۲۵,۰,۵۰)	(۰,۴,۰,۲۹,۰,۵۴)	(C <sub>10</sub> )
(۰,۰)	(۰,۰)	(۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۴۲,۰,۶۷,۰,۹۲)	(۰,۰)	(۰,۱۳,۰,۳۸)	(۰,۵,۰,۷۵,۰,۹۶)	(۰,۲,۰,۲۱)	(۰,۱۷,۰,۴۲)	(۰,۲۱,۰,۴۶)	(C <sub>11</sub> )

مأخذ: همان.



جدول ۴. ماتریس فازی ارتباطات کامل میان معیارهای موردبررسی

(C <sub>11</sub> )	(C <sub>10</sub> )	(C <sub>9</sub> )	(C <sub>8</sub> )	(C <sub>7</sub> )	(C <sub>6</sub> )	(C <sub>5</sub> )	(C <sub>4</sub> )	(C <sub>3</sub> )	(C <sub>2</sub> )	(C <sub>1</sub> )
(۰٫۲، ۰٫۴)	(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۶)	(۰٫۱، ۰٫۲۱، ۰٫۴)	(۰٫۱۱، ۰٫۲۲، ۰٫۴۱)	(۰٫۱، ۰٫۱۹، ۰٫۲۹)	(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۵)	(۰٫۷، ۰٫۱۶، ۰٫۲۶)	(۰٫۹، ۰٫۱۶، ۰٫۲۲)	(۰٫۹، ۰٫۱۶، ۰٫۲۲)	(۰٫۸، ۰٫۱۵، ۰٫۲۳)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۹)
(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۶)	(۰٫۸، ۰٫۱۶، ۰٫۲۳)	(۰٫۹، ۰٫۱۹، ۰٫۲۷)	(۰٫۱، ۰٫۱۹، ۰٫۲۸)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۴)	(۰٫۹، ۰٫۱۶، ۰٫۲۲)	(۰٫۹، ۰٫۱۶، ۰٫۲۴)	(۰٫۶، ۰٫۱۳، ۰٫۲۹)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۹)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۹)	(۰٫۱، ۰٫۶، ۰٫۲۱)
(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۶)	(۰٫۴، ۰٫۱۱، ۰٫۲۹)	(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۵)	(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۵)	(۰٫۶، ۰٫۱۴، ۰٫۲۳)	(۰٫۸، ۰٫۱۴، ۰٫۲۹)	(۰٫۶، ۰٫۱۳، ۰٫۲۳)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۸)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۲۱)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۹)
(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۷)	(۰٫۳، ۰٫۰۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۷)	(۰٫۵، ۰٫۱۲، ۰٫۲۹)	(۰٫۵، ۰٫۱۱، ۰٫۲۸)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۲)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۲)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۳، ۰٫۲۷، ۰٫۲۱)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۸)	(۰٫۱، ۰٫۳، ۰٫۱۶)
(۰٫۹، ۰٫۱۸، ۰٫۲۷)	(۰٫۸، ۰٫۱۶، ۰٫۲۴)	(۰٫۱، ۰٫۱۹، ۰٫۳۷)	(۰٫۸، ۰٫۱۷، ۰٫۲۸)	(۰٫۵، ۰٫۱۳، ۰٫۲۴)	(۰٫۹، ۰٫۱۷، ۰٫۳۲)	(۰٫۲، ۰٫۱۷، ۰٫۲۵)	(۰٫۸، ۰٫۱۴، ۰٫۲۳)	(۰٫۸، ۰٫۱۴، ۰٫۲۳)	(۰٫۵، ۰٫۱۲، ۰٫۲۸)	(۰٫۴، ۰٫۱، ۰٫۲۵)
(۰٫۳، ۰٫۱۲، ۰٫۲۸)	(۰٫۲، ۰٫۰۸، ۰٫۲۵)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۷)	(۰٫۲، ۰٫۰۹، ۰٫۲۸)	(۰٫۸، ۰٫۱۸، ۰٫۲۷)	(۰٫۲، ۰٫۰۶، ۰٫۱۹)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۹)	(۰٫۶، ۰٫۱۱، ۰٫۲۶)	(۰٫۶، ۰٫۱۱، ۰٫۲۶)	(۰٫۵، ۰٫۱، ۰٫۲۴)	(۰٫۵، ۰٫۱، ۰٫۲۳)
(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۷)	(۰٫۳، ۰٫۰۹، ۰٫۲۷)	(۰٫۶، ۰٫۱۱، ۰٫۲۷)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۸)	(۰٫۱، ۰٫۴، ۰٫۱۸)	(۰٫۱، ۰٫۴، ۰٫۱۸)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۱)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۲۱)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۲۱)	(۰٫۱، ۰٫۶، ۰٫۲۱)
(۰٫۷، ۰٫۱۴، ۰٫۲۳)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۱، ۰٫۰۷، ۰٫۲۳)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۳، ۰٫۰۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۳، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۵، ۰٫۲)	(۰٫۴، ۰٫۱، ۰٫۲۳)
(۰٫۸، ۰٫۱۵، ۰٫۲۸)	(۰٫۳، ۰٫۰۹، ۰٫۲۵)	(۰٫۲، ۰٫۰۷، ۰٫۲۳)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۷)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲۶)	(۰٫۵، ۰٫۱۹)	(۰٫۱، ۰٫۶، ۰٫۱۹)
(۰٫۲، ۰٫۰۹، ۰٫۲۶)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۹)	(۰٫۲، ۰٫۰۹، ۰٫۲۶)	(۰٫۸، ۰٫۱۵، ۰٫۲۳)	(۰٫۶، ۰٫۱۲، ۰٫۲)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۲۵)	(۰٫۷، ۰٫۱۳، ۰٫۲۸)	(۰٫۳، ۰٫۰۹، ۰٫۲۳)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۸)	(۰٫۱، ۰٫۶، ۰٫۱۹)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۸)
(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۹)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۱۸)	(۰٫۷، ۰٫۱۴، ۰٫۲۸)	(۰٫۵، ۰٫۱۲، ۰٫۲۸)	(۰٫۵، ۰٫۱۱، ۰٫۲۷)	(۰٫۴، ۰٫۱۲، ۰٫۱۸)	(۰٫۱، ۰٫۵، ۰٫۲)	(۰٫۵، ۰٫۱۲، ۰٫۲۳)	(۰٫۳، ۰٫۲۹، ۰٫۱۶)	(۰٫۱، ۰٫۴، ۰٫۱۶)	(۰٫۱، ۰٫۴، ۰٫۱۶)

مأخذ: همان.

جدول ۵. ماتریس دی فازی ارتباطات کامل (با لحاظ ارزش آستانه)

(C <sub>11</sub> )	(C <sub>10</sub> )	(C <sub>9</sub> )	(C <sub>8</sub> )	(C <sub>7</sub> )	(C <sub>6</sub> )	(C <sub>5</sub> )	(C <sub>4</sub> )	(C <sub>3</sub> )	(C <sub>2</sub> )	(C <sub>1</sub> )
۰٫۲۳۳۰	۰٫۲۰۷۵	۰٫۲۳۹۲	۰٫۲۴۵۰	۰٫۲۲۷۰	۰٫۲۰۴۹	۰٫۱۹۴۲	۰٫۱۸۹۵	۰٫۱۸۷۸	۰٫۱۷۶۰	۰٫۰۸۲۰
۰٫۲۰۸۱	۰٫۱۹۰۰	۰٫۲۱۷۶	۰٫۲۲۲۴	۰٫۱۷۰۹	۰٫۱۸۹۳	۰٫۱۹۵۳	۰٫۱۵۷۷	۰٫۱۵۷۷	۰٫۰۸۱۳	۰٫۰۹۰۵
۰٫۲۰۳۲	۰٫۱۴۹۶	۰٫۲۰۵۹	۰٫۲۰۸۶	۰٫۱۸۰۳	۰٫۱۶۹۸	۰٫۱۷۰۳	۰٫۱۲۷۴	۰٫۰۷۹۳	۰٫۰۸۹۰	۰٫۰۸۳۲
۰٫۱۳۵۸	۰٫۱۲۵۲	۰٫۱۳۷۰	۰٫۱۵۲۸	۰٫۱۴۴۶	۰٫۰۸۸۵	۰٫۰۹۲۷	۰٫۰۶۱۵	۰٫۱۰۲۱	۰٫۰۸۰۱	۰٫۰۶۴۳
۰٫۲۱۳۶	۰٫۱۹۳۴	۰٫۲۲۲۱	۰٫۲۱۰۶	۰٫۱۷۲۴	۰٫۱۹۴۸	۰٫۱۱۸۰	۰٫۱۱۶۴	۰٫۱۷۳۲	۰٫۱۴۹۶	۰٫۱۲۵۴
۰٫۱۳۵۱	۰٫۱۱۵۶	۰٫۱۵۵۳	۰٫۱۳۲۲	۰٫۱۱۹۸	۰٫۰۸۹۰	۰٫۱۵۷۹	۰٫۰۸۵۷	۰٫۱۴۲۸	۰٫۱۳۴۲	۰٫۱۲۵۱
۰٫۱۴۹۱	۰٫۱۱۷۲	۰٫۱۴۷۵	۰٫۱۵۱۴	۰٫۰۷۸۰	۰٫۰۷۴۰	۰٫۰۹۶۲	۰٫۰۶۷۸	۰٫۰۶۲۴	۰٫۰۵۹۱	۰٫۰۶۶۹
۰٫۱۷۰۳	۰٫۱۳۳۴	۰٫۱۶۷۴	۰٫۱۰۴۳	۰٫۱۶۱۱	۰٫۱۲۵۰	۰٫۱۳۰۶	۰٫۰۹۶۳	۰٫۰۹۱۳	۰٫۰۸۴۶	۰٫۰۷۴۸
۰٫۱۸۲۶	۰٫۱۲۰۴	۰٫۱۰۴۹	۰٫۱۸۶۸	۰٫۱۶۳۷	۰٫۱۳۰۸	۰٫۱۳۹۵	۰٫۰۹۵۴	۰٫۰۹۵۹	۰٫۰۷۹۱	۰٫۰۸۵۰
۰٫۱۲۱۰	۰٫۰۸۳۱	۰٫۱۲۰۸	۰٫۱۸۳۶	۰٫۱۵۷۷	۰٫۱۳۲۹	۰٫۱۵۹۸	۰٫۱۱۵۷	۰٫۰۷۸۱	۰٫۰۸۵۹	۰٫۰۷۸۲
۰٫۰۸۳۴	۰٫۰۸۸۱	۰٫۱۶۴۱	۰٫۱۵۰۱	۰٫۱۴۳۲	۰٫۰۷۴۰	۰٫۰۸۳۷	۰٫۱۲۵۹	۰٫۰۶۳۷	۰٫۰۶۷۳	۰٫۰۶۵۹

مأخذ: همان.

در جدول ذیل مقادیر نهایی و دی فازی  $(d_i - r_i)$  و  $(d_i + r_i)$  ارائه شده است. به طور کلی اگر  $(d_i - r_i)$  مثبت باشد، معیار مربوط به گروه محرک (علی) قرار می‌گیرد و اگر  $(d_i - r_i)$  منفی باشد معیار جز گروه وابسته قرار می‌گیرد. در ادامه نیز نمودار علی روابط میان متغیرهای رسم و در آن متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر مشخص می‌شود.

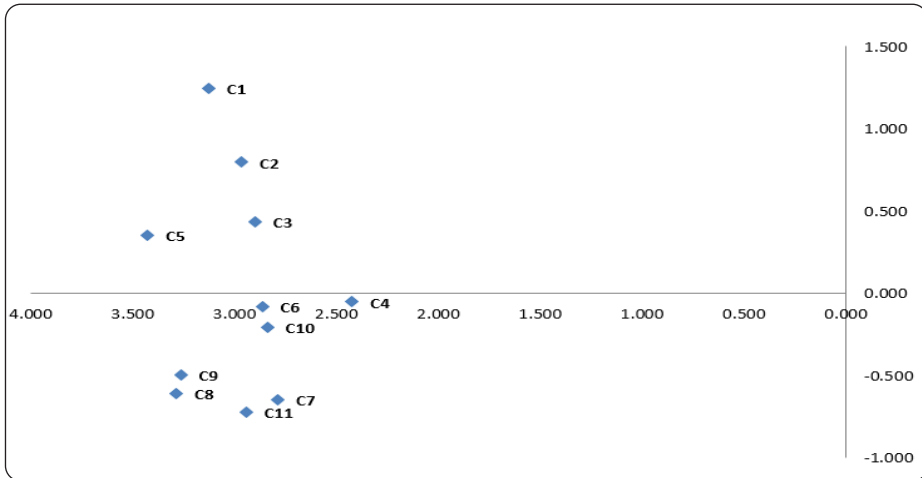
جدول ۶. جمع مقادیر سطر و ستون برای معیارها و مقادیر  $(D_i + R_i)$  و  $(D_i - R_i)$

$(D_i - R_i)$	$(D_i + R_i)$	$R_i$	$D_i$	اختصار	معیارهای مورد بررسی
۱,۲۴۴۷۵۶	۳,۱۲۷۶۰۱	۰,۹۴۱۴۲۲	۲,۱۸۶۱۷۹	$(C_1)$	چشم‌انداز و مأموریت
۰,۷۹۴۶۷۲	۲,۹۶۶۹۹۲	۱,۰۸۶۱۶۰	۱,۸۸۰۸۳۲	$(C_2)$	حاکمیت و اداره در دانشگاه
۰,۴۳۲۲۹۵	۲,۹۰۱۱۶۹	۱,۲۳۴۴۳۷	۱,۶۶۶۷۳۲	$(C_3)$	ساختار و طرح سازمانی
-۰,۰۵۴۷۸۰	۲,۴۲۴۰۴۸	۱,۲۳۹۴۱۴	۱,۱۸۴۶۳۴	$(C_4)$	چندرشته‌ای فرارشته‌ای بودن
۰,۳۵۱۲۹۶	۳,۴۲۷۴۶۸	۱,۵۳۸۰۸۶	۱,۸۸۹۳۸۲	$(C_5)$	قدرت نفوذ دانشگاه
-۰,۰۸۰۵۵۴	۲,۸۶۵۳۸۳	۱,۴۷۲۹۶۸	۱,۳۹۲۴۱۵	$(C_6)$	مدیریت ذینفعان دانشگاه
-۰,۶۴۹۱۶۲	۲,۷۸۸۲۰۲	۱,۷۱۸۶۸۲	۱,۰۶۹۵۲۰	$(C_7)$	دانش‌آموختگان دانشگاه
-۰,۰۸۵۶۸	۳,۲۸۶۶۹۷	۱,۹۴۷۶۳۳	۱,۳۳۹۰۶۵	$(C_8)$	انتقال دانش دانشگاه
-۰,۴۹۷۵۳۷	۳,۲۶۵۸۳۸	۱,۸۸۱۶۸۷	۱,۳۸۴۱۵۱	$(C_9)$	مرکز رشد، تأمین مالی
-۰,۲۰۶۵۶۳	۲,۸۴۰۱۸۴	۱,۵۲۳۳۷۳	۱,۳۱۶۸۱۰	$(C_{10})$	بین‌المللی‌سازی در دانشگاه
-۰,۷۲۵۸۵۷	۲,۹۴۴۵۳۰	۱,۸۳۵۱۹۳	۱,۱۰۹۳۳۶	$(C_{11})$	آموزش کارآفرینانه

مأخذ: همان.

نقشه استراتژی برای متغیرهای تحقیق در نقشه ذیل ارائه شده است. مقدار آستانه برای درایه ماتریس T (برای پذیرش روابط قابل اغماض) که از طریق بحث با کارشناسان به دست می‌آید (۰/۱۴۰)، در تعیین روابط معنادار در نظر گرفته شده است. در واقع از روابط میان متغیرها، متغیرهای کمتر از ارزش آستانه حذف خواهند شد.

نقشه ۱. ترسیم نقشه مکانی عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین



Source: Gibb, 2012.

براساس نتایج آزمون دیمتل فازی می توان دریافت که رتبه بندی مقادیر  $(d_i + r_j)$  برای شاخص های مورد بررسی، سه شاخص برتر عبارت اند از: متغیر قدرت نفوذ دانشگاه (۳/۴۲۷)، متغیر انتقال دانش دانشگاه (۳/۲۸۶) و مرکز رشد، تأمین مالی (۳/۲۶۵). همچنین رتبه بندی مقادیر  $(d_i - r_j)$  برای شاخص های مورد بررسی، سه شاخص برتر عبارت اند از: متغیر چشم انداز و مأموریت (۱/۲۴۴)، متغیر حاکمیت و اداره در دانشگاه (۵/۷۹۴) و ساختار و طرح سازمانی (۵/۴۳۲). بر این اساس، متغیر قدرت نفوذ دانشگاه نقش مرکزی (دربگیرنده بیشترین مقدار  $(d_i + r_j)$ ) دارد. به عبارت دیگر این متغیر بیشترین مقدار ارتباط با سایر متغیرها را دارد.

#### ۴-۲. وزن اثر عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین

در جدول ۷، اوزان نرمال نهایی و رتبه نهایی عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین براساس تکنیک دیمتل ارائه شد. در واقع نتایج سیستم وزن دهی نفوذ معیارها نشان داد که در این مطالعه از یازده شاخص مورد بررسی در دانشگاه مازندران؛ اولویت مؤلفه ها و رتبه بندی آن

براساس وزن حاصله، متغیر قدرت نفوذ دانشگاه بیشترین وزن و رتبه و متغیر چندرشته‌ای فرارشته‌ای بودن کمترین وزن و رتبه را به خود اختصاص داده است.

جدول ۷. وزن عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین

رتبه	وزن نرمال	وزن کل	اختصار	معیارهای مورد بررسی
۲	۰٫۱۰۰۴۹۳	۳٫۳۶۶۲۰	(C <sub>1</sub> )	چشم‌انداز و مأموریت
۵	۰٫۰۹۱۶۹۷	۳٫۰۷۱۵۷	(C <sub>2</sub> )	حاکمیت و اداره در دانشگاه
۷	۰٫۰۸۷۵۶۷	۲٫۹۳۳۲۰	(C <sub>3</sub> )	ساختار و طرح سازمانی
۱۱	۰٫۰۷۲۳۸۵	۲٫۴۲۴۶۷	(C <sub>4</sub> )	چندرشته‌ای فرارشته‌ای بودن
۱	۰٫۱۰۲۸۵۸	۳٫۴۴۵۴۲	(C <sub>5</sub> )	قدرت نفوذ دانشگاه
۸	۰٫۰۸۵۵۷۶	۲٫۸۶۶۵۲	(C <sub>6</sub> )	مدیریت ذینفعان دانشگاه
۹	۰٫۰۸۵۴۶۴	۲٫۸۶۲۷۷	(C <sub>7</sub> )	دانش‌آموختگان دانشگاه
۳	۰٫۰۹۹۷۸۸	۳٫۳۴۲۵۶	(C <sub>8</sub> )	انتقال دانش دانشگاه
۴	۰٫۰۹۸۶۲۲	۳٫۳۰۳۵۲	(C <sub>9</sub> )	مرکز رشد، تأمین مالی
۱۰	۰٫۰۸۵۰۱۴	۲٫۸۴۷۶۹	(C <sub>10</sub> )	بین‌المللی‌سازی در دانشگاه
۶	۰٫۰۹۰۵۳۶	۳٫۰۳۲۶۸	(C <sub>11</sub> )	آموزش کارآفرینانه

مأخذ: همان.

### ۳-۴. یافته‌های روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی

پس از جمع‌آوری و جمع‌بندی داده‌های به دست‌آمده از پرسشنامه‌ها، برای محاسبه تمامی ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم بین مؤلفه‌های تحقیق (در اینجا خروجی آزمون دیمتل فازی) مطابق با گام‌های روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی، بعد از آنکه شدت آستانه تعیین شد، تمامی مقادیر ماتریس  $T$  که کوچک‌تر از آستانه باشد صفر شده است، یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود. از این لحاظ ارزش آستانه در این تحقیق مقدار ۰/۱۴۰ است.

همان‌گونه که در روش تحقیق بیان شد، در مرحله دوم؛ ماتریس به دست‌آمده در

مرحله اول را با ماتریس واحد جمع می‌کنیم و ماتریس دسترسی اولیه به دست می‌آید.

- **ماتریس دسترسی نهایی:** پس از اینکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن هم برقرار باشد. براین اساس باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. در ماتریس دسترسی نهایی خانه‌هایی که با علامت \* مشخص شده نشانگر ارتباط غیرمستقیم میان دو مؤلفه متناظر است. جدول ۸ حاوی تمامی روابط اعم از روابط مستقیم و غیرمستقیم مابین مؤلفه‌هاست که به حالت پایدار رسیده است.

جدول ۸. ماتریس دسترسی نهایی

***	(C <sub>1</sub> )	(C <sub>2</sub> )	(C <sub>3</sub> )	(C <sub>4</sub> )	(C <sub>5</sub> )	(C <sub>6</sub> )	(C <sub>7</sub> )	(C <sub>8</sub> )	(C <sub>9</sub> )	(C <sub>10</sub> )	(C <sub>11</sub> )
(C <sub>1</sub> )	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
(C <sub>2</sub> )	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
(C <sub>3</sub> )	۰	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
(C <sub>4</sub> )	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱*	۰	۱*
(C <sub>5</sub> )	۰	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
(C <sub>6</sub> )	۰	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱*
(C <sub>7</sub> )	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱
(C <sub>8</sub> )	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱
(C <sub>9</sub> )	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱
(C <sub>10</sub> )	۰	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱*
(C <sub>11</sub> )	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱

مأخذ: همان.

برای تعیین سطح و اولویت متغیرها مجموعه‌های دستیابی و ۲ پیش‌نیاز برای هر عامل تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی هر عامل شامل عواملی می‌شود که از طریق این عامل می‌توان به آن رسید و مجموعه پیش‌نیاز شامل عواملی می‌شود که از طریق آنها می‌توان به این عوامل رسید. این کار با استفاده از ماتریس دستیابی انجام می‌شود. عواملی که در بالاترین سطح (سطح ۱) قرار می‌گیرند تحت تأثیر سایر عوامل بوده و عامل دیگری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. در اولین جدول عاملی دارای

بالاترین سطح است که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین این عامل یا عوامل، آنها از جدول حذف می‌شوند و با سایر عوامل باقی‌مانده، جدول بعدی تشکیل می‌شود. در جدول دوم نیز همانند جدول اول عامل سطح ۲ مشخص می‌شود. این عوامل سطح ۱ را تحت تأثیر قرار می‌دهند و خود تحت تأثیر عوامل سطح ۳ هستند. این کار تا تعیین سطح تمام عوامل ادامه می‌یابد. به دلیل حجم بالای مقاله از ارائه همه جداول خودداری و همه موارد در یک جدول ارائه شده است.

جدول ۹. تعیین سطوح ابعاد در سلسله‌مراتب مدل‌سازی ساختاری تفسیری

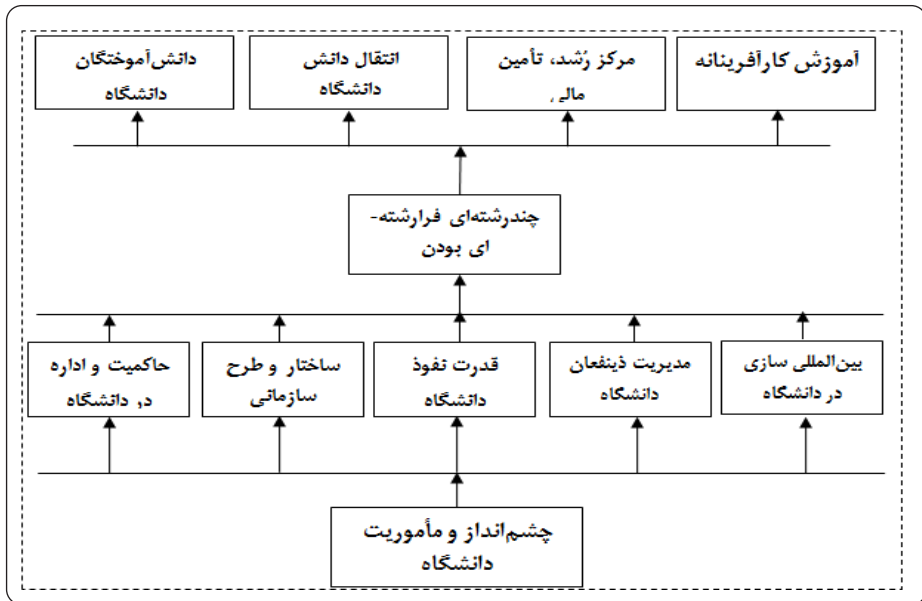
سطح	م.مشترک	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	متغیرها
۴	۱	۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	چشم‌انداز و مأموریت
۳	۱۰-۶-۵-۳-۲	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	حاکمیت و اداره در دانشگاه
۳	۱۰-۶-۵-۳-۲	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	ساختار و طرح سازمانی
۲	۴	۱۰-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۱-۹-۸-۷-۶	چند رشته‌ای فرا رشته‌ای بودن
۳	۱۰-۶-۵-۳-۲	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	قدرت نفوذ دانشگاه
۳	۱۰-۶-۵-۳-۲	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	مدیریت ذینفعان دانشگاه
۱	۱۱-۹-۸-۷	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۱-۹-۸-۷	دانش‌آموختگان دانشگاه
۱	۱۱-۹-۸-۷	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۱-۹-۸-۷	انتقال دانش دانشگاه
۱	۱۱-۹-۸-۷	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۱-۹-۸-۷	مرکز رشد، تأمین مالی
۳	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	بین‌المللی سازی در دانشگاه
۱	۱۱-۹-۸-۷	۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۱-۹-۸-۷	آموزش کارآفرینانه

مأخذ: همان.

پس از تعیین روابط و سطوح متغیرها در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان آنها را ترسیم کرد. شکل زیر به‌عنوان مدل نهایی پژوهش بوده و نمایانگر مدل روابط عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین در جامعه تحت مطالعه با نگرش ساختاری - مقایسه‌ای است. در پژوهش حاضر متغیرها در چهار سطح شناسایی شده‌اند. در بالاترین سطح، مؤلفه‌های دانش‌آموختگان دانشگاه، انتقال دانش دانشگاه، مرکز رشد، تأمین مالی و آموزش کارآفرینانه قرار گرفته است و در پایین‌ترین سطح، مؤلفه

چشم انداز و مأموریت قرار دارد. تمامی ارتباطات بین متغیرها در شکل زیر نشان داده شده است.

شکل ۲. مدل سازی ساختاری تفسیری تحقیق برای عوامل توسعه دانشگاه کارآفرین



مأخذ: یافته های تحقیق.

- تحلیل نمودار میک مک: در واقع این روش در تحلیل یافته ها با هدف شناسایی میزان قدرت وابستگی و نفوذ عناصر سیستم در تحلیل های ساختاری به کار می رود. به این ترتیب که مجموع سطری تعداد روابط (اعم از روابط مستقیم و غیرمستقیم شناسایی شده برای هر مؤلفه) در ماتریس دستیابی نهایی در جدول ۱۰، نشانگر میزان قدرت نفوذ آن مؤلفه، و مجموع ستونی تعداد روابط مستقیم و غیرمستقیم در ماتریس جدول مذکور، نشانگر میزان قدرت وابستگی آن مؤلفه است. اعداد به دست آمده برای هر شاخص به صورت جداگانه در دسته بندی اجزای سیستم از لحاظ قدرت نفوذ و وابستگی در نمودار ۱ ظاهر شده اند.

جدول ۱۰. قدرت وابستگی و نفوذ عناصر سیستم

متغیرها	اختصار	قدرت نفوذ	قدرت وابستگی	سطح
چشم‌انداز و مأموریت	(C <sub>1</sub> )	۱۱	۱	۴
حاکمیت و اداره در دانشگاه	(C <sub>2</sub> )	۱۰	۶	۳
ساختار و طرح سازمانی	(C <sub>3</sub> )	۱۰	۶	۳
چند رشته‌ای فرارشته‌ای بودن	(C <sub>4</sub> )	۵	۷	۲
قدرت نفوذ دانشگاه	(C <sub>5</sub> )	۱۰	۶	۳
مدیریت ذینفعان دانشگاه	(C <sub>6</sub> )	۱۰	۶	۳
دانش‌آموختگان دانشگاه	(C <sub>7</sub> )	۴	۱۱	۱
انتقال دانش دانشگاه	(C <sub>8</sub> )	۴	۱۱	۱
مرکز رشد، تأمین مالی	(C <sub>9</sub> )	۴	۱۱	۱
بین‌المللی سازی در دانشگاه	(C <sub>10</sub> )	۱۰	۶	۳
آموزش کارآفرینانه	(C <sub>11</sub> )	۴	۱۱	۱

مأخذ: همان.

در تجزیه و تحلیل نفوذ - وابستگی؛ متغیرها برحسب قدرت نفوذ و وابستگی به چهار دسته تقسیم شدند. دسته اول شامل متغیرهای خودمختار است که در تحقیق حاضر هیچ متغیری در این دسته قرار نگرفته است. در دسته دوم، مؤلفه‌های وابسته سیستم قرار دارند که عبارت‌اند از: چندرشته‌ای فرارشته‌ای بودن، دانش‌آموختگان دانشگاه، انتقال دانش دانشگاه، مرکز رشد، تأمین مالی و آموزش کارآفرینانه و سومین دسته متغیرهای پیوندی هستند که دارای قدرت نفوذ زیاد و وابستگی زیادند. در تحقیق حاضر هیچ متغیری در این دسته قرار نگرفته است. چهارمین دسته شامل متغیرهای مستقل هستند که دارای قدرت نفوذ قوی ولی وابستگی ضعیف‌اند (نفوذ). متغیرهای چشم‌انداز و مأموریت، حاکمیت و اداره در دانشگاه، ساختار و طرح سازمانی، قدرت نفوذ دانشگاه، مدیریت ذی‌نفعان دانشگاه و بین‌المللی سازی در دانشگاه در این دسته قرار دارند.





و اهمیت است. در نهایت نیز نتایج آزمون رهیافت مدل سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر دیمتل فازی نشان داد که متغیرها در چهار سطح طبقه بندی شدند که در این بین متغیر چشم انداز و مأموریت به عنوان عامل زیربنایی و دارای قدرت نفوذ قوی معرفی شد. با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و اهمیت موضوع دانشگاه کارآفرین، موارد ذیل به عنوان پیشنهادهایی برای بهبود و توسعه دانشگاه کارآفرین ارائه می شود:

بیانیه های مأموریت و استراتژی های رایج انتشار یافته بسیاری از دانشگاه ها در سراسر دنیا دربرگیرنده واژه های «سرمایه گذاری» یا «کارآفرینی» است. متون متعددی در ارتباط با این تعهد وجود دارند که دربرگیرنده نگرانی ها و توجهات دانشگاه هستند که باید در تصمیمات دانشگاه لحاظ شود که عبارت اند از: تبادل و انتقال دانش؛ حمایت و پشتیبانی از توسعه تحقیقات؛ سطح و ماهیت کسب و کار و تعهد و مشارکت با جامعه؛ نیاز به رقابت به صورت بین المللی؛ توسعه سرمایه گذاری دانشجویان در برنامه های اشتغال؛ و در نهایت افزایش دارایی / درآمد از منابع غیردولتی. همچنین از نکات مهمی که باید به آن نگاه ویژه ای داشت اندیشه و تفکر سرمایه گذاری است که به صورت رسمی و غیررسمی به عنوان بخشی از ایده و مقصود دانشگاه پذیرفته شده است و با دیدگاه های استقلال دانشگاه بیگانه نیست.

به نظر می رسد موضوعات عمده در شکل دهی پیوستگی و یکسان سازی سرمایه گذاری و کارآفرینی در برنامه راهبردی دانشگاه مربوط به مأموریت بیان شده دانشگاه، میزان نگرانی دانشگاه برای مرتبط بودن نتایج تحقیقاتی؛ شناخت دانشگاه از نقش ها و سطح تعهدات در پرداختن به مسائل اجتماعی؛ استحکام و قوت تعهد دانشگاه در انتقال و تبادل دانش؛ تعهد مرتبط با توسعه کسب و کار و تمرکز آن بر اشتغال دانش آموختگان باشد. به نظر می رسد چالش اصلی، یکپارچه سازی کامل این نگرانی ها و علایق در جزئیات یک برنامه است.

عناصر سازمانی مهمی وجود دارند که باید برای کارآفرینی در دانشگاه به آن توجه شود؛ این موارد عبارت است از: حمایت و پشتیبانی مدیریتی و سازمانی از فعالیت های کارآفرینانه در دانشگاه. این حمایت باید شامل مشارکت، تشویق و ترغیب، حمایت، تعهد،

سبک مدیریت ارشد، کارگزینی و دادن پاداش به فعالیت های سرمایه گذاری و مخاطره ای باشد و مدیران دانشگاه باید توجه ویژه ای به آن داشته باشند.

دانشگاه ها می توانند به گونه ای طراحی شوند که مانع رفتار سرمایه گذاری / کارآفرینی شوند یا طوری طراحی شوند که تسهیل کننده آن باشند. عوامل کلیدی و اصلی که می توانند تسهیل کننده رفتار سرمایه گذاری / کارآفرینی شوند عبارت اند از: تمرکززدایی از سطوح تصمیم گیری و مسئولیت راهبردها و عملیات ها.

یکی از موانعی که در مسیر موفقیت شرکت های مشتق از دانشگاه وجود دارد، فقدان سرمایه لازم برای سرمایه گذاری است. جریان منفی نقدینگی در سرمایه گذاری های تجاری فناوری بنیان دست کم می تواند سال ها به طول بیانجامد. بنابراین دانشگاه ها باید نظر شرکت های خصوصی را به سمت خود جلب کنند و از منابع خود به طور مناسب استفاده کنند.

## منابع و مآخذ

۱. برادران، مسعود، بهاره عابدی، بهمن خسروی پور، جعفر یعقوبی و مسعود یزدان پناه (۱۳۹۶). «تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه مدیریت آموزش کشاورزی»، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۹(۴۰).
۲. حاجی پور، بهمن، سید محمود حسنی و ساسان زارع (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در رقابت انتخاباتی با استفاده از روش مدل سازی ساختاری - تفسیری ISM؛ مورد مطالعه: رقابت انتخاباتی مجلس شورای اسلامی شهر تهران»، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹(۷۰).
۳. صمدی میارکلانی، حمزه و حسین صمدی میارکلانی (۱۳۹۲). «نظریه ها و الگوهای ارتباط میان دانشگاه ها و صنعت در اقتصاد دانش بنیان»، پارک ها و مراکز رشد، ۹(۳۵).
۴. صمدی میارکلانی، حسین، حسنعلی آقاجانی و حمزه صمدی میارکلانی (۱۳۹۴ الف). «بررسی و تبیین ظرفیت کارآفرینانه دانشگاه های منتخب استان مازندران»، مدیریت دولتی، ۷(۱).
۵. --- (۱۳۹۴ ب). «تبیین ظرفیت و فرهنگ کارآفرینانه در دانشگاه علوم پزشکی بابل از طریق روش تحلیل فازی»، آموزش در علوم پزشکی، ۱۵(۲۱).
۶. صمدی میارکلانی، حسین و حمزه صمدی میارکلانی (۱۳۹۴). «ترسیم نقشه روابط علی عوامل توسعه ظرفیت دانشگاه کارآفرین به عنوان مرکز تولید دانش براساس تکنیک آزمایش و ارزیابی تصمیم گیری»، مدیریت اطلاعات و دانش شناسی، ۲(۴).
۷. ضیاء، بابک و مهدی تاج پور (۱۳۹۴). «طراحی و تبیین مدل جامع کارآفرینی دانشگاهی در پارک علم و فناوری دانشگاه تهران»، مدیریت اجرایی، ۷(۱۴).
۸. فکور، بهمن (۱۳۸۸). «کارآفرینی دانشگاهی (مفهوم، زمینه های پیدایش و نحوه دستیابی)»، فصلنامه رشد و فناوری، ش ۲۰.
۹. نوروزی، خلیل، مصباح الهدی باقری، حمیدرضا محمدی، رضا پاینده و محمد نوروزی (۱۳۹۳). «استخراج ابعاد و شبکه بندی مؤلفه های ساختاری دانشگاه کارآفرین: رویکردی میان رشته ای»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۸(۳).
10. Audretsch, D. B. (2014). "From the Entrepreneurial University to the University for the Entrepreneurial Society", *The Journal of Technology Transfer*, 39(3).

11. Cooke, P. and L. Leydesdorff (2006). Regional Development in the Knowledge-Based Economy: The Construction of Advantage, *The Journal of Technology Transfer*, 31(1).
12. Chen, F. H., T. S. Hsu and G. H. Tzeng (2011). “A Balanced Scorecard Approach to Establish a Performance Evaluation and Relationship Model for Hot Spring Hotels Based on a Hybrid MCDM Model Combining DEMATEL and ANP”, *International Journal of Hospitality Management*, 30(4).
13. D’este, P. and M. Perkmann (2011). “Why do Academics Engage With Industry? The Entrepreneurial University and Individual Motivations”, *The Journal of Technology Transfer*, 36(3).
14. Etzkowitz, H. (2004). “The Evolution of the Entrepreneurial University”, *International Journal of Technology and Globalisation*, 1(1).
15. Etzkowitz, H. and L. Leydesdorff (2000). “The Dynamics of Innovation: From National Systems and “Mode 2” to A Triple Helix Of University–Industry–Government Relations”, *Research Policy*, 29(2).
16. Gibb, A. (2005). “Towards the Entrepreneurial University. Entrepreneurship Education as a Lever for Change. National Council for Graduate Entrepreneurship”, *Policy Paper*, 3.
17. --- (2012). “Exploring the Synergistic Potential in Entrepreneurial University Development: Towards The Building of a Strategic Framework”, *Annals of Innovation and Entrepreneurship*, 3.
18. Guerrero, M., D. Urbano, J. Cunningham and D. Organ (2014). “Entrepreneurial Universities in Two European Regions: a Case Study Comparison”, *The Journal of Technology Transfer*, 39(3).
19. Guerrero, M., J. A., Cunningham and D. Urbano (2015). “Economic Impact of

- Entrepreneurial Universities' Activities: an Exploratory Study of the United Kingdom", *Research Policy*, 44(3).
20. Guerrero, M. and D. Urbano (2012). "The Development of an Entrepreneurial University", *The Journal of Technology Transfer*, 37(1).
21. Jeng, D. J. F. and G. H. Tzeng (2012). "Social Influence on the Use of Clinical Decision Support Systems: Revisiting The Unified Theory of Acceptance and Use of Technology By the Fuzzy DEMATEL Technique", *Computers and Industrial Engineering*, 62(3).
22. Jeng, D. J. F. (2015). "Generating a Causal Model of Supply Chain Collaboration Using the Fuzzy DEMATEL Technique", *Computers and Industrial Engineering*, 87.
23. Kirby, D. A. (2002). *Entrepreneurship*, Maidenhead, England, McGraw-Hill.
24. Liu, H. C., J. X. You, C. Lu and Y. Z. Chen (2015). "Evaluating Health-Care Waste Treatment Technologies Using a Hybrid Multi-Criteria Decision Making Model", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 41.
25. Li, C. W. and G. H. Tzeng (2009). "Identification of a Threshold Value for the DEMATEL Method Using the Maximum Mean De-Entropy Algorithm to Find Critical Services Provided by a Semiconductor Intellectual Property Mall", *Expert Systems with Applications*, 36(6).
26. Quader, M. A., S. Ahmed, R. A. R. Ghazilla, S. Ahmed and M. Dahari (2016). "Evaluation of Criteria for CO2 Capture and Storage in the Iron and Steel Industry Using The 2-Tuple DEMATEL Technique", *Journal of Cleaner Production*, 120.
27. Robertson, I. (2008). Comment: How universities and graduates can thrive, <http://www.independent.co.uk/student/career-planning/getting-job/comment-how-universities-nd-graduates-can-thrive-918572.html>.
28. Rothaermel, F. T., S. D Agung and L. Jiang (2007). "University Entrepreneurship:

A Taxonomy of the Literature”, *Industrial and Corporate Change*, 16(4).

29. Sam, C. and P. Van Der Sijde (2014). “Understanding the Concept of the Entrepreneurial University From the Perspective Of Higher Education Models”, *Higher Education*, 68(6).
30. Shattock, M. (2005). “European Universities for Entrepreneurship: Their Role in the Europe of Knowledge the Theoretical Context”, *Higher Education Management and Policy*, 17(3).
31. Thakkar, J., A. Kanda and S. G. Deshmukh (2007). “Evaluation of Buyer-Supplier Relationships Using an Integrated Mathematical Approach of Interpretive Structural Modeling (ISM) and Graph Theoretic Matrix: The Case Study of Indian Automotive Smes”, *Journal of Manufacturing Technology Management*, 19(1).
32. Tzeng G. H, C. H Chiang, and C.W Li (2007). “Evaluating Intertwined Effects in E-Learning Programs: A Novel Hybrid MCDM Model Based on Factor Analysis and DEMATEL”, *Expert Systems With Applications*, 32(4).
33. Urbano, D. and M. Guerrero (2013). “Entrepreneurial Universities: Socioeconomic Impacts of Academic Entrepreneurship in a European Region”, *Economic Development Quarterly*, 27(1).
34. Venkataraman, S. (2004). “Regional Transformation Through Technological Entrepreneurship”, *Journal of Business Venturing*, 19(1).
35. Warfield, J. N. (1974). “Developing Subsystem Matrices in Structural Modeling”, *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics*, (1)
36. Wu, W. S., C. F. Yang, J. C. Chang, P. A. Château and Y. C. Chang (2015). “Risk Assessment by Integrating Interpretive Structural Modeling and Bayesian Network, Case of Offshore Pipeline Project”, *Reliability Engineering and System Safety*, 142.

37. Wong, P. K., Y. P Ho and A. Singh (2007). "Towards an "Entrepreneurial University" Model to Support Knowledge-Based Economic Development: The Case of The National University of Singapore", *World Development*, 35(6).
38. Wei, P. L., J. H Huang, G.H Tzeng and S.I. Wu (2010). "Causal Modeling of Web-Advertising Effects by Improving SEM Based on DEMATEL Technique", *International Journal of Information Technology and Decision Making*, 9(5).
39. Wu W.W and Y.T. Lee (2007). "Developing Global Managers' Competencies Using The Fuzzy DEMATEL Method", *Expert Systems With Applications*, 32(2).
40. Xiong, G., L. Li and J. Hao (2010). "2-Tuple Linguistic Fuzzy ISM and its Application", In *Fuzzy Information and Engineering*, Heidelberg.



## فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۰۸۰۲۰۰۴۲۹۰۰۲۱۷۰، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

**بهای اشتراک:** درخواست سالانه ۴ شماره ۱۲۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

**نشانی:** تهران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

### فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ..... ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام .....

به نشانی زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: ..... شغل: ..... تحصیلات: .....

نشانی: .....

کد پستی: ..... تلفن: ..... دورنگار: .....

**E-mail:**.....

## شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته‌شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
  ۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به‌طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
  ۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
  ۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود و درج فرمول‌ها با استفاده از نرم افزار Maht type ضروری است.
  ۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
  ۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
  ۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
  ۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
  ۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
- منابع فارسی: نام خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
- منابع لاتین: صفحه: سال نشر، نام خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).
- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:
- الف - کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
- ب - مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

# خلاصہ انجلیسی مقالات

## **The Explanation of the Entrepreneurial University Model through FDISM Approach**

*Hossein Samadi Miarkolae, Hamzeh Samadi Miarkolae*

The research aims to explain a model for the development of entrepreneurial university. This study, in terms of purpose, is an applied research, and in terms of data collection, is a descriptive-survey study. The statistical population of this research includes experts and experienced professors in the field of entrepreneurial university in Mazandaran University which selected in a target way. In this research, the DEMATEL-Based Interpretive-Structural Modeling (DISM) approach in the Fuzzy environment is utilized in order to plan a structural model as well as establish cause and effect relationships. Results showed that, four variables have had causation role but seven variables have had effectuation roles. The findings of Fuzzy Weighting approach showed that, the index of power and influence over universities has the greatest importance among other indices. Also, FDISM approach showed that the variables are divided into four levels that the vision and mission variables considered as an infrastructural factor which has the highest importance.

**Keywords:** *Entrepreneurial University; Higher Education; Knowledge-Based Economy; Interpretive-Structural Modeling (ISM)*

## **Comparative study of the Status of Judicial Proceedings Legality in the Iranian and French Legal Systems**

*Jaafar JamshidPour, Ghafor Khoeini, Farhad Tajari*

The validity of judicial procedures differs in Common and Statutory laws. Contrary to the common law system, the privileged position of the statutory law in the Roman-German legal system has always marginalized other sources of law, in particular the judicial process. Unfortunately, such thinking has been dominated by Romani-Germanic families that on one hand, only laws can be influenced in the legal system for a long time as well as rule of laws can be only established by them. Also, they stressed on the monopoly role of the law as an inevitable prerequisite for the establishment of democracy as well as the preservation of individual rights and freedoms. On the other hand, only representatives have rights to adopt laws and regulations that only the judiciary system could be thereby enforced them. While a group of lawyers do not deny the spiritual impact of laws as well as their effective role of judicial procedures in the development of rights, they aren't be taken into consideration as the source of law (in the legal system) for various reasons by other group. Examining different point of views mentioned above, a chosen idea addresses that in a general sense, the judicial process creates a certain kind of law which is observed non-mandatory rules by the courts as well as it should be considered as part of law sources.

*Keywords: Procedural Law; Sources of Law; Separation of Powers; Validity of the Case*

## **The Analysis of Iraqi Kurdistan's independence through emphasizing the role of each regional and Trans-regional Powers**

*Ali Shiari, Mohammad Hosein Farhanigi*

With respect to the Kurds' living on the border of the four countries including Iraq, Syria, Turkey and Iran, any changes can disrupt balance of powers as well as create regional and trans-regional sensitivities and tensions. Also, in the Middle East, the fall of Saddam Hussein and the rise of ISIL have undermined the central government of Iraq but strengthened the independence of Iraqi Kurdistan. Iraqi leaders declared Kurdistan's independence in light of the intense conflicts between the regional countries as well as hoping to use the Zionist golden leaf to encourage the United States to support the Kurdistan region. The declaration of Iraqi Kurdistan's independence regardless of Iraqi people's votes, disrupted the regional balance of power and thereby let to pose threats to national security of other countries. The declaration of independence turned Iraqi Kurdistan into the competitive arena as well as make conflicts between regional and trans-regional powers. This paper aims to investigate the process of Iraqi Kurdistan independence by Barezani government as well as seeks to address the obstacles and challenges facing Iraqi Kurdistan independence in the Middle East. The current study seeks to response the question of what are the challenges facing Kurdistan's independence in the Middle East? The research develops this hypothesis which follows this hypothesis that Iraqi Kurdistan's independence has faced numerous challenges in three national, regional and trans-regional levels through using descriptive-analytical method based on the realism theory. The findings show that due to the domestic conditions (the conflicts between the government and Iraqi groups and parties as well as Kurdish clashes, regional conditions (opposition of Iran, Turkey, Syria and Arabs) and trans-regional conditions (lack of serious support by United States, Europe and even Russia), the realization of Iraqi Kurdistan's independence as well as the establishment of independent Kurdish government is impossible.

**Keywords:** *Iraqi Kurdistan Independence; Iraqi developments; Regional and Trans-regional Powers; Iran*

## Spreading “Muharebah” to “Piracy” from the Perspective of Fiqh and Iranian Criminal Law

*Amir Maghami, Javad Rostami*

Piracy has a long history as same as the (history) of domination of mankind on the seas. In recent years, it is a serious threat to the international trade exchanges due to some reasons such as change of the pattern of pirates' treatment which has been usually spread as hostage and blackmail. But “piracy” which has been considered as one of the first universal jurisdiction crimes, has not been criminalized especially as an independent criminal law or description called “piracy” yet. The current descriptive and analytical research shows that according to the Iranian Penal Code, measures which have been taken by pirates usually is like the war (“Muharebah”) as well as their behaviors which often threat the security of the seas was taken into consideration as an example of Muharebah. Therefore when Iranian forces capture pirates in the high seas, Iranian courts can trial and punish them legally as perpetrators of “Muharebah”.

**Keywords:** *Piracy; High Sea; War (Muharebah); Fiqh Shia; Iranian Criminal Law; Jurisdiction*

## **Planning a Framework of Sustainable Development Policymaking through ISM- IPA Approach**

*Abbas Rezaei Pandari*

The Sustainable Development Goals (SDGs) are considered as a part of 2030 agenda for sustainable development which UN member states adopted at the UN sustainable development summit in September 2015. The SDGs as a development framework include 17 major objectives in social, economic and environmental areas of sustainable development which are considered as an important idea and can finally help the world to achieve a sustainable development. While the relative issues of 2030 agenda for sustainable development have been addressed so much, the paper has been limited to only a few prominent initiatives focus on (major issues of ) surveying the relationship between SDGs and their priorities. In this paper, soft OR method, Interpretive Structural Modeling and Importance Performance Analysis (ISA-IPA) have been used to provide a model for making policy on SDGs in Iran. In order to identify the relationship as well as the importance of SDGs, 10 interviews were conducted with experts of sustainable development. Then, a new framework for the classification as well as prioritization of SDGs were provided based on Importance Performance Analysis (IPA) which has been reported about Iran reported for achieving SDGs. Results indicate that Iranian prioritized goals differ greatly from what has been originally perceived and addressed under the SDGs. The following goals including, “clean water and sanitation”, “industry, innovation and infrastructure”, “peace, justice and strong institutions” and “partnership for the implementation of goals” have been identified as the highest priorities which should be more taken into consideration by policy makers to adopt major policies (of our country). Furthermore it should be stated that ISM-IPA approach as an innovative method of policy making has been used in this paper to illustrate capabilities of modelling as well as prioritization of the SDGs.

**Keywords:** *Sustainable Development Goals (SDGs); 2030 Agenda; Interpretive Structural Modeling (ISM); Importance Performance Analysis (IPA); Development Policymaking*



## **Good Urban Governance as the Authority of Urban Policymaking: The analysis of the contents of the Fifth and Sixth Development Plans of the Islamic Republic of Iran**

*Abolfazl Ghasemi, Mohammad Taghi Ghezelsofla, Yousef Moslemi Mohani*

In recent years, due to the diverse potential of the Iranian Constitution, urban government has become a fundamental issue in urban policymaking but it has a small share of good urban governance. In the study, from the point of public policy view as well as with emphasis on the authorities, the adaptation of the Fifth and Sixth Development Plans with good urban governance is addressed. The main question which is raised refers to how will the urban policy be made accordance with the Fifth and Sixth Development Plans? The theoretical framework of the research is based on the theory of good urban governance of the habitants. Qualitative content analysis as well as documentary method of data collection are used in this research. Findings of the research show that the authority of urban policies cannot provide a clear definition of the position of Iranian urban governance so officials' demands and expectations from urban governance haven't been identified as well as there is still a centralized and top-down view. Consequently, the ambiguity of urban governance authority which led to the process of adoption, implementation and evaluation policies to fulfill the objectives of urban governance development

**Keywords:** *The Fifth and Sixth Development Plans; Urban Policy; Urban Governance and Authority*

## **Policy Implications of Iranian Transition to Knowledge-based Economy: The Application of Effective Science toward the Islamic-Iranian Development Model**

*Ali Asghar Pourezat, Behnam Abdi*

Knowledge-based economy considers the knowledge production and its application as the main root of wealth production. Definition of the mechanism as well as identification of the effective factors on the production and knowledge application have inevitable roles in this economic system efficacy so that their relationships can prepare a way for improving the performance of other sectors. Undoubtedly, understanding the situational conditions of new economy and its requirements should be considered necessarily to achieve the goals such as higher economic ranking, economic competitiveness, sustainable growth and development which are mentioned in the macro policies. Thus, the Islamic-Iranian model of development has been seriously taken into consideration as major strategic document due to the existing deficiencies of current development models as well as incompatible upstream documents such as path dependency, ex-post studies and bounded rationality that represent in evolutionary economy. As a result, this research investigates the policy implications and its prominent factors as well as identifies the transition to knowledge-based economy through taking account the Islamic-Iranian development model. This inductive and qualitative research is based on grounded theory strategy which introduces the main dimensions and policy implications. Results showed that the approach should be addressed more seriously.

**Keywords:** Knowledge-based Economy; Islamic-Iranian Development Model; Policy Implications; Transition; Sustainable Development

## **Russian Neo-Eurasianism and Balance of Power in the East of Mediterranean**

*Hossein Athari, Mohsen Bakhtiari Jami*

Foreign policy of Yeltsin Presidency in Russia was contradicted with the Russian nationalists who wanted to revive its great power in the world. Hegemonic Neo-Eurasianism idea as well as restoring lost power of the former Soviet (Union)-dominated geopolitical zones led to destroy its integrative relations with the US. The priority of restoring power in the Soviet-dominated geopolitical zones led to form regional and military coalitions in a bid to achieve balance of power as well as to form a multipolarity system. In fact, Russian Neo-Eurasians policies could aggregate the transition to uni-multipolarity system at the turn of the century (21 century) through balance of military power as well as strategic alliances. The occurrence of regional crises in the Russian- US relations in the Eastern Europe as well as the Black Sea which extended to the geopolitics of the Eastern Mediterranean and Southern borders of the NATO's member reinforced the tendency to reach regional order. According to the findings of research, Russia's balanced approach to American hegemony in the Mediterranean was formed through the Syria's terrorist attacks which gradually led to the strategic (deep) gap between the United States and Turkey. Also, Strategic arms deployment in the Eastern Mediterranean led to form a chain of strategic military coalitions with coastal/regional countries that fall within the framework of neo-regionalism. The importance of Russia's aggressive realism approach to reach balance of power during the new Cold War has brought about the strategic confrontation with NATO-Southern Mediterranean regions. Russia's all-out attacks against terrorism is win-win approach to form new regional order and military unilateralism against the US hegemony as well as extending its geopolitical influence into the Southern Mediterranean. This paper seeks to examine impacts of the Neo- Eurasianism approach on the formation of US unilateralism which will be promisingly lead to establish a multi-polar system through organizing regional and military alliances against the US hegemony.

*Keywords: Strategy; Geopolitics; Balance of Power; Eurasianism; Hegemony*

## **An analysis of Iranian Foreign Policy Challenges Facing the International System's Human Rights Norms, Based on the CLA Approach**

*Yahya Fozi, Mohammad MahmoudiKia*

Human rights challenges have always been a source of pressure on Iran over the past four decades. This article explores the reasons of these challenges in four analysis of Litany, Empirical, Discourse and Mythological levels through using a causal layered analysis (CLA) in a combinative way. Also appropriate strategies have been developed to deal with them (challenges) in each layer. According to the findings of the research, in the first layer of the reasons, Litany, we face a media controversy as well as an advertising exaggeration which the most identified factors in the first layer include major issues such as executions, women's rights and (wearing) their veil or Hijab, rights of religious Minorities, journalists, and political activists.

In the second layer, various political, legal, technological and cultural reasons were identified based on surveying academic works and researches. Roles of the West-based discourse in the global system as well as the Western-backed discourse which was raised in the surrounding countries have been discussed in the third layer. In the fourth layer, significant factors such as the humanism, liberalism, and pluralism myths were explained. Finally, short-term, mid-term and long-term strategies were suggested in order to identify the reasons in each layer.

**Keywords:** *Challenges; Human Rights; Islamic Republic of Iran; Foreign Policy; Casual Layered Analysis (CLA)*

include two categories of inter-organizational and intra-organizational measures which leads to the creation of economic value and the promotion of welfare of the society as outsourced actions at the macro-organizational level as well as results in rising companies' competition and long-term survival at the micro-organizational levels.

**Keywords:** *Strategic Agility; Qualitative Research Method; Agility; Grounded Theory (Method); Knowledge-Based Company*

## **Planning a Conceptual Model of Strategic Agility for Knowledge-Based Companies**

*Asma Soltannejad, Ali Morovati Sharif Abadi, Habib Zare Ahmadabadi, Ahmad Jaafarnejad*

Given the role of knowledge-based companies in the economy of developing countries, the study aims to plan as well as implement a strategic agility model for knowledge-based companies to help them adapting to the increasingly changing environment and their successful performance. This model was carried out through using a qualitative approach and based on the Grounded Theory Method. Purposeful sampling as well as snowball technique were used to select the research samples. After conducting the interview with 14 experts through using the Grounded Theory method, a paradigm model of strategic agility was planned.

In the context of causal concepts, significant factors such as rising competition, increasing the complexity and dynamics of the environment, identifying the market and organizational survival were recognized. In terms of intervener concepts: individual competencies of employees, the ability to adapt to changing environmental conditions, the existence of financial and human resource constraints, the impact of corporate management, the role of the company's nature are addressed. But in the context of the underlying conditions of contextual concepts, there are two categories of limiting factors such as not conducive to the business environment and encouraging factors such as government supportive policies. The axial phenomenon is a strategic agility process in which the organization identifies environmental changes and their comprehension through a conscious understanding as well as considering strategic development. Also, it is seeking to overcome inherent constraints through leveraging strengths and applying creative methods of solving problem. Moreover, the time of decision making on strategic issues can be reduced through convincing and motivating human resources as well as redirecting organizational resources can lead to operational changes of the strategic plan. Strategic agility mechanisms

## **The Investigation of Effects of Exchange Rate Volatility on Export and Value Added of Iranian Food Industries (Application of Structural Vector Auto-Regression Model)**

*Mohammadreza Kohansal, Mehdi Mahmoodi*

The sub-branch of food industry is considered as one of the most profitable communicative ways between industry and agriculture sectors also prerequisite for an industrialization strategy as well as providing food security in our country. The study tries to examine effect of exchange rate volatility on Iranian food Industries exports and value added within the SVAR framework during 1972-2015. The examined variables include of food Industries exports, exchange rate volatility, value added, inflation rate, and Iranian trade-offs. The results showed that short-run effects of trade-offs and inflation rate variables are negatively correlated but value-added and exchange rate volatility variables are correlated to food exports positively. Moreover according to the results, all long-run variables have positive relationships with food Industries exports. Also, it is suggested that significant issues such as inflation control and the improvement of short-run exchange trade-offs should be put into the agenda by the government. Also, results indicate that exchange rate volatility increase export volume only in short-run (at the beginning of the period) but in the following periods show less exporters' activities than importers as well as volume of food industry exports will be reduced. Therefore, due to direct and positive long-run exchange rate volatility effects on food exports as well as these industries' roles in the development of value added, the development of food exports products which focused on the expansion of these industries as well as using of agricultural complementary industries in order to increase shelf life of food products are proposed. Also, since exchange rate volatility increases food exports in a short-run only in the first period, it is suggested to investigate risks of food-related activities as well as food price instability and regulated market for the future studies.

**Keywords:** *Food Industries; Exchange Rate Volatility; Value added; Inflation Rate; SVAR.*

## **Political Economy of Corruption in the Islamic Republic of Iran**

*Seyed Jamal Jamali Oskooi, Ahmad Bakhshayeshi Ardestani, Mir Ghasem Banihashem*

The study aims analyze factors of economic corruption in the Islamic Republic of Iran from the perspective of political economy. The main question is raised that what are the reasons or factors of the Iranian economic corruption? What are the most important political and economic components? Which institutions can affect the corruption? In this regard, after addressing the conceptual and theoretical underpinnings as well as theories of corruption, this question was answered through a survey of experts including academics, institutional experts and managers. Kendall's W. concordance coefficient as well as data analysis have been used in this article in a bid to examine elites' consensus on the reasons of (economic) corruption. Findings of the study indicate that the structure and pattern of governing political economy on national economy as well as the Iranian society have been effective roles in creating and maintaining the corruption in the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** *Corruption; Economic Corruption; Political Economy; Political Economy of Corruption; Islamic Republic of Iran*



## **Water Crisis and Inter-Provincial Immigration in Iran: An Application of SGMM-DPD Model**

*Younes Nademi, Seysd Parviz Jalili Kamjoo*

The study aims to evaluate the effects of changes in surface water resources and extraction of groundwater resources on net migration in 28 Iranian provinces during 2003-2016 through using the SGMM-DPD model within the framework of Arelano-Bond/ Blundell-Bond estimators. Results of the (estimator) model have been shown that the extraction of groundwater resources has a nonlinear and threshold effect on inter-provincial migration. That means, before the threshold level for per capita of 3343 cubic meters, the extraction of water through strengthening agricultural sector has a negative impact on migration but after abnormal extraction of groundwater resources and exceeding over the threshold level for per capita of 3343 cubic meters also increasing the probability of drought risk and famine of groundwater resources, this variable has a positive effect on net migration. Thus, the threshold level of groundwater resources extraction for per capita of 3,343 cubic meters is considered as a risk to widespread inter-provincial immigration. But due to the acute (surface) water resources shortage to supply water in the provinces which cannot be provided an enough incentive for immigration, the variability of surface water resources has not a significant impact on immigration.

***Keywords:** Immigration; Groundwater; Surface Water; SGMM-DPD-SDM*

# **English Abstracts**



**Publisher: Majlis Research Center**

**Director in Charge: Ghasemi, M.**

**Editor-in-Chief: Sobhani, H.**

**Managing Editor: Khoei, S. M.**

## **Editorial Board:**

**Afshin, H.** (Associate Professor, Faculty of Mechanical Engineering Sharif University)

**Beygzade, E.** (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

**Daneshfard, K.** (Professor, Faculty of Management, Islamic Azad University Science and Research Branch)

**Esmaeili, M.** (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

**Jalali, K.** (Expert, Assistant Professor, Faculty of Political Science, Islamic Azad University)

**Ghasemi, M.** (Expert, Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Masoudi Asl, I.** (Associate Professor, Majlis Research Center)

**Naderan, E.** (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Sadeghy Moghadam, M.H.** (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

**Sadra, A.** (Professor, Faculty of Political Science, University of Tehran)

**Sobhani, H.** (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Taghizadeh, F.** (Associate Professor, Faculty of Physics, Yasouj University)

**Editorial Advisory Board:** Aghaee, S. D; Aghajani, H. A; Ahmadi, A; Amini, A; Arashpour, A; Azar, A; Bazargan Harandi, A; Dabirnia, A. R; Esmaeili, M. M; Ezati, M; Hashemi, S. A; Javanali Azar, M; Majed, V; Mazhari, M; Mehrabani, V; Minavand, M.G; Moradian, M; Mottaki, M; Mousavinia, S.R; Nabavi, S.M; Nahavandi, B; Nazari, A. A; Nowruzi, N; Rahbar, F; Rahimi, F; Rahmdel, N; Rezari Pandari, A; Nile chi, M. R; Seyed Aghaee, D; Seyed morteza Hosseini, R; Sobhani, H; Talebi Arani, R; Tohidi, A. R; Zare, Sh.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

## **Majlis Research Center,**

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St. Tehran, Iran

**Publication (Ahmadi, Z):** +9821-75183283

**Fax:** +9821-75183186

**Subscription:** +9821-75183149

nashr.majles.ir

mrcmag@majles.ir

rc.majles.ir

**Editor:** Atarodi, N.

**English Editor:** Ghasemi Naraghi, S.

**Lay Out:** Jadidi, A.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.